# ترجمه

# قرآن کریم

ناصر مکارم شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

# ترجمه قرآن کریم - مکارم شیرازی

نویسنده:

آیت الله ناصرمکارم شیرازی

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## قرآن کریم با ترجمه آیت الله مکارم شیرازی

### مشخصات کتاب


عنوان قراردادی : قرآن. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : القرآن الکریم/ ترجمه مکارم شیرازی؛ خطاط عثمان طه؛ تحقیق و تصحیح هیئت علمی دار القرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی محمدرضا انصاری ... [و دیگران]

مشخصات نشر : تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری : [۶۰۸] ص با جلد زیپ دار؛ ۸ X۱۳س م

شابک : ۹۶۴-۷۰۹۸-۱۴-۶ ؛ ۹۶۴-۷۰۹۸-۱۴-۶

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : عنوان دیگر: قرآن مجید.

عنوان دیگر : قرآن مجید.

عنوان دیگر : قرآن مجید

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۵ - ، مترجم

شناسه افزوده : انصاری محلاتی، محمدرضا، ویراستار

شناسه افزوده : طه، عثمان، خطاط

شناسه افزوده : دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. دار القرآن الکریم

شناسه افزوده : دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی

رده بندی کنگره : BP۵۹/۶۶/م ۷ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۴۱

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۱-۴۴۲۳

## جزء ۱

### سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. (۲)

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

(خداوندی که) بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته). (۳)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

(خداوندی که) مالک روز جزاست. (۴)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

(پروردگارا!) تنها تو را می پرستیم؛ و تنها از تو یاری می جوییم. (۵)

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)

ما را به راه راست هدایت کن... (۶)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده ای؛ و نه گمراهان. (۷)

ص: ۱

### سوره البقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده الفبا به وجود آورده). (۱)

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲)

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. (۲)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳)

(پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است ] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند؛ و به رستاخیز یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند؛ و آنان رستگارانند. (۵)

ص: ۲

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶)

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. (۶)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)

خدا بر دلها و گوشهای آنان مهر نهاده؛ و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (۸)

گروهی از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم.» در حالی که ایمان ندارند. (۸)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۹)

می خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند؛ (اما) نمی فهمند. (۹)

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دلهای آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغهایی که میگفتند، عذاب دردناکی در

انتظار آنهاست. (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «در زمین فساد نکنید» می گویند: «ما فقط اصلاح کننده ایم»! (۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ (۱۲)

آگاه باشید! اینها همان مفسدانند؛ ولی نمی فهمند. (۱۲)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (۱۳)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «همانند (سایر) مردم ایمان بیاورید!» می گویند: «آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» بدانید اینها همان ابلهانند ولی نمی دانند! (۱۳)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (۱۴)

و هنگامی که افراد باایمان را ملاقات می کنند، و می گویند: «ما ایمان آورده ایم!» (ولی) هنگامی که با شیطانهای خود خلوت می کنند، می گویند: «ما با شمائیم! ما فقط (آنها را) مسخره می کنیم!» (۱۴)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِی طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵)

خداوند آنان را استهزا می کند؛ و آنها را در طغیانشان نگه می دارد، تا سرگردان شوند. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)

آنان کسانی هستند که «هدایت» را به «گمراهی» فروخته اند؛ و (این) تجارت آنها سودی نداده؛ و هدایت نیافته اند. (۱۶)

ص: ۳

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِی ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ (۱۷)

آنان [= منافقان ] همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند؛ و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی کند، آنها را رها می سازد. (۱۷)

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸)

آنها کران، گنگها و کورانند؛ لذا (از راه خطا) بازنمی گردند! (۱۸)

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)

یا همچون بارانی از آسمان، که در شب تاریک همراه با رعد و برق و صاعقه (بر سر رهگذران) ببارد. آنها از ترس مرگ، انگشتانشان را در گوشهای خود می گذارند؛ تا صدای صاعقه را نشنوند. و خداوند به کافران احاطه دارد (و در قبضه قدرت او هستند). (۱۹)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُم مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

(روشنائی خیره کننده) برق، نزدیک است چشمانشان را برباید. هر زمان که (برق جستن می کند، و صفحه بیابان را) برای آنها روشن می سازد، (چند گامی) در پرتو آن راه می روند؛ و چون خاموش می شود، توقف می کنند. و اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنها را از بین می برد؛ چرا که خداوند بر هر چیز تواناست. (۲۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید. (۲۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [= جو زمین ] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد. بنابر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده اند، و نه شما را روزی می دهند). (۲۲)

وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر در باره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گویید! (۲۳)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدنهای مردم (گنهکار) و سنگها [= بتها] است،

و برای کافران، آماده شده است! (۲۴)

ص: ۴

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است.)» و میوه هایی که برای آنها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاك و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود. (۲۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

خداوند از این که (به موجودات ظاهرا کوچکی مانند) پشه، و حتی کمتر از آن، مثال بزند شرم نمی کند. (در این میان) آنان که ایمان آورده اند، می دانند که آن، حقیقتی است از طرف پروردگارشان؛ و اما آنها که راه کفر را پیموده اند، (این موضوع را بهانه کرده) می گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟!» (آری،) خدا جمع زیادی را با آن گمراه، و گروه بسیاری را هدایت می کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد! (۲۶)

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲۷)

فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، میشکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد میکنند؛ اینها زیانکارانند. (۲۷)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

چگونه به خداوند کافر می شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی روحی) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می شوید. (بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست). (۲۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹)

او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. (۲۹)

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَهِ إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِیهَا مَن یُفْسِدُ فِیهَا وَیَسْفِکُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَنُقَدِّسُ لَکَ قَالَ إِنِّی أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده ای ] قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است،) ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید.» (۳۰)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ کُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلَائِکَهِ فَقَالَ أَنبِئُونِی بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (۳۱)

سپس علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات ] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!» (۳۱)

قَالُوا سُبْحَانَکَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّکَ أَنتَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ (۳۲)

فرشتگان عرض کردند: «منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی.» (۳۲)

قَالَ یَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکُمْ إِنِّی أَعْلَمُ غَیْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا کُنتُمْ تَکْتُمُونَ (۳۳)

فرمود: «ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن.» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: «آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را میدانم؟! و نیز میدانم آنچه را شما آشکار میکنید، و آنچه را پنهان میداشتید!» (۳۳)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبَی وَاسْتَکْبَرَ وَکَانَ مِنَ الْکَافِرِینَ (۳۴)

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد. (۳۴)

وَقُلْنَا یَا آدَمُ اسْکُنْ أَنتَ وَزَوْجُکَ الْجَنَّهَ وَکُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَیْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونَا مِنَ الظَّالِمِینَ (۳۵)

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا می خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد. (۳۵)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّیْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا کَانَا فِیهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَکُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَی حِینٍ (۳۶)

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آیید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرارگاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.» (۳۶)

فَتَلَقَّی آدَمُ مِن رَّبِّهِ کَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ (۳۷)

سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است. (۳۷)

ص: ۶

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِیعًا فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُم مِّنِّی هُدًی فَمَن تَبِعَ هُدَایَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۳۸)

گفتیم: «همگی از آن، فرود آیید! هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند.» (۳۸)

وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۳۹)

و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود. (۳۹)

یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَإِیَّایَ فَارْهَبُونِ (۴۰)

ای فرزندان اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به یاد آورید! و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید، تا من نیز به پیمان شما وفا کنم. (و در راه انجام وظیفه، و عمل به پیمانها) تنها از من بترسید! (۴۰)

وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَنًا قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ (۴۱)

و به آنچه نازل کرده ام [= قرآن ] ایمان بیاورید! که نشانه های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)! (۴۱)

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَکْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)

و حق را با باطل نیامیزید! و حقیقت را با اینکه می دانید کتمان نکنید! (۴۲)

وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ وَارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ (۴۳)

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)! (۴۳)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكَمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)

آیا مردم را به نیکی (و ایمان به پیامبری که صفات او آشکارا در تورات آمده) دعوت می کنید، اما خودتان را فراموش می نمایید؛ با اینکه شما کتاب (آسمانی) را می خوانید! آیا نمی اندیشید؟! (۴۴)

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاهِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَهٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵)

از صبر و نماز یاری جوئید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است. (۴۵)

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶)

آنها کسانی هستند که می دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی او بازمی گردند. (۴۶)

يَا بَنِى إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای بنی اسرائیل! نعمتهایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید؛ و (نیز به یاد آورید که) من، شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (۴۷)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِى نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَهٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۸)

و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می شوند. (۴۸)

ص: ۷

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِى ذَلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹)

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند: پسران شما را سر می بریدند؛ و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (۴۹)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۵۰)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می کردید. (۵۰)

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَهً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱)

و (به یـاد آوریـد) هنگـامی را که با موسـی چهل شب وعـده گـذاردیم؛ (و او، برای گرفتن فرمانهای الهی، به میعادگاه آمـد؛) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید؛ در حالی که ستمکار بودید. (۵۱)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)

سپس شما را بعد از آن بخشیدیم؛ شاید شکر (این نعمت را) بجا آورید. (۵۲)

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳)

و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید. (۵۳)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و زمـانی را که موسـی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شـما بـا انتخاب گوساله (برای پرسـتش) به خود سـتم کردیـد! پس توبه کنیـد؛ و به سوی خالق خود باز گردیـد! و خود را [=یکـدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شـما در پیشـگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه پذیر و رحیم است. (۵۴)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۵۵)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسـی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!» پس صاعقه شما را گرفت؛ در حالی که تماشا می کردید. (۵۵)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶)

سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) بجا آورید. (۵۶)

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷)

و ابر را بر شـما سایبان قرار دادیم؛ و «من» [= شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [= مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرسـتادیم؛ (و گفتیم:) «از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می نمودند. (۵۷)

ص: ۸

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

و (بـه خـاطر بیاوریـد) زمـانی را که گفـتیم: «در این شـهر [= بیت المقـدس ] وارد شویـد! و از نعمتهـای فراوان آن، هر چه می خواهیـد بخوریـد! و از در (معبـد بیت المقـدس) بـا خضوع و خشوع وارد گردیـد! و بگوییـد: «خداونـدا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.» (۵۸)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۵۹)

امـا افراد سـتمگر، ایـن سـخن را که به آنهـا گفته شـده بـود، تغییر دادنـد؛ (و به جـای آن، جمله اسـتهزاآمیزی گفتنـد؛) لـذا بر ستمگران، در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم. (۵۹)

وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۶۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسـی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دسـتور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگـاه دوازده چشـمه آب از آن جوشـید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسـرائیل)، چشـمه مخصوص خود را می شناختند! (و گفتیم:) «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!» (۶۰)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و (نیز به خاطر بیاوریـد) زمانی را که گفتید: «ای موسـی! هرگز حاضـر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست تر را به جـای غـذای بهتر انتخاب می کنیـد؟! (اکنون که چنین است، بکوشـید از این بیابان) در شـهری فرود آئیـد؛ زیرا هر چه خواستیـد، در آنجـا برای شـما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شـد؛ و باز گرفتار خشم خـدائی شدنـد؛ چرا که آنـان نسـبت به آیـات الهی، کفر می ورزیدنـد؛ و پیـامبران را به ناحق می کشـتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (۶۱)

ص: ۹

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [= پیروان یحیی ] هر گاه به خـدا و روز رسـتاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداشـشان نزد پروردگارشان مسـلم است؛ و هیچ گونه ترس و انـدوهی برای آنهـا نیست. (هر کـدام از پیروان ادیـان الهی، که در عصـر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده

اند، مأجور و رستگارند.) (۶۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۶۳)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم؛ (و به شما گفتیم:) «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده ایم، با قدرت بگیرید؛ و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید)؛ شاید پرهیزکار شوید!» (۶۳)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۶۴)

سپس شما پس از این، روگردان شدید؛ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید. (۶۴)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۶۵)

به طور قطع از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید! ما به آنها گفتیم: «به صورت بوزینه هایی طردشده درآیید!» (۶۵)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۶۶)

ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسلهای بعد از آنان، و پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم. (۶۶)

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۶۷)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند؛ و غوغا خاموش گردد.)» گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می برم از اینکه از جاهلان باشم!» (۶۷)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (۶۸)

گفتند: «(پس) از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده گاو چگونه ماده گاوی باشد؟» گفت: خداوند می فرماید: «ماده گاوی است که نه پیر و از کار افتاده باشد، و نه بکر و جوان؛ بلکه میان این دو باشد. آنچه به شما دستور داده شده، (هر چه زودتر) انجام دهید.» (۶۸)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ (۶۹)

گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد رنگ آن چگونه باشد؟ «گفت: خداوند می گوید: «گاوی باشد زرد یکدست، که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد.» (۶۹)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّکَ یُبَیِّن لَّنَا مَا هِیَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَیْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰)

گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوی باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد!» (۷۰)

قَالَ إِنَّهُ یَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِیرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِی الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِیَةَ فِیهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا کَادُوا یَفْعَلُونَ (۷۱)

گفت: خداوند می فرماید: «گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده؛ و نه برای زراعت آبکشی کند؛ از هر عیبی برکنار باشد، و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد.» گفتند: «الان حق مطلب را آوردی!» سپس (چنان گاوی را پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند. (۷۱)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِیهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا کُنتُمْ تَکْتُمُونَ (۷۲)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فردی را به قتل رساندید؛ سپس درباره (قاتل) او به نزاع پرداختید؛ و خداوند آنچه را مخفی می داشتید، آشکار می سازد. (۷۲)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا کَذَلِکَ یُحْیِی اللَّهُ الْمَوْتَی وَیُرِیکُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (۷۳)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند.) خداوند این گونه مردگان را زنده می کند؛ و آیات خود را به شما نشان می دهد؛ شاید اندیشه کنید!» (۷۳)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُم مِّن بَعْدِ ذَلِکَ فَهِیَ کَالْحِجَارَهِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَهِ لَمَا یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۷۴)

سپس دلهای شما بعد از این واقعه سخت شد؛ همچون سنگ، یا سخت تر! چرا که پاره ای از سنگها می شکافد، و از آن نهرها جاری می شود؛ و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد، و آب از آن تراوش می کند؛ و پاره ای از خوف خدا (از فراز کوه) به زیر می افتد؛ (اما دلهای شما، نه از خوف خدا می تپد، و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است!) و خداوند از اعمال شما غافل نیست. (۷۴)

أَفَتَطْمَعُونَ أَن یُؤْمِنُوا لَکُمْ وَقَدْ کَانَ فَرِیقٌ مِّنْهُمْ یَسْمَعُونَ کَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ یَعْلَمُونَ (۷۵)

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟! (۷۵)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِینَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ لِیُحَاجُّوکُم بِهِ عِندَ رَبِّکُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (٧۶)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می گویند: «ایمان آورده ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده،) می گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی فهمید؟!» (٧۶)



أَوَلَا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا یُسِرُّونَ وَمَا یُعْلِنُونَ (٧٧)

آیا اینها نمی دانند خداوند آنچه را پنهان می دارند یا آشکار می کنند می داند؟! (٧٧)

وَمِنْهُمْ أُمِّیُّونَ لَا یَعْلَمُونَ الْکِتَابَ إِلَّا أَمَانِیَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا یَظُنُّونَ (٧٨)

و پاره ای از آنان عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند؛ و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. (٧٨)

فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتَابَ بِأَیْدِیهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِیَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِیلًا فَوَیْلٌ لَّهُم مِّمَّا کَتَبَتْ أَیْدِیهِمْ وَوَیْلٌ لَّهُم مِّمَّا یَکْسِبُونَ (٧٩)

پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند! (٧٩)

وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن یُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٨٠)

و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته اید؟! -و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی ورزد- یا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید»؟! (٨٠)

بَلَی مَن کَسَبَ سَیِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (٨١)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود. (٨١)

وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (٨٢)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند. (٨٢)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ (٨٣)

و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما -جز عده کمی- سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردان شدید. (۸۳)



وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (٨۴)

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید؛ (و بر این پیمان) گواه بودید. (۸۴)

ثُمَّ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٨۵)

اما این شما هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می نمایید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می دهید و آنان را آزاد می سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می شوند. و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست. (۸۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (٨۶)

اینها همان کسانند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند؛ از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی شود؛ و کسی آنها را یاری نخواهد کرد. (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (٨٧)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟! (۸۷)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكَفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و (آنها از روی استهزا) گفتند: دلهای ما در غلاف است! (و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم. آری، همین طور است!) خداوند آنها را به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته، (به همین دلیل، چیزی درک نمی کنند؛) و کمتر ایمان می آورند. (۸۸)

ص: ۱۳

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹)

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند.) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد! (۸۹)

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹۰)

ولی آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است. (۹۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۱)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می شوند؛ در حالی که حق است؛ و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می کند. بگو: «اگر (راست می گویید، و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می رساندید؟!» (۹۱)

وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (۹۲)

و (نیز) موسی آن همه معجزات را برای شما آورد، و شما پس از (غیبت) او، گوساله را انتخاب کردید؛ در حالی که ستمگر بودید. (۹۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۳)

و (به یاد آورید) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم؛ و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم؛ (و گفتیم:) «این دستوراتی را که به شما داده ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!» آنها گفتند: «شنیدیم؛ ولی مخالفت کردیم.» و دلهای آنها، بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می دهد، اگر ایمان دارید!» (۹۳)

ص: ۱۴

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۹۴)

بگو: «اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویید!» (۹۴)

وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۵)

ولی آنها، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و خداوند از ستمگران آگاه است. (۹۵)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۶)

و آنها را حریص ترین مردم –حتی حریصتر از مشرکان– بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست. (۹۶)

قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷)

(آنها می گویند: «چون فرشته ای که وحی را بر تو نازل می کند، جبرئیل است، و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم!») بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خداست) چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می کند؛ و هدایت و بشارت است برای مؤمنان.» (۹۷)

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ (۹۸)

کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است؛ و) خداوند دشمن کافران است. (۹۸)

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹)

ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم؛ و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد. (۹۹)

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (١٠٠)

و آیا چنین نیست که هر بار آنها [=یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند.) آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند. (١٠٠)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (١٠١)

و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ گویی هیچ از آن خبر ندارند!! (١٠١)



وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠٢)

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر اینکه از پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمتهایی را فرامی گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد. و مسلما می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند!! (١٠٢)

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠٣)

و اگر آنها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!! (١٠٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١٠۴)

ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان

است.) و (آنچه به شما دستور داده می شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است. (۱۰۴)

مَّا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۱۰۵)

کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می دهد؛ و خداوند، صاحب فضل بزرگ است. (۱۰۵)

ص: ۱۶

مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۶)

هر حکمی را نسخ کنیم، و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن، یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟! (۱۰۶)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۰۷)

آیا نمی دانستی که حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؟! (و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!) و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند). (۱۰۷)

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِن قَبْلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۰۸)

آیا می خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای (نامعقولی را) بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! (و با این بهانه جویی ها، از ایمان آوردن سر باز زدند.) کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است. (۱۰۸)

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد -که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملا روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست. (۱۰۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۰)

و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست. (۱۱۰)

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَی تِلْکَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱)

آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!» (۱۱۱)

بَلَی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۱۲)

آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (بنابر این، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.) (۱۱۲)



وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَی عَلَی شَیْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَی لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَی شَیْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِکَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۱۳)

یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی (نزد خدا) ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند (و بر باطلند)»؛ در حالی که هر دو دسته، کتاب آسمانی را می خوانند (و باید از این گونه تعصبها برکنار باشند) افراد نادان (دیگر، همچون مشرکان) نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، در باره آنچه در آن اختلاف داشتند، داوری می کند. (۱۱۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَی فِی خَرَابِهَا أُولَئِکَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِی الدُّنْيَا خِزْیٌ وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱۴)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!! (۱۱۴)

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱۱۵)

مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست! (۱۱۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَل لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (۱۱۶)

و (یهود و نصاری و مشرکان) گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! -منزه است او- بلکه آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و همه در برابر او خاضعند! (۱۱۶)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۱۱۷)

هستی بخش آسمانها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: «موجود باش!» و آن، فوری موجود می شود. (۱۱۷)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۸)

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟! و یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می گفتند؛ دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است؛ ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه ها را برای اهل یقین (و حقیقت جویان) روشن ساخته ایم. (۱۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۹)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی! (۱۱۹)

ص: ۱۸

وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۲۰)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوسهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (۱۲۰)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۱)

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم [= یهود و نصاری ] آن را چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند؛ و کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند. (۱۲۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۲۲)

ای بنی اسرائیل! نعمت مرا، که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید! و (نیز به خاطر آورید) که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم! (۱۲۲)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۱۲۳)

از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود؛ و شفاعت، او را سود نمی

دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند! (۱۲۳)

وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بده!)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)». (۱۲۴)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۵)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!» (۱۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۲۶)

و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را -آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «(ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم؛) اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آنها را به عذاب آتش می کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند» (۱۲۶)

ص: ۱۹

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، (و می گفتند:) «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (۱۲۷)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی! (۱۲۸)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِکَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّکَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۲۹)

پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد، و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی (و بر این کار، قادری)!» (۱۲۹)

وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۳۰)

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی،) روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است. (۱۳۰)

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۳۱)

در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور! (و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت؛ و) گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (۱۳۱)

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۳۲)

و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر،) فرزندان خود را به این آیین، وصیت کردند؛ (و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:) «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [= تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!» (۱۳۲)

أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَکَ وَإِلَهَ آبَائِکَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۳)

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم.» (۱۳۳)

تِلْکَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۴)

آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست؛ و شما هیچ گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود. (۱۳۴)

ص: ۲۰

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۵)

(اهل کتاب) گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «(این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد،) بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!» (۱۳۵)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۶)

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم، و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم.)» (۱۳۶)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳۷)

اگر آنها نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند؛ و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند؛ و او شنونده و داناست. (۱۳۷)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۸)

رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام؛) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می کنیم. (۱۳۸)

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۹)

بگو: «آیا در باره خداوند با ما محاجه می کنید؟! در حالی که او، پروردگار ما و شماست؛ و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست؛ و ما او را با اخلاص پرستش می کنیم، (و موحد خالصیم).» (۱۳۹)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۰)

یا می گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند»؟! بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟! (و با اینکه می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید؟)» و چه کسی ستمکارتر است از آن کس که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست. (۱۴۰)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۱)

(به هر حال) آنها امتی بودند که درگذشتند. آنچه کردند، برای خودشان است؛ و آنچه هم شما کرده اید، برای خودتان است؛

و شما مسئول اعمال آنها نیستید. (۱۴۱)

ص: ۲۱

## جزء ۲

### ادامه سوره بقره

سَیَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِی کَانُوا عَلَیْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ یَهْدِی مَن یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۱۴۲)

به زودی سبک مغزان از مردم می گویند: «چه چیز آنها [= مسلمانان ] را، از قبله ای که بر آن بودند، بازگردانید؟!» بگو: «مشرق و مغرب، از آن خداست؛ خدا هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.» (۱۴۲)

وَکَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِی کُنتَ عَلَیْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن یَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن یَنقَلِبُ عَلَی عَقِبَیْهِ وَإِن کَانَتْ لَکَبِیرَةً إِلَّا عَلَی الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ وَمَا کَانَ اللَّهُ لِیُضِیعَ إِیمَانَکُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۱۴۳)

همان گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛) تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله ای را که قبلا بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است؛) و خدا هرگز ایمان [= نماز] شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است. (۱۴۳)

قَدْ نَرَی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ (۱۴۴)

نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمانِ حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست! (۱۴۴)

وَلَئِنْ أَتَیْتَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ بِکُلِّ آیَهٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَکَ وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّکَ إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِینَ (۱۴۵)

سوگند که اگر برای (این گروه از) اهل کتاب، هرگونه آیه (و نشانه و دلیلی) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان پذیر است!) و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود! (۱۴۵)

ص: ۲۲

الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ یَعْرِفُونَهُ کَمَا یَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِیقًا مِّنْهُمْ لَیَکْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ یَعْلَمُونَ (۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند! (۱۴۶)

الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ (۱۴۷)

این (فرمان تغییر قبله) حکمِ حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش! (۱۴۷)

وَلِکُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ أَیْنَ مَا تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۱۴۸)

هر طایفه ای قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است؛ (بنابراین، زیاد در باره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن،) در نیکی ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز،) حاضر می کند؛ زیرا او، بر هر کاری تواناست. (۱۴۸)

وَمِنْ حَیْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّکَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۹)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز،) روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست! (۱۴۹)

وَمِنْ حَیْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیْکُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِی وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِی عَلَیْکُمْ وَلَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۰)

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برنمی دارند،) دلیلی بر ضدّ شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می خواند.) از آنها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید! (۱۵۰)

کَمَا أَرْسَلْنَا فِیکُمْ رَسُولًا مِّنکُمْ یَتْلُو عَلَیْکُمْ آیَاتِنَا وَیُزَکِّیکُمْ وَیُعَلِّمُکُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَیُعَلِّمُکُم مَّا لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۱)

همان گونه (که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم،) رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند؛ و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد؛ و آنچه را نمی دانستید، به شما یاد دهد. (۱۵۱)

فَاذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِی وَلَا تَكْفُرُونِ (۱۵۲)

پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گویید و (در برابر نعمتهایم) کفران نکنید! (۱۵۲)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاهِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ (۱۵۳)

ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است. (۱۵۳)

ص: ۲۳

وَلَا تَقُولُوا لِمَن یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْیَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ (۱۵۴)

و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید! (۱۵۴)

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِینَ (۱۵۵)

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان! (۱۵۵)

الَّذِینَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِیبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آنِ خدائیم؛ و به سوی او بازمی گردیم!» (۱۵۶)

أُولَئِكَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)

اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت یافتگان! (۱۵۷)

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَهَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِ أَن یَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَیْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِیمٌ (۱۵۸)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه های) خداست! بنابراین، کسانی که حجِ خانه خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعیِ صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی رویّه مشرکان، که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیّت این دو مکان مقدّس نمی کاهد!) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است. (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِى الْكِتَابِ أَولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۹)

کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند؛ (۱۵۹)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰)

مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من توّاب و رحیمم. (۱۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۶۱)

کسانی که کافر شدند، و در حالِ کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود! (۱۶۱)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۱۶۲)

همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می مانند؛ نه در عذاب آنان تخفیف داده می شود، و نه مهلتی خواهند داشت! (۱۶۲)

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳)

و خدای شما، خداوند یگانه ای است، که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان (و دارای رحمت عام و خاصّ)! (۱۶۳)

ص: ۲۴

إِنَّ فِى خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِى تَجْرِى فِى الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّهٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۱۶۴)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند! (۱۶۴)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّهَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (۱۶۵)

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند؛ و آنها را همچون خدا دوست می دارند. امّا آنها که ایمان دارند، عشقشان به خدا، (از مشرکان نسبت به معبودهاشان،) شدیدتر است. و آنها که ستم کردند، (و معبودی غیر خدا برگزیدند،) هنگامی که عذاب (الهی) را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمامِ قدرت، از آنِ خداست؛ و خدا دارای مجازات شدید است؛ (نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند.) (۱۶۵)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (۱۶۶)

در آن هنگام، رهبران (گمراه و گمراه کننده) از پیروانِ خود، بیزاری می جویند؛ و کیفر خدا را مشاهده می کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه می شود. (۱۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (۱۶۷)

و (در این هنگام) پیروان می گویند: «کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم، تا از آنها [= پیشوایان گمراه ] بیزاری جوییم، آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند! (آری،) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت زایی به آنان نشان می دهد؛ و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد! (۱۶۷)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۶۸)

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! (۱۶۸)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱۶۹)

او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می دهد؛ (و نیز دستور می دهد) آنچه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید. (۱۶۹)

ص: ۲۵

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟! (۱۷۰)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱)

مَثَل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر،) صدا می زند؛ ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند؛ (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا

هستند؛ از این رو چیزی نمی فهمند! (۱۷۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۷۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید! (۱۷۲)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۷۳)

خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیرِ خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند بخشنده و مهربان است. (۱۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۴)

کسانی که کتمان می کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی کند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است. (۱۷۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَهِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (۱۷۵)

اینان، همانهایی هستند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده اند؛ راستی چقدر در برابر عذاب خداوند، شکیبا هستند!! (۱۷۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۱۷۶)

اینها، به خاطر آن است که خداوند، کتاب (آسمانی) را به حق، (و توأم با نشانه ها و دلایل روشن،) نازل کرده؛ و آنها که در آن اختلاف می کنند، (و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می آورند،) در شکاف و (پراکندگی) عمیقی قرار دارند. (۱۷۶)

ص: ۲۶

لَّيْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَهِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاهَ وَآتَى الزَّكَاهَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۷)

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) رویِ خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید؛) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند؛ نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود -به هنگامی که عهد بستند-وفا می کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است؛) و اینها هستند پرهیزکاران! (۱۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۸)

ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [= قاتل ] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. (۱۷۸)

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۹)

و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خِرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. (۱۷۹)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی ] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقّی است بر پرهیزکاران!» (۱۸۰)

فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۱)

پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند، گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیّت) را تغییر می دهند؛ خداوند، شنوا و داناست. (۱۸۱)

ص: ۲۷

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸۲)

و کسی که از انحرافِ وصیت کننده (و تمایل یک جانبه او به بعض ورثه)، یا از گناه او (که مبادا وصیّت به کار خلافی کند)

بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ (و مشمولِ حکم تبدیلِ وصیّت نمی باشد.) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۸۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید. (۱۸۳)

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴)

چند روز معدودی را (باید روزه بدارید!) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست؛ (همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان،) لازم است کفّاره بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کارِ خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید! (۱۸۴)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵)

(روزه، در چند روز معدودِ) ماهِ رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید! (۱۸۵)

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶)

و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (۱۸۶)

ص: ۲۸

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۸۷)

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ (و این کارِ ممنوع را انجام می دادید؛) پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند! (۱۸۷)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)! (۱۸۸)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۸۹)

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظامِ زندگیِ) مردم و (تعیینِ وقتِ) حج است». و (آن چنان که در جاهلیّت مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می پوشیدند، از درِ خانه وارد نمی شدند، و از نقبِ پشتِ خانه وارد می شدند، نکنید!) کارِ نیک، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از درِ خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید! (۱۸۹)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰)

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی دارد! (۱۹۰)

ص: ۲۹

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱)

و آنها را [= بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه ]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران! (۱۹۱)

فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۲)

و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳)

و با آنها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید! زیرا) تعدّی جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۳)

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴)

ماهِ حرام، در برابر ماهِ حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید.) و تمام حرامها، (قابلِ) قصاص است. و (به طور کلّی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدّی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! (۱۹۴)

وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵)

و در راهِ خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق،) خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۹۵)

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید،) آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد،) باید فدیه و کفّاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسّر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [= اهل مکّه و اطرافِ آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! (۱۹۶)

ص: ۳۰

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج، در ماه های معینی است! و کسانی که (با بستن احرام، و شروع به مناسک حج،) حج را بر خود فرض کرده اند، (باید بدانند که) در حج، آمیزش جنسی با زنان، و گناه و جدال نیست! و آنچه از کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می داند. و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید ای خردمندان! (۱۹۷)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (۱۹۸)

گناهی بر شما نیست که از فضلِ پروردگارتان (و از منافع اقتصادی در ایّام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج، پی ریزیِ یک اقتصادِ صحیح است). و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعَر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید. (۱۹۸)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹)

سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید! و از خداوند، آمرزش بطلبید، که خدا آمرزنده مهربان است! (۱۹۹)

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۲۰۰)

و هنگامی که مناسکِ (حج) ِ خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم، مردم دو گروهند:) بعضی از مردم می گویند: «خداوندا! به ما در دنیا، (*نیکی*) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره ای ندارند. (۲۰۰)

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱)

و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا (*نیکی*) عطا کن! و در آخرت نیز (*نیکی*) مرحمت فرما! و ما را از عذابِ آتش نگاه دار!» (۲۰۱)

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲)

آنها از کار (و دعای) خود، نصیب و بهره ای دارند؛ و خداوند، سریع الحساب است. (۲۰۲)

ص: ۳۱

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۰۳)

و خـدا را در روزهای معیّنی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شـتاب کنـد، (و ذکر خدا را) در دو روز انجـام دهـد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کنـد، (و سه روز انجام دهـد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسـی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد! (۲۰۳)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۲۰۴)

و از مردم، کسانی هسـتند که گفتار آنان، در زنـدگی دنیا مایه اعجاب تو می شود؛ (در ظاهر، اظهار محبّت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسخت ترین دشمنانند. (۲۰۴)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ (۲۰۵)

(نشـانه آن، این است که) هنگـامی که روی برمی گرداننـد (و از نزد تو خارج می شونـد)، در راه فساد در زمین، کوشـش می کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می سازند؛ (با اینکه می دانند) خدا فساد را دوست نمی دارد. (۲۰۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (۲۰۶)

و هنگـامی که به آنهـا گفته شود: «از خـدا بترسـید!» (لجـاجت آنـان بیشتر می شود)، و لجـاجت و تعصب، آنهـا را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است! (۲۰۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)

بعضـی از مردم (بـا ایمـان و فـداکار، همچون علی (ع) در «لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (۲۰۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۰۸)

ای کسـانی که ایمان آورده ایـد همگی در صـلح و آشتی درآییـد! و از گامهای شـیطان، پیروی نکنیـد؛ که او دشـمن آشـکار شماست (۲۰۸)

فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۰۹)

و اگر بعـد از این همه نشانه های روشن، که برای شـما آمـده است، لغزش کردیـد (و گمراه شدیـد)، بدانید (از چنگال عدالت خدا، فرار نتوانید کرد؛) که خداوند، توانا و حکیم است. (۲۰۹)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه ها و برنامه های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه هائی از

ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی گردد. (۲۱۰)

ص: ۳۲

سَلْ بَنِی إِسْرَائِیلَ کَمْ آتَیْنَاهُم مِّنْ آیَهٍ بَیِّنَهٍ وَمَن یُبَدِّلْ نِعْمَهَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۲۱۱)

از بنی اسرائیل بپرس: «چه اندازه نشانه های روشن به آنها دادیم؟» (ولی آنان، نعمتها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند.) و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است. (۲۱۱)

زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا الْحَیَاهُ الدُّنْیَا وَیَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَاللَّهُ یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (۲۱۲)

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزشهای حقیقی در آنجا آشکار می گردد، و صورت عینی به خود می گیرد؛) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (۲۱۲)

کَانَ النَّاسُ أُمَّهً وَاحِدَهً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِیهِ إِلَّا الَّذِینَ أُوتُوهُ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَیِّنَاتُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ فَهَدَی اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِیهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ یَهْدِی مَن یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۲۱۳)

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (امّا افراد بی ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند. (۲۱۳)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّهَ وَلَمَّا یَأْتِکُم مَّثَلُ الَّذِینَ خَلَوْا مِن قَبْلِکُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّی یَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَی نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِیبٌ (۲۱۴)

آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاریها و ناراحتیها به آنها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد؟!» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آنها گفته شد:) آگاه باشید، یاریِ خدا نزدیک است! (۲۱۴)

يَسْأَلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۱۵)

از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می داند). (۲۱۵)

ص: ۳۳

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۱۶)

جهاد در راه خدا، بر شما مقرّر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرِّ شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید. (۲۱۶)

يَسْأَلُونَکَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِکَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَأُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی دارد) حتّی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِکَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۱۸)

کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸)

يَسْأَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَکَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِکَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۱۹)

در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در

بردارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» اینچنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد، شاید اندیشه کنید! (۲۱۹)

ص: ۳۴

فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ الْیَتَامَی قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَیْرٌ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُکُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (۲۲۰)

(تا اندیشه کنید) درباره دنیا و آخرت! و از تو در باره یتیمان سؤال می کنند، بگو: «اصلاح کار آنان بهتر است. و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید، (مانعی ندارد؛) آنها برادر (دینی) شما هستند.» (و همچون یک برادر با آنها رفتار کنید!) خداوند، مفسدان را از مصلحان، بازمی شناسد. و اگر خدا بخواهد، شما را به زحمت می اندازد؛ (و دستور می دهد در عین سرپرستی یتیمان، زندگی و اموال آنها را بکلی از اموال خود، جدا سازید؛ ولی خداوند چنین نمی کند؛) زیرا او توانا و حکیم است. (۲۲۰)

وَلَا تَنکِحُوا الْمُشْرِکَاتِ حَتَّی یُؤْمِنَّ وَلَأَمَهٌ مُّؤْمِنَهٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکَهٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْکُمْ وَلَا تُنکِحُوا الْمُشْرِکِینَ حَتَّی یُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکٍ وَلَوْ أَعْجَبَکُمْ أُولَئِکَ یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَاللَّهُ یَدْعُو إِلَی الْجَنَّهِ وَالْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَیُبَیِّنُ آیَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می کنند؛ و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد؛ شاید متذکر شوند! (۲۲۱)

وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذًی فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِی الْمَحِیضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَیُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ (۲۲۲)

و از تو، در باره خون حیض سؤال می کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. (۲۲۲)

نِسَاؤُکُمْ حَرْثٌ لَّکُمْ فَأْتُوا حَرْثَکُمْ أَنَّی شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِکُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّکُم مُّلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ (۲۲۳)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمائید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات

خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده! (۲۲۳)

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۴)

خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست. (۲۲۴)



لَّا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۵)

خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آنچه دلهای شما کسب کرده، (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار، یاد می کنید،) مؤاخذه می کند. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (۲۲۵)

لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲۶)

کسانی که زنان خود را «ایلاء» می نمایند [= سوگند یاد می کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند،] حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست؛ زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۲۶)

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۷)

و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد؛) خداوند شنوا و داناست. (۲۲۷)

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۸)

زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [= عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند؛ در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده؛ و مردان بر آنان برتری دارند؛ و خداوند توانا و حکیم است. (۲۲۸)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ (۲۲۹)

طلاق، (طلاقی که رجوع و بازگشت دارد،) دو مرتبه است؛ (و در هر مرتبه،) باید به طور شایسته همسر خود را نگاهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده اید، پس بگیرید؛ مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را برپا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیه و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن، تجاوز نکنید! و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است. (۲۲۹)

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ حَتَّى تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا إِن ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۳۰)

اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید. در این صورت،) اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید؛) در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم میشمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می نماید. (۲۳۰)

ص: ۳۶

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۳۱)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عدّه» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده ای آنها را رها سازید! و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدّی کردن، آنها را نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی،) آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او، سوء استفاده می کنند، با خبر است)! (۲۳۱)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۳۲)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عدّه خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما، که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می گیرند (و به آن، عمل می کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده های) شما مؤثرتر، و برای

شستن آلودگیها مفیدتر است؛ و خدا می داند و شما نمی دانید. (۲۳۲)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده [= پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد.) هیچ کس موظّف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [= هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست! (۲۳۳)

ص: ۳۷

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۴)

و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عدّه نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می کنید، آگاه است. (۲۳۴)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۳۵)

و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می دانست شما به یاد آنها خواهید افتاد؛ (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول، مخالف نیست؛) ولی پنهانی با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده ای (به طور کنایه) اظهار کنید! (ولی در هر حال،) اقدام به ازدواج ننمایید، تا عدّه آنها سرآید! و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می داند! از مخالفت او بپرهیزید! و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی کند)! (۲۳۵)

لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (۲۳۶)

اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آنها را (با هدیه ای مناسب،) بهره مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه تواناییش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است. (۲۳۶)

وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِى بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۷)

و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند؛ یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولیّ آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست! (۲۳۷)

ص: ۳۸

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)

در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید! (۲۳۸)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۹)

و اگر (به خاطر جنگ، یا خطر دیگری) بترسید، (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید! اما هنگامی که امنیت خود را بازیافتید، خدا را یاد کنید! [= نماز را به صورت معمولی بخوانید!] همان گونه که خداوند، چیزهایی را که نمی دانستید، به شما تعلیم داد. (۲۳۹)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِى مَا فَعَلْنَ فِى أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۴۰)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرارمی گیرند و همسرانی از خود به جا می گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می دهند. و خداوند، توانا و حکیم است. (۲۴۰)

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۲۴۱)

و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار. (۲۴۱)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴۲)

این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می دهد؛ شاید اندیشه کنید! (۲۴۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۲۴۳)

آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آنها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند.) سپس خدا آنها را زنده کرد؛ (و ماجرای زندگی آنها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد.) خداوند نسبت به بندگان خود احسان می کند؛ ولی بیشتر مردم، شکر (او را) بجا نمی آورند. (۲۴۳)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴۴)

و در راه خدا، پیکار کنید! و بدانید خداوند، شنوا و داناست. (۲۴۴)

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۴۵)

کیست که به خدا «قرض الحسنه ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می سازد؛ (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی شود). و به سوی او باز می گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت). (۲۴۵)



أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ مِن بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۲۴۶)

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آنها گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، (سرپیچی کنید، و) در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید!» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده اند)؟!» اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده

شد، جز عدّه کمی از آنان، همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است. (۲۴۶)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۴۷)

و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند (*طالوت*) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می بخشد؛ و احسان خداوند، وسیع است؛ و (از لیاقت افراد برای منصب ها) آگاه است.» (۲۴۷)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۴۸)

و پیامبرشان به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (*صندوق عهد*) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می کنند. در این موضوع، نشانه ای (روشن) برای شماست؛ اگر ایمان داشته باشید.» (۲۴۸)

ص: ۴۰

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲۴۹)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند؛ آنها (که به هنگام تشنگی،) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم به در آمدند،) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند؛ و عده ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با (*جالوت*) و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت کنندگان) است. (۲۴۹)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۵۰)

و هنگامی که در برابر (*جالوت*) و سپاهیان او قرارگرفتند گفتند: «پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز بگردان! (۲۵۰)

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ وَالْحِکْمَهَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا یَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعَالَمِینَ (۲۵۱)

سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (۲۵۱)

تِلْکَ آیَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ (۲۵۲)

اینها، آیات خداست که به حق، بر تو می خوانیم؛ و تو از رسولان (ما) هستی. (۲۵۲)

ص: ۴۱

## جزء ۳

### ادامه سوره بقره

تِلْکَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَی بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن کَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَیْنَا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّنَاتِ وَأَیَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِینَ مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَیِّنَاتُ وَلَکِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن کَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَکِنَّ اللَّهَ یَفْعَلُ مَا یُرِیدُ (۲۵۳)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ برخی از آنها، خدا با او سخن می گفت؛ و بعضی را درجاتی برتر داد؛ و به عیسی بن مریم، نشانه های روشن دادیم؛ و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم؛ (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتها نشد.) و اگر خدا می خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی کردند؛ (اما خدا مردم را مجبور نساخته؛ و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است؛) ولی این امتها بودند که با هم اختلاف کردند؛ بعضی ایمان آوردند و بعضی کافر شدند؛ (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می خواست، با هم پیکار نمی کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می خواهد، (از روی حکمت) انجام می دهد (و هیچ کس را به قبول چیزی مجبور نمی کند). (۲۵۳)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاکُم مِّن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خُلَّهٌ وَلَا شَفَاعَهٌ وَالْکَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقتهای مادی سودی دارد)، و نه شفاعت؛ (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود.) و کافران، خود ستمگرند؛ (هم به خودشان ستم می کنند، هم به دیگران). (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِیُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا یَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ (۲۵۵)

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او هستند؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی گیرد؛ (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنابراین، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها [= بندگان ] و پشت سرشان است می داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. (اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست.) تخت (حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو [= آسمان و زمین]، او را خسته نمیکند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست. (۲۵۵)

لَا إِكْرَاهَ فِی الدِّینِ قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَن یَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۲۵۶)

در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت [= بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست. (۲۵۶)

ص: ۴۲

اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَالَّذِینَ كَفَرُوا أَوْلِیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۲۵۷)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند. (۲۵۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِی حَاجَّ إِبْرَاهِیمَ فِی رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّیَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ قَالَ أَنَا أُحْیِی وَأُمِیتُ قَالَ إِبْرَاهِیمُ فَإِنَّ اللَّهَ یَأْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی كَفَرَ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ (۲۵۸)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [= نمرود] که با ابراهیم در باره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود؛ (و بر اثر کمی ظرفیت، از باده غرور سرمست شده بود؛) هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می کند و می میراند.» او گفت: «من نیز زنده می کنم و می میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر

مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می آورد؛ (اگر راست می گویی که حاکم بر جهان هستی تویی،) خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی کند. (۲۵۸)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَـٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۹)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها (ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است». (۲۵۹)

ص: ۴۳

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَـٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۶۰)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که ابراهیم گفت: «خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟!» عرض کرد: «آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.» فرمود: «در این صورت، چهار نوع از مرغان را انتخاب کن! و آنها را (پس از ذبح کردن،) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز)! سپس بر هر کوهی، قسمتی از آن را قرار بده، بعد آنها را بخوان، به سرعت به سوی تو می آیند! و بدان خداوند قادر و حکیم است؛ (هم از ذرات بدن مردگان آگاه است، و هم توانایی بر جمع آنها دارد)». (۲۶۰)

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۱)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می کند؛ و خدا (از نظر قدرت و

رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست. (۲۶۱)

الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا یُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۲۶۲)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ و نه ترسی دارند، و نه غمگین می شوند. (۲۶۲)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَیْرٌ مِّن صَدَقَةٍ یَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَلِیمٌ (۲۶۳)

گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان)، و عفو (و گذشت از خشونتهای آنها)، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی نیاز و بردبار است. (۲۶۳)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِکُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَى کَالَّذِی یُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَیْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْدًا لَّا یَقْدِرُونَ عَلَى شَیْءٍ مِّمَّا کَسَبُوا وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ (۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بخششهای خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشانده شود؛) و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده اند، چیزی به دست نمی آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند. (۲۶۴)

ص: ۴۴

وَمَثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِیتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ کَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُکُلَهَا ضِعْفَیْنِ فَإِن لَّمْ یُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (۲۶۵)

و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا، و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و بارانهای درشت به آن برسد، (و از هوای آزاد و نور آفتاب، به حد کافی بهره گیرد،) و میوه خود را دو چندان دهد (که همیشه شاداب و با طراوت است.) و اگر باران درشت به آن نرسد، بارانی نرم به آن می رسد. و خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۶۵)

أَیَوَدُّ أَحَدُکُمْ أَن تَکُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِیلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِیهَا مِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْکِبَرُ وَلَهُ ذُرِّیَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِیهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ کَذَلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیَاتِ لَعَلَّکُمْ تَتَفَکَّرُونَ (۲۶۶)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در

آن (باغ)، از هر گونه میوه ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام،) گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقهای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می کنند.) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)! (۲۶۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال،) حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است. (۲۶۷)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان، شما را (به هنگام انفاق،) وعده فقر و تهیدستی می دهد؛ و به فحشا (و زشتیها) امر می کند؛ ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فزونی» به شما می دهد؛ و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند.) (۲۶۸)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۶۹)

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می دهد؛ و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است. و جز خردمندان، (این حقایق را درک نمی کنند، و) متذکر نمی گردند. (۲۶۹)

ص: ۴۵

وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۲۷۰)

و هر چیز را که انفاق می کنید، یا (اموالی را که) نذر کرده اید (در راه خدا انفاق کنید)، خداوند آنها را می داند. و ستمگران یاوری ندارند. (۲۷۰)

إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنكُم مِّن سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۷۱)

اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می پوشاند؛ (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد.) و خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲۷۱)

لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَاءُ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۲)

هدايت آنها (به طور اجبار،) بر تو نيست؛ (بنابر اين، ترک انفاق به غير مسلمانان، براى اجبار به اسلام، صحيح نيست؛) ولى خداوند، هر که را بخواهد (و شايسته بداند)، هدايت مى کند. و آنچه را از خوبيها و اموال انفاق مى کنيد، براى خودتان است؛ (ولى) جز براى رضاى خدا، انفاق نکنيد! و آنچه از خوبيها انفاق مى کنيد، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده مى شود؛ و به شما ستم نخواهد شد. (۲۷۲)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِى الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۷۳)

(انفاقِ شما، مخصوصاً بايد) براى نيازمندانى باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند؛ (و توجّه به آيين خدا، آنها را از وطنهاى خويش آواره ساخته؛ و شرکت در ميدانِ جهاد، به آنها اجازه نمى دهد تا براى تأمين هزينه زندگى، دست به کسب و تجارتى بزنند؛) نمى توانند مسافرتى کنند (و سرمايه اى به دست آورند؛) و از شدّت خويشتن دارى، افراد ناآگاه آنها را بى نياز مى پندارند؛ امّا آنها را از چهره هايشان مى شناسى؛ و هرگز با اصرار چيزى از مردم نمى خواهند. (اين است مشخّصات آنها!) و هر چيز خوبى در راه خدا انفاق کنيد، خداوند از آن آگاه است. (۲۷۳)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۴)

آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق مى کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسى بر آنهاست، و نه غمگين مى شوند. (۲۷۴)

ص: ۴۶

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۵)

کسانى که ربا مى خورند، (در قيامت) برنمى خيزند مگر مانند کسى که بر اثر تماسّ شيطان، ديوانه شده (و نمى تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهى زمين مى خورد، گاهى بپا مى خيزد). اين، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتى ميان آن دو نيست.)» در حالى که خدا بيع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زيرا فرق ميان اين دو، بسيار است.) و اگر کسى اندرز الهى به او رسد، و (از رباخوارى) خوددارى کند، سودهايى که در سابق [= قبل از نزول حکم تحريم ] به دست آورده، مال اوست؛ (و اين حکم، گذشته را شامل نمى گردد؛) و کار او به خدا واگذار مى شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشيد.) امّا کسانى که بازگردند (و بار ديگر مرتکب اين گناه شوند)، اهل آتشند؛ و هميشه در آن مى مانند. (۲۷۵)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِى الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

خداونـد، ربا را نابود می کنـد؛ و صـدقات را افزایش می دهـد! و خداوند، هیچ انسانِ ناسپاسِ گنهکاری را دوست نمی دارد. (۲۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷)

کسانی که ایمان آوردنـد و اعمال صالـح انجام دادنـد و نماز را برپا داشـتند و زکات را پرداختنـد، اجرشان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند. (۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۷۸)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! از (مخالفت فرمان) خـدا بپرهیزیـد، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانـده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید! (۲۷۸)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آنِ شماست [= اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود. (۲۷۹)

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۸۰)

و اگر (بـدهکار،) قـدرت پرداخت نداشـته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (و در صورتی که براستی قدرت پرداخت را ندارد،) برای خدا به او ببخشید بهتر است؛ اگر (منافع این کار را) بدانید! (۲۸۰)

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۱)

و از روزی بپرهیزیـد (و بترسـید) که در آن روز، شـما را به سوی خـدا بازمی گردانند؛ سـپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون هر چه می بینند، نتایج اعمال خودشان است.) (۲۸۱)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن -همان طور که خدا به او تعلیم داده- خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن،) توانایی بر املاکردن ندارد، باید ولیّ او (به جای او،) با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حقّ) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند،) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهیِ خود،) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی،) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند به همه چیز داناست. (۲۸۲)



وَإِن كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِى اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸۳)

و اگر در سفر بودید، و نویسنده ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی خود را بموقع) بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست. (۲۸۳)

لِّلَّهِ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ وَإِن تُبْدُوا مَا فِى أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ (۲۸۴)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آنِ خداست. و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند. سپس هر کس را بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد)، مجازات می کند. و خداوند به همه چیز قدرت دارد. (۲۸۴)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می باشد.) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش، ایمان آورده اند؛ (و می گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظارِ) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.» (۲۸۵)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۸۶)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می گویند:) پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرّر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان! (۲۸۶)

ص: ۴۹

## سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲)

معبودی جز خداوندِ یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست. (۲)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (۳)

(همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را. (۳)

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخّص می سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفرِ بدکاران و کافران لجوج،) توانا و صاحب انتقام است. (۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۵)

هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی ماند. (بنابر این، تدبیر آنها بر او مشکل نیست.) (۵)

هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحَامِ کَیْفَ یَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۶)

او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنان که می خواهد تصویر می کند. معبودی جز خداوندِ توانا و حکیم، نیست. (۶)

هُوَ الَّذِی أَنزَلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ مِنْهُ آیَاتٌ مُّحْکَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَهِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِیلِهِ وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا یَذَّکَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» [= صریح و روشن ] است؛ که اساس این کتاب می باشد؛ (و هر گونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا ـ بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها آشکار می گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی دانند. (آنها که به دنبال فهم و درکِ اسرارِ همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگارِ ماست.» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی شوند (و این حقیقت را درک نمی کنند). (۷)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنکَ رَحْمَهً إِنَّکَ أَنتَ الْوَهَّابُ (۸)

(راسخانِ در علم، می گویند:) «پروردگارا! دلهایمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده ای! (۸)

رَبَّنَا إِنَّکَ جَامِعُ النَّاسِ لِیَوْمٍ لَّا رَیْبَ فِیهِ إِنَّ اللَّهَ لَا یُخْلِفُ الْمِیعَادَ (۹)

پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلّف نمی کند. (ما به تو و رحمت بی پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت ایمان داریم.)» (۹)

ص: ۵۰

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَن تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَیْئًا وَأُولَئِکَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۱۰)

ثروتها و فرزندانِ کسانی که کافر شدند، نمی تواند آنان را از (عذابِ) خداوند باز دارد؛ (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخند. (۱۰)

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (١١)

(عادت آنان در انکار و تحریفِ حقایق،) همچون عادتِ آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است. (١١)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (١٢)

به آنها که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ اُحُد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد؛ (و سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است! (١٢)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (١٣)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر،) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (١٣)

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (١۴)

محبّت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگیِ والا و جاویدان)، نزد خداست. (١۴)

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (١۵)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند،) در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پایِ درختانش می گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امورِ) بندگان، بیناست. (١۵)

ص: ۵١

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (١۶)

همان کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذابِ آتش، نگاهدار!» (۱۶)

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه،) استقامت می ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می کنند، و در سحرگاهان، استغفار می نمایند. (۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

خداوند، (با ایجادِ نظامِ واحدِ جهانِ هستی،) گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب،) گواهی می دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است. (۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)

اگر با تو، به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن! و) بگو: «من و پیروانم، در برابر خداوند (و فرمان او)، تسلیم شده ایم.» و به آنها که اهل کتاب هستند [= یهود و نصاری ] و بی سوادان [= مشرکان ] بگو: «آیا شما هم تسلیم شده اید؟» اگر (در برابر فرمان و منطق حق، تسلیم شوند، هدایت می یابند؛ و اگر سرپیچی کنند، (نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است؛ و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان، بیناست. (۲۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱)

کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می ورزند و پیامبران را بناحق می کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده! (۲۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۲۲)

آنها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ،) در دنیا و آخرت تباه شده، و یاور و مددکار (و شفاعت

کننده ای) ندارند. (۲۲)

ص: ۵۲

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیبًا مِّنَ الْکِتَابِ یُدْعَوْنَ إِلَی کِتَابِ اللَّهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یَتَوَلَّی فَرِیقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ (۲۳)

آیا ندیـدی کسانی را که بهره ای از کتاب (آسـمانی) داشـتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدنـد تا در میان آنها داوری کنـد، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی،) روی می گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟ (۲۳)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِی دِینِهِم مَّا کَانُوا یَفْتَرُونَ (۲۴)

این عمل آنها، به خاطر آن است که می گفتنـد: «آتش (دوزخ)، جز چنـد روزی به ما نمی رسـد. (و کیفر ما، به خاطر امتیازی که بر اقوام دیگر داریم، بسیار محدود است.)» این افترا (و دروغی که به خدا بسته بودند،) آنها را در دینشان مغرور ساخت (و گرفتار انواع گناهان شدند). (۲۴)

فَکَیْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِیَوْمٍ لَّا رَیْبَ فِیهِ وَوُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۲۵)

پس چه گونه خواهنـد بود هنگامی که آنها را برای روزی که شـکّی در آن نیست [= روز رسـتاخیز] جمع کنیم، و به هر کس، آنچه (از اعمـال برای خود) فراهم کرده، بطور کامـل داده شود؟ و به آنهـا سـتم نخواهـد شـد (زیرا محصول اعمال خود را می چینند). (۲۵)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْکَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۲۶)

بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشـی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمـام خوبیهـا به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. (۲۶)

تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (۲۷)

شب را در روز داخـل می کنی، و روز را در شب؛ و زنـده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنـده؛ و به هر کس بخواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» (۲۷)

لَّا یَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْکَافِرِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِینَ وَمَن یَفْعَلْ ذَلِکَ فَلَیْسَ مِنَ اللَّهِ فِی شَیْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَیُحَذِّرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ (۲۸)

افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند؛ و هر کس چنین کند، هیچ رابطه ای با خدا

ندارد (و پیوند او بکلّی از خدا گسسته می شود)؛ مگر اینکه از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدفهای مهمتری تقیّه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، برحذر می دارد؛ و بازگشت (شما) به سوی خداست. (۲۸)

قُلْ إِن تُخْفُوا مَا فِی صُدُورِکُمْ أَوْ تُبْدُوهُ یَعْلَمْهُ اللَّهُ وَیَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۲۹)

بگو: «اگر آنچه را در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خداوند آن را می داند؛ و (نیز) از آنچه در آسمانها و زمین است، آگاه می باشد؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۹)



یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَهَا وَبَیْنَهُ أَمَدًا بَعِیدًا وَیُحَذِّرُکُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳۰)

روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می بیند؛ و آرزو می کند میان او، و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانیِ زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، برحذر می دارد؛ و (در عین حال،) خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (۳۰)

قُلْ إِن کُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ وَیَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۳۱)

بگو: «اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد؛ و گناهانتان را ببخشد؛ و خدا آمرزنده مهربان است.» (۳۱)

قُلْ أَطِیعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْکَافِرِینَ (۳۲)

بگو: «از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید! و اگر سرپیچی کنید، خداوند کافران را دوست نمی دارد.» (۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَی آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِیمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَی الْعَالَمِینَ (۳۳)

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. (۳۳)

ذُرِّیَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۳۴)

آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت،) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می باشد). (۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَکَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّکَ أَنتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۳۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که همسرِ «عمران» گفت: «خداوندا! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که «محرَّر» (و آزاد،

برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی! (۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنثَی وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیْسَ الذَّکَرُ کَالْأُنثَی وَإِنِّی سَمَّیْتُهَا مَرْیَمَ وَإِنِّی أُعِیذُهَا بِکَ وَذُرِّیَّتَهَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ (۳۶)

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: «خداوندا! من او را دختر آوردم -ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود- و پسر، همانند دختر نیست. (دختر نمی تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد.) من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (وسوسه های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم.» (۳۶)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَکَفَّلَهَا زَکَرِیَّا کُلَّمَا دَخَلَ عَلَیْهَا زَکَرِیَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ یَا مَرْیَمُ أَنَّی لَکِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ (۳۷)

خداوند، او [= مریم ] را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته ای، (نهال وجود) او را رویانید (و پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده ای؟!» گفت: «این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.» (۳۷)

ص: ۵۴

هُنَالِکَ دَعَا زَکَرِیَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِی مِن لَّدُنکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ (۳۸)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم،) پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی!» (۳۸)

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِکَةُ وَهُوَ قَائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیَی مُصَدِّقًا بِکَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَیِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِیًّا مِّنَ الصَّالِحِینَ (۳۹)

و هنگامی که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند که: «خدا تو را به» یحیی «بشارت می دهد؛ (کسی) که کلمه خدا [= مسیح ] را تصدیق می کند؛ و رهبر خواهد بود؛ و از هوسهای سرکش برکنار، و پیامبری از صالحان است.» (۳۹)

قَالَ رَبِّ أَنَّی یَکُونُ لِی غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِیَ الْکِبَرُ وَامْرَأَتِی عَاقِرٌ قَالَ کَذَلِکَ اللَّهُ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ (۴۰)

او عرض کرد: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم نازاست؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می دهد.» (۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّی آیَةً قَالَ آیَتُکَ أَلَّا تُکَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْکُر رَّبَّکَ کَثِیرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکَارِ (۴۱)

(زکریا) عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» گفت: «نشانه تو آن است که سه روز، جز به اشاره و رمز، با مردم سخن نخواهی گفت. (و زبان تو، بدون هیچ علّت ظاهری، برای گفتگو با مردم از کار می افتد.) پروردگار خود را (به شکرانه این نعمت بزرگ،) بسیار یاد کن! و به هنگام صبح و شام، او را تسبیح بگو! (۴۱)

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. (۴۲)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن! (۴۳)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْکَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

(ای پیامبر!) این، از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم؛ و تو در آن هنگام که قلمهای خود را (برای قرعه کشی) به آب می افکندند تا کدامیک کفالت و سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که (دانشمندان بنی اسرائیل، برای کسب افتخار سرپرستی او،) با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی؛ و همه اینها، از راه وحی به تو گفته شد.) (۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای [= وجود باعظمتی ] از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیّت خواهد بود؛ و از مقرّبان (الهی) است. (۴۵)

ص: ۵۵

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (۴۶)

و با مردم، در گاهواره و در حالت کهولت (و میانسال شدن) سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است.» (۴۶)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۴۷)

(مریم) گفت: «پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟!» فرمود: «خداوند، این گونه هر چه را بخواهد می آفریند! هنگامی که چیزی را مقرّر دارد (و فرمان هستی آن را صادر کند)، فقط به آن می گوید: «موجود باش!» آن نیز فوراً موجود می شود. (۴۷)

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَهَ وَالتَّوْرَاهَ وَالْإِنجِيلَ (۴۸)

و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می آموزد. (۴۸)

وَرَسُولًا إِلَى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِآيَهٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّى أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَهِ الطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِى بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَهً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۴۹)

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می گوید:) من نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ من از گِل، چیزی به شکل پرنده می سازم؛ سپس در آن می دمم و به فرمان خدا، پرنده ای می گردد. و به اذن خدا، کورِ مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی ] را بهبودی می بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم؛ و از آنچه می خورید، و در خانه های خود ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید! (۴۹)

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِآيَهٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۵۰)

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می کنم؛ و (آمده ام) تا پاره ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم؛ و نشانه ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده ام؛ پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید! (۵۰)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۵۱)

خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)! این است راه راست!» (۵۱)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِى إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۵۲)

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: «کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟» حواریان [= شاگردانِ مخصوصِ او] گفتند: «ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده ایم. (۵۲)

ص: ۵۶

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵۳)

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ ما را در زمره گواهان بنویس!» (۵۳)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۵۴)

و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش،) نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش،) چاره جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره جویان است. (۵۴)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی گیرم و به سوی خود، بالا می برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرارمی دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می کنم. (۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۵۶)

امّا آنها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار کردند،) در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهم کرد؛ و برای آنها، یاورانی نیست. (۵۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۵۷)

امّا آنها که ایمان آوردند، و اعمال صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنان را بطور کامل خواهد داد؛ و خداوند، ستمکاران را دوست نمی دارد.» (۵۷)

ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (۵۸)

اینها را که بر تو می خوانیم، از نشانه ها (ی حقّانیّت تو) است، و یادآوری حکیمانه است. (۵۸)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۵۹)

مَثَل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیّت او نیست.) (۵۹)

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰)

اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو؛ بنابر این، از تردید کنندگان مباش! (۶۰)

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)

هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: «بیایید ما

فرزنـدان خود را دعوت کنیم، شـما هم فرزنـدان خود را؛ مـا زنـان خویش را دعوت نماییم، شـما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (۶۱)

ص: ۵۷

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲)

این همـان سر گذشتِ واقعی (مسیح) است. (و ادعاهـایی همچون الوهیّت او، یـا فرزنـد خـدا بودنش، بی اساس است.) و هیچ معبودی، جز خداوند یگانه نیست؛ و خداوند توانا و حکیم است. (۶۲)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (۶۳)

اگر (با این همه شواهد روشن، باز هم از پذیرش حق) روی گردانند، (بدان که طالب حق نیستند؛ و) خداوند از مفسده جویان، آگاه است. (۶۳)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شـما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار نـدهیم؛ و بعضـی از ما، بعضـی دیگر را -غیر از خـدای یگانه- به خـدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت،) سـرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!» (۶۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می کنیـد (و هر کـدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی کنید؟! (۶۵)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۶۶)

شما کسانی هستید که درباره آنچه نسبت به آن آگاه بودید، گفتگو و ستیز کردید؛ چرا درباره آنچه آگاه نیستید، گفتگو می کنید؟! و خدا می داند، و شما نمی دانید. (۶۶)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی؛ بلکه موحّدی خالص و مسلمان بود؛ و هرگز از مشرکان نبود. (۶۷)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (۶۸)

سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند؛ همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از همه سزاوارترند)؛ و خداوند، ولیّ و سرپرست مؤمنان است. (۶۸)

وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۶۹)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند؛ (امّا آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند،) آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند! (۶۹)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می دهید؟! (۷۰)

ص: ۵۸

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می زمیزید و) مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟! (۷۱)

وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِی أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷۲)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «(بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد). (۷۲)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَى أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۷۳)

و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، (واقعاً) ایمان نیاورید!» بگو: «هدایت، هدایت الهی است! (و این توطئه شما، در برابر آن بی اثر است)»! (سپس اضافه کردند: «تصور نکنید) به کسی همانند شما (کتاب آسمانی) داده می شود، یا اینکه می توانند در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث و گفتگو کنند، (بلکه نبوّت و منطق، هر دو نزد شماست!)» بگو: «فضل (و موهبت نبوّت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست؛ بلکه) به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند،) می دهد؛ و خداوند، واسع [= دارای مواهب گسترده ] و آگاه (از موارد شایسته آن) است. (۷۳)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۷۴)

هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند؛ و خداوند، دارای مواهب عظیم است.» (۷۴)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

و در میان اهـل کتـاب، کسـانی هسـتند که اگر ثروت زیـادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلّط) باشی! این بخاطر آن است که می گوینـد: «ما در برابر امّیین [= غیر یهود]، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می بندند؛ در حالی که می دانند (این سخن دروغ است). (۷۵)

بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷۶)

آری، کسـی که به پیمـان خود وفـا کنـد و پرهیزگاری پیشه نمایـد، (خـدا او را دوست می دارد؛ زیرا) خداونـد پرهیزگاران را دوست دارد. (۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۷)

کسانی که پیمان الهی و سوگنـدهای خود (به نام مقـدس او) را به بهای ناچیزی می فروشـند، آنها بهره ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداونـد بـا آنهـا سـخن نمی گویـد و به آنـان در قیـامت نمی نگرد و آنهـا را (از گنـاه) پـاک نمی سـازد؛ و عـذاب دردناکی برای آنهاست. (۷۷)

ص: ۵۹

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خـدا)، زبان خود را چنان می گرداننـد که گمان کنید (آنچه را می خواننـد،) از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می بندند در حالی که می دانند! (۷۸)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹)

برای هیچ بشـری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوّت به او دهد سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرسـتش کنیـد!» بلکه (سزاوار مقـام او، این است که بگویـد:) مردمی الهی باشـید، آن گونه که کتاب خـدا را می آموختیـد و درس می خواندید! (و غیر از خدا را پرستش نکنید!) (۷۹)

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۸۰)

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگار خود انتخاب کنید. آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟! (۸۰)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها)، پیمان مؤکّد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس (خداوند) به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکّد بستید؟» گفتند: «(آری) اقرار داریم!» (خداوند به آنها) گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.» (۸۱)

فَمَن تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۸۲)

پس کسی که بعد از این (پیمان محکم)، روی گرداند، فاسق است. (۸۲)

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۸۳)

آیا آنها غیر از آیین خدا می طلبند؟! (آیین او همین اسلام است؛) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابرِ (فرمان) او تسلیمند، و همه به سوی او بازگردانده می شوند. (۸۳)

ص: ۶۰

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)

بگو: «به خدا ایمان آوردیم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده؛ و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی گذاریم؛ و در برابرِ (فرمان) او تسلیم هستیم.» (۸۴)

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق،) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است. (۸۵)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۸۶)

چگونه خداونـد جمعیّتی را هـدایت می کنـد که بعد از ایمان و گواهی به حقّانیّت رسول و آمدن نشانه های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیّت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! (۸۶)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۸۷)

کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست. (۸۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۸)

همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می مانند؛ مجازاتشان تخفیف نمی یابد؛ و به آنها مهلت داده نمی شود. (۸۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۸۹)

مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصـلاح نمایند؛ (و در مقام جبران گناهان گذشـته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد؛) زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است. (۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (۹۰)

کسانی که پس از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر (خود) افزودند، (و در این راه اصرار ورزیدند،) هیچ گاه توبه آنان، (که از روی ناچاری یا در آستانه مرگ صورت می گیرد،) قبول نمی شود؛ و آنها گمراهان (واقعی) انـد (چرا که هم راه خـدا را گم کرده اند، و هم راه توبه را!). (۹۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۹۱)

کسانی که کافر شدنـد و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را بعنوان فدیه (و کفّاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ یک آنها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازاتِ دردناک است؛ و یاورانی ندارند. (۹۱)

ص: ۶۱

لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۹۲)

هرگز به (حقیقت) نیکوکـاری نمی رسـید مگر اینکه از آنچه دوست می داریـد، (در راه خـدا) انفـاق کنیـد؛ و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن آگاه است. (۹۲)

## جزء ۴

## ادامه سوره آل عمران

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۹۳)

همه غذاها (ی پاک) بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل (یعقوب)، پیش از نزول تورات، بر خود تحریم کرده بود؛ (مانند گوشت شتر که برای او ضرر داشت.) بگو: «اگر راست می گویید تورات را بیاورید و بخوانید! (این نسبتهایی که به پیامبران پیشین می دهید، حتّی در تورات تحریف شده شما نیست!)» (۹۳)

فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹۴)

بنا بر این، آنها که بعد از این به خدا دروغ می بندند، ستمگرند! (زیرا از روی علم و عمد چنین می کنند). (۹۴)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۹۵)

بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنا بر این، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود!» (۹۵)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۹۶)

نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است. (۹۶)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷)

در آن، نشانه های روشن، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود؛ در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. (۹۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می دهید!» (۹۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده اند، از راه خدا بازمی دارید، و می خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛ و خداوند از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!» (۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی و شعله ورساختنِ آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی گردانند. (۱۰۰)

ص: ۶۲

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۰۱)

و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامان وحی قرار گرفته اید، و) آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! (بنابر این، به خدا تمسّک جویید!) و هر کس به خدا تمسّک جوید، به راهی راست، هدایت شده است. (۱۰۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید، مگر اینکه مسلمان باشید! (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر، حفظ کنید!) (۱۰۲)

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت ]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید. (۱۰۳)

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند. (۱۰۴)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند. (۱۰۵)

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶)

(آن عـذاب عظیم) روزی خواهد بود که چهره هائی سـفید، و چهره هائی سـیاه می گردد، اما آنها که صورتهایشان سـیاه شده، (به آنها گفته می شود:) آیا بعد از ایمان، و (اخوّت و برادری در سایه آن،) کافر شدید؟! پس بچشـید عذاب را، به سبب آنچه کفر می ورزیدید! (۱۰۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ ابيُضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَهِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷)

و امّا آنها که چهره هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود؛ و جاودانه در آن می مانند. (۱۰۷)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۸)

اینها آیات خداست؛ که بحق بر تو می خوانیم. و خداوند (هیچ گاه) ستمی برای (احدی از) جهانیان نمی خواهد. (۱۰۸)

ص: ۶۳

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۱۰۹)

و (چگونه ممکن است خـدا سـتم کنـد؟! در حـالی که) آنچه در آسـمانها و آنچه در زمین است، مال اوست؛ و همه کارها، به سوی او باز می گردد (و به فرمان اوست.) (۱۰۹)

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)

شما بهترین امتی بودیـد که به سود انسانها آفریـده شـده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار) (۱۱۰)

لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِن يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۱۱)

آنها [= اهل کتاب، مخصوصا» یهود] هرگز نمی توانند به شـما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر؛ و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهند کرد (و شکست می خورند)؛ سپس کسی آنها را یاری نمی کند. (۱۱۱)

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّهُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (۱۱۲)

هر جا یافت شوند، مهر ذلت بر آنان خورده است؛ مگر با ارتباط به خدا، (و تجدید نظر در روش ناپسند خود،) و (یا) با ارتباط به مردم (و وابسـتگی به این و آن)؛ و به خشم خـدا، گرفتار شـده انـد؛ و مهر بیچارگی بر آنها زده شـده؛ چرا که آنها به آیات خـدا، کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشـتند. اینها بخاطر آن است که گناه کردند؛ و (به حقوق دیگران،) تجاوز می

نمودند. (۱۱۲)

لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیّتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند. (۱۱۳)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴)

به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند. (۱۱۴)

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۱۱۵)

و آنچه از اعمال نیک انجام دهند، هرگز کفران نخواهد شد! (و پاداش شایسته آن را می بینند.) و خدا از پرهیزکاران، آگاه است. (۱۱۵)

ص: ۶۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱۶)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (۱۱۶)

مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی انفاق می کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می کنند. (۱۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید! آنها از هرگونه شرّ و فسادی در باره شما، کوتاهی نمی کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه های) دشمنی از دهان (و کلام) شان آشکار شده؛ و آنچه در دلهایشان پنهان می دارند، از آن مهمتر است. ما آیات (و راه های پیشگیری از شرّ آنها) را برای شما بیان کردیم اگر

اندیشه کنید! (۱۱۸)

هَا أَنتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹)

شما کسانی هستید که آنها را دوست می دارید؛ امّا آنها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید (و آنها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می کنند، (به دروغ) می گویند: «ایمان آورده ایم!» امّا هنگامی که تنها می شوند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه ها آگاه است.» (۱۱۹)

إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۲۰)

اگر نیکی به شما برسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می شوند. (امّا) اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی رساند؛ خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۱۲۰)

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی! و خداوند، شنوا و داناست (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته می شد، می شنید؛ و اندیشه هایی را که بعضی در سر می پروراندند، می دانست). (۱۲۱)

ص: ۶۵

إِذْ هَمَّت طَّائِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲)

(و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند)؛ و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمک کرد که از این فکر بازگردند)؛ و افراد باایمان، باید تنها بر خدا توکّل کنند! (۱۲۲)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

خداوند شما را در «بدر» یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت)؛ در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفتِ فرمانِ پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را بجا آورده باشید! (۱۲۳)

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ (۱۲۴)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می گفتنی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می آیند، یاری کند؟!» (۱۲۴)

بَلَى إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری، (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد داد! (۱۲۵)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)

ولی اینها را خداوند فقط بشارت، و برای اطمینان خاطر شما قرار داده؛ وگرنه، پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است! (۱۲۶)

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا خَائِبِينَ (۱۲۷)

(این وعده را که خدا به شما داده،) برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند؛ یا آنها را با ذلّت برگرداند؛ تا مأیوس و ناامید، (به وطن خود) بازگردند. (۱۲۷)

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (۱۲۸)

هیچ گونه اختیاری (در باره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ،) برای تو نیست؛ مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها ستمگرند. (۱۲۸)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست. هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۲۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید، تا رستگار شوید! (۱۳۰)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۱۳۱)

و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است! (۱۳۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

و خدا و پیامبر را اطاعت کنید، تا مشمول رحمت شوید! (۱۳۲)



وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳)

و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان؛ و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیزگاران آماده شده است. (۱۳۳)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند؛ و خشم خود را فرو می برند؛ و از خطای مردم درمی گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳۴)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند -و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟- و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با اینکه می دانند. (۱۳۵)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۳۶)

آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشتهایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن میمانند؛ چه نیکو است پاداش اهل عمل! (۱۳۶)

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۳۷)

پیش از شما، سنّت هایی وجود داشت؛ (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشتهایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید.) پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! (۱۳۷)

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران! (۱۳۸)

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید! (۱۳۹)

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر (در میدان احد) به شما جراحتی رسید (و ضربه ای وارد شد)، به آن جمعیّت نیز (در میدان بدر)، جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها(ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می گردانیم؛ (-و این خاصیّت زندگی دنیاست-) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی دارد. (۱۴۰)

ص: ۶۷

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)

و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. (۱۴۱)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (۱۴۲)

آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادّعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخصّ نساخته است؟! (۱۴۲)

وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۱۴۳)

و شما مرگ (و شهادت در راه خدا) را، پیش از آنکه با آن روبه رو شوید، آرزو می کردید؛ سپس آن را با چشم خود دیدید، در حالی که به آن نگاه می کردید (و حاضر نبودید به آن تن دردهید! چقدر میان گفتار و کردار شما فاصله است؟!) (۱۴۳)

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیّت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد. (۱۴۴)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (۱۴۵)

هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی میرد؛ سرنوشتی است تعیین شده؛ (بنابر این، مرگ پیامبر یا دیگران، یک سنّت الهی است.)

هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد،) چیزی از آن به او خواهیم داد؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و بزودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۵)

وَکَأَیِّن مِّن نَّبِیٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَکَانُوا وَاللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرِینَ (۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد. (۱۴۶)

وَمَا کَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِی أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَی الْقَوْمِ الْکَافِرِینَ (۱۴۷)

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیّت کافران، پیروز گردان! (۱۴۷)

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْیَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَهِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (۱۴۸)

از این رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (۱۴۸)

ص: ۶۸

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تُطِیعُوا الَّذِینَ کَفَرُوا یَرُدُّوکُمْ عَلَی أَعْقَابِکُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِینَ (۱۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از کسانی که کافر شده اند اطاعت کنید، شما را به گذشته هایتان بازمی گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد. (۱۴۹)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاکُمْ وَهُوَ خَیْرُ النَّاصِرِینَ (۱۵۰)

(آنها تکیه گاه شما نیستند،) بلکه ولی و سرپرست شما، خداست؛ و او بهترین یاوران است. (۱۵۰)

سَنُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَکُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَی الظَّالِمِینَ (۱۵۱)

بزودی در دلهای کافران، بخاطر اینکه بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا همتا قرار دادند، رعب و ترس می افکنیم؛ و جایگاه آنها، آتش است؛ و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران! (۱۵۱)

وَلَقَدْ صَدَقَکُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّی إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِی الْأَمْرِ وَعَصَیْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاکُم مَّا تُحِبُّونَ مِنکُم مَّن یُرِیدُ الدُّنْیَا وَمِنکُم مَّن یُرِیدُ الْآخِرَهَ ثُمَّ صَرَفَکُمْ عَنْهُمْ لِیَبْتَلِیَکُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنکُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ (۱۵۲)

خداوند، وعده خود را به شما، (در باره پیروزی بر دشمن در احد،) تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ،) دشمنان را به فرمان او، به قتل می رساندید؛ (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید؛ و (بر سر رهاکردن سنگرها،) در کار

خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آن که آنچه را دوست می داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما، خواهان دنیا بودند؛ و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت؛ (و پیروزی شما به شکست انجامید؛) تا شما را آزمایش کند. و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد. (۱۵۲)

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که از کوه بالا میرفتید؛ و جمعی در وسط بیابان پراکنده شدند؛ و از شدت وحشت،) به عقب ماندگان نگاه نمی کردید، و پیامبر از پشت سر، شما را صدا می زد. سپس اندوه ها را یکی پس از دیگری به شما جزا داد؛ این بخاطر آن بود که دیگر برای از دست رفتن (غنایم جنگی) غمگین نشوید، و نه بخاطر مصیبت هایی که بر شما وارد می گردد. و خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۵۳)

ص: ۶۹

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۵۴)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احد،) گروهی از شما را فرا گرفت؛ اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت.) آنها گمانهای نادرستی -همچون گمانهای دوران جاهلیت- درباره خدا داشتند؛ و می گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می دارند که برای تو آشکار نمی سازند؛ می گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در این جا کشته نمی شدیم!» بگو: «اگر هم در خانه های خود بودید، آنهایی که کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه های خود، بیرون می آمدند (و آنها را به قتل می رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست، با خبر است. (۱۵۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۵۵)

کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است. (۱۵۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۵۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کافران نباشید که چون برادرانشان به مسافرتی می روند، یا در جنگ شرکت می کنند (و از دنیا می روند و یا کشته می شوند)، می گویند: «اگر آنها نزد ما بودند، نمی مردند و کشته نمی شدند!» (شما از این گونه سخنان نگویید،) تا خدا این حسرت را بر دل آنها [= کافران ] بگذارد. خداوند، زنده می کند و می میراند؛ (و زندگی و مرگ، به دست اوست؛) و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۵۶)

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَهٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَهٌ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُونَ (۱۵۷)

اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، (زیان نکرده اید؛ زیرا) آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها (در طول عمر خود،) جمع آوری میکنند، بهتر است! (۱۵۷)

ص: ۷۰

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَی اللَّهِ تُحْشَرُونَ (۱۵۸)

و اگر بمیرید یا کشته شوید، به سوی خدا محشور می شوید. (بنابراین، فانی نمی شوید که از فنا، وحشت داشته باشید.) (۱۵۸)

فَبِمَا رَحْمَهٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ (۱۵۹)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم ] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. (۱۵۹)

إِن یَنصُرْکُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَکُمْ وَإِن یَخْذُلْکُمْ فَمَن ذَا الَّذِی یَنصُرُکُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)

اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، تنها بر خداوند باید توکل کنند! (۱۶۰)

وَمَا کَانَ لِنَبِیٍّ أَن یَغُلَّ وَمَن یَغْلُلْ یَأْتِ بِمَا غَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَهِ ثُمَّ تُوَفَّی کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۱۶۱)

(گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که) ممکن نیست هیچ پیامبری خیانت کند! و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را در آن خیانت کرده، با خود (به صحنه محشر) می آورد؛ سپس به هر کس، آنچه را فراهم کرده (و انجام داده است)، بطور کامل داده می شود؛ و (به همین دلیل) به آنها ستم نخواهد شد (چرا که محصول اعمال خود را خواهند دید). (۱۶۱)

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ کَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ (۱۶۲)

آیا کسی که از رضای خدا پیروی کرده، همانند کسی است که به خشم و غضب خدا بازگشته؟! و جایگاه او جهنم، و پایان کار او بسیار بد است. (۱۶۲)

هُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۶۳)

هر یک از آنان، درجه و مقامی در پیشگاه خدا دارند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۱۶۳)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۶۴)

خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۴)

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۶۵)

آیا هنگامی که مصیبتی (در میدان جنگ احد) به شما رسید، در حالی که دو برابر آن را (در میدان جنگ بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید: «این مصیبت از کجاست؟!» بگو: «از ناحیه خود شماست (که در میدان جنگ احد، با دستور پیامبر مخالفت کردید)! خداوند بر هر چیزی قادر است. (و چنانچه روش خود را اصلاح کنید، در آینده شما را پیروز می کند.)» (۱۶۵)

ص: ۷۱

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و آنچه (در روز احد،) در روزی که دو دسته [= مؤمنان و کافران ] با هم نبرد کردند به شما رسید، به فرمان خدا (و طبق سنت الهی) بود؛ و برای این بود که مؤمنان را مشخص کند. (۱۶۶)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنهایی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید!» گفتند: «اگر می دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم. (اما می دانیم جنگی نمی شود.)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان خود چیزی می گویند که در دلهایشان نیست! و خداوند از آنچه کتمان می کنند، آگاهتر است. (۱۶۷)

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۶۸)

(منافقان) آنها هستند که به برادران خود -در حالی که از حمایت آنها دست کشیده بودند- گفتند: «اگر آنها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند!» بگو: «(مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید؟!) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گویید!» (۱۶۸)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (۱۶۹)

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰)

آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحالند؛ و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند [= مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقتند؛ (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند؛ و می دانند) که نه ترسی بر آنهاست، و نه غمی خواهند داشت. (۱۷۰)

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند؛ و (می بینند که) خداوند، پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند؛ (نه پاداش شهیدان، و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند). (۱۷۱)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۲)

آنها که دعوت خدا و پیامبر (ص) را، پس از آن همه جراحاتی که به ایشان رسید، اجابت کردند؛ (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمرار الاسد» حرکت نمودند؛) برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند، پاداش بزرگی است. (۱۷۲)

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۱۷۳)

اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.» (۱۷۳)

ص: ۷۲

فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۱۷۴)

به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ و از رضای خدا، پیروی کردند؛ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است. (۱۷۴)

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۷۵)

این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس،) می ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید! (۱۷۵)

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

کسانی که در راه کفر، شتاب میکنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زیانی به خداوند نمی رسانند. (بعلاوه) خدا می خواهد (آنها را به حال خودشان واگذارد؛ و در نتیجه،) بهره ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است! (۱۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

(آری،) کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زیانی نمی رسانند؛ و برای آنها، مجازات دردناکی است! (۱۷۷)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸)

آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده ای (آماده شده) است! (۱۷۸)

مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۹)

چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است؛) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد برمیگزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می گذارد.) پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است،) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست. (۱۷۹)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۸۰)

کسانی که بخل می ورزند، و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی کنند، گمان نکنند این کار به سود آنها است؛ بلکه برای آنها شر است؛ بزودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردنشان می افکنند. و میراث آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خداوند، از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۸۰)

لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۱۸۱)

خداوند، سخن آنها را که گفتند: «خدا فقیر است، و ما بی نیازیم»، شنید! به زودی آنچه را گفتند، خواهیم نوشت؛ و (همچنین) کشتن پیامبران را بناحق (می نویسیم)؛ و به آنها می گوییم: «بچشید عذاب سوزان را (در برابر کارهایتان!)» (۱۸۱)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۸۲)

این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده (و نتیجه کار شماست) و بخاطر آن است که خداوند، به بندگان (خود)، ستم نمی کند. (۱۸۲)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳)

(اینها) همان کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (این معجزه را انجام دهد:) یک قربانی بیاورد، که آتش [= صاعقه آسمانی ] آن را بخورد!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردند؛ پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می گویید؟!» (۱۸۳)

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

پس (اگر این بهانه جویان،) تو را تکذیب کنند، (چیز تازه ای نیست؛) رسولان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ پیامبرانی که دلایل آشکار، و نوشته های متین و محکم، و کتاب روشنی بخش آورده بودند. (۱۸۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۱۸۵)

هر کسی مرگ را می چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست! (۱۸۵)

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

به یقین (همه شما) در اموال و جانهای خود، آزمایش می شوید! و از کسانی که پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده [= یهود]، و (همچنین) از مشرکان، سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید! و اگر استقامت کنید و تقوا پیشه سازید، (شایسته تر است؛ زیرا) این از کارهای مهم و قابل اطمینان است. (۱۸۶)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (۱۸۷)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند؛ و به بهای کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می خرند؟! (۱۸۷)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوا وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

گمان مبر آنها که از اعمال (زشت) خود خوشحال می شوند، و دوست دارند در برابر کار (نیکی) که انجام نداده اند مورد ستایش قرار گیرند، از عذاب (الهی) برکنارند! (بلکه) برای آنها، عذاب دردناکی است! (۱۸۸)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۸۹)

و حکومت آسمانها و زمین، از آن خداست؛ و خدا بر همه چیز تواناست. (۱۸۹)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)

مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است. (۱۹۰)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)

همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند؛ (و می گویند:) بار الها! اینها را بیهوده نیافریده ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! (۱۹۱)

رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۱۹۲)

پروردگارا! هر که را تو (بخاطر اعمالش،) به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته ای! و برای افراد ستمگر، هیچ یاوری نیست! (۱۹۲)

رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳)

پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدیهای ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آنها) بمیران! (۱۹۳)

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِکَ وَلَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ إِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ (۱۹۴)

پروردگارا! آنچه را به وسیله پیامبرانت به ما وعده فرمودی، به ما عطا کن! و ما را در روز رستاخیز، رسوا مگردان! زیرا تو هیچ گاه از وعده خود، تخلف نمی کنی. (۱۹۴)



فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لَا أُضِیعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنکُم مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِیلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (۱۹۵)

خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است. (۱۹۵)

لَا یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ (۱۹۶)

رفت و آمد (پیروزمندانه) کافران در شهرها، تو را نفریبد! (۱۹۶)

مَتَاعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۹۷)

این متاع ناچیزی است؛ و سپس جایگاهشان دوزخ، و چه بد جایگاهی است! (۱۹۷)

لَکِنِ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَیْرٌ لِّلْأَبْرَارِ (۱۹۸)

ولی کسانی (که ایمان دارند، و) از پروردگارشان می پرهیزند، برای آنها باغهایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می رسد؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است! (۱۹۸)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ لَمَن یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَیْکُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَیْهِمْ خَاشِعِینَ لِلَّهِ لَا یَشْتَرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِیلًا أُولَئِکَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ (۱۹۹)

و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا خاضعند؛ و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می کند، و پاداش می دهد.) (۱۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٢٠٠)

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوسها،) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز)، پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید! (٢٠٠)

ص: ٧۶

## سوره النساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (١)

ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست. (١)

وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (٢)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است! (٢)

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِی الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا (٣)

و اگر می ترسید که (بهنگام ازدواج با دختران یتیم،) عدالت را رعایت نکنید، (از ازدواج با آنان، چشم پوشی کنید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج نمائید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهائید استفاده کنید، این کار، از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می کند. (٣)

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَیْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (۴)

و مهر زنان را (بطور کامل) بعنوان یک بدهی (یا عطیه،) به آنان بپردازید! (ولی) اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید! (۴)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۵)

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید و از آن، به آنها روزی دهید! و لباس بر

آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید! (۵)

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می کشد،) از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (۶)



لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی. (۷)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۸)

و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه ای که ارث نمی برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید! (۸)

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (۱۰)

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (در حقیقت،) تنها آتش می خورند؛ و بزودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند. (۱۰)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱)

خداوند در باره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث،) از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها،) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است – شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندانتان، کدامیک برای شما سودمندترند!– این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۱)



وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

و برای شما، نصف میراث زنانتان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شماست؛ پس از انجام وصیتی که کرده اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شماست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [= خواهر یا برادر] از او ارث می برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین،) به آنها ضرر نزنند. این سفارش خداست؛ و خدا دانا و بردبار است. (۱۲)

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باغهایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است! (۱۳)

وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۴)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکننده ای است. (۱۴)

وَاللَّاتِی یَأْتِینَ الْفَاحِشَهَ مِن نِّسَائِکَمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَیْهِنَّ أَرْبَعَهً مِّنکَمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِکُوهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتَّی یَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ یَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِیلًا (۱۵)

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبید! اگر گواهی دادند، آنان [= زنان ] را در خانه ها (ی خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد. (۱۵)

وَاللَّذَانِ یَأْتِیَانِهَا مِنکُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ کَانَ تَوَّابًا رَّحِیمًا (۱۶)

و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و) مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است. (۱۶)

إِنَّمَا التَّوْبَهُ عَلَی اللَّهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَهٍ ثُمَّ یَتُوبُونَ مِن قَرِیبٍ فَأُولَئِکَ یَتُوبُ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَکَانَ اللَّهُ عَلِیمًا حَکِیمًا (۱۷)

پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند، سپس زود توبه می کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۱۷)

وَلَیْسَتِ التَّوْبَهُ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئَاتِ حَتَّی إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّی تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِینَ یَمُوتُونَ وَهُمْ کُفَّارٌ أُولَئِکَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِیمًا (۱۸)

برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم. (۱۸)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا یَحِلُّ لَکُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ کَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَن یَأْتِینَ بِفَاحِشَهٍ مُّبَیِّنَهٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَی أَن تَکْرَهُوا شَیْئًا وَیَجْعَلَ اللَّهُ فِیهِ خَیْرًا کَثِیرًا (۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها،) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده اید (از مهر)، تملک کنید! مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد! (۱۹)

ص: ۸۰

وَإِنْ أَرَدتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّکَانَ زَوْجٍ وَآتَیْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَیْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِینًا (۲۰)

و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید، و مال فراوانی (بعنوان مهر) به او پرداخته اید، چیزی از آن را پس نگیرید! آیا برای بازپس گرفتن مهر آنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می شوید؟! (۲۰)

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۲۱)

و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و (از این گذشته،) آنها (هنگام ازدواج،) از شما پیمان محکمی گرفته اند! (۲۱)

وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲۲)

با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند، هرگز ازدواج نکنید! مگر آنچه در گذشته (پیش از نزول این حکم) انجام شده است؛ زیرا این کار، عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. (۲۲)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۳)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه ها، و خاله ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته اید -و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (-نه پسرخوانده ها-) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۳)

ص: ۸۱

## جزء ۵

### ادامه سوره النساء

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آنها را که (از راه اسارت) مالك شده اید؛ (زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرّر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [= ازدواج موقت ]

می کنیـد، واجب است مهر آنهـا را بپردازیـد. و گناهی بر شـما نیست در آنچه بعـد از تعیین مهر، با یکـدیگر توافق کرده ایـد. (بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است. (۲۴)

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُم بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و آنهـا که توانـایی ازدواج بـا زنـان (آزاد) پاکـدامن باایمـان را ندارنـد، می تواننـد با زنان پاکـدامن از بردگان باایمانی که در اختیـار داریـد ازدواج کننـد -خـدا به ایمـان شـما آگاه تر است؛ و همگی اعضای یک پیکریـد- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شـرط آنکه پاکدامن باشـند، نه بطور آشـکار مرتکب زنا شوند، و نه دوسـت پنهـانی بگیرنـد. و در صـورتی که «محصـنه» باشـند و مرتکب عمـل منـافی عفت شونـد، نصف مجـازات زنـان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شـماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۲۵)

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خداوند می خواهد (با این دسـتورها، راه های خوشـبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است. (۲۶)

ص: ۸۲

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (۲۷)

خـدا می خواهـد شـما را ببخشـد (و از آلودگی پاک نماید)، امّا آنها که پیرو شـهواتند، می خواهند شـما بکلی منحرف شوید. (۲۷)

يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا میخواهد (با احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن،) کار را بر شـما سـبک کند؛ و انسان، ضـعیف آفریده شده؛ (و در برابر طوفان غرایز، مقاومت او کم است) (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)

ای کسـانی که ایمـان آورده ایـد! اموال یکـدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخوریـد مگر اینکه تجارتی با رضایت شـما

انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. (۲۹)

وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت؛ و این کار برای خدا آسان است. (۳۰)

إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم؛ و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم. (۳۱)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)

برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوتهای طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست. (۳۲)

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۳۳)

برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته اید، نصیبشان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است. (۳۳)



الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (۳۴)

مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود،) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می کنند. و (امّا) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی

برای تعدّی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست.) (۳۴)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (۳۵)

و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است). (۳۵)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (۳۶)

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می زند،) دوست نمی دارد. (۳۶)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۳۷)

آنها کسانی هستند که بخل می ورزند، و مردم را به بخل دعوت می کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آنها داده، کتمان می نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته؛) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده ای آماده کرده ایم. (۳۷)

ص: ۸۴

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۳۸)

و آنها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند، و ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند؛ (چرا که شیطان، رفیق و همنشین آنهاست؛) و کسی که شیطان قرین او باشد، بد همنشین و قرینی است. (۳۸)

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (۳۹)

چه می شد اگر آنها به خدا و روز بازپسین ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، (در راه او) انفاق می کردند؟! و خداوند از (اعمال و نیات) آنها آگاه است. (۳۹)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)

خداوند (حتّی) به اندازه سنگینی ذره ای ستم نمی کند؛ و اگر کار نیکی باشد، آن را دو چندان می سازد؛ و از نزد خود، پاداش عظیمی (در برابر آن) می دهد. (۴۰)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۴۱)

حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟ (۴۱)

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (۴۲)

در آن روز، آنها که کافر شدند و با پیامبر (ص) بمخالفت برخاستند، آرزو می کنند که ای کاش (خاک بودند، و) خاک آنها با زمینهای اطراف یکسان می شد (و بکلی محو و فراموش می شدند). در آن روز، (با آن همه گواهان،) سخنی را نمی توانند از خدا پنهان کنند. (۴۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گویید! و همچنین هنگامی که جنب هستید -مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمّم کنید! (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است. (۴۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴۴)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنها داده شده بود، (به جای اینکه از آن، برای هدایت خود و دیگران استفاده کنند، برای خویش) گمراهی می خرند، و می خواهند شما نیز گمراه شوید؟ (۴۴)

ص: ۸۵

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵)

خدا به دشمنان شما آگاهتر است؛ (ولی آنها زیانی به شما نمی رسانند.) و کافی است که خدا ولیّ شما باشد؛ و کافی است که خدا یاور شما باشد. (۴۵)

مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶)

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می گویند:

«شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می گویند:) بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می گویند:) راعنا [= ما را تحمیق کن!]» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عدّه کمی ایمان نمی آورند. (۴۶)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَکُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَی أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَکَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم -و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل ] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است! (۴۷)

إِنَّ اللَّهَ لَا یَغْفِرُ أَن یُشْرَکَ بِهِ وَیَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِکَ لِمَن یَشَاءُ وَمَن یُشْرِکْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَی إِثْمًا عَظِیمًا (۴۸)

خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است. (۴۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یُزَکُّونَ أَنفُسَهُم بَلِ اللَّهُ یُزَکِّی مَن یَشَاءُ وَلَا یُظْلَمُونَ فَتِیلًا (۴۹)

آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می کنند؟! (این خود ستاییها، بی ارزش است؛) بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش می کند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۴۹)

انظُرْ کَیْفَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَکَفَی بِهِ إِثْمًا مُّبِینًا (۵۰)

ببین چگونه بر خدا دروغ می بندند! و همین گناه آشکار، (برای مجازات آنان) کافی است. (۵۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیبًا مِّنَ الْکِتَابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَیَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا (۵۱)

آیا ندیدی کسانی را که بهره ای از کتاب (خدا) به آنان داده شده، (با این حال)، به «جبت» و «طاغوت» [= بت و بت پرستان ] ایمان می آورند، و درباره کافران می گویند: «آنها، از کسانی که ایمان آورده اند، هدایت یافته ترند»؟! (۵۱)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (۵۲)

آنهـا کسانی هسـتند که خداونـد، ایشان را از رحمت خود، دور ساخته است؛ و هر کس را خـدا از رحمتش دور سازد، یاوری برای او نخواهی یافت. (۵۲)

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳)

آیـا آنهـا [= یهود] سـهمی در حکومت دارنـد (که بخواهنـد چنین داوری کننـد)؟ در حالی که اگر چنین بود، (همه چیز را در انحصار خود می گرفتند،) و کمترین حق را به مردم نمی دادند. (۵۳)

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مُّلْكًا عَظِيمًا (۵۴)

یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خانـدانش ]، و بر آنچه خدا از فضـلش به آنان بخشـیده، حسد می ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خانـدان او هسـتند نیز،) کتـاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیـار آنها [= پیامبران بنی اسـرائیل ] قرار دادیم. (۵۴)

فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

ولی جمعی از آنهـا به آن ایمـان آوردنـد؛ و جمعی راه (مردم را) بر آن بسـتند. و شـعله فروزانِ آتش دوزخ، برای آنهـا کـافی است! (۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (۵۶)

کسانی که به آیات ما کافر شدنـد، بزودی آنها را در آتشـی وارد می کنیم که هرگاه پوسـتهای تنشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوسـتهای دیگری به جای آن قرار می دهیم، تا کیفر (الهی) را بچشـند. خداونـد، توانا و حکیم است (و روی حساب، کیفر می دهد). (۵۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (۵۷)

و کسانی که ایمان آوردنـد و کارهای شایسـته انجام دادند، بزودی آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن خواهنـد مانـد؛ و همسـرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود؛ و آنان را در سایه های گسترده (و فرح بخش) جای میدهیم. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا

بَصِيرًا (۵۸)

خداونـد به شـما فرمان می دهـد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد! خداوند، شنوا و بیناست. (۵۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِى الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِى شَىْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! اطاعت کنیـد خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصـیای پیامبر] را! و هر گاه در چیزی نزاع داشتیـد، آن را به خـدا و پیامبر بازگردانیـد (و از آنها داوری بطلبیـد) اگر به خـدا و روز رسـتاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است. (۵۹)

ص: ۸۷

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۶۰)

آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتابهای آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهنـد برای داوری نزد طـاغوت و حکّام باطـل برونـد؟! با اینکه به آنها دسـتور داده شـده که به طاغوت کافر شونـد. امّا شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بیفکند. (۶۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا (۶۱)

و هنگـامی که به آنهـا گفته شود: «به سوی آنچه خداونـد نازل کرده، و به سوی پیامبر بیاییـد»، منافقان را می بینی که (از قبول دعوت) تو، اعراض می کنند! (۶۱)

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (۶۲)

پس چگونه وقتی به خاطر اعمالشان، گرفتار مصیبتی می شوند، سپس به سراغ تو می آیند، سوگند یاد می کنند که منظورِ (ما از بردنِ داوری نزد دیگران)، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع،) نبوده است؟! (۶۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِى أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (۶۳)

آنها کسانی هسـتند که خـدا، آنچه را در دل دارند، می داند. از (مجازات) آنان صـرف نظر کن! و آنها را اندرز ده! و با بیانی رسا، نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما! (۶۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا

رَّحِيمًا (۶۴)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می گذاردند)، به نزد تو می آمدند؛ و از خدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (۶۴)

فَلَا وَرَبِّکَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۶۵)

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند؛ و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند؛ و کاملا تسلیم باشند. (۶۵)



وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا (۶۶)

اگر (همانند بعضی از امتهای پیشین،) به آنان دستور می دادیم: «یکدیگر را به قتل برسانید»، و یا: «از وطن و خانه خود، بیرون روید»، تنها عده کمی از آنها عمل می کردند! و اگر اندرزهایی را که به آنان داده می شد انجام می دادند، برای آنها بهتر بود؛ و موجب تقویت ایمان آنها می شد. (۶۶)

وَإِذًا لَّآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا (۶۷)

و در این صورت، پاداش بزرگی از ناحیه خود به آنها می دادیم. (۶۷)

وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۶۸)

و آنان را به راه راست، هدایت می کردیم. (۶۸)

وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (۶۹)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیقهای خوبی هستند! (۶۹)

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا (۷۰)

این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حالِ بندگان، و نیّات و اعمالشان) آگاه است. (۷۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُوا جَمِيعًا (۷۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته های متعدّد، یا بصورت دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان،) به سوی دشمن حرکت نمایید! (۷۱)

وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا (۷۲)

در میان شما، افرادی (منافق) هستند، که (هم خودشان سست می باشند، و هم) دیگران را به سستی می کشانند؛ اگر مصیبتی به شما برسد، می گویند: «خدا به ما نعمت داد که با مجاهدان نبودیم، تا شاهد (آن مصیبت) باشیم!» (۷۲)

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۳)

و اگر غنیمتی از جانب خدا به شما برسد، درست مثل اینکه هرگز میان شما و آنها دوستی و مودّتی نبوده، می گویند: «ای کاش ما هم با آنها بودیم، و به رستگاری (و پیروزی) بزرگی می رسیدیم!» (۷۳)

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند! و آن کس که در راه خدا پیکار کند، و کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۷۴)

ص: ۸۹

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا (۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستمدیده ای) که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما! (۷۵)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۷۶)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است. (۷۶)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکّه) به آنها گفته شد: «فعلا)ٍ دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (امّا آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می ترسیدند، همان گونه که از خدا می ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگارا! چرا جهاد را بر ما مقرّر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است! و سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکافِ هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد! (۷۷)

أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِککُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ کُنتُمْ فِی بُرُوجٍ مُّشَیَّدَهٍ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَیِّئَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِکَ قُلْ کُلٌّ مِّنْ عِندِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ حَدِیثًا (۷۸)

هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید! و اگر به آنها [= منافقان ] حسنه (و پیروزی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه خداست.» و اگر سیّئه (و شکستی) برسد، می گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه اینها از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟! (۷۸)

مَّا أَصَابَکَ مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَکَ مِن سَیِّئَهٍ فَمِن نَّفْسِکَ وَأَرْسَلْنَاکَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا (۷۹)

(آری،) آنچه از نیکیها به تو می رسد، از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست. و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا در این باره، کافی است! (۷۹)

ص: ۹۰

مَّن یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّی فَمَا أَرْسَلْنَاکَ عَلَیْهِمْ حَفِیظًا (۸۰)

کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستادیم (و در برابر او، مسؤول نیستی). (۸۰)

وَیَقُولُونَ طَاعَهٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِندِکَ بَیَّتَ طَائِفَهٌ مِّنْهُمْ غَیْرَ الَّذِی تَقُولُ وَاللَّهُ یَکْتُبُ مَا یُبَیِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ وَکِیلًا (۸۱)

آنها در حضور تو می گویند: «فرمانبرداریم»؛ امّا هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته های تو، جلسات سرّی شبانه تشکیل می دهند؛ آنچه را در این جلسات می گویند، خداوند می نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکّل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد. (۸۱)

أَفَلَا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ کَانَ مِنْ عِندِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا کَثِیرًا (۸۲)

آیا درباره قرآن نمی اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می یافتند. (۸۲)

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (٨٣)

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق،) آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان -که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عدّه کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید (و گمراه می شدید). (٨٣)

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا (٨٤)

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار،) تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند (حتی اگر تنها خودت به میدان بروی)! و خداوند قدرتش بیشتر، و مجازاتش دردناکتر است. (٨۴)

مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا (٨۵)

کسی که شفاعت [= تشویق و کمک ] به کار نیکی کند، نصیبی از آن برای او خواهد بود؛ و کسی که شفاعت [= تشویق و کمک ] به کار بدی کند، سهمی از آن خواهد داشت. و خداوند، حسابرس و نگهدار هر چیز است. (٨۵)

وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (٨۶)

هرگاه به شما تحیّت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید؛ یا (لااقل) به همان گونه پاسخ گویید! خداوند حساب همه چیز را دارد. (٨۶)



اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (٨٧)

خداوند، معبودی جز او نیست! و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز -که شکی در آن نیست- جمع می کند! و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟ (٨٧)

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (٨٨)

چرا درباره منافقین دو دسته شده اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع، و بعضی مجاز می دانید.) در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملاً وارونه کرده است! آیا شما می خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (٨٨)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ

وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۸۹)

آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابر این، از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضدّ شما ادامه دهند،) هر جا آنها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آنها، دوست و یار و یاوری اختیار نکنید! (۸۹)

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (۹۰)

مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته اند؛ یا آنها که به سوی شما می آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند، و نه توانایی مبارزه با قوم خود.) و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرّض آنان شوید. (۹۰)

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۹۱)

بزودی جمعیّت دیگری را می یابید که می خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. لذا نزد شما ادّعای ایمان می کنند؛ ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلّط آشکاری نسبت به آنان قرار داده ایم. (۹۱)

ص: ۹۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَن يَصَّدَّقُوا فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۹۲)

هیچ فرد باایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطا و اشتباه از او سر زند؛ (و در عین حال،) کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل رساند، باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آنها خونبها را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول باایمان بوده، (تنها) باید یک برده مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خونبها لازم نیست). و اگر از جمعیّتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خونبهای او را به کسان او بپردازد، و یک برده مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می گیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است. (۹۲)

وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (۹۳)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازاتِ او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که در راه خدا گام می زنید (و به سفری برای جهاد می روید)، تحقیق کنید! و بخاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می کند نگویید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما قبلاً چنین بودید؛ و خداوند بر شما منّت نهاد (و هدایت شدید). پس، (بشکرانه این نعمت بزرگ،) تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۹۴)

ص: ۹۳

لَّا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۹۵)

(هرگز) افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان [= ترک کنندگان جهاد] برتری مهمّی بخشیده؛ و به هر یک از این دو گروه (به نسبت اعمال نیکشان،) خداوند وعده پاداش نیک داده، و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. (۹۵)

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۹۶)

درجات (مهمّی) از ناحیه خداوند، و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته اند،) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۹۶)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)

کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صفِ کفّار جای داشتید؟!)» گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [= فرشتگان ] گفتند: «مگر سرزمین خدا، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند. (۹۷)

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸)

مگر آن دسته از مردان و زنان و کودکانی که براستی تحت فشار قرار گرفته اند (و حقیقتاً مستضعفند)؛ نه چاره ای دارند، و نه راهی (برای نجات از آن محیط آلوده) می یابند. (۹۸)

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (۹۹)

ممکن است خداوند، آنها را مورد عفو قرار دهد؛ و خداوند، عفو کننده و آمرزنده است. (۹۹)

وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۰۰)

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امنِ فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۰)

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۱۰۱)

هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه (و خطر) ِ کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند. (۱۰۱)



وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَى أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۱۰۲)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود برگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، باید به پشتِ سرِ شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده اند (و مشغول پیکار بوده اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاعهای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، مانعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده ای برای کافران فراهم ساخته است. (۱۰۲)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاهَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاهَ إِنَّ الصَّلَاهَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا (۱۰۳)

و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز، وظیفه ثابت و معیّنی برای مؤمنان است! (۱۰۳)

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۰۴)

و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۰۴)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (۱۰۵)

ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی! (۱۰۵)

ص: ۹۵

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۰۶)

و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۰۶)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (۱۰۷)

و از آنها که به خود خیانت کردند، دفاع مکن! زیرا خداوند، افراد خیانت پیشه گنهکار را دوست ندارد. (۱۰۷)

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (۱۰۸)

آنها زشتکاریِ خود را از مردم پنهان می دارند؛ اما از خدا پنهان نمی دارند، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۱۰۸)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاهِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۱۰۹)

آری، شما همانها هستید که در زندگی این جهان، از آنان دفاع کردید! اما کیست که در برابر خداوند، در روز رستاخیز از آنها دفاع کند؟! یا چه کسی است که وکیل و حامی آنها باشد؟! (۱۰۹)

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۱۰)

کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. (۱۱۰)

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱۱)

و کسی که گناهی مرتکب شود، به زیان خود مرتکب شده؛ خداوند، دانا و حکیم است. (۱۱۱)

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۱۱۲)

و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بیگناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناهِ آشکاری بر دوش گرفته است. (۱۱۲)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (۱۱۳)

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ اما جز خودشان را گمراه نمی کنند؛ و هیچ گونه زیانی به تو نمی رسانند. و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است. (۱۱۳)

ص: ۹۶

لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۴)

در بسیاری از سخنانِ درِگوشی (و جلسات محرمانه) آنها، خیر و سودی نیست؛ مگر کسی که (به این وسیله،) امر به کمک به دیگران، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم کند؛ و هر کس برای خشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۱۱۴)

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵)

کسی که بعد از آشکار شدن حق، با پیامبر مخالفت کند، و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، ما او را به همان راه که می رود می بریم؛ و به دوزخ داخل می کنیم؛ و جایگاه بدی دارد. (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶)

خداوند، شرک به او را نمی آمرزد؛ (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. (۱۱۶)

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا (۱۱۷)

آنچه غیر از خدا می خوانند، فقط بتهایی است (بی روح)، که هیچ اثری ندارد؛ و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است. (۱۱۷)

لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۱۱۸)

خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معیّنی خواهم گرفت! (۱۱۸)

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۱۱۹)

و آنها را گمراه می کنم! و به آرزوها سرگرم می سازم! و به آنان دستور می دهم که (اعمال خرافی انجام دهند، و) گوش چهارپایان را بشکافند، و آفرینشِ پاک خدایی را تغییر دهند! (و فطرت توحید را به شرک بیالایند!)» و هر کس، شیطان را به جای خدا ولّیِ خود برگزیند، زیانِ آشکاری کرده است. (۱۱۹)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲۰)

شیطان به آنها وعده ها (ی دروغین) می دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی دهد. (۱۲۰)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (۱۲۱)

آنها [= پیروان شیطان ] جایگاهشان جهنم است؛ و هیچ راه فراری ندارند. (۱۲۱)

ص: ۹۷

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بزودی آن را در باغهایی از بهشت وارد می کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده هایش، از خدا صادقتر باشد؟! (۱۲۲)

لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳)

(فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می شود؛ و کسی را جز خدا، ولّی و یاور خود نخواهد یافت. (۱۲۳)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴)

و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۱۲۴)

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (۱۲۵)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاکِ ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستیِ خود، انتخاب کرد. (۱۲۵)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (۱۲۶)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست؛ و خداوند به هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۶)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

از تو درباره حکم زنان سؤال می کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی دهید، و می خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارشهای خداوند در این زمینه می باشد؛ و نیز به شما سفارش می کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکیها انجام می دهید؛ خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می دهد). (۱۲۷)

ص: ۹۸

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۲۸)

و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراضِ شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید.) و صلح، بهتر است؛ اگر چه مردم (طبق غریزه حبّ ذات، در این گونه موارد) بخل می ورزند. و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و بخاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد). (۱۲۸)

وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۲۹)

شما هرگز نمی توانید (از نظر محّبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را بکلّی

متوجّه یـک طرف نسازیـد که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآوریـد! و اگر راه صـلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (۱۳۰)

(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیاز می کند؛ و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است. (۱۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (۱۳۱)

آنچه در آسـمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شـما (نیز) سـفارش می کنیم که از (نافرمانی) خـدا بپرهیزیـد! و اگر کافر شویـد، (به خـدا زیانی نمی رسد؛ زیرا) برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی نیاز و ستوده است. (۱۳۱)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۳۲)

برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ و کافی است که خدا، حافظ و نگاهبان آنها باشد. (۱۳۲)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا (۱۳۳)

ای مردم! اگر او بخواهـد، شـما را از میـان می برد و افراد دیگری را (به جای شـما) می آورد، و خداونـد، بر این کار تواناست. (۱۳۳)

مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱۳۴)

کسـانی که پـاداش دنیـوی بخواهنـد، (و در قیـد نتایـج معنـوی و اخروی نباشـند، در اشـتباهند؛ زیرا) پـاداش دنیـا و آخرت نزد خداست؛ و خداوند، شنوا و بیناست. (۱۳۴)

ص: ۹۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شـما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنیّ یا فقیر باشـند، خداوند سـزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنیـد؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض

نمایید، خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۳۵)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلَی رَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن یَکْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِکَتِهِ وَکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِیدًا (۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است. (۱۳۶)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا کُفْرًا لَّمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِیَهْدِیَهُمْ سَبِیلًا (۱۳۷)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند، و دیگربار کافر شدند، سپس بر کفر خود افزودند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشید، و آنها را به راه (راست) هدایت نخواهد کرد. (۱۳۷)

بَشِّرِ الْمُنَافِقِینَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِیمًا (۱۳۸)

به منافقان بشارت ده که مجازات دردناکی در انتظار آنهاست! (۱۳۸)

الَّذِینَ یَتَّخِذُونَ الْکَافِرِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِینَ أَیَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِیعًا (۱۳۹)

همانها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزّت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزّتها از آن خداست؟! (۱۳۹)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَیْکُمْ فِی الْکِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آیَاتِ اللَّهِ یُکْفَرُ بِهَا وَیُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّی یَخُوضُوا فِی حَدِیثٍ غَیْرِهِ إِنَّکُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِینَ وَالْکَافِرِینَ فِی جَهَنَّمَ جَمِیعًا (۱۴۰)

و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هرگاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند! وگرنه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می کند. (۱۴۰)

ص: ۱۰۰

الَّذِینَ یَتَرَبَّصُونَ بِکُمْ فَإِن کَانَ لَکُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَکُن مَّعَکُمْ وَإِن کَانَ لِلْکَافِرِینَ نَصِیبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَیْکُمْ وَنَمْنَعْکُم مِّنَ الْمُؤْمِنِینَ فَاللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَلَن یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا (۱۴۱)

منافقان همانها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند؛ اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنایم شریکیم!) «و اگر بهره ای نصیب کافران گردد، به آنان می گویند: مگر ما

شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)» خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می کند؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلّطی نداده است. (۱۴۱)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۴۲)

منافقان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند؛ و در برابر مردم ریا می کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند! (۱۴۲)

مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۱۴۳)

آنها افراد بی هدفی هستند که نه سوی اینها، و نه سوی آنهایند! (نه در صف مؤمنان قرار دارند، و نه در صف کافران!) و هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت. (۱۴۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۴۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولّی و تکیه گاه خود قرار ندهید! آیا می خواهید (با این عمل،) دلیل آشکاری بر ضدّ خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟! (۱۴۴)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۱۴۵)

منافقان در پایین ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابر این، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزید!) (۱۴۵)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶)

مگر آنها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آنها با مؤمنان خواهند بود؛ و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد. (۱۴۶)

مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَآمَنتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

خدا چه نیازی به مجازات شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید؟ خدا شکرگزار و آگاه است. (اعمال و نیّات شما را می داند، و به اعمال نیک، پاداش نیک می دهد.) (۱۴۷)

ص: ۱۰۱

## جزء ۶

## ادامه سوره النساء

لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۱۴۸)

خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست. (۱۴۸)

إِن تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (۱۴۹)

اگر نیکیها را آشکار یا مخفی سازید، و از بدیها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست (و با اینکه قادر بر انتقام است، عفو و گذشت می کند). (۱۴۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰)

کسانی که خدا و پیامبرانِ او را انکار می کنند، و می خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می گویند: «به بعضی ایمان می آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند... (۱۵۰)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۱۵۱)

آنها کافران حقیقی اند؛ و برای کافران، مجازات خوارکننده ای فراهم ساخته ایم. (۱۵۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۵۲)

(ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احدی از آنها فرق نمی گذارند، پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۱۵۲)

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِن ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۵۳)

اهل کتاب از تو می خواهند کتابی از آسمان (یکجا) بر آنها نازل کنی؛ (در حالی که این یک بهانه است؛) آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و بخاطر این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم. (۱۵۳)

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۱۵۴)

و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم؛ و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: «(برای توبه،) از در (بیت المقدس) با خضوع درآیید!» و (نیز) گفتیم: «روز شنبه تعدّی نکنید (و دست از کار بکشید!)» و از آنان (در برابر همه اینها،)

پیمان محکمی گرفتیم. (۱۵۴)

ص: ۱۰۲

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵۵)

(ولی) بخاطر پیمان شکنی آنها، و انکار آیات خدا، و کشتن پیامبران بناحق، و بخاطر اینکه (از روی استهزا) می گفتند: «بر دلهای ما، پرده افکنده (شده و سخنان پیامبر را درک نمی کنیم!» رانده درگاه خدا شدند.) آری، خداوند بعلّت کفرشان، بر دلهای آنها مهر زده؛ که جز عده کمی (که راه حق می پویند و لجاج ندارند،) ایمان نمی آورند. (۱۵۵)

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

و (نیز) بخاطر کفرشان، و تهمت بزرگی که بر مریم زدند. (۱۵۶)

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷)

و گفتارشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم!» در حالی که نه او را کشتند، و نه بر دار آویختند؛ لکن امر بر آنها مشتبه شد. و کسانی که در مورد (قتل) او اختلاف کردند، از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند؛ و قطعاً او را نکشتند! (۱۵۷)

بَل رَّفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۵۸)

بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد. و خداوند، توانا و حکیم است. (۱۵۸)

وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (۱۵۹)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او [= حضرت مسیح ] ایمان می آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود. (۱۵۹)

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰)

بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم. (۱۶۰)

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)

و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند؛ و خوردن اموال مردم بباطل؛ و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده ایم. (۱۶۱)

لَّكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۶۲)

ولی راسخانِ در علم از آنها، و مؤمنان (از امّت اسلام،) به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد. (۱۶۲)

ص: ۱۰۳

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۱۶۳)

ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم؛ و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [= بنی اسرائیل ] و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داوود زبور دادیم. (۱۶۳)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته ایم؛ و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم؛ و خداوند با موسی سخن گفت. (و این امتیاز، از آن او بود.) (۱۶۴)

رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵)

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود؛) و خداوند، توانا و حکیم است. (۱۶۵)

لَّكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱۶۶)

ولی خداوند گواهی می دهد به آنچه بر تو نازل کرده؛ که از روی علمش نازل کرده است، و فرشتگان (نیز) گواهی می دهند؛ هر چند گواهی خدا کافی است. (۱۶۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۶۷)

کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده اند. (۱۶۷)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (۱۶۸)

کسانی که کافر شدند، و (به خود و دیگران) ستم کردند، هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید، و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد، (۱۶۸)

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۶۹)

مگر به راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این کار برای خدا آسان است! (۱۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷۰)

ای مردم! پیامبر (ی که انتظارش را می کشیدید،) حق را از جانب پروردگارتان آورد؛ به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد، زیرا) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است. (۱۷۰)

ص: ۱۰۴

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بیاورید! و نگویید: «(خداوند) سه گانه است!» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبود یگانه است؛ او منزه است که فرزندی داشته باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سرپرستی آنها، خداوند کافی است. (۱۷۱)

لَّن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲)

هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرّب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیّت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد. (۱۷۲)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷۳)

امّا آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را بطور کامل خواهد داد؛ و از فضل و بخشش خود، بر آنها خواهد افزود. و آنها را که ابا کردند و تکبّر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد؛ و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (۱۷۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (۱۷۴)

ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نور آشکاری به سوی شما نازل کردیم. (۱۷۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۱۷۵)

امّا آنها که به خدا ایمان آوردند و به (آن کتاب آسمانی) چنگ زدند، بزودی همه را در رحمت و فضل خود، وارد خواهد ساخت؛ و در راه راستی، به سوی خودش هدایت می کند. (۱۷۵)

ص: ۱۰۵

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۷۶)

از تو (در باره ارث خواهران و برادران) سؤال می کنند، بگو: «خداوند، حکم کلاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزند نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از او (ارث) می برد؛ و (اگر خواهری از دنیا برود، وارث او یک برادر باشد،) او تمام مال را از آن خواهر به ارث می برد، در صورتی که (میّت) فرزند نداشته باشد؛ و اگر دو خواهر (از او) باقی باشند دو سوم اموال را می برند؛ و اگر برادران و خواهران با هم باشند، (تمام اموال را میان خود تقسیم می کنند؛ و) برای هر مذکّر، دو برابر سهم مؤنّث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خداوند به همه چیز داناست.» (۱۷۶)

## سوره المائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها (و قراردادها) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آنها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود (و استثنا خواهد شد). و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می کند. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ

وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانعی ندارد. و خصومت با جمعیّتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدّی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است! (۲)



حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳)

گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده -مگر آنکه (بموقع به آن حیوان برسید، و) آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است -امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم- امّا آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشتهای ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۳)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴)

از تو سؤال می کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگهای آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده اید، (بر شما حلال است؛) پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می کنند و) نگاه می دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است!» (۴)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِی أَخْدَانٍ وَمَن يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۵)

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود. (۵)

ص: ۱۰۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَی أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده ]، یا با زنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی ] و دستها بکشید! خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید! (۶)

وَاذْكُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِی وَاثَقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

و به یاد آورید نعمت خدا را بر شما، و پیمانی را که با تأکید از شما گرفت، آن زمان که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم»! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که خدا، از آنچه درون سینه هاست، آگاه است! (۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیّتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می دهید، با خبر است! (۸)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَهٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۹)

خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. (۹)

ص: ۱۰۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۰)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخند. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند! (۱۱)

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [= سرپرست ] برانگیختیم. و خداوند (به آنها) گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید، و به خدا قرض الحسن بدهید [= در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [= می بخشم ]؛ و شما را در باغهایی از بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هر کس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است. (۱۲)

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳)

ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دلهای آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می کنند؛ و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند؛ و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد! (۱۳)

ص: ۱۰۹

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ

اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴)

و از كسانى كه ادّعاى نصرانيّت (و يارى مسيح) داشتند (نيز) پيمان گرفتيم؛ ولى آنها قسمت مهمّى را از آنچه به آنان تذكّر داده شده بود فراموش كردند؛ از اين رو در ميان آنها، تا دامنه قيامت، عداوت و دشمنى افكنديم. و خداوند، (در قيامت) آنها را از آنچه انجام مى دادند (و نتايج آن)، آگاه خواهد ساخت. (۱۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵)

اى اهل كتاب! پيامبر ما، كه بسيارى از حقايق كتاب آسمانى را كه شما كتمان مى كرديد روشن مى سازد، به سوى شما آمد؛ و از بسيارى از آن، (كه فعلاً افشاى آن مصلحت نيست،) صرف نظر مى نمايد. (آرى،) از طرف خدا، نور و كتاب آشكارى به سوى شما آمد. (۱۵)

يَهْدِى بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۶)

خداوند به بركت آن، كسانى را كه از خشنودى او پيروى كنند، به راه هاى سلامت، هدايت مى كند؛ و به فرمان خود، از تاريكيها به سوى روشنايى مى برد؛ و آنها را به سوى راه راست، رهبرى مى نمايد. (۱۶)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

آنها كه گفتند: «خدا، همان مسيح بن مريم است»، بطور مسلّم كافر شدند؛ بگو: «اگر خدا بخواهد مسيح بن مريم و مادرش و همه كسانى را كه روى زمين هستند هلاك كند، چه كسى مى تواند جلوگيرى كند؟ (آرى،) حكومت آسمانها و زمين، و آنچه ميان آن دو قرار دارد از آن خداست؛ هر چه بخواهد، مى آفريند؛ (حتّى انسانى بدون پدر، مانند مسيح؛) و او، بر هر چيزى تواناست.» (۱۷)

ص: ۱۱۰

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

يهود و نصارى گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان (خاصّ) او هستيم.» بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات مى كند؟! بلكه شما هم بشرى هستيد از مخلوقاتى كه آفريده؛ هر كس را بخواهد (و شايسته بداند)، مى بخشد؛ و هر كس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات مى كند؛ و حكومت آسمانها و زمين و آنچه در ميان آنهاست، از آن اوست؛ و بازگشت همه موجودات، به سوى اوست.» (۱۸)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می کند؛ تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای»! (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست. (۱۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۰)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکّر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد؛ (و زنجیر بندگی و اسارت فرعونی را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود! (۲۰)

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۲۱)

ای قوم! به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرّر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!» (۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیّتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند؛ اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!» (۲۲)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۳)

(ولی) دو نفر از مردانی که از خدا می ترسیدند، و خداوند به آنها، نعمت (عقل و ایمان و شهامت) داده بود، گفتند: «شما وارد دروازه شهر آنان شوید! هنگامی که وارد شدید، پیروز خواهید شد. و بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید!» (۲۳)

ص: ۱۱۱

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴)

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشسته ایم»! (۲۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّی لَا أَمْلِکُ إِلَّا نَفْسِی وَأَخِی فَافْرُقْ بَیْنَنَا وَبَیْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ (۲۵)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیّت گنهکار، جدایی بیفکن!» (۲۵)

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَیْهِمْ أَرْبَعِینَ سَنَةً یَتِیهُونَ فِی الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَی الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ (۲۶)

خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (مقدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیابان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیّت گنهکار، غمگین مباش!» (۲۶)

وَاتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ یُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّکَ قَالَ إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ (۲۷)

و داستان دو فرزند آدم را بحقّ بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرّب (به پروردگار) انجام دادند؛ امّا از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «(من چه گناهی دارم؟ زیرا) خدا، تنها از پرهیزگاران می پذیرد! (۲۷)

لَئِن بَسَطتَ إِلَیَّ یَدَکَ لِتَقْتُلَنِی مَا أَنَا بِبَاسِطٍ یَدِیَ إِلَیْکَ لِأَقْتُلَکَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِینَ (۲۸)

اگر تو برای کشتن من، دست دراز کنی، من هرگز به قتل تو دست نمی گشایم، چون از پروردگار جهانیان می ترسم! (۲۸)

إِنِّی أُرِیدُ أَن تَبُوءَ بِإِثْمِی وَإِثْمِکَ فَتَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِکَ جَزَاءُ الظَّالِمِینَ (۲۹)

من می خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی)؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران! (۲۹)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِیهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِینَ (۳۰)

نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت؛ و از زیانکاران شد. (۳۰)

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا یَبْحَثُ فِی الْأَرْضِ لِیُرِیَهُ کَیْفَ یُوَارِی سَوْءَةَ أَخِیهِ قَالَ یَا وَیْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَکُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِیَ سَوْءَةَ أَخِی فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِینَ (۳۱)

سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می کرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد. (۳۱)

مِنْ أَجْلِ ذَلِکَ کَتَبْنَا عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعًا وَمَنْ أَحْیَاهَا فَکَأَنَّمَا أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَیِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ کَثِیرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَلِکَ فِی الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرّر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدّی و اسراف کردند. (۳۲)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِینَ یُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا أَن یُقَتَّلُوا أَوْ یُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیْدِیهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَافٍ أَوْ یُنفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِکَ لَهُمْ خِزْیٌ فِی الدُّنْیَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِیمٌ (۳۳)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند،) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (۳۳)

إِلَّا الَّذِینَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۳۴)

مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۳۴)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجَاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید! و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید! (۳۵)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِیَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ یَوْمِ الْقِیَامَهِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۳۶)

بیقین کسانی که کافر شدند، اگر تمام آنچه روی زمین است و همانند آن، مال آنها باشد و همه آن را برای نجات از کیفر روز قیامت بدهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و مجازات دردناکی خواهند داشت. (۳۶)

ص: ۱۱۳

یُرِیدُونَ أَن یَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِینَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِیمٌ (۳۷)

پیوسته می خواهند از آتش خارج شوند، ولی نمی توانند از آن خارج گردند؛ و برای آنها مجازاتی پایدار است. (۳۷)

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است. (۳۸)

فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹)

اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد؛ (و از این مجازات؛ معاف می شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است. (۳۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰)

آیا نمی دانی که حکومت و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست؟ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، کیفر می کند؛ و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، می بخشد؛ و خداوند بر هر چیزی قادر است. (۴۰)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می کنند، و (به یکدیگر) می گویند: «اگر این (که ما می خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد،) بپذیرید، وگرنه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی درپی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد. (۴۱)

ص: ۱۱۴

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۴۲)

آنها بسیار به سخنان تو گوش می دهند تا آن را تکذیب کنند؛ مال حرام فراوان می خورند؛ پس اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا (اگر صلاح دانستی) آنها را به حال خود واگذار! و اگر از آنان صرف نظر کنی، به تو هیچ زیانی نمی رسانند؛ و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن، که خدا عادلان را دوست دارد! (۴۲)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۳)

چگونه تو را به داوری می طلبنـد؟! در حـالی که تورات نزد ایشان است؛ و در آن، حکم خـدا هست. (وانگهی) پس از داوری خواستن از حکم تو، (چرا) روی می گردانند؟! آنها مؤمن نیستند. (۴۳)

إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۴)

مـا تورات را نازل کردیم در حالی که در آن، هـدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خـدا تسلیم بودنـد، با آن برای یهود حکم می کردنـد؛ و (همچنین) علمـا و دانشـمندان به این کتـاب که به آنهـا سپرده شـده و بر آن گواه بودنـد، داوری می نمودند. بنابر این، (بخاطر داوری بر طبق آیات الهی،) از مردم نهراسید! و از من بترسید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و آنها که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی کنند، کافرند. (۴۴)

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۵)

و بر آنهـا [= بنی اسرائیل ] در آن [= تورات ]، مقرر داشتیم که جـان در مقابـل جـان، و چشم در مقابـل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دنـدان در برابر دنـدان می باشد؛ و هر زخمی، قصاص دارد؛ و اگر کسـی آن را ببخشد (و از قصاص، صرف نظر کند)، کفاره (گناهان) او محسوب می شود؛ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است. (۴۵)

ص: ۱۱۵

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۴۶)

و بـدنبال آنها [= پیامبران پیشـین ]، عیسـی بن مریم را فرسـتادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرسـتاده شـده بود تصـدیق داشت؛ و انجیل را به او دادیم که در آن، هـدایت و نور بود؛ و (این کتاب آسـمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می کرد؛ و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود. (۴۶)

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴۷)

اهل انجیل [= پیروان مسـیح ] نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند! و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند. (۴۷)

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا

جاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۴۸)

و این کتاب [= قرآن ] را به حق بر تو نازل کردیم، در حالی که کتب پیشین را تصدیق می کند، و حافظ و نگاهبان آنهاست؛ پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن! و از احکام الهی، روی مگردان! ما برای هر کدام از شما، آیین و طریقه روشنی قرار دادیم؛ و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی داد؛ ولی خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید؛ (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد). پس در نیکیها بر یکدیگر سبقت جویید! بازگشت همه شما، به سوی خداست؛ سپس از آنچه در آن اختلاف می کردید؛ به شما خبر خواهد داد. (۴۸)

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (۴۹)

و در میان آنها [= اهل کتاب ]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها برحذر باش، مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازند! و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می خواهد آنان را بخاطر پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقند. (۴۹)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۵۰)

آیا آنها حکم جاهلیّت را (از تو) می خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می کند؟! (۵۰)

ص: ۱۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصاری را ولّی (و دوست و تکیه گاه خود،) انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیّت ستمکار را هدایت نمی کند (۵۱)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۲)

(ولی) کسانی را که در دلهایشان بیماری است می بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و می گویند: «می ترسیم حادثه ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)» شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود (به نفع مسلمانان) پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند! (۵۲)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

آنها که ایمان آورده اند می گویند: «آیا این (منافقان) همانها هستند که با نهایت تأکید سوگند یاد کردند که با شما هستند؟! (چرا کارشان به اینجا رسید؟!)» (آری،) اعمالشان نابود گشت، و زیانکار شدند. (۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی رساند؛ خداوند جمعیّتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (۵۴)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)

سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. (۵۵)

وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیّت خدا پیروز است. (۵۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند -از اهل کتاب و مشرکان- ولیّ خود انتخاب نکنید؛ و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید! (۵۷)

ص: ۱۱۷

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۵۸)

آنها هنگامی که (اذان می گویید، و مردم را) به نماز فرا می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند. (۵۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (۵۹)

بگو: «ای اهل کتاب! آیا به ما خرده می گیرید؟ (مگر ما چه کرده ایم) جز اینکه به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده ایم. و این، بخاطر آن است که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده اید.» (۵۹)

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (۶۰)

بگو: «آیا شما را از کسانی که موقعیّت و پاداششان نزد خدا بدتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده،) و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده اند؛ موقعیّت و محل آنها، بدتر است؛ و از راه راست، گمراهترند.» (۶۰)

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَد دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (۶۱)

هنگامی که نزد شما می آیند، می گویند: «ایمان آورده ایم!» (امّا) با کفر وارد می شوند، و با کفر خارج می گردند؛ و خداوند، از آنچه کتمان می کردند، آگاهتر است! (۶۱)

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۲)

بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدّی، و خوردن مال حرام، شتاب می کنند! چه زشت است کاری که انجام می دادند! (۶۲)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۶۳)

چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند! (۶۳)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۶۴)

و یهود گفتند: «دست خدا (با زنجیر) بسته است.» دستهایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت (الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست (قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکندیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد. (۶۴)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۶۵)

و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم؛ و آنها را در باغهای پرنعمت بهشت، وارد می سازیم. (۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (۶۶)

و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [= قرآن ] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند. (۶۶)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد؛ و خداوند، جمعیّت کافران (لجوج) را هدایت نمی کند. (۶۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸)

ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید. بنابر این، از این قوم کافر، (و مخالفت آنها،) غمگین مباش! (۶۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹)

آنها که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان و مسیحیان، هرگاه به خداوند یگانه و روز جزا، ایمان بیاورند، و عمل صالح انجام دهند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین خواهند شد. (۶۹)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۷۰)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می آورد، عده ای را تکذیب می کردند؛ و عده ای را می کشتند. (۷۰)

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۷۱)

گمان کردند مجازاتی در کار نخواهد بود! از این رو (از دیدن حقایق و شنیدن سخنان حق،) نابینا و کر شدند؛ سپس (بیدار گشتند، و) خداوند توبه آنها را پذیرفت، دیگربار (در خواب غفلت فرو رفتند، و) بسیاری از آنها کور و کر شدند؛ و خداوند، به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۷۱)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۷۲)

آنها که گفتند: «خداوند همان مسیح بن مریم است»، بیقین کافر شدند، (با اینکه خود) مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یگانه را، که پروردگار من و شماست، پرستش کنید! زیرا هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است؛ و جایگاه او دوزخ است؛ و ستمکاران، یار و یاوری ندارند. (۷۲)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)

آنها که گفتند: «خداوند، یکی از سه خداست» (نیز) بیقین کافر شدند؛ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها (که روی این عقیده ایستادگی کنند،) خواهد رسید. (۷۳)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۴)

آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ (در حالی که) خداوند آمرزنده مهربان است. (۷۴)

مَّا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۷۵)

مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده (خدا) بود؛ پیش از وی نیز، فرستادگان دیگری بودند، مادرش، زن بسیار راستگویی بود؛ هر دو، غذا می خوردند؛ (با این حال، چگونه دعوی الوهیّت مسیح و پرستش مریم را دارید؟!) بنگر چگونه نشانه را برای آنها آشکار می سازیم! سپس بنگر چگونه از حق بازگردانده می شوند! (۷۵)

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۷۶)

بگو: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که مالك سود و زیان شما نیست؟! و خداوند، شنوا و داناست.» (۷۶)

ص: ۱۲۰

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (۷۷)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیّتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!» (٧٧)

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (٧٨)

کافران بنی اسرائیل، بر زبان داوود و عیسی بن مریم، لعن (و نفرین) شدند! این بخاطر آن بود که گناه کردند، و تجاوز می نمودند. (٧٨)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٧٩)

آنها از اعمال زشتی که انجام می دادند، یکدیگر را نهی نمی کردند؛ چه بدکاری انجام می دادند! (٧٩)

تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (٨٠)

بسیاری از آنها را می بینی که کافران (و بت پرستان) را دوست می دارند (و با آنها طرح دوستی می ریزند)؛ نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (معاد) آنها فرستاد! که نتیجه آن، خشم خداوند بود؛ و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند. (٨٠)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (٨١)

و اگر به خدا و پیامبر (ص) و آنچه بر او نازل شده، ایمان می آوردند، (هرگز) آنان [= کافران ] را به دوستی اختیار نمی کردند؛ ولی بسیاری از آنها فاسقند. (٨١)

## جزء ٧

### ادامه سوره المائده

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٨٢)

بطور مسلّم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبّر نمی ورزند. (٨٢)

ص: ١٢١

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (٨٣)

و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می بینی که (از شوق،) اشک می ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته اند؛ آنها می گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس! (۸۳)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (۸۴)

چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد؟!» (۸۴)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۸۵)

خداوند بخاطر این سخن، به آنها باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران! (۸۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند. (۸۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید! و از حدّ، تجاوز ننمایید! زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی دارد. (۸۷)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (۸۸)

و از نعمتهای حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید! (۸۸)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸۹)

خداوند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده،) مؤاخذه نمی کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده اید، مؤاخذه می نماید. کفاره این گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ و یا آزاد کردن یک برده؛ و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روز روزه می گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شماست به هنگامی که سوگند یاد می کنید (و مخالفت می نمایید). و سوگندهای خود را حفظ

کنید (و نشکنید!) خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند، شاید شکر او را بجا آورید! (۸۹)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید! (۹۰)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (۹۱)

شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید،) خودداری خواهید کرد؟! (۹۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۹۲)

اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید! و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید، (مستحق مجازات خواهید بود؛ و) بدانید بر پیامبر ما، جز ابلاغ آشکار، چیز دیگری نیست (و این وظیفه را در برابر شما، انجام داده است). (۹۲)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوا وَّآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوا وَّآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوا وَّأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۹۳)

بر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ (و نسبت به نوشیدن شراب، قبل از نزول حکم تحریم، مجازات نمی شوند؛) اگر تقوا پیشه کنند، و ایمان بیاورند، و اعمال صالح انجام دهند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان آورند؛ سپس تقوا پیشه کنند و نیکی نمایند. و خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که (به نزدیکی شما می آید، بطوری که) دستها و نیزه هایتان به آن می رسد، می آزماید؛ تا معلوم شود چه کسی باایمان به غیب، از خدا می ترسد؛ و هر کس بعد از آن تجاوز کند، مجازات دردناکی خواهد داشت. (۹۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احرام، شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی،) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن، روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خداوند گذشته را عفو کرده، ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. (۹۵)

ص: ۱۲۳

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

صید دریا و طعام آن برای شما و کاروانیان حلال است؛ تا (در حال احرام) از آن بهره مند شوید؛ ولی مادام که محرم هستید، شکار صحرا برای شما حرام است؛ و از (نافرمانی) خدایی که به سوی او محشور می شوید، بترسید! (۹۶)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْیَ وَالْقَلَائِدَ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (۹۷)

خداوند، کعبه -بیت الحرام- را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی نشان، و قربانیهای نشاندار را؛ این گونه احکام (حساب شده و دقیق،) بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می داند؛ و خدا به هر چیزی داناست. (۹۷)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۸)

بدانید خدا دارای مجازات شدید، و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۹۹)

پیامبر وظیفه ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد؛ (و مسؤول اعمال شما نیست). و خداوند آنچه را آشکار، و آنچه را پنهان می دارید می داند. (۹۹)

قُل لَّا يَسْتَوِی الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰۰)

بگو: «(هیچ گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاکها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید! (۱۰۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۰۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می کند! و اگر به هنگام

نزول قرآن، از آنها سؤال کنید، برای شما آشکار می شود؛ خداوند آنها را بخشیده (و نادیده گرفته) است. و خداوند، آمرزنده و بردبار است. (۱۰۱)

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (۱۰۲)

جمعی از پیشینیان شما، از آن سئوال کردند؛ و سپس با آن به مخالفت برخاستند. (ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید.) (۱۰۲)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

خداوند هیچ گونه «بحیره» و «سائبه» و «وصیله» و «حام» قرار نداده است [اشاره به چهار نوع از حیوانات اهلی است که در زمان جاهلیت، استفاده از آنها را بعللی حرام می دانستند؛ و این بدعت، در اسلام ممنوع شد.] ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ می بندند؛ و بیشتر آنها نمی فهمند! (۱۰۳)

ص: ۱۲۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!»، می گویند: «آنچه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است!»؛ آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟! (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته اید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می کردید، آگاه می سازد. (۱۰۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ (۱۰۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید،) دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!» (۱۰۶)

فَإِنْ عُثِرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده اند (و حق را کتمان کرده اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار می گیرند، و به خدا سوگند یاد می کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده ایم؛ که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!» (۱۰۷)

ذَلِکَ أَدْنَى أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

این کار، نزدیکتر است به اینکه گواهی بحق دهند، (و از خدا بترسند،) و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آنها را بگیرد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند. (۱۰۸)

ص: ۱۲۵

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّکَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹)

(از) روزی (بترسید) که خداوند، پیامبران را جمع می کند، و به آنها می گوید: «(در برابر دعوت شما،) چه پاسخی به شما داده شد؟»، می گویند: «ما چیزی نمی دانیم؛ تو خود، از همه اسرار نهان آگاهی.» (۱۰۹)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِى عَلَيْکَ وَعَلَى وَالِدَتِکَ إِذْ أَيَّدتُّکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِى الْمَهْدِ وَکَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ کَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِى فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَکُونُ طَيْرًا بِإِذْنِى وَتُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِى وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِى وَإِذْ کَفَفْتُ بَنِى إِسْرَائِيلَ عَنکَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ کَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: «یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با» روح القدس «تقویت کردم؛ که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی بصورت پرنده می ساختی، و در آن می دمیدی، و به فرمان من، پرنده ای می شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می کردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو، بازداشتم؛ در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها گفتند: اینها جز سحر آشکار نیست!» (۱۱۰)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِى وَبِرَسُولِى قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (۱۱۱)

و (به یاد آور) زمانی را که به حواریون وحی فرستادم که: «به من و فرستاده من، ایمان بیاورید!» آنها گفتند: «ایمان آوردیم، و

گواه باش که ما مسلمانیم!» (۱۱۱)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۱۲)

در آن هنگام که حواریون گفتند: «ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند مائده ای از آسمان بر ما نازل کند؟» او (در پاسخ) گفت: «از خدا بپرهیزید اگر با ایمان هستید!» (۱۱۲)

قَالُوا نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

گفتند: «(ما نظر بدی نداریم،) می خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما (به رسالت تو) مطمئن گردد؛ و بدانیم به ما راست گفته ای؛ و بر آن، گواه باشیم.» (۱۱۳)

ص: ۱۲۶

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ وَارْزُقْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیسی بن مریم عرض کرد: «خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده ای بر ما بفرست! تا برای اول و آخر ما، عیدی باشد، و نشانه ای از تو؛ و به ما روزی ده! تو بهترین روزی دهندگانی!» (۱۱۴)

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (۱۱۵)

خداوند (دعای او را مستجاب کرد؛ و) فرمود: «من آن را بر شما نازل می کنم؛ ولی هر کس از شما بعد از آن کافر گردد (و راه انکار پوید)، او را مجازاتی می کنم که احدی از جهانیان را چنان مجازات نکرده باشم!» (۱۱۵)

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۱۶)

و آنگاه که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟!»، او می گوید: «منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی؛ و من از آنچه در ذات (پاک) توست، آگاه نیستم! بیقین تو از تمام اسرار و پنهانیها باخبری. (۱۱۶)

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۱۷)

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار

شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهشان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی؛ و تو بر هر چیز، گواهی! (۱۱۷)

إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُکَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّکَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ (۱۱۸)

(با این حال،) اگر آنها را مجازات کنی، بندگان توانند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند)؛ و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)» (۱۱۸)

قَالَ اللَّهُ هَـٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۹)

خداوند می گوید: «امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!» (۱۱۹)

لِلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى کُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۲۰)

حکومت آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست، از آن خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (۱۲۰)

ص: ۱۲۷

## سوره الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱)

ستایش برای خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید، و ظلمتها و نور را پدید آورد؛ اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرارمی دهند (با اینکه دلایل توحید و یگانگی او، در آفرینش جهان آشکار است)! (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَکُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ (۲)

او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس مدتی مقرّر داشت (تا انسان تکامل یابد)؛ و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است). با این همه، شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او،) تردید می کنید! (۲)

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّکُمْ وَجَهْرَکُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَکْسِبُونَ (۳)

اوست خداوند در آسمانها و در زمین؛ پنهان و آشکار شما را می داند؛ و از آنچه (انجام می دهید و) به دست می آورید، با خبر است. (۳)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَهٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا کَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِینَ (۴)

هیچ نشانه و آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید، مگر اینکه از آن رویگردان می شوند! (۴)

فَقَدْ کَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ یَأْتِیهِمْ أَنبَاءُ مَا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (۵)

آنان، حق را هنگامی که سراغشان آمد، تکذیب کردند! ولی بزودی خبر آنچه را به باد مسخره می گرفتند، به آنان می رسد؛ (و از نتایج کار خود، آگاه می شوند). (۵)

أَلَمْ یَرَوْا کَمْ أَهْلَکْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَکِّن لَّکُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَیْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَکْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِینَ (۶)

آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و) قدرتهایی به آنها داده بودیم که به شما نداده‌ایم؛ بارانهای پی درپی برای آنها فرستادیم؛ و از زیر (آبادیهای) آنها، نهرها را جاری ساختیم؛ (اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را بخاطر گناهانشان نابود کردیم؛ و جمعیت دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (۶)

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَیْکَ کِتَابًا فِی قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَیْدِیهِمْ لَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِینٌ (۷)

(حتّی) اگر ما نامه ای روی صفحه ای بر تو نازل کنیم، و (علاوه بر دیدن و خواندن،) آن را با دستهای خود لمس کنند، باز کافران می گویند: «این، چیزی جز یک سحر آشکار نیست»! (۷)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ مَلَکٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَکًا لَّقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا یُنظَرُونَ (۸)

(از بهانه های آنها این بود که) گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟!)» ولی اگر فرشته ای بفرستیم، (و موضوع، جنبه حسی و شهود پیدا کند،) کار تمام می شود؛ (یعنی اگر مخالفت کنند،) دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاک می شوند). (۸)

ص: ۱۲۸

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَکًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَیْهِم مَّا یَلْبِسُونَ (۹)

و اگر او را فرشته ای قرارمی دادیم، حتماً وی را بصورت انسانی درمی آوردیم؛ (باز به پندار آنان،) کار را بر آنها مشتبه می ساختیم؛ همان طور که آنها کار را بر دیگران مشتبه می سازند! (۹)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَحَاقَ بِالَّذِینَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

(با این حال، نگران نباش!) جمعی از پیامبران پیش از تو را استهزا کردند؛ امّا سرانجام، آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را

می گرفت؛ (و عذاب الهی بر آنها فرود آمد). (۱۰)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان آیات الهی چه شد؟!» (۱۱)

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲)

بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست؛ رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده؛ (و به همین دلیل،) بطور قطع همه شما را در روز قیامت، که در آن شکّ و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری،) فقط کسانی که سرمایه های وجود خویش را از دست داده و گرفتار خسران شدند، ایمان نمی آورند. (۱۲)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳)

و برای اوست آنچه در شب و روز قرار دارد؛ و او، شنوا و داناست. (۱۳)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۴)

بگو: «آیا غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کنم؟! (خدایی) که آفریننده آسمانها و زمین است؛ اوست که روزی می دهد، و از کسی روزی نمی گیرد.» بگو: «من مأمورم که نخستین مسلمان باشم؛ و (خداوند به من دستور داده که) از مشرکان نباش!» (۱۴)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

بگو: «من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ [= روز رستاخیز] می ترسم! (۱۵)

مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۱۶)

آن کس که در آن روز، مجازات الهی به او نرسد، خداوند او را مشمول رحمت خویش ساخته؛ و این همان پیروزی آشکار است.» (۱۶)

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جز او نمی تواند آن را برطرف سازد! و اگر خیری به تو رساند، او بر همه چیز تواناست؛ (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است.) (۱۷)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (١٨)

اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلّط است؛ و اوست حکیم آگاه! (١٨)

ص: ١٢٩

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُل لَّا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (١٩)

بگو: «بالاترین گواهی، گواهی کیست؟» (و خودت پاسخ بده و) بگو: «خداوند، گواه میان من و شماست؛ و (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم). آیا براستی شما گواهی می دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «من هرگز چنین گواهی نمی دهم». بگو: «اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه برای او شریک قرارمی دهید، بیزارم!» (١٩)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٢٠)

آنان که کتاب آسمانی به ایشان داده ایم، بخوبی او [= پیامبر] را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجود خود را از دست داده اند، ایمان نمی آورند. (٢٠)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (٢١)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته [= همتایی برای او قائل شده ]، و یا آیات او را تکذیب کرده است؟! مسلماً ظالمان، رستگار نخواهند شد! (٢١)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (٢٢)

آن روز که همه آنها را محشور می کنیم؛ سپس به مشرکان می گوییم: «معبودهایتان، که همتای خدا می پنداشتید، کجایند؟» (چرا به یاری شما نمی شتابند؟!) (٢٢)

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (٢٣)

سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم!» (٢٣)

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٢٤)

ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می گویند، و آنچه را بدروغ همتای خدا می پنداشتند، از دست می دهند! (٢٤)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِی آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

پاره ای از آنها به (سخنان) تو، گوش فرامی دهند؛ ولی بر دلهای آنان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند؛ و در گوش آنها، سنگینی قرار داده ایم. و (آنها بقدری لجوجند که) اگر تمام نشانه های حق را ببینند، ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند، کافران می گویند: «اینها فقط افسانه های پیشینیان است!» (۲۵)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

آنها دیگران را از آن بازمی دارند؛ و خود نیز از آن دوری می کنند؛ آنها جز خود را هلاک نمی کنند، ولی نمی فهمند! (۲۶)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷)

کاش (حال آنها را) هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) ایستاده اند، ببینی! می گویند: ای کاش (بار دیگر، به دنیا) بازگردانده می شدیم، و آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می بودیم! (۲۷)

ص: ۱۳۰

بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)

(آنها در واقع پشیمان نیستند،) بلکه اعمال و نیّاتی را که قبلاً پنهان می کردند، در برابر آنها آشکار شده (و به وحشت افتاده اند). و اگر بازگردند، به همان اعمالی که از آن نهی شده بودند بازمی گردند؛ آنها دروغگویانند. (۲۸)

وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۹)

آنها گفتند: «چیزی جز این زندگی دنیای ما نیست؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد!» (۲۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰)

اگر آنها را به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان ایستاده اند، ببینی! (به آنها) می گوید: «آیا این حق نیست؟» می گویند: «آری، قسم به پروردگارمان (حق است!)» می گوید: «پس مجازات را بچشید به سزای آنچه انکار می کردید!» (۳۰)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۳۱)

آنها که لقای پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند؛ (و این تکذیب، ادامه می یابد) تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید؛ می گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها (بار سنگین) گناهانشان را بر دوش می

کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت! (۳۱)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی اندیشید؟! (۳۲)

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۳۳)

ما می دانیم که گفتار آنها، تو را غمگین می کند؛ ولی (غم مخور! و بدان که) آنها تو را تکذیب نمی کنند؛ بلکه ظالمان، آیات خدا را انکار می نمایند. (۳۳)

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیبها، صبر و استقامت کردند؛ و (در این راه،) آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید. (تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنتهای الهی است؛) و هیچ چیز نمی تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران به تو رسیده است. (۳۴)

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است، چنانچه بتوانی نقبی در زمین بزنی، یا نردبانی به آسمان بگذاری (و اعماق زمین و آسمانها را جستجو کنی، چنین کن) تا آیه (و نشانه دیگری) برای آنها بیاوری! (ولی بدان که این لجوجان، ایمان نمی آورند!) امّا اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد. (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش! (۳۵)

ص: ۱۳۱

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶)

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند؛ امّا مردگان (و آنها که روح انسانی را از دست داده اند، ایمان نمی آورند؛ و) خدا آنها را (در قیامت) برمی انگیزد؛ سپس به سوی او، بازمی گردند. (۳۶)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و گفتند: «چرا نشانه (و معجزه ای) از طرف پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «خداوند، قادر است که نشانه ای نازل کند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند!» (۳۷)

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ یَطِیرُ بِجَنَاحَیْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُکُم مَّا فَرَّطْنَا فِی الْکِتَابِ مِن شَیْءٍ ثُمَّ إِلَی رَبِّهِمْ یُحْشَرُونَ (۳۸)

هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه امتهایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند. (۳۸)

وَالَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا صُمٌّ وَبُکْمٌ فِی الظُّلُمَاتِ مَن یَشَإِ اللَّهُ یُضْلِلْهُ وَمَن یَشَأْ یَجْعَلْهُ عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۳۹)

آنها که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لالهایی هستند که در تاریکیها قرار دارند. هر کس را خدا بخواهد (و مستحق باشد،) گمراه می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند،) بر راه راست قرار خواهد داد. (۳۹)

قُلْ أَرَأَیْتَکُمْ إِنْ أَتَاکُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْکُمُ السَّاعَةُ أَغَیْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (۴۰)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب پروردگار به سراغ شما آید، یا رستاخیز برپا شود، آیا (برای حل مشکلات خود،) غیر خدا را می خوانید اگر راست می گویید؟!» (۴۰)

بَلْ إِیَّاهُ تَدْعُونَ فَیَکْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَیْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِکُونَ (۴۱)

(نه،) بلکه تنها او را می خوانید! و او اگر بخواهد، مشکلی را که بخاطر آن او را خوانده اید، برطرف می سازد؛ و آنچه را (امروز) همتای خدا قرارمی دهید، (در آن روز) فراموش خواهید کرد. (۴۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَی أُمَمٍ مِّن قَبْلِکَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آنها را با شدّت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند! (۴۲)

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَکِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطَانُ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۴۳)

چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دلهای آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که می کردند، در نظرشان زینت داد! (۴۳)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُکِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَیْهِمْ أَبْوَابَ کُلِّ شَیْءٍ حَتَّی إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (۴۴)

(آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملا) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد). (۴۴)

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)

و (به این ترتیب،) دنباله (زندگی) جمعیّتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است. (۴۵)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (۴۶)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشمهایتان را بگیرد، و بر دلهای شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟!» ببین چگونه آیات را به گونه های مختلف برای آنها شرح می دهیم، سپس آنها روی می گردانند! (۴۶)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (۴۷)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا بطور ناگهانی (و پنهانی) یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز جمعیّت ستمکار هلاک می شوند؟!» (۴۷)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴۸)

ما پیامبران را، جز (به عنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی فرستیم؛ آنها که ایمان بیاورند و (خویشتن را) اصلاح کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (۴۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۴۹)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانیها به آنان می رسد. (۴۹)

قُل لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو: «من نمی گویم خزاین خدا نزد من است؛ و من، (جز آنچه خدا به من بیاموزد،) از غیب آگاه نیستم! و به شما نمی گویم من فرشته ام؛ تنها از آنچه به من وحی می شود پیروی می کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا نمی اندیشید؟!» (۵۰)

وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱)

و به وسیله آن (قرآن)، کسانی را که از روز حشر و رستاخیز می ترسند، بیم ده! (روزی که در آن،) یاور و سرپرست و شفاعت کننده ای جز او [= خدا] ندارند؛ شاید پرهیزگاری پیشه کنند! (۵۱)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (۵۲)

و كسانى را كه صبح و شام خدا را مى خوانند، و جز ذات پاك او نظرى ندارند، از خود دور مكن! نه چيزى از حساب آنها بر توست، و نه چيزى از حساب تو بر آنها! اگر آنها را طرد كنى، از ستمگران خواهى بود! (۵۲)

ص: ۱۳۳

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (۵۳)

و اين چنين بعضى از آنها را با بعض ديگر آزموديم (توانگران را بوسيله فقيران)؛ تا بگويند: «آيا اينها هستند كه خداوند از ميان ما (برگزيده، و) بر آنها منّت گذارده (و نعمت ايمان بخشيده است؟!» آيا خداوند، شاكران را بهتر نمى شناسد؟! (۵۳)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۴)

هرگاه كسانى كه به آيات ما ايمان دارند نزد تو آيند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض كرده؛ هر كس از شما كار بدى از روى نادانى كند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نمايد، (مشمول رحمت خدا مى شود چرا كه) او آمرزنده مهربان است.» (۵۴)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (۵۵)

و اين چنين آيات را برميشمريم، (تا حقيقت بر شما روشن شود،) و راه گناهكاران آشكار گردد. (۵۵)

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۵۶)

بگو: «من از پرستش كسانى كه غير از خدا مى خوانيد، نهى شده ام!» بگو: «من از هوى و هوسهاى شما، پيروى نمى كنم؛ اگر چنين كنم، گمراه شده ام؛ و از هدايت يافتگان نخواهم بود!» (۵۶)

قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷)

بگو: «من دليل روشنى از پروردگارم دارم؛ و شما آن را تكذيب كرده ايد! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهى) عجله داريد، به دستِ من نيست! حكم و فرمان، تنها از آنِ خداست! حق را از باطل جدا مى كند، و او بهترين جداكننده (حق از باطل) است.» (۵۷)

قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ (۵۸)

بگو: «اگر آنچه دربـاره آن عجله داریـد نزد من بود، (و به درخواست شـما ترتیب اثر می دادم، عـذاب الهی بر شـما نـازل می گشت؛) و کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ ولی خداوند ظالمان را بهتر می شناسد (و بموقع مجازات می کند.)» (۵۸)

وَعِنـدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ (۵۹)

کلیـدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسـی آنها را نمی دانـد. او آنچه را در خشـکی و دریاست می دانـد؛ هیچ برگـی (از درختی) نمی افتـد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و نه هیچ تر و خشـکی وجود دارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است. (۵۹)

ص: ۱۳۴

وَهُوَ الَّذِى يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۰)

او کسـی است که (روح) شـما را در شب (به هنگام خواب) می گیرد؛ و از آنچه در روز کرده اید، با خبر است؛ سپس در روز شما را (از خواب) برمی انگیزد؛ و (این وضع همچنان ادامه می یابـد) تا سـرآمد معینی فرا رسد؛ سـپس بازگشت شـما به سوی اوست؛ و سپس شما را از آنچه عمل می کردید، با خبر می سازد. (۶۰)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (۶۱)

او بر بندگان خود تسلّط کامل دارد؛ و مراقبانی بر شما می گمارد؛ تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ (در این موقع،) فرستادگان ما جان او را می گیرند؛ و آنها (در نگاهداری حساب عمر و اعمال بندگان،) کوتاهی نمی کنند. (۶۱)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (۶۲)

سپس (تمام بنـدگان) به سوی خـدا، که مولای حقیقی آنهاست، بازمی گردند. بدانید که حکم و داوری، مخصوص اوست؛ و او، سریعترین حسابگران است! (۶۲)

قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۳)

بگو: «چه کسـی شـما را از تاریکیهـای خشـکی و دریا رهایی می بخشـد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید؛ (و می گویید:) اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود.» (۶۳)

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ (۶۴)

بگو: «خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید! (و راه کفر

می پویید.)» (۶۴)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (۶۵)

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» ببین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)! (۶۵)

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (۶۶)

قوم و جمعیّت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان.)» (۶۶)

لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶۷)

هر خبری (که خداوند به شما داده،) سرانجام قرارگاهی دارد، (و در موعد خود انجام میگیرد.) و بزودی خواهید دانست! (۶۷)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۶۸)

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یادآمدن با این جمعیّت ستمگر منشین! (۶۸)

ص: ۱۳۵

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۶۹)

و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنها بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنها بر ایشان نیست؛ ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوی پیشه کنند! (۶۹)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

و رها کن کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا، آنها را مغرور ساخته، و با این (قرآن)، به آنها یادآوری نما، تا گرفتار (عواقب شوم) اعمال خود نشوند! (و در قیامت) جز خدا، نه یاوری دارند، و نه شفاعت کننده ای! و (چنین کسی) هر گونه عوضی بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد؛ آنها کسانی هستند که گرفتار اعمالی شده اند

که خود انجام داده اند؛ نوشابه ای از آب سوزان برای آنهاست؛ و عذاب دردناکی بخاطر اینکه کفر می ورزیدند (و آیات الهی را انکار) می کردند. (۷۰)

قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِى اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِى الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۱)

بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال ما دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب،) به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می کنند (و می گویند:) به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور داریم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم. (۷۱)

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِى إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۲)

و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را برپا دارید! و از او بپرهیزید! و تنها اوست که به سویش محشور خواهید شد.» (۷۲)

وَهُوَ الَّذِى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِى الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می گوید: «موجود باش!» موجود می شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه. (۷۳)

ص: ۱۳۶

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّى أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۷۴)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش ] «آزر» گفت: «آیا بتهائی را معبودان خود انتخاب می کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می بینم.» (۷۴)

وَكَذَلِكَ نُرِى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (۷۵)

و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد. (۷۵)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّى فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (۷۶)

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم!» (۷۶)

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّى فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۷)

و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می شکافد، گفت: «این خدای من است؟» امّا هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلّماً از گروه گمراهان خواهم بود.» (۷۷)

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّى هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸)

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می شکافت، گفت: «این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» امّا هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من از شریکهایی که شما (برای خدا) می سازید، بیزارم! (۷۸)

إِنِّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذِى فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۷۹)

من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم؛ و از مشرکان نیستم! (۷۹)

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّى فِى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّى شَيْئًا وَسِعَ رَبِّى كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۸۰)

ولی قوم او [= ابراهیم ]، با وی به گفتگو و ستیز پرداختند؛ گفت: «آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می کنید؟! در حالی که خداوند، مرا با دلایل روشن هدایت کرده؛ و من از آنچه شما همتای (خدا) قرار می دهید، نمی ترسم (و به من زیانی نمی رسانند)! مگر پروردگارم چیزی را بخواهد! وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در برمی گیرد؛ آیا متذکّر (و بیدار) نمی شوید؟! (۸۰)

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَىُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)

چگونه من از بتهای شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، شایسته تر به ایمنی (از مجازات) هستند اگر می دانید؟! (۸۱)

ص: ۱۳۷

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ (۸۲)

(آری،) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست؛ و آنها هدایت یافتگانند!»

(۸۲)

وَتِلْکَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِيمٌ عَلِيمٌ (۸۳)

اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم! درجات هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم،) بالا می بریم؛ پروردگار تو، حکیم و داناست. (۸۳)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ کُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَکَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِينَ (۸۴)

و اسحاق و یعقوب را به او [= ابراهیم ] بخشیدیم؛ و هر دو را هدایت کردیم؛ و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایّوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)؛ این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۸۴)

وَزَکَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ کُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۵)

و (همچنین) زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را؛ همه از صالحان بودند. (۸۵)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَکُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۸۶)

و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط را؛ و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۶)

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم. (۸۷)

ذَلِکَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِی بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا کَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸)

این، هدایت خداست؛ که هر کس از بندگان خود را بخواهد با آن راهنمایی می کند! و اگر آنها مشرک شوند، اعمال (نیکی) که انجام داده اند، نابود می گردد (و نتیجه ای از آن نمی گیرند). (۸۸)

أُولَئِکَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَکْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِکَافِرِينَ (۸۹)

آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوّت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حقّ زمین نمی ماند؛ زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند. (۸۹)

أُولَئِکَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرَى لِلْعَالَمِينَ (۹۰)

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! (و) بگو: «در برابر این (رسالت و تبلیغ)، پاداشی از شما نمی طلبم! این (رسالت)، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! (این وظیفه من است)» (۹۰)

ص: ۱۳۸

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (۹۱)

آنها خدا را درست نشناختند که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ انسانی، نفرستاده است!» بگو: «چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ ۱۰امّا شما) آن را بصورت پراکنده قرارمی دهید؛ قسمتی را آشکار، و قسمت زیادی را پنهان می دارید؛ و مطالبی به شما تعلیم داده شده که نه شما و نه پدرانتان، از آن با خبر نبودید!» بگو: «خدا!» سپس آنها را در گفتگوهای لجاجت آمیزشان رها کن، تا بازی کنند! (۹۱)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹۲)

و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می کند؛ (آن را فرستادیم تا مردم را به پاداشهای الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) امّ القری [= مکّه ] و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی! (یقین بدان) آنها که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می آورند؛ و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند! (۹۲)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (۹۳)

چه کسی ستمکارتر است از کسی که دروغی به خدا ببندد، یا بگوید: «بر من، وحی فرستاده شده»، در حالی که به او وحی نشده است، و کسی که بگوید: «من نیز همانند آنچه خدا نازل کرده است، نازل می کنم»؟! و اگر ببینی هنگامی که (این) ظالمان در شداید مرگ فرو رفته اند، و فرشتگان دستها را گشوده، به آنان می گویند: «جان خود را خارج سازید! امروز در برابر دروغهایی که به خدا بستید و نسبت به آیات او تکبر ورزیدید، مجازات خوارکننده ای خواهید دید»! (به حال آنها تأسف خواهی خورد) (۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۹۴)

و (روز قیامت به آنها گفته می شود:) همه شما تنها به سوی ما بازگشت نمودید، همان گونه که روز اوّل شما را آفریدیم! و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سر گذاردید! و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می پنداشتید، با شما نمی بینیم!

پیوندهای شما بریده شده است؛ و تمام آنچه را تکیه گاه خود تصوّر می کردید، از شما دور و گم شده اند! (۹۴)

ص: ۱۳۹

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذَلِکُمُ اللَّهُ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ (۹۵)

خداوند، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده خارج می سازد، و مرده را از زنده بیرون می آورد؛ این است خدای شما! پس چگونه از حقّ منحرف می شوید؟! (۹۵)

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّیْلَ سَکَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۹۶)

او شکافنده صبح است؛ و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است؛ این، اندازه گیری خداوند توانای داناست! (۹۶)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۹۷)

او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه ها (ی خود) را برای کسانی که می دانند، (و اهل فکر و اندیشه اند) بیان داشتیم! (۹۷)

وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ (۹۸)

او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می فهمند، تشریح نمودیم! (۹۸)

وَهُوَ الَّذِی أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ کُلِّ شَیْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاکِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِیَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَیْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَی ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَیَنْعِهِ إِنَّ فِی ذَلِکُمْ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۹۹)

او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه ها و شاخه های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه هایی با رشته های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی شباهت! هنگامی که میوه می دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است! (۹۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِینَ وَبَنَاتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یَصِفُونَ (۱۰۰)

آنان برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که خداوند همه آنها را آفریده است؛ و برای خدا، به دروغ و از روی جهل، پسران و دخترانی ساختند؛ منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می کنند! (۱۰۰)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۰۱)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به همه چیز داناست. (۱۰۱)

ص: ۱۴۰

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۱۰۲)

(آری، این است پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار همه چیز است؛ او را بپرستید و او نگهبان و مدّبر همه موجودات است. (۱۰۲)

لَّا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۰۳)

چشمها او را نمی بینند؛ ولی او همه چشمها را می بیند؛ و او بخشنده (انواع نعمتها، و با خبر از دقایق موجودات،) و آگاه (از همه) چیز است. (۱۰۳)

قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۱۰۴)

دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حقّ را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم) (۱۰۴)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵)

و اینچنین آیات (خود) را تشریح می کنیم؛ بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده ای (و آنها را از دیگری آموخته ای)»! می خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایقند، روشن سازیم. (۱۰۵)

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۶)

از آنچه که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده، پیروی کن! هیچ معبودی جز او نیست! و از مشرکان، روی بگردان! (۱۰۶)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۱۰۷)

اگر خدا می خواست، (همه به اجبار ایمان می آوردند،) و هیچ یک مشرک نمی شدند؛ و ما تو را مسؤول (اعمال) آنها قرار نداده ایم؛ و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی! (۱۰۷)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امّتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد). (۱۰۸)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

با نهایت اصرار، به خدا سوگند یاد کردند که اگر نشانه ای [= معجزه ای ] برای آنان بیاید، حتماً به آن ایمان می آورند؛ بگو: «معجزات فقط از سوی خداست (و در اختیار من نیست که به میل شما معجزه ای بیاورم)؛ و شما از کجا می دانید که هرگاه معجزه ای بیاید (ایمان می آورند؟ خیر،) ایمان نمی آورند!» (۱۰۹)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)

و ما دلها و چشمهای آنها را واژگونه می سازیم؛ (آری آنها ایمان نمی آورند) همان گونه که در آغاز، به آن ایمان نیاوردند! و آنان را در حال طغیان و سرکشی، به خود وامی گذاریم تا سرگردان شوند! (۱۱۰)

ص: ۱۴۱

## جزء ۸

### ادامه سوره الأنعام

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱)

(و حتّی) اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را در برابر آنها جمع می نمودیم، هرگز ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا بخواهد! ولی بیشتر آنها نمی دانند! (۱۱۱)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم؛ آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند؛ و اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند؛ (و می توانست جلو آنها را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار! (۱۱۲)

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ (۱۱۳)

نتیجه (وسوسه های شیطان و تبلیغات شیطان صفتان) این خواهد شد که دلهای منکران قیامت، به آنها متمایل گردد؛ و به آن

راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند! (۱۱۳)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِی حَكَمًا وَهُوَ الَّذِی أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)

(با این حال،) آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را، که همه چیز در آن آمده، به سوی شما فرستاده است؛ و کسانی که به آنها کتاب آسمانی داده ایم می دانند این کتاب، بحق از طرف پروردگارت نازل شده؛ بنابر این از تردیدکنندگان مباش! (۱۱۴)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)

و کلام پروردگار تو، با صدق و عدل، به حدّ تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند کلمات او را دگرگون سازد؛ و او شنونده داناست. (۱۱۵)

وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِی الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶)

اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ (زیرا) آنها تنها از گمان پیروی می نمایند، و تخمین و حدس (واهی) می زنند. (۱۱۶)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷)

پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه گشته اند، آگاهتر است؛ و همچنین از کسانی که هدایت یافته اند. (۱۱۷)

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

از (گوشت) آنچه نام خدا (هنگام سر بریدن) بر آن گفته شده، بخورید (و غیر از آن نخورید) اگر به آیات او ایمان دارید! (۱۱۸)

ص: ۱۴۲

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹)

چرا از چیزها [= گوشتها] ئی که نام خدا بر آنها برده شده نمی خورید؟! در حالی که (خداوند) آنچه را بر شما حرام بوده، بیان کرده است! مگر اینکه ناچار باشید؛ (که در این صورت، خوردن از گوشت آن حیوانات جایز است.) و بسیاری از مردم، به خاطر هوی و هوس و بی دانشی، (دیگران را) گمراه می سازند؛ و پروردگارت، تجاوزکاران را بهتر می شناسد. (۱۱۹)

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (۱۲۰)

گناهان آشکار و پنهان را رها کنید! زیرا کسانی که گناه می کنند، بزودی در برابر آنچه مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد. (۱۲۰)

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است؛ و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله برخیزند؛ اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود! (۱۲۱)

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۲)

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمتها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است. (۱۲۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)

و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاردیم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند؛) و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می دهند و نمی فهمند! (۱۲۳)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (۱۲۴)

و هنگامی که آیه ای برای آنها بیاید، می گویند: «ما هرگز ایمان نمی آوریم، مگر اینکه همانند چیزی که به پیامبران خدا داده شده، به ما هم داده شود!» خداوند آگاهتر است که رسالت خویش را کجا قرار دهد! بزودی کسانی که مرتکب گناه شدند، (و مردم را از راه حق منحرف ساختند،) در مقابل مکر (و فریب و نیرنگی) که می کردند، گرفتار حقارت در پیشگاه خدا، و عذاب شدید خواهند شد. (۱۲۴)

ص: ۱۴۳

فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آنچنان تنگ می کند که گویا می خواهد به آسمان بالا برود؛ این گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی آورند قرار می دهد! (۱۲۵)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست؛ ما آیات خود را برای کسانی که پند می گیرند، بیان کردیم! (۱۲۶)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۷)

برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و او، ولیّ و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می دادند. (۱۲۷)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور میسازد، (می گوید:) ای جمعیّت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [= پیشوایان و پیروان گمراه ] از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذّات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند؛) و به اجلی که برای ما مقرّر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می گوید: «آتش جایگاه شماست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست. (۱۲۸)

وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)

ما این گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی گذاریم به سبب اعمالی که انجام می دادند. (۱۲۹)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)

(در آن روز به آنها می گوید:) ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟! آنها می گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می دهیم؛ (آری، ما بد کردیم.)» و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند! (۱۳۰)

ذَلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)

این بخاطر آن است که پروردگارت هیچ گاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بی خبری هلاک

نمی کند. (بلکه قبلاً رسولانی برای آنها می فرستد.) (۱۳۱)

ص: ۱۴۴

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

و برای هر یک (از این دو دسته)، درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند؛ و پروردگارت از اعمالی که انجام می دهند، غافل نیست. (۱۳۲)

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَهِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّهِ قَوْمٍ آخَرِينَ (۱۳۳)

پروردگارت بی نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می گیرند؛) اگر بخواهد، همه شما را می برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می سازد؛ همان طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد. (۱۳۳)

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)

آنچه به شما وعده داده می شود، یقیناً می آید؛ و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از عدالت و کیفر او فرار کنید)! (۱۳۴)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵)

بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است! امّا) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!» (۱۳۵)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

آنها [= مشرکان ] سهمی از آنچه خداوند از زراعت و چهارپایان آفریده، برای او قرار دادند؛ (و سهمی برای بتها!) و بگمان خود گفتند: «این مال خداست! و این هم مال شرکای ما [= یعنی بتها] است!» آنچه مال شرکای آنها بود، به خدا نمی رسید؛ ولی آنچه مال خدا بود، به شرکایشان می رسید! (آری، اگر سهم بتها با کمبودی مواجه می شد، مال خدا را به بتها می دادند؛ امّا عکس آن را مجاز نمی دانستند!) چه بد حکم می کنند (که علاوه بر شرک، حتّی خدا را کمتر از بتها می دانند)! (۱۳۶)

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

همین گونه شرکای آنها [= بتها]، قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه دادند؛ (کودکان خود را قربانی بتها می کردند، و افتخار

می نمودنـد!) سـرانجام آنهـا را به هلاـکت افکندنـد؛ و آیینشان را بر آنان مشـتبه ساختنـد. و اگر خـدا می خواست، چنین نمی کردنـد؛ (زیرا می توانست جلو آنان را بگیرد؛ ولی اجبار سودی ندارد.) بنابر این، آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار (و به آنها اعتنا مکن)! (۱۳۷)

ص: ۱۴۵

وَقَالُوا هَـٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸)

و گفتند: «این قسمت از چهارپایان و زراعت (که مخصوص بتهاست، برای همه) ممنوع است؛ و جز کسانی که ما بخواهیم -به گمان آنها- نبایـد از آن بخورنـد! و (اینها) چهارپایانی است که سوارشدن بر آنها (بر ما) حرام شده است!» و (نیز) چهارپایانی (بود) که (هنگـام ذبـح،) نـام خـدا را بر آن نمی بردنـد، و به خـدا دروغ می بسـتند؛ (و می گفتنـد: «این احکـام، همه از نـاحیه اوست.») بزودی (خدا) کیفر افتراهای آنها را می دهد! (۱۳۸)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَـٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

و گفتند: «آنچه (از بچّه) در شـکم این حیوانات است، مخصوص مردان ماست؛ و بر همسـران ما حرام است! امّا اگر مرده باشد [= مرده متولّد شود]، همگی در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر این توصیف (و احکام دروغین) آنها را می دهد؛ او حکیم و داناست. (۱۳۹)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

به یقین آنها که فرزنـدان خود را از روی جهل و نادانی کشـتند، گرفتار خسـران شدنـد؛ (زیرا) آنچه را خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند؛ و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند؛ و (هرگز) هدایت نیافته بودند. (۱۴۰)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

اوست که باغهـای معروش [= باغهـایی که درختـانش روی داربست هـا قرار دارد]، و باغهای غیرمعروش [= باغهایی که نیاز به داربست نـدارد] را آفریـد؛ همچنین نخـل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتنـد؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه، و از جهتی تفاوت دارنـد؛ (برگ و ساختمان ظاهریشان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می باشـد.) از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می نشـیند، بخورید! و حقّ آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسـراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد! (۱۴۱)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲)

(او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گامهای شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست! (۱۴۲)

ص: ۱۴۶

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

هشت جفت از چهارپایان (برای شما) آفرید؛ از میش دو جفت، و از بز دو جفت؛ بگو: «آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده، یا ماده ها را؟ یا آنچه شکم ماده ها در برگرفته؟ اگر راست می گویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، به من خبر دهید!» (۱۴۳)

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر یک جفت، و از گاو هم یک جفت (برای شما آفرید)؛ بگو: «کدامیک از اینها را خدا حرام کرده است؟ نرها یا ماده ها را؟ یا آنچه را شکم ماده ها دربرگرفته؟ یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع توصیه کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی کند» (۱۴۴)

قُل لَّا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک -که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا [= نام بتها] بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطر (به خوردن این محرمات) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست)؛ زیرا پروردگارت، آمرزنده مهربان است. (۱۴۵)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۴۶)

و بر یهودیان، هر حیوان ناخن دار [= حیواناتی که سم یکپارچه دارند] را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه و چربیشان را بر آنان تحریم نمودیم؛ مگر چربیهایی که بر پشت آنها قرار دارد، و یا در دو طرف پهلوها، و یا آنها که با استخوان آمیخته است؛ این را بخاطر ستمی که می کردند به آنها کیفر دادیم؛ و ما راست می گوییم. (۱۴۶)

ص: ۱۴۷

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است) (۱۴۷)

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

بزودی مشرکان (برای تبرئه خویش) می گویند: «اگر خدا می خواست، نه ما مشرک می شدیم و نه پدران ما؛ و نه چیزی را تحریم می کردیم!» کسانی که پیش از آنها بودند نیز، همین گونه دروغ می گفتند؛ و سرانجام (طعم) کیفر ما را چشیدند. بگو: «آیا دلیل روشنی (بر این موضوع) دارید؟ پس آن را به ما نشان دهید؟ شما فقط از پندارهای بی اساس پیروی می کنید، و تخمینهای نابجا می زنید.» (۱۴۸)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: «دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ کس بهانه ای باقی نمی گذارد). و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند. (ولی چون هدایت اجباری بی ثمر است، این کار را نمی کند.)» (۱۴۹)

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَٰذَا فَإِن شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱۵۰)

بگو: «گواهان خود را، که گواهی می دهند خداوند اینها را حرام کرده است، بیاورید!» اگر آنها (بدروغ) گواهی دهند، تو با آنان (همصدا نشو! و) گواهی نده! و از هوی و هوس کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند و برای خدا شریک قائلند، پیروی مکن! (۱۵۰)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱)

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)؛ این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید! (۱۵۱)

ص: ۱۴۸

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا

وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید! -هیچ کس را، جز بمقدار توانائیش، تکلیف نمی کنیم- و هنگامی که سخنی می گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، تا متذکّر شوید! (۱۵۲)

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» (۱۵۳)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ (و نعمت خود را) بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم؛ و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود، در آن) روشن ساختیم؛ کتابی که مایه هدایت و رحمت بود؛ شاید به لقای پروردگارشان (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند! (۱۵۴)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این کتابی است پر برکت، که ما (بر تو) نازل کردیم؛ از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه نمائید، باشد که مورد رحمت (خدا) قرار گیرید! (۱۵۵)

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ (۱۵۶)

(ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگویید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری ] نازل شده بود؛ و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم»! (۱۵۶)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ (۱۵۷)

یا نگویید: «اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، از آنها هدایت یافته تر بودیم»! اینک آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان، و هدایت و رحمت برای شما آمد! پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟! اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند، بخاطر همین اعراض بی دلیلشان، مجازات شدید خواهیم کرد! (۱۵۷)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقّق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «(اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید،) انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می کشیم!» (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹)

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می دادند، با خبر می کند. (۱۵۹)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰)

هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد. (۱۶۰)

قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱)

بگو: «پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا)؛ آیین ابراهیم؛ که از آیینهای خرافی روی برگرداند؛ و از مشرکان نبود.» (۱۶۱)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲)

بگو: «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. (۱۶۲)

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳)

همتایی برای او نیست؛ و به همین مأمور شده ام؛ و من نخستین مسلمانم!» (۱۶۳)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴)

بگو: «آیا غیر خدا، پروردگاری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است؟! هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان

خودش، انجام نمی دهد؛ و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمّل نمی شود؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است؛ و شما را از آنچه در آن اختلاف داشتید، خبر خواهد داد. (۱۶۴)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَکُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّیَبْلُوَکُمْ فِی مَا آتَاکُمْ إِنَّ رَبَّکَ سَرِیعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۶۵)

و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است.) (۱۶۵)

ص: ۱۵۰

## سوره الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ المص (۱)

المص (۱)

کِتَابٌ أُنزِلَ إِلَیْکَ فَلَا یَکُن فِی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِکْرَی لِلْمُؤْمِنِینَ (۲)

این کتابی است که بر تو نازل شده؛ و نباید از ناحیه آن، ناراحتی در سینه داشته باشی! تا به وسیله آن، (مردم را از عواقب سوء عقاید و اعمال نادرستشان) بیم دهی؛ و تذکّری است برای مؤمنان. (۲)

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَیْکُم مِّن رَّبِّکُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِیَاءَ قَلِیلًا مَّا تَذَکَّرُونَ (۳)

از چیزی که از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده، پیروی کنید! و از اولیا و معبودهای دیگر جز او، پیروی نکنید! اما کمتر متذکّر می شوید! (۳)

وَکَم مِّن قَرْیَهٍ أَهْلَکْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَیَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (۴)

چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد. (۴)

فَمَا کَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا کُنَّا ظَالِمِینَ (۵)

و در آن موقع که عذاب ما به سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز اینکه گفتند: «ما ظالم بودیم!» (ولی این اعتراف به گناه، دیگر دیر شده بود؛ و سودی به حالشان نداشت.) (۵)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أَرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (۶)

به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ (و هم) از پیامبران سؤال می کنیم! (۶)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷)

و مسلماً (اعمالشان را) با علم (خود) برای آنان شرح خواهیم داد؛ و ما هرگز غایب نبودیم (بلکه همه جا حاضر و ناظر اعمال بندگان هستیم)! (۷)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

وزن کردن (اعمال، و سنجش ارزش آنها) در آن روز، حقّ است! کسانی که میزانهای (عمل) آنها سنگین است، همان رستگارانند! (۸)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (۹)

و کسانی که میزانهای (عمل) آنها سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، بخاطر ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما می کردند، از دست داده اند. (۹)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۱۰)

ما تسلّط و مالکیّت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می کنید! (۱۰)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (۱۱)

ص: ۱۵۱

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۱۲)

(خداوند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!» (۱۲)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

گفت: «از آن (مقام و مرتبه ات) فرود آی! تو حقّ نداری در آن (مقام و مرتبه) تکبّر کنی! بیرون رو، که تو از افراد پست و کوچکی! (۱۳)

قَالَ أَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (۱۴)

گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می شوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» (۱۴)

قَالَ إِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ (۱۵)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!» (۱۵)

قَالَ فَبِمَا أَغْوَیْتَنِی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَکَ الْمُسْتَقِیمَ (۱۶)

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنها کمین می کنم! (۱۶)

ثُمَّ لَآتِیَنَّهُم مِّن بَیْنِ أَیْدِیهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَیْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَکْثَرَهُمْ شَاکِرِینَ (۱۷)

سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم؛ و بیشتر آنها را شکرگزار نخواهی یافت!» (۱۷)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَکَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنکُمْ أَجْمَعِینَ (۱۸)

فرمود: «از آن (مقام)، با ننگ و عار و خواری، بیرون رو! و سوگند یاد می کنم که هر کس از آنها از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می کنم! (۱۸)

وَیَا آدَمُ اسْکُنْ أَنتَ وَزَوْجُکَ الْجَنَّةَ فَکُلَا مِنْ حَیْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَکُونَا مِنَ الظَّالِمِینَ (۱۹)

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! امّا به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» (۱۹)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطَانُ لِیُبْدِیَ لَهُمَا مَا وُورِیَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاکُمَا رَبُّکُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَکُونَا مَلَکَیْنِ أَوْ تَکُونَا مِنَ الْخَالِدِینَ (۲۰)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید،) فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» (۲۰)

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّی لَکُمَا لَمِنَ النَّاصِحِینَ (۲۱)

و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم. (۲۱)

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۲)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان ] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (۲۲)

ص: ۱۵۲

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!» (۲۳)

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۲۴)

فرمود: «(از مقام خویش،) فرود آیید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره گیری تا زمان معینی خواهد بود.» (۲۴)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (۲۵)

فرمود: «در آن [= زمین ] زنده می شوید؛ و در آن می میرید؛ و (در رستاخیز) از آن خارج خواهید شد.» (۲۵)

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکّر (نعمتهای او) شوند! (۲۶)

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید؛ (امّا بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند! (۲۷)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲۸)

و هنگـامی که کـار زشتی انجـام می دهنـد می گوینـد: «پـدران خود را بر این عمـل یافتیم؛ و خداونـد ما را به آن دسـتور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟!» (۲۸)

قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَأَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ (۲۹)

بگـو: «پروردگـارم امر به عـدالت کرده است؛ و تـوجّه خویش را در هر مسـجد (و به هنگـام عبـادت) به سوی او کنیـد! و او را بخوانیـد، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیـد! (و بدانیـد) همان گونه که در آغاز شـما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی گردید! (۲۹)

فَرِیقًا هَدَی وَفَرِیقًا حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلَالَهُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۰)

جمعی را هـدایت کرده؛ و جمعی (که شایسـتگی نداشـته انـد،) گمراهی بر آنهـا مسلّم شـده است. آنهـا (کسـانی هسـتند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می کنند هدایت یافته اند! (۳۰)

ص: ۱۵۳

یَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَکُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۳۱)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسـجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد! (۳۱)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا خَالِصَهً یَوْمَ الْقِیَامَهِ کَذَلِکَ نُفَصِّلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۳۲)

بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیـا، برای کسـانی است که ایمـان آورده انـد؛ (اگر چه دیگران نیز بـا آنهـا مشـارکت دارنـد؛ ولی) در قیـامت، خـالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم! (۳۲)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِکُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۳)

بگو: «خداونـد، تنها اعمال زشت را، چه آشـکار باشـد چه پنهان، حرام کرده است؛ و (همچنین) گناه و سـتم بناحق را؛ و اینکه چیزی را که خداوند دلیلی برای آن نازل نکرده، شریک او قرار دهید؛ و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید.» (۳۳)

وَلِکُلِّ أُمَّهٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا یَسْتَأْخِرُونَ سَاعَهً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ (۳۴)

برای هر قوم و جمعیّتی، زمان و سرآمد (معیّنی) است؛ و هنگامی که سرآمد آنها فرا رسـد، نه ساعتی از آن تأخیر می کنند، و

نه بر آن پیشی می گیرند. (۳۴)

يَا بَنِی آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِی فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۵)

ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سراغتان بیایند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، (از آنها پیروی کنید؛) کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند)، نه ترسی بر آنهاست و نه غمناک می شوند. (۳۵)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۶)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در آن خواهند ماند. (۳۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۳۷)

چه کسی ستمکارتر است از آنها که بر خدا دروغ می بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند؟! آنها نصیبشان را از آنچه مقدّر شده (از نعمتها و مواهب این جهان) می برند؛ تا زمانی که فرستادگان ما [= فرشتگان قبض ارواح ] به سراغشان روند و جانشان را بگیرند؛ از آنها می پرسند: «کجایند معبودهایی که غیر از خدا می خواندید؟! (چرا به یاری شما نمی آیند؟!)» می گویند: «آنها (همه) گم شدند (و از ما دور گشتند!)» و بر ضدّ خود گواهی می دهند که کافر بودند! (۳۷)

ص: ۱۵۴

قَالَ ادْخُلُوا فِی أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِی النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ (۳۸)

(خداوند به آنها) می گوید: «در صفّ گروه های مشابه خود از جنّ و انس در آتش وارد شوید!» هر زمان که گروهی وارد می شوند، گروه دیگر را لعن می کنند؛ تا همگی با ذلّت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می گویند: «خداوندا! اینها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آنها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهیشان، و کیفری بخاطر گمراه ساختن ما.)» می فرماید: «برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی دانید! (چرا که پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند.)» (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۳۹)

و پیشوایان آنها به پیروان خود می گویند: «شما امتیازی بر ما نداشتید؛ پس بچشید عذاب (الهی) را در برابر آنچه انجام می دادید! (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِی سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِی الْمُجْرِمِينَ (۴۰)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، (هرگز) درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود؛ و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد! این گونه، گنهکاران را جزا می دهیم! (۴۰)

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِی الظَّالِمِينَ (۴۱)

برای آنها بستری از (آتش) دوزخ، و روی آنها پوششهایی (از آن) است؛ و اینچنین ظالمان را جزا میدهیم! (۴۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند -البته هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کنیم- آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند. (۴۲)

وَنَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّهُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی کنیم (تا در صفا و صمیمیّت با هم زندگی کنند)؛ و از زیر (قصرها و درختان) آنها، نهرها جریان دارد؛ می گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمتها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم! مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند!» و (در این هنگام) به آنان ندا داده می شود که: «این بهشت را در برابر اعمالی که انجام می دادید، به ارث بردید!» (۴۳)

ص: ۱۵۵

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَهُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴۴)

و بهشتیان دوزخیان را صدا می زنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» گفتند: «بله!» در این هنگام، ندادهنده ای در میان آنها ندا می دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد! (۴۴)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَهِ كَافِرُونَ (۴۵)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند، و (با القای شبهات) می خواهند آن را کج و معوج نشان دهند؛ و آنها به آخرت کافرند!» (۴۵)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (۴۶)

و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان ]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره شان می شناسند؛ و به بهشتیان صدا می زنند که: «درود بر شما باد!» امّا داخل بهشت نمی شوند، در حالی که امید آن را دارند. (۴۶)

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می افتد می گویند: «پروردگارا! ما را با گروه ستمگران قرار مده!» (۴۷)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبّرهای شما، به حالتان سودی نداد!» (۴۸)

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

آیا اینها [= این واماندگان بر اعراف ] همانان نیستند که سوگند یاد کردید رحمت خدا هرگز شامل حالشان نخواهد شد؟! (ولی خداوند بخاطر ایمان و بعضی اعمال خیرشان، آنها را بخشید؛ هم اکنون به آنها گفته می شود:) داخل بهشت شوید، که نه ترسی دارید و نه غمناک می شوید! (۴۹)

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می زنند که: «(محبّت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!» (۵۰)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱)

همانها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آنها را فراموش می کنیم، همان گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند. (۵۱)

ص: ۱۵۶

وَلَقَدْ جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیّتی است که ایمان می آورند. (۵۲)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ

فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳)

آیا آنها جز انتظار تأویل آیات (و فرا رسیدن تهدیدهای الهی) دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرا رسد، (کار از کار گذشته، و پشیمانی سودی ندارد؛ و) کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند می گویند: «فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا (امروز) شفیعانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا (به ما اجازه داده شود به دنیا) بازگردیم، و اعمالی غیر از آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟!» (ولی) آنها سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و معبودهایی را که به دروغ ساخته بودند، همگی از نظرشان: گم می شوند. (نه راه بازگشتی دارند، و نه شفیعانی!) (۵۳)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِى خَلَقَ السَّمَـٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران ] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) ست! پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (۵۴)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵)

پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرّع، و در پنهانی، بخوانید! (و از تجاوز، دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی دارد! (۵۵)

وَلَا تُفْسِدُوا فِى الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! (۵۶)

وَهُوَ الَّذِى يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷)

او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد؛ تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می فرستیم؛ و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می کنیم؛ و با آن، از هرگونه میوه ای (از خاک تیره) بیرون می آوریم؛ این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم،) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکّر شوید! (۵۷)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (۵۸)

سرزمین پاکیزه) و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید؛ امّا سرزمینهای بد طینت (و شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می کنیم! (۵۸)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۵۹)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! (و اگر غیر او را عبادت کنید،) من بر شما از عذاب روز بزرگی می ترسم!» (۵۹)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۶۰)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (۶۰)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِی ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّی رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۱)

گفت: «ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست؛ ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم! (۶۱)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّی وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۲)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم؛ و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می دانم که شما نمی دانید. (۶۲)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۶۳)

آیا تعجّب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیمتان دهد، و (در پرتو این دستور،) پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید؟! (۶۳)

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِی الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴)

امّا سرانجام او را تکذیب کردند؛ و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ چه اینکه آنها گروهی نابینا (و کوردل) بودند. (۶۴)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵)

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید؟!» (۶۵)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِی سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶)

اشراف کافر قوم او گفتند: «ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی) می بینیم، و ما مسلّماً تو را از دروغگویان می دانیم!» (۶۶)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِی سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّی رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷)

گرفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاهتی در من نیست؛ ولی فرستاده ای از طرف پروردگار جهانیانم. (۶۷)

ص: ۱۵۸

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّی وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۶۸)

رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ می کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم. (۶۸)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِی الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۶۹)

آیا تعجّب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد؛ و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد؛ پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!» (۶۹)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰)

گفتند: «آیا به سراغ ما آمده ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما می پرستند، رها کنیم؟! پس اگر راست می گوئی آنچه را (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده می دهی، بیاور»! (۷۰)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِی فِی أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۷۱)

گفت: «پلیدی و غضب پروردگارتان، شما را فرا گرفته است! آیا با من در مورد نامهایی مجادله می کنید که شما و پدرانتان ؛بعنوان معبود و خدا، بر بتها) گذارده اید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی درباره آن نازل نکرده است؟! پس شما منتظر باشید، من هم با شما انتظار می کشم! (شما انتظار شکست من، و من انتظار عذاب الهی برای شما!)» (۷۱)

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)

سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم؛ و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم! (۷۲)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَـٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِی أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت! (۷۳)



وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِی الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۷۴)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوه ها، برای خود خانه ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!» (۷۴)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۷۵)

(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده ایم.» (۷۵)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِی آمَنتُم بِهِ كَافِرُونَ (۷۶)

متکبران گفتند: «(ولی) ما به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، کافریم!» (۷۶)

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷)

سپس «ناقه» را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند: «ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه ما را با آن تهدید می کنی، بیاور!» (۷۷)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۷۸)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان، (تنها) جسم بی جانشان در خانه هاشان باقی مانده بود. (۷۸)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّی وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (۷۹)

(صالح) از آنها روی برتافت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام

دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!» (۷۹)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (۸۰)

و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! (۸۰)

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۸۱)

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید! (۸۱)

ص: ۱۶۰

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۸۲)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما همصدا نیستند!)» (۸۲)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۸۳)

(چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان (در شهر) بود. (۸۳)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴)

و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد! (۸۴)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۸۵)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید! (۸۵)

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶)

و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مؤمنان را از راه خدا باز دارید، و با (القای شبهات،) آن را کج و معوج نشان دهید! و به خاطر بیاورید زمانی را که اندک بودید، و او شما را فزونی داد! و بنگرید سرانجام مفسدان چگونه بود! (۸۶)

وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِى أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۷)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده ام ایمان آورده اند، و گروهی ایمان نیاورده اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است! (۸۷)

ص: ۱۶۱

## جزء ۹

### ادامه سوره الأعراف

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِى مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۸۸)

اشراف زورمند و متکبّر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می خواهید ما را بازگردانید) اگر چه مایل نباشیم؟! (۸۸)

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِى مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (۸۹)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده ایم. پروردگارا! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!» (۸۹)

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۹۰)

اشراف زورمند از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد!» (۹۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِى دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۱)

سپس زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان بصورت اجسادی بی جان در خانه هاشان مانده بودند. (۹۱)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (۹۲)

آنها که شعیب را تکذیب کردند، (آنچنان نابود شدند که) گویا هرگز در آن (خانه ها) سکونت نداشتند! آنها که شعیب را تکذیب کردند، زیانکار بودند! (۹۲)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ (۹۳)

سپس از آنان روی برتافت و گفت: «ای قوم من! من رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال، چگونه بر حال قوم بی ایمان تأسف بخورم؟!» (۹۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (۹۴)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! (۹۴)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند،) و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی فهمیدند. (۹۵)

ص: ۱۶۲

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. (۹۶)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها بیاید در حالی که در خواب باشند؟! (۹۷)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۹۸)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند؟! (۹۸)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹)

آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی دانند!

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می شوند، عبرت نمی گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاك می کنیم، و بر دلهایشان مهر می نهیم تا (صدای حق را) نشنوند؟! (۱۰۰)

تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

اینها، شهرها و آبادیهایی است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می دهیم؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند؛ (ولی آنها چنان لجوج بودند که) به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی آوردند! این گونه خداوند بر دلهای کافران مهر می نهد (و بر اثر لجاجت و ادامه گناه، حس تشخیصشان را سلب می کند)! (۱۰۱)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و بیشتر آنها را بر سر پیمان خود نیافتیم؛ (بلکه) اکثر آنها را فاسق و گنهکار یافتیم! (۱۰۲)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۰۳)

سپس بدنبال آنها [= پیامبران پیشین ] موسی را با آیات خویش به سوی فرعون و اطرافیان او فرستادیم؛ اما آنها (با عدم پذیرش)، به آن (آیات) ظلم کردند. ببین عاقبت مفسدان چگونه بود! (۱۰۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و موسی گفت: «ای فرعون! من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۱۰۴)

ص: ۱۶۳

حَقِيقٌ عَلَى أَن لَّا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۰۵)

سزاوار است که بر خدا جز حق نگویم. من دلیل روشنی از پروردگارتان برای شما آورده ام؛ پس بنی اسرائیل را با من بفرست!» (۱۰۵)

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۰۶)

(فرعون) گفت: «اگر نشانه ای آورده ای، نشان بده اگر از راستگویانی!» (۱۰۶)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (١٠٧)

(موسی) عصای خود را افکند؛ ناگهان اژدهای آشکاری شد! (١٠٧)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (١٠٨)

و دست خود را (از گریبان) بیرون آورد؛ سفید (و درخشان) برای بینندگان بود! (١٠٨)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (١٠٩)

اطرافیان فرعون گفتند: «بی شک، این ساحری ماهر و دانا است! (١٠٩)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (١١٠)

می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ (نظر شما چیست، و) در برابر او چه دستوری دارید؟» (١١٠)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (١١١)

(سپس به فرعون) گفتند: «(کار) او و برادرش را به تأخیر انداز، و جمع آوری کنندگان را به همه شهرها بفرست... (١١١)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (١١٢)

تا هر ساحر دانا (و کارآزموده ای) را به خدمت تو بیاورند!» (١١٢)

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (١١٣)

ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: «آیا اگر ما پیروز گردیم، اجر و پاداش مهمی خواهیم داشت؟!» (١١٣)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (١١٤)

گفت: «آری، و شما از مقربان خواهید بود!» (١١٤)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (١١٥)

(روز مبارزه فرا رسید. ساحران) گفتند: «ای موسی! یا تو (وسایل سحرت را) بیفکن، یا ما می افکنیم!» (١١٥)

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (١١٦)

گفت: «شما بیفکنید!» و هنگامی (که وسایل سحر خود را) افکندند، مردم را چشم بندی کردند و ترساندند؛ و سحر عظیمی

پدید آوردند. (۱۱۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

(ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان (بصورت مار عظیمی در آمد که) وسایل دروغین آنها را بسرعت برمی گرفت. (۱۱۷)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

(در این هنگام،) حق آشکار شد؛ و آنچه آنها ساخته بودند، باطل گشت. (۱۱۸)

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹)

و در آنجا (همگی) مغلوب شدند؛ و خوار و کوچک گشتند. (۱۱۹)

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

و ساحران (بی اختیار) به سجده افتادند. (۱۲۰)

ص: ۱۶۴

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

و گفتند: «ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (۱۲۱)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (۱۲۲)

پروردگار موسی و هارون!» (۱۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَهِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۲۳)

فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه ای است که در این شهر (و دیار) چیده اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست! (۱۲۳)

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

سوگند می خورم که دستها و پاهای شما را بطور مخالف [= دست راست با پای چپ، یا دست چپ با پای راست ] قطع می کنم؛ سپس همگی را به دار می آویزم! (۱۲۴)

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۱۲۵)

(ساحران) گفتند: «(مهم نیست،) ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم! (۱۲۵)

وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

انتقام تو از ما، تنها بخاطر این است که ما به آیات پروردگار خویش -هنگامی که به سراغ ما آمد- ایمان آوردیم. بار الها! صبر و استقامت بر ما فرو ریز! (و آخرین درجه شکیبائی را به ما مرحمت فرما!) و ما را مسلمان بمیران!» (۱۲۶)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (۱۲۷)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزودی پسرانشان را می کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلّطیم!» (۱۲۷)

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!» (۱۲۸)

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۲۹)

گفتند: «پیش از آنکه به سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم اکنون) پس از آمدنت نیز آزار می بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)» گفت: «امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین (آنها) سازد، و بنگرد چگونه عمل می کنید!» (۱۲۹)

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)

و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردند! (۱۳۰)

ص: ۱۶۵

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳۱)

(اما آنها نه تنها پند نگرفتند، بلکه) هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنها می رسید، می گفتند: «بخاطر خود ماست.» ولی موقعی که بدی (و بلا) به آنها می رسید، می گفتند: «از شومی موسی و کسان اوست»! آگاه باشید سرچشمه همه اینها، نزد خداست؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند! (۱۳۱)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

و گفتند: «هر زمان نشانه و معجزه ای برای ما بیاوری که سحرمان کنی، ما به تو ایمان نمی آوریم!» (۱۳۲)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۱۳۳)

سپس (بلاها را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم:) طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه ها و خون را -که نشانه هایی از هم جدا بودند- بر آنها فرستادیم؛ (ولی باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیّت گنهکاری بودند! (۱۳۳)

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۳۴)

هنگامی که بلا بر آنها مسلط می شد، می گفتند: «ای موسی! از خدایت برای ما بخواه به عهدی که با تو کرده، رفتار کند! اگر این بلا را از ما مرتفع سازی، قطعاً به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد!» (۱۳۴)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (۱۳۵)

اما هنگامی که بلا را، پس از مدت معینی که به آن می رسیدند، از آنها برمی داشتیم، پیمان خویش را می شکستند! (۱۳۵)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۳۶)

سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ زیرا آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند. (۱۳۶)

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، بخاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقّق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای مجلّل) می ساختند، و آنچه از باغهای داربست دار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم! (۱۳۷)

ص: ۱۶۶

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَّهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَل لَّنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ

تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که آنها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیّتی جاهل و نادان هستید! (۱۳۸)

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۹)

اینها (را که می بینید)، سرانجام کارشان نابودی است؛ و آنچه انجام می دهند، باطل (و بیهوده) است. (۱۳۹)

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۴۰)

(سپس) گفت: «آیا غیر از خداوند، مبعودی برای شما بطلبم؟! خدایی که شما را بر جهانیان (و مردم عصرتان) برتری داد!» (۱۴۰)

وَإِذْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (۱۴۱)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می دادند، پسرانتان را می کشتند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود. (۱۴۱)

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۱۴۲)

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!» (۱۴۲)

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳)

و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد: «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!» (۱۴۳)

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّی اصْطَفَيْتُکَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِی وَبِکَلَامِی فَخُذْ مَا آتَيْتُکَ وَکُن مِّنَ الشَّاکِرِينَ (۱۴۴)

(خداوند) فرمود: «ای موسی! من تو را با رسالتهای خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم برتری دادم و برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده ام بگیر و از شکرگزاران باش!» (۱۴۴)

وَکَتَبْنَا لَهُ فِی الْأَلْوَاحِ مِن کُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّکُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَکَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيکُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۱۴۵)

و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم -«پس آن را با جدّیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؛) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!» (۱۴۵)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَکَبَّرُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا کُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ کَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَکَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۴۶)

بزودی کسانی را که در روی زمین بناحق تکبّر می ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می سازم! آنها چنانند که اگر هر آیه و نشانه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی کنند؛ و اگر طریق گمراهی را ببینند، آن را راه خود انتخاب می کنند! (همه اینها) بخاطر آن است که آیات ما را تکذیب کردند، و از آن غافل بودند! (۱۴۶)

وَالَّذِينَ کَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا کَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۷)

و کسانی که آیات، و دیدار رستاخیز را تکذیب (و انکار) کنند، اعمالشان نابود می گردد؛ آیا جز آنچه را عمل می کردند پاداش داده می شوند؟! (۱۴۷)

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُکَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَکَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)

قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند؛ جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند! (۱۴۸)

وَلَمَّا سُقِطَ فِی أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۱۴۹)

و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد، و دیدند گمراه شده اند، گفتند: «اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، بطور قطع از زیانکاران خواهیم بود!» (۱۴۹)

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۵۰)

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا درمورد فرمان پروردگارتان (و تمدید مدّت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!)» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مده!» (۱۵۰)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱۵۱)

(موسی) گفت: «پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربانترین مهربانانی!» (۱۵۱)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (۱۵۲)

کسانی که گوساله را (معبود خود) قرار دادند، بزودی خشم پروردگارشان، و ذلّت در زندگی دنیا به آنها می رسد؛ و اینچنین، کسانی را که (بر خدا) افترا می بندند، کیفر می دهیم! (۱۵۲)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۵۳)

و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند؛ زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است. (۱۵۳)

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۱۵۴)

هنگامی که خشم موسی فرو نشست؛ الواح (تورات) را برگرفت؛ و در نوشته های آن، هدایت و رحمت برای کسانی بود که از پروردگار خویش می ترسند (و از مخالفت فرمانش بیم دارند). (۱۵۴)

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۱۵۵)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیهانمان انجام داده اند، (مجازات و) هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست؛ که هر کس را بخواهی (و مستحق

بدانی)، به وسیله آن گمراه می سازی؛ و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می کنی! تو ولیّ مایی، و ما را بیامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی! (۱۵۵)

ص: ۱۶۹

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَـٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (۱۵۶)

و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرّر فرما؛ چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده ایم! «(خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت:» مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرّر خواهم داشت! (۱۵۶)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَـٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۵۷)

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز میدارد؛ اشیار پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد، و ناپاکیها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند. (۱۵۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸)

بگو: «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!» (۱۵۸)

وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۵۹)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می کنند؛ و به حق و عدالت حکم می نمایند. (۱۵۹)

ص: ۱۷۰

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا

أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶۰)

ما آنها را به دوازده گروه -که هر یک شاخه ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «مَن» و «سَلوی» فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم:) از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند؛ ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می نمودند. (۱۶۰)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۱۶۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدّس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بریز! و از درِ (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می بخشم؛ و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.» (۱۶۱)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِى قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (۱۶۲)

اما ستمگران آنها، این سخن (و آن فرمانها) را، بغیر آنچه به آنها گفته شده بود، تغییر دادند؛ از این رو بخاطر ستمی که روا میداشتند، بلایی از آسمان بر آنها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم). (۱۶۲)

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِى كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِى السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۳)

و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب،) آشکار می شدند؛ امّا در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند! (۱۶۳)

ص: ۱۷۱

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۶۴)

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند: «(این اندرزها،) برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شماست؛ بعلاوه شاید آنها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و) تقوا پیشه کنند!» (۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۱۶۵)

امّا هنگامی که تذکراتی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) نهی کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم؛ و کسانی را که ستم کردند، بخاطر نافرمانیشان به عذاب شدیدی گرفتار ساختیم. (۱۶۵)

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۱۶۶)

(آری،) هنگامی که در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی کردند، به آنها گفتیم: «به شکل میمونهایی طردشده در آیید!» (۱۶۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۷)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلّط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع، (و در عین حال، نسبت به توبه کاران) آمرزنده و مهربان است. (۱۶۷)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۶۸)

و آنها را در زمین بصورت گروه هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح، و گروهی ناصالحند. و آنها را با نیکی ها و بدی ها آزمودیم، شاید بازگردند! (۱۶۸)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶۹)

پس از آنها، فرزندانی جای آنها را گرفتند که وارث کتاب (آسمانی، تورات) شدند؛ (امّا با این حال،) متاع این دنیای پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می دهند) و می گویند: «(اگر ما گنهکاریم توبه می کنیم و) بزودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متاع دیگری همانند آن به دستشان بیفتد، آن را (نیز) می گیرند، (و باز حکم خدا را پشت سر می افکنند.) آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبندند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنرا خوانده اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی فهمید؟! (۱۶۹)

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (۱۷۰)

و آنها که به کتاب (خدا) تمسّک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد! (۱۷۰)

ص: ۱۷۲

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۱)

و (نیز به خاطر بیاور) هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آنچنان که گمان کردند بر آنان فرود می آمد؛ (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم:) آنچه را (از احکام و دستورها) به شما داده ایم، با قوّت (و جدیت) بگیرید! و آنچه در آن است، به یاد داشته باشید، (و عمل کنید،) تا پرهیزگار شوید! (۱۷۱)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود:) «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»! (۱۷۲)

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (۱۷۳)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانی بعد از آنها بودیم؛ (و چاره ای جز پیروی از آنان نداشتیم؛) آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام دادند مجازات می کنی؟!» (۱۷۳)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴)

این گونه، آیات را توضیح می دهیم؛ و شاید به سوی حق بازگردند (و بدانند ندای توحید در درون جانشان، از روز نخست بوده است)! (۱۷۴)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵)

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد! (۱۷۵)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱۷۶)

و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند؛ (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود!) (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)! (۱۷۶)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (۱۷۷)

چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند؛ و آنها تنها به خودشان ستم می نمودند! (۱۷۷)

مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۷۸)

آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست؛ و کسانی را که (بخاطر اعمالشان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی) آنها هستند! (۱۷۸)



وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دلها [= عقلها] یی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)! (۱۷۹)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰)

و برای خدا، نامهای نیک است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند (و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند)، رها سازید! آنها بزودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند! (۱۸۰)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۸۱)

و از آنها که آفریدیم، گروهی بحق هدایت می کنند، و بحق اجرای عدالت می نمایند. (۱۸۱)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲)

و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جائی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد. (۱۸۲)

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۱۸۳)

و به آنها مهلت می دهم (تا مجازاتشان دردناکتر باشد)؛ زیرا طرح و نقشه من، قوی (و حساب شده) است. (و هیچ کس را قدرت فرار از آن نیست.) (۱۸۳)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۸۴)

آیا فکر نکردند که همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند؟!) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می سازد). (۱۸۴)

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۱۸۵)

آیا در حکومت و نظام آسمانها و زمین، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آنها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟! (۱۸۵)

مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتش) گمراه سازد، هدایت کننده ای ندارد؛ و آنها را در طغیان و سرکشی شان رها می سازد، تا سرگردان شوند! (۱۸۶)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۷)

درباره قیامت از تو سؤال می کنند، کی فرا می رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس جز او (نمی تواند) وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت، حتی) در آسمانها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است؛ و جز بطور ناگهانی، به سراغ شما نمی آید!» (باز) از تو سؤال می کنند، چنان که گویی تو از زمان وقوع آن باخبری! بگو: «علمش تنها نزد خداست؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (۱۸۷)

ص: ۱۷۴

قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۸۸)

بگو: «من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند؛) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی رسید؛ من فقط بیم دهنده و بشارت دهنده ام برای گروهی که ایمان می آورند! (و آماده پذیرش حقند) (۱۸۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۸۹)

او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس

هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» (۱۸۹)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۹۰)

اما هنگامی که خداوند فرزند صالحی به آنها داد، (موجودات دیگر را در این موهبت مؤثر دانستند؛ و) برای خدا، در این نعمت که به آنها بخشیده بود، همتایانی قائل شدند؛ خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند! (۱۹۰)

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۱۹۱)

آیا موجوداتی را همتای او قرارمی دهند که چیزی را نمی آفرینند، و خودشان مخلوقند. (۱۹۱)

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۱۹۲)

و نمی توانند آنان را یاری کنند، و نه خودشان را یاری می دهند. (۱۹۲)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ (۱۹۳)

و هرگاه آنها را به سوی هدایت دعوت کنید، از شما پیروی نمی کنند؛ و برای شما یکسان است چه آنها را دعوت کنید و چه خاموش باشید؟! (۱۹۳)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۹۴)

آنهایی را که غیر از خدا می خوانید (و پرستش می کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند؛ آنها را بخوانید، و اگر راست می گویید باید به شما پاسخ دهند (و تقاضایتان را برآورند)! (۱۹۴)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (۱۹۵)

آیا (آنها حداقل همانند خود شما) پاهایی دارند که با آن راه بروند؟! یا دستهایی دارند که با آن چیزی را بگیرند (و کاری انجام دهند)؟! یا چشمانی دارند که با آن ببینند؟! یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟! (نه، هرگز، هیچ کدام،) بگو: «(اکنون که چنین است،) بتهای خویش را که شریک خدا قرار داده اید (بر ضد من) بخوانید، و برای من نقشه بکشید، و لحظه ای مهلت ندهید، (تا بدانید کاری از آنها ساخته نیست)! (۱۹۵)

ص: ۱۷۵

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱۹۶)

ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده؛ و او همه صالحان را سرپرستی می کند. (۱۹۶)

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۱۹۷)

و آنهایی را که جز او می خوانید، نمی توانند یاریتان کنند، و نه (حتی) خودشان را یاری دهند؛ (۱۹۷)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۱۹۸)

و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، سخنانتان را نمی شنوند! و آنها را می بینی (که با چشمهای مصنوعیشان) به تو نگاه می کنند، اما در حقیقت نمی بینند!» (۱۹۸)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱۹۹)

(به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)! (۱۹۹)

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰)

و هرگاه وسوسه ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر؛ که او شنونده و داناست! (۲۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ (۲۰۱)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و) ناگهان بینا می گردند. (۲۰۱)

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ (۲۰۲)

و (ناپرهیزگاران را) برادرانشان (از شیاطین) پیوسته در گمراهی پیش می برند، و باز نمی ایستند! (۲۰۲)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳)

هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتد، و) آیه ای برای آنان نیاوری، می گویند: «چرا خودت (از پیش خود) آن را برنگزیدی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می کنم که بر من وحی می شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیّتی که ایمان می آورند. (۲۰۳)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۰۴)

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید! (۲۰۴)

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ (۲۰۵)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبحگاهان و شامگاهان، یاد کن؛ و از غافلان مباش! (۲۰۵)

إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (۲۰۶)

آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هیچ گاه) از عبادتش تکبر نمی ورزند، و او را تسبیح می گویند، و برایش سجده می کنند. (۲۰۶)

ص: ۱۷۶

## سوره الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنفَالِ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱)

از تو درباره انفال [= غنایم، و هر گونه مال بدون مالک مشخص ] سؤال می کنند؛ بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومتهایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید! (۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان میگردد؛ و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان فزونتر می گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند. (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳)

آنها که نماز را برپا می دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۳)

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

(آری،) مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است؛ و برای آنها، آمرزش و روزی بی نقص و عیب است. (۴)

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِن بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (۵)

همان گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر،) بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (؛

ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)! (۵)

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۶)

آنها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می کردند؛ (و چنان ترس و وحشت آنها را فراگرفته بود، که) گویی به سوی مرگ رانده می شوند، و آن را با چشم خود می نگرند! (۶)

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَهِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۷)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلتان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد.) (۷)

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸)

تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند. (۸)

ص: ۱۷۷

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَهِ مُرْدِفِينَ (۹)

(به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمک می خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می آیند، یاری می کنم. (۹)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱۰)

ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد؛ وگرنه، پیروزی جز از طرف خدا نیست؛ خداوند توانا و حکیم است! (۱۰)

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَهً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (۱۱)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد! (۱۱)

إِذْ يُوحِي رَبُّکَ إِلَی الْمَلَائِکَهِ أَنِّی مَعَکُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا سَأُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ کُلَّ بَنَانٍ (۱۲)

و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم دارید! بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می افکنم؛ ضربه ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید! (۱۲)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن یُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۱۳)

این بخاطر آن است که آنها با خدا و پیامبرش (ص) دشمنی ورزیدند؛ و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی کند، (کیفر شدیدی می بیند؛) و خداوند شدید العقاب است! (۱۳)

ذَلِکُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْکَافِرِینَ عَذَابَ النَّارِ (۱۴)

این (مجازات دنیا) را بچشید! و برای کافران، مجازات آتش (در جهان دیگر) خواهد بود! (۱۴)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیتُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ (۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد روبه رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)! (۱۵)

وَمَن یُوَلِّهِمْ یَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَیِّزًا إِلَی فِئَهٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ (۱۶)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! (۱۶)

ص: ۱۷۸

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلَکِنَّ اللَّهَ رَمَی وَلِیُبْلِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۱۷)

این شما نبودید که آنها را کشتید؛ بلکه خداوند آنها را کشت! و این تو نبودی (ای پیامبر که خاک و سنگ به صورت آنها) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! و خدا می خواست مؤمنان را به این وسیله امتحان خوبی کند؛ خداوند شنوا و داناست. (۱۷)

ذَلِکُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ کَیْدِ الْکَافِرِینَ (۱۸)

سرنوشت مؤمنان و کافران، همان بود که دیدید! و خداوند سست کننده نقشه های کافران است. (۱۸)

إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۹)

اگر شما فتح و پیروزی می خواهید، پیروزی به سراغ شما آمد! و اگر (از مخالفت) خودداری کنید، برای شما بهتر است! و اگر بازگردید، ما هم باز خواهیم گشت؛ و جمعیت شما هر چند زیاد باشد، شما را (از یاری خدا) بی نیاز نخواهد کرد؛ و خداوند با مؤمنان است! (۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ (۲۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ و سرپیچی ننمایید در حالی که (سخنان او را) می شنوید! (۲۰)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۲۱)

و همانند کسانی نباشید که می گفتند: «شنیدیم!» ولی در حقیقت نمی شنیدند! (۲۱)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۲۲)

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند. (۲۲)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (۲۳)

و اگر خداوند خیری در آنها می دانست، (حرف حق را) به گوش آنها می رساند؛ ولی (با این حال که دارند،) اگر حق را به گوش آنها برساند، سرپیچی کرده و روگردان می شوند. (۲۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می شوید! (۲۴)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۵)

و از فتنه ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی رسد؛ (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛ چرا که دیگران سکوت اختیار کردند.) و بدانید خداوند کیفر شدید دارد! (۲۵)

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۶)

و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آنچنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید! (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)! (۲۷)

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۸)

و بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است؛ و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند،) پاداش عظیمی نزد خداست! (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرارمی دهد؛ (روشن بینی خاصّی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می پوشاند؛ و شما را می زمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است! (۲۹)

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۳۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که کافران نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا (از مکّه) خارج سازند؛ آنها چاره می اندیشیدند (و نقشه می کشیدند)، و خداوند هم تدبیر می کرد؛ و خدا بهترین چاره جویان و تدبیرکنندگان است! (۳۰)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و هنگامی که آیات ما بر آنها خوانده می شود، می گویند: «شنیدیم؛ (چیز مهمّی نیست؛) ما هم اگر بخواهیم مثل آن را می گوییم؛ اینها همان افسانه های پیشینیان است!» (ولی دروغ می گویند، و هرگز مثل آن را نمی آورند.) (۳۱)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲)

و (به خاطر بیاور) زمانی را که گفتند: «پروردگارا! اگر این حق است و از طرف توست، بارانی از سنگ از آسمان بر ما فرود

آر! یا عذاب دردناکی برای ما بفرست!» (۳۲)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳)

ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. (۳۳)

ص: ۱۸۰

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۴)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحّدان در کنار) مسجد الحرام جلوگیری می کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهیزگارانند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند. (۳۴)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

(آنها که مدّعی هستند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان! (۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (۳۶)

آنها که کافر شدند، اموالشان را برای بازداشتن (مردم) از راه خدا خرج می کنند؛ آنان این اموال را (که برای به دست آوردنش زحمت کشیده اند، در این راه) مصرف می کنند، امّا مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد؛ و سپس شکست خواهند خورد؛ و (در جهان دیگر) کافران همگی به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (۳۶)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۳۷)

(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران! (۳۷)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (۳۸)

به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند،) گذشته آنها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنّت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می شود (؛ و حکم نابودی آنان صادر می گردد). (۳۸)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنها پیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی ] برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد! و اگر آنها (از راه شرک و فساد بازگردند، و از اعمال نادرست) خودداری کنند، (خداوند آنها را می پذیرد؛) خدا به آنچه انجام می دهند بیناست. (۳۹)

وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (۴۰)

و اگر سرپیچی کنند، بدانید (ضرری به شما نمی رسانند؛) خداوند سرپرست شماست! چه سرپرست خوبی! و چه یاور خوبی! (۴۰)

ص: ۱۸۱

## جزء ۱۰

### ادامه سوره الأنفال

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی ایمان) [= روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (۴۱)

إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۲)

در آن هنگام که شما در طرف پایین بودید، و آنها در طرف بالا (و دشمن بر شما برتری داشت؛) و کاروان (قریش)، پایین تر از شما بود؛ (و وضع چنان سخت بود که) اگر با یکدیگر وعده می گذاشتید (که در میدان نبرد حاضر شوید)، در انجام وعده خود اختلاف می کردید؛ ولی (همه اینها) برای آن بود که خداوند، کاری را که می بایست انجام شود، تحقّق بخشد؛ تا آنها که هلاک (و گمراه) می شوند، از روی اتمام حجّت باشد؛ و آنها که زنده می شوند (و هدایت می یابند)، از روی دلیل روشن باشد؛ و خداوند شنوا و داناست. (۴۲)

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴۳)

در آن هنگام که خداوند تعداد آنها را در خواب به تو کم نشان داد؛ و اگر فراوان نشان می داد، مسلّماً سست می شدید؛ و (درباره شروع جنگ با آنها) کارتان به اختلاف می کشید؛ ولی خداوند (شما را از شرّ اینها) سالم نگه داشت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست، داناست. (۴۳)

وَإِذْ يُرِيكَمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِی أَعْيُنِكَمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكَمْ فِی أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴۴)

و در آن هنگام (که در میدان نبرد،) با هم روبه رو شدید، آنها را به چشم شما کم نشان می داد؛ و شما را (نیز) به چشم آنها کم می نمود؛ تا خداوند، کاری را که می بایست انجام گیرد، صورت بخشد؛ (شما نترسید و اقدام به جنگ کنید، آنها هم وحشت نکنند و حاضر به جنگ شوند، و سرانجام شکست بخورند!) و همه کارها به خداوند باز می گردد. (۴۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید! (۴۵)

ص: ۱۸۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است! (۴۶)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی نباشید که از روی هوی پرستی و غرور و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین خود به (سوی میدان بدر) بیرون آمدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازمی داشتند؛ (و سرانجام شکست خوردند) و خداوند به آنچه عمل می کنند، احاطه (و آگاهی) دارد! (۴۷)

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّی جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَی عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّی بَرِیءٌ مِّنكُمْ إِنِّی أَرَی مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۸)

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آنها [= مشرکان ] را در نظرشان جلوه داد، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی گردد! و من، همسایه (و پناه دهنده) شما هستم!» امّا هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان مورد حمایت فرشتگان) در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به عقب برگشت و گفت: «من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می بینم که شما نمی بینید؛ من از خدا می ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!» (۴۸)

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَی اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۹)

و هنگامی را که منافقان، و آنها که در دلهایشان بیماری است می گفتند: «این گروه (مسلمانان) را دینشان مغرور ساخته است.» (آنها نمی دانستند که) هر کس بر خدا توکّل کند، (پیروز می گردد؛) خداوند قدرتمند و حکیم است! (۴۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَهُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۵۰)

و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می گیرند و بر صورت و پشت آنها می زنند و (می گویند:) بچشید عذاب سوزنده را (، به حال آنان تأسف خواهی خورد)! (۵۰)

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِیدِ (۵۱)

این، در مقابل کارهایی است که از پیش فرستاده اید؛ و خداوند نسبت به بندگانش، هرگز ستم روا نمی دارد! (۵۱)

کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۵۲)

(حال این گروه مشرکان،) همانند حال نزدیکان فرعون، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آنها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قویّ، و کیفرش شدید است (۵۲)

ص: ۱۸۳

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرًا نِّعْمَهً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى یُغَیِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۵۳)

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست! (۵۳)

کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَذَّبُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَکْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَکُلٌّ کَانُوا ظَالِمِینَ (۵۴)

این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم بخاطر گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند! (۵۴)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِینَ کَفَرُوا فَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (۵۵)

به یقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کافر شدند و ایمان نمی آورند. (۵۵)

الَّذِینَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّهٍ وَهُمْ لَا یَتَّقُونَ (۵۶)

همان کسانی که با آنها پیمان بستی؛ سپس هر بار عهد و پیمان خود را می شکنند؛ و (از پیمان شکنی و خیانت،) پرهیز ندارند. (۵۶)

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ (۵۷)

اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی، آنچنان به آنها حمله کن که جمعیّتهایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند؛ شاید

متذکّر گردند (و عبرت گیرند)! (۵۷)

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ (۵۸)

و هرگاه (با ظهور نشانه هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی دارد! (۵۸)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ (۵۹)

آنها که راه کفر پیش گرفتند، گمان نکنند (با این اعمال،) پیش برده اند (و از قلمرو کیفر ما، بیرون رفته اند)! آنها هرگز ما را ناتوان نخواهند کرد! (۵۹)

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۶۰)

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان ]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می شود، و به شما ستم نخواهد شد! (۶۰)

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۱)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خدا توکّل کن، که او شنوا و داناست! (۶۱)

ص: ۱۸۴

وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (۶۲)

و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد... (۶۲)

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)

و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است! (۶۳)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر! خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی است (؛ فقط بر آنها تکیه کن)! (۶۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی فهمند! (۶۵)

الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داد، و دانست که در شما ضعفی است؛ بنابراین، هرگاه یکصد نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر پیروز می شوند؛ و اگر یکهزار نفر باشند، بر دو هزار نفر به فرمان خدا غلبه خواهند کرد! و خدا با صابران است! (۶۶)

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۷)

هیچ پیامبری حق ندارد اسیرانی (از دشمن) بگیرد تا کاملاً بر آنها پیروز گردد (؛ و جای پای خود را در زمین محکم کند)! شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید؛ (و مایلید اسیران بیشتری بگیرید، و در برابر گرفتن فدیه آزاد کنید؛ ولی خداوند، سرای دیگر را (برای شما) می خواهد؛ و خداوند قادر و حکیم است! (۶۷)

لَّوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۶۸)

اگر فرمان سابق خدا نبود (که بدون ابلاغ، هیچ امّتی را کیفر ندهد)، بخاطر چیزی [= اسیرانی ] که گرفتید، مجازات بزرگی به شما می رسید. (۶۸)

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۹)

از آنچه به غنیمت گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید؛ و از خدا بپرهیزید؛ خداوند آمرزنده و مهربان است! (۶۹)

ص: ۱۸۵

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۰)

ای پیامبر! به اسیرانی که در دست شما هستند بگو: «اگر خداوند، خیری در دلهای شما بداند، (و نیّات پاکی داشته باشید،) بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می دهد؛ و شما را می بخشد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!» (۷۰)

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَکَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْکَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَکِيمٌ (۷۱)

امّا اگر بخواهند با تو خیانت کنند، (تازگی ندارد) آنها پیش از این (نیز) به خدا خیانت کردند؛ و خداوند (شما را) بر آنها پیروز کرد؛ خداوند دانا و حکیم است! (۷۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِکَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَکُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنصَرُوکُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْکُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَکُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۷۲)

کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعّهدی ] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضدّ گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، بیناست! (۷۲)

وَالَّذِينَ کَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَکُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ کَبِيرٌ (۷۳)

کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد. (۷۳)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ کَرِيمٌ (۷۴)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته ای است. (۷۴)

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَکُمْ فَأُولَئِکَ مِنکُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي کِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷۵)

و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرّر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به همه چیز داناست. (۷۵)

ص: ۱۸۶

## سوره التوبه

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِکِينَ (۱)

(این، اعلام) بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته اید! (۱)

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (٢)

با این حال، چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین سیر کنید (و هر جا می خواهید بروید، و بیندیشید)! و بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید، (و از قدرت او فرار کنید! و بدانید) خداوند خوارکننده کافران است! (٢)

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣)

و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [= روز عید قربان ] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! با این حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرتش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناک بشارت ده! (٣)

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۴)

مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حقّ شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضدّ شما تقویت ننمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدّتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (۴)

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

(امّا) وقتی ماه های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید؛ و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید؛ و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید! هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است! (۵)

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ (۶)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند! (۶)

ص: ١٨٧

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (٧)

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر

کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستید؛ (و پیمان خود را محترم شمردند؛) تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد! (۷)

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (۸)

چگونه (پیمان مشرکان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می کنند، ولی دلهایشان ابا دارد؛ و بیشتر آنها فرمانبردار نیستند! (۸)

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹)

آنها آیات خدا را به بهای کمی فروختند؛ و (مردم را) از راه او باز داشتند؛ آنها اعمال بدی انجام می دادند! (۹)

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ (۱۰)

(نه تنها درباره شما،) درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی کنند؛ و آنها همان تجاوز کارانند! (۱۰)

فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۱)

(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، شرح می دهیم! (۱۱)

وَإِن نَّكَثُوا أَيْمَانَهُم مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ (۱۲)

و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدّت عمل) دست بردارند! (۱۲)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۳)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید! (۱۳)

ص: ۱۸۸

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (۱۴)

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می کند؛ و آنان را رسوا می سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می بخشد (؛ و بر قلب آنها مرهم می نهد) (۱۴)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۵)

و خشم دلهای آنان را از میان می برد! و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند دانا و حکیم است. (۱۵)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۶)

آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می شوید در حالی که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب ننمودند، (از دیگران) مشخّص نشده اند؟! (باید آزمون شوید؛ و صفوف از هم جدا گردد؛) و خداوند به آنچه عمل می کنید، آگاه است! (۱۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (۱۷)

مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند! (۱۷)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۱۸)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند. (۱۸)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو،) نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند! (۱۹)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

آنها که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند، مقامشان نزد خدا برتر است؛ و آنها پیروز و رستگارند! (۲۰)

ص: ۱۸۹

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (۲۱)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش)، و باغهایی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند؛ (۲۱)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۲)

همواره و تا ابد در این باغها (و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد خداوند است! (۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولیّ (و یار و یاور و تکیه گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولیّ خود قرار دهند، ستمگرند! (۲۳)

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده اید، و تجارتی که از کساد شدنش می ترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیّت نافرمانبردار را هدایت نمی کند! (۲۴)

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (۲۵)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیّتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیّت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید! (۲۵)

ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۲۶)

سپس خداوند «سکینه» خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد؛ و لشکرهایی فرستاد که شما نمی دیدید؛ و کافران را مجازات کرد؛ و این است جزای کافران! (۲۶)

ص: ۱۹۰

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِن بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۷)

سپس خداوند -بعد از آن- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد؛ (و از راه دیگر جبران می کند؛) خداوند دانا و حکیم است. (۲۸)

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمرند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند! (۲۹)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُم بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۳۰)

یهود گفتند: «عزیر پسر خداست!» و نصاری گفتند: «مسیح پسر خداست!» این سخنی است که با زبان خود می گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنان را بکشد، چگونه از حق انحراف می یابند؟! (۳۰)

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۱)

(آنها) دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و (همچنین) مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور نداشتند جز خداوند یکتائی را که معبودی جز او نیست، بپرستند، او پاک و منزه است از آنچه همتایش قرار می دهند! (۳۱)

ص: ۱۹۱

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲)

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (۳۲)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳۳)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (۳۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را بباطل می خورند، و (آنان را) از راه خدا بازمی دارند! و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا انفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده! (۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)

در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورتها و پهلوها و پشتهایشان را داغ می کنند؛ (و به آنها می گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می اندوختید! (۳۵)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

تعداد ماه ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمانها و زمین را آفریده، دوازده ماه است؛ که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ (و جنگ در آن ممنوع می باشد.) این، آیین ثابت و پابرجا (ی الهی) است! بنابر این، در این ماه ها به خود ستم نکنید (و از هرگونه خونریزی بپرهیزید)! و (به هنگام نبرد) با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (۳۶)

ص: ۱۹۲

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۳۷)

نسی ء [= جا به جا کردن و تأخیر ماه های حرام ]، افزایشی در کفر (مشرکان) است؛ که با آن، کافران گمراه می شوند؛ یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می کنند، تا به مقدار ماه هایی که خداوند تحریم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد)؛ و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتشان در نظرشان زیبا جلوه داده شده؛ و خداوند جمعیّت کافران را هدایت نمی کند! (۳۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۳۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا هنگامی که به شما گفته می شود: «به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید!» بر زمین سنگینی می کنید (و سستی به خرج می دهید)؟! آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید؟! با اینکه متاع زندگی دنیا،

در برابر آخرت، جز اندکی نیست! (۳۸)

إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرارمی دهد؛ و هیچ زیانی به او نمی رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست! (۳۹)

إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۰)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلترین ساعات، او را تنها نگذاشت؛) آن هنگام که کافران او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت؛) و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است! (۴۰)

ص: ۱۹۳

انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱)

(همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! (۴۱)

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۴۲)

(امّا گروهی از آنها، چنانند که) اگر غنایمی نزدیک (و در دسترس)، و سفری آسان باشد، (به طمع دنیا) از تو پیروی می کنند؛ ولی (اکنون که برای میدان تبوک،) راه بر آنها دور (و پر مشقت) است، (سرباز می زنند؛) و بزودی به خدا سوگند یاد می کنند که: «اگر توانایی داشتیم، همراه شما حرکت می کردیم!» (آنها با این اعمال و این دروغها، در واقع) خود را هلاک می کنند؛ و خداوند می داند آنها دروغگو هستند! (۴۲)

عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ (۴۳)

خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند!) (۴۳)

لَا يَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ (۴۴)

آنها که به خدا و روز جزا ایمان دارند، هیچ گاه برای ترک جهاد (در راه خدا) با اموال و جانهایشان، از تو اجازه نمی گیرند؛ و خداوند پرهیزگاران را می شناسد. (۴۴)

إِنَّمَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ (۴۵)

تنها کسانی از تو اجازه (این کار را) می گیرند که به خدا و روز جزا ایمان ندارند، و دلهایشان با شکّ و تردید آمیخته است؛ آنها در تردید خود سرگردانند. (۴۵)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَکِن کَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِیلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِینَ (۴۶)

اگر آنها (راست می گفتند، و) اراده داشتند که (بسوی میدان جهاد) خارج شوند، وسیله ای برای آن فراهم می ساختند! ولی خدا از حرکت آنها کراهت داشت؛ از این رو (توفیقش را از آنان سلب کرد؛ و) آنها را (از جهاد) باز داشت؛ و به آنان گفته شد: «با «قاعدین» [= کودکان و پیران و بیماران ] بنشینید!» (۴۶)

لَوْ خَرَجُوا فِیکُم مَّا زَادُوکُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَکُمْ یَبْغُونَکُمُ الْفِتْنَهَ وَفِیکُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِالظَّالِمِینَ (۴۷)

اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند؛ و بسرعت در بین شما به فتنه انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند؛ و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند؛ و خداوند، ظالمان را می شناسد. (۴۷)

ص: ۱۹۴

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَهَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَکَ الْأُمُورَ حَتَّی جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ کَارِهُونَ (۴۸)

آنها پیش از این (نیز) در پی فتنه انگیزی بودند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند (و به هم ریختند)؛ تا آن که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت (و پیروز شدید)، در حالی که آنها کراهت داشتند. (۴۸)

وَمِنْهُم مَّن یَقُولُ ائْذَن لِّی وَلَا تَفْتِنِّی أَلَا فِی الْفِتْنَهِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَهٌ بِالْکَافِرِینَ (۴۹)

بعضی از آنها می گویند: «به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن»! آگاه باشید آنها (هم اکنون) در گناه سقوط کرده اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است! (۴۹)

إِن تُصِبْکَ حَسَنَهٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْکَ مُصِیبَهٌ یَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَیَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ (۵۰)

هرگاه نیکی به تو رسد، آنها را ناراحت می کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته ایم.»

و بازمی گردند در حالی که خوشحالند! (۵۰)

قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۵۱)

بگو: «هیچ حادثه ای برای ما رخ نمی دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرّر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکّل کنند!» (۵۱)

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ (۵۲)

بگو: «آیا درباره ما، جز یکی از دو نیکی را انتظار دارید؟! (: یا پیروزی یا شهادت) ولی ما انتظار داریم که خداوند، عذابی از سوی خودش (در آن جهان) به شما برساند، یا (در این جهان) به دست ما (مجازات شوید) اکنون که چنین است، شما انتظار بکشید، ما هم با شما انتظار می کشیم!» (۵۲)

قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۳)

بگو: «انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی شود؛ چرا که شما قوم فاسقی بودید!» (۵۳)

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (۵۴)

هیچ چیز مانع قبول انفاقهای آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی آورند جز با کسالت، و انفاق نمی کنند مگر با کراهت! (۵۴)



فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

و (فزونی) اموال و اولاد آنها، تو را در شگفتی فرو نبرد؛ خدا می خواهد آنان را به وسیله آن، در زندگی دنیا عذاب کند، و در حال کفر بمیرند! (۵۵)

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (۵۶)

آنها به خدا سوگند می خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند؛ ولی آنها گروهی هستند که می ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می گویند)! (۵۶)

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (۵۷)

اگر پناهگاه یا غارها یا راهی در زیر زمین بیابند، بسوی آن حرکت می کنند، و با سرعت و شتاب فرار می کنند. (۵۷)

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِی الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (۵۸)

و در میان آنها کسانی هستند که در (تقسیم) غنایم به تو خرده میگیرند؛ اگر از آن (غنایم، سهمی) به آنها داده شود، راضی می شوند؛ و اگر داده نشود، خشم می گیرند (؛ خواه حقّ آنها باشد یا نه)! (۵۸)

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَی اللَّهِ رَاغِبُونَ (۵۹)

(در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و بزودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می بخشند؛ ما تنها رضای او را می طلبیم.» (برای آنها بهتر است)! (۵۹)

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَفِی الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِی سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰)

زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند، و کسانی که برای جلب محبّتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است! (۶۰)

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِیَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَهٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۱)

از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: «او آدم خوش باوری است!» بگو: «خوش باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می کند؛ و رحمت است برای کسانی از شما که ایمان آورده اند!» و آنها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند! (۶۱)

ص: ۱۹۶

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۶۲)

آنها برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که شایسته تر این است که خدا و رسولش را راضی کنند، اگر ایمان دارند! (۶۲)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْیُ الْعَظِيمُ (۶۳)

آیا نمی دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است؛ جاودانه در آن می ماند؟! این، همان رسوایی بزرگ است! (۶۳)

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَهٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِی قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ (۶۴)

منافقان از آن بیم دارنـد که سوره ای بر ضـدّ آنان نازل گردد، و به آنها از اسـرار درون قلبشان خبر دهـد. بگو: «اسـتهزا کنیـد! خداوند، آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می سازد!» (۶۴)

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵)

و اگر از آنها بپرسـی (: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادیـد؟!»)، می گویند: «ما بازی و شوخی می کردیم!» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟!» (۶۵)

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَّعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۶۶)

(بگو:) عـذر خواهی نکنیـد (که بیهوده است؛ چرا که) شـما پس از ایمـان آوردن، کافر شدیـد! اگر گروهی از شـما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند! (۶۶)

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۷)

مردان منـافق و زنـان منـافق، همه از یـک گروهنـد! آنهـا امر به منکر، و نهی از معروف می کننـد؛ و دسـتهایشان را (از انفاق و بخشـش) می بندنـد؛ خـدا را فراموش کردنـد، و خـدا (نیز) آنهـا را فراموش کرد (، و رحمتش را از آنهـا قطع نمود)؛ به یقین، منافقان همان فاسقانند! (۶۷)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۶۸)

خداونـد به مردان و زنان منافق و کفّار، وعـده آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهند ماند -همان برای آنها کافی است!- و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذاب همیشگی برای آنهاست! (۶۸)

ص: ۱۹۷

كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۹)

(شـما منافقـان،) هماننـد کسـانی هسـتیـد که قبـل از شـما بودنـد (و راه نفاق پیمودنـد؛ بلکه) آنها از شـما نیرومنـدتر، و اموال و فرزنـدانشان بیشتر بود! آنهـا از بهره خود (از مواهب الهی در راه گناه و هوس) اسـتفاده کردنـد؛ شـما نیز از بهره خود، (در این راه) اسـتفاده کردیـد، همان گونه که آنها اسـتفاده کردند؛ شـما (در کفر و نفاق و اسـتهزای مؤمنان) فرو رفتید، همان گونه که آنها فرو رفتند؛ (ولی سرانجام) اعمالشان در دنیا و آخرت نابود شد؛ و آنها همان زیانکارانند! (۶۹)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ

لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب ] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) خداوند به آنها ستم نکرد، امّا خودشان بر خویشتن ستم می کردند! (۷۰)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱)

مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می کنند؛ نماز را برپا می دارند؛ و زکات را می پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی دهد؛ خداوند توانا و حکیم است! (۷۱)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)

خداوند به مردان و زنان باایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن های پاکیزه ای در بهشتهای جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است! (۷۲)

ص: ۱۹۸

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۷۳)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند! (۷۳)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۷۴)

به خدا سوگند می خورند که (در غیاب پیامبر، سخنان نادرست) نگفته اند؛ در حالی که قطعاً سخنان کفرآمیز گفته اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کافر شده اند؛ و تصمیم (به کار خطرناکی) گرفتند، که به آن نرسیدند. آنها فقط از این انتقام می گیرند که خداوند و رسولش، آنان را به فضل (و کرم) خود، بی نیاز ساختند! (با این حال،) اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛ و اگر روی گردانند، خداوند آنها را در دنیا و آخرت، به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد؛ و در سراسر زمین، نه ولیّ و حامی دارند، و نه یاوری! (۷۴)

وَمِنْهُم مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

بعضی از آنها با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خداوند ما را از فضل خود روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد؛ و از صالحان (و شاکران) خواهیم بود!» (۷۵)

فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (۷۶)

امّا هنگامی که خدا از فضل خود به آنها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند! (۷۶)

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِمْ إِلَی یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا یَكْذِبُونَ (۷۷)

این عمل، (روح) نفاق را، تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دلهایشان برقرار ساخت. این بخاطر آن است که از پیمان الهی تخلّف جستند؛ و بخاطر آن است که دروغ می گفتند. (۷۷)

أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۷۸)

آیا نمی دانستند که خداوند، اسرار و سخنان درگوشی آنها را می داند؛ و خداوند دانای همه غیبها (و امور پنهانی) است؟! (۷۸)

الَّذِینَ یَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِینَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الصَّدَقَاتِ وَالَّذِینَ لَا یَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَیَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۷۹)

آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیبجویی می کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانائی خود دسترسی ندارند، مسخره می نمایند، خدا آنها را مسخره می کند؛ (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می دهد؛) و برای آنها عذاب دردناکی است! (۷۹)

ص: ۱۹۹

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِینَ مَرَّةً فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ (۸۰)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتّی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند؛ و خداوند جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند! (۸۰)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنفِرُوا فِی الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ كَانُوا یَفْقَهُونَ (۸۱)

تخلّف جویان (از جنگ تبوک،) از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند؛ و (به یکدیگر و به مؤمنان) گفتند: «در این گرما، (بسوی میدان) حرکت نکنید!» (به آنان) بگو: «آتش

دوزخ از این هم گرمتر است!» اگر می دانستند! (۸۱)

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

از این رو آنها باید کمتر بخندند و بسیار بگریند! (چرا که آتش جهنم در انتظارشان است) این، جزای کارهایی است که انجام می دادند! (۸۲)

فَإِن رَّجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَن تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (۸۳)

هرگاه خداوند تو را بسوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازه خروج (بسوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد! و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید! شما نخستین بار به کناره گیری راضی شدید، اکنون نیز با متخلّفان بمانید!» (۸۳)

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (۸۴)

هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! (۸۴)

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۸۵)

مبادا اموال و فرزندانشان، مایه شگفتی تو گردد! (این برای آنها نعمت نیست؛ بلکه) خدا می خواهد آنها را به این وسیله در دنیا عذاب کند، و جانشان برآید در حالی که کافرند! (۸۵)

وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَّعَ الْقَاعِدِينَ (۸۶)

و هنگامی که سوره ای نازل شود (و به آنان دستور دهد) که: «به خدا ایمان بیاورید! و همراه پیامبرش جهاد کنید!»، افرادی از آنها [= گروه منافقان ] که توانایی دارند، از تو اجازه می خواهند و می گویند: «بگذار ما با قاعدین [= آنها که از جهاد معافند] باشیم!» (۸۶)

ص: ۲۰۰

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۸۷)

(آری،) آنها راضی شدند که با متخلّفان باشند؛ و بر دلهایشان مهر نهاده شده؛ از این رو (چیزی) نمی فهمند! (۸۷)

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۸)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکیها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگارانند! (۸۸)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۸۹)

خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ! (۸۹)

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِیُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِینَ کَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَیُصِیبُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۹۰)

و عذرآورندگان از اعراب، (نزد تو) آمدند که به آنها اجازه (عدم شرکت در جهاد) داده شود؛ و آنها که به خدا و پیامبرش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنها که مخالفت کردند (و معذور نبودند)، عذاب دردناکی خواهد رسید! (۹۰)

لَّیْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِینَ لَا یَجِدُونَ مَا یُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِینَ مِن سَبِیلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۹۱)

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند،) هرگاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (؛ و از آنچه در توان دارند، مضایقه ننمایند). بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (۹۱)

وَلَا عَلَى الَّذِینَ إِذَا مَا أَتَوْکَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُکُمْ عَلَیْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْیُنُهُمْ تَفِیضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا یَجِدُوا مَا یُنفِقُونَ (۹۲)

و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند) (۹۲)

## جزء ۱۱

### ادامه سوره التوبه

إِنَّمَا السَّبِیلُ عَلَى الَّذِینَ یَسْتَأْذِنُونَکَ وَهُمْ أَغْنِیَاءُ رَضُوا بِأَن یَکُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ (۹۳)

راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است که از تو اجازه می خواهند در حالی که توانگرند؛ (و امکانات کافی برای جهاد دارند؛) آنها راضی شدند که با متخلّفان [= زنان و کودکان و بیماران ] بمانند؛ و خداوند بر دلهایشان مهر نهاده؛ به همین جهت چیزی نمی دانند! (۹۳)

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۴)

هنگامی که بسوی آنها (که از جهاد تخلّف کردند) باز گردید، از شما عذرخواهی می کنند؛ بگو: «عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد! چرا که خدا ما را از اخبارتان آگاه ساخته؛ و خدا و رسولش، اعمال شما را می بینند؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگشت داده می شوید؛ و او شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه می کند (و جزا می دهد!)» (۹۴)

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۵)

هنگامی که بسوی آنان بازگردید، برای شما به خدا سوگند یاد می کنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید؛ از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید)؛ چرا که پلیدند! و جایگاهشان دوزخ است، بکیفر اعمالی که انجام می دادند. (۹۵)

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۹۶)

برای شما قسم یاد می کنند تا از آنها راضی شوید؛ اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیّت فاسقان راضی نخواهد شد! (۹۶)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹۷)

بادیه نشینان عرب، کفر و نفاقشان شدیدتر است؛ و به ناآگاهی از حدود و احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده، سزاوارترند؛ و خداوند دانا و حکیم است! (۹۷)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۹۸)

گروهی از (این) اعراب بادیه نشین، چیزی را که (در راه خدا) انفاق می کنند، غرامت محسوب می دارند؛ و انتظار حوادث دردناکی برای شما می کشند؛ حوادث دردناک برای خود آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست! (۹۸)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۹)

گروهی (دیگر) از عربهای بادیه نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را انفاق می کنند، مایه تقرّب به خدا، و دعای پیامبر می دانند؛ آگاه باشید اینها مایه تقرّب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (۹۹)

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰۰)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ! (۱۰۰)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (۱۰۱)

و از (میان) اعراب بادیه نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی شناسی، ولی ما آنها را می شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می کنیم (: مجازاتی با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می شوند. (۱۰۱)

وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۰۲)

و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است! (۱۰۲)

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست! (۱۰۳)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

آیا نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد، و صدقات را می گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است؟! (۱۰۴)

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!» (۱۰۵)

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۶)

و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می کند، و یا توبه آنان را می پذیرد (، هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (۱۰۶)

ص: ۲۰۳

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۰۷)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویّت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم!» امّا خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند! (۱۰۷)

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ (۱۰۸)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد! (۱۰۸)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰۹)

آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی کند! (۱۰۹)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۱۰)

(امّا) این بنایی را که آنها ساختند، همواره بصورت یک وسیله شک و تردید، در دلهایشان باقی می ماند؛ مگر اینکه دلهایشان پاره پاره شود (و بمیرند؛ وگرنه، هرگز از دل آنها بیرون نمی رود)؛ و خداوند دانا و حکیم است! (۱۱۰)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

خداوند از مؤمنان، جانها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقّی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ! (۱۱۱)

ص: ۲۰۴

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان! (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۱۳)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند! (۱۱۳)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (۱۱۴)

و استغفار ابراهیم برای پدرش [= عمویش آزر]، فقط بخاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را بسوی ایمان جذب کند)؛ امّا هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزاری جست؛ به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود! (۱۱۴)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱۵)

چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردند) گمراه (و مجازات) کند؛ مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست! (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۱۶)

حکومت آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ زنده می کند و می میراند؛ و جز خدا، ولیّ و یاوری ندارید! (۱۱۶)

لَّقَد تَّابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۱۷)

مسلّماً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدّت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حقّ منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است! (۱۱۷)

ص: ۲۰۵

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۱۸)

(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلّف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند،) تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است! (۱۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۱۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید! (۱۱۹)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۲۰)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیه نشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلّف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می شود برنمی دارند، و ضربه ای از دشمن نمی خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند! (۱۲۰)

وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۱)

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی کنند، و هیچ سرزمینی را (بسوی میدان جهاد و یا در بازگشت) نمی پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می شود؛ تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد. (۱۲۱)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند (و طایفه ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند! (۱۲۲)

ص: ۲۰۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که به شما نزدیکترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدّت و خشونت (و قدرت) احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است! (۱۲۳)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنان (به دیگران) می گویند: «این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزون ساخت؟!» (به آنها بگو:) اما کسانی که ایمان آورده اند، بر ایمانشان افزوده؛ و آنها (به فضل و رحمت الهی) خوشحالند. (۱۲۴)

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵)

و امّا آنها که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و از دنیا رفتند در حالی که کافر بودند. (۱۲۵)

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

آیا آنها نمی بینند که در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می شوند؟! باز توبه نمی کنند، و متذکّر هم نمی گردند! (۱۲۶)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۱۲۷)

و هنگامی که سوره ای نازل می شود، بعضی از آنها [= منافقان ] به یکدیگر نگاه می کنند و می گویند: «آیا کسی شما را می بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجّه ما نمی شود!)» سپس منصرف می شوند (و بیرون می روند)؛ خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها، گروهی هستند که نمی فهمند (و بی دانشند)! (۱۲۷)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۲۸)

به یقین، رسولی از خود شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (۱۲۸)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۹)

اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکّل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است!» (۱۲۹)

ص: ۲۰۷

## سوره يونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱)

الر، این آیات کتاب استوار و حکمت آمیز است! (۱)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ (۲)

آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را (از عواقب کفر و گناه) بترسان، و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک (و پاداشهای مسلّم) نزد پروردگارشان است؟! (امّا) کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است!» (۲)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِن بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران ] آفرید؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده ای، جز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکّر نمی شوید؟! (۳)

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۴)

بازگشت همه شما بسوی اوست! خداوند وعده حقّی فرموده؛ او آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بعدالت جزا دهد؛ و برای کسانی که کافر شدند، نوشیدنی از مایع سوزان است؛ و عذابی دردناک، بخاطر آنکه کفر می ورزیدند! (۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه هایی مقدّر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز بحق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می دهد! (۵)

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ (۶)

مسلّماً در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می بینند). (۶)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (۷)

آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، (۷)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸)

(همه) آنها جایگاهشان آتش است، بخاطر کارهایی که انجام می دادند! (۸)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۹)

(ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می کند؛ از زیر (قصرهای) آنها در باغهای بهشت، نهرها جاری است. (۹)

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰)

گفتار (و دعای) آنها در بهشت این است که: «خداوندا، منزهی تو!» و تحیّت آنها در آنجا: سلام؛ و آخرین سخنشان این است که: «حمد، مخصوص پروردگار عالمیان است!» (۱۰)

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱)

اگر همان گونه که مردم در به دست آوردن «خوبی» ها عجله دارند، خداوند در مجازاتشان شتاب می کرد، (بزودی) عمرشان به پایان می رسید (و همگی نابود می شدند)؛ ولی کسانی را که ایمان به لقای ما ندارند، به حال خود رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان شوند! (۱۱)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرٍّ مَّسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲)

هنگامی که به انسان زیان (و ناراحتی) رسد، ما را (در هر حال:) در حالی که به پهلو خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده است، می خواند؛ امّا هنگامی که ناراحتی را از او برطرف ساختیم، چنان می رود که گویی هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، اعمالشان زینت داده شده است (که زشتی این عمل را درک نمی کنند)! (۱۲)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۱۳)

ما امّتهای پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاوردند؛ این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (۱۳)

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِی الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (١۴)

سپس شما را جانشینان آنها در روی زمین -پس از ایشان- قرار دادیم؛ تا ببینیم شما چگونه عمل می کنید! (١۴)

ص: ٢٠٩

وَإِذَا تُتْلَی عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَـٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاءِ نَفْسِی إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَی إِلَیَّ إِنِّی أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّی عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (١۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، کسانی که ایمان به لقای ما (و روز رستاخیز) ندارند می گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تبدیل کن! (و آیات نکوهش بتها را بردار)» بگو: «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم؛ فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم!» (١۵)

قُل لَّوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُم بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (١۶)

بگو: «اگر خدا می خواست، من این آیات را بر شما نمی خواندم؛ و خداوند از آن آگاهتان نمی کرد؛ چه اینکه مدّتها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم؛ (و هرگز آیه ای نیاوردم؛) آیا نمی فهمید؟!» (١۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (١٧)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ می بندد، یا آیات او را تکذیب می کند؟! مسلماً مجرمان رستگار نخواهند شد! (١٧)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِی السَّمَاوَاتِ وَلَا فِی الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا يُشْرِكُونَ (١٨)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند، و نه سودی می بخشد؛ و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می دهید که در آسمانها و زمین سراغ ندارد؟!» منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می دهند! (١٨)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِیَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (١٩)

(در آغاز) همه مردم امّت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می شد (و سپس همگی به مجازات می رسیدند). (١٩)

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۲۰)

می گويند: «چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟!» بگو: «غيب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشيد، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جويانه باشيد، و من هم در انتظار مجازات شما!)» (۲۰)

ص: ۲۱۰

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِی آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

هنگامی که به مردم، پس از ناراحتی که به آنها رسيده است، رحمتی بچشانيم، در آيات ما نيرنگ می کنند (، و برای آن نعمت و رحمت توجيهات ناروا می کنند)؛ بگو: «خداوند سريعتر از شما مکر [= چاره جويی ] می کند؛ و رسولان [= فرشتگان] ما، آنچه نيرنگ می کنيد (و نقشه می کشيد)، می نويسند!» (۲۱)

هُوَ الَّذِی يُسَيِّرُكُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنتُمْ فِی الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

او کسی است که شما را در خشکی و دريا سير می دهد؛ زمانی که در کشتی قرارمی گيريد، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت ميدهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شديدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آيد؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند که: «اگر ما را از اين گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهيم بود!» (۲۲)

فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

امّا هنگامی که خدا آنها را رهايی بخشيد، (باز) به ناحق، در زمين ستم ميکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زيان خود شماست! از زندگی دنيا بهره (ميبريد)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل ميکرديد، خبر ميدهيم! (۲۳)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۴)

مثل زندگی دنيا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ايم؛ که در پی آن، گياهان (گوناگون) زمين -که مردم و چهارپايان از آن می خورند- می رويد؛ تا زمانی که زمين، زيبايی خود را يافته و آراسته می گردد، و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب هنگام يا در روز، (برای نابودی آن) فرامی رسد؛ (سرما يا صاعقه ای را بر آن مسلّط می سازيم؛) و آنچنان آن را درو می کنيم که گويی ديروز هرگز (چنين کشتزاری) نبوده است! اين

گونه، آیات خود را برای گروهی که می اندیشند، شرح می دهیم! (۲۴)

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند)، به راه راست هدایت می نماید. (۲۵)

ص: ۲۱۱

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۶)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلّت، چهره هایشان را نمی پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۶)

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷)

امّا کسانی که مرتکب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلّت و خواری، چهره آنان را می پوشاند؛ و هیچ چیز نمی تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (۲۷)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (۲۸)

(به خاطر بیاورید) روزی را که همه آنها را جمع می کنیم، سپس به مشرکان می گوییم: «شما و معبودهایتان در جای خودتان باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود!)» سپس آنها را از هم جدا می سازیم (و از هر یک جداگانه سؤال می کنیم). و معبودهایشان (به آنها) می گویند: «شما (هرگز) ما را عبادت نمی کردید!» (۲۸)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (۲۹)

(آنها در پاسخ می گویند:) همین بس که خدا میان ما و شما گواه باشد، اگر ما از عبادت شما غافل بودیم! (۲۹)

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰)

در آن جا، هر کس عملی را که قبلاً انجام داده است، می آزماید. و همگی بسوی «اللّه» -مولا و سرپرستِ حقیقی خود- بازگردانده می شوند؛ و چیزهایی را که بدروغ همتای خدا قرار داده بودند، گم و نابود می شوند! (۳۰)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ

الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۱)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق) گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و چه کسی امور (جهان) را تدبیر می کند؟» بزودی (در پاسخ) می گویند: «خدا»، بگو: «پس چرا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید)؟! (۳۱)

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (۳۲)

آن است خداوند، پروردگار حقّ شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می شوید؟! (۳۲)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلّم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد! (۳۳)

ص: ۲۱۲

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳۴)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، آفرینش را ایجاد می کند و سپس بازمی گرداند؟!» بگو: «تنها خدا آفرینش را ایجاد کرده، سپس بازمی گرداند؛ با این حال، چرا از حق روی گردان می شوید؟!» (۳۴)

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّي إِلَّا أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵)

بگو: «آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می کند؟! بگو: «تنها خدا به حق هدایت می کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!» (۳۵)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشتر آنها، جز از گمان (و پندارهای بی اساس)، پیروی نمی کنند؛ (در حالی که) گمان، هرگز انسان را از حقّ بی نیاز نمی سازد (و به حق نمی رساند)! به یقین، خداوند از آنچه انجام می دهند، آگاه است! (۳۶)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

شایسته نبود (و امکان نداشت) که این قرآن، بدون وحی الهی به خدا نسبت داده شود؛ ولی تصدیقی است برای آنچه پیش از

آن است (از کتب آسمانی)، و شرح و تفصیلی بر آنها است؛ شکّی در آن نیست، و از طرف پروردگار جهانیان است. (۳۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

آیا آنها می گویند: «او قرآن را بدروغ به خدا نسبت داده است»؟! بگو: «اگر راست می گویید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس را می توانید (به یاری) طلبید!» (۳۸)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹)

(ولی آنها از روی علم و دانش قرآن را انکار نکردند؛) بلکه چیزی را تکذیب کردند که آگاهی از آن نداشتند، و هنوز واقعیتش بر آنان روشن نشده است! پیشینیان آنها نیز همین گونه تکذیب کردند؛ پس بنگر عاقبت کار ظالمان چگونه بود! (۳۹)

وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)

بعضی از آنها، به آن ایمان می آورند؛ و بعضی ایمان نمی آورند؛ و پروردگارت به مفسدان آگاهتر است (و آنها را بهتر می شناسد)! (۴۰)

وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُم بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۴۱)

و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من برای من، و عمل شما برای شماست! شما از آنچه من انجام می دهم بیزارید و من (نیز) از آنچه شماانجام می دهید بیزارم!» (۴۱)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۴۲)

گروهی از آنان، بسوی تو گوش فرامی دهند (؛ امّا گویی هیچ نمی شنوند و کرند)! آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟! (۴۲)

ص: ۲۱۳

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳)

و گروهی از آنان، به سوی تو می نگرند (امّا گویی هیچ نمی بینند)! آیا تو می توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند نبینند؟! (۴۳)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴)

خداوند هیچ به مردم ستم نمی کند؛ ولی این مردمند که به خویشتن ستم می کنند! (۴۴)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵)

(به یاد آور) روزی را که (خداوند) آنها را جمع (و محشور) می سازد؛ آنچنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقّف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند! مسلّماً آنها که لقای خداوند (و روز رستاخیز) را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند! (۴۵)

وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ (۴۶)

اگر ما، پاره ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند،) تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می دادند گواه است! (۴۶)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۷)

برای هر امّتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، بعدالت در میان آنها داوری می شود؛ و ستمی به آنها نخواهد شد! (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و می گویند: «اگر راست می گوئی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟» (۴۸)

قُل لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹)

بگو: «من (حتّی) برای خودم زیان و سودی را مالک نیستم، (تا چه رسد برای شما!) مگر آنچه خدا بخواهد. (این مقدار می دانم که) برای هر قوم و ملّتی، سرآمدی است؛ هنگامی که اجل آنها فرا رسد، (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود،) نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه پیشی می گیرند! (۴۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰)

بگو: «اگر مجازات او، شب هنگام یا در روز به سراغ شما آید (، آیا می توانید آن را از خود دفع کنید؟!)» پس مجرمان برای چه عجله می کنند؟! (۵۰)

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۵۱)

یا اینکه آنگاه که واقع شد، به آن ایمان می آورید! (به شما گفته می شود:) حالا؟! در حالی که قبلاً برای آن عجله می کردید! (ولی اکنون چه سود!) (۵۱)

ثُمَّ قِیلَ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ (۵۲)

سپس به کسانی که ستم کردند گفته می شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده می شوید؟!» (۵۲)

وَیَسْتَنبِئُونَکَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَرَبِّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ (۵۳)

از تو می پرسند: «آیا آن (وعده مجازات الهی) حقّ است؟» بگو: «آری، به پروردگارم سوگند، قطعاً حقّ است؛ و شما نمی توانید از آن جلوگیری کنید!» (۵۳)

ص: ۲۱۴

وَلَوْ أَنَّ لِکُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِی الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَهَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۵۴)

و هر کس که ستم کرده، اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد، (همه را از هول عذاب،) برای نجات خویش می دهد! و هنگامی که عذاب را ببینند، (پشیمان می شوند؛ امّا) پشیمانی خود را کتمان می کنند (، مبادا رسواتر شوند)! و در میان آنها، بعدالت داوری می شود؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد! (۵۴)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ (۵۵)

آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست! آگاه باشید وعده خدا حقّ است، ولی بیشتر آنها نمی دانند! (۵۵)

هُوَ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۵۶)

اوست که زنده می کند و می میراند، و به سوی او بازگردانده می شوید! (۵۶)

یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْکُم مَّوْعِظَهٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَهٌ لِّلْمُؤْمِنِینَ (۵۷)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دلهای شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان! (۵۷)

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِّمَّا یَجْمَعُونَ (۵۸)

بگو: «به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند؛ که این، از تمام آنچه گردآوری کرده اند، بهتر است!» (۵۸)

قُلْ أَرَأَیْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَکُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللَّهِ تَفْتَرُونَ (۵۹)

بگو: «آیا روزیهایی را که خداوند بر شما نازل کرده دیده اید، که بعضی از آن را حلال، و بعضی را حرام نموده اید؟!» بگو:

«آیا خداوند به شما اجازه داده، یا بر خدا افترا می بندید (و از پیش خود، حلال و حرام می کنید؟!)» (۵۹)

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰)

آنها که بر خدا افترا می بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه می اندیشند؟! خداوند نسبت به همه مردم فضل (و بخشش) دارد، امّا اکثر آنها سپاسگزاری نمی کنند! (۶۰)

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّهٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۶۱)

در هیچ حال (و اندیشه ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی کنی، و هیچ عملی را انجام نمی دهید، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی ماند؛ حتّی به اندازه سنگینی ذرّه ای، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه (همه آنها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است! (۶۱)

ص: ۲۱۵

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند! (۶۲)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)

همانها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می کردند. (۶۳)

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَهِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)

در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) ند؛ وعده های الهی تخلّف ناپذیر است! این است آن رستگاری بزرگ! (۶۴)

وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّهَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵)

سخن آنها تو را غمگین نسازد! تمام عزّت (و قدرت)، از آن خداست؛ و او شنوا و داناست! (۶۵)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۶۶)

آگاه باشید تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از آن خدا می باشند! و آنها که غیر خدا را همتای او می خوانند، (از منطق و دلیلی) پیروی نمی کنند؛ آنها فقط از پندار بی اساس پیروی می کنند؛ و آنها فقط دروغ می گویند! (۶۶)

هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِتَسْکُنُوا فِیهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَسْمَعُونَ (۶۷)

او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛ و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در اینها نشانه هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند! (۶۷)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِیُّ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ إِنْ عِندَکُم مِّن سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۸)

گفتند: «خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! (از هر عیب و نقص و احتیاجی) منزه است! او بی نیاز است! از آن اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است! شما هیچ گونه دلیلی بر این ادعا ندارید! آیا به خدا نسبتی می دهید که نمی دانید؟! (۶۸)

قُلْ إِنَّ الَّذِینَ یَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْکَذِبَ لَا یُفْلِحُونَ (۶۹)

بگو: «آنها که به خدا دروغ می بندند، (هرگز) رستگار نمی شوند! (۶۹)

مَتَاعٌ فِی الدُّنْیَا ثُمَّ إِلَیْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِیقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِیدَ بِمَا کَانُوا یَکْفُرُونَ (۷۰)

بهره ای (ناچیز) از دنیا دارند؛ سپس بازگشتشان بسوی ماست؛ و بعد، به آنها مجازات شدید به سزای کفرشان می چشانیم! (۷۰)

ص: ۲۱۶

وَاتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ یَا قَوْمِ إِن کَانَ کَبُرَ عَلَیْکُم مَّقَامِی وَتَذْکِیرِی بِآیَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَکَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَکُمْ وَشُرَکَاءَکُمْ ثُمَّ لَا یَکُنْ أَمْرُکُمْ عَلَیْکُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَیَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۷۱)

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکّرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمّل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید.) من بر خدا توکّل کرده ام! فکر خود، و قدرت معبودهایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ چیز بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید؛) سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه ای) مهلتم ندهید! (امّا توانایی ندارید!) (۷۱)

فَإِن تَوَلَّیْتُمْ فَمَا سَأَلْتُکُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُسْلِمِینَ (۷۲)

و اگر از قبول دعوتم روی بگردانید، (کار نادرستی کرده اید؛ چه اینکه) من از شما مزدی نمی خواهم؛ مزد من، تنها بر خداست! و من مأمورم که از مسلمین [= تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا] باشم!» (۷۲)

فَکَذَّبُوهُ فَنَجَّیْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِی الْفُلْکِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِینَ (۷۳)

امّا آنها او را تکـذیب کردند! و ما، او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشـین (و وارث کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را تکـذیب کردنـد، غرق نمودیم! پس ببین عاقبت کار کسانی که انـذار شدند (و به انذار الهی اهمیّت ندادند)، چگونه بود! (۷۳)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (۷۴)

سپس بعـد از نوح، رسولانی به سوی قومشان فرسـتادیم؛ آنان دلایل روشن برایشان آوردنـد؛ امّا آنها، به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند! اینچنین بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم (تا چیزی را درک نکنند)! (۷۴)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۷۵)

بعد از آنها، موسـی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ اما آنها تکبّر کردند (و زیر بار حق نرفتند؛ چرا که) آنها گروهی مجرم بودند! (۷۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۷۶)

و هنگامی که حق از نزد ما بسراغ آنها آمد، گفتند: «این، سحری است آشکار!» (۷۶)

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷)

موسـی گفت: «آیا درباره حقّ، هنگامی که به سوی شـما آمد، (چنین) می گویید؟! آیا این سـحر است؟! در حالی که ساحران (هرگز) رستگار (و پیروز) نمی شوند! (۷۷)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (۷۸)

گفتنـد: «آیا آمـده ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم، منصـرف سازی؛ و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی آوریم!» (۷۸)

ص: ۲۱۷

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹)

فرعون گفت: «(بروید و) هر جادوگر (و ساحر) دانایی را نزد من آورید!» (۷۹)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (۸۰)

هنگامی که ساحران (به میـدان مبارزه) آمدنـد، موسـی به آنها گفت: «آنچه (از وسایل سـحر) را می توانیـد بیفکنید، بیفکنید!»

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱)

هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آوردید، سحر است؛ که خداوند بزودی آن را باطل می کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی کند! (۸۱)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲)

او حق را به وعده خویش، تحقق می بخشد؛ هر چند مجرمان کراهت داشته باشند!» (۸۲)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳)

(در آغاز،) هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود! (۸۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ (۸۴)

موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آورده اید، بر او توکّل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید!» (۸۴)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵)

گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگارا! ما را مورد شکنجه گروه ستمگر قرار مده! (۸۵)

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶)

و ما را با رحمتت از (دست) قوم کافر رهایی بخش! (۸۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می شوند!)» (۸۷)

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸)

موسی گفت: «پروردگارا! تو فرعون و اطرافیانش را زینت و اموالی (سرشار) در زندگی دنیا داده ای، پروردگارا! در نتیجه (بندگانت را) از راه تو گمراه می سازند! پروردگارا! اموالشان را نابود کن! و (بجرم گناهانشان،) دلهایشان را سخت و سنگین

ساز، به گونه ای که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند!» (۸۸)

ص: ۲۱۸

قَالَ قَدْ أُجِیبَت دَّعْوَتُکُمَا فَاسْتَقِیمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِیلَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ (۸۹)

فرمود: «دعای شما پذیرفته شد! استقامت به خرج دهید؛ و از راه (و رسم) کسانی که نمی دانند، تبعیت نکنید!» (۸۹)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْیًا وَعَدْوًا حَتَّی إِذَا أَدْرَکَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِی آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِیلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ (۹۰)

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا [= رود عظیم نیل ] عبور دادیم؛ و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آنها رفتند؛ هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!» (۹۰)

آلْآنَ وَقَدْ عَصَیْتَ قَبْلُ وَکُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِینَ (۹۱)

(امّا به او خطاب شد:) الآن؟!! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی! (۹۱)

فَالْیَوْمَ نُنَجِّیکَ بِبَدَنِکَ لِتَکُونَ لِمَنْ خَلْفَکَ آیَهً وَإِنَّ کَثِیرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آیَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند! (۹۲)

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّی جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّکَ یَقْضِی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (۹۳)

(سپس) بنی اسرائیل را در جایگاه صدق (و راستی) منزل دادیم؛ و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم؛ (امّا آنها به نزاع و اختلاف برخاستند!) و اختلاف نکردند، مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد! پروردگار تو روز قیامت، در آنچه اختلاف می کردند، میان آنها داوری می کند! (۹۳)

فَإِن کُنتَ فِی شَکٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَیْکَ فَاسْأَلِ الَّذِینَ یَقْرَءُونَ الْکِتَابَ مِن قَبْلِکَ لَقَدْ جَاءَکَ الْحَقُّ مِن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ (۹۴)

و اگر در آنچه بر تو نازل کرده ایم تردیدی داری، از کسانی که پیش از تو کتاب آسمانی را می خوانند بپرس، به یقین، «حق» از طرف پروردگارت به تو رسیده است؛ بنابر این، هرگز از تردیدکنندگان مباش! [مسلماً او تردیدی نداشت! این درسی برای مردم بود!] (۹۴)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)

و از آنها مباش که آیات خدا را تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود! (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)

(و بدان) آنها که فرمان پروردگار تو بر آنان تحقق یافته، (و بجرم اعمالشان، توفیق هدایت را از آنها گرفته هرگز) ایمان نمی آورند، (۹۶)

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)

هر چند تمام آیات (و نشانه های الهی) به آنان برسد، تا زمانی که عذاب دردناک را ببینند! (زیرا تاریکی گناه، قلبهایشان را فرا گرفته، و راهی به روشنایی ندارند!) (۹۷)

ص: ۲۱۹

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۹۸)

چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدّت معیّنی [= پایان زندگی و اجلشان ] آنها را بهره مند ساختیم. (۹۸)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَن فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹)

و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند؛ آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!) (۹۹)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۰)

(اما) هیچ کس نمی تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرارمی دهد که نمی اندیشند. (۱۰۰)

قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱)

بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» اما این آیات و انذارها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی آورند مفید نخواهد بود! (۱۰۱)

فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۱۰۲)

آیا آنها (چیزی) جز همانند روزهای پیشینیان (و بلاها و مجازاتهایشان) را انتظار می کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می کشم!» (۱۰۲)

ثُمَّ نُنَجِّی رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَیْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِینَ (۱۰۳)

سپس (هنگام نزول بلا و مجازات،) فرستادگان خود و کسانی را که (به آنان) ایمان می آورند، نجات می دهیم و همین گونه، بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را (نیز) رهایی بخشیم! (۱۰۳)

قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِی شَكٍّ مِّن دِینِی فَلَا أَعْبُدُ الَّذِینَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِی یَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ (۱۰۴)

بگو: «ای مردم! اگر در عقیده من شک دارید، من آنهایی را که جز خدا می پرستید، نمی پرستم! تنها خداوندی را پرستش می کنم که شما را می میراند! و من مأمورم که از مؤمنان باشم! (۱۰۴)

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ حَنِیفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِینَ (۱۰۵)

و (به من دستور داده شده که:) روی خود را به آیینی متوجه ساز که از هر گونه شرک، خالی است؛ و از مشرکان مباش! (۱۰۵)

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا یَنفَعُكَ وَلَا یَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِینَ (۱۰۶)

و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود! (۱۰۶)

ص: ۲۲۰

وَإِن یَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن یُرِدْكَ بِخَیْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ یُصِیبُ بِهِ مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۱۰۷)

و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه،) زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آنرا به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند؛ و او غفور و رحیم است!» (۱۰۷)

قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا یَهْتَدِی لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا یَضِلُّ عَلَیْهَا وَمَا أَنَا عَلَیْكُم بِوَكِیلٍ (۱۰۸)

بگو: «ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ و من مأمور (به اجبار) شما نیستم!» (۱۰۸)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن، و شکیبا باش (و استقامت نما)، تا خداوند فرمان (پیروزی) را صادر کند؛ و او بهترین حاکمان است! (۱۰۹)

## سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (۱)

الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است! (۱)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِی لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ (۲)

(دعوت من این است) که: جز «اللّه» را نپرستید! من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهنده ام! (۲)

وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ (۳)

و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدّت معیّنی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم! (۳)

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (۴)

(بدانید) بازگشت شما بسوی «اللّه» است، و او بر هر چیز تواناست! (۴)

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵)

آگاه باشید، آنها (سرها را به هم نزدیک ساخته، و) سینه هاشان را در کنار هم قرارمی دهند، تا خود (و سخنان خویش) را از او [= پیامبر] پنهان دارند! آگاه باشید، آنگاه که آنها لباسهایشان را به خود می پیچند و خویش را در آن پنهان می کنند، (خداوند) می داند آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می سازند؛ چرا که او، از اسرار درون سینه ها، آگاه است! (۵)

ص: ۲۲۱

## جزء ۱۲

## ادامه سوره هود

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا کُلٌّ فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (۶)

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [= در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا] (۶)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکَانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّکُم مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِینٌ (۷)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران ] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگویی: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می شوید! »، مسلّماً کافران می گویند: «این سحری آشکار است!» (۷)

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَی أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّیَقُولُنَّ مَا یَحْبِسُهُ أَلَا یَوْمَ یَأْتِیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (۸)

و اگر مجازات را تا زمان محدودی از آنها به تأخیر اندازیم، (از روی استهزا می گویند: «چه چیز مانع آن شده است؟!» آگاه باشید، آن روز که (عذاب) به سراغشان آید، از آنها بازگردانده نخواهد شد؛ (و هیچ قدرتی مانع آن نخواهد بود؛) و آنچه را مسخره می کردند، دامانشان را می گیرد! (۸)

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَیَئُوسٌ کَفُورٌ (۹)

و اگر از جانب خویش، نعمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، بسیار نومید و ناسپاس خواهد بود! (۹)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَیَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّیِّئَاتُ عَنِّی إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (۱۰)

و اگر بعد از شدّت و رنجی که به او رسیده، نعمتهایی به او بچشانیم، می گوید: «مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخرفروشی می شود... (۱۰)

إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِکَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ (۱۱)

مگر آنها که (در سایه ایمان راستین،) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آنها، آمرزش و اجر بزرگی است! (۱۱)

فَلَعَلَّکَ تَارِکٌ بَعْضَ مَا یُوحَی إِلَیْکَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَن یَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ کَنزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَکٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِیرٌ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ (۱۲)

شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می شود، (بخاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به تأخیر اندازی)؛ و سینه ات از

این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده؟! و یا چرا فرشته ای همراه او نیامده است؟!» (ابلاغ کن، و نگران و ناراحت مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده ای؛ و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (؛ و به حساب آنان می رسد)! (۱۲)



أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

آنها می گویند: «او به دروغ این (قرآن) را (به خدا) نسبت داده (و ساختگی است)!» بگو: «اگر راست می گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می توانید -غیر از خدا- (برای این کار) دعوت کنید!» (۱۳)

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۴)

و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند، بدانید (قرآن) تنها با علم الهی نازل شده؛ و هیچ معبودی جز او نیست! آیا با این حال، تسلیم می شوید؟ (۱۴)

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵)

کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا بطور کامل به آنها می دهیم؛ و چیزی کم و کاست از آنها نخواهد شد! (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

(ولی) آنها در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت؛ و آنچه را در دنیا (برای غیر خدا) انجام دادند، بر باد می رود؛ و آنچه را عمل می کردند، باطل و بی اثر می شود! (۱۶)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۷)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنبال آن، شاهدی از سوی او می باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می دهد، همچون کسی است که چنین نباشد)؟! آنها [= حق طلبان و حقیقت جویان ] به او (که دارای این ویژگیهاست،) ایمان می آورند! و هر کس از گروه های مختلف به او کافر شود، آتش وعده گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از پروردگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (۱۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۸)

چه کسی ستمکارتر است از کسانی که بر خدا افترا می بندند؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می شوند، در حالی که شاهدان [= پیامبران و فرشتگان ] می گویند: «اینها همانها هستند که به پروردگارشان دروغ بستند! ای لعنت خدا بر ظالمان باد!» (۱۸)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَهِ هُمْ كَافِرُونَ (۱۹)

همانها که (مردم را) از راه خدا بازمی دارند؛ و راه حق را کج و معوج نشان می دهند؛ و به سرای آخرت کافرند! (۱۹)

ص: ۲۲۳

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ (۲۰)

آنها هیچ گاه توانایی فرار در زمین را ندارند؛ و جز خدا، پشتیبانهایی نمی یابند! عذاب خدا برای آنها مضاعف خواهد بود؛ (چرا که هم خودشان گمراه بودند، و هم دیگران را گمراه ساختند؛) آنها هرگز توانایی شنیدن (حق را) نداشتند؛ و (حقیقت را) نمی دیدند! (۲۰)

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۱)

آنان کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده اند؛ و تمام معبودهای دروغین از نظرشان گم شدند... (۲۱)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۲۲)

(به ناچار) آنها در سرای آخرت، قطعاً از همه زیانکارترند! (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۳)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند! (۲۳)

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۴)

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران ]، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا پند نمی گیرند؟! (۲۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲۵)

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (؛ نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (۲۵)

أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ (۲۶)

جز «الله» [= خدای یگانه یکتا] را نپرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می ترسم! (۲۶)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِىَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (۲۷)

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده اند، جز گروهی اراذل ساده لوح، مشاهده نمی کنیم؛ و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می کنیم!» (۲۷)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَآتَانِى رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (۲۸)

(نوح) گفت: «اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد -و بر شما مخفی مانده- (آیا باز هم رسالت مرا انکار می کنید)؟! آیا ما می توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراهت دارید؟! (۲۸)

ص: ۲۲۴

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّى أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۹)

ای قوم! من به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من، تنها بر خداست! و من، آنها را که ایمان آورده اند، (بخاطر شما) از خود طرد نمی کنم؛ چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود؛) ولی شما را قوم جاهلی می بینم! (۲۹)

وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِى مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳۰)

ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا اندیشه نمی کنید؟! (۳۰)

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّى مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِى أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِى أَنفُسِهِمْ إِنِّى إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (۳۱)

من هرگز به شما نمی گویم خزائن الهی نزد من است! و غیب هم نمی دانم! و نمی گویم من فرشته ام! و (نیز) نمی گویم کسانی که در نظر شما خوار می آیند، خداوند خیری به آنها نخواهد داد؛ خدا از دل آنان آگاهتر است! (با این حال، اگر آنها را برانم،) در این صورت از ستمکاران خواهم بود!» (۳۱)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۲)

گفتند: «ای نوح! با ما جر و بحث کردی، و زیاد هم جر و بحث کردی! (بس است!) اکنون اگر راستی می گویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می دهی بیاور!» (۳۲)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۳۳)

(نوح) گفت: «اگر خدا اراده کند، خواهد آورد؛ و شما قدرت فرار (از آن را) نخواهید داشت! (۳۳)

وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۴)

(اما چه سود که) هرگاه خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد، و من بخواهم شما را اندرز دهم، اندرز من سودی به حالتان نخواهد داشت! او پروردگار شماست؛ و بسوی او بازگشت داده می شوید.» (۳۴)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ (۳۵)

(مشرکان) می گویند: «او [= محمد (ص)] این سخنان را بدروغ به خدا نسبت داده است! «بگو: «اگر من اینها را از پیش خود ساخته باشم و به او نسبت دهم، گناهش بر عهده من است؛ ولی من از گناهان شما بیزارم!» (۳۵)

وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آورد! پس، از کارهایی که می کردند، غمگین مباش! (۳۶)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (۳۷)

و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن، که (همه) آنها غرق شدنی هستند!» (۳۷)

ص: ۲۲۵

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (۳۸)

او مشغول ساختن کشتی بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند؛ (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می کنید، ما نیز شما را همین گونه مسخره خواهیم کرد! (۳۸)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۳۹)

بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد، و مجازات جاودان بر او وارد خواهد شد!» (۳۹)

حَتَّی إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۴۰)

(این وضع همچنان ادامه یافت) تا آن زمان که فرمان ما فرا رسید، و تنور جوشیدن گرفت؛ (به نوح) گفتیم: «از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن! همچنین خاندانت را (بر آن سوار کن) -مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [= همسر و یکی از فرزندانت ]- و همچنین مؤمنان را!» اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند! (۴۰)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۴۱)

او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است!» (۴۱)

وَهِيَ تَجْرِی بِهِمْ فِی مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَی نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِی مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه ها حرکت میداد؛ (در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!» (۴۲)

قَالَ سَآوِی إِلَی جَبَلٍ يَعْصِمُنِی مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳)

گفت: «بزودی به کوهی پناه میبرم تا مرا از آب حفظ کند!» (نوح) گفت: «امروز هیچ نگهداری در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر آن کس را که او رحم کند!» در این هنگام، موج در میان آن دو حایل شد؛ و او در زمره غرق شدگان قرار گرفت! (۴۳)

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِی مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِی وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَی الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۴)

و گفته شد: «ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشتی) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت؛ و (در این هنگام،) گفته شد:» دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)» (۴۴)

وَنَادَی نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِی مِنْ أَهْلِی وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگارا! پسرم از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم کنندگان برتری!» (۴۵)

ص: ۲۲۶

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶)

فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است ]! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از

من مخواه! من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی!!» (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَیسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی أَکُن مِّنَ الْخَاسِرِینَ (۴۷)

عرض کرد: «پروردگارا! من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاهی ندارم! و اگر مرا نبخشی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود!» (۴۷)

قِیلَ یَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَکَاتٍ عَلَیْکَ وَعَلَی أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَکَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِیمٌ (۴۸)

(به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امتهایی که با تواند، فرود آی! و امتهای نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره مند خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می رسد (، چرا که این نعمتها را کفران می کنند!)» (۴۸)

تِلْکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَیْبِ نُوحِیهَا إِلَیْکَ مَا کُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُکَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِینَ (۴۹)

اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است! (۴۹)

وَإِلَی عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (۵۰)

(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می زنید (و بتها را شریک او می خوانید)! (۵۰)

یَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی الَّذِی فَطَرَنِی أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱)

ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی فهمید؟! (۵۱)

وَیَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُم مِّدْرَارًا وَیَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلَی قُوَّتِکُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِینَ (۵۲)

و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید!» (۵۲)

قَالُوا یَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَیِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِکِی آلِهَتِنَا عَن قَوْلِکَ وَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِینَ (۵۳)

گفتند: «ای هود! تو دلیل روشنی برای ما نیاورده ای! و ما خدایان خود را بخاطر حرف تو، رها نخواهیم کرد! و ما (اصلاً) به تو ایمان نمی آوریم! (۵۳)

إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاکَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِکُونَ (۵۴)

ما (درباره تو) فقط می گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده) اند!» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک (خدا) قرارمی دهید... (۵۴)

مِن دُونِهِ فَکِیدُونِی جَمِیعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (۵۵)

از آنچه غیر او (می پرستید)! حال که چنین است، همگی برای من نقشه بکشید؛ و مرا مهلت ندهید! (اما بدانید کاری از دست شما ساخته نیست!) (۵۵)

إِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ رَبِّی وَرَبِّکُم مَّا مِن دَابَّهٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۵۶)

من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده ام! هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است! (۵۶)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُکُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَیْکُمْ وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّی قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَیْئًا إِنَّ رَبِّی عَلَی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیظٌ (۵۷)

پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که مأمور بودم به شما رساندم؛ و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می کند؛ و شما کمترین ضرری به او نمی رسایند؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!» (۵۷)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّیْنَا هُودًا وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِّنَّا وَنَجَّیْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِیظٍ (۵۸)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، «هود» و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را از عذاب شدید، رهایی بخشیدیم! (۵۸)

وَتِلْکَ عَادٌ جَحَدُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ (۵۹)

و این قوم «عاد» بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند؛ و پیامبران او را معصیت نمودند؛ و از فرمان هر ستمگر دشمن حق، پیروی کردند! (۵۹)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَعْنَهً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ أَلَا إِنَّ عَادًا کَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (۶۰)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند! دور باد «عاد» –قوم هود– (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)! (۶۰)

وَإِلَی ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا

إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُّجِیبٌ (۶۱)

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!» (۶۱)

قَالُوا یَا صَالِحُ قَدْ کُنتَ فِینَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا یَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَیْهِ مُرِیبٍ (۶۲)

گفتند: «ای صالح! تو پیش از این، مایه امید ما بودی! آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می پرستیدند، نهی می کنی؟! در حالی که ما، در مورد آنچه به سوی آن دعوتمان می کنی، در شک و تردید هستیم!» (۶۲)

ص: ۲۲۸

قَالَ یَا قَوْمِ أَرَأَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَیِّنَهٍ مِّن رَّبِّی وَآتَانِی مِنْهُ رَحْمَهً فَمَن یَنصُرُنِی مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَیْتُهُ فَمَا تَزِیدُونَنِی غَیْرَ تَخْسِیرٍ (۶۳)

گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (، می توانم از ابلاغ رسالت او سرپیچی کنم)؟! اگر من نافرمانی او کنم، چه کسی می تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودنتان، چیزی بر من نمی افزاید! (۶۳)

وَیَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَهُ اللَّهِ لَکُمْ آیَهً فَذَرُوهَا تَأْکُلْ فِی أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَیَأْخُذَکُمْ عَذَابٌ قَرِیبٌ (۶۴)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛ هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!» (۶۴)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِی دَارِکُمْ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ ذَلِکَ وَعْدٌ غَیْرُ مَکْذُوبٍ (۶۵)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردند! و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه هایتان بهره مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید؛) این وعده ای است که دروغ نخواهد بود!» (۶۵)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّیْنَا صَالِحًا وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ (۶۶)

و هنگامی که فرمان (مجازات) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود (از آن عذاب) و از رسوایی آن روز، رهایی بخشیدیم؛ چرا که پروردگارت قوی و شکست ناپذیر است! (۶۶)

وَأَخَذَ الَّذِینَ ظَلَمُوا الصَّیْحَهُ فَأَصْبَحُوا فِی دِیَارِهِمْ جَاثِمِینَ (۶۷)

و کسانی را که ستم کرده بودند، صیحه (آسمانی) فروگرفت؛ و در خانه هایشان به روی افتادند و مردند... (۶۷)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ (۶۸)

آنچنان که گویی هرگز ساکن آن دیار نبودند! بدانید قوم ثمود، پروردگارشان را انکار کردند! دور باد قوم ثمود (از رحمت پروردگار)! (۶۸)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۶۹)

فرستادگان ما [= فرشتگان ] برای ابراهیم بشارت آوردند؛ گفتند: «سلام!» (او نیز) گفت: «سلام!» و طولی نکشید که گوساله بریانی (برای آنها) آورد. (۶۹)

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (۷۰)

(اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی رسد (و از آن نمی خورند، کار) آنها را زشت شمرد؛ و در دل احساس ترس نمود. به او گفتند: «نترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم!» (۷۰)

وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱)

و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم. (۷۱)

ص: ۲۲۹

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

گفت: «ای وای بر من! آیا من فرزند می آورم در حالی که پیرزنم، و این شوهرم پیرمردی است؟! این راستی چیز عجیبی است!» (۷۲)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (۷۳)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است!» (۷۳)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (۷۴)

هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می کرد... (۷۴)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ (۷۵)

چرا که ابراهیم، بردبار و دلسوز و بازگشت کننده (بسوی خدا) بود! (۷۵)

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (۷۶)

ای ابراهیم! از این (درخواست) صرف نظر کن، که فرمان پروردگارت فرا رسیده؛ و بطور قطع عذاب (الهی) به سراغ آنها می آید؛ و برگشت ندارد! (۷۶)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷)

و هنگامی که رسولان ما [= فرشتگان عذاب ] به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد؛ و قلبش پریشان گشت؛ و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت؛ و ترسید قوم تبهکار مزاحم آنها شوند.) (۷۷)

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ (۷۸)

قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند –و قبلاً کارهای بد انجام می دادند– گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم بپوشید!) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» (۷۸)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِکَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّکَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹)

گفتند: «تو که می دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم؛ و خوب می دانی ما چه می خواهیم!» (۷۹)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (۸۰)

گفت: «(افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم؛ یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آنگاه می دانستم با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!)» (۸۰)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّکَ لَن يَصِلُوا إِلَيْکَ فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَکَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۸۱)

(فرشتگان عذاب) گفتند: «ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم! آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یک از شما پشت سرش را نگاه نکند؛ مگر همسرت، که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟!» (۸۱)

ص: ۲۳۰

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ (۸۲)

و هنگـامی که فرمـان ما فرا رسـید، آن (شـهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سـنگ [= گِلهای متحجر] متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم... (۸۲)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّکَ وَمَا هِیَ مِنَ الظَّالِمِینَ بِبَعِیدٍ (۸۳)

(سنگهایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود؛ و آن، (از سایر) ستمگران دور نیست! (۸۳)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّی أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (۸۴)

و بسوی «مدین» برادرشان شـعیب را (فرسـتادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن را کم نکنیـد (و دست به کم فروشـی نزنیـد)! من (هم اکنون) شـما را در نعمت می بینم؛ (ولی) از عـذاب روز فراگیر، بر شما بیمناکم! (۸۴)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)

و ای قوم من! پیمانه و وزن را با عـدالت، تمام دهیـد! و بر اشـیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذاریـد؛ و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید! (۸۵)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۸۶)

آنچه خداوند برای شـما باقی گذارده (از سـرمایه های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشـته باشـید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم! (۸۶)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِی أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (۸۷)

گفتند: «ای شـعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده ای هستی!» (۸۷)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّی وَرَزَقَنِی مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۸۸)

گفت: «ای قوم! به من بگویید، هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟!) من هرگز نمی خواهم چیزی که شما را از آن باز می دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصـلاح –تـا آنجا که توانایی دارم– نمی خواهم! و توفیق من، جز به خـدا نیست! بر او توکّل کردم؛ و به سوی او بازمی گردم! (۸۸)

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِی أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ (۸۹)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست! (۸۹)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّی رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰)

از پروردگار خود، آمرزش بطلبید؛ و به سوی او بازگردید؛ که پروردگارم مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است!» (۹۰)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاکَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُکَ لَرَجَمْنَاکَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می گویی، ما نمی فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می یابیم؛ و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می کردیم؛ و تو در برابر ما قدرتی نداری!» (۹۱)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِی أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّی بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲)

گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته اید! پروردگارم به آنچه انجام می دهید، احاطه دارد (و آگاه است)! (۹۲)

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّی عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَكُمْ رَقِيبٌ (۹۳)

ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است، انجام دهید، من هم کار خود را خواهم کرد؛ و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش می آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم!» (۹۳)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِی دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۴)

و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود نجات دادیم؛ و آنها را که ستم کردند، صیحه (آسمانی) فرو گرفت؛ و در دیار خود، به رو افتادند (و مردند)... (۹۴)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند! (۹۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۹۶)

ما، موسی را با آیات خود و دلیل آشکاری فرستادیم... (۹۶)

إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِیدٍ (۹۷)

بسوی فرعون و اطرافیانش؛ اما آنها از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، مایه رشد و نجات نبود! (۹۷)

ص: ۲۳۲

یَقْدُمُ قَوْمَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (۹۸)

روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود؛ و (به جای چشمه های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می شوند! (۹۸)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ لَعْنَهً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (۹۹)

آنان در این جهان و روز قیامت، لعنتی بدنبال دارند؛ و چه بد عطایی است (لعن و دوری از رحمت خدا)، که نصیب آنان می شود! (۹۹)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْقُرَی نَقُصُّهُ عَلَیْکَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِیدٌ (۱۰۰)

این از اخبار شهرها و آبادیهاست که ما برای تو بازگو می کنیم؛ که بعضی (هنوز) برپا هستند، و بعضی درو شده اند (و از میان رفته اند)! (۱۰۰)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِن ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِی یَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مِن شَیْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَمَا زَادُوهُمْ غَیْرَ تَتْبِیبٍ (۱۰۱)

ما به آنها ستم نکردیم؛ بلکه آنها خودشان بر خویشتن ستم روا داشتند! و هنگامی که فرمان مجازات الهی فرا رسید، معبودانی را که غیر از خدا می خواندند، آنها را یاری نکردند؛ و جز بر هلاکت آنان نیفزودند! (۱۰۱)

وَکَذَلِکَ أَخْذُ رَبِّکَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَی وَهِیَ ظَالِمَهٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِیمٌ شَدِیدٌ (۱۰۲)

و اینچنین است مجازات پروردگار تو، هنگامی که شهرها و آبادیهای ظالم را مجازات می کند! (آری،) مجازات او، دردناک و شدید است! (۱۰۲)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَهِ ذَلِکَ یَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِکَ یَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۰۳)

در این، نشانه ای است برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد؛ همان روزی است که مردم در آن جمع می شوند، و روزی که همه آن را مشاهده می کنند. (۱۰۳)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۰۴)

و ما آن (مجازات) را، جز تا زمان محدودی، تأخیر نمی اندازیم! (۱۰۴)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (۱۰۵)

آن روز که (قیامت و زمان مجازات) فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ گروهی بدبختند و گروهی خوشبخت! (۱۰۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰۶)

امّا آنها که بدبخت شدند، در آتشند؛ و برای آنان در آنجا، «زفیر» و «شهیق» [= ناله های طولانی دم و بازدم ] است... (۱۰۶)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۰۷)

جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می دهد! (۱۰۷)

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (۱۰۸)

امّا آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی! (۱۰۸)

ص: ۲۳۳

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (۱۰۹)

پس شکّ و تردیدی (در باطل بودن) معبودهایی که آنها می پرستند، به خود راه مده! آنها همان گونه این معبودها را پرستش می کنند که پدرانشان قبلاً می پرستیدند، و ما نصیب آنان را بی کم و کاست خواهیم داد! (۱۰۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه آزمایش و اتمام حجّت بر آنها) نبود، در میان آنان داوری می شد! و آنها (هنوز) در شکّ اند، شکّی آمیخته به بدگمانی! (۱۱۰)

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و پروردگارت اعمال هر یک را بی کم و کاست به آنها خواهد داد؛ او به آنچه عمل می کنند آگاه است! (۱۱۱)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس همان گونه که فرمان یافته ای، استقامت کن؛ و همچنین کسانی که با تو بسوی خدا آمده اند (باید استقامت کنند)! و طغیان نکنید، که خداوند آنچه را انجام می دهید می بیند! (۱۱۲)

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)

و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولیّ و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت؛ و یاری نمی شوید! (۱۱۳)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (۱۱۴)

در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند! (۱۱۴)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و شکیبایی کن، که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد! (۱۱۵)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می کردند، از تنعّم و کامجوئی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند)! (۱۱۶)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷)

و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند! (۱۱۷)

ص: ۲۳۴

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

و اگر پروردگارت می خواست، همه مردم را یک امّت (بدون هیچ گونه اختلاف) قرار می داد؛ ولی آنها همواره مختلفند... (۱۱۸)

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آنها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنّم را از همه (سرکشان و طاغیان) جنّ و انس پر خواهم کرد! (۱۱۹)

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)

ما از هر یک از سرگذشتهای انبیا برای تو بازگو کردیم، تا به وسیله آن، قلبت را آرامش بخشیم؛ و اراده ات قوّی گردد. و در این (اخبار و سرگذشتها،) برای تو حقّ، و برای مؤمنان موعظه و تذکّر آمده است. (۱۲۰)

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)

و به آنها که ایمان نمی آورند، بگو: «هر چه در قدرت دارید، انجام دهید! ما هم انجام می دهیم! (۱۲۱)

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۲۲)

و انتظار بکشید! ما هم منتظریم! (۱۲۲)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)

و (آگاهی از) غیب (و اسرار نهان) آسمانها و زمین، تنها از آن خداست؛ و همه کارها به سوی او بازمی گردد! پس او را پرستش کن! و بر او توکّل نما! و پروردگارت از کارهایی که می کنید، هرگز غافل نیست! (۱۲۳)

## سوره یوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۱)

الر، آن آیات کتاب آشکار است! (۱)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید (و بیندیشید)! (۲)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳)

ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن -که به تو وحی کردیم- بر تو بازگو می کنیم؛ و مسلّماً پیش از این، از آن خبر نداشتی! (۳)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابرم

سجده می کنند!» (۴)

ص: ۲۳۵

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۵)

گفت: «فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است! (۵)

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶)

و این گونه پروردگارت تو را برمی گزیند؛ و از تعبیر خوابها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!» (۶)

لَّقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ (۷)

در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه ها (ی هدایت) برای سؤال کنندگان بود! (۷)

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۸)

هنگامی که (برادران) گفتند: «یوسف و برادرش [= بنیامین ] نزد پدر، از ما محبوبترند؛ در حالی که ما گروه نیرومندی هستیم! مسلّماً پدر ما، در گمراهی آشکاری است! (۸)

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۹)

یوسف را بکشید؛ یا او را به سرزمین دوردستی بیفکنید؛ تا توجه پدر، فقط به شما باشد؛ و بعد از آن، (از گناه خود توبه می کنید؛ و) افراد صالحی خواهید بود! (۹)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۰)

یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)!» (۱۰)

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (۱۱)

(و برای انجام این کار، برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «پدرجان! چرا تو درباره (برادرمان) یوسف، به ما اطمینان نمی

کنی؟! در حالی که ما خیرخواه او هستیم! (۱۱)

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۲)

فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و ما نگهبان او هستیم!» (۱۲)

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (۱۳)

(پدر) گفت: «من از بردن او غمگین می شوم؛ و از این می ترسم که گرگ او را بخورد، و شما از او غافل باشید!» (۱۳)

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۱۴)

گفتند: «با اینکه ما گروه نیرومندی هستیم، اگر گرگ او را بخورد، ما از زیانکاران خواهیم بود (و هرگز چنین چیزی) ممکن نیست!)» (۱۴)

ص: ۲۳۶

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۵)

هنگامی که او را با خود بردند، و تصمیم گرفتند وی را در مخفی گاه چاه قرار دهند، (سرانجام مقصد خود را عملی ساختند؛) و به او وحی فرستادیم که آنها را در آینده از این کارشان با خبر خواهی ساخت؛ در حالی که آنها نمی دانند! (۱۵)

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (۱۶)

(برادران یوسف) شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند. (۱۶)

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۷)

گفتند: «ای پدر! ما رفتیم و مشغول مسابقه شدیم، و یوسف را نزد اثاث خود گذاردیم؛ و گرگ او را خورد! تو هرگز سخن ما را باور نخواهی کرد، هر چند راستگو باشیم!» (۱۷)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۸)

و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند؛ گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبائی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت؛ و در برابر آنچه می گویید، از خداوند یاری می طلبم!» (۱۸)

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۹)

و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را (به سراغ آب) فرستادند؛ او دلو خود را در چاه افکند؛ (ناگهان) صدا زد: «مژده باد! این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و این امر را بعنوان یک سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می دادند، آگاه بود. (۱۹)

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (۲۰)

و (سرانجام،) او را به بهای کمی -چند درهم- فروختند؛ و نسبت به (فروختن) او، بی رغبت بودند (؛ چرا که می ترسیدند رازشان فاش شود). (۲۰)

وَقَالَ الَّذِی اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِی مَثْوَاهُ عَسَی أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِی الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَی أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۱)

و آن کس که او را از سرزمین مصر خرید [= عزیز مصر]، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم!» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکّن ساختیم! (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۲۱)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِينَ (۲۲)

و هنگامی که به بلوغ و قوّت رسید، ما «حکم» [= نبوّت ] و «علم» به او دادیم؛ و اینچنین نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۲۲)

ص: ۲۳۷

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِی هُوَ فِی بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّی أَحْسَنَ مَثْوَایَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنّای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!) مسلّماً ظالمان رستگار نمی شوند!» (۲۳)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَی بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

آن زن قصد او کرد؛ و او نیز -اگر برهان پروردگار را نمی دید- قصد وی می نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود! (۲۴)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَی الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۵)

و هر دو به سوی در، دویدند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید و) پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتند! آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردناک، چه خواهد بود؟!» (۲۵)

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶)

(یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن آن راست می گوید، و او از دروغگویان است. (۲۶)

وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می گوید، و او از راستگویان است.» (۲۷)

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۲۸)

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او [= یوسف ] از پشت پاره شده، گفت: «این از مکر و حیله شما زنان است؛ که مکر و حیله شما زنان، عظیم است! (۲۸)

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹)

یوسف از این موضوع، صرف نظر کن! و تو ای زن نیز از گناهت استغفار کن، که از خطاکاران بودی!» (۲۹)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَهِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰)

(این جریان در شهر منعکس شد؛) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش [= غلامش ] را بسوی خود دعوت می کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم!» (۳۰)

ص: ۲۳۸

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَهٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (۳۱)

هنگامی که (همسر عزیز) از فکر آنها باخبر شد، به سراغشان فرستاد (و از آنها دعوت کرد)؛ و برای آنها پشتی (گرانبها، و مجلس باشکوهی) فراهم ساخت؛ و به دست هر کدام، چاقویی (برای بریدن میوه) داد؛ و در این موقع (به یوسف) گفت: «وارد مجلس آنان شو!» هنگامی که چشمشان به او افتاد، او را بسیار بزرگ (و زیبا) شمردند؛ و (بی توجه) دستهای خود را بریدند؛ و گفتند: «منزّه است خدا! این بشر نیست؛ این یک فرشته بزرگوار است!» (۳۱)

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِی لُمْتُنَّنِی فِیهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ یَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَیُسْجَنَنَّ وَلَیَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِینَ (۳۲)

(همسر عزیز) گفت: «این همان کسی است که بخاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری،) من او را به خویشتن دعوت کردم؛ و او خودداری کرد! و اگر آنچه را دستور می دهم انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد؛ و مسلّماً خوار و ذلیل خواهد شد!» (۳۲)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمَّا یَدْعُونَنِی إِلَیْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّی كَیْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَیْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِینَ (۳۳)

(یوسف) گفت: «پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!» (۳۳)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَیْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۳۴)

پروردگارش دعای او را اجابت کرد؛ و مکر آنان را از او بگردانید؛ چرا که او شنوا و داناست! (۳۴)

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآیَاتِ لَیَسْجُنُنَّهُ حَتَّی حِینٍ (۳۵)

و بعد از آنکه نشانه های (پاکی یوسف) را دیدند، تصمیم گرفتند او را تا مدّتی زندانی کنند! (۳۵)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَیَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّی أَرَانِی أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّی أَرَانِی أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِی خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِیلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (۳۶)

و دو جوان، همراه او وارد زندان شدند؛ یکی از آن دو گفت: «من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می فشارم!» و دیگری گفت: «من در خواب دیدم که نان بر سرم حمل می کنم؛ و پرندگان از آن می خورند؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.» (۳۶)

قَالَ لَا یَأْتِیكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِیلِهِ قَبْلَ أَن یَأْتِیَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِی رَبِّی إِنِّی تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَهِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۷)

(یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)! (۳۷)

ص: ۲۳۹

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللَّهِ مِن شَیْءٍ ذَلِكَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَیْنَا وَعَلَی النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْكُرُونَ (۳۸)

من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (۳۸)

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟! (۳۹)

مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۴۰)

این معبودهایی که غیر از خدا می پرستید، چیزی جز اسمهائی (بی مسمّا) که شما و پدرانتان آنها را خدا نامیده اید، نیست؛ خداوند هیچ دلیلی بر آن نازل نکرده؛ حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۴۰)

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِن رَّأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (۴۱)

ای دوستان زندانی من! امّا یکی از شما (دو نفر، آزاد می شود؛ و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد؛ و امّا دیگری به دار آویخته می شود؛ و پرندگان از سر او می خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است!» (۴۱)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۴۲)

و به آن یکی از آن دو نفر، که می دانست رهایی می یابد، گفت: «مرا نزد صاحبت [= سلطان مصر] یادآوری کن!» ولی شیطان یادآوری او را نزد صاحبش از خاطر وی برد؛ و بدنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقی ماند. (۴۲)

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (۴۳)

پادشاه گفت: «من در خواب دیدم هفت گاو چاق را که هفت گاو لاغر آنها را می خورند؛ و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده؛ (که خشکیده ها بر سبزها پیچیدند؛ و آنها را از بین بردند.) ای جمعیّت اشراف! درباره خواب من نظر دهید، اگر خواب را تعبیر می کنید!» (۴۳)

ص: ۲۴۰

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ (۴۴)

گفتند: «خوابهای پریشان و پراکنده ای است؛ و ما از تعبیر این گونه خوابها آگاه نیستیم!» (۴۴)

وَقَالَ الَّذِی نَجَا مِنْهُمَا وَادَّکَرَ بَعْدَ أَمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُکُم بِتَأْوِیلِهِ فَأَرْسِلُونِ (۴۵)

و یکی از آن دو که نجات یافته بود -و بعد از مدّتی به خاطرش آمد- گفت: «من تأویل آن را به شما خبر می دهم؛ مرا (به سراغ آن جوان زندانی) بفرستید!» (۴۵)

یُوسُفُ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ أَفْتِنَا فِی سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ یَأْکُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ یَابِسَاتٍ لَّعَلِّی أَرْجِعُ إِلَی النَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَعْلَمُونَ (۴۶)

(او به زندان آمد، و چنین گفت:) یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند؛ و هفت خوشه تر، و هفت خوشه خشکیده؛ تا من بسوی مردم بازگردم، شاید (از تعبیر این خواب) آگاه شوند! (۴۶)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِینَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِی سُنبُلِهِ إِلَّا قَلِیلًا مِّمَّا تَأْکُلُونَ (۴۷)

گفت: «هفت سال با جدیّت زراعت می کنید؛ و آنچه را درو کردید، جز کمی که می خورید، در خوشه های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید). (۴۷)

ثُمَّ یَأْتِی مِن بَعْدِ ذَلِکَ سَبْعٌ شِدَادٌ یَأْکُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِیلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ (۴۸)

پس از آن، هفت سال سخت (و خشکی و قحطی) می آید، که آنچه را برای آن سالها ذخیره کرده اید، می خورند؛ جز کمی که (برای بذر) ذخیره خواهید کرد. (۴۸)

ثُمَّ یَأْتِی مِن بَعْدِ ذَلِکَ عَامٌ فِیهِ یُغَاثُ النَّاسُ وَفِیهِ یَعْصِرُونَ (۴۹)

سپس سالی فرامی رسد که باران فراوان نصیب مردم می شود؛ و در آن سال، مردم عصاره (میوه ها و دانه های روغنی را) می گیرند (و سال پر برکتی است.)» (۴۹)

وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَی رَبِّکَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِی قَطَّعْنَ أَیْدِیَهُنَّ إِنَّ رَبِّی بِکَیْدِهِنَّ عَلِیمٌ (۵۰)

پادشاه گفت: «او را نزد من آورید!» ولی هنگامی که فرستاده او نزد وی [= یوسف ] آمد گفت: «به سوی صاحبت بازگرد، و از او بپرس ماجرای زنانی که دستهای خود را بریدند چه بود؟ که خدای من به نیرنگ آنها آگاه است.» (۵۰)

قَالَ مَا خَطْبُکُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ یُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَیْهِ مِن سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِیزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِینَ (۵۱)

(پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند:

«منزّه است خـدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم!» (در این هنگام) همسـر عزیز گفت: «الآن حق آشـکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم؛ و او از راستگویان است! (۵۱)

ذَلِکَ لِیَعْلَمَ أَنِّی لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَیْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی کَیْدَ الْخَائِنِینَ (۵۲)

این سخن را بخاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او خیانت نکردم؛ و خداوند مکر خائنان را هدایت نمی کند! (۵۲)

ص: ۲۴۱

## جزء ۱۳

### ادامه سوره یوسف

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۵۳)

مـن هرگز خـودم را تـبرئه نمی کنـم، کـه نفس (سـرکش) بسـیار بـه بـدیها امر می کنـد؛ مگر آنچه را پروردگـارم رحم کنـد! پروردگارم آمرزنده و مهربان است.» (۵۳)

وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِی فَلَمَّا کَلَّمَهُ قَالَ إِنَّکَ الْیَوْمَ لَدَیْنَا مَکِینٌ أَمِینٌ (۵۴)

پادشـاه گفت: «او [= یوسف ] را نزد من آوریـد، تـا وی را مخصوص خود گردانم!» هنگامی که (یوسف نزد وی آمـد و) با او صحبت کرد، (پادشاه به عقل و درایت او پی برد؛ و) گفت: «تو امروز نزد ما جایگاهی والا داری، و مورد اعتماد هستی!» (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِی عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفِیظٌ عَلِیمٌ (۵۵)

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!» (۵۵)

وَکَذَلِکَ مَکَّنَّا لِیُوسُفَ فِی الْأَرْضِ یَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَیْثُ یَشَاءُ نُصِیبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ (۵۶)

و این گونه ما به یوسف در سـرزمین (مصـر) قدرت دادیم، که هر جا می خواست در آن منزل می گزید (و تصـرّف می کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) میبخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم! (۵۶)

وَلَأَجْرُ الْآخِرَهِ خَیْرٌ لِّلَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یَتَّقُونَ (۵۷)

(امّا) پاداش آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری داشتند، بهتر است! (۵۷)

وَجَاءَ إِخْوَهُ یُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَیْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنکِرُونَ (۵۸)

(سـرزمین کنعـان را قحطی فرا گرفت؛) برادران یوسـف (در پی مـوادّ غـذایی به مصـر) آمدنـد؛ و بر او وارد شدنـد. او آنـان را

شناخت؛ ولی آنها او را نشناختند. (۵۸)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِی بِأَخٍ لَّکُم مِّنْ أَبِیکُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّی أُوفِی الْکَیْلَ وَأَنَا خَیْرُ الْمُنزِلِینَ (۵۹)

و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده) آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید! آیا نمی بینید من حق پیمانه را ادا می کنم، و من بهترین میزبانان هستم؟! (۵۹)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِی بِهِ فَلَا کَیْلَ لَکُمْ عِندِی وَلَا تَقْرَبُونِ (۶۰)

و اگر او را نزد من نیاورید، نه کیل (و پیمانه ای از غلّه) نزد من خواهید داشت؛ و نه (اصلاً) به من نزدیک شوید!» (۶۰)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (۶۱)

گفتند: «ما با پدرش گفتگو خواهیم کرد؛ (و سعی می کنیم موافقتش را جلب نمائیم؛) و ما این کار را خواهیم کرد!» (۶۱)

وَقَالَ لِفِتْیَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِی رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ یَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُوا إِلَی أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۶۲)

(سپس) به کارگزاران خود گفت: «آنچه را بعنوان قیمت پرداخته اند، در بارهایشان بگذارید! شاید پس از بازگشت به خانواده خویش، آن را بشناسند؛ و شاید برگردند!» (۶۲)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَی أَبِیهِمْ قَالُوا یَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْکَیْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَکْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۶۳)

هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: «ای پدر! دستور داده شده که (بدون حضور برادرمان بنیامین) پیمانه ای (از غلّه) به ما ندهند؛ پس برادرمان را با ما بفرست، تا سهمی (از غلّه) دریافت داریم؛ و ما او را محافظت خواهیم کرد!» (۶۳)

ص: ۲۴۲

قَالَ هَلْ آمَنُکُمْ عَلَیْهِ إِلَّا کَمَا أَمِنتُکُمْ عَلَی أَخِیهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَیْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ (۶۴)

گفت: «آیا نسبت به او به شما اطمینان کنم همان گونه که نسبت به برادرش (یوسف) اطمینان کردم (و دیدید چه شد)؟! و (در هر حال،) خداوند بهترین حافظ، و مهربانترین مهربانان است» (۶۴)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَیْهِمْ قَالُوا یَا أَبَانَا مَا نَبْغِی هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَیْنَا وَنَمِیرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ کَیْلَ بَعِیرٍ ذَلِکَ کَیْلٌ یَسِیرٌ (۶۵)

و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها بازگردانده شده! گفتند: «پدر! ما دیگر چه میخواهیم؟! این سرمایه ماست که به ما باز پس گردانده شده است! (پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی؛) و ما برای خانواده خویش موادّ غذایی می آوریم؛ و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم داشت؛ این پیمانه (بار) کوچکی

است!» (۶۵)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِى بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۶۶)

گفت: «من هرگز او را با شما نخواهم فرستاد، تا پیمان مؤکّد الهی بدهید که او را حتماً نزد من خواهید آورد! مگر اینکه (بر اثر مرگ یا علّت دیگر،) قدرت از شما سلب گردد. و هنگامی که آنها پیمان استوار خود را در اختیار او گذاردند، گفت: «خداوند، نسبت به آنچه می گوییم، ناظر و نگهبان است!» (۶۶)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِى عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَىْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۶۷)

و (هنگامی که می خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرّق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)! و (من با این دستور،) نمی توانم حادثه ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم! حکم و فرمان، تنها از آنِ خداست! بر او توکّل کرده ام؛ و همه متوکّلان باید بر او توکّل کنند!» (۶۷)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِى عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَىْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِى نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸)

و هنگامی که از همان طریق که پدر به آنها دستور داده بود وارد شدند، این کار هیچ حادثه حتمی الهی را نمی توانست از آنها دور سازد، جز حاجتی در دل یعقوب (که از این طریق) انجام شد (و خاطرش آرام گرفت)؛ و او به خاطر تعلیمی که ما به او دادیم، علم فراوانی داشت؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۶۸)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّى أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۹)

هنگامی که (برادران) بر یوسف وارد شدند، برادرش را نزد خود جای داد و گفت: «من برادر تو هستم، از آنچه آنها انجام می دادند، غمگین و ناراحت نباش!» (۶۹)

ص: ۲۴۳

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِى رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (۷۰)

و هنگامی که (مأمور یوسف) بارهای آنها را بست، ظرف آبخوری پادشاه را در بارِ برادرش گذاشت؛ سپس کسی صدا زد؛ «ای اهل قافله، شما دزد هستید!» (۷۰)

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ (۷۱)

آنها رو به سوی او کردند و گفتند: «چه چیز گم کرده اید؟» (۷۱)

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (۷۲)

گفتند: «پیمانه پادشاه را! و هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر (غلّه) به او داده می شود؛ و من ضامن این (پاداش) هستم!» (۷۲)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِی الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (۷۳)

گفتند: «به خدا سوگند شما می دانید ما نیامده ایم که در این سرزمین فساد کنیم؛ و ما (هرگز) دزد نبوده ایم!» (۷۳)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ (۷۴)

آنها گفتند: «اگر دروغگو باشید، کیفرش چیست؟» (۷۴)

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِی رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِی الظَّالِمِينَ (۷۵)

گفتند: «هر کس (آن پیمانه) در بارِ او پیدا شود، خودش کیفر آن خواهد بود؛ (و بخاطر این کار، برده شما خواهد شد؛) ما این گونه ستمگران را کیفر می دهیم!» (۷۵)

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِی دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِی عِلْمٍ عَلِيمٌ (۷۶)

در این هنگام، (یوسف) قبل از بار برادرش، به کاوش بارهای آنها پرداخت؛ سپس آن را از بارِ برادرش بیرون آورد؛ این گونه راه چاره را به یوسف یاد دادیم! او هرگز نمی توانست برادرش را مطابق آیین پادشاه (مصر) بگیرد، مگر آنکه خدا بخواهد! درجات هر کس را بخواهیم بالا می بریم؛ و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است! (۷۶)

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِی نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (۷۷)

(برادران) گفتند: «اگر او [بنیامین ] دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد؛ (همین اندازه) گفت: «شما (از دیدگاه من،) از نظر منزلت بدّترین مردمید! و خدا از آنچه توصیف می کنید، آگاهتر است!» (۷۷)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۸)

گفتند: «ای عزیز! او پدر پیری دارد (که سخت ناراحت می شود)؛ یکی از ما را به جای او بگیر؛ ما تو را از نیکوکاران می بینیم!» (۷۸)

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ (۷۹)

گفت: «پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته ایم بگیریم؛ در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود!» (۷۹)

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۰)

هنگامی که (برادران) از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند؛ (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته؛ و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی کنم، تا پدرم به من اجازه دهد؛ یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین حکم کنندگان است! (۸۰)

ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (۸۱)

شما به سوی پدرتان بازگردید و بگویید: پدر (جان)، پسرت دزدی کرد! و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم؛ و ما از غیب آگاه نبودیم! (۸۱)

وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۸۲)

(و اگر اطمینان نداری،) از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (بپرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!» (۸۲)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۸۳)

(یعقوب) گفت: «(هوای) نفس شما، مسأله را چنین در نظرتان آراسته است! من صبر می کنم، صبری زیبا (و خالی از کفران)! امیدوارم خداوند همه آنها را به من بازگرداند؛ چرا که او دانا و حکیم است! (۸۳)

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (۸۴)

و از آنها روی برگرداند و گفت: «وا اسفا بر یوسف!» و چشمان او از اندوه سفید شد، اما خشم خود را فرو می برد (و هرگز کفران نمی کرد)! (۸۴)

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (۸۵)

گفتند: «به خدا تو آنقدر یاد یوسف می کنی تا در آستانه مرگ قرار گیری، یا هلاک گردی!» (۸۵)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۶)

گفت: «من غم و اندوهم را تنها به خدا می گویم (و شکایت نزد او می برم)! و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید!

(۸۶)

ص: ۲۴۵

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (۸۷)

پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند!» (۸۷)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (۸۸)

هنگامی که آنها بر او [= یوسف ] وارد شدند، گفتند: «ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید موادّ غذایی) با خود آورده ایم؛ پیمانه را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدّق و بخشش نما، که خداوند بخشندگان را پاداش می دهد!» (۸۸)

قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُمْ جَاهِلُونَ (۸۹)

گفت: «آیا دانستید با یوسف و برادرش چه کردید، آنگاه که جاهل بودید؟!» (۸۹)

قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۹۰)

گفتند: «آیا تو همان یوسفی؟!» گفت: «(آری،) من یوسفم، و این برادر من است! خداوند بر ما منّت گذارد؛ هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می شود؛) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند!» (۹۰)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ (۹۱)

گفتند: «به خدا سوگند، خداوند تو را بر ما برتری بخشیده؛ و ما خطاکار بودیم!» (۹۱)

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۹۲)

(یوسف) گفت: «امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان است! (۹۲)

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳)

این پیراهن مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می شود! و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید!» (۹۳)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تُفَنِّدُونِ (۹۴)

هنگامی که کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [= یعقوب ] گفت: «من بوی یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید!» (۹۴)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّکَ لَفِی ضَلَالِکَ الْقَدِیمِ (۹۵)

گفتند: «به خدا تو در همان گمراهی سابقت هستی!» (۹۵)

ص: ۲۴۶

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِیرُ أَلْقَاهُ عَلَی وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِیرًا قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکُمْ إِنِّی أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)

امّا هنگامی که بشارت دهنده فرا رسید، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد! گفت: «آیا به شما نگفتم من از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید؟!» (۹۶)

قَالُوا یَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا کُنَّا خَاطِئِینَ (۹۷)

گفتند: «پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم!» (۹۷)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۹۸)

گفت: «بزودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است!» (۹۸)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَی یُوسُفَ آوَی إِلَیْهِ أَبَوَیْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِینَ (۹۹)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!» (۹۹)

وَرَفَعَ أَبَوَیْهِ عَلَی الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ یَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِیلُ رُؤْیَایَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّی حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِی إِذْ أَخْرَجَنِی مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِکُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّیْطَانُ بَیْنِی وَبَیْنَ إِخْوَتِی إِنَّ رَبِّی لَطِیفٌ لِّمَا یَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ (۱۰۰)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی بخاطر او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبلاً دیدم؛ پروردگارم آن را حقّ قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند،) صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است! (۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَیْتَنِی مِنَ الْمُلْکِ وَعَلَّمْتَنِی مِن تَأْوِیلِ الْأَحَادِیثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِیِّی فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ تَوَفَّنِی مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ (۱۰۱)

پروردگارا! بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خوابها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمانها و زمین! تو ولیّ و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران؛ و به صالحان ملحق فرما!» (۱۰۱)

ذَلِکَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْکَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این از خبرهای غیب است که به تو وحی می فرستیم! تو (هرگز) نزد آنها نبودی هنگامی که تصمیم می گرفتند و نقشه می کشیدند! (۱۰۲)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

و بیشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشی، ایمان نمی آورند! (۱۰۳)



وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و تو (هرگز) از آنها پاداشی نمی طلبی؛ آن نیست مگر تذکّری برای جهانیان! (۱۰۴)

وَكَأَيِّن مِّنْ آيَهٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵)

و چه بسیار نشانه ای (از خدا) در آسمانها و زمین که آنها از کنارش می گذرند، و از آن رویگردانند! (۱۰۵)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ (۱۰۶)

و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرکند! (۱۰۶)

أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَهٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَهُ بَغْتَهً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷)

آیا ایمن از آنند که عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا ساعت رستاخیز ناگهان فرارسد، در حالی که متوجّه نیستند؟! (۱۰۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِی أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَهٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِی وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

بگو: «این راه من است من و پیروانم، و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم! منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم!» (۱۰۸)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِی إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِی الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَهِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰۹)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می کردیم! آیا (مخالفان دعوت تو،) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی کنید؟! (۱۰۹)

حَتَّی إِذَا اسْتَیْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ کُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّیَ مَن نَّشَاءُ وَلَا یُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِینَ (۱۱۰)

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی شود! (۱۱۰)

لَقَدْ کَانَ فِی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِی الْأَلْبَابِ مَا کَانَ حَدِیثًا یُفْتَرَی وَلَکِن تَصْدِیقَ الَّذِی بَیْنَ یَدَیْهِ وَتَفْصِیلَ کُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند! (۱۱۱)

ص: ۲۴۸

## سوره الرعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ المر تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ وَالَّذِی أُنزِلَ إِلَیْکَ مِن رَّبِّکَ الْحَقُّ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یُؤْمِنُونَ (۱)

المر، اینها آیات کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، حقّ است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (۱)

اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُّسَمًّی یُدَبِّرُ الْأَمْرَ یُفَصِّلُ الْآیَاتِ لَعَلَّکُم بِلِقَاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ (۲)

خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت)؛ و خورشید و ماه را مسخّر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می نماید؛ شاید به لقای پروردگارتان یقین پیدا کنید! (۲)

وَهُوَ الَّذِی مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ وَأَنْهَارًا وَمِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِیهَا زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (۳)

و او کسی است که زمین را گسترد؛ و در آن کوه ها و نهرهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه)

شب را بر روز می پوشاند؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می کنند! (۳)

وَفِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِیلٌ صِنْوَانٌ وَغَیْرُ صِنْوَانٍ یُسْقَی بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (۴)

و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می دهیم؛ در اینها نشانه هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می گیرند! (۴)

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا کُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ أُولَئِکَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِکَ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۵)

و اگر (از چیزی) تعجب می کنی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) به خلقت جدیدی بازمی گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (۵)

ص: ۲۴۹

وَیَسْتَعْجِلُونَکَ بِالسَّیِّئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغْفِرَهٍ لِّلنَّاسِ عَلَی ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّکَ لَشَدِیدُ الْعِقَابِ (۶)

آنها پیش از حسنه (و رحمت)، از تو تقاضای شتاب در سیّئه (و عذاب) می کنند؛ با اینکه پیش از آنها بلاهای عبرت انگیز نازل شده است! و پروردگار تو نسبت به مردم -با اینکه ظلم می کنند- دارای مغفرت است؛ و (در عین حال،) پروردگارت دارای عذاب شدید است! (۶)

وَیَقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت کننده ای است (؛ و اینها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)! (۷)

اللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ کُلُّ أُنثَی وَمَا تَغِیضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَکُلُّ شَیْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ (۸)

خدا از جنین هایی که هر (انسان یا حیوان) مادّه ای حمل می کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحمها کم می کنند (و پیش از موعد مقرّر می زایند)، و هم از آنچه افزون می کنند (و بعد از موقع میزایند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد. (۸)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (۹)

او از غیب و شهود آگاه، و بزرگ و متعالی است! (۹)

سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۰)

برای او یکسان است کسانی از شما که پنهانی سخن بگویند، یا آن را آشکار سازند؛ و کسانی که شبانگاه مخفیانه حرکت می کنند، یا در روشنایی روز. (۱۰)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ (۱۱)

برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [= حوادث غیر حتمی ] حفظ می کنند؛ (امّا) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت! (۱۱)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ (۱۲)

او کسی است که برق را به شما نشان می دهد، که هم مایه ترس است و هم مایه امید؛ و ابرهای سنگین بار ایجاد می کند! (۱۲)

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱۳)

و رعد، تسبیح و حمد او می گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه ها را می فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می سازد، (در حالی که آنها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی انتها (و مجازاتی دردناک) دارد! (۱۳)

ص: ۲۵۰

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۱۴)

دعوت حق از آن اوست! و کسانی را که (مشرکان) غیر از خدا می خوانند، (هرگز) به دعوت آنها پاسخ نمی گویند! آنها همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید! و دعای کافران، جز در ضلال (و گمراهی) نیست! (۱۴)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۱۵)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند. (۱۵)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِى الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانها و زمین است؟» بگو: «اللّه!» (سپس) بگو: «آیا اولیا (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده اید که (حتّی) مالک سود و زیان خود نیستند (تا چه رسد به شما؟!)» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا ظلمتها و نور برابرند؟! آیا آنها همتایانی برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند، و این آفرینشها بر آنها مشتبه شده است؟!» بگو: «خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!» (۱۶)

أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِى النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِى الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷)

خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر درّه و رودخانه ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره ها) برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می آید -خداوند، حق و باطل را چنین مثل می زند!- امّا کفها به بیرون پرتاب می شوند، ولی آنچه به مردم سود می رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می ماند؛ خداوند اینچنین مثال می زند! (۱۷)

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، (سرانجام و) نتیجه نیکوتر است؛ و کسانی که دعوت او را اجابت نکردند، (آنچنان در وحشت عذاب الهی فرو می روند، که) اگر تمام آنچه روی زمین است، و همانندش، از آن آنها باشد، همه را برای رهایی از عذاب می دهند! (ولی از آنها پذیرفته نخواهد شد!) برای آنها حساب بدی است؛ و جایگاهشان جهنم، و چه بد جایگاهی است! (۱۸)

ص: ۲۵۱

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۹)

آیا کسی که می داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکّر می شوند... (۱۹)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰)

آنها كه به عهد الهى وفا مى كنند، و پيمان را نمى شكنند... (۲۰)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱)

و آنها كه پيوندهايى را كه خدا دستور به برقرارى آن داده، برقرار ميدارند؛ و از پروردگارشان مى ترسند؛ و از بدى حساب (روز قيامت) بيم دارند... (۲۱)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲)

و آنها كه بخاطر ذات (پاک) پروردگارشان شكيبايى مى كنند؛ و نماز را برپا مى دارند؛ و از آنچه به آنها روزى داده ايم، در پنهان و آشكار، انفاق مى كنند؛ و با حسنات، سيئات را از ميان مى برند؛ پايان نيک سراى ديگر، از آن آنهاست... (۲۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ (۲۳)

(همان) باغهاى جاويدان بهشتى كه وارد آن مى شوند؛ و همچنين پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر درى بر آنان وارد مى گردند... (۲۳)

سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴)

(و به آنان مى گويند:) سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نيكوست سرانجام آن سرا (ى جاويدان)! (۲۴)

وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۲۵)

آنها كه عهد الهى را پس از محكم كردن مى شكنند، و پيوندهايى را كه خدا دستور به برقرارى آن داده قطع مى كنند، و در روى زمين فساد مى نمايند، لعنت براى آنهاست؛ و بدى (و مجازات) سراى آخرت! (۲۵)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (۲۶)

خدا روزى را براى هر كس بخواهد (و شايسته بداند) وسيع، براى هر كس بخواهد (و مصلحت بداند،) تنگ قرارمى دهد؛ ولى آنها [= كافران ] به زندگى دنيا، شاد (و خوشحال) شدند؛ در حالى كه زندگى دنيا در برابر آخرت، متاع ناچيزى است! (۲۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (۲۷)

کسانی که کافر شدند می گویند: «چرا آیه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!» بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می کند! (کمبودی در معجزه ها نیست؛ لجاجت آنها مانع است!)» (۲۷)

الَّذِینَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِکْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸)

آنها کسانی هستند که ایمان آورده اند، و دلهایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می یابد! (۲۸)

ص: ۲۵۲

الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَی لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۲۹)

آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه ترین (زندگی) نصیبشان است؛ و بهترین سرانجامها! (۲۹)

کَذَلِکَ أَرْسَلْنَاکَ فِی أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَیْهِمُ الَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَهُمْ یَکْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَإِلَیْهِ مَتَابِ (۳۰)

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم،) تو را به میان امّتی فرستادیم که پیش از آنها امّتهای دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده ایم بر آنان بخوانی، در حالی که به رحمان [= خداوندی که رحمتش همگان را فراگرفته ] کفر می ورزند؛ بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکّل کردم؛ و بازگشتم بسوی اوست!» (۳۰)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَی بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِیعًا أَفَلَمْ یَیْأَسِ الَّذِینَ آمَنُوا أَن لَّوْ یَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَی النَّاسَ جَمِیعًا وَلَا یَزَالُ الَّذِینَ کَفَرُوا تُصِیبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِیبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّی یَأْتِیَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا یُخْلِفُ الْمِیعَادَ (۳۱)

اگر بوسیله قرآن، کوه ها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده اند نمی دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می کند (امّا هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبنده ای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فرود می آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعد؛ خود تخلّف نمی کند! (۳۱)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَأَمْلَیْتُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کَانَ عِقَابِ (۳۲)

(تنها تو را استهزا نکردند،) پیامبران پیش از تو را نیز مورد استهزا قرار دادند؛ من به کافران مهلت دادم؛ سپس آنها را گرفتم؛ دیدی مجازات من چگونه بود؟! (۳۲)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَی کُلِّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا یَعْلَمُ فِی الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مَکْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِیلِ وَمَن یُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

آیا کسی که بالای سر همه ایستاده، (و حافظ و نگهبان و مراقب همه است،) و اعمال همه را می بیند (، همچون کسی است که هیچ یک از این صفات را ندارد)؟! آنان برای خدا همتایانی قرار دادند؛ بگو: «آنها را نام ببرید! آیا چیزی را به او خبر می دهید که از وجود آن در روی زمین بی خبر است، یا سخنان ظاهری (و تو خالی) می گویید؟!» (نه، شریکی برای خدا وجود ندارد؛) بلکه در نظر کافران، دروغهایشان زینت داده شده، (و بر اثر ناپاکی درون، چنین می پندارند که واقعیتی دارد؛) و آنها از راه (خدا) بازداشته شده اند؛ و هر کس را خدا گمراه کند، راهنمایی برای او وجود نخواهد داشت! (۳۳)

لَّهُمْ عَذَابٌ فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (۳۴)

در دنیا، برای آنها عذابی (دردناک) است؛ و عذاب آخرت سخت تر است؛ و در برابر (عذاب) خدا، هیچ کس نمی تواند آنها را نگه دارد! (۳۴)

ص: ۲۵۳

مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُکُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْکَ عُقْبَی الَّذِینَ اتَّقَوا وَّعُقْبَی الْکَافِرِینَ النَّارُ (۳۵)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، (این است که) نهرهای آب از زیر درختانش جاری است، میوه آن همیشگی، و سایه اش دائمی است؛ این سرانجام کسانی است که پرهیزگاری پیشه کردند؛ و سرانجام کافران، آتش است! (۳۵)

وَالَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ یَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَیْکَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَن یُنکِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِکَ بِهِ إِلَیْهِ أَدْعُو وَإِلَیْهِ مَآبِ (۳۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه ها)، قسمتی از آن را انکار می کنند؛ بگو: «من مأمورم که «اللّه» را بپرستم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می کنم؛ و بازگشت من بسوی اوست!» (۳۶)

وَکَذَلِکَ أَنزَلْنَاهُ حُکْمًا عَرَبِیًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَمَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَکَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا وَاقٍ (۳۷)

همان گونه (که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی دادیم،) بر تو نیز این (قرآن) را بعنوان فرمان روشن و صریحی نازل کردیم؛ و اگر از هوسهای آنان -بعد از آنکه آگاهی برای تو آمده- پیروی کنی، هیچ کس در برابر خدا، از تو حمایت و جلوگیری نخواهد کرد. (۳۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِکَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّیَّهً وَمَا کَانَ لِرَسُولٍ أَن یَأْتِیَ بِآیَهٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِکُلِّ أَجَلٍ کِتَابٌ (۳۸)

ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم؛ و برای آنها همسران و فرزندانی قرار دادیم؛ و هیچ رسولی نمی توانست ا (ز پیش خود) معجزه ای بیاورد، مگر بفرمان خدا! هر زمانی نوشته ای دارد (و برای هر کاری، موعدی مقرّر است)! (۳۸)

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۳۹)

خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد اثبات می کند؛ و «امّ الکتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست! (۳۹)

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (۴۰)

و اگر پاره ای از مجازاتها را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرا رسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم، در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی؛ و حساب (آنها) برماست. (۴۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱)

آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می کنیم؟! (و جامعه ها، تمدّنها، و دانشمندان تدریجاً از میان می روند.) و خداوند حکومت می کند؛ و هیچ کس را یارای جلوگیری یا ردّ احکام او نیست؛ و او سریع الحساب است! (۴۱)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (۴۲)

پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه ها کشیدند؛ ولی تمام طرحها و نقشه ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است؛ و بزودی کفّار می دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست! (۴۲)

ص: ۲۵۴

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

آنها که کافر شدند می گویند: «تو پیامبر نیستی!» بگو: «کافی است که خداوند، و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند!» (۴۳)

## سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۱)

الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیها (ی شرک و ظلم و جهل،) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی،) بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید. (۱)

اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲)

همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ وای بر کافران از مجازات شدید (الهی)! (۲)

الَّذِینَ یَسْتَحِبُّونَ الْحَیَاهَ الدُّنْیَا عَلَی الْآخِرَهِ وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِکَ فِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ (۳)

همانها که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می دارند؛ و می خواهند راه حق را منحرف سازند؛ آنها در گمراهی دوری هستند! (۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِیُبَیِّنَ لَهُمْ فَیُضِلُّ اللَّهُ مَن یَشَاءُ وَیَهْدِی مَن یَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۴)

ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می کند؛ و او توانا و حکیم است. (۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآیَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَذَکِّرْهُم بِأَیَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ (۵)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر! و «ایّام اللّه» را به آنان یاد آور! در این، نشانه هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار! (۵)

ص: ۲۵۵

وَإِذْ قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ أَنجَاکُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَیُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذَلِکُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّکُمْ عَظِیمٌ (۶)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند؛ پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!» (۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ (۷)

و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!» (۷)

وَقَالَ مُوسَی إِن تَکْفُرُوا أَنتُمْ وَمَن فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِیٌّ حَمِیدٌ (۸)

و موسی (به بنی اسرائیل) گفت: «اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، (به خدا زیانی نمی رسد؛ چرا که) خداوند، بی نیاز و شایسته ستایش است!» (۸)

أَلَمْ یَأْتِکُمْ نَبَأُ الَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِینَ مِن بَعْدِهِمْ لَا یَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَیِّنَاتِ فَرَدُّوا أَیْدِیَهُمْ

فِی أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا کَفَرْنَا بِمَا أَرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَیْهِ مُرِیبٍ (۹)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و آنها که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجّب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می خوانید، شکّ و تردید داریم!» (۹)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِی اللَّهِ شَکٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یَدْعُوکُمْ لِیَغْفِرَ لَکُم مِّن ذُنُوبِکُمْ وَیُؤَخِّرَکُمْ إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِیدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا کَانَ یَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِینٍ (۱۰)

رسولان آنها گفتند: «آیا در خدا شکّ است؟! خدایی که آسمانها و زمین را آفریده؛ او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد!» آنها گفتند: «(ما اینها را نمی فهمیم! همین اندازه می دانیم که) شما انسانهایی همانند ما هستید، می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند بازدارید؛ شما دلیل و معجزه روشنی برای ما بیاورید!» (۱۰)



قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُکُمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ یَمُنُّ عَلَی مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا کَانَ لَنَا أَن نَّأْتِیَکُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنها گفتند: «درست است که ما بشری همانند شما هستیم، ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند)، نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند)! و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز بفرمان خدا بیاوریم! (و از تهدیدهای شما نمی هراسیم؛) افراد باایمان باید تنها بر خدا توکّل کنند! (۱۱)

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَی اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَی مَا آذَیْتُمُونَا وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ (۱۲)

و چرا بر خدا توکّل نکنیم، با اینکه ما را به راه های (سعادت) رهبری کرده است؟! و ما بطور مسلّم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد (و دست از رسالت خویش بر نمی داریم)! و توکّل کنندگان، باید فقط بر خدا توکّل کنند!» (۱۲)

وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّکُم مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِی مِلَّتِنَا فَأَوْحَی إِلَیْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِکَنَّ الظَّالِمِینَ (۱۳)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می کنیم! (۱۳)

وَلَنُسْکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِکَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِی وَخَافَ وَعِیدِ (۱۴)

و شما را بعد از آنان در زمین سکونت خواهیم داد، این (موفقیّت)، برای کسی است که از مقام (عدالت) من بترسد؛ و از

عذاب (من) بیمناک باشد!» (۱۴)

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و آنها (از خدا) تقاضای فتح و پیروزی (بر کفار) کردند؛ و (سرانجام) هر گردنکش منحرفی نومید و نابود شد! (۱۵)

مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ (۱۶)

به دنبال او جهنم خواهد بود؛ و از آب بد بوی متعفّنی نوشانده می شود! (۱۶)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱۷)

بزحمت جرعه جرعه آن را سرمی کشد؛ و هرگز حاضر نیست به میل خود آن را بیاشامد؛ و مرگ از هرجا به سراغ او می آید؛ ولی با این همه نمی میرد! و بدنبال آن، عذاب شدیدی است! (۱۷)

مَّثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۸)

اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی! آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دور و دراز است! (۱۸)

ص: ۲۵۷

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹)

آیا ندیدی خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفریده است؟! اگر بخواهد، شما را می برد و خلق تازه ای می آورد! (۱۹)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۲۰)

و این کار برای خدا مشکل نیست! (۲۰)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ (۲۱)

و (در قیامت)، همه آنها در برابر خدا ظاهر می شوند؛ در این هنگام، ضعفا [= دنباله روان نادان ] به مستکبران (و رهبران گمراه) می گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم،) شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» آنها می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می کردیم! (ولی کار از اینها گذشته است،) چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛ راه گریزی برای ما نیست!»

(۲۱)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنفُسَكُم مَّا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُم بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و شیطان، هنگامی که کار تمام می شود، می گوید: «خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلّف کردم! من بر شما تسلّطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنابر این، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا همردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلّماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند! (۲۲)

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)

و کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، به باغهای بهشت وارد می کنند؛ باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می مانند؛ و تحیّت آنها در آن، «سلام» است. (۲۳)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴)

آیا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (۲۴)

ص: ۲۵۸

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)

هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد. و خداوند برای مردم مثلها می زند، شاید متذکّر شوند (و پند گیرند)! (۲۵)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ (۲۶)

(همچنین) «کلمه خبیثه» (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان، استوار می دارد؛ هم در این جهان، و هم در سرای دیگر! و ستمگران را گمراه می سازد، (و لطف خود را از آنها برمی گیرد)؛ خداوند هر کار را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می دهد! (۲۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (۲۸)

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟! (۲۸)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (۲۹)

(سرای نیستی و نابودی، همان) جهنم است که آنها در آتش آن وارد می شوند؛ و بد قرارگاهی است! (۲۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (۳۰)

آنها برای خدا همتایانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند؛ بگو: «(چند روزی از زندگی دنیا و لذّات آن) بهره گیرید؛ امّا عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است!» (۳۰)

قُل لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (۳۱)

به بندگان من که ایمان آورده اند بگو نماز را برپا دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی! (نه با مال می توانند از کیفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی!) (۳۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (۳۲)

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتی ها را مسخّر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخّر شما نمود؛ (۳۲)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳)

و خورشید و ماه را -که با برنامه منظّمی درکارند- به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخّر شما ساخت؛ (۳۳)



وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۳۴)

و از هر چیزی که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد! انسان، ستمگر و ناسپاس است! (۳۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵)

(به یاد آورید) زمانی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر [= مکّه ] را شهر امنی قرار ده! و من و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاه دار! (۳۵)

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَمَنْ عَصَانِی فَإِنَّکَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۶)

پروردگارا! آنها [= بتها] بسیاری از مردم را گمراه ساختند! هر کس از من پیروی کند از من است؛ و هر کس نافرمانی من کند، تو بخشنده و مهربانی! (۳۶)

رَّبَّنَا إِنِّی أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِی بِوَادٍ غَيْرِ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَيْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (۳۷)

پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجّه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند! (۳۷)

رَبَّنَا إِنَّکَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِی وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِن شَیْءٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ (۳۸)

پروردگارا! تو می دانی آنچه را ما پنهان و یا آشکار می کنیم؛ و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست! (۳۸)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۹)

حمد خدای را که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ مسلّماً پروردگار من، شنونده (و اجابت کننده) دعاست. (۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰)

پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر! (۴۰)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۴۱)

پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می شود، بیامرز! (۴۱)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)

گمان مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل است! (نه، بلکه کیفر) آنها را برای روزی تأخیر انداخته است که چشمها در آن (به خاطر ترس و وحشت) از حرکت بازمی ایستد... (۴۲)

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِی رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ (۴۳)

گردنها را کشیده، سرها را به آسمان بلندکرده، حتّی پلک چشمهایشان از حرکت بازمی ماند؛ (زیرا به هر طرف نگاه کنند، آثار عذاب آشکار است!) و (در این حال) دلهایشان (فرومی ریزد؛ و از اندیشه و امید،) خالی می گردد! (۴۳)

وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ (۴۴)

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ظالمان می گویند: «پروردگارا! مدّت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم!» (امّا پاسخ می شنوند که:) مگر قبلاً سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فنایی برای شما نیست؟! (۴۴)

وَسَكَنتُمْ فِی مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ (۴۵)

(آری شما بودید که) در منازل (و کاخهای) کسانی که به خویشتن ستم کردند، ساکن شدید؛ و برای شما آشکار شد چگونه با آنان رفتار کردیم؛ و برای شما، مثلها (از سرگذشت پیشینیان) زدیم (باز هم بیدار نشدید)! (۴۵)

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)

آنها نهایت مکر (و نیرنگ) خود را به کار زدند؛ و همه مکرها (و توطئه هایشان) نزد خدا آشکار است، هر چند مکرشان چنان باشد که کوه ها را از جا برکند! (۴۶)

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴۷)

پس گمان مبر که خدا وعده ای را که به پیامبرانش داده، تخلّف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام گیرنده است. (۴۷)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمانها (به آسمانهای دیگری) مبدل می شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند! (۴۸)

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِی الْأَصْفَادِ (۴۹)

و در آن روز، مجرمان را با هم در غل و زنجیر می بینی! (که دستها و گردنهایشان را به هم بسته است!) (۴۹)

سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ (۵۰)

لباسهایشان از قطران [= ماده چسبنده بد بوی قابل اشتعال ] است؛ و صورتهایشان را آتش می پوشاند... (۵۰)

لِيَجْزِیَ اللّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

تا خداوند هر کس را، هر آنچه انجام داده، جزا دهد! به یقین، خداوند سریع الحساب است! (۵۱)

هَذَا بَلاَغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲)

این (قرآن)، پیام (و ابلاغی) برای (عموم) مردم است؛ تا همه به وسیله آن انذار شوند، و بدانند او خدا یکتاست؛ و تا صاحبان مغز (و اندیشه) پند گیرند! (۵۲)

ص: ۲۶۱

## جزء ۱۴

### سوره الحجر

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ (۱)

الر، این آیات کتاب، و قرآن مبین است. (۱)

رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (۲)

کافران (هنگامی که آثار شوم اعمال خود را ببینند،) چه بسا آرزو می کنند که ای کاش مسلمان بودند! (۲)

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳)

بگذار آنها بخورند، و بهره گیرند، و آرزوها آنان را غافل سازد؛ ولی بزودی خواهند فهمید! (۳)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَهٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (۴)

ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معیّن (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند! (۴)

مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّهٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۵)

هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی گیرد؛ و از آن عقب نخواهد افتاد! (۵)

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِی نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (۶)

و گفتند: «ای کسی که «ذکر» [= قرآن ] بر او نازل شده، مسلماً تو دیوانه ای! (۶)

لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷)

اگر راست می گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی زوری؟!» (۷)

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِکَهَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا کَانُوا إِذًا مُّنظَرِینَ (۸)

(امّا اینها باید بدانند) ما فرشتگان را، جز بحق، نازل نمی کنیم،؛ و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی شود (؛ و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می گردند)! (۸)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹)

ما قرآن را نازل کردیم؛ و ما بطور قطع نگهدار آنیم! (۹)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ فِی شِیَعِ الْأَوَّلِینَ (۱۰)

ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امّتهای نخستین فرستادیم. (۱۰)

وَمَا یَأْتِیهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِئُونَ (۱۱)

هیچ پیامبری به سراغ آنها نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند. (۱۱)

کَذَلِکَ نَسْلُکُهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِینَ (۱۲)

ما اینچنین (و از هر طریق ممکن) قرآن را به درون دلهای مجرمان راه می دهیم! (۱۲)

لَا یُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّهُ الْأَوَّلِینَ (۱۳)

(اما با این حال،) آنها به آن ایمان نمی آورند؛ روش اقوام پیشین نیز چنین بود! (۱۳)

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَیْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِیهِ یَعْرُجُونَ (۱۴)

و اگر دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، و آنها پیوسته در آن بالا روند... (۱۴)

لَقَالُوا إِنَّمَا سُکِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ (۱۵)

باز می گویند: «ما را چشم بندی کرده اند؛ بلکه ما (سر تا پا) سحر شده ایم!» (۱۵)

ص: ۲۶۲

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِی السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَیَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِینَ (۱۶)

ما در آسمان برجهایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم. (۱۶)

وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۱۷)

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم؛ (۱۷)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸)

مگر آن کس که استراق سمع کند (و دزدانه گوش فرا دهد) که «شهاب مبین» او را تعقیب می کند (و می راند) (۱۸)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹)

و زمین را گستردیم؛ و در آن کوه های ثابتی افکندیم؛ و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم؛ (۱۹)

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰)

و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم؛ همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید! (۲۰)

وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۱)

و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معیّن آن را نازل نمی کنیم! (۲۱)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲)

ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید! (۲۲)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳)

ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم؛ و ماییم وارث (همه جهان)! (۲۳)

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴)

ما، هم پیشینیان شما را دانستیم؛ و هم متأخّران را! (۲۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵)

پروردگار تو، قطعاً آنها را (در قیامت) جمع و محشور می کند؛ چرا که او حکیم و داناست! (۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۶)

ما انسان را از گِل خشکیده ای (همچون سفال) که از گِل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم! (۲۶)

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ (۲۷)

و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم! (۲۷)

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَهِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۸)

و (به خاطر بیاور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده، می آفرینم. (۲۸)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)

هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!» (۲۹)

فَسَجَدَ الْمَلَائِکَهُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰)

همه فرشتگان، بی استثنا، سجده کردند... (۳۰)

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَی أَن يَکُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۱)

جز ابلیس، که ابا کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد. (۳۱)

ص: ۲۶۳

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَکَ أَلَّا تَکُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (۳۲)

(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!» (۳۲)

قَالَ لَمْ أَکُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۳۳)

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده ای، سجده نخواهم کرد!» (۳۳)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِيمٌ (۳۴)

فرمود: «از صف آنها [= فرشتگان ] بیرون رو، که رانده شده ای (از درگاه ما!). (۳۴)

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۳۵)

و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود!» (۳۵)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳۶)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)» (۳۶)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۳۷)

فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! (۳۷)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۳۸)

(امّا نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز وقت معیّنی.» (۳۸)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹)

گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمتهای مادّی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، (۳۹)

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

مگر بندگان مخلصت را.» (۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ (۴۱)

فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است (و سنّت همیشگیم)... (۴۱)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (۴۲)

که بر بندگانم تسلّط نخواهی یافت؛ مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند؛ (۴۲)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۳)

و دوزخ، میعادگاه همه آنهاست! (۴۳)

لَهَا سَبْعَهُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (۴۴)

هفت در دارد؛ و برای هر دری، گروه معیّنی از آنها تقسیم شده اند! (۴۴)

إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (۴۵)

به یقین، پرهیزگاران در باغها (ی سرسبز بهشت) و در کنار چشمه ها هستند. (۴۵)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِینَ (۴۶)

(فرشتگان به آنها می گویند:) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیّت! (۴۶)

وَنَزَعْنَا مَا فِی صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ (۴۷)

هر گونه غلّ [= حسد و کینه و دشمنی ] را از سینه آنها برمی کنیم (و روحشان را پاک می سازیم)؛ در حالی که همه برابرند، و بر تختها روبه روی یکدیگر قرار دارند. (۴۷)

لَا یَمَسُّهُمْ فِیهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِینَ (۴۸)

هیچ خستگی و تعبی در آنجا به آنها نمی رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی گردند! (۴۸)

نَبِّئْ عِبَادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۴۹)

بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم! (۴۹)

وَأَنَّ عَذَابِی هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِیمُ (۵۰)

و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است! (۵۰)

وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَیْفِ إِبْرَاهِیمَ (۵۱)

و به آنها از مهمانهای ابراهیم خبر ده! (۵۱)

ص: ۲۶۴

إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنکُمْ وَجِلُونَ (۵۲)

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام کردند؛ (ابراهیم) گفت: «ما از شما بیمناکیم!» (۵۲)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۵۳)

گفتند: «نترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می دهیم!» (۵۳)

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِی عَلَى أَن مَّسَّنِیَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (۵۴)

گفت: «آیا به من (چنین) بشارت می دهید با اینکه پیر شده ام؟! به چه چیز بشارت می دهید؟!» (۵۴)

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِینَ (۵۵)

گفتند: «تو را به حق بشارت دادیم؛ از مأیوسان مباش!» (۵۵)

قَالَ وَمَن یَقْنَطُ مِن رَّحْمَهِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶)

گفت: «جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟!» (۵۶)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَیُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۵۷)

(سپس) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان خدا؟» (۵۷)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِینَ (۵۸)

گفتند: «ما به سوی قومی گنهکار مأموریت یافته ایم (تا آنها را هلاک کنیم)! (۵۸)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِینَ (۵۹)

مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد... (۵۹)

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِینَ (۶۰)

بجز همسرش، که مقدّر داشتیم از بازماندگان (در شهر، و هلاک شوندگان) باشد!» (۶۰)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (۶۱)

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند... (۶۱)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (۶۲)

(لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!» (۶۲)

قَالُوا بَلْ جِئْنَاکَ بِمَا کَانُوا فِیهِ یَمْتَرُونَ (۶۳)

گفتند: «ما همان چیزی را برای تو آورده ایم که آنها [= کافران ] در آن تردید داشتند (آری، ما مأمور عذابیم)! (۶۳)

وَأَتَیْنَاکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۶۴)

ما واقعیّت مسلّمی را برای تو آورده ایم؛ و راست می گوییم! (۶۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّیْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا یَلْتَفِتْ مِنکُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَیْثُ تُؤْمَرُونَ (۶۵)

پس، خانواده ات را در اواخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛ به همانجا که مأمور هستید بروید!» (۶۵)

وَقَضَیْنَا إِلَیْهِ ذَلِکَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِینَ (۶۶)

و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صبحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد. (۶۶)

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِینَهِ یَسْتَبْشِرُونَ (۶۷)

(از سوی دیگر،) اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند. (۶۷)

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَیْفِی فَلَا تَفْضَحُونِ (۶۸)

(لوط) گفت: «اینها میهمانان منند؛ آبروی مرا نریزید! (۶۸)

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (۶۹)

و از خدا بترسید، و مرا شرمنده نسازید!» (۶۹)

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَکَ عَنِ الْعَالَمِینَ (۷۰)

گفتند: «مگر ما تو را از جهانیان نهی نکردیم (و نگفتیم کسی را به میهمانی نپذیر؟!» (۷۰)

ص: ۲۶۵

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِی إِن کُنتُمْ فَاعِلِینَ (۷۱)

گفت: «دختران من حاضرند، اگر می خواهید کار صحیحی انجام دهید (با آنها ازدواج کنید، و از گناه و آلودگی بپرهیزید!)» (۷۱)

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ (۷۲)

به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده اند)! (۷۲)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُشْرِقِینَ (۷۳)

سرانجام، هنگام طلوع آفتاب، صیحه (مرگبار -بصورت صاعقه یا زمین لرزه-) آنها را فراگرفت! (۷۳)

فَجَعَلْنَا عَالِیَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَیْهِمْ حِجَارَهً مِّن سِجِّیلٍ (۷۴)

سپس (شهر و آبادی آنها را زیر و رو کردیم؛) بالای آن را پایین قرار دادیم؛ و بارانی از سنگ بر آنها فرو ریختیم! (۷۴)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِینَ (۷۵)

در این (سرگذشت عبرت انگیز)، نشانه هایی است برای هوشیاران! (۷۵)

وَإِنَّهَا لَبِسَبِیلٍ مُّقِیمٍ (۷۶)

و ویرانه های سرزمین آنها، بر سر راه (کاروانها)، همواره ثابت و برقرار است؛ (۷۶)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّلْمُؤْمِنِینَ (۷۷)

در این، نشانه ای است برای مؤمنان! (۷۷)

وَإِن کَانَ أَصْحَابُ الْأَیْکَهِ لَظَالِمِینَ (۷۸)

«اصحاب الأیکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت = قوم شعیب ] مسلماً قوم ستمگری بودند! (۷۸)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِینٍ (۷۹)

ما از آنها انتقام گرفتیم؛ و (شهرهای ویران شده) این دو [= قوم لوط و اصحاب الأیکه ] بر سر راه (شما در سفرهای شام)، آشکار است! (۷۹)

وَلَقَدْ کَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِینَ (۸۰)

و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند! (۸۰)

وَآتَیْنَاهُمْ آیَاتِنَا فَکَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِینَ (۸۱)

ما آیات خود را به آنان دادیم؛ ولی آنها از آن روی گرداندند! (۸۱)

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (۸۲)

آنها خانه های امن در دل کوه ها می تراشیدند. (۸۲)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (۸۳)

امّا سرانجام صیحه (مرگبار)، صبحگاهان آنان را فرا گرفت؛ (۸۳)

فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۴)

و آنچه را به دست آورده بودند، آنها را از عذاب الهی نجات نداد! (۸۴)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (۸۵)

ما آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز بحق نیافریدیم؛ و ساعت موعود [= قیامت ] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد)! پس، از آنها به طرز شایسته ای صرف نظر کن (و آنها را بر نادانیهایشان ملامت ننما)! (۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۶)

به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه است! (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷)

ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم! (۸۷)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

(بنابر این،) هرگز چشم خود را به نعمتهای (مادّی)، که به گروه هایی از آنها [= کفّار] دادیم، میفکن! و بخاطر آنچه آنها دارند، غمگین مباش! و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! (۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹)

و بگو: «من انذارکننده آشکارم!» (۸۹)

كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰)

(ما بر آنها عذابی می فرستیم) همان گونه که بر تجزیه گران (آیات الهی) فرستادیم! (۹۰)

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱)

همانها که قرآن را تقسیم کردند (؛ آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند)! (۹۱)

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲)

به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها سؤال خواهیم کرد... (۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳)

از آنچه عمل می کردند! (۹۳)

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۹۴)

آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی گردان (و به آنها اعتنا نکن)! (۹۴)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵)

ما شرّ استهزاکنندگان را از تو دفع خواهیم کرد؛ (۹۵)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹۶)

همانها که معبود دیگری با خدا قرار دادند؛ امّا بزودی می فهمند! (۹۶)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷)

ما می دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند تنگ می شود (و تو را سخت ناراحت می کنند). (۹۷)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۹۸)

(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده کنندگان باش! (۹۸)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ ] تو فرا رسد! (۹۹)

## سوره النحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱)

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان،) فرا رسیده است؛ برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرارمی دهند! (۱)

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲)

فرشتگان را با روح (الهی) بفرمانش بر هر کس از بندگانش بخواهد نازل می کند؛ (و به آنها دستور می دهد) که مردم را انذار کنید؛ (و بگویید:) معبودی جز من نیست؛ از (مخالفت دستور) من، بپرهیزید! (۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳)

آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می دهند! (۳)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۴)

انسان را از نطفه بی ارزشی آفرید؛ و سرانجام (او موجودی فصیح، و) مدافع آشکار از خویشتن گردید! (۴)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

و چهارپایان را آفرید؛ در حالی که در آنها، برای شما وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از گوشت آنها می خورید! (۵)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۶)

و در آنها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آنها را به استراحتگاهشان بازمی گردانید، و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می فرستید! (۶)

ص: ۲۶۷

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۷)

آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقّت زیاد، به آن نمی رسیدید؛ پروردگارتان رؤوف و رحیم است (که این وسایل حیات را در اختیارتان قرار داده)! (۷)

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸)

همچنین اسبها و استرها و الاغها را آفرید؛ تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می آفریند که نمی دانید. (۸)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (٩)

و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ امّا بعضی از راه ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند (؛ ولی اجبار سودی ندارد). (٩)

هُوَ الَّذِی أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّکُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِیهِ تُسِیمُونَ (١٠)

او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می برید، نیز از آن است. (١٠)

یُنبِتُ لَکُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّیْتُونَ وَالنَّخِیلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (١١)

خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه ها می رویاند؛ مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است. (١١)

وَسَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (١٢)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخّر شمایند؛ در این، نشانه هایی است (از عظمت خدا،) برای گروهی که عقل خود را به کار می گیرند! (١٢)

وَمَا ذَرَأَ لَکُمْ فِی الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً لِّقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ (١٣)

(علاوه بر این،) مخلوقاتی را که در زمین به رنگهای گوناگون آفریده نیز مسخّر (فرمان شما) ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکّر می شوند! (١٣)

وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْکُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِیًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْیَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَی الْفُلْکَ مَوَاخِرَ فِیهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (١۴)

او کسی است که دریا را مسخّر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! (١۴)

ص: ٢۶٨

وَأَلْقَی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (١۵)

و در زمین، کوه های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد؛ و نهرها و راه هایی ایجاد کرد، تا هدایت

شوید. (۱۵)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۱۶)

و (نیز) علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند. (۱۶)

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۷)

آیا کسی که (این گونه مخلوقات را) می آفریند، همچون کسی است که نمی آفریند؟! آیا متذکّر نمی شوید؟! (۱۷)

وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸)

و اگر نعمتهای خدا را بشمارید، هرگز نمی توانید آنها را احصا کنید؛ خداوند بخشنده و مهربان است! (۱۸)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۱۹)

خداوند آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می سازید، می داند. (۱۹)

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰)

معبودهایی را که غیر از خدا می خوانند، چیزی را خلق نمی کنند؛ بلکه خودشان هم مخلوقند! (۲۰)

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۱)

آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند؛ و نمی دانند (عبادت کنندگانشان) در چه زمانی محشور می شوند! (۲۱)

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۲۲)

معبود شما خداوند یگانه است؛ امّا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دلهایشان (حق را) انکار می کند و مستکبرند. (۲۲)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۲۳)

قطعاً خداوند از آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می سازند با خبر است؛ او مستکبران را دوست نمی دارد! (۲۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «پروردگار شما چه نازل کرده است؟» می گویند: «اینها (وحی الهی نیست؛) همان افسانه های دروغین پیشینیان است!» (۲۴)

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۲۵)

آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند؛ و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می کشند! (۲۵)

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه ها داشتند؛ ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت؛ و آن را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت؛ و عذاب (الهی) از آن جایی که نمی دانستند به سراغشان آمد! (۲۶)

ص: ۲۶۹

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲۷)

سپس روز قیامت خدا آنها را رسوا می سازد؛ و می گوید: «شریکانی که شما برای من ساختید، و بخاطر آنها با دیگران دشمنی می کردید، کجا هستند؟!» (در این هنگام،) کسانی که به آنها علم داده شده می گویند: «رسوایی و بدبختی، امروز بر کافران است!» (۲۷)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَهُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

همانها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که به خود ظلم کرده بودند! در این موقع آنها تسلیم می شوند (و بدروغ می گویند:) ما کار بدی انجام نمی دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می دادید عالم است! (۲۸)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۲۹)

(به آنها گفته می شود:) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران! (۲۹)

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهٌ وَلَدَارُ الْآخِرَهِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (۳۰)

(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری،) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران! (۳۰)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (۳۱)

باغهـایی از بهشت جاویـدان است که همگی وارد آن می شونـد؛ نهرها از زیر درختانش می گـذرد؛ هر چه بخواهنـد در آنجا هست؛ خداوند پرهیزگاران را چنین پاداش می دهد! (۳۱)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲)

همانهـا که فرشـتگان (مرگ) روحشان را می گیرنـد در حالی که پاک و پاکیزه انـد؛ به آنها می گوینـد: «سـلام بر شـما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید!» (۳۲)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳)

آیا آنها انتظاری جز این دارند که فرشـتگان (قبض ارواح) به سراغشان بیایند، یا فرمان پروردگارت (برای مجازاتشان) فرا رسد (آنگاه توبه کنند؟! ولی توبه آنها در آن زمان بی اثر است! آری،) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز چنین کردند! خداوند به آنها ستم نکرد؛ ولی آنان به خویشتن ستم می نمودند! (۳۳)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۴)

و سرانجام بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و آنچه را (از وعده های عذاب) استهزا می کردند، بر آنان وارد شد. (۳۴)

ص: ۲۷۰

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۳۵)

مشرکان گفتند: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی کردیم؛ و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی ساختیم!» (آری،) کسانی که پیش از ایشان بودنـد نیز همین کارها را انجام دادند؛ ولی آیا پیامبران وظیفه ای جز ابلاغ آشکار دارند؟! (۳۵)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳۶)

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خـدای یکتا را بپرستیـد؛ و از طاغوت اجتناب کنیـد!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود! (۳۶)

إِن تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۳۷)

هر قـدر بر هـدایت آنها حریص باشـی، (سودی نـدارد؛ چرا) که خداونـد کسـی را که گمراه ساخت، هدایت نمی کند؛ و آنها

یاورانی نخواهند داشت! (۳۷)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸)

آنها سوگندهای شدید به خدا یاد کردند که: «هرگز خداوند کسی را که می میرد، برنمی انگیزد!» آری، این وعده قطعی خداست (که همه مردگان را برای جزا بازمی گرداند)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۳۸)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (۳۹)

هدف این است که آنچه را در آن اختلاف داشتند، برای آنها روشن سازد؛ و کسانی که منکر شدند، بدانند دروغ می گفتند! (۳۹)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۴۰)

(رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا) وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن می گوییم: «موجود باش!» بلافاصله موجود می شود. (۴۰)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (۴۱)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند، و تنها بر پروردگارشان توکّل می کنند. (۴۲)

ص: ۲۷۱

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می کردیم، نفرستادیم! اگر نمی دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است)! (۴۳)

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)

(از آنها بپرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر [= قرآن ] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند! (۴۴)

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَن يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۴۵)

آیا توطئه گران از این ایمن گشتند که ممکن است خدا آنها را در زمین فروبرد، و یا مجازات (الهی)، از آن جا که انتظارش را ندارند، به سراغشان آید؟!... (۴۵)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۴۶)

یا به هنگامی (که برای کسب مال و ثروت افزونتر) در رفت و آمدند، دامانشان را بگیرد در حالی که قادر به فرار نیستند؟!... (۴۶)

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۴۷)

یا بطور تدریجی، با هشدارهای خوف انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. (۴۷)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸)

آیا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می کنند؟! (۴۸)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۴۹)

(نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند. (۴۹)

يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۵۰)

آنها (تنها) از (مخالفت) پروردگارشان، که حاکم بر آنهاست، می ترسند؛ و آنچه را مأموریت دارند انجام می دهند. (۵۰)

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (۵۱)

خداوند فرمان داده: «دو معبود (برای خود) انتخاب نکنید؛ معبود (شما) همان خدای یگانه است؛ تنها از (کیفر) من بترسید!» (۵۱)

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (۵۲)

آنچه در آسمانها و زمین است، از آن اوست؛ و دین خالص (نیز) همواره از آن او می باشد؛ آیا از غیر او می ترسید؟! (۵۲)

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (۵۳)

آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید! (۵۳)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۵۴)

(امّا) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند. (۵۴)



لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۵۵)

(بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، امّا بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)! (۵۵)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (۵۶)

آنان برای بتهایی که هیچ گونه سود و زیانی از آنها سراغ ندارند، سهمی از آنچه به آنان روزی داده ایم قرارمی دهند؛ به خدا سوگند، (در دادگاه قیامت،) از این افتراها که می بندید، بازپرسی خواهید شد! (۵۶)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ (۵۷)

آنها (در پندار خود،) برای خداوند دختران قرارمی دهند؛ -منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)- ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می شوند... (۵۷)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۸)

در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود؛ و به شدّت خشمگین می گردد؛... (۵۸)

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می گردد؛ (و نمی داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می کنند! (۵۹)

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۰)

برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است؛ و برای خدا، صفات عالی است؛ و او قدرتمند و حکیم است. (۶۰)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۶۱)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معیّنی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند. (۶۱)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ (۶۲)

آنها برای خدا چیزهایی قرارمی دهند که خودشان از آن کراهت دارند [= فرزندان دختر]؛ با این حال زبانشان به دروغ می گوید سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش است؛ و آنها از پیشگامان (دوزخ) اند. (۶۲)

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

به خدا سوگند، به سوی امتهای پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ امّا شیطان اعمالشان را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولیّ و سرپرستشان است؛ و مجازات دردناکی برای آنهاست! (۶۳)

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۴)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می آورند! (۶۴)

ص: ۲۷۳

وَاللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۵)

خداوند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که گوش شنوا دارند! (۶۵)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ (۶۶)

و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می نوشانیم! (۶۶)

وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۶۷)

و از میوه های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می گیرید؛ در این، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که اندیشه می کنند! (۶۷)

وَأَوْحَی رَبُّکَ إِلَی النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِی مِنَ الْجِبَالِ بُیُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا یَعْرِشُونَ (۶۸)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوه ها و درختان و داربستهایی که مردم می سازند، خانه هایی برگزین! (۶۸)

ثُمَّ کُلِی مِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُکِی سُبُلَ رَبِّکِ ذُلُلًا یَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِیهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (۶۹)

سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راه هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیّتی که می اندیشند. (۶۹)

وَاللَّهُ خَلَقَکُمْ ثُمَّ یَتَوَفَّاکُمْ وَمِنکُم مَّن یُرَدُّ إِلَی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْ لَا یَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَیْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِیمٌ قَدِیرٌ (۷۰)

خداوند شما را آفرید؛ سپس شما را می میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب ترین سنین بالای عمر می رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند)؛ خداوند دانا و تواناست! (۷۰)

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَکُمْ عَلَی بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ فَمَا الَّذِینَ فُضِّلُوا بِرَادِّی رِزْقِهِمْ عَلَی مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَهُمْ فِیهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ (۷۱)

خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است)! اما آنها که برتری داده شده اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می نمایند (که شکر او را ادا نمی کنند)؟! (۷۱)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَکُم مِّنْ أَنفُسِکُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَکُم مِّنْ أَزْوَاجِکُم بَنِینَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَکُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ یُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ یَکْفُرُونَ (۷۲)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد؛ و از پاکیزه ها به شما روزی داد؛ آیا به باطل ایمان می آورند، و نعمت خدا را انکار می کنند؟! (۷۲)

ص: ۲۷۴

وَیَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا یَمْلِکُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَیْئًا وَلَا یَسْتَطِیعُونَ (۷۳)

آنها غیر از خدا، موجوداتی را می پرستند که هیچ رزقی را برای آنان از آسمانها و زمین در اختیار ندارند؛ و توان این کار را نیز ندارند. (۷۳)

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷۴)

پس، برای خدا امثال (و شبیه ها) قائل نشوید! خدا می داند، و شما نمی دانید. (۷۴)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۵)

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست؛ و انسان (با ایمانی) را که از جانب خود، رزقی نیکو به او بخشیده ایم، و او پنهان و آشکار از آنچه خدا به او داده، انفاق می کند؛ آیا این دو نفر یکسانند؟! شکر مخصوص خداست، ولی اکثر آنها نمی دانند! (۷۵)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۶)

خداوند مثالی (دیگر) زده است: دو نفر را، که یکی از آن دو، گنگ مادرزاد است؛ و قادر بر هیچ کاری نیست؛ و سربار صاحبش می باشد؛ او را در پی هر کاری بفرستد، خوب انجام نمی دهد؛ آیا چنین انسانی، با کسی که امر به عدل و داد می کند، و بر راهی راست قرار دارد، برابر است؟! (۷۶)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۷۷)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می داند)؛ و امر قیامت (بقدری نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که خدا بر هر چیزی تواناست! (۷۷)

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید! (۷۸)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷۹)

آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمانها نگه داشته شده، نظر نیفکندند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی دارد؛ در این امر، نشانه هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می آورند! (۷۹)

ص: ۲۷۵

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (۸۰)

و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معیّنی قرار داد. (۸۰)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (۸۱)

و (نیز) خداوند از آنچه آفریده است سایه هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه ها پناهگاه هایی؛ و برای شما پیراهنهایی آفریده، که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند؛ و پیراهنهایی که به هنگام جنگ، حافظ شماست؛ این گونه نعمتهایش را بر شما کامل می کند، شاید تسلیم فرمان او شوید! (۸۱)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۸۲)

(با این همه،) اگر روی برتابند، (نگران مباش؛) تو فقط وظیفه ابلاغ آشکار داری. (۸۲)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (۸۳)

آنها نعمت خدا را می شناسند؛ سپس آن را انکار می کنند؛ و اکثرشان کافرند! (۸۳)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۸۴)

(به خاطر بیاورید) روزی را که از هر امّتی گواهی بر آنان برمی انگیزیم؛ سپس به آنان که کفر ورزیدند، اجازه (سخن گفتن) داده نمی شود؛ (بلکه دست و پا و گوش و چشم، حتّی پوست تن آنها گواهی می دهند!) و (نیز) اجازه عذرخواهی و تقاضای عفو به آنان نمی دهند! (۸۴)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۵)

و هنگامی که ظالمان عذاب را ببینند، نه به آنها تخفیف داده می شود، و نه مهلت! (۸۵)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِن دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (۸۶)

و هنگامی که مشرکان معبودهایی را که همتای خدا قرار دادند می بینند، می گویند: «پروردگارا! اینها همتایانی هستند که ما به جای تو، آنها را می خواندیم! «در این هنگام، معبودان به آنها می گویند: «شما دروغگو هستید! (شما هوای نفس خود را پرستش می کردید!)» (۸۶)

وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۸۷)

و در آن روز، همگی (ناگزیر) در پیشگاه خدا تسلیم می شوند؛ و تمام آنچه را (نسبت به خدا) دروغ می بستند، گم و نابود می شود! (۸۷)

ص: ۲۷۶

الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا کَانُوا یُفْسِدُونَ (۸۸)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، بخاطر فسادی که می کردند، عذابی بر عذابشان می افزاییم! (۸۸)

وَیَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیدًا عَلَیْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِکَ شَهِیدًا عَلَی هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَیْکَ الْکِتَابَ تِبْیَانًا لِّکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَهً وَبُشْرَی لِلْمُسْلِمِینَ (۸۹)

(به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرارمی دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است! (۸۹)

إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِیتَاءِ ذِی الْقُرْبَی وَیَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنکَرِ وَالْبَغْیِ یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (۹۰)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکّر شوید! (۹۰)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَیْمَانَ بَعْدَ تَوْکِیدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَیْکُمْ کَفِیلًا إِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۹۱)

و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می دهید، آگاه است! (۹۱)

وَلَا تَکُونُوا کَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّهٍ أَنکَاثًا تَتَّخِذُونَ أَیْمَانَکُمْ دَخَلًا بَیْنَکُمْ أَن تَکُونَ أُمَّهٌ هِیَ أَرْبَی مِنْ أُمَّهٍ إِنَّمَا یَبْلُوکُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَیُبَیِّنَنَّ لَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ مَا کُنتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (۹۲)

همانند آن زن (سبک مغز) نباشید که پشمهای تابیده خود را، پس از استحکام، وامی تابید! در حالی که (سوگند و پیمان) خود را وسیله خیانت و فساد قرار می دهید؛ بخاطر اینکه گروهی، جمعیّتشان از گروه دیگر بیشتر است (و کثرت دشمن را بهانه ای برای شکستن بیعت با پیامبر می شمرید)! خدا فقط شما را با این وسیله آزمایش می کند؛ و به یقین روز قیامت، آنچه را در آن اختلاف داشتید، برای شما روشن می سازد! (۹۲)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَکُمْ أُمَّهً وَاحِدَهً وَلَکِن یُضِلُّ مَن یَشَاءُ وَیَهْدِی مَن یَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳)

و اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرارمی داد؛ (و همه را به اجبار وادار به ایمان می کرد؛ امّا ایمان اجباری فایده ای ندارد!) ولی خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و لایق بداند) هدایت می کند!

(به گروهی توفیق هدایت داده، و از گروهی سلب می کند!) و یقیناً شما از آنچه انجام می دادید، بازپرسی خواهید شد! (۹۳)



وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۴)

سوگندهایتان را وسیله تقلّب و خیانت در میان خود قرار ندهید، مبادا گامی بعد از ثابت گشتن (بر ایمان) متزلزل شود؛ و به خاطر بازداشتن (مردم) از راه خدا، آثار سوء آن را بچشید! و برای شما، عذاب عظیمی خواهد بود! (۹۴)

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹۵)

و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می دانستید. (۹۵)

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

آنچه نزد شماست فانی می شود؛ امّا آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش خواهیم داد. (۹۶)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷)

هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. (۹۷)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۹۸)

هنگامی که قرآن می خوانی، از شرّ شیطان مطرود، به خدا پناه بر! (۹۸)

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکّل می کنند، تسلّطی ندارد. (۹۹)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ (۱۰۰)

تسلّط او تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده اند، و آنها که نسبت به او [= خدا] شرک می ورزند (و فرمان شیطان را به جای فرمان خدا، گردن می نهند) (۱۰۰)

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و هنگامی که آیه ای را به آیه دیگر مبدّل کنیم [= حکمی را نسخ نماییم ] -و خدا بهتر می داند چه حکمی را نازل کند- آنها می گویند: «تو افترا می بندی!» امّا بیشترشان (حقیقت را) نمی دانند! (۱۰۱)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّکَ بِالْحَقِّ لِیُثَبِّتَ الَّذِینَ آمَنُوا وَهُدًی وَبُشْرَی لِلْمُسْلِمِینَ (۱۰۲)

بگو، روح القدس آن را از جانب پروردگارت بحقّ نازل کرده، تا افراد باایمان را ثابت قدم گرداند؛ و هدایت و بشارتی است برای عموم مسلمانان! (۱۰۲)

ص: ۲۷۸

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ یَقُولُونَ إِنَّمَا یُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِی یُلْحِدُونَ إِلَیْهِ أَعْجَمِیٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُّبِینٌ (۱۰۳)

ما می دانیم که آنها می گویند: «این آیات را انسانی به او تعلیم می دهد!» در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است! (۱۰۳)

إِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ لَا یَهْدِیهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۱۰۴)

به یقین، کسانی که به آیات الهی ایمان نمی آورند، خدا آنها را هدایت نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. (۱۰۴)

إِنَّمَا یَفْتَرِی الْکَذِبَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْکَاذِبُونَ (۱۰۵)

تنها کسانی دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند؛ (آری،) دروغگویان واقعی آنها هستند! (۱۰۵)

مَن کَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِیمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُکْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِیمَانِ وَلَکِن مَّن شَرَحَ بِالْکُفْرِ صَدْرًا فَعَلَیْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِیمٌ (۱۰۶)

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند -بجز آنها که تحت فشار واقع شده اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان! (۱۰۶)

ذَلِکَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَیَاةَ الدُّنْیَا عَلَی الْآخِرَهِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکَافِرِینَ (۱۰۷)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند. (۱۰۷)

أُولَئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَی قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸)

آنها کسانی هستند که (بر اثر فزونی گناه،) خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده؛ (به همین دلیل نمی فهمند،) و غافلان واقعی همانها هستند! (۱۰۸)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۰۹)

و ناچار آنها در آخرت زیانکارند. (۱۰۹)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّکَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۱۰)

امّا پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند؛ سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت نمودند؛ پروردگارت، بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می سازد). (۱۱۰)

ص: ۲۷۹

یَوْمَ تَأْتِی کُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّی کُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۱۱۱)

(به یاد آورید) روزی را که هر کس (در فکر خویشتن است؛ و تنها) به دفاع از خود برمی خیزد؛ و نتیجه اعمال هر کسی، بی کم و کاست، به او داده می شود؛ و به آنها ظلم نخواهد شد! (۱۱۱)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْیَهً کَانَتْ آمِنَهً مُّطْمَئِنَّهً یَأْتِیهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن کُلِّ مَکَانٍ فَکَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا کَانُوا یَصْنَعُونَ (۱۱۲)

خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند،) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می رسید؛ امّا به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید! (۱۱۲)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۱۳)

پیامبری از خودشان به سراغ آنها آمد، او را تکذیب کردند؛ از این رو عذاب الهی آنها را فراگرفت در حالی که ظالم بودند! (۱۱۳)

فَکُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَیِّبًا وَاشْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن کُنتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۱۴)

پس، از آنچه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را بجا آورید اگر او را می پرستید! (۱۱۴)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمَیْتَهَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِیرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۱۵)

خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما حرام کرده است؛ امّا کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدّی از حدّ ننمایند، (خدا آنها را می بخشد؛ چرا که) خدا بخشنده و مهربان است. (۱۱۵)

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱۶)

به خاطر دروغی که بر زبانتان جاری می شود (و چیزی را مجاز و چیزی را ممنوع می کنید،) نگویید: «این حلال است و آن حرام»، تا بر خدا افترا ببندید به یقین کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد! (۱۱۶)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱۷)

بهره کمی است (که در این دنیا نصیبشان می شود)؛ و عذاب دردناکی در انتظار آنان است! (۱۱۷)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۸)

چیزهایی را که پیش از این برای تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم؛ ما به آنها ستم نکردیم، اما آنها به خودشان ظلم و ستم می کردند! (۱۱۸)

ص: ۲۸۰

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۹)

امّا پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است. (۱۱۹)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۰)

ابراهیم (به تنهایی) امّتی بود مطیع فرمان خدا؛ خالی از هر گونه انحراف؛ و از مشرکان نبود؛ (۱۲۰)

شَاكِرًا لِّأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۲۱)

شکرگزار نعمتهای پروردگار بود؛ خدا او را برگزید؛ و به راهی راست هدایت نمود! (۱۲۱)

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۲۲)

ما در دنیا به او (همّت) نیکویی دادیم؛ و در آخرت از نیکان است! (۱۲۲)

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۲۳)

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم -که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود- پیروی کن! (۱۲۳)

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّکَ لَيَحْکُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِيمَا کَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۲۴)

(تحریمهای) روز شنبه (برای یهود) فقط بعنوان یک مجازات بود، که در آن هم اختلاف کردند؛ و پروردگارت روز قیامت، در آنچه اختلاف داشتند، میان آنها داوری می کند! (۱۲۴)

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است. (۱۲۵)

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرينَ (۱۲۶)

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدّی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶)

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُکَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَکُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْکُرُونَ (۱۲۷)

صبر کن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر! (۱۲۷)

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ (۱۲۸)

خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکوکارند. (۱۲۸)

ص: ۲۸۱

## جزء ۱۵

### سوره الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَکْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)

پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست. (۱)

وَآتَيْنَا مُوسَى الْکِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَکِيلًا (۲)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل ساختیم؛ (و گفتیم:) غیر ما را تکیه گاه خود قرار ندهید! (۲)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۳)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بنده شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابید!) (۳)

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴)

ما به بنی اسرائیل در کتاب (تورات) اعلام کردیم که دوبار در زمین فساد خواهید کرد، و برتری جویی بزرگی خواهید نمود. (۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)

هنگامی که نخستین وعده فرا رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضدّ شما میانگیزیم (تا شما را سخت در هم کوبند؛ حتی برای به دست آوردن مجرمان)، خانه ها را جستجو می کنند؛ و این وعده ای است قطعی! (۵)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

سپس شما را بر آنها چیره می کنیم؛ و شما را به وسیله داراییها و فرزندانی کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرارمی دهیم. (۶)

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (۷)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می گیرند، در هم می کوبند. (۷)

ص: ۲۸۲

عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

امید است پروردگارتان به شما رحم کند! هرگاه برگردید، ما هم بازمی گردیم؛ و جهنّم را برای کافران، زندان سختی قرار دادیم. (۸)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)

این قرآن، به راهی که استوارترین راه هاست، هدایت می کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می دهند، بشارت می دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. (۹)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۰)

و اینکه آنها که به قیامت ایمان نمی آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته ایم. (۱۰)

وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا (۱۱)

انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدیها را طلب می کند آن گونه که نیکیها را می طلبد؛ و انسان، همیشه عجول بوده است! (۱۱)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)

ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم؛ سپس نشانه شب را محو کرده، و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا (در پرتو آن،) فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید)، و عدد سالها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را بطور مشخّص و آشکار، بیان کردیم. (۱۲)

وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (۱۳)

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۴)

(و به او می گوییم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی! (۱۴)

مَّنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۵)

هر کس هدایت شود، برای خود هدایت یافته؛ و آن کس که گمراه گردد، به زیان خود گمراه شده است؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد؛ و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آنکه پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایفشان را بیان کند.) (۱۵)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنجا، بیان می داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدّت درهم می کوبیم. (۱۶)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (١٧)

چه بسیار مردمی که در قرون بعد از نوح، زندگی می کردند؛ (و طبق همین سنت،) آنها را هلاک کردیم! و کافی است که پروردگارت از گناهان بندگانش آگاه، و نسبت به آن بیناست. (١٧)



مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (١٨)

آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم -و به هر کس اراده کنیم- می دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. (١٨)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا (١٩)

و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند -در حالی که ایمان داشته باشد- سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. (١٩)

كُلًّا نُّمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (٢٠)

هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می دهیم؛ و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است. (٢٠)

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (٢١)

ببین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده ایم؛ درجات آخرت و برتریهایش، از این هم بیشتر است! (٢١)

لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (٢٢)

هرگز معبود دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی یار و یاور خواهی نشست! (٢٢)

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (٢٣)

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو! (٢٣)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِی صَغِیرًا (۲۴)

و بالهـای تواضع خویش را از محبّت و لطف، در برابر آنـان فرود آر! و بگو: «پروردگـارا! همان گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (۲۴)

رَّبُّکُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِی نُفُوسِکُمْ إِن تَکُونُوا صَالِحِینَ فَإِنَّهُ کَانَ لِلْأَوَّابِینَ غَفُورًا (۲۵)

پروردگـار شـما از درون دلهایتـان آگـاهتر است؛ (اگر لغزشـی در این زمینه داشتیـد) هر گاه صالـح باشـید (و جبران کنیـد) او بازگشت کنندگان را می بخشد. (۲۵)

وَآتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُ وَالْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِیرًا (۲۶)

و حقّ نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن، (۲۶)

إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کَانُوا إِخْوَانَ الشَّیَاطِینِ وَکَانَ الشَّیْطَانُ لِرَبِّهِ کَفُورًا (۲۷)

چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (۲۷)

ص: ۲۸۴

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَهٍ مِّن رَّبِّکَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّیْسُورًا (۲۸)

و هرگاه از آنان [= مستمندان ] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو! (۲۸)

وَلَا تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَهً إِلَی عُنُقِکَ وَلَا تَبْسُطْهَا کُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۲۹)

هرگز دسـت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفـاق و بخشـش منمـا) و بیش از حـدّ (نیز) دست خـود را مگشـای، تـا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی! (۲۹)

إِنَّ رَبَّکَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ وَیَقْدِرُ إِنَّهُ کَانَ بِعِبَادِهِ خَبِیرًا بَصِیرًا (۳۰)

به یقین، پروردگارت روزی را برای هر کس بخواهد، گشاده یا تنگ می دارد؛ او نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. (۳۰)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَکُمْ خَشْیَهَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِیَّاکُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ کَانَ خِطْئًا کَبِیرًا (۳۱)

و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است! (۳۱)

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳۲)

و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است! (۳۲)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سُلْطَانًا فَلَا یُسْرِف فِّی الْقَتْلِ إِنَّهُ کَانَ مَنصُورًا (۳۳)

و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است! (۳۳)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْیَتِیمِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ کَانَ مَسْئُولًا (۳۴)

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود! (۳۴)

وَأَوْفُوا الْکَیْلَ إِذَا کِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِیمِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِیلًا (۳۵)

و هنگامی که پیمانه می کنید، حق پیمانه را ادا نمایید، و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر، و عاقبتش نیکوتر است. (۳۵)

وَلَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ کُلُّ أُولَئِکَ کَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسؤولند. (۳۶)

وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّکَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (۳۷)

و روی زمین، با تکبر راه مرو! تو نمی توانی زمین را بشکافی، و طول قامتت هرگز به کوه ها نمی رسد! (۳۷)

کُلُّ ذَلِکَ کَانَ سَیِّئُهُ عِندَ رَبِّکَ مَکْرُوهًا (۳۸)

همه اینها گناهش نزد پروردگار تو ناپسند است. (۳۸)

ص: ۲۸۵

ذَلِکَ مِمَّا أَوْحَی إِلَیْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِکْمَهِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَی فِی جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (۳۹)

این (احکام)، از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبودی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود! (۳۹)

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا (۴۰)

آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته، و خودش دخترانی از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگ (و بسیار زشتی) می گویید! (۴۰)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱)

ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند! ولی (گروهی از کوردلان،) جز بر نفرتشان نمی افزاید. (۴۱)

قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَهٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَّابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (۴۲)

بگو: «اگر آنچنان که آنها می گویند با او خدایانی بود، در این صورت، (خدایان) سعی می کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» (۴۲)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴۳)

او پاک و برتر است از آنچه آنها می گویند، بسیار برتر و منزه تر! (۴۳)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۴)

آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می گویند؛ و هر موجودی، تسبیح و حمد او می گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است. (۴۴)

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجَابًا مَّسْتُورًا (۴۵)

و هنگامی که قرآن می خوانی، میان تو و آنها که به آخرت ایمان نمی آورند، حجاب ناپیدایی قرارمی دهیم؛ (۴۵)

وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (۴۶)

و بر دلهایشان پوششهایی، تا آن را نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آنها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند. (۴۶)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۴۷)

هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی دهند، ما بهتر می دانیم برای چه گوش فرا می دهند؛ (و همچنین) در آن هنگام که با هم نجوا می کنند؛ آنگاه که ستمگران می گویند: «شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی کنید!» (۴۷)

انظُرْ كَیفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا یسْتَطِیعُونَ سَبِیلًا (۴۸)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند! در نتیجه گمراه شدند، و نمی توانند راه حق را پیدا کنند. (۴۸)

وَقَالُوا أَإِذَا کُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِیدًا (۴۹)

و گفتند: «آیا هنگامی که ما، استخوانهای پوسیده و پراکنده ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» (۴۹)

ص: ۲۸۶

قُلْ کُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِیدًا (۵۰)

بگو: «شما سنگ باشید یا آهن، (۵۰)

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا یکْبُرُ فِی صُدُورِکُمْ فَسَیقُولُونَ مَن یعِیدُنَا قُلِ الَّذِی فَطَرَکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَینْغِضُونَ إِلَیکَ رُءُوسَهُمْ وَیقُولُونَ مَتَی هُوَ قُلْ عَسَی أَن یکُونَ قَرِیبًا (۵۱)

یا هر مخلوقی که در نظر شما، از آن هم سخت تر است (و از حیات و زندگی دورتر می باشد، باز خدا قادر است شما را به زندگی مجدد بازگرداند). آنها بزودی می گویند: «چه کسی ما را بازمی گرداند؟!» بگو: «همان کسی که نخستین بار شما را آفرید.» آنان سر خود را (از روی تعجب و انکار،) به سوی تو خم می کنند و می گویند: «در چه زمانی خواهد بود؟!» بگو: «شاید نزدیک باشد! (۵۱)

یوْمَ یدْعُوکُمْ فَتَسْتَجِیبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِیلًا (۵۲)

همان روز که شما را (از قبرهایتان) فرامی خواند؛ شما هم اجابت می کنید در حالی که حمد او را می گویید؛ می پندارید تنها مدت کوتاهی (در جهان برزخ) درنگ کرده اید!» (۵۲)

وَقُل لِّعِبَادِی یقُولُوا الَّتِی هِی أَحْسَنُ إِنَّ الشَّیطَانَ ینزَغُ بَینَهُمْ إِنَّ الشَّیطَانَ کَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِینًا (۵۳)

به بندگانم بگو: «سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آنها فتنه و فساد می کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است! (۵۳)

رَّبُّکُمْ أَعْلَمُ بِکُمْ إِن یشَأْ یرْحَمْکُمْ أَوْ إِن یشَأْ یعَذِّبْکُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاکَ عَلَیهِمْ وَکِیلًا (۵۴)

پروردگار شما، از (نیات و اعمال) شما آگاهتر است؛ اگر بخواهد (و شایسته بداند)، شما را مشمول رحمت خود می سازد؛ و اگر بخواهد، مجازات می کند؛ و ما تو را بعنوان مأمور بر آنان نفرستاده ایم (که آنان را مجبور به ایمان کنی!) (۵۴)

وَرَبُّکَ أَعْلَمُ بِمَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِیینَ عَلَی بَعْضٍ وَآتَینَا دَاوُودَ زَبُورًا (۵۵)

پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است؛ و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست،) ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داوود، زبور بخشیدیم. (۵۵)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (۵۶)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید، بخوانید! آنها نه می توانند مشکلی را از شما برطرف سازند، و نه تغییری در آن ایجاد کنند.» (۵۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (۵۷)

کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند، وسیله ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است! (۵۷)

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می کنیم؛ یا (اگر گناهکارند،) به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است. (۵۸)

ص: ۲۸۷

وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (۵۹)

هیچ چیز مانع ما نبود که این معجزات (درخواستی بهانه جویان) را بفرستیم جز اینکه پیشینیان (که همین درخواستها را داشتند، و با ایشان هماهنگ بودند)، آن را تکذیب کردند؛ (از جمله،) ما به (قوم) ثمود، ناقه دادیم؛ (معجزه ای) که روشنگر بود؛ اما بر آن ستم کردند (و ناقه را کشتند). ما معجزات را فقط برای بیم دادن (و اتمام حجت) می فرستیم. (۵۹)

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (۶۰)

(به یاد آور) زمانی را که به تو گفتیم: «پروردگارت احاطه کامل به مردم دارد؛ (و از وضعشان کاملاً آگاه است.) و ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم، فقط برای آزمایش مردم بود؛ همچنین شجره ملعونه [= درخت نفرین شده ] را که در قرآن ذکر کرده ایم. ما آنها را بیم داده (و انذار) می کنیم؛ اما جز طغیان عظیم، چیزی بر آنها نمی افزاید!» (۶۰)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (۶۱)

(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده ای؟!» (۶۱)

قَالَ أَرَأَيْتَکَ هَذَا الَّذِی کَرَّمْتَ عَلَیَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّیَّتَهُ إِلَّا قَلِیلًا (۶۲)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت!» (۶۲)

قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَکَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُکُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا (۶۳)

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماست، کیفری است فراوان! (۶۳)

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِکَ وَأَجْلِبْ عَلَیْهِم بِخَیْلِکَ وَرَجِلِکَ وَشَارِکْهُمْ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا یَعِدُهُمُ الشَّیْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۶۴)

هر کدام از آنها را می توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده ها سرگرم کن! -ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده ای به آنها نمی دهد- (۶۴)

إِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطَانٌ وَکَفَی بِرَبِّکَ وَکِیلًا (۶۵)

(اما بدان) تو هرگز سلطه ای بر بندگان من، نخواهی یافت (و آنها هیچ گاه به دام تو گرفتار نمی شوند)! همین قدر کافی است که پروردگارت حافظ آنها باشد.» (۶۵)

رَّبُّکُمُ الَّذِی یُزْجِی لَکُمُ الْفُلْکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ کَانَ بِکُمْ رَحِیمًا (۶۶)

پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی آورد، تا از نعمت او بهره مند شوید؛ او نسبت به شما مهربان است. (۶۶)

ص: ۲۸۸

وَإِذَا مَسَّکُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِیَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاکُمْ إِلَی الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَکَانَ الْإِنسَانُ کَفُورًا (۶۷)

و هنگامی که در دریا ناراحتی به شما برسد، جز او، تمام کسانی را که (برای حل مشکلات خود) می خوانید، فراموش می کنید؛ اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است! (۶۷)

أَفَأَمِنتُمْ أَن یَخْسِفَ بِکُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ یُرْسِلَ عَلَیْکُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَکُمْ وَکِیلًا (۶۸)

آیا از این ایمن هستید که در خشکی (با یک زلزله شدید) شما را در زمین فرو ببرد، یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد (و در آن مدفونتان کند)، سپس حافظ (و یاوری) برای خود نیابید؟! (۶۸)

أَمْ أَمِنتُمْ أَن یُعِیدَکُمْ فِیهِ تَارَهً أُخْرَی فَیُرْسِلَ عَلَیْکُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّیحِ فَیُغْرِقَکُم بِمَا کَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَکُمْ عَلَیْنَا بِهِ تَبِیعًا (۶۹)

یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند، و تندباد کوبنده ای بر شما بفرستد، و شما را بخاطر کفرتان غرق کند، سپس دادخواه و خونخواهی در برابر ما پیدا نکنید؟! (۶۹)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۷۰)

ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم. (۷۰)

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۷۱)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می خوانند؛ و بقدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! (۷۱)

وَمَن كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۷۲)

اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراهتر است! (۷۲)

وَإِن كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَّاتَّخَذُوكَ خَلِيلًا (۷۳)

نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه های خود) از آنچه بر تو وحی کرده ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمیگزینند! (۷۳)

وَلَوْلَا أَن ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۷۴)

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم (و در پرتو مقام عصمت، مصون از انحراف نبودی)، نزدیک بود به آنان تمایل کنی. (۷۴)

إِذًا لَّأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (۷۵)

اگر چنین می کردی، ما دو برابر مجازات (مشرکان) در زندگی دنیا، و دو برابر (مجازات) آنها را بعد از مرگ، به تو می چشاندیم؛ سپس در برابر ما، یاوری برای خود نمی یافتی! (۷۵)

ص: ۲۸۹

وَإِن كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۶)

و نزدیک بود (با نیرنگ و توطئه) تو را از این سرزمین بلغزانند، تا از آن بیرونت کنند! و هرگاه چنین می کردند، (گرفتار مجازات سخت الهی شده،) و پس از تو، جز مدت کمی باقی نمی ماندند! (۷۶)

سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (۷۷)

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما تغییر و دگرگونی نخواهی یافت! (۷۷)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۷۸)

نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب ] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح ] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است! (۷۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۷۹)

و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد! (۷۹)

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا (۸۰)

و بگو: «پروردگارا! مرا (در هر کار،) با صداقت وارد کن، و با صداقت خارج ساز! و از سوی خود، حجتی یاری کننده برایم قرار ده!» (۸۰)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱)

و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابود شدنی است!» (۸۱)

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۸۲)

و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید. (۸۲)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (۸۳)

هنگامی که به انسان نعمت می بخشیم، (از حق) روی می گرداند و متکبرانه دور می شود؛ و هنگامی که (کمترین) بدی به او می رسد، (از همه چیز) مایوس می گردد! (۸۳)

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (۸۴)

بگو: «هر کس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می کند؛ و پروردگارتان کسانی را که راهشان نیکوتر است، بهتر می شناسد.» (۸۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۸۵)

و از تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (۸۵)

وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَکَ بِهِ عَلَیْنَا وَکِیلًا (۸۶)

و اگر بخواهیم، آنچه را بر تو وحی فرستاده ایم، از تو می گیریم؛ سپس کسی را نمی یابی که در برابر ما، از تو دفاع کند... (۸۶)

ص: ۲۹۰

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّکَ إِنَّ فَضْلَهُ کَانَ عَلَیْکَ کَبِیرًا (۸۷)

مگر رحمت پروردگارت (شامل حالت گردد،) که فضل پروردگارت بر تو بزرگ بوده است! (۸۷)

قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَی أَن یَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا (۸۸)

بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند. (۸۸)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِی هَذَا الْقُرْآنِ مِن کُلِّ مَثَلٍ فَأَبَی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلَّا کُفُورًا (۸۹)

ما در این قرآن، برای مردم از هر چیز نمونه ای آوردیم (و همه معارف در آن جمع است)؛ اما بیشتر مردم (در برابر آن، از هر کاری) جز انکار، ابا داشتند! (۸۹)

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ یَنبُوعًا (۹۰)

و گفتند: «ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین (خشک و سوزان) برای ما خارج سازی... (۹۰)

أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِیلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِیرًا (۹۱)

یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لابه لای آن جاری کنی... (۹۱)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ کَمَا زَعَمْتَ عَلَیْنَا کِسَفًا أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِکَةِ قَبِیلًا (۹۲)

یا قطعات (سنگهای) آسمان را -آنچنان که می پنداری- بر سر ما فرود آری؛ یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری... (۹۲)

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِى السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّى هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (۹۳)

یا برای تو خانه ای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی آوریم مگر آنکه نامه ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو:» منزه است پروردگارم (از این سخنان بی معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟! (۹۳)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا (۹۴)

تنها چیزی که بعد از آمدن هدایت مانع شد مردم ایمان بیاورند، این بود (که از روی نادانی و بی خبری) گفتند: «آیا خداوند بشری را بعنوان رسول فرستاده است؟!» (۹۴)

قُل لَّوْ كَانَ فِى الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا (۹۵)

بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته ای را به عنوان رسول، بر آنها می فرستادیم!» (چرا که رهنمای هر گروهی باید از جنس خودشان باشد). (۹۵)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۹۶)

بگو: «همین کافی است که خداوند، میان من و شما گواه باشد؛ چرا که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست! (۹۶)

ص: ۲۹۱

وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هادیان و سرپرستانی غیر خدا برای او نخواهی یافت؛ و روز قیامت، آنها را بر صورتهایشان محشور می کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و کرند؛ جایگاهشان دوزخ است؛ هر زمان آتش آن فرونشیند، شعله تازه ای بر آنان می افزاییم! (۹۷)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸)

این کیفر آنهاست، بخاطر اینکه نسبت به آیات ما کافر شدند و گفتند: «آیا هنگامی که ما استخوانهای پوسیده و خاکهای پراکنده ای شدیم، بار دیگر آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» (۹۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)

آیا نمی دانند خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، قادر است مثل آنان را بیافریند (و به زندگی جدید بازشان گرداند)؟! و برای آنان سرآمدی قطعی -که شکّی در آن نیست- قرار داده؛ امّا ظالمان، جز کفر و انکار را پذیرا نیستند! (۹۹)

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَهِ رَبِّی إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْیَهَ الْإِنفَاقِ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا (۱۰۰)

بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (بخاطر تنگ نظری) امساک می کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود» و انسان تنگ نظر است! (۱۰۰)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَى تِسْعَ آیَاتٍ بَیِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِی إِسْرَائِیلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّی لَأَظُنُّكَ یَا مُوسَى مَسْحُورًا (۱۰۱)

ما به موسی نه معجزه روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل سؤال کن آن زمان که این (معجزات نه گانه) به سراغ آنها آمد (چگونه بودند)؟! فرعون به او گفت: «ای موسی! گمان می کنم تو دیوانه (یا ساحری)!» (۱۰۱)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّی لَأَظُنُّكَ یَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (۱۰۲)

(موسی) گفت: «تو می دانی این آیات را جز پروردگار آسمانها و زمین -برای روشنی دلها- نفرستاده؛ و من گمان می کنم ای فرعون، تو (بزودی) هلاک خواهی شد!» (۱۰۲)

فَأَرَادَ أَن یَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِیعًا (۱۰۳)

پس (فرعون) تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین ریشه کن سازد؛ ولی ما، او و تمام کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (۱۰۳)

وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِی إِسْرَائِیلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَهِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِیفًا (۱۰۴)

و بعد از آن به بنی اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین [= مصر و شام ] ساکن شوید! امّا هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، همه شما را دسته جمعی (به آن دادگاه عدل) می آوریم» (۱۰۴)

ص: ۲۹۲

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِیرًا (۱۰۵)

و ما قرآن را بحق نازل کردیم؛ و بحق نازل شد؛ و تو را، جز بعنوان بشارت دهنده و بیم دهنده، نفرستادیم! (۱۰۵)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِیلًا (۱۰۶)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم. (۱۰۶)

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۰۷)

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می شود، سجده کنان به خاک می افتند... (۱۰۷)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸)

و می گویند: «منزّه است پروردگار ما، که وعده هایش به یقین انجام شدنی است!» (۱۰۸)

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۰۹)

آنها (بی اختیار) به زمین می افتند و گریه می کنند؛ و (تلاوت این آیات، همواره) بر خشوعشان می افزاید. (۱۰۹)

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰)

بگو: ««اللّه» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نامهاست!» و نمازت را زیاد بلند، یا خیلی آهسته نخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن! (۱۱۰)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

و بگو: «ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه بخاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار! (۱۱۱)

## سوره الكهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا (۱)

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده) اش نازل کرد، و هیچ گونه کژی در آن قرار نداد... (۱)

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

در حالی که ثابت و مستقیم و نگاهبان کتابهای (آسمانی) دیگر است؛ تا (بدکاران را) از عذاب شدید او بترساند؛ و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت دهد که پاداش نیکویی برای آنهاست... (۲)

مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا (۳)

(همان بهشت برین) که جاودانه در آن خواهند ماند! (۳)

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

و (نیز) آنها را که گفتند: «خداوند، فرزندی (برای خود) انتخاب کرده است»، انذار کند. (۴)

ص: ۲۹۳

مَّا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۵)

نه آنها (هرگز) به این سخن یقین دارند، و نه پدرانشان! سخن بزرگی از دهانشان خارج می شود! آنها فقط دروغ می گویند! (۵)

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (۶)

] گویی می خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند! (۶)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)

ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می کنند! (۷)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸)

(ولی) این زرق و برقها پایدار نیست، و ما (سرانجام) قشر روی زمین را خاک بی گیاهی قرار می دهیم! (۸)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (۹)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟! (۹)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰)

زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند، و گفتند: «پروردگارا! ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن، و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!» (۱۰)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱)

ما (پرده خواب را) در غار بر گوشَشان زدیم، و سالها در خواب فرو رفتند. (۱۱)

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (۱۲)

سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یک از آن دو گروه، مدّت خواب خود را بهتر حساب

کرده اند. (۱۲)

نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْکَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (۱۳)

ما داستان آنان را بحق برای تو بازگو می کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (۱۳)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (۱۴)

و دلهایشان را محکم ساختیم در آن موقع که قیام کردند و گفتند: «پروردگار ما، پروردگار آسمانها و زمین است؛ هرگز غیر او معبودی را نمی خوانیم؛ که اگر چنین کنیم، سخنی بگزاف گفته ایم. (۱۴)

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۱۵)

این قوم ما هستند که معبودهایی جز خدا انتخاب کرده اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ ببندد؟!» (۱۵)

ص: ۲۹۴

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا (۱۶)

و (به آنها گفتیم:) هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستند کناره گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می گستراند؛ و در این امر، آرامشی برای شما فراهم می سازد! (۱۶)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِکَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۷)

و (اگر در آنجا بودی) خورشید را می دیدی که به هنگام طلوع، به سمت راست غارشان متمایل می گردد؛ و به هنگام غروب، به سمت چپ؛ و آنها در محل وسیعی از آن (غار) قرار داشتند؛ این از آیات خداست! هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست؛ و هر کس را گمراه نماید، هرگز ولیّ و راهنمایی برای او نخواهی یافت! (۱۷)

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸)

و (اگر به آنها نگاه می کردی) می پنداشتی بیدارند؛ در حالی که در خواب فرو رفته بودند! و ما آنها را به سمت راست و چپ میگردانديم (تا بدنشان سالم بماند). و سگ آنها دستهای خود را بر دهانه غار گشوده بود (و نگهبانی می کرد). اگر نگاهشان می کردی، از آنان می گریختی؛ و سر تا پای تو از ترس و وحشت پر می شد! (۱۸)

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَهِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (۱۹)

این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدّت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» (و چون نتوانستند مدّت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتان از مدّت خوابتان آگاهتر است! اکنون یک نفر از خودتان را با این سکّه ای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. امّا باید دقّت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد... (۱۹)

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِی مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (۲۰)

چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسارتان می کنند؛ یا شما را به آیین خویش بازمی گردانند؛ و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!» (۲۰)

ص: ۲۹۵

وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَهَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (۲۱)

و اینچنین مردم را متوّجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حقّ است؛ و در پایان جهان و قیامت شکّی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود.)» (۲۱)

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَهٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَهٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَهٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّی أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

گروهی خواهند گفت: «آنها سه نفر بودند، که چهارمین آنها سگشان بود!» و گروهی می گویند: «پنج نفر بودند، که ششمین آنها سگشان بود.» -همه اینها سخنانی بی دلیل است- و گروهی می گویند: «آنها هفت نفر بودند، و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگار من از تعدادشان آگاهتر است!» جز گروه کمی، تعداد آنها را نمی دانند. پس درباره آنان جز با دلیل سخن مگو؛ و از هیچ کس درباره آنها سؤال مکن! (۲۲)

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (۲۳)

و هرگز در مورد کاری نگو: «من فردا آن را انجام می دهم»... (۲۳)

إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کند!» (۲۴)

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۲۵)

آنها در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نه سال (نیز) بر آن افزودند. (۲۵)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (۲۶)

بگو: «خداوند از مدّت توقفشان آگاهتر است؛ غیب آسمانها و زمین از آن اوست! راستی چه بینا و شنواست! آنها هیچ ولیّ و سرپرستی جز او ندارند! و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی دهد!» (۲۶)

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۷)

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی یابی! (۲۷)

ص: ۲۹۶

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (۲۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز بخاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است. (۲۸)

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹)

بگو: «این حقّ است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد!» ما برای ستمگران آتشی آماده کردیم که سراپرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان میاورند که همچون فلز گداخته صورتها را بریان می کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است! (۲۹)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰)

مسلّماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد! (۳۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۳۱)

آنها کسانی هستند که بهشت جاودان برای آنان است؛ باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند؛ و لباسهایی (فاخر) به رنگ سبز، از حریر نازک و ضخیم، دربر می کنند؛ در حالی که بر تختها تکیه کرده اند. چه پاداش خوبی، و چه جمع نیکویی! (۳۱)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (۳۲)

(ای پیامبر!) برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای یکی از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم؛ و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم؛ و در میانشان زراعت پر برکتی قراردادیم. (۳۲)

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (۳۳)

هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه های فراوان،) و چیزی فروگذار نکرده بود؛ و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم. (۳۳)

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (۳۴)

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش -در حالی که با او گفتگو می کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!» (۳۴)

ص: ۲۹۷

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵)

و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی کنم هرگز این باغ نابود شود! (۳۵)

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّى لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا (۳۶)

و باور نمی کنم قیامت برپا گردد! و اگر به سوی پروردگارم بازگردانده شوم (و قیامتی در کار باشد)، جایگاهی بهتر از این جا خواهم یافت!» (۳۶)

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِى خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا (۳۷)

دوست (با ایمان) وی -در حالی که با او گفتگو می کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟! (۳۷)

لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّی وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّی أَحَدًا (۳۸)

ولی من کسی هستم که «اللّه» پروردگار من است؛ و هیچ کس را شریک پروردگارم قرارنمی دهم! (۳۸)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹)

چرا هنگامی که وارد باغت شدی، نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟! قوّت (و نیرویی) جز از ناحیه خدا نیست! و اگر می بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم (مطلب مهمّی نیست)! (۳۹)

فَعَسَى رَبِّی أَن یُؤْتِیَنِ خَیْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَیُرْسِلَ عَلَیْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِیدًا زَلَقًا (۴۰)

شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد؛ و مجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فروفرستد، بگونه ای که آن را به زمین بی گیاه لغزنده ای مبدّل کند! (۴۰)

أَوْ یُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِیعَ لَهُ طَلَبًا (۴۱)

و یا آب آن در اعمال زمین فرو رود، آن گونه که هرگز نتوانی آن را به دست آوری!» (۴۱)

وَأُحِیطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ یُقَلِّبُ كَفَّیْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِیهَا وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَیَقُولُ یَا لَیْتَنِی لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّی أَحَدًا (۴۲)

(به هر حال عذاب الهی فرا رسید،) و تمام میوه های آن نابود شد؛ و او بخاطر هزینه هایی که در آن صرف کرده بود، پیوسته دستهای خود را به هم می مالید -در حالی که تمام باغ بر داربستهایش فرو ریخته بود- و می گفت: «ای کاش کسی را همتای پروردگارم قرار نداده بودم!» (۴۲)

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ یَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (۴۳)

و گروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهند؛ و از خودش (نیز) نمی توانست یاری گیرد. (۴۳)

هُنَالِكَ الْوَلَایَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَوَابًا وَخَیْرٌ عُقْبًا (۴۴)

در آنجا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است! اوست که برترین ثواب، و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد! (۴۴)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِیمًا تَذْرُوهُ الرِّیَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵)

(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم؛ و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می شود و) در هم فرومیرود. امّا بعد از مدتی می خشکد؛ و بادها آن را به هر سو پراکنده می کند؛ و خداوند بر همه چیز تواناست! (۴۵)

ص: ۲۹۸

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَهُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (۴۶)

مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات صالحات [= ارزشهای پایدار و شایسته ] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است! (۴۶)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَهً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۴۷)

و روزی را به خاطر بیاور که کوه ها را به حرکت درآوریم؛ و زمین را آشکار (و مسطح) می بینی؛ و همه آنان [= انسانها] را برمی انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نخواهیم کرد! (۴۷)

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّکَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا (۴۸)

آنها همه در یک صف به (پیشگاه) پروردگارت عرضه می شوند؛ (و به آنان گفته می شود:) همگی نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم! اما شما گمان می کردید ما هرگز موعدی برایتان قرار نخواهیم داد! (۴۸)

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَهً وَلَا كَبِيرَهً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَدًا (۴۹)

و کتاب [= کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست ] در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند؛ و می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند. (۴۹)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (۵۰)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران! (۵۰)

مَّا أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱)

من هرگز آنها [= ابلیس و فرزندانش ] را به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، و نه به هنگام آفرینش خودشان، حاضر نساختم! و من هیچ گاه گمراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دهم! (۵۱)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (۵۲)

به خاطر بیاورید روزی را که (خداوند) می گوید: «همتایانی را که برای من می پنداشتید، بخوانید (تا به کمک شما بشتابند!)» ولی هر چه آنها را می خوانند، جوابشان نمی دهند؛ و در میان این دو گروه، کانون هلاکتی قرارداده ایم! (۵۲)

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳)

و گنهکاران، آتش (دوزخ) را می بینند؛ و یقین می کنند که با آن درمی آمیزند، و هیچ گونه راه گریزی از آن نخواهند یافت. (۵۳)

ص: ۲۹۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴)

و در این قرآن، از هر گونه مثلی برای مردم بیان کرده ایم؛ ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می پردازد! (۵۴)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵)

و چیزی مردم را بازنداشت از اینکه -وقتی هدایت به سراغشان آمد- ایمان بیاورند و از پروردگارشان طلب آمرزش کنند، جز اینکه (خیره سری کردند؛ گویی می خواستند) سرنوشت پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) در برابرشان قرار گیرد! (۵۵)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (۵۶)

ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود،) حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند! (۵۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷)

چه کسی ستمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او تذکّر داده شده، و از آن روی گرداند، و آنچه را با دستهای

خود پیش فرستاد فراموش کرد؟! ما بر دلهای اینها پرده هایی افکنده ایم تا نفهمند؛ و در گوشهایشان سنگینی قرار داده ایم (تا صدای حق را نشنوند)! و از این رو اگر آنها را به سوی هدایت بخوانی، هرگز هدایت نمی شوند! (۵۷)

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸)

و پروردگارت، آمرزنده و صاحب رحمت است؛ اگر می خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کند، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت! (۵۸)

وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا (۵۹)

این شهرها و آبادیهایی است که ما آنها را هنگامی که ستم کردند هلاک نمودیم؛ و برای هلاکتشان موعدی قرار دادیم! (آنها ویرانه هایش را با چشم می بینند، و عبرت نمی گیرند!) (۵۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (۶۰)

به خاطر بیاور هنگامی را که موسی به دوست خود گفت: دست از جستجو برنمی دارم تا به محل تلاقی دو دریا برسم؛ هر چند مدت طولانی به راه خود ادامه دهم! (۶۰)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۶۱)

(ولی) هنگامی که به محل تلاقی آن دو دریا رسیدند، ماهی خود را (که برای تغذیه همراه داشتند) فراموش کردند؛ و ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت (و روان شد). (۶۱)

ص: ۳۰۰

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (۶۲)

هنگامی که از آن جا گذشتند، (موسی) به یار همسفرش گفت: «غذای ما را بیاور، که سخت از این سفر خسته شده ایم!» (۶۲)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا (۶۳)

گفت: «به خاطر داری هنگامی که ما (برای استراحت) به کنار آن صخره پناه بردیم، من (در آن جا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم -و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد- و ماهی بطرز شگفت آوری راه خود را در دریا پیش گرفت!» (۶۳)

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (۶۴)

(موسی) گفت: «آن همان بود که ما می خواستیم!» سپس از همان راه بازگشتند، در حالی که پی جویی می کردند. (۶۴)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (۶۵)

(در آن جا) بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمت (و موهبت عظیمی) از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. (۶۵)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (۶۶)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (۶۶)

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۶۷)

گفت: «تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی! (۶۷)

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۸)

و چگونه می توانی در برابر چیزی که از رموزش آگاه نیستی شکیبا باشی؟! (۶۸)

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۹)

(موسی) گفت: «به خواست خدا مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد!» (۶۹)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۷۰)

(خضر) گفت: «پس اگر می خواهی بدنبال من بیایی، از هیچ چیز مپرس تا خودم (به موقع) آن را برای تو بازگو کنم.» (۷۰)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (۷۱)

آن دو به راه افتادند؛ تا آن که سوار کشتی شدند، (خضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!» (۷۱)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۲)

گفت: «آیا نگفتم تو هرگز نمی توانی با من شکیبایی کنی؟!» (۷۲)

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳)

(موسی) گفت: «مرا بخاطر این فراموشکاریم مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر!» (۷۳)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا (۷۴)

باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند؛ و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آنکه قتلی کرده باشد، کشتی؟! براستی کار زشتی انجام دادی!» (۷۴)

ص: ۳۰۱

## جزء ۱۶

### ادامه سوره الکهف

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکَ إِنَّکَ لَن تَسْتَطِیعَ مَعِیَ صَبْرًا (۷۵)

(باز آن مرد عالم) گفت: «آیا به تو نگفتم که تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی؟!» (۷۵)

قَالَ إِن سَأَلْتُکَ عَن شَیْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِی قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّی عُذْرًا (۷۶)

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معذور خواهی بود!» (۷۶)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَهٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لااقل) می خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!» (۷۷)

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِکَ سَأُنَبِّئُکَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۷۸)

او گفت: «اینک زمان جدایی من و تو فرا رسیده؛ اما بزودی راز آنچه را که نتوانستی در برابر آن صبر کنی، به تو خبر می دهم. (۷۸)

أَمَّا السَّفِينَهُ فَکَانَتْ لِمَسَاکِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَکَانَ وَرَاءَهُم مَّلِکٌ يَأْخُذُ کُلَّ سَفِينَهٍ غَصْبًا (۷۹)

اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند؛ و من خواستم آن را معیوب کنم؛ (چرا که) پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را بزور میگرفت! (۷۹)

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَکَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَکُفْرًا (۸۰)

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (۸۰)

فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (٨١)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت تر به آن دو بدهد! (٨١)

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (٨٢)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!» (٨٢)

وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا (٨٣)

و از تو درباره «ذو القرنین» می پرسند؛ بگو: «بزودی بخشی از سرگذشت او را برای شما بازگو خواهم کرد.» (٨٣)

ص: ٣٠٢

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (٨٤)

ما به او در روی زمین، قدرت و حکومت دادیم؛ و اسباب هر چیز را در اختیارش گذاشتیم. (٨٤)

فَأَتْبَعَ سَبَبًا (٨٥)

او از این اسباب، (پیروی و استفاده) کرد... (٨٥)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (٨٦)

تا به غروبگاه آفتاب رسید؛ (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسّم شد) که خورشید در چشمه تیره و گل آلودی فرو می رود؛ و در آن جا قومی را یافت؛ گفتیم: «ای ذو القرنین! آیا می خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟» (٨٦)

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا (٨٧)

گفت: «اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش بازمی گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد! (٨٧)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (٨٨)

و اما کسی که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پاداشی نیکوتر خواهد داشت؛ و ما دستور آسانی به او خواهیم داد.» (۸۸)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۸۹)

سپس (بار دیگر) از اسبابی (که در اختیار داشت) بهره گرفت... (۸۹)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (۹۰)

تا به خاستگاه خورشید رسید؛ (در آن جا) دید خورشید بر جمعیّتی طلوع می کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایبانی نداشتند). (۹۰)

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۹۱)

(آری) اینچنین بود (کار ذو القرنین)! و ما بخوبی از امکاناتی که نزد او بود آگاه بودیم! (۹۱)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۹۲)

(باز) از اسباب مهمّی (که در اختیار داشت) استفاده کرد... (۹۲)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳)

(و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)! (۹۳)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴)

(آن گروه به او) گفتند: «ای ذو القرنین یأجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند؛ آیا ممکن است ما هزینه ای برای تو قرار دهیم، که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟!» (۹۴)

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (۹۵)

(ذو القرنین) گفت: «آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده، بهتر است (از آنچه شما پیشنهاد می کنید)! مرا با نیرویی یاری دهید، تا میان شما و آنها سدّ محکمی قرار دهم! (۹۵)

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (۹۶)

قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)!» تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفروزید، و) در آن بدمید!» (آنها دمیدند) تا قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد، و گفت: «(اکنون) مس مذاب

برایم بیاورید تا بر روی آن بریزم!» (۹۶)

فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۷)

(سرانجام چنان سدّ نیرومندی ساخت) که آنها [= طایفه یأجوج و مأجوج ] قادر نبودند از آن بالا روند؛ و نمی توانستند نقبی در آن ایجاد کنند. (۹۷)

ص: ۳۰۳

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸)

(آنگاه) گفت: «این از رحمت پروردگار من است! امّا هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را در هم می کوبد؛ و وعده پروردگارم حق است!» (۹۸)

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (۹۹)

و در آن روز (که جهان پایان می گیرد)، ما آنان را چنان رها می کنیم که درهم موج می زنند؛ و در صور [= شیپور] دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم! (۹۹)

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۰۰)

در آن روز، جهنم را بر کافران عرضه می داریم! (۱۰۰)

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۰۱)

همانها که پرده ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود، و قدرت شنوایی نداشتند! (۱۰۱)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۰۲)

آیا کافران پنداشتند می توانند بندگانم را به جای من اولیای خود انتخاب کنند؟! ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم! (۱۰۲)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳)

بگو: «آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ (۱۰۳)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴)

آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده؛ با این حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند!» (۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَزْنًا (۱۰۵)

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت، اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد! (۱۰۵)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا (۱۰۶)

(آری،) این گونه است! کیفرشان دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند، و آیات من و پیامبرانم را به سخریه گرفتند! (۱۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۰۷)

امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت برین محل پذیرایی آنان خواهد بود. (۱۰۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (۱۰۸)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی کنند! (۱۰۸)

قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۹)

بگو: «اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکّب شود، دریاها پایان می گیرد. پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد؛ هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم!» (۱۰۹)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَهِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است؛ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند! (۱۱۰)

ص: ۳۰۴

## سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهيعص (۱)

كهيعص (۱)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۲)

(این) یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده اش زکریا... (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) پنهان خواند... (۳)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُن بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴)

گفت: «پروردگارا! استخوانم سست شده؛ و شعله پیری تمام سرم را فراگرفته؛ و من هرگز در دعای تو، از اجابت محروم نبوده ام! (۴)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا (۵)

و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آیین تو را نگاه ندارند)! و (از طرفی) همسرم نازا و عقیم است؛ تو از نزد خود جانشینی به من ببخش... (۵)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶)

که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایتت قرار ده!» (۶)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا (۷)

ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده ایم! (۷)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸)

گفت: «پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم نازا و عقیم است، و من نیز از شدّت پیری افتاده شده ام!» (۸)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (۹)

فرمود: «پروردگارت این گونه گفته (و اراده کرده)! این بر من آسان است؛ و قبلاً تو را آفریدم در حالی که چیزی نبودی!» (۹)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

عرض کرد: «پروردگارا! نشانه ای برای من قرار ده!» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلّم (با مردم) نخواهی داشت؛ در حالی که زبانت سالم است!» (۱۰)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «(بشکرانه این موهبت،) صبح و شام خدا را تسبیح گویید!» (۱۱)



يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوّت بگیر! و ما فرمان نبوّت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! (۱۲)

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳)

و رحمت و محبّتی از ناحیه خود به او بخشیدیم، و پاکی (دل و جان)! و او پرهیزگار بود! (۱۳)

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴)

او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و جبّار (و متکّبر) و عصیانگر نبود! (۱۴)

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۵)

سلام بر او، آن روز که تولّد یافت، و آن روز که می میرد، و آن روز که زنده برانگیخته می شود! (۱۵)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶)

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت؛ (۱۶)

فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! (۱۷)

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا (۱۸)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! (۱۸)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹)

گفت: «من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم!» (۱۹)

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِی غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِی بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰)

گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده ای هم نبوده ام!» (۲۰)

قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَیَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (۲۱)

گفت: «مطلب همین است! پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است! (ما او را می آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم؛) و او را برای مردم نشانه ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما! و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد)!» (۲۱)

فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

سرانجام (مریم) به او باردار شد؛ و او را به نقطه دور دستی برد (و خلوت گزید) (۲۲)

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِی مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (۲۳)

درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آنقدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم، و بکلّی فراموش می شدم!» (۲۳)

فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِی قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (۲۴)

ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است! (۲۴)

وَهُزِّی إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا (۲۵)

و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد! (۲۵)

ص: ۳۰۶

فَكُلِی وَاشْرَبِی وَقَرِّی عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا (۲۶)

(از این غذای لذیذ) بخور؛ و (از آن آب گوارا) بنوش؛ و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسانها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه ای نذر کرده ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)» (۲۶)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷)

(مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (۲۷)

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا (۲۸)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کاره ای!!» (۲۸)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲۹)

(مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (۲۹)

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (۳۰)

(ناگهان عیسی زبان به سخن گشود و) گفت: «من بنده خدایم؛ او کتاب (آسمانی) به من داده؛ و مرا پیامبر قرار داده است! (۳۰)

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱)

و مرا -هر جا که باشم- وجودی پربرکت قرار داده؛ و تا زمانی که زنده ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است! (۳۱)

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا (۳۲)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده؛ و جبّار و شقی قرار نداده است! (۳۲)

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (۳۳)

و سلام (خدا) بر من، در آن روز که متولّد شدم، و در آن روز که می میرم، و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد!» (۳۳)

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴)

این است عیسی پسر مریم؛ گفتار حقّی که در آن تردید می کنند! (۳۴)

مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۳۵)

هرگز برای خدا شایسته نبود که فرزندی اختیار کند! منزّه است او! هرگاه چیزی را فرمان دهد، می گوید: «موجود باش!» همان دم موجود می شود! (۳۵)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۳۶)

و خداوند، پروردگار من و شماست! او را پرستش کنید؛ این است راه راست! (۳۶)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۳۷)

ولی (بعد از او) گروه هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز)! (۳۷)

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ یَوْمَ یَأْتُونَنَا لَکِنِ الظَّالِمُونَ الْیَوْمَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۳۸)

در آن روز که نزد ما می آیند، چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینایی پیدا می کنند! ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند! (۳۸)

ص: ۳۰۷

وَأَنذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَهِ إِذْ قُضِیَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِی غَفْلَهٍ وَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (۳۹)

آنان را از روز حسرت [= روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است ] بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی آورند! (۳۹)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَیْهَا وَإِلَیْنَا یُرْجَعُونَ (۴۰)

ما، زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند، به ارث می بریم؛ و همگی بسوی ما بازگردانده می شوند! (۴۰)

وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّهُ کَانَ صِدِّیقًا نَّبِیًّا (۴۱)

در این کتاب، ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو، و پیامبر (خدا) بود! (۴۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِیهِ یَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا یَسْمَعُ وَلَا یُبْصِرُ وَلَا یُغْنِی عَنکَ شَیْئًا (۴۲)

هنگامی که به پدرش گفت: «ای پدر! چرا چیزی را می پرستی که نه می شنود، و نه می بیند، و نه هیچ مشکلی را از تو حلّ می کند؟! (۴۲)

یَا أَبَتِ إِنِّی قَدْ جَاءَنِی مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ یَأْتِکَ فَاتَّبِعْنِی أَهْدِکَ صِرَاطًا سَوِیًّا (۴۳)

ای پدر! دانشی برای من آمده که برای تو نیامده است؛ بنابر این از من پیروی کن، تا تو را به راه راست هدایت کنم! (۴۳)

یَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّیْطَانَ إِنَّ الشَّیْطَانَ کَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِیًّا (۴۴)

ای پدر! شیطان را پرستش مکن، که شیطان نسبت به خداوند رحمان، عصیانگر بود! (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّی أَخَافُ أَن يَمَسَّکَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَکُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)

ای پدر! من از این می ترسم که از سوی خداوند رحمان عذابی به تو رسد، در نتیجه از دوستان شیطان باشی!» (۴۵)

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِی يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّکَ وَاهْجُرْنِی مَلِيًّا (۴۶)

گفت: «ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟! اگر (از این کار) دست برنداری، تو را سنگسار می کنم! و برای مدّتی طولانی از من دور شو!» (۴۶)

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْکَ سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی إِنَّهُ کَانَ بِی حَفِيًّا (۴۷)

(ابراهیم) گفت: «سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می کنم؛ چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است! (۴۷)

وَأَعْتَزِلُکُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّی عَسَى أَلَّا أَکُونَ بِدُعَاءِ رَبِّی شَقِيًّا (۴۸)

و از شما، و آنچه غیر خدا می خوانید، کناره گیری می کنم؛ و پروردگارم را می خوانم؛ و امیدوارم در خواندن پروردگارم بی پاسخ نمانم!» (۴۸)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَکُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹)

هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری (بزرگ) قرار دادیم! (۴۹)

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰)

و از رحمت خود به آنان عطا کردیم؛ و برای آنها نام نیک و مقام برجسته ای (در میان همه امّتها) قرار دادیم! (۵۰)

وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ کَانَ مُخْلَصًا وَکَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۱)

و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبری والا مقام! (۵۱)

ص: ۳۰۸

وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (۵۲)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و نجواکنان او را (به خود) نزدیک ساختیم؛ (۵۲)

وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳)

و ما از رحمت خود، برادرش هارون را -که پیامبر بود- به او بخشیدیم. (۵۳)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۴)

و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود! (۵۴)

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

او همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود. (۵۵)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (۵۶)

و در این کتاب، از ادریس (نیز) یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر (بزرگی) بود. (۵۶)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷)

و ما او را به مقام والایی رساندیم. (۵۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (۵۸)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند. (۵۸)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۵۹)

امّا پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! (۵۹)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۶۰)

مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. (۶۰)

جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱)

وارد باغهایی جاودانی می شوند که خداوند رحمان بندگانش را به آن وعده داده است؛ هر چند آن را ندیده اند؛ مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است! (۶۱)

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۶۲)

در آن جا هرگز گفتار لغو و بیهوده ای نمی شنوند؛ و جز سلام در آن جا سخنی نیست؛ و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرّر است. (۶۲)

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا (۶۳)

این همان بهشتی است که به بندگان پرهیزگار خود، به ارث می دهیم. (۶۳)

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴)

(پس از تأخیر وحی، جبرئیل به پیامبر عرض کرد:) ما جز بفرمان پروردگار تو، نازل نمی شویم؛ آنچه پیش روی ما، و پشت سر ما، و آنچه میان این دو می باشد، همه از آن اوست؛ و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده (و نیست)! (۶۴)

ص: ۳۰۹

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

همان پروردگار آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد! او را پرستش کن؛ و در راه عبادتش شکیبا باش! آیا مثل و مانندی برای او می یابی؟! (۶۵)

وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۶۶)

انسان می گوید: «آیا پس از مردن، زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد؟!» (۶۶)

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)

آیا انسان به خاطر نمی آورد که ما پیش از این او را آفریدیم در حالی که چیزی نبود؟! (۶۷)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۶۸)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می کنیم؛ سپس همه را -در حالی که به زانو درآمده اند- گرداگرد جهنم حاضر می سازیم. (۶۸)

ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (۶۹)

سپس از هر گروه و جمعیّتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده اند، جدا می کنیم. (۶۹)

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا (۷۰)

بعد از آن، ما بخوبی از کسانی که برای سوختن در آتش سزاوارترند، آگاهتریم! (۷۰)

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (۷۱)

و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم می شوید؛ این امری است حتمی و قطعی بر پروردگارت! (۷۱)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)

سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهایی می بخشیم؛ و ظالمان را -در حالی که (از ضعف و ذلّت) به زانو درآمده اند- در آن رها می سازیم. (۷۲)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران به مؤمنان می گویند: «کدام یک از دو گروه [= ما و شما] جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!» (۷۳)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا (۷۴)

چه بسیار اقوامی را پیش از آنان نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از آنها بهتر بود، و هم ظاهرشان آراسته تر! (۷۴)

قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا (۷۵)

بگو: «کسی که در گمراهی است، باید خداوند به او مهلت دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببینند: یا عذاب (این دنیا)، یا (عذاب) قیامت! (آن روز) خواهند دانست چه کسی جایش بدتر، و لشکرش ناتوانتر است!» (۷۵)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا (۷۶)

(امّا) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می افزاید؛ و آثار شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند، ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است! (۷۶)

ص: ۳۱۰

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا (۷۷)

آیا دیدی کسی را که به آیات ما کافر شد، و گفت: «اموال و فرزندان فراوانی به من داده خواهد شد»؟! (۷۷)

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۷۸)

آیا او از غیب آگاه گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟! (۷۸)

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (۷۹)

هرگز چنین نیست! ما بزودی آنچه را می گوید می نویسیم و عذاب را بر او مستمرّ خواهیم داشت! (۷۹)

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (۸۰)

آنچه را او می گوید (از اموال و فرزندان)، از او به ارث می بریم، و به صورت تنها نزد ما خواهد آمد! (۸۰)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۸۱)

و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزّتشان باشد! (چه پندار خامی!) (۸۱)

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۸۲)

هرگز چنین نیست! به زودی (معبودها) منکر عبادت آنان خواهند شد؛ (بلکه) بر ضدّشان قیام می کنند! (۸۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (۸۳)

آیا ندیدی که ما شیاطین را بسوی کافران فرستادیم تا آنان را شدیداً تحریک کنند؟! (۸۳)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۸۴)

پس درباره آنان شتاب مکن؛ ما آنها (و اعمالشان) را به دقت شماره میکنیم! (۸۴)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (۸۵)

در آن روز که پرهیزگاران را دسته جمعی بسوی خداوند رحمان (و پاداشهای او) محشور می کنیم... (۸۵)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا (۸۶)

و مجرمان را (همچون شتران تشنه کامی که به سوی آبگاه می روند) به جهنّم می رانیم... (۸۶)

لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷)

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. (۸۷)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (۸۸)

و گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود برگزیده است». (۸۸)

لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (۸۹)

راستی مطلب زشت و زننده ای گفتید! (۸۹)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (۹۰)

نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوه ها بشدّت فرو ریزد... (۹۰)

أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (۹۱)

از این رو که برای خداوند رحمان فرزندی قائل شدند! (۹۱)

وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲)

در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزینند! (۹۲)

إِن كُلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۹۳)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند! (۹۳)

لَّقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۹۴)

خداوند همه آنها را احصا کرده، و به دقّت شمرده است! (۹۴)

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا (۹۵)

و همگی روز رستاخیز، تک و تنها نزد او حاضر می شوند! (۹۵)

ص: ۳۱۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دلها قرار می دهد! (۹۶)

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا (۹۷)

و ما فقط آن [= قرآن ] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی. (۹۷)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸)

چه بسیار اقوام (بی ایمان و گنهکاری) را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا احدی از آنها را احساس می کنی؟! یا کمترین صدایی از آنان می شنوی؟! (۹۸)

## سوره طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه (۱)

طه (۱)

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی! (۲)

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى (۳)

آن را فقط برای یادآوری کسانی که (از خدا) می ترسند نازل ساختیم. (۳)

تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (۴)

(این قرآن) از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (۴)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۵)

همان بخشنده ای که بر عرش مسلّط است. (۵)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (۶)

از آن اوست آنچه در آسمانها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک (پنهان) است! (۶)

وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (۷)

اگر سخن آشکارا بگویی (یا مخفی کنی)، او اسرار –و حتی پنهان تر از آن– را نیز می داند! (۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۸)

او خداوندی است که معبودی جز او نیست؛ و نامهای نیکوتر از آن اوست! (۸)

وَهَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ مُوسَى (۹)

و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (۹)

إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى (۱۰)

هنگامی که (از دور) آتشی مشاهده کرد، و به خانواده خود گفت: «(اندکی) درنگ کنید که من آتشی دیدم! شاید شعله ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بوسیله این آتش راه را پیدا کنم!» (۱۰)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى (۱۱)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندا داده شد که: «ای موسی! (۱۱)

إِنِّي أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۲)

من پروردگار توام! کفشهایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدّس «طوی» هستی! (۱۲)

ص: ۳۱۲

وَأَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى (۱۳)

و من تو را (برای مقام رسالت) برگزیدم؛ اکنون به آنچه بر تو وحی می شود، گوش فراده! (۱۳)

إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۱۴)

من «اللّه» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا بپرست، و نماز را برای یاد من بپادار! (۱۴)

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى (۱۵)

بطور قطع رستاخیز خواهد آمد! می خواهم آن را پنهان کنم، تا هر کس در برابر سعی و کوشش خود، جزا داده شود! (۱۵)

فَلَا يَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى (۱۶)

پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن بازدارد؛ که هلاک خواهی شد! (۱۶)

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى (١٧)

و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! (١٧)

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى (١٨)

گفت: «این عصای من است؛ بر آن تکیه می کنم، برگ درختان را با آن برای گوسفندانم فرومی ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است. (١٨)

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (١٩)

گفت: «ای موسی! آن را بیفکن.» (١٩)

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (٢٠)

پس موسی آن (عصا) را افکند، که ناگهان اژدهایی شد که به هر سو می شتافت. (٢٠)

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (٢١)

گفت: «آن را بگیر و نترس، ما آن را به صورت اولش بازمی گردانیم. (٢١)

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (٢٢)

و دستت را به گریبانت ببر، تا سفید و بی عیب بیرون آید؛ این نشانه دیگری (از سوی خداوند) است. (٢٢)

لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (٢٣)

تا از نشانه های بزرگ خویش به تو نشان دهیم. (٢٣)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (٢٤)

اینک به سوی فرعون برو، که او طغیان کرده است.» (٢٤)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (٢٥)

(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه ام را گشاده کن؛ (٢٥)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (٢٦)

و کارم را برایم آسان گردان! (۲۶)

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِی (۲۷)

و گره از زبانم بگشای؛ (۲۷)

یَفْقَهُوا قَوْلِی (۲۸)

تا سخنان مرا بفهمند! (۲۸)

وَاجْعَل لِّی وَزِیرًا مِّنْ أَهْلِی (۲۹)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده... (۲۹)

هَارُونَ أَخِی (۳۰)

برادرم هارون را! (۳۰)

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی (۳۱)

با او پشتم را محکم کن؛ (۳۱)

وَأَشْرِکْهُ فِی أَمْرِی (۳۲)

و او را در کارم شریک ساز؛ (۳۲)

کَیْ نُسَبِّحَکَ کَثِیرًا (۳۳)

تا تو را بسیار تسبیح گوییم؛ (۳۳)

وَنَذْکُرَکَ کَثِیرًا (۳۴)

و تو را بسیار یاد کنیم؛ (۳۴)

إِنَّکَ کُنتَ بِنَا بَصِیرًا (۳۵)

چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده ای!» (۳۵)

قَالَ قَدْ أُوتِیتَ سُؤْلَکَ یَا مُوسَی (۳۶)

فرمود: «ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد! (۳۶)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى (۳۷)

و ما بار دیگر تو را مشمول نعمت خود ساختیم... (۳۷)

ص: ۳۱۳

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى (۳۸)

آن زمان که به مادرت آنچه لازم بود الهام کردیم... (۳۸)

أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي (۳۹)

که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا آن را به ساحل افکند؛ و دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد!» و من محبّتی از خودم بر تو افکندم، تا در برابر دیدگان [= علم ] من، ساخته شوی (و پرورش یابی)! (۳۹)

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى (۴۰)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می رفت و می گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدّر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی! (۴۰)

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي (۴۱)

و من تو را برای خودم ساختم (و پرورش دادم)! (۴۱)

اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي (۴۲)

(اکنون) تو و برادرت با آیات من بروید، و در یاد من کوتاهی نکنید! (۴۲)

اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۴۳)

بسوی فرعون بروید؛ که طغیان کرده است! (۴۳)

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (۴۴)

اما بنرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکّر شود، یا (از خدا) بترسد! (۴۴)

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَى (۴۵)

(موسی و هارون) گفتند: «پروردگارا! از این می ترسیم که بر ما پیشی گیرد (و قبل از بیان حق، ما را آزار دهد)؛ یا طغیان کند (و نپذیرد)!» (۴۵)

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى (۴۶)

فرمود: «نترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می شنوم و می بینم! (۴۶)

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (۴۷)

به سراغ او بروید و بگویید: «ما فرستادگان پروردگار توئیم! بنی اسرائیل را با ما بفرست؛ و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می کند! (۴۷)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۴۸)

به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید!» (۴۸)

قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَى (۴۹)

(فرعون) گفت: «پروردگار شما کیست، ای موسی؟!» (۴۹)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۵۰)

گفت: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!» (۵۰)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (۵۱)

گفت: «پس تکلیف نسلهای گذشته (که به اینها ایمان نداشتند) چه خواهد شد؟!» (۵۱)

ص: ۳۱۴

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى (۵۲)

گفت: «آگاهی مربوط به آنها، نزد پروردگارم در کتابی ثبت است؛ پروردگارم هرگز گمراه نمی شود، و فراموش نمی کند (و آنچه شایسته آنهاست به ایشان می دهد)! (۵۲)

الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى (۵۳)

همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راه هایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد!» که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم. (۵۳)

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى (۵۴)

هم خودتان بخورید؛ و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلّماً در اینها نشانه های روشنی برای خردمندان است! (۵۴)

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (۵۵)

ما شما را از آن [= زمین ] آفریدیم؛ و در آن بازمی گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می آوریم! (۵۵)

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى (۵۶)

ما همه آیات خود را به او نشان دادیم؛ اما او تکذیب کرد و سرباز زد! (۵۶)

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى (۵۷)

گفت: «ای موسی! آیا آمده ای که با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! (۵۷)

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَكَانًا سُوًى (۵۸)

قطعاً ما هم سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! هم اکنون (تاریخش را تعیین کن، و) موعدی میان ما و خودت قرار ده که نه ما و نه تو، از آن تخلّف نکنیم؛ آن هم در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!» (۵۸)

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَهِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (۵۹)

گفت: «میعاد ما و شما روز زینت [= روز عید] است؛ به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!» (۵۹)

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى (۶۰)

فرعون آن مجلس را ترک گفت؛ و تمام مکر و فریب خود را جمع کرد؛ و سپس همه را (در روز موعود) آورد. (۶۰)

قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى (۶۱)

موسى به آنان گفت: «واى بر شما! دروغ بر خدا نبنديد، كه شما را با عذابى نابود مى سازد! و هر كس كه (بر خدا) دروغ ببندد، نوميد (و شكست خورده) مى شود!» (۶۱)

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى (۶۲)

آنها در ميان خود، در مورد ادامه راهشان به نزاع برخاستند؛ و مخفيانه و درگوشى با هم سخن گفتند. (۶۲)

قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (۶۳)

گفتند: «اين دو (نفر) مسلّماً ساحرند! مى خواهند با سحرشان شما را از سرزمينتان بيرون كنند و راه و رسم نمونه شما را از بين ببرند! (۶۳)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (۶۴)

اكنون كه چنين است، تمام نيرو و نقشه خود را جمع كنيد، و در يك صف (به ميدان مبارزه) بياييد؛ امروز رستگارى از آن كسى است كه برترى خود را اثبات كند! (۶۴)

ص: ۳۱۵

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (۶۵)

(ساحران) گفتند: «اى موسى! آيا تو اول (عصاى خود را) مى افكنى، يا ما كسانى باشيم كه اول بيفكنيم؟!» (۶۵)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (۶۶)

گفت: «شما اول بيفكنيد!» در اين هنگام طنابها و عصاهاى آنان بر اثر سحرشان چنان به نظر مى رسيد كه حركت مى كند! (۶۶)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى (۶۷)

موسى ترس خفيفى در دل احساس كرد (مبادا مردم گمراه شوند)! (۶۷)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى (۶۸)

گفتيم: «نترس! تو مسلّماً (پيروز و) برترى! (۶۸)

وَأَلْقِ مَا فِی یَمِینِکَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا کَیْدُ سَاحِرٍ وَلَا یُفْلِحُ السَّاحِرُ حَیْثُ أَتَی (۶۹)

و آنچه را در دست راست داری بیفکن، تمام آنچه را ساخته اند می بلعد! آنچه ساخته اند تنها مکر ساحر است؛ و ساحر هر جا رود رستگار نخواهد شد!» (۶۹)

فَأُلْقِیَ السَّحَرَهُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَی (۷۰)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» (۷۰)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَکُمْ إِنَّهُ لَکَبِیرُکُمُ الَّذِی عَلَّمَکُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَیْدِیَکُمْ وَأَرْجُلَکُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّکُمْ فِی جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَیُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَی (۷۱)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم به او ایمان آوردید؟! مسلّماً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است! به یقین دستها و پاهایتان را بطور مخالف قطع می کنم؛ و شما را از تنه های نخل به دار می آویزم؛ و خواهید دانست مجازات کدام یک از ما دردناکتر و پایدارتر است!» (۷۱)

قَالُوا لَن نُّؤْثِرَکَ عَلَی مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَیِّنَاتِ وَالَّذِی فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِی هَذِهِ الْحَیَاهَ الدُّنْیَا (۷۲)

گفتند: «سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدّم نخواهیم داشت! هر حکمی می خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی! (۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِیَغْفِرَ لَنَا خَطَایَانَا وَمَا أَکْرَهْتَنَا عَلَیْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَیْرٌ وَأَبْقَی (۷۳)

ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا گناهانمان و آنچه را از سحر بر ما تحمیل کردی ببخشاید؛ و خدا بهتر و پایدارتر است!» (۷۳)

إِنَّهُ مَن یَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی (۷۴)

هر کس در محضر پروردگارش خطاکار حاضر شود، آتش دوزخ برای اوست؛ در آن جا، نه می میرد و نه زندگی می کند! (۷۴)

وَمَن یَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِکَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَی (۷۵)

و هر کس با ایمان نزد او آید، و اعمال صالح انجام داده باشد، چنین کسانی درجات عالی دارند... (۷۵)

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَذَلِکَ جَزَاءُ مَن تَزَکَّی (۷۶)

باغهـای جاویـدان بهشت، که نهرهـا از زیر درختـانش جـاری است، در حـالی که همیشه در آن خواهنـد بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید! (۷۶)



وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (۷۷)

مـا به موسـی وحی فرسـتادیم که: «شـبانه بنـدگانم را (از مصـر) بـا خود ببر؛ و برای آنهـا راهی خشـک در دریا بگشا؛ که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید، و نه از غرق شدن در دریا!» (۷۷)

فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (۷۸)

(به این ترتیب) فرعون بـا لشـکریانش آنها را دنبال کردنـد؛ و دریا آنان را (در میان امواج خروشان خود) بطور کامل پوشانیـد! (۷۸)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (۷۹)

فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد! (۷۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى (۸۰)

ای بنی اسـرائیل! مـا شـما را از چنگـال دشـمنتان نجات دادیم؛ و در طرف راست کوه طور، با شـما وعـده گـذاردیم؛ و «منّ» و «سلوی» بر شما نازل کردیم! (۸۰)

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (۸۱)

بخورید از روزیهای پاکیزه ای که به شـما داده ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می کند! (۸۱)

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۸۲)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم! (۸۲)

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى (۸۳)

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟! (۸۳)

قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى (۸۴)

عرض کرد: «پروردگارا! آنان در پی منند؛ و من به سوی تو شتاب کردم، تا از من خشنود شوی!» (۸۴)

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَکَ مِن بَعْدِکَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِیُّ (۸۵)

فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!» (۸۵)

فَرَجَعَ مُوسَی إِلَی قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ یَا قَوْمِ أَلَمْ یَعِدْکُمْ رَبُّکُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَیْکُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن یَحِلَّ عَلَیْکُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّکُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِی (۸۶)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدّت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!» (۸۶)

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَکَ بِمَلْکِنَا وَلَکِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِینَهِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَکَذَلِکَ أَلْقَی السَّامِرِیُّ (۸۷)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلّف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد... (۸۷)

ص: ۳۱۷

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُکُمْ وَإِلَهُ مُوسَی فَنَسِیَ (۸۸)

و برای آنان مجسّمه گوساله ای که صدایی همچون صدای گوساله (واقعی) داشت پدید آورد؛ و (به یکدیگر) گفتند: «این خدای شما، و خدای موسی است!» و او فراموش کرد (پیمانی را که با خدا بسته بود)! (۸۸)

أَفَلَا یَرَوْنَ أَلَّا یَرْجِعُ إِلَیْهِمْ قَوْلًا وَلَا یَمْلِکُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۸۹)

آیا نمی بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی دهد، و مالک هیچ گونه سود و زیانی برای آنها نیست؟! (۸۹)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ یَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّکُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِی وَأَطِیعُوا أَمْرِی (۹۰)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!» (۹۰)

قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَیْهِ عَاکِفِینَ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَیْنَا مُوسَی (۹۱)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!» (۹۱)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَکَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲)

(موسی) گفت: «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آنها گمراه شدند... (۹۲)

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِی (۹۳)

از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» (۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِی وَلَا بِرَأْسِی إِنِّی خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِی إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِی (۹۴)

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [= ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» (۹۴)

قَالَ فَمَا خَطْبُکَ يَا سَامِرِیُّ (۹۵)

(موسی رو به سامری کرد و) گفت: «تو چرا این کار را کردی، ای سامری؟!» (۹۵)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِکَ سَوَّلَتْ لِی نَفْسِی (۹۶)

گفت: «من چیزی دیدم که آنها ندیدند؛ من قسمتی از آثار رسول (و فرستاده خدا) را گرفتم، سپس آن را افکندم، و اینچنین (هوای) نفس من این کار را در نظرم جلوه داد!» (۹۶)

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَکَ فِی الْحَيَاةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَکَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِکَ الَّذِی ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِی الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی «با من تماس نگیر!» و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلّف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی! و ببین ما آن را نخست می سوزانیم؛ سپس ذرّات آن را به دریا می پاشیم! (۹۷)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا (۹۸)

معبود شما تنها خداوندی است که جز او معبودی نیست؛ و علم او همه چیز را فرا گرفته است!» (۹۸)

ص: ۳۱۸

كَذَلِکَ نَقُصُّ عَلَيْکَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاکَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

این گونه بخشی از اخبار پیشین را برای تو بازگو می کنیم؛ و ما از نزد خود، ذکر (و قرآنی) به تو دادیم! (۹۹)

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وِزْرًا (١٠٠)

هر کس از آن روی گردان شود، روز قیامت بار سنگینی (از گناه و مسؤولیّت) بر دوش خواهد داشت! (١٠٠)

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ حِمْلًا (١٠١)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و بد باری است برای آنها در روز قیامت! (١٠١)

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (١٠٢)

همان روزی که در «صور» دمیده می شود؛ و مجرمان را با بدنهای کبود، در آن روز جمع می کنیم! (١٠٢)

يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (١٠٣)

آنها آهسته با هم گفتگو می کنند؛ (بعضی می گویند:) شما فقط ده (شبانه روز در عالم برزخ) توقّف کردید! (و نمی دانند چقدر طولانی بوده است!) (١٠٣)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَهً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (١٠۴)

ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، هنگامی که نیکوروش ترین آنها می گوید: «شما تنها یک روز درنگ کردید!» (١٠۴)

وَيَسْأَلُونَکَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّی نَسْفًا (١٠۵)

و از تو درباره کوه ها سؤال می کنند؛ بگو: «پروردگارم آنها را (متلاشی کرده) برباد می دهد! (١٠۵)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (١٠۶)

سپس زمین را صاف و هموار و بی آب و گیاه رها می سازد... (١٠۶)

لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (١٠٧)

به گونه ای که در آن، هیچ پستی و بلندی نمی بینی!» (١٠٧)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِیَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (١٠٨)

در آن روز، همه از دعوت کننده الهی پیروی نموده، و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی خیزند)؛ و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان، خاضع می شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی شنوی! (١٠٨)

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَهُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِیَ لَهُ قَوْلًا (١٠٩)

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است. (۱۰۹)

یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا یُحِیطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۱۰)

آنچه را پیش رو دارند، و آنچه را (در دنیا) پشت سرگذاشته اند می داند؛ ولی آنها به (علم) او احاطه ندارند! (۱۱۰)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۱)

و (در آن روز) همه چهره ها در برابر خداوند حیّ قیوم، خاضع می شود؛ و مأیوس (و زیانکار) است آن که بار ستمی بر دوش دارد! (۱۱۱)

وَمَن یَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا یَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۱۱۲)

(امّا) آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می ترسد، و نه از نقصان حقش. (۱۱۲)

وَکَذَلِکَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِیًّا وَصَرَّفْنَا فِیهِ مِنَ الْوَعِیدِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را قرآنی عربی [= فصیح و گویا] نازل کردیم، و انواع وعیدها (و انذارها) را در آن بازگو نمودیم، شاید تقوا پیشه کنند؛ یا برای آنان تذکّری پدید آورد! (۱۱۳)

ص: ۳۱۹

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن یُقْضَى إِلَیْکَ وَحْیُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِی عِلْمًا (۱۱۴)

پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حقّ است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن بر تو تمام شود؛ و بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن!» (۱۱۴)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِیَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۱۱۵)

پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ امّا او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم! (۱۱۵)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِیسَ أَبَى (۱۱۶)

و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)! (۱۱۶)

فَقُلْنَا یَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّکَ وَلِزَوْجِکَ فَلَا یُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّهِ فَتَشْقَى (۱۱۷)

پس گفتیم: «ای آدم! این (ابلیس) دشمن تو و (دشمن) همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند؛ که به زحمت و رنج خواهی افتاد! (۱۱۷)

إِنَّ لَکَ أَلَّا تَجُوعَ فِیهَا وَلَا تَعْرَی (۱۱۸)

(امّا تو در بهشت راحت هستی! و مزیّتش) برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ (۱۱۸)

وَأَنَّکَ لَا تَظْمَأُ فِیهَا وَلَا تَضْحَی (۱۱۹)

و در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد!» (۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَیْهِ الشَّیْطَانُ قَالَ یَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّکَ عَلَی شَجَرَهِ الْخُلْدِ وَمُلْکٍ لَّا یَبْلَی (۱۲۰)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!» (۱۲۰)

فَأَکَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا یَخْصِفَانِ عَلَیْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّهِ وَعَصَی آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَی (۱۲۱)

سرانجام هر دو از آن خوردند، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت،) و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! (۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَیْهِ وَهَدَی (۱۲۲)

سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. (۱۲۲)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِیعًا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا یَأْتِیَنَّکُم مِّنِّی هُدًی فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا یَضِلُّ وَلَا یَشْقَی (۱۲۳)

(خداوند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود، و نه در رنج خواهد بود! (۱۲۳)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَهً ضَنکًا وَنَحْشُرُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَعْمَی (۱۲۴)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محشور می کنیم!» (۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِی أَعْمَی وَقَدْ کُنتُ بَصِیرًا (۱۲۵)

می گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محشورم کردی؟! من که بینا بودم!» (۱۲۵)

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسَى (۱۲۶)

می فرماید: «آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (۱۲۶)

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (۱۲۷)

و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است! (۱۲۷)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى (۱۲۸)

آیا برای هدایت آنان کافی نیست که بسیاری از نسلهای پیشین را (که طغیان و فساد کردند) هلاک نمودیم، و اینها در مسکنهای (ویران شده) آنان راه می روند! مسلّماً در این امر، نشانه های روشنی برای خردمندان است. (۱۲۸)

وَلَوْلَا كَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (۱۲۹)

و اگر سنّت و تقدیر پروردگارت و ملاحظه زمان مقرّر نبود، عذاب الهی بزودی دامان آنان را می گرفت! (۱۲۹)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (۱۳۰)

پس در برابر آنچه می گویند، صبر کن! و پیش از طلوع آفتاب، و قبل از غروب آن؛ تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور؛ و همچنین (برخی) از ساعات شب و اطراف روز (پروردگارت را) تسبیح گوی؛ باشد که (از الطاف الهی) خشنود شوی! (۱۳۰)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۳۱)

و هرگز چشمان خود را به نعمتهای مادّی، که به گروه هایی از آنان داده ایم، میفکن! اینها شکوفه های زندگی دنیاست؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است! (۱۳۱)

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاهِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَهُ لِلتَّقْوَى (۱۳۲)

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست! (۱۳۲)

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَهٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَهُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۳۳)

گفتند: «چرا (پیامبر) معجزه و نشانه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟! (بگو:) آیا خبرهای روشنی که در کتابهای (آسمانی) نخستین بوده، برای آنها نیامد؟! (۱۳۳)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِکَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَى (۱۳۴)

اگر ما آنان را پیش از آن (که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم!» (۱۳۴)

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى (۱۳۵)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! امّا بزودی می دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است! (۱۳۵)

ص: ۳۲۱

## جزء ۱۷

### سوره الأنبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱)

حساب مردم به آنان نزدیک شده، در حالی که در غفلتند و روی گردانند! (۱)

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۲)

هیچ یادآوری تازه ای از طرف پروردگارشان برای آنها نمی آید، مگر آنکه با بازی (و شوخی) به آن گوش می دهند! (۲)

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۳)

این در حالی است که دلهایشان در لهو و بی خبری فرو رفته است! و ستمگران پنهانی نجوا کردند (و گفتند): «آیا جز این است که او بشری همانند شماست؟! آیا به سراغ سحر می روید، با اینکه (چشم دارید و) می بینید؟! (۳)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴)

(پیامبر) گفت: «پروردگارم همه سخنان را، چه در آسمان باشد و چه در زمین، می داند؛ و او شنوا و داناست!» (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (۵)

آنها گفتند: «(آنچه محمّد (ص) آورده وحی نیست؛) بلکه خوابهایی آشفته است! اصلاً آن را بدروغ به خدا بسته؛ نه، بلکه او

یـک شاعر است! (اگر راست می گویـد) بایـد معجزه ای برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیامبران پیشـین (با معجزات) فرسـتاده شدند!» (۵)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (۶)

تمـام آبادیهـایی که پیش از اینهـا هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردنـد، و خواسـته آنان عملی شـد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می آورند؟! (۶)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷)

مـا پیش از تـو، جز مردانی که به آنـان وحی می کردیم، نفرسـتادیم! (همه انسـان بودنـد، و از جنس بشـر!) اگر نمی دانیـد، از آگاهان بپرسید. (۷)

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸)

آنان را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عمر جاویدان هم نداشتند! (۸)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹)

سپس وعده ای را که به آنان داده بودیم، وفا کردیم! آنها و هر کس را که می خواستیم (از چنگ دشمنانشان) نجات دادیم؛ و مسرفان را هلاک نمودیم! (۹)

لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰)

ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکّر (و بیداری) شما در آن است! آیا نمی فهمید؟! (۱۰)

ص: ۳۲۲

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم! (۱۱)

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲)

هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان پا به فرار گذاشتند! (۱۲)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (۱۳)

(گفتیم:) فرار نکنید؛ و به زندگی پر ناز و نعمت، و به مسکنهای پر زرق و برقتان بازگردید! شاید (سائلان بیایند و) از شما تقاضا کنند (شما هم آنان را محروم بازگردانید)! (۱۳)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴)

گفتند: «ای وای بر ما! به یقین ما ستمگر بودیم!» (۱۴)

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵)

و همچنان این سخن را تکرار می کردند، تا آنها را درو کرده و خاموش ساختیم! (۱۵)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۱۶)

ما آسمان و زمین، و آنچه را در میان آنهاست از روی بازی نیافریدیم! (۱۶)

لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِن لَّدُنَّا إِن كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷)

(بفرض محال) اگر می خواستیم سرگرمی انتخاب کنیم، چیزی متناسب خود انتخاب می کردیم! (۱۷)

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را هلاک سازد؛ و این گونه، باطل محو و نابود می شود! امّا وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می کنید! (۱۸)

وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

از آن اوست آنان که در آسمانها و زمینند! و آنها که نزد اویند [= فرشتگان ] هیچ گاه از عبادتش استکبار نمی ورزند، و هرگز خسته نمی شوند. (۱۹)

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۰)

(تمام) شب و روز را تسبیح می گویند؛ و سست نمی گردند. (۲۰)

أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ (۲۱)

آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می کنند و) منتشر می سازند؟! (۲۱)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

اگر در آسمان و زمین، جز «اللّه» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند (و نظام جهان به هم می خورد)! منزه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (۲۲)

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (۲۳)

هیچ کس نمی تواند بر کار او خرده بگیرد؛ ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است! (۲۳)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ (۲۴)

آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستند، و سخن کسانی [= پیامبرانی ] است که پیش از من بودند!» امّا بیشتر آنها حق را نمی دانند؛ و به همین دلیل (از آن) روی گردانند. (۲۴)

ص: ۳۲۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا پرستش کنید.» (۲۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (۲۶)

آنها گفتند: «خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! او منزه است (از این عیب و نقص)؛ آنها [= فرشتگان ] بندگان شایسته اویند. (۲۶)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۷)

هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند؛ و (پیوسته) به فرمان او عمل می کنند. (۲۷)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ (۲۸)

او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می داند؛ و آنها جز برای کسی که خدا راضی (به شفاعت برای او) است شفاعت نمی کنند؛ و از ترس او بیمناکند. (۲۸)

وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۲۹)

و هر کس از آنها بگوید: «من جز خدا، معبودی دیگرم»، کیفر او را جهنم می دهیم! و ستمگران را این گونه کیفر خواهیم داد. (۲۹)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی آورند؟! (۳۰)

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۱)

و در زمین، کوه های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آنها را بلرزاند! و در آن، درّه ها و راه هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! (۳۱)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی گردانند. (۳۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری در حرکتند! (۳۳)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (۳۴)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند،) آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟! (۳۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۳۵)

هر انسانی طعم مرگ را می چشد! و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم؛ و سرانجام بسوی ما بازگردانده می شوید! (۳۵)

ص: ۳۲۴

وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۶)

هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز استهزا کردن تو ندارند؛ (و می گویند:) آیا این همان کسی است که سخن از خدایان شما می گوید؟! در حالی که خودشان ذکر خداوند رحمان را انکار می کنند. (۳۶)

خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷)

(آری،) انسان از عجله آفریده شده؛ ولی عجله نکنید؛ بزودی آیاتم را به شما نشان خواهم داد! (۳۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (٣٨)

آنها می گویند: «اگر راست میگویید، این وعده (قیامت) کی فرا می رسد؟!» (٣٨)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (٣٩)

ولی اگر کافران می دانستند زمانی که (فرا می رسد) نمی توانند شعله های آتش را از صورت و از پشتهای خود دور کنند، و هیچ کس آنان را یاری نمی کند (این قدر درباره قیامت شتاب نمی کردند)! (٣٩)

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (٤٠)

(آری، این مجازات الهی) بطور ناگهانی به سراغشان می آید و مبهوتشان می کند؛ آنچنان که توانایی دفع آن را ندارند، و به آنها مهلت داده نمی شود! (٤٠)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٤١)

(اگر تو را استهزا کنند نگران نباش،) پیامبران پیش از تو را (نیز) استهزا کردند؛ امّا سرانجام، آنچه را استهزا می کردند دامان مسخره کنندگان را گرفت (و مجازات الهی آنها را در هم کوبید)! (٤١)

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ (٤٢)

بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می دارد؟!» ولی آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند! (٤٢)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ (٤٣)

آیا آنها خدایانی دارند که می توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتّی) نمی توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران)؛ و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می شوند! (٤٣)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (٤٤)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟! (٤٤)

ص: ٣٢٥

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (٤٥)

بگو: «من تنها بوسیله وحی شما را انذار می کنم!» ولی آنها که گوشهایشان کر است، هنگامی که انذار می شوند، سخنان را نمی شنوند! (۴۵)

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۴۶)

اگر کمترین عذاب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!» (۴۶)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر بمقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب کننده باشیم! (۴۷)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

ما به موسی و هارون، «فرقان» [= وسیله جدا کردن حق از باطل ] و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم. (۴۸)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (۴۹)

همانان که از پروردگارشان در نهان می ترسند، و از قیامت بیم دارند! (۴۹)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۵۰)

و این (قرآن) ذکر مبارکی است که (بر شما) نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟! (۵۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱)

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم؛ و از (شایستگی) او آگاه بودیم... (۵۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟!» (۵۲)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (۵۳)

گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می کنند.» (۵۳)

قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۵۴)

گفت: «مسلّماً هم شما و هم پدرانتان، در گمراهی آشکاری بوده اید!» (۵۴)

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (۵۵)

گفتند: «آیا مطلب حقّی برای ما آورده ای، یا شوخی می کنی؟!» (۵۵)

قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)

گفت: «(کاملاً حقّ آورده ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده؛ و من بر این امر، از گواهانم! (۵۶)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بتهایتان می کشم!» (۵۷)

ص: ۳۲۶

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۵۸)

سرانجام (با استفاده از یک فرصت مناسب)، همه آنها -جز بت بزرگشان- را قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند)! (۵۸)

قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۵۹)

(هنگامی که منظره بتها را دیدند،) گفتند: «هر کس با خدایان ما چنین کرده، قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر سخت ببیند)!» (۵۹)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (۶۰)

(گروهی) گفتند: «شنیدیم نوجوانی از (مخالفت با) بتها سخن می گفت که او را ابراهیم می گویند.» (۶۰)

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (۶۱)

(جمعیّت) گفتند: «او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا گواهی دهند!» (۶۱)

قَالُوا أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (۶۲)

(هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند،) گفتند: «تو این کار را با خدایان ما کرده ای، ای ابراهیم؟!» (۶۲)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ (۶۳)

گفت: «بلکه این کار را بزرگشان کرده است! از آنها بپرسید اگر سخن می گویند!» (۶۳)

فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ (۶۴)

آنها به وجدان خویش بازگشتند؛ و (به خود) گفتند: «حقّا که شما ستمگرید!» (۶۴)

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنطِقُونَ (۶۵)

سپس بر سرهایشان واژگونه شدند؛ (و حکم وجدان را بکلّی فراموش کردند و گفتند:) تو می دانی که اینها سخن نمی گویند! (۶۵)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (۶۶)

(ابراهیم) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی به شما می رساند! (نه امیدی به سودشان دارید، و نه ترسی از زیانشان!) (۶۶)

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷)

اف بر شما و بر آنچه جز خدا می پرستید! آیا اندیشه نمی کنید (و عقل ندارید)؟! (۶۷)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸)

گفتند: «او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است!» (۶۸)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

(سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما) گفتیم: «ای آتش! بر ابراهیم سرد و سالم باش!» (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰)

آنها می خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم! (۷۰)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)

و او و لوط را به سرزمین (شام) -که آن را برای همه جهانیان پربرکت ساختیم- نجات دادیم! (۷۱)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق، و علاوه بر او، یعقوب را به وی بخشیدیم؛ و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم! (۷۲)

ص: ۳۲۷

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می کردند. (۷۳)

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (۷۴)

و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کثیف انجام می دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند! (۷۴)

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و او را در رحمت خود داخل کردیم؛ و او از صالحان بود. (۷۵)

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و نوح را (به یاد آور) هنگامی که پیش از آن (زمان، پروردگار خود را) خواند! ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (۷۶)

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۷۷)

و او را در برابر جمعیّتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چرا که قوم بدی بودند؛ از این رو همه آنها را غرق کردیم! (۷۷)

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (۷۸)

و داوود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباه کرده) بودند، داوری می کردند؛ و ما بر حکم آنان شاهد بودیم. (۷۸)

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (۷۹)

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شایستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوه ها و

پرندگان را با داوود مسخّر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم! (۷۹)

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰)

و ساختن زره را بخاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگهایتان حفظ کند؛ آیا شکرگزار (این نعمتهای خدا) هستید؟ (۸۰)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (۸۱)

و تندباد را مسخّر سلیمان ساختیم، که بفرمان او بسوی سرزمینی که آن را پربرکت کرده بودیم جریان می یافت؛ و ما از همه چیز آگاه بوده ایم. (۸۱)

ص: ۳۲۸

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (۸۲)

و گروهی از شیاطین (را نیز مسخّر او قرار دادیم، که در دریا) برایش غوّاصی می کردند؛ و کارهایی غیر از این (نیز) برای او انجام می دادند؛ و ما آنها را (از سرکشی) حفظ می کردیم! (۸۲)

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳)

و ایّوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): «بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربانترین مهربانانی!» (۸۳)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ (۸۴)

ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش را به او بازگرداندیم؛ و همانندشان را بر آنها افزودیم؛ تا رحمتی از سوی ما و تذکّری برای عبادت کنندگان باشد. (۸۴)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادریس و ذاالکفل را (به یاد آور) که همه از صابران بودند. (۸۵)

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُم مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و ما آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ چرا که آنها از صالحان بودند. (۸۶)

وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و ذاالنون [= یونس ] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (امّا موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها (ی متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزّهی تو! من از ستمکاران بودم!» (۸۷)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم! (۸۸)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹)

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی!» (۸۹)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (۹۰)

ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم؛ و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم؛ چرا که آنان (خاندانی بودند که) همواره در کارهای خیر بسرعت اقدام می کردند؛ و در حال بیم و امید ما را می خواندند؛ و پیوسته برای ما (خاضع و) خاشع بودند. (۹۰)

ص: ۳۲۹

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ (۹۱)

و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگه داشت؛ و ما از روح خود در او دمیدیم؛ و او و فرزندش [= مسیح ] را نشانه بزرگی برای جهانیان قرار دادیم! (۹۱)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۹۲)

این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امّت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید! (۹۲)

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (۹۳)

(گروهی از پیروان ناآگاه آنها) کار خود را به تفرقه در میان خود کشاندند؛ (ولی سرانجام) همگی بسوی ما بازمی گردند! (۹۳)

فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۹۴)

و هر کس چیزی از اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را (برای پاداش) می نویسیم. (۹۴)

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)

و حرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردند؛) آنها هرگز باز نخواهند گشت! (۹۵)

حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ (۹۶)

تا آن زمان که «یأجوج» و «مأجوج» گشوده شوند؛ و آنها از هر محلّ مرتفعی بسرعت عبور می کنند. (۹۶)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)

و وعده حقّ [= قیامت ] نزدیک می شود؛ در آن هنگام چشمهای کافران از وحشت از حرکت بازمی ماند؛ (می گویند:) ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم! (۹۷)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (۹۸)

شما و آنچه غیر خدا می پرستید، هیزم جهنّم خواهید بود؛ و همگی در آن وارد می شوید. (۹۸)

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (۹۹)

اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود. (۹۹)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

برای آنان در آن [= دوزخ ] ناله های دردناکی است و چیزی نمی شنوند. (۱۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (۱۰۱)

(امّا) کسانی که از قبل، وعده نیک از سوی ما به آنها داده شده [= مؤمنان صالح ] از آن دور نگاهداشته می شوند. (۱۰۱)

ص: ۳۳۰

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی شنوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعّم هستند. (۱۰۲)

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِی كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳)

وحشت بزرگ، آنها را اندوهگین نمی کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می آیند، (و می گویند:) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد! (۱۰۳)

يَوْمَ نَطْوِی السَّمَاءَ كَطَیِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی گردانیم؛ این وعده ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. (۱۰۴)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» (۱۰۵)

إِنَّ فِی هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶)

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیّت عبادت کنندگان! (۱۰۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَیَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۰۸)

بگو: «تنها چیزی که به من وحی می شود این است که معبود شما خدای یگانه است؛ آیا (با این حال) تسلیم (حقّ) می شوید؟ (و بتها را کنار می گذارید؟)» (۱۰۸)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِی أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (۱۰۹)

اگر (باز) روی گردان شوند، بگو: «من به همه شما یکسان اعلام خطر می کنم؛ و نمی دانم آیا وعده (عذاب خدا) که به شما داده می شود نزدیک است یا دور! (۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۱۱۰)

او سخنان آشکار را می داند، و آنچه را کتمان می کنید (نیز) می داند (و چیزی بر او پوشیده نیست)! (۱۱۰)

وَإِنْ أَدْرِی لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۱۱۱)

و من نمی دانم شاید این آزمایشی برای شماست؛ و مایه بهره گیری تا مدّتی (معیّن)! (۱۱۱)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۱۲)

(و پیامبر) گفت: «پروردگارا! بحق داوری فرما (و این طغیانگران را کیفر ده)! و پروردگار ما (خداوند) رحمان است که در برابر نسبتهای ناروای شما، از او استمداد می طلبم!» (۱۱۲)

ص: ۳۳۱

## سوره الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ السَّاعَهِ شَيْءٌ عَظِيمٌ (۱)

ای مردم! از (عذاب) پروردگارتان بترسید، که زلزله رستاخیز امر عظیمی است! (۱)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَهٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُم بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن را می بینید، (آنچنان وحشت سراپای همه را فرامی گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد؛ و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است! (۲)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۳)

گروهی از مردم، بدون هیچ علم و دانشی، به مجادله درباره خدا برمی خیزند؛ و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند. (۳)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (۴)

بر او نوشته شده که هر کس ولایتش را بر گردن نهد، بطور مسلّم گمراهش می سازد، و به آتش سوزان راهنماییش می کند! (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَهٍ مُّخَلَّقَهٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَهٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّى وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَهً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجّه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده ]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛

تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم)! و جنین هایی را که بخواهیم تا مدّت معیّنی در رحم (مادران) قرارمی دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می کنیم؛) بعد شما را بصورت طفل بیرون می آوریم؛ سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی دانند! (از سوی دیگر،) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می فرستیم، به حرکت درمی آید و می روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می رویاند! (۵)

ص: ۳۳۲

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

این بخاطر آن است که (بدانید) خداوند حق است؛ و اوست که مردگان را زنده می کند؛ و بر هر چیزی تواناست. (۶)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ (۷)

و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکّی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می کند. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (۸)

و گروهی از مردم، بدون هیچ دانش و هیچ هدایت و کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می کنند! (۸)

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (۹)

آنها با تکبر و بی اعتنایی (نسبت به سخنان الهی)، می خواهند مردم را از راه خدا گمراه سازند! برای آنان در دنیا رسوایی است؛ و در قیامت، عذاب سوزان به آنها می چشانیم! (۹)

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاکَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۰)

(و به آنان می گوییم:) این در برابر چیزی است که دستهایتان از پیش برای شما فرستاده؛ و خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی کند! (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَهٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَهَ ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۱)

بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است)؛ همین که (دنیا به آنها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رومی آورند)! (به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند، و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است! (۱۱)

يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۲)

او جز خدا کسی را می خواند که نه زیانی به او می رساند، و نه سودی؛ این همان گمراهی بسیار عمیق است. (۱۲)

يَدْعُو لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (۱۳)

او کسی را می خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یاوری، و چه بد مونس و معاشری! (۱۳)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۱۴)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است؛ (آری،) خدا هر چه را اراده کند انجام می دهد! (۱۴)

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ (۱۵)

هر کس گمان می کند که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و از این نظر عصبانی است، هر کاری از دستش ساخته است بکند)، ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد، و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند (و تا لبه پرتگاه مرگ پیش رود)؛ ببیند آیا این کار خشم او را فرو می نشاند؟! (۱۵)

ص: ۳۳۳

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يُرِيدُ (۱۶)

این گونه ما آن [= قرآن ] را بصورت آیات روشنی نازل کردیم؛ و خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند. (۱۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

مسلّماً کسانی که ایمان آورده اند، و یهود و صابئان [= ستاره پرستان ] و نصاری و مجوس و مشرکان، خداوند در میان آنان روز قیامت داوری می کند؛ (و حق را از باطل جدا می سازد؛) خداوند بر هر چیز گواه (و از همه چیز آگاه) است. (۱۷)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! امّا بسیاری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است؛ و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می دهد!

(۱۸)

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِینَ کَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِیَابٌ مِّن نَّارٍ یُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِیمُ (۱۹)

اینان دو گروهند که درباره پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند؛ کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده، و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می شود؛ (۱۹)

یُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

آنچنان که هم درونشان با آن آب می شود، و هم پوستهایشان. (۲۰)

وَلَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِیدٍ (۲۱)

و برای آنان گرزهایی از آهن (سوزان) است. (۲۱)

کُلَّمَا أَرَادُوا أَن یَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِیدُوا فِیهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ (۲۲)

هر گاه بخواهند از غم و اندوه های دوزخ خارج شوند، آنها را به آن بازمی گردانند؛ و (به آنان گفته می شود:) بچشید عذاب سوزان را! (۲۲)

إِنَّ اللَّهَ یُدْخِلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ یُحَلَّوْنَ فِیهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِیهَا حَرِیرٌ (۲۳)

خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، در باغهایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ آنان با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت می شوند؛ و در آنجا لباسهایشان از حریر است. (۲۳)

ص: ۳۳۴

وَهُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَی صِرَاطِ الْحَمِیدِ (۲۴)

و بسوی سخنان پاکیزه هدایت می شوند، و به راه خداوند شایسته ستایش، راهنمایی می گردند. (۲۴)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِی جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاکِفُ فِیهِ وَالْبَادِ وَمَن یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ (۲۵)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می کنند یا از نقاط دور وارد می شوند (، مستحقّ عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می چشانیم! (۲۵)

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِی شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِیَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲۶)

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم:) چیزی را همتای من قرار مده! و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجودکنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز! (۲۶)

وَأَذِّن فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (۲۷)

و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند... (۲۷)

لِّيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِی أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (۲۸)

تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیاتبخش) باشند؛ و در ایّام معیّنی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان داده است، (به هنگام قربانی کردن) ببرند؛ پس از گوشت آنها بخورید؛ و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید! (۲۸)

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۲۹)

سپس، باید آلودگیهایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند. (۲۹)

ذَلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِندَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰)

(مناسک حج) این است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! و چهارپایان برای شما حلال شده، مگر آنچه (ممنوع بودنش) بر شما خوانده می شود. از پلیدیهای بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل بپرهیزید! (۳۰)

ص: ۳۳۵

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِی بِهِ الرِّيحُ فِی مَكَانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

(برنامه و مناسک حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشد! هیچ گونه همتایی برای او قائل نشوید! و هر کس همتایی برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان (در وسط هوا) او را می ربایند؛ و یا تندباد او را به جای دوردستی پرتاب می کند! (۳۱)

ذَلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ (۳۲)

این است (مناسک حج)! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دلهاست. (۳۲)

لَكَمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (۳۳)

در آن (حیوانات قربانی)، منافعی برای شماست تا زمان معیّنی [= روز ذبح آنها] سپس محل آن، خانه قدیمی و گرامی (کعبه) است. (۳۳)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ (۳۴)

برای هر امّتی قربانگاهی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر چهارپایانی که به آنان روزی داده ایم ببرند، و خدای شما معبود واحدی است؛ در برابر (فرمان) او تسلیم شوید و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را. (۳۴)

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۵)

همانها که چون نام خدا برده می شود، دلهایشان پر از خوف (پروردگار) می گردد؛ و شکیبایان در برابر مصیبتهایی که به آنان می رسد؛ و آنها که نماز را برپا می دارند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. (۳۵)

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّن شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر و برکت است؛ نام خدا را (هنگام قربانی کردن) در حالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند)، از گوشت آنها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید! این گونه ما آنها را مسخّرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید. (۳۶)

لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

نه گوشتها و نه خونهای آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. این گونه خداوند آنها را مسخّر شما ساخته، تا او را بخاطر آنکه شما را هدایت کرده است بزرگ بشمرید؛ و بشارت ده نیکوکاران را! (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند؛ خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد! (۳۸)

ص: ۳۳۶

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته اند؛ و خدا بر یاری

آنها تواناست. (۳۹)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. (۴۰)

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (۴۱)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ (۴۲)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه ای نیست؛) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند. (۴۲)

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (۴۳)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط؛ (۴۳)

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۴)

و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ امّا من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟! (۴۴)

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ (۴۵)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاك کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقفها!) و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع! (۴۵)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (۴۶)

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دلهایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند؛ یا گوشهای شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشمهای ظاهر نابینا نمی شود، بلکه دلهایی که در سینه هاست کور می شود. (۴۶)



وَیَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَلَن یُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ یَوْمًا عِندَ رَبِّکَ کَأَلْفِ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۴۷)

آنان از تو تقاضای شتاب در عذاب می کنند؛ در حالی که خداوند هرگز از وعده خود تخلّف نخواهد کرد! و یک روز نزد پروردگارت، همانند هزار سال از سالهایی است که شما می شمرید! (۴۷)

وَکَأَیِّن مِّن قَرْیَهٍ أَمْلَیْتُ لَهَا وَهِیَ ظَالِمَهٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَیَّ الْمَصِیرُ (۴۸)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (امّا از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند.) سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها بسوی من است! (۴۸)

قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَکُمْ نَذِیرٌ مُّبِینٌ (۴۹)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم! (۴۹)

فَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَهٌ وَرِزْقٌ کَرِیمٌ (۵۰)

آنها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آمرزش و روزی پر ارزشی برای آنهاست! (۵۰)

وَالَّذِینَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِیمِ (۵۱)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می پنداشتند که می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!» (۵۱)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِیٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّی أَلْقَی الشَّیْطَانُ فِی أُمْنِیَّتِهِ فَیَنسَخُ اللَّهُ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ ثُمَّ یُحْکِمُ اللَّهُ آیَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ (۵۲)

هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هرگاه آرزو می کرد (و طرحی برای پیشبرد اهداف الهی خود می ریخت)، شیطان القائاتی در آن می کرد؛ امّا خداوند القائات شیطان را از میان می برد، سپس آیات خود را استحکام می بخشید؛ و خداوند علیم و حکیم است. (۵۲)

لِّیَجْعَلَ مَا یُلْقِی الشَّیْطَانُ فِتْنَهً لِّلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِیَهِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِینَ لَفِی شِقَاقٍ بَعِیدٍ (۵۳)

هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آنها که در دلهایشان بیماری است، و آنها که سنگدلند؛ و

ظالمان در عداوت شدید دور از حقّ قرار گرفته اند! (۵۳)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۵۴)

و (نیز) هدف این بود که آگاهان بدانند این حقّی است از سوی پروردگارت، و در نتیجه به آن ایمان بیاورند، و دلهایشان در برابر آن خاضع گردد؛ و خداوند کسانی را که ایمان آوردند، بسوی صراط مستقیم هدایت می کند. (۵۴)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

کافران همواره در باره قرآن در شکّ هستند، تا آنکه روز قیامت بطور ناگهانی فرارسد، یا عذاب روز عقیم [= روزی که قادر بر جبران گذشته نیستند] به سراغشان آید! (۵۵)



الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۵۶)

حکومت و فرمانروایی در آن روز از آن خداست؛ و میان آنها داوری می کند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای پرنعمت بهشتند؛ (۵۶)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵۷)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، عذاب خوارکننده ای برای آنهاست! (۵۷)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۵۸)

و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می دهد؛ که او بهترین روزی دهندگان است! (۵۸)

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ (۵۹)

خداوند آنان را در محلی وارد می کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و خداوند دانا و بردبار است. (۵۹)

ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۶۰)

(آری،) مطلب چنین است! و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، سپس مورد تعدّی قرار گیرد، خدا او را یاری خواهد کرد؛ یقیناً خداوند بخشنده و آمرزنده است! (۶۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

این (وعـده نصـرت الهی) بخاطر آن است (که او بر هر چیز قادر است؛ خداوندی) که شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند؛ و خداوند شنوا و بیناست! (۶۱)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا یَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ (۶۲)

این بخاطر آن است که خداوند حقّ است؛ و آنچه را غیر از او می خوانند باطل است؛ و خداوند بلندمقام و بزرگ است! (۶۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ (۶۳)

آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرّم می گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است. (۶۳)

لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ (۶۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و خداوند بی نیاز، و شایسته هر گونه ستایش است! (۶۴)

ص: ۳۳۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُم مَّا فِی الْأَرْضِ وَالْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَیُمْسِکُ السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۶۵)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخّر شما کرد؛ و (نیز) کشتیهایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوسها حرکت می کننـد؛ و آسـمان [= کرات و سـنگهای آسـمانی ] را نگه می دارد، تا جز بفرمان او، بر زمین فرو نیفتنـد؟ خداونـد نسبت به مردم رحیم و مهربان است! (۶۵)

وَهُوَ الَّذِی أَحْیَاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ إِنَّ الْإِنسَانَ لَکَفُورٌ (۶۶)

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می میراند، بار دیگر زنده می کند، امّا این انسان بسیار ناسپاس است. (۶۶)

لِّکُلِّ أُمَّهٍ جَعَلْنَا مَنسَکًا هُمْ نَاسِکُوهُ فَلَا یُنَازِعُنَّکَ فِی الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَی رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلَی هُدًی مُّسْتَقِیمٍ (۶۷)

برای هر امّتی عبـادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشـگاه خـدا) انجام دهنـد؛ پس نبایـد در این امر با تو به نزاع برخیزنـد! بسوی پروردگارت دعوت کن، که بر هدایت مستقیم قرار داری (و راه راست همین است که تو می پویی). (۶۷)

وَإِن جَادَلُوکَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۶۸)

و اگر آنان با تو به جدال برخیزند، بگو: «خدا از کارهایی که شما انجام می دهید آگاهتر است! (۶۸)

اللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِیمَا کُنتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (۶۹)

و خداوند در روز قیامت، میان شما در آنچه اختلاف می کردید، داوری می کند!» (۶۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷۰)

آیا نمی دانستی خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟! همه اینها در کتابی ثبت است (همان کتاب علم بی پایان پروردگار)؛ و این بر خداوند آسان است! (۷۰)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۷۱)

آنها غیر از خداوند، چیزهایی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و چیزهایی را که علم و آگاهی به آن ندارند! و برای ستمگران، یاور و راهنمایی نیست! (۷۱)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۷۲)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره کافران آثار انکار مشاهده می کنی، آنچنان که نزدیک است برخیزند و با مشت به کسانی که آیات ما را بر آنها میخوانند حمله کنند! بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ همان آتش سوزنده [= دوزخ ] که خدا به کافران وعده داده؛ و بد سرانجامی است!» (۷۲)

ص: ۳۴۰

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۷۳)

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می خوانید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم دهند! و هرگاه مگس چیزی از آنها برباید، نمی توانند آن را باز پس گیرند! هم این طلب کنندگان ناتوانند، و هم آن مطلوبان (هم این عابدان، و هم آن معبودان)! (۷۳)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۷۴)

خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (۷۴)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۷۵)

خداوند از فرشتگان رسولانی برمی گزیند، و همچنین از مردم؛ خداوند شنوا و بیناست! (۷۵)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۷۶)

آنچه را در پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می داند؛ و همه امور بسوی خدا بازمی گردد. (۷۶)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید! (۷۷)

وَجَاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاکُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِیکُمْ إِبْرَاهِیمَ هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِن قَبْلُ وَفِی هَذَا لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیدًا عَلَیْکُمْ وَتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ فَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّکَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاکُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَی وَنِعْمَ النَّصِیرُ (۷۸)

و در راه خدا جهاد کنید، و حقّ جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و به خدا تمسّک جویید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته ای! (۷۸)

ص: ۳۴۱

## جزء ۱۸

## سوره المؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱)

مؤمنان رستگار شدند؛ (۱)

الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ (۲)

وَالَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)

و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند؛ (۳)

وَالَّذِینَ هُمْ لِلزَّکَاةِ فَاعِلُونَ (۴)

و آنها که زکات را انجام می دهند؛ (۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می کنند؛ (۵)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند؛ (۶)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)

و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند! (۷)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند؛ (۸)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند؛ (۹)

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

(آری،) آنها وارثانند! (۱۰)

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می برند، و جاودانه در آن خواهند ماند! (۱۱)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲)

و ما انسان را از عصاره ای از گِل آفریدیم؛ (۱۲)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳)

سپس او را نطفه ای در قرارگاه مطمئن [= رحم ] قرار دادیم؛ (۱۳)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته ]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده ]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآوردیم؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! (۱۴)

ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵)

سپس شما بعد از آن می میرید؛ (۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

سپس در روز قیامت برانگیخته می شوید! (۱۶)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

ما بر بالای سر شما هفت راه [= طبقات هفتگانه آسمان ] قرار دادیم؛ و ما (هرگز) از خلق (خود) غافل نبوده ایم! (۱۷)

ص: ۳۴۲

وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸)

و از آسمان، آبی به اندازه معیّن نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم! (۱۸)

فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)

سپس بوسیله آن باغهایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغهایی که در آن میوه های بسیار است؛ و از آن میخورید! (۱۹)

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ (۲۰)

و (نیز) درختی را که از طور سینا می روید [= درخت زیتون ]، و از آن روغن و «نان خورش» برای خورندگان فراهم می گردد (آفریدیم)! (۲۰)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱)

و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست [= از شیر] شما را سیراب می کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می خورید؛ (۲۱)

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)

و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید! (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را بپرستید، که جز او معبودی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی کنید؟! (۲۳)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَـٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَـٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴)

جمعیّت اشرافی (و مغرور) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم! (۲۴)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (۲۵)

او فقط مردی است که به نوعی جنون مبتلاست! پس مدّتی درباره او صبر کنید (تا مرگش فرا رسد، یا از این بیماری رهایی یابد!)» (۲۵)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۲۶)

(نوح) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (۲۶)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (۲۷)

ما به نوح وحی کردیم که: «کشتی را در حضور ما، و مطابق وحی ما بساز. و هنگامی که فرمان ما (برای غرق آنان) فرا رسد، و آب از تنور بجوشد (که نشانه فرا رسیدن طوفان است)، از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در کشتی سوار کن؛ و همچنین خانواده ات را، مگر آنانی که قبلاً وعده هلاکشان داده شده [= همسر و فرزند کافرت ]؛ و دیگر درباره ستمگران با من سخن مگو، که آنان همگی هلاک خواهند شد. (۲۷)

ص: ۳۴۳

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!» (۲۸)

وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِی مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (۲۹)

و بگو: «پروردگارا! ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آر، و تو بهترین فرودآورندگانی!» (۲۹)

إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۳۰)

(آری،) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشه) آیات و نشانه هایی است؛ و ما مسلّماً همگان را آزمایش می کنیم! (۳۰)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۳۱)

سپس جمعیّت دیگری را بعد از آنها به وجود آوردیم. (۳۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲)

و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی کنید؟!» (۳۲)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِی الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشد! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟!) (۳۳)

وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۳۴)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلّماً زیانکارید. (۳۴)

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ (۳۵)

آیا او به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می شوید؟! (۳۵)

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶)

هیهات، هیهات از این وعده هایی که به شما داده می شود! (۳۶)

إِنْ هِیَ إِلَّا حَیَاتُنَا الدُّنْیَا نَمُوتُ وَنَحْیَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِینَ (۳۷)

مسلّماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می میریم، و نسل دیگری جای ما را می گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۷)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِینَ (۳۸)

او فقط مردی دروغگوست که بر خدا افترا بسته؛ و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد!» (۳۸)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِی بِمَا کَذَّبُونِ (۳۹)

(پیامبرشان) گفت: «پروردگارا! مرا در برابر تکذیبهای آنان یاری کن!» (۳۹)

قَالَ عَمَّا قَلِیلٍ لَّیُصْبِحُنَّ نَادِمِینَ (۴۰)

(خداوند) فرمود: «بزودی از کار خود پشیمان خواهند شد! (امّا زمانی که دیگر سودی به حالشان ندارد.)» (۴۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۴۱)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)! (۴۱)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِینَ (۴۲)

سپس اقوام دیگری را پس از آنها پدید آوردیم. (۴۲)

ص: ۳۴۴

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّهٍ أَجَلَهَا وَمَا یَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امتی بر اجل و سر رسید حتمی خود پیشی نمی گیرد، و از آن تأخیر نیز نمی کند. (۴۳)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَی کُلَّ مَا جَاءَ أُمَّهً رَّسُولُهَا کَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِیثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا یُؤْمِنُونَ (۴۴)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند؛ ولی ما این امّتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام

و گفتگویی از آنان باقی ماند.) دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی آورند! (۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵)

سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم... (۴۵)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۴۶)

بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ امّا آنها تکبّر کردند، و آنها مردمی برتری جوی بودند. (۴۶)

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)

آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟!» (۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۴۸)

(آری،) آنها این دو را تکذیب کردند؛ و سرانجام همگی هلاک شدند. (۴۸)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ شاید آنان [= بنی اسرائیل ] هدایت شوند. (۴۹)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۵۰)

و ما فرزند مریم [= عیسی ] و مادرش را آیت و نشانه ای قرار دادیم؛ و آنها را در سرزمین مرتفعی که دارای امنیّت و آب جاری بود جای دادیم. (۵۰)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می دهید آگاهم. (۵۱)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲)

و این امّت شما امّت واحدی است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس، از مخالفت فرمان من بپرهیزید! (۵۲)

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

امّا آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! (۵۳)

فَذَرْهُمْ فِی غَمْرَتِهِمْ حَتَّی حِینٍ (۵۴)

آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که مرگشان فرا رسد یا گرفتار عذاب الهی شوند). (۵۴)

أَیَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِینَ (۵۵)

آنها گمان می کنند اموال و فرزندانی که بعنوان کمک به آنان می دهیم... (۵۵)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِی الْخَیْرَاتِ بَل لَّا یَشْعُرُونَ (۵۶)

برای این است که درهای خیرات را با شتاب به روی آنها بگشاییم!! (چنین نیست) بلکه آنها نمی فهمند (که این وسیله امتحانشان است). (۵۶)

إِنَّ الَّذِینَ هُم مِّنْ خَشْیَهِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (۵۷)

مسلّماً کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند، (۵۷)

وَالَّذِینَ هُم بِآیَاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ (۵۸)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند، (۵۸)

وَالَّذِینَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا یُشْرِکُونَ (۵۹)

و آنها که به پروردگارشان شرک نمی ورزند، (۵۹)

ص: ۳۴۵

وَالَّذِینَ یُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَهٌ أَنَّهُمْ إِلَی رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰)

و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دلهایشان هراسناک است از اینکه سرانجام بسوی پروردگارشان بازمی گردند، (۶۰)

أُولَئِکَ یُسَارِعُونَ فِی الْخَیْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)

(آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند (و مشمول عنایات ما هستند). (۶۱)

وَلَا نُکَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَیْنَا کِتَابٌ یَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ (۶۲)

و ما هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کنیم؛ و نزد ما کتابی است که (تمام اعمال بندگان را ثبت کرده و) بحق

سخن می گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی شود. (۶۲)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳)

ولی دلهـای آنهـا از این نامه اعمال (و روز حساب و آیات قرآن) در بی خبری فرورفته؛ و اعمال (زشت) دیگری جز این دارند که پیوسته آن را انجام می دهند... (۶۳)

حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (۶۴)

تـا زمـانی که متنعّمـان مغرور آنها را در چنگال عـذاب گرفتار سازیم؛ در این هنگام، ناله های دردناک و اسـتغاثه آمیز سـرمی دهند! (۶۴)

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (۶۵)

(امّا به آنها گفته می شود:) امروز فریاد نکنید، زیرا از سوی ما یاری نخواهید شد! (۶۵)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ (۶۶)

(آیا فراموش کرده اید که) در گذشـته آیات من پیوسـته بر شما خوانده می شد؛ امّا شما اعراض کرده به عقب بازمی گشتید؟! (۶۶)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷)

در حالی که در برابر او [=پیامبر] استکبار می کردید، و شبها در جلسات خود به بدگویی می پرداختید؟! (۶۷)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟! (۶۸)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۶۹)

یا اینکه پیامبرشان را نشناختند (و از سوابق او آگاه نیستند)، از این رو او را انکار می کنند؟! (۶۹)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰)

یا می گویند او دیوانه است؟! ولی او حق را برای آنان آورده؛ امّا بیشترشان از حق کراهت دارند (و گریزانند). (۷۰)

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ (۷۱)

و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آنها هستند تباه می شوند! ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه یادآوری (و عزّت و شرف) برای آنهاست، امّا آنان از (آنچه مایه) یادآوریشان (است) رویگردانند! (۷۱)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّکَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۷۲)

یا اینکه تو از آنها مزد و هزینه ای (در برابر دعوتت) می خواهی؟ با اینکه مزد پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است! (۷۲)

وَإِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۳)

بطور قطع و یقین، تو آنان را به راه راست دعوت می کنی. (۷۳)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ (۷۴)

امّا کسانی که به آخرت ایمان ندارند از این راه منحرفند! (۷۴)

ص: ۳۴۶

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵)

و اگر به آنان رحم کنید و گرفتاریها و مشکلاتشان را برطرف سازیم، (نه تنها بیدار نمی شوند، بلکه) در طغیانشان لجاجت می ورزند و (در این وادی) سرگردان می مانند! (۷۵)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۷۶)

ما آنها را به عذاب و بلا گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)، امّا آنان نه در برابر پروردگارشان تواضع کردند، و نه به درگاهش تضرّع می کنند! (۷۶)

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)

(این وضع همچنان ادامه می یابد) تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم، (و چنان گرفتار می شوند که) ناگهان بکلّی مأیوس گردند. (۷۷)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷۸)

و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب [=عقل ] ایجاد کرد؛ امّا کمتر شکر او را بجا می آورید. (۷۸)

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۹)

و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و به سوی او محشور می شوید! (۷۹)

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۸۰)

و او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (۸۰)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱)

(نه،) بلکه آنان نیز مثل آنچه پیشینیان گفته بودند گفتند. (۸۱)

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۸۲)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدیم، آیا بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (۸۲)

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳)

این وعده به ما و پدرانمان از قبل داده شده؛ این فقط افسانه های پیشینیان است!» (۸۳)

قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴)

بگو: «زمین و کسانی که در آن هستند از آن کیست، اگر شما می دانید؟!» (۸۴)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۸۵)

بزودی (در پاسخ تو) می گویند: «همه از آن خداست!» بگو: «آیا متذکّر نمی شوید؟!» (۸۵)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۸۶)

بگو: «چه کسی پروردگار آسمانهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است؟» (۸۶)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷)

بزودی خواهند گفت: «همه اینها از آن خداست!» بگو: «آیا تقوا پیشه نمی کنید (و از خدا نمی ترسید و دست از شرک برنمی دارید)؟!» (۸۷)

قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸)

بگو: «اگر می دانید، چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد، و به بی پناهان پناه می دهد، و نیاز به پناه دادن ندارد؟!» (۸۸)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (۸۹)

خواهند گفت: «(همه اینها) از آن خداست» بگو: «با این حال چگونه می گویید سحر شده اید (و این سخنان سحر و افسون است)؟!» (۸۹)

ص: ۳۴۷

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)

نه، (واقع این است که) ما حقّ را برای آنها آوردیم؛ و آنان دروغ می گویند! (۹۰)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (۹۱)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبود دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می جستند (و جهان هستی به تباهی کشیده می شد)؛ منزّه است خدا از آنچه آنان توصیف می کنند! (۹۱)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۹۲)

او دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه برای او همتا قرار می دهند! (۹۲)

قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ (۹۳)

بگو: «پروردگار من! اگر عذابهایی را که به آنان وعده داده می شود به من نشان دهی (و در زندگیم آن را ببینم)... (۹۳)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۹۴)

پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!» (۹۴)

وَإِنَّا عَلَى أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (۹۵)

و ما تواناییم که آنچه را به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم! (۹۵)

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی ده)! ما به آنچه توصیف می کنند آگاهتریم! (۹۶)

وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷)

و بگو: «پروردگارا! از وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم! (۹۷)

وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن یَحْضُرُونِ (۹۸)

و از اینکه آنان نزد من حاضر شوند (نیز) -ای پروردگار من- به تو پناه می برم!» (۹۸)

حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹)

(آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگار من! مرا بازگردانید! (۹۹)

لَعَلِّی أَعْمَلُ صَالِحًا فِیمَا تَرَکْتُ کَلَّا إِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (۱۰۰)

شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم!» (ولی به او می گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند! (۱۰۰)

فَإِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَلَا یَتَسَاءَلُونَ (۱۰۱)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، هیچ یک از پیوندهای خویشاوندی میان آنها در آن روز نخواهد بود؛ و از یکدیگر تقاضای کمک نمی کنند (چون کاری از کسی ساخته نیست)! (۱۰۱)

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِینُهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۲)

و کسانی که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند! (۱۰۲)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِینُهُ فَأُولَئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِی جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۱۰۳)

و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند! (۱۰۳)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِیهَا کَالِحُونَ (۱۰۴)

شعله های سوزان آتش همچون شمشیر به صورتهایشان نواخته می شود؛ و در دوزخ چهره ای عبوس دارند. (۱۰۴)

ص: ۳۴۸

أَلَمْ تَکُنْ آیَاتِی تُتْلَی عَلَیْکُمْ فَکُنتُم بِهَا تُکَذِّبُونَ (۱۰۵)

(به آنها گفته می شود:) آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد، پس آن را تکذیب می کردید؟! (۱۰۵)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)

می گویند: «پروردگارا! بدبختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم! (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷)

پروردگارا! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، اگر بار دیگر تکرار کردیم قطعاً ستمگریم (و مستحق عذاب)!» (۱۰۷)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

(خداوند) می گوید: «دور شوید در دوزخ، و با من سخن مگویید! (۱۰۸)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۰۹)

(فراموش کرده اید) گروهی از بندگانم می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی! (۱۰۹)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۱۰)

امّا شما آنها را به باد مسخره گرفتید تا شما را از یاد من غافل کردند؛ و شما به آنان می خندیدید! (۱۱۰)

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (۱۱۱)

ولی من امروز آنها را بخاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم؛ آنها پیروز و رستگارند!» (۱۱۱)

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲)

(خداوند) می گوید: «چند سال در روی زمین توقّف کردید؟» (۱۱۲)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (۱۱۳)

(در پاسخ) می گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از یک روز! از آنها که می توانند بشمارند بپرس!» (۱۱۳)

قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

می گوید: «(آری،) شما مقدار کمی توقّف نمودید اگر می دانستید!» (۱۱۴)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (١١٥)

آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و بسوی ما باز نمی گردید؟ (١١٥)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (١١٦)

پس برتر است خداوندی که فرمانروای حقّ است (از اینکه شما را بی هدف آفریده باشد)! معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است! (١١٦)

وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (١١٧)

و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند -و مسلّماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت- حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ یقیناً کافران رستگار نخواهند شد! (١١٧)

وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (١١٨)

و بگو: «پروردگارا! مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی! (١١٨)

ص: ٣٤٩

## سوره النور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (١)

(این) سوره ای است که آن را فرو فرستادیم، و (عمل به آن را) واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی نازل کردیم، شاید شما متذکّر شوید! (١)

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (٢)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبّت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند! (٢)

الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (٣)

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند؛ و زن زناکار را، جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود درنمی آورد؛ و این کار بر مؤمنان حرام شده است! (٣)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴)

و کسانی که زنان پاکدامن را متهمّ می کنند، سپس چهار شاهد (بر مدّعای خود) نمی آورند، آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید؛ و آنها همان فاسقانند! (۴)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶)

و کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفّت) متهمّ می کنند، و گواهانی جز خودشان ندارند، هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد که از راستگویان است؛ (۶)

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷)

و در پنجمین بار بگوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (۷)

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸)

آن زن نیز می تواند کیفر (زنا) را از خود دور کند، به این طریق که چهار بار خدا را به شهادت طلبد که آن مرد (در این نسبتی که به او می دهد) از دروغگویان است. (۸)

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِن كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹)

و بار پنجم بگوید که غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد. (۹)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰)

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می شدید)! (۱۰)

ص: ۳۵۰

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِى تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

مسلّماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکّل و توطئه گر) از شما بودند؛ امّا گمان نکنید این ماجرا برای

شما بـد است، بلکه خیر شـما در آن است؛ آنها هر کدام سـهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند؛ و از آنان کسـی که بخش مهمّ آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست! (١١)

لَّوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (١٢)

چرا هنگـامی که این (تهمت) را شـنیدید، مردان و زنان با ایمان نسـبت به خود (و کسـی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند و نگفتند این دروغی بزرگ و آشکار است؟! (١٢)

لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِندَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (١٣)

چرا چهار شاهد برای آن نیاوردند؟! اکنون که این گواهان را نیاوردند، آنان در پیشگاه خدا دروغگویانند! (١٣)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (١۴)

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت شامل شـما نمی شد، بخاطر این گناهی که کردید عذاب سختی به شما می رسید! (١۴)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمٌ (١۵)

به خـاطر بیاوریـد زمـانی را که این شـایعه را از زبـان یکـدیگر می گرفتیـد، و بـا دهان خود سـخنی می گفتیـد که به آن یقین نداشتید؛ و آن را کوچک می پنداشتید در حالی که نزد خدا بزرگ است! (١۵)

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (١۶)

چرا هنگـامی که آن را شـنیدید نگفتیـد: «مـا حـق نـداریم که به این سـخن تکلّم کنیم؛ خداونـدا منزّهی تـو، این بهتـان بزرگی است»؟! (١۶)

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (١٧)

خداوند شما را اندرز می دهد که هرگز چنین کاری را تکرار نکنید اگر ایمان دارید! (١٧)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٨)

و خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (١٨)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (١٩)

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند

می داند و شما نمی دانید! (۱۹)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و اینکه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامانتان را می گرفت)! (۲۰)

ص: ۳۵۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از گامهای شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد! و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود، هرگز احدی از شما پاک نمی شد؛ ولی خداوند هر که را بخواهد تزکیه می کند، و خدا شنوا و داناست! (۲۱)

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛ آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند؛ آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است! (۲۲)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳)

کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند و عذاب بزرگی برای آنهاست. (۲۳)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

در آن روز زبانها و دستها و پاهایشان بر ضدّ آنها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهد! (۲۴)

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵)

آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست می دهد؛ و می دانند که خداوند حق آشکار است! (۲۵)

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلّق دارند؛ و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند! اینان از نسبتهای ناروایی که (ناپاکان) به آنان می دهند مبرّا هستند؛ و برای آنان آمرزش (الهی) و روزی پرارزشی است! (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکّر شوید! (۲۷)

ص: ۳۵۲

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸)

و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (۲۸)

لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹)

(ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانه های غیر مسکونی بشوید که در آن متاعی متعلّق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند! (۲۹)

قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (۳۰)

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران

همسـرانشان، یـا برادرانشان، یا پسـران برادرانشان، یا پسـران خواهرانشان، یا زنان هم کیشـشان، یا بردگانشان [=کنیزانشان ]، یا افراد سـفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسـی مربوط به زنان آگاه نیسـتند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید! (۳۱)

ص: ۳۵۳

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲)

مردان و زنان بی همسر خود را همسـر دهیـد، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درسـتکارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشـند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است! (۳۲)

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابنـد، بایـد پاکـدامنی پیشه کننـد تا خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز گرداند! و آن بردگانتان که خواستار مکاتبه [=قرار داد مخصوص برای آزاد شدن ] هستند، با آنان قرار داد ببندید اگر رشد و صلاح در آنان احساس می کنیـد (که بعـد از آزادی، توانایی زنـدگی مسـتقل را دارند)؛ و چیزی از مال خدا را که به شـما داده است به آنان بدهیـد! و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایـدار زنـدگی دنیا مجبور به خود فروشـی نکنید اگر خودشان می خواهند پاک بماننـد! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کنـد، (سـپس پشـیمان گردد،) خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است! (توبه کنید و بازگردید، تا خدا شما را ببخشد!) (۳۳)

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

ما بر شـما آیاتی فرسـتادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند، و اخباری از کسانی که پیش از شما بودند، و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران! (۳۴)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

خداونـد نور آسـمانها و زمین است؛ مثل نور خداونـد هماننـد چراغـدانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد، آن چراغ در حبـابی قرار گیرد، حبـابی شـفاف و درخشـنده همچون یک سـتاره فروزان، این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتـونی گرفته شـده که نه شـرقی است و نه غربی؛ (روغنش آنچنـان صـاف و خـالص است که) نزدیـک است بـدون

تماس با آتش شعله ور شود؛ نوری است بر فراز نوری؛ و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند، و خداوند به هر چیزی داناست. (۳۵)

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶)

(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه هایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می گویند... (۳۶)

ص: ۳۵۴

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۷)

مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند؛ آنها از روزی می ترسند که در آن، دلها و چشمها زیر و رو می شود. (۳۷)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۸)

(آنها به سراغ این کارها می روند) تا خداوند آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضل خود بر پاداششان بیفزاید؛ و خداوند به هر کس بخواهد بی حساب روزی می دهد (و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد). (۳۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹)

کسانی که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه از دور آن را آب می پندارد؛ امّا هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد، و خدا را نزد آن می یابد که حساب او را بطور کامل می دهد؛ و خداوند سریع الحساب است! (۳۹)

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (۴۰)

یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمتهایی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست! (۴۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خداوند به آنچه انجام میدهند داناست! (۴۱)

وَلِلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ (۴۲)

و از برای خداست حکومت و مالکیّت آسمانها و زمین؛ و بازگشت (تمامی موجودات) بسوی اوست! (۴۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُزْجِی سَحَابًا ثُمَّ یُؤَلِّفُ بَیْنَهُ ثُمَّ یَجْعَلُهُ رُکَامًا فَتَرَی الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَیُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ فِیهَا مِن بَرَدٍ فَیُصِیبُ بِهِ مَن یَشَاءُ وَیَصْرِفُهُ عَن مَّن یَشَاءُ یَکَادُ سَنَا بَرْقِهِ یَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می راند، سپس میان آنها پیوند می دهد، و بعد آن را متراکم می سازد؟! در این حال، دانه های باران را می بینی که از لابه لای آن خارج می شود؛ و از آسمان -از کوه هایی که در آن است [=ابرهایی که همچون کوه ها انباشته شده اند]- دانه های تگرگ نازل می کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشمها را ببرد! (۴۳)

ص: ۳۵۵

یُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَعِبْرَةً لِّأُولِی الْأَبْصَارِ (۴۴)

خداوند شب و روز را دگرگون می سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت! (۴۴)

وَاللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی بَطْنِهِ وَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی رِجْلَیْنِ وَمِنْهُم مَّن یَمْشِی عَلَی أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اللَّهُ مَا یَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۴۵)

و خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست! (۴۵)

لَّقَدْ أَنزَلْنَا آیَاتٍ مُّبَیِّنَاتٍ وَاللَّهُ یَهْدِی مَن یَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۴۶)

ما آیات روشنگری نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به صراط مستقیم هدایت می کند! (۴۶)

وَیَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ یَتَوَلَّی فَرِیقٌ مِّنْهُم مِّن بَعْدِ ذَلِکَ وَمَا أُولَئِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ (۴۷)

آنها می گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می کنیم!» ولی بعد از این ادّعا، گروهی از آنان رویگردان می شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند! (۴۷)

وَإِذَا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ إِذَا فَرِیقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ (۴۸)

و هنگـامی کـه از آنـان دعـوت شـود که بسـوی خـدا و پیـامبرش بیاینـد تـا در میانشـان داوری کنـد، ناگهـان گروهی از آنـان رویگردان می شوند! (۴۸)

وَإِن یَکُن لَّهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا إِلَیْهِ مُذْعِنِینَ (۴۹)

ولی اگر حق داشته باشند (و داوری به نفع آنان شود) با سرعت و تسلیم بسوی او می آیند! (۴۹)

أَفِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ یَخَافُونَ أَن یَحِیفَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۵۰)

آیـا در دلهـای آنـان بیمـاری است، یـا شکّ و تردیـد دارنـد، یا می ترسـند خـدا و رسولش بر آنان سـتم کننـد؟! نه، بلکه آنها خودشان ستمگرند! (۵۰)

إِنَّمَا کَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِینَ إِذَا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ أَن یَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

سخن مؤمنان، هنگامی که بسوی خـدا و رسولش دعوت شوند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می گویند: «شـنیدیم و اطاعت کردیم!» و اینها همان رستگاران واقعی هستند. (۵۱)

وَمَن یُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیَخْشَ اللَّهَ وَیَتَّقْهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۵۲)

و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همان پیروزمندان واقعی هستند! (۵۲)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ قُل لَّا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۵۳)

آنها با نهایت تأکیـد سوگنـد یاد کردنـد که اگر به آنان فرمان دهی، (از خانه و اموال خود) بیرون می روند (و جان را در طبق اخلاص گـذارده تقـدیم می کننـد)؛ بگو: «سوگنـد یاد نکنیـد؛ شـما طاعت خالصانه نشان دهیـد که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!» (۵۳)

ص: ۳۵۶

قُـلْ أَطِیعُـوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ فَـإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَـا عَلَیْهِ مَـا حُمِّلَ وَعَلَیْکُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِیعُوهُ تَهْتَـدُوا وَمَـا عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَـاغُ الْمُبِینُ (۵۴)

بگو: «خـدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سـرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شـما مسؤول اعمال خود! امّا اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!» (۵۴)

وَعَـدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَـاتِ لَیَسْـتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْـتَخْلَفَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی

ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیّت و آرامش مبدّل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند. (۵۵)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶)

و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید. (۵۶)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۷)

گمان مبر کافران می توانند از چنگال مجازات الهی در زمین فرار کنند! جایگاه آنان آتش است، و چه بد جایگاهی است! (۵۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما، و همچنین کودکانتان که به حدّ بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ امّا بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیّت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (۵۸)

ص: ۳۵۷

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هنگامی که اطفال شما به سنّ بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است! (۵۹)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و زنان از کارافتاده ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (۶۰)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه های خودتان [=خانه های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می شود بدون اجازه خاصّی ] غذا بخورید؛ و همچنین خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان، یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمّه هایتان، یا خانه های داییهایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلامی و تحیّتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می کند، باشد که بیندیشید! (۶۱)



إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمّی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند؛ کسانی که از تو اجازه می گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهمّ خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می خواهی (و صلاح می بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است! (۶۲)

لَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می شوند، و یکی پس از دیگری فرار می کنند می داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می کنند، باید بترسند از اینکه فتنه ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد! (۶۳)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۴)

آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است؛ او می داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می داند) روزی را که بسوی او بازمی گردند؛ و (در آن روز) آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست! (۶۴)

## سوره الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱)

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد. (۱)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا (۲)

خداوندی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی برای خود انتخاب نکرد، و همتایی در حکومت و مالکیت ندارد، و همه چیز را آفرید، و به دقّت اندازه گیری نمود! (۲)

ص: ۳۵۹

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (۳)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان مخلوقند، و مالک زیان و سود خویش نیستند، و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خویشند. (۳)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۴)

و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده اند.» آنها (با این سخن،) ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند. (۴)

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۵)

و گفتند: «این همان افسانه های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده، و هر صبح و شام بر او املا می شود.» (۵)

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۶)

بگو: «کسی آن را نازل کرده که اسرار آسمانها و زمین را می داند؛ او (همیشه) آمرزنده و مهربان بوده است!» (۶)

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا (۷)

و گفتند: «چرا این پیامبر غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟! (نه سنّت فرشتگان را دارد و نه روش شاهان را!) چرا فرشته

ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند (و گواه صدق دعوی او باشد)؟! (۷)

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۸)

یا گنجی (از آسمان) برای او فرستاده شود، یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (و امرار معاش کند)؟!» و ستمگران گفتند: «شما تنها از مردی مجنون پیروی می کنید!» (۸)

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۹)

ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، آن گونه که قدرت پیدا کردن راه را ندارند! (۹)

تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا (۱۰)

زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می دهد: باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلّل قرارمی دهد. (۱۰)

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (۱۱)

(اینها همه بهانه است) بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده اند؛ و ما برای کسی که قیامت را تکذیب کند، آتشی شعله ور و سوزان فراهم کرده ایم! (۱۱)

ص: ۳۶۰

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا (۱۲)

هنگامی که این آتش آنان را از مکانی دور ببیند، صدای وحشتناک و خشم آلودش را که با نفس زدن شدید همراه است می شنوند. (۱۲)

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳)

و هنگامی که در جای تنگ و محدودی از آن افکنده شوند در حالی که در غل و زنجیرند، فریاد واویلای آنان بلند می شود! (۱۳)

لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (۱۴)

(به آنان گفته می شود:) امروز یک بار واویلا نگویید، بلکه بسیار واویلا بگویید! (۱۴)

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (۱۵)

(ای پیـامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویـدانی که به پرهیزگاران وعـده داده شـده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.» (۱۵)

لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا (۱۶)

هر چه بخواهنـد در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده ای است مسلّم که پروردگارت بر عهده گرفته است! (۱۶)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (۱۷)

(به خاطر بیاور) روزی را که همه آنان و معبودهایی را که غیر از خـدا می پرسـتند جمع می کند، آنگاه به آنها می گوید: «آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود آنان راه را گم کردند؟!» (۱۷)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (۱۸)

(در پاسـخ) می گوینـد: «منزّهی تـو! برای مـا شایسته نبـود که غیر از تـو اولیـایی برگزینیم، ولی آنـان و پـدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباه و هلاک شدند.» (۱۸)

فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (۱۹)

(خداونـد به آنان می گویـد: ببینید) این معبودان، شـما را در آنچه می گویید تکذیب کردند! اکنون نمی توانید عذاب الهی را برطرف بسازید، یا از کسی یاری بطلبید! و هر کس از شما ستم کند، عذاب شدیدی به او می چشانیم! (۱۹)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا (۲۰)

مـا هیـچ یک از رسولان را پیش از تو نفرسـتادیم مگر اینکه غـذا می خوردنـد و در بازارها راه می رفتنـد؛ و بعضـی از شـما را وسـیله امتحان بعضـی دیگر قراردادیم، آیا صبر و شـکیبایی می کنیـد (و از عهـده امتحان برمی آیید)؟! و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است. (۲۰)

ص: ۳۶۱

## جزء ۱۹

### ادامه سوره الفرقان

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (۲۱)

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگارمان را با چشم خود نمی بینیم؟!» آنها درباره خود تکبّر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند! (۲۱)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۲)

(آنها به آرزوی خود می رسند،) امّا روزی که فرشتگان را می بینند، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است)! و می گویند: «ما را امان دهید، ما را معاف دارید!» (امّا سودی ندارد!) (۲۲)

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (۲۳)

و ما به سراغ اعمالی که انجام داده اند می رویم، و همه را همچون ذرّات غبار پراکنده در هوا قرار می دهیم! (۲۳)

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (۲۴)

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است! (۲۴)

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنزِيلًا (۲۵)

و (بخاطر آور) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می شود، و فرشتّگان نازل می گردند. (۲۵)

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (۲۶)

حکومت در آن روز از آن خداوند رحمان است؛ و آن روز، روز سختی برای کافران خواهد بود! (۲۶)

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷)

و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدّت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! (۲۷)

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸)

ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (۲۸)

لَّقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولًا (۲۹)

او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود!» و شیطان همیشه خوارکنند* انسان بوده است! (۲۹)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگارا! قوم من قرآن را رها کردند». (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (۳۱)

(آری،) این گونه برای هر پیامبری دشمنی از مجرمان قرار دادیم؛ امّا (برای تو) همین بس که پروردگارت هادی و یاور (تو) باشد! (۳۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (۳۲)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی شود؟!» این بخاطر آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم. (۳۲)

ص: ۳۶۲

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳)

آنان هیچ مثلی برای تو نمی آورند مگر اینکه ما حق را برای تو می آوریم، و تفسیری بهتر (و پاسخی دندان شکن که در برابر آن ناتوان شوند)! (۳۳)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۳۴)

(تو گمراه نیستی،) آنان که بر صورتهایشان بسوی جهنم محشور می شوند، بدترین محل را دارند و گمراه ترین افرادند! (۳۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۳۵)

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم؛ و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم؛ (۳۵)

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (۳۶)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (امّا آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدّت آنان را درهم کوبیدیم! (۳۶)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷)

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم! (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِکَ کَثِيرًا (۳۸)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرّس [= گروهی که درختان صنوبر را می پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاك کردیم! (۳۸)

وَکُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَکُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (۳۹)

و برای هر یک از آنها مثلها زدیم؛ و (چون سودی نداد،) همگی را نابود کردیم! (۳۹)

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَهِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَکُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ کَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (۴۰)

آنها [= مشرکان مکّه ] از کنار شهری که باران شرّ [= بارانی از سنگهای آسمانی ] بر آن باریده بود [= دیار قوم لوط] گذشتند؛ آیا آن را نمی دیدند؟! (آری، می دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتند! (۴۰)

وَإِذَا رَأَوْکَ إِن يَتَّخِذُونَکَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱)

و هنگامی که تو را می بینند، تنها به باد استهزایت می گیرند (و می گویند:) آیا این همان کسی است که خدا او را بعنوان پیامبر برانگیخته است؟! (۴۱)

إِن کَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۲)

اگر ما بر پرستش خدایانمان استقامت نمی کردیم، بیم آن می رفت که ما را گمراه سازد! امّا هنگامی که عذاب الهی را ببینند، بزودی می فهمند چه کسی گمراهتر بوده است! (۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَکُونُ عَلَيْهِ وَکِيلًا (۴۳)

آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تو می توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟! (۴۳)

ص: ۳۶۳

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا کَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

آیا گمان می بری بیشتر آنان می شنوند یا می فهمند؟! آنان فقط همچون چهارپایانند، بلکه گمراهترند! (۴۴)

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّکَ کَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاکِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵)

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر می خواست آن را ساکن قرار می داد؛ سپس خورشید را بر

وجود آن دلیل قرار دادیم! (۴۵)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶)

سپس آن را آهسته جمع می کنیم (و نظام سایه و آفتاب را حاکم می سازیم)! (۴۶)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (۴۷)

وَهُوَ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَیْ رَحْمَتِهِ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم... (۴۸)

لِّنُحْيِیَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِیَّ كَثِيرًا (۴۹)

تا بوسیله آن، سرزمین مرده ای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده ایم -چهارپایان و انسانهای بسیار- می نوشانیم. (۴۹)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۵۰)

ما این آیات را بصورتهای گوناگون برای آنان بیان کردیم تا متذکّر شوند، ولی بیشتر مردم از هر کاری جز انکار و کفر ابا دارند. (۵۰)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِی كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا (۵۱)

و اگر می خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم دهنده ای برمی انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت). (۵۱)

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲)

بنابر این از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن [= قرآن ] با آنان جهاد بزرگی بنما! (۵۲)

وَهُوَ الَّذِی مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (۵۳)

او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد؛ یکی گوارا و شیرین، و دیگر شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید:) دور باش و نزدیک نیا! (۵۳)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۵۴)

او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است. (۵۴)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (۵۵)

آنان جز خدا چیزهایی را می پرستند که نه به آنان سودی می رساند و نه زیانی؛ و کافران همیشه در برابر پروردگارشان (در طریق کفر) پشتیبان یکدیگرند. (۵۵)

ص: ۳۶۴

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۵۶)

(ای پیامبر!) ما تو را جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده نفرستادیم! (۵۶)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۵۷)

بگو: «من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی بسوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است.)» (۵۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸)

و توکّل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگانش آگاه است! (۵۸)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (۵۹)

همان (خدایی) که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو وجود دارد، در شش روز [= شش دوران ] آفرید؛ سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت، او خداوند) رحمان است؛ از او بخواه که از همه چیز آگاه است! (۵۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (۶۰)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی شناسیم!) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می دهی؟!» (این سخن را می گویند) و بر نفرتشان افزوده می شود! (۶۰)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا (۶۱)

جاودان و پربرکت است آن (خدایی) که در آسمان منزلگاه هائی برای ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه

تابانی آفرید! (۶۱)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَهً لِّمَنْ أَرَادَ أَن یَذَّکَّرَ أَوْ أَرَادَ شُکُورًا (۶۲)

و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکّر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس). (۶۲)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)

بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند)؛ (۶۳)

وَالَّذِینَ یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِیَامًا (۶۴)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند؛ (۶۴)

وَالَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَامًا (۶۵)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان، که عذابش سخت و پر دوام است! (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۶۶)

مسلّماً آن (جهنم)، بد جایگاه و بد محلّ اقامتی است!» (۶۶)

وَالَّذِینَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتُرُوا وَکَانَ بَیْنَ ذَلِکَ قَوَامًا (۶۷)

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند. (۶۷)

ص: ۳۶۵

وَالَّذِینَ لَا یَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا یَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا یَزْنُونَ وَمَن یَفْعَلْ ذَلِکَ یَلْقَ أَثَامًا (۶۸)

و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید! (۶۸)

یُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَیَخْلُدْ فِیهِ مُهَانًا (۶۹)

عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! (۶۹)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۷۰)

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدّل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است! (۷۰)

وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (۷۱)

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد.) (۷۱)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲)

و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند. (۷۲)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و کسانی که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی افتند. (۷۳)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و کسانی که می گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (۷۴)

أُولَئِکَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا (۷۵)

(آری،) آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیباییشان به آنان پاداش داده می شود؛ و در آن، با تحیّت و سلام روبه رو می شوند. (۷۵)

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۷۶)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محلّ اقامت خوبی! (۷۶)

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (۷۷)

بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!» ظ (۷۷)

## سوره الشعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (١)

طسم (١)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (٢)

این آیات کتاب روشنگر است. (٢)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (٣)

گویی می خواهی جان خود را از شدّت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی آورند! (٣)

إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ (۴)

اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد! (۴)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵)

و هیچ ذکر تازه ای از سوی خداوند مهربان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند! (۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۶)

آنان تکذیب کردند؛ امّا بزودی اخبار (کیفر) آنچه را استهزا می کردند به آنان می رسد! (۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (٧)

آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویاندیم؟! (٧)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (٨)

در این، نشانه روشنی است (بر وجود خدا)؛ ولی بیشترشان هرگز مؤمن نبوده اند! (٨)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (٩)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (٩)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (١٠)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو... (۱۰)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (۱۱)

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟! (۱۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ (۱۲)

(موسی) عرض کرد: «پروردگارا! از آن بیم دارم که مرا تکذیب کنند، (۱۲)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (۱۳)

و سینه ام تنگ شود، و زبانم بقدر کافی گویا نیست؛ (برادرم) هارون را نیز رسالت ده (تا مرا یاری کند)! (۱۳)

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (۱۴)

و آنان (به اعتقاد خودشان) بر گردن من گناهی دارند؛ می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد)! (۱۴)

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ (۱۵)

فرمود: «چنین نیست، (آنان کاری نمی توانند انجام دهند)! شما هر دو با آیات ما (برای هدایتشان) بروید؛ ما با شما هستیم و (سخنانتان را) می شنویم! (۱۵)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (۱۶)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

بنی اسرائیل را با ما بفرست!» (آنها به سراغ فرعون آمدند)؛ (۱۷)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (۱۸)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبودی؟! (۱۸)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

و سرانجام، آن کارت را (که نمی بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!» (۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲۰)

(موسی) گفت: «من آن کار را انجام دادم در حالی که از بی خبران بودم! (۲۰)

فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۱)

پس هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکمت و دانش بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد! (۲۱)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۲)

آیا این منّتی است که تو بر من می گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته ای؟!» (۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳)

فرعون گفت: «پروردگار عالمیان چیست؟!» (۲۳)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۲۴)

(موسی) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین هستید!». (۲۴)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۵)

(فرعون) به اطرافیانش گفت: «آیا نمی شنوید (این مرد چه می گوید)؟!» (۲۵)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۲۶)

(موسی) گفت: «او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (۲۶)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷)

(فرعون) گفت: «پیامبری که بسوی شما فرستاده شده مسلّماً دیوانه است!» (۲۷)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)

(موسی) گفت: «او پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر شما عقل و اندیشه خود را به کار می گرفتید!» (۲۸)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (۲۹)

(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» (۲۹)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُّبِينٍ (۳۰)

(موسی) گفت: «حتّی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!» (۳۰)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۱)

گفت: «اگر راست می گویی آن را بیاور!» (۳۱)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِیَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۳۲)

در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد؛ (۳۲)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِیَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (۳۳)

و دست خود را (در گریبان فرو برد و) بیرون آورد، و در برابر بینندگان سفید و روشن بود. (۳۳)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۳۴)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است! (۳۴)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَکُم مِّنْ أَرْضِکُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵)

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند! شما چه نظر می دهید؟» (۳۵)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِی الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۳۶)

گفتند: «او و برادرش را مهلت ده؛ و مأموران را برای بسیج به تمام شهرها اعزام کن، (۳۶)

يَأْتُوکَ بِکُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (۳۷)

تا هر ساحر ماهر و دانایی را نزد تو آورند!» (۳۷)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸)

سرانجام ساحران برای وعده گاه روز معیّنی جمع آوری شدند. (۳۸)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ (۳۹)

و به مردم گفته شد: «آیا شما نیز (در این صحنه) اجتماع می کنید... (۳۹)

ص: ۳۶۸

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۴۰)

تا اگر ساحران پیروز شوند، از آنان پیروی کنیم؟!» (۴۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۴۱)

هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمّی خواهیم داشت؟» (۴۱)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

گفت: «(آری،) و در آن صورت شما از مقرّبان خواهید بود!» (۴۲)

قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (۴۳)

(روز موعود فرا رسید و همگی جمع شدند؛) موسی به ساحران گفت: «آنچه را می خواهید بیفکنید، بیفکنید!» (۴۳)

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

آنها طنابها و عصاهای خود را افکندند و گفتند: «به عزّت فرعون، ما قطعاً پیروزیم!» (۴۴)

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

سپس موسی عصایش را افکند، ناگهان تمام وسایل دروغین آنها را بلعید! (۴۵)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶)

فوراً همه ساحران به سجده افتادند. (۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷)

گفتند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم، (۴۷)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (۴۸)

پروردگار موسی و هارون!» (۴۸)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۴۹)

(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلّماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این یک توطئه است)! امّا بزودی خواهید دانست! دستها و پاهای شما را بعکس یکدیگر قطع می کنم، و همه شما را به دار می آویزم!» (۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۵۰)

گفتند: «مهّم نیست، (هر کاری از دستت ساخته است بکن)! ما بسوی پروردگارمان بازمی گردیم! (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

ما امیدواریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین ایمان آورندگان بودیم!» (۵۱)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (۵۲)

و به موسی وحی کردیم که شبانه بندگانم را (از مصر) کوچ ده، زیرا شما مورد تعقیب هستید!» (۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۵۳)

فرعون (از این ماجرا آگاه شد و) مأموران بسیج نیرو را به شهرها فرستاد، (۵۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۵۴)

(و گفت:) اینها مسلّماً گروهی اندکند؛ (۵۴)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۵۵)

و اینها ما را به خشم آورده اند؛ (۵۵)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (۵۶)

و ما همگی آماده پیکاریم!» (۵۶)

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۷)

(سرانجام فرعونیان مغلوب شدند،) و ما آنها را از باغها و چشمه ها بیرون راندیم، (۵۷)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۵۸)

و از گنجها و قصرهای مجلّل! (۵۸)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

(آری،) اینچنین کردیم! و بنی اسرائیل را وارث آنها ساختیم! (۵۹)

فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ (۶۰)

آنان به تعقیب بنی اسرائیل پرداختند، و به هنگام طلوع آفتاب به آنها رسیدند. (۶۰)

ص: ۳۶۹

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (۶۱)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!» (۶۱)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

(موسی) گفت: «چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، بزودی مرا هدایت خواهد کرد!» (۶۲)

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (۶۳)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد،) و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بود! (۶۳)

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ (۶۴)

و در آنجا دیگران [= لشکر فرعون ] را نیز (به دریا) نزدیک ساختیم! (۶۴)

وَأَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ (۶۵)

و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم! (۶۵)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (۶۶)

سپس دیگران را غرق کردیم! (۶۶)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (۶۷)

در این جریان، نشانه روشنی است ولی بیشترشان ایمان نیاوردند! (چرا که طالب حق نبودند) (۶۷)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۶۸)

و پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است! (۶۸)

وَاتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِیمَ (۶۹)

و بر آنان خبر ابراهیم را بخوان، (۶۹)

إِذْ قَالَ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (۷۰)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!» (۷۰)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاکِفِینَ (۷۱)

گفتند: «بتهایی را می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهاییم.» (۷۱)

قَالَ هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۷۲)

گفت: «آیا هنگامی که آنها را می خوانید صدای شما را می شنوند؟! (۷۲)

أَوْ یَنفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ (۷۳)

یا سود و زیانی به شما می رسانند؟!» (۷۳)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا کَذَلِکَ یَفْعَلُونَ (۷۴)

گفتند: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می کنند.» (۷۴)

قَالَ أَفَرَأَیْتُم مَّا کُنتُمْ تَعْبُدُونَ (۷۵)

گفت: «آیا دیدید (این) چیزهایی را که پیوسته پرستش می کردید... (۷۵)

أَنتُمْ وَآبَاؤُکُمُ الْأَقْدَمُونَ (۷۶)

شما و پدران پیشین شما، (۷۶)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّی إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِینَ (۷۷)

همه آنها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار عالمیان! (۷۷)

الَّذِی خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ (۷۸)

همان کسی که مرا آفرید، و پیوسته راهنمائیم می کند، (۷۸)

وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ (۷۹)

و کسی که مرا غذا می دهد و سیراب می نماید، (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ (۸۰)

و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد، (۸۰)

وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ (۸۱)

و کسی که مرا می میراند و سپس زنده می کند، (۸۱)

وَالَّذِی أَطْمَعُ أَن یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ (۸۲)

و کسی که امید دارم گناهم را در روز جزا ببخشد! (۸۲)

رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ (۸۳)

پروردگارا! به من علم و دانش ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن! (۸۳)

ص: ۳۷۰

وَاجْعَل لِّی لِسَانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ (۸۴)

و برای من در میان امّتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده! (۸۴)

وَاجْعَلْنِی مِن وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِیمِ (۸۵)

و مرا وارثان بهشت پرنعمت گردان! (۸۵)

وَاغْفِرْ لِأَبِی إِنَّهُ کَانَ مِنَ الضَّالِّینَ (۸۶)

و پدرم [= عمویم ] را بیامرز، که او از گمراهان بود! (۸۶)

وَلَا تُخْزِنِی یَوْمَ یُبْعَثُونَ (۸۷)

و در آن روز که مردم برانگیخته می شوند، مرا شرمنده و رسوا مکن! (۸۷)

یَوْمَ لَا یَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸)

در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی بخشد، (۸۸)

إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ (۸۹)

مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!» (۸۹)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّهُ لِلْمُتَّقِینَ (۹۰)

(در آن روز،) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک می شود، (۹۰)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِیمُ لِلْغَاوِینَ (۹۱)

و دوزخ برای گمراهان آشکار می گردد، (۹۱)

وَقِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ تَعْبُدُونَ (۹۲)

و به آنان گفته می شود: «کجا هستند معبودانی که آنها را پرستش می کردید... (۹۲)

مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ یَنصُرُونَکُمْ أَوْ یَنتَصِرُونَ (۹۳)

معبودهایی غیر از خدا؟! آیا آنها شما را یاری می کنند، یا کسی به یاری آنها می آید؟!» (۹۳)

فَکُبْکِبُوا فِیهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (۹۴)

در آن هنگام همه آن معبودان با عابدان گمراه به دوزخ افکنده می شوند؛ (۹۴)

وَجُنُودُ إِبْلِیسَ أَجْمَعُونَ (۹۵)

و همچنین همگی لشکریان ابلیس! (۹۵)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (۹۶)

آنها در آنجا در حالی که به مخاصمه برخاسته اند می گویند: (۹۶)

تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۹۷)

«به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)

إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۹۸)

چون شما را با پروردگار عالمیان برابر می شمردیم! (۹۸)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (۹۹)

امّا کسی جز مجرمان ما را گمراه نکرد! (۹۹)

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ (۱۰۰)

(افسوس که امروز) شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد، (۱۰۰)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۱۰۱)

و نه دوست گرم و پرمحبّتی! (۱۰۱)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۲)

ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازگردیم و از مؤمنان باشیم!» (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۰۳)

در این ماجرا، نشانه (و عبرتی) است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۰۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۰۴)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۰۵)

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند، (۱۰۵)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۰۶)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۰۶)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۰۷)

مسلّماً من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۰۷)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۰۸)

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۰۸)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۰۹)

من برای این دعوت، هیچ مزدی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۰۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۱۰)

پس، تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!» (۱۱۰)

قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَکَ وَاتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ (۱۱۱)

گفتند: «آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که افراد پست و بی ارزش از تو پیروی کرده اند؟!» (۱۱۱)

ص: ۳۷۱

قَالَ وَمَا عِلْمِی بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۱۱۲)

(نوح) گفت: «من چه می دانم آنها چه کاری داشته اند! (۱۱۲)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَی رَبِّی لَوْ تَشْعُرُونَ (۱۱۳)

حساب آنها تنها با پروردگار من است اگر شما می فهمیدید! (۱۱۳)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِینَ (۱۱۴)

و من هرگز مؤمنان را طرد نخواهم کرد. (۱۱۴)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِیرٌ مُّبِینٌ (۱۱۵)

من تنها انذارکننده ای آشکارم.» (۱۱۵)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (۱۱۶)

گفتند: «ای نوح! اگر (از حرفهایت) دست برنداری، سنگباران خواهی شد!» (۱۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ (۱۱۷)

گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند! (۱۱۷)

فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَن مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸)

اکنون میان من و آنها جدایی بیفکن؛ و مرا و مؤمنانی را که با من هستند رهایی بخش!» (۱۱۸)

فَأَنجَيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۱۹)

ما، او و کسانی را که با او بودند، در آن کشتی که پر (از انسان و انواع حیوانات) بود، رهایی بخشیدیم! (۱۱۹)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ (۱۲۰)

سپس بقیه را غرق کردیم! (۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۲۱)

در این ماجرا نشانه روشنی است؛ امّا بیشتر آنان مؤمن نبودند. (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۲۲)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است. (۱۲۲)

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

قوم عاد (نیز) رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵)

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۲۶)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۲۷)

من در برابر این دعوت، هیچ اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر و پاداش من تنها بر پروردگار عالمیان است. (۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِکُلِّ رِیعٍ آیَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸)

آیا شما بر هر مکان مرتفعی نشانه ای از روی هوا و هوس می سازید؟! (۱۲۸)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹)

و قصرها و قلعه های زیبا و محکم بنا می کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟! (۱۲۹)

وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِینَ (۱۳۰)

و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جبّاران کیفر می دهید! (۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۳۱)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۳۱)

وَاتَّقُوا الَّذِی أَمَدَّکُم بِمَا تَعْلَمُونَ (۱۳۲)

و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرده؛ (۱۳۲)

أَمَدَّکُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِینَ (۱۳۳)

شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده؛ (۱۳۳)

وَجَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (۱۳۴)

همچنین به باغها و چشمه ها! (۱۳۴)

إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۱۳۵)

(اگر کفران کنید،) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم!» (۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶)

آنها [= قوم عاد] گفتند: «برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی؛ (بیهوده خود را خسته مکن)! (۱۳۶)

ص: ۳۷۲

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (۱۳۷)

این همان روش (و افسانه های) پیشینیان است! (۱۳۷)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۱۳۸)

و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

آنان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم؛ و در این، آیت و نشانه ای است (برای آگاهان)؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۳۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۴۰)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱۴۱)

قوم ثمود رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۴۲)

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳)

من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۴۴)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۴۴)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵)

من در برابر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۴۵)

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (۱۴۶)

آیا شما تصوّر می کنید همیشه در نهایت امنیّت در نعمتهایی که اینجاست می مانید، (۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۴۷)

در این باغها و چشمه ها، (۱۴۷)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۱۴۸)

در این زراعتها و نخلهایی که میوه هایش شیرین و رسیده است؟! (۱۴۸)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (۱۴۹)

و از کوه ها خانه هایی می تراشید، و در آن به عیش و نوش می پردازید! (۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۵۰)

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید! (۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۱۵۱)

و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۱۵۲)

همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!» (۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند: «(ای صالح!) تو از افسون شدگانی (و عقل خود را از دست داده ای!) (۱۵۳)

مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۵۴)

تو فقط بشری همچون مائی؛ اگر راست می گویی آیت و نشانه ای بیاور!» (۱۵۴)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۱۵۵)

گفت: «این ناقه ای است (که آیت الهی است) برای او سهمی (از آب قریه)، و برای شما سهم روز معیّنی است! (۱۵۵)

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵۶)

کمترین آزاری به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت!» (۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (۱۵۷)

سرانجام بر آن (ناقه) حمله نموده آن را «پی» کردند؛ (و هلاک نمودند) سپس از کرده خود پشیمان شدند! (۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۵۸)

و عذاب الهی آنان را فرا گرفت؛ در این، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنان مؤمن نبودند! (۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۵۹)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۵۹)

ص: ۳۷۳

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۶۰)

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۶۱)

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۶۲)

من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۶۳)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۶۳)

وَمَا أَسْأَلُكَمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۴)

من در برابر این دعوت، اجری از شما نمی طلبم، اجر من فقط بر پروردگار عالمیان است! (۱۶۴)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (۱۶۵)

آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می روید (و همجنس بازی می کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟!) (۱۶۵)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱۶۶)

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقّاً) شما قوم تجاوزگری هستید!» (۱۶۶)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (۱۶۷)

گفتند: «ای لوط! اگر (از این سخنان) دست برنداری، به یقین از اخراج شدگان خواهی بود!» (۱۶۷)

قَالَ إِنِّی لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ (۱۶۸)

گفت: «من دشمن سرسخت اعمال شما هستم! (۱۶۸)

رَبِّ نَجِّنِی وَأَهْلِی مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹)

پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه اینها انجام می دهند رهایی بخش!» (۱۶۹)

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۷۰)

ما او و تمامی خاندانش را نجات دادیم، (۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزًا فِی الْغَابِرِينَ (۱۷۱)

جز پیرزنی که در میان بازماندگان بود! (۱۷۱)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (۱۷۲)

سپس دیگران را هلاک کردیم! (۱۷۲)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۱۷۳)

و بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران انذارشدگان! (۱۷۳)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (۱۷۴)

در این (ماجرای قوم لوط و سرنوشت شوم آنها) آیتی است؛ امّا بیشترشان مؤمن نبودند. (۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۱۷۵)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۷۵)

کَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَیْکَهِ الْمُرْسَلِینَ (۱۷۶)

اصحاب ایکه [= شهری نزدیک مدین ] رسولان (خدا) را تکذیب کردند، (۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَیْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷)

هنگامی که شعیب به آنها گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۷۷)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۷۸)

مسلّماً من برای شما پیامبری امین هستم! (۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۷۹)

پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید! (۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۸۰)

من در برابر این دعوت، پاداشی از شما نمی طلبم؛ اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است! (۱۸۰)

أَوْفُوا الْکَیْلَ وَلَا تَکُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِینَ (۱۸۱)

حق پیمانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید)، و دیگران را به خسارت نیفکنید! (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِیمِ (۱۸۲)

و با ترازوی صحیح وزن کنید! (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ (۱۸۳)

و حق مردم را کم نگذارید، و در زمین تلاش برای فساد نکنید! (۱۸۳)

وَاتَّقُوا الَّذِی خَلَقَکُمْ وَالْجِبِلَّهَ الْأَوَّلِینَ (۱۸۴)

و از (نافرمانی) کسی که شما و اقوام پیشین را آفرید بپرهیزید!» (۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ (۱۸۵)

آنها گفتند: «تو فقط از افسون شدگانی! (۱۸۵)

وَمَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّکَ لَمِنَ الْکَاذِبِینَ (۱۸۶)

تو بشری همچون مائی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که از دروغگویانی! (۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَیْنَا کِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (۱۸۷)

اگر راست می گویی، سنگهایی از آسمان بر سر ما بباران!» (۱۸۷)

قَالَ رَبِّی أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸)

(شعیب) گفت: «پروردگار من به اعمالی که شما انجام می دهید داناتر است!» (۱۸۸)

فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ یَوْمِ الظُّلَّهِ إِنَّهُ کَانَ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۱۸۹)

سرانجام او را تکذیب کردند، و عذاب روز سایبان (سایبانی از ابر صاعقه خیز) آنها را فراگرفت؛ یقیناً آن عذاب روز بزرگی بود! (۱۸۹)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (۱۹۰)

در این ماجرا، آیت و نشانه ای است؛ ولی بیشتر آنها مؤمن نبودند. (۱۹۰)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۱۹۱)

و پروردگار تو عزیز و رحیم است! (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنزِیلُ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۹۲)

مسلّماً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! (۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳)

روح الامین آن را نازل کرده است... (۱۹۳)

عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴)

بر قلب (پاک) تو، تا از انذارکنندگان باشی! (۱۹۴)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (۱۹۵)

آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! (۱۹۵)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (۱۹۶)

و توصیف آن در کتابهای پیشینیان نیز آمده است! (۱۹۶)

أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷)

آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل بخوبی از آن آگاهند؟! (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ (۱۹۸)

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [= غیر عرب ] ها نازل می کردیم... (۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۹۹)

و او آن را بر ایشان می خواند، به آن ایمان نمی آورند! (۱۹۹)

كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۲۰۰)

(آری،) این گونه (با بیانی رسا) قرآن را در دلهای مجرمان وارد می کنیم! (۲۰۰)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۲۰۱)

(امّا) به آن ایمان نمی آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود ببینند! (۲۰۱)

فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲۰۲)

ناگهان به سراغشان می آید، در حالی که توجّه ندارند! (۲۰۲)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (۲۰۳)

و (در آن هنگام) می گویند: «آیا به ما مهلتی داده خواهد شد؟!» (۲۰۳)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۲۰۴)

آیا برای عذاب ما عجله می کنند؟! (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (۲۰۵)

به ما خبر ده، اگر (باز هم) سالیانی آنها را از این زندگی بهره مند سازیم... (۲۰۵)

ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ (۲۰۶)

سپس عذابی که به آنها وعده داده شده به سراغشان بیاید... (۲۰۶)

ص: ۳۷۵

مَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (۲۰۷)

این تمتع و بهره گیری از دنیا برای آنها سودی نخواهد داشت! (۲۰۷)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَهٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (۲۰۸)

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذارکنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند. (۲۰۸)

ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۰۹)

تا متذکّر شوند؛ و ما هرگز ستمکار نبودیم! (که بدون اتمام حجّت مجازات کنیم) (۲۰۹)

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (۲۱۰)

شیاطین و جنّیان (هرگز) این آیات را نازل نکردند! (۲۱۰)

وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱)

و برای آنها سزاوار نیست؛ و قدرت ندارند! (۲۱۱)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (۲۱۲)

آنها از استراق سمع (و شنیدن اخبار آسمانها) برکنارند! (۲۱۲)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳)

(ای پیامبر!) هیچ معبودی را با خداوند مخوان، که از معذّبین خواهی بود! (۲۱۳)

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲۱۴)

و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن! (۲۱۴)

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵)

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر! (۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می دهید بیزارم!» (۲۱۶)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۲۱۷)

و بر خداوند عزیز و رحیم توکّل کن! (۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (۲۱۸)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی خیزی می بیند؛ (۲۱۸)

وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (۲۱۹)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان! (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۲۰)

اوست خدای شنوا و دانا. (۲۲۰)

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ (۲۲۱)

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟! (۲۲۱)

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۲۲۲)

آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می گردند؛ (۲۲۲)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ (۲۲۳)

آنچه را می شنوند (به دیگران) القا می کنند؛ و بیشترشان دروغگو هستند! (۲۲۳)

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

(پیامبر اسلام شاعر نیست؛) شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می کنند. (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵)

آیا نمی بینی آنها در هر وادی سرگردانند؟ (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (۲۲۶)

و سخنانی می گویند که (به آنها) عمل نمی کنند؟! (۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ (۲۲۷)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می شوند به دفاع از خویشتن (و مؤمنان) برمی خیزند (و از شعر در این راه کمک می گیرند)؛ آنها که ستم کردند به زودی می دانند که بازگشتشان به کجاست! (۲۲۷)

ص: ۳۷۶

## سوره النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ (۱)

طس - این آیات قرآن و کتاب مبین است، (۱)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است؛ (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

همان کسانی که نماز را برپا می دارند، و زکات را ادا می کنند، و آنان به آخرت یقین دارند. (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال (بد) شان را برای آنان زینت می دهیم بطوری که سرگردان می شوند. (۴)

أُولَئِکَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۵)

آنان کسانی هستند که عذاب بد (و دردناک) برای آنهاست؛ و آنها در آخرت، زیانکارترین مردمند! (۵)

وَإِنَّکَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَکِيمٍ عَلِيمٍ (۶)

به یقین این قرآن از سوی حکیم و دانایی بر تو القا می شود. (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّی آنَسْتُ نَارًا سَآتِيکُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيکُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی از دور دیدم؛ (همین جا توقف کنید؛) بزودی خبری از آن برای شما می آورم، یا شعله آتشی تا گرم شوید.» (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَن بُورِکَ مَن فِی النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است [= فرشتگان و موسی ] و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است! (۸)

يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ (۹)

ای موسی! من خداوند عزیز و حکیمم! (۹)

وَأَلْقِ عَصَاکَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ کَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّی لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

و عصایت را بیفکن! -هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون ماری به هر سو می دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد- ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی ترسند! (۱۰)

إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّی غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱)

مگر کسی که ستم کند؛ سپس بدی را به نیکی تبدیل نماید، که (توبه او را می پذیرم، و) من غفور و رحیمم! (۱۱)

وَأَدْخِلْ يَدَکَ فِی جَيْبِکَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِی تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۱۲)

و دستت را در گریبانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می شود، سفید و درخشنده است بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در

زمره معجزات نه گانه ای است که تو با آنها بسوی فرعون و قومش فرستاده می شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!» (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳)

و هنگامی که آیات روشنی بخش ما به سراغ آنها آمد گفتند: «این سحری است آشکار!» (۱۳)

ص: ۳۷۷

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند! پس بنگر سرانجام تبهکاران (و مفسدان) چگونه بود! (۱۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)

و ما به داوود و سلیمان، دانشی عظیم دادیم؛ و آنان گفتند: «ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.» (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)

و سلیمان وارث داوود شد، و گفت: «ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده، و از هر چیز به ما عطا گردیده؛ این فضیلت آشکاری است.» (۱۶)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

لشکریان سلیمان، از جنّ و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند؛ آنقدر زیاد بودند که باید توقّف می کردند تا به هم ملحق شوند! (۱۷)

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

(آنها حرکت کردند) تا به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه ای گفت: «به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکرش شما را پایمال نکنند در حالی که نمی فهمند!» (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)

سلیمان از سخن او تبسّمی کرد و خندید و گفت: «پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا برحمت خود در زمره بندگان صالحت

وارد کن!» (۱۹)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰)

(سلیمان) در جستجوی آن پرنده [= هدهد] برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! (۲۰)

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)

قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد! (۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (۲۲)

چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده ام! (۲۲)

ص: ۳۷۸

إِنِّي وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳)

من زنی را دیدم که بر آنان حکومت می کند، و همه چیز در اختیار دارد، و (به خصوص) تخت عظیمی دارد! (۲۳)

وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشته؛ و از این رو هدایت نمی شوند!» (۲۴)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)

چرا برای خداوندی سجده نمی کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می سازد، و آنچه را پنهان می دارید یا آشکار می کنید می داند؟! (۲۵)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲۶)

خداوندی که معبودی جز او نیست، و پروردگار عرش عظیم است! (۲۶)

قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۷)

(سلیمان) گفت: «ما تحقیق می کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟ (۲۷)

اذْهَب بِّكِتَابِی هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)

این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه ای توقّف کن) ببین آنها چه عکس العملی نشان می دهند! (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّی أُلْقِیَ إِلَیَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (۲۹)

(ملکه سبا) گفت: «ای اشراف! نامه پرارزشی به سوی من افکنده شده! (۲۹)

إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)

این نامه از سلیمان است، و چنین می باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان (۳۰)

أَلَّا تَعْلُوا عَلَیَّ وَأْتُونِی مُسْلِمِينَ (۳۱)

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید، و بسوی من آیید در حالی که تسلیم حقّ هستید!» (۳۱)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِی فِی أَمْرِی مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲)

(سپس) گفت: «ای اشراف (و ای بزرگان)! نظر خود را در این امر مهمّ به من بازگو کنید، که من هیچ کار مهمّی را بدون حضور (و مشورت) شما انجام نداده ام! (۳۲)

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِی مَاذَا تَأْمُرِينَ (۳۳)

گفتند: «ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی فراوان هستیم، ولی تصمیم نهایی با توست؛ ببین چه دستور می دهی!» (۳۳)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند؛ (آری) کار آنان همین گونه است! (۳۴)

وَإِنِّی مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

و من (اکنون جنگ را صلاح نمی بینم،) هدیه گرانبهایی برای آنان می فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم)!» (۳۵)

ص: ۳۷۹

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِیَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

هنگامی که (فرستاده ملکه سبا) نزد سلیمان آمد، گفت: «می خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه هایتان خوشحال می شوید! (۳۶)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

بسوی آنان بازگرد (و اعلام کن) با لشکریانی به سراغ آنان می آییم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند؛ و آنان را از آن (سرزمین آباد) با ذلّت و خواری بیرون می رانیم!» (۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)

(سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟» (۳۸)

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)

عفریتی از جنّ گفت: «من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» (۳۹)

قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

(امّا) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می آورم یا کفران می کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنیّ و کریم است!» (۴۰)

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)

(سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید؛ ببینم آیا متوجّه می شود یا از کسانی است که هدایت نخواهند شد؟! (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

هنگامی که آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» گفت: گویا خود آن است! و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم!» (۴۲)

وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

و او را از آنچه غیر از خدا میپرستید بازداشت، که او [= ملکه سبا] از قوم کافران بود. (۴۳)

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)

به او گفته شد: «داخل حياط (قصر) شو!» هنگامی که نظر به آن افکند، پنداشت نهر آبی است و ساق پاهای خود را برهنه کرد (تا از آب بگذرد؛ امّا سليمان) گفت: «(اين آب نيست،) بلکه قصری است از بلور صاف!» (ملکه سبا) گفت: «پروردگارا! من به خود ستم کردم؛ و (اينک) با سليمان برای خداوندی که پروردگار عالميان است اسلام آوردم!» (۴۴)

ص: ۳۸۰

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵)

ما به سوی «ثمود»، برادرشان «صالح» را فرستاديم که: خدای يگانه را بپرستيد! امّا آنان به دو گروه تقسيم شدند که به مخاصمه پرداختند. (۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نيکی عجله می کنيد (و عذاب الهی را می طلبيد نه رحمت او را)؟! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی کنيد تا شايد مشمول رحمت (او) شويد؟!» (۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتيم!» (صالح) گفت: «فال (نيک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدّرات به قدرت او تعيين می گردد)؛ بلکه شما گروهی هستيد فريب خورده! (۴۷)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)

و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمين فساد می کردند و اصلاح نمی کردند. (۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۴۹)

آنها گفتند: «بياييد قسم ياد کنيد به خدا که بر او [= صالح ] و خانواده اش شبيخون می زنيم (و آنها را به قتل می رسانيم؛) سپس به ولیّ دم او می گوييم: ما هرگز از هلاکت خانواده او خبر نداشتيم و در اين گفتار خود صادق هستيم!» (۴۹)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۰)

آنها نقشه مهمّی کشيدند، و ما هم نقشه مهمّی؛ در حالی که آنها درک نمی کردند! (۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)

بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛ (۵۱)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

این خانه های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند! (۵۲)

وَأَنجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)

و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند نجات دادیم! (۵۳)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟! (۵۴)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵)

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟! شما قومی نادانید!» (۵۵)

ص: ۳۸۱

## جزء ۲۰

### ادامه سوره النمل

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۵۶)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!» (۵۶)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷)

ما او و خانواده اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدّر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد! (۵۷)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۵۸)

سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها باراندیم (و همگی زیر آن مدفون شدند)؛ و چه بد است باران انذارشدگان! (۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (۵۹)

بگو: «حمد مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده اش!» آیا خداوند بهتر است یا بتهایی که همتای او قرارمی دهند؟! (۵۹)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (۶۰)

(آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پروردگارشان) قرار می دهند! (۶۰)

أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

یا کسی که زمین را مستقرّ و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه های ثابت و پابرجا ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا با هم مخلوط نشوند؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی دانند (و جاهلند)! (۶۱)

أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرارمی دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکّر می شوید! (۶۲)

أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳)

یا کسی که شما را در تاریکیهای صحرا و دریا هدایت می کند، و کسی که بادها را بعنوان بشارت پیش از نزول رحمتش می فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خداوند برتر است از آنچه برای او شریک قرارمی دهند! (۶۳)

ص: ۳۸۲

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶۴)

یا کسی که آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را تجدید می کند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! بگو: «دلیلتان را بیاورید اگر راست می گویید!» (۶۴)

قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۶۵)

بگو: «کسانی که در آسمانها و زمین هستند غیب نمی دانند جز خدا، و نمی دانند کی برانگیخته می شوند!» (۶۵)

بَلِ ادَّارَکَ عِلْمُهُمْ فِی الْآخِرَهِ بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ (۶۶)

آنها [= مشرکان ] اطلاع صحیحی درباره آخرت ندارند؛ بلکه در اصل آن شکّ دارند؛ بلکه نسبت به آن نابینایند! (۶۶)

وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَإِذَا کُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ (۶۷)

و کافران گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، (زنده می شویم و) از دل خاک بیرون می آییم؟! (۶۷)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِیرُ الْأَوَّلِینَ (۶۸)

این وعده ای است که به ما و پدرانمان از پیش داده شده؛ اینها همان افسانه های خرافی پیشینیان است!» (۶۸)

قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُجْرِمِینَ (۶۹)

بگو: «در روی زمین سیر کنید و ببینید عاقبت کار مجرمان به کجا رسید!» (۶۹)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَلَا تَکُن فِی ضَیْقٍ مِّمَّا یَمْکُرُونَ (۷۰)

از (تکذیب و انکار) آنان غمگین مباش، و سینه ات از توطئه آنان تنگ نشود! (۷۰)

وَیَقُولُونَ مَتَی هَذَا الْوَعْدُ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (۷۱)

آنها می گویند: «این وعده (عذاب که به ما می دهید) کی خواهد آمد اگر راست می گویید؟!» (۷۱)

قُلْ عَسَی أَن یَکُونَ رَدِفَ لَکُم بَعْضُ الَّذِی تَسْتَعْجِلُونَ (۷۲)

بگو: «شاید پاره ای از آنچه درباره آن شتاب می کنید، نزدیک و در کنار شما باشد!» (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَلَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یَشْکُرُونَ (۷۳)

مسلّماً پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد؛ ولی بیشترشان شکرگزار نیستند! (۷۳)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَیَعْلَمُ مَا تُکِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا یُعْلِنُونَ (۷۴)

و پروردگارت آنچه را در سینه هایشان پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند بخوبی می داند! (۷۴)

وَمَا مِنْ غَائِبَهٍ فِی السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (۷۵)

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب مبین (در لوح محفوظ و علم بی پایان پروردگار) ثبت

است! (۷۵)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِى هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۷۶)

این قرآن اکثر چیزهایی را که بنی اسرائیل در آن اختلاف دارند برای آنان بیان می کند؛ (۷۶)

ص: ۳۸۳

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۷۷)

و مایه هدایت و رحمت برای مؤمنان است! (۷۷)

إِنَّ رَبَّکَ يَقْضِى بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۷۸)

پروردگار تو میان آنها در قیامت به حکم خود داوری می کند؛ و اوست قادر دانا. (۷۸)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّکَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (۷۹)

پس بر خدا توکّل کن، که تو بر حقّ آشکار هستی! (۷۹)

إِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۸۰)

مسلّماً تو نمی توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی، و نمی توانی کران را هنگامی که روی برمی گردانند و پشت می کنند فراخوانی! (۸۰)

وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۸۱)

و نیز نمی توانی کوران را از گمراهیشان برهانی؛ تو فقط میتوانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما هستند و در برابر حق تسلیمند! (۸۱)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (۸۲)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلّم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند. (۸۲)

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (۸۳)

(به خاطر آور) روزی را که ما از هر امّتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم؛ و آنها را

نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند! (۸۳)

حَتَّی إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِی وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸۴)

تا زمانی که (به پای حساب) می آیند، (به آنان) می گوید: «آیا آیات مرا تکذیب کردید و در صدد تحقیق برنیامدید؟! شما چه اعمالی انجام می دادید؟!» (۸۴)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ (۸۵)

در این هنگام، فرمان عذاب بخاطر ظلمشان بر آنها واقع می شود، و آنها سخنی ندارند که بگویند! (۸۵)

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۸۶)

آیا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟! در این امور نشانه های روشنی است برای کسانی که ایمان می آورند (و آماده قبول حقند). (۸۶)

وَيَوْمَ يُنفَخُ فِی الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ (۸۷)

و (به خاطر آورید) روزی را که در «صور» دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته؛ و همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می شوند! (۸۷)

وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ كُلَّ شَیْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (۸۸)

کوه ها را می بینی، و آنها را ساکن و جامد می پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می دهید مسلّماً آگاه است! (۸۸)

ص: ۳۸۴

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (۸۹)

کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز درامانند! (۸۹)

وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰)

و آنها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می شوند؛ آیا جزایی جز آنچه عمل می کردید خواهید داشت؟! (۹۰)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِی حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۱)

(بگو:) من مأمورم پروردگار این شـهر (مقدّس مکّه) را عبادت کنم، همان کسـی که این شـهر را حرمت بخشیده؛ در حالی که همه چیز از آن اوست! و من مأمورم که از مسلمین باشم؛ (۹۱)

وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ (۹۲)

و اینکه قرآن را تلاوت کنم! هر کس هدایت شود بسود خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد (زیانش متوجّه خود اوست؛) بگو: «من فقط از انذارکنندگانم!» (۹۲)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۳)

بگو: «حمد و ستایش مخصوص ذات خداست؛ بزودی آیاتش را به شما نشان می دهد تا آن را بشناسید؛ و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست! (۹۳)

## سوره القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (۱)

طسم! (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

اینها از آیات کتاب مبین است! (۲)

نَتْلُو عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

ما از داستان موسی و فرعون بحقّ بر تو می خوانیم، برای گروهی که (طالب حقّند و) ایمان می آورند! (۳)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود! (۴)

وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منّت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! (۵)

ص: ۳۸۵

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۶)

و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل ] بیم داشتند نشان دهیم! (۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷)

ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی گردانیم، و او را از رسولان قرار می دهیم!» (۷)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ (۸)

(هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلّماً فرعون و هامان و لشکریانشان خطاکار بودند. (۸)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹)

همسر فرعون (چون دید آنها قصد کشتن کودک را دارند) گفت: «نور چشم من و توست! او را نکشید شاید برای ما مفید باشد، یا او را بعنوان پسر خود برگزینیم!» و آنها نمی فهمیدند (که دشمن اصلی خود را در آغوش خویش می پرورانند)! (۹)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰)

(سرانجام) قلب مادر موسی از همه چیز (جز یاد فرزندش) تهی گشت؛ و اگر دل او را (بوسیله ایمان و امید) محکم نکرده بودیم، نزدیک بود مطلب را افشا کند! (۱۰)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۱)

و (مادر موسی) به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن!» او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی خبر بودند. (۱۱)

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (۱۲)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بیتابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که می توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!» (۱۲)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی

دانند! (۱۳)

ص: ۳۸۶

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَی آتَیْنَاهُ حُکْمًا وَعِلْمًا وَکَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ (۱۴)

و هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را جزا می دهیم! (۱۴)

وَدَخَلَ الْمَدِینَهَ عَلَی حِینِ غَفْلَهٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِیهَا رَجُلَیْنِ یَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِیعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِی مِن شِیعَتِهِ عَلَی الَّذِی مِنْ عَدُوِّهِ فَوَکَزَهُ مُوسَی فَقَضَی عَلَیْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِینٌ (۱۵)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه کننده آشکاری است» (۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۱۶)

(سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم؛ مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است! (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَلَنْ أَکُونَ ظَهِیرًا لِّلْمُجْرِمِینَ (۱۷)

عرض کرد: «پروردگارا! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود!» (۱۷)

فَأَصْبَحَ فِی الْمَدِینَهِ خَائِفًا یَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِی اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ یَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَی إِنَّکَ لَغَوِیٌّ مُّبِینٌ (۱۸)

موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای (و در جستجوی اخبار)؛ ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می زند و از او کمک می خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!» (۱۸)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن یَبْطِشَ بِالَّذِی هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ یَا مُوسَی أَتُرِیدُ أَن تَقْتُلَنِی کَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِیدُ إِلَّا أَن تَکُونَ جَبَّارًا فِی الْأَرْضِ وَمَا تُرِیدُ أَن تَکُونَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ (۱۹)

و هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنها بود درگیر شود و با قدرت مانع او گردد، (فریادش بلند شد،) گفت: «ای موسی می خواهی! مرا بکشی همان گونه که دیروز انسانی را کشتی؟! تو فقط می خواهی جبّاری در روی زمین باشی، و نمی خواهی از مصلحان باشی!» (۱۹)

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَی الْمَدِینَهِ یَسْعَی قَالَ یَا مُوسَی إِنَّ الْمَلَأَ یَأْتَمِرُونَ بِکَ لِیَقْتُلُوکَ فَاخْرُجْ إِنِّی لَکَ مِنَ النَّاصِحِینَ (۲۰)

(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان ] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیّت برای کشتن تو به مشورت نشسته اند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام!» (۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا یَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۲۱)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای؛ عرض کرد: «پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!» (۲۱)

ص: ۳۸۷

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْیَنَ قَالَ عَسَی رَبِّی أَن یَهْدِیَنِی سَوَاءَ السَّبِیلِ (۲۲)

و هنگامی که متوجّه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!» (۲۲)

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُکُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِی حَتَّی یُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَیْخٌ کَبِیرٌ (۲۳)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!)» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!» (۲۳)

فَسَقَی لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّی إِلَی الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ (۲۴)

موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا! هر خیر و نیکی بر من فرستی، به آن نیازمندم!» (۲۴)

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۲۵)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب ] آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتی!» (۲۵)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ (۲۶)

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که

قویّ و امین باشد (و او همین مرد است)!» (۲۶)

قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ إِحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ عَلَی أَن تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِکَ وَمَا أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ (۲۷)

(شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبّتی از ناحیه توست؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (۲۷)

قَالَ ذَلِکَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللَّهُ عَلَی مَا نَقُولُ وَکِیلٌ (۲۸)

(موسی) گفت: «(مانعی ندارد،) این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدّت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)! و خدا بر آنچه ما می گوییم گواه است!» (۲۸)

ص: ۳۸۸

فَلَمَّا قَضَی مُوسَی الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْکُثُوا إِنِّی آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّی آتِیکُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ (۲۹)

هنگامی که موسی مدّت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید! به خانواده اش گفت: «درنگ کنید که من آتشی دیدم! (می روم) شاید خبری از آن برای شما بیاورم، یا شعله ای از آتش تا با آن گرم شوید!» (۲۹)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِیَ مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَیْمَنِ فِی الْبُقْعَهِ الْمُبَارَکَهِ مِنَ الشَّجَرَهِ أَن یَا مُوسَی إِنِّی أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۳۰)

هنگامی که به سراغ آتش آمد، از کرانه راست درّه، در آن سرزمین پر برکت، از میان یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی! منم خداوند، پروردگار جهانیان! (۳۰)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاکَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ کَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّی مُدْبِرًا وَلَمْ یُعَقِّبْ یَا مُوسَی أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّکَ مِنَ الْآمِنِینَ (۳۱)

عصایت را بیفکن!» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت می کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتّی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی! (۳۱)

اسْلُکْ یَدَکَ فِی جَیْبِکَ تَخْرُجْ بَیْضَاءَ مِنْ غَیْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَیْکَ جَنَاحَکَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِکَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّکَ إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ (۳۲)

دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می شود سفید و درخشنده است بدون عیب و نقص؛ و دستهایت را بر سینه

ات بگـذار، تـا ترس و وحشت از تو دور شود! این دو [= معجزه عصـا و یـد بیضا] برهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!» (۳۲)

قَالَ رَبِّ إِنِّی قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن یَقْتُلُونِ (۳۳)

عرض کرد: «پروردگارا! من یک تن از آنان را کشته ام؛ می ترسم مرا به قتل برسانند! (۳۳)

وَأَخِی هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْءًا یُصَدِّقُنِی إِنِّی أَخَافُ أَن یُکَذِّبُونِ (۳۴)

و برادرم هارون زبانش از من فصیحتر است؛ او را همراه من بفرست تا یاور من باشـد و مرا تصدیق کند؛ می ترسم مرا تکذیب کنند!» (۳۴)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَنَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَانًا فَلَا یَصِلُونَ إِلَیْکُمَا بِآیَاتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَکُمَا الْغَالِبُونَ (۳۵)

فرمود: «بزودی بازوان تو را بوسـیله برادرت محکم (و نیرومند) می کنیم، و برای شـما سلطه و برتری قرارمی دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید!» (۳۵)

ص: ۳۸۹

فَلَمَّا جَاءَهُم مُّوسَی بِآیَاتِنَا بَیِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًی وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِی آبَائِنَا الْأَوَّلِینَ (۳۶)

هنگامی که موسـی معجزات روشن ما را برای آنان آورد، گفتنـد: «این چیزی جز سـحر نیست که بدروغ به خدا بسـته شده؛ ما هرگز چنین چیزی را در نیاکان خود نشنیده ایم!» (۳۶)

وَقَالَ مُوسَی رَبِّی أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَی مِنْ عِندِهِ وَمَن تَکُونُ لَهُ عَاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷)

موسـی گفت: «پروردگارم از حال کسانی که هـدایت را از نزد او آورده اند، و کسانی که عاقبت نیک سـرا (ی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است! مسلّماً ظالمان رستگار نخواهند شد!» (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ یَا أَیُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرِی فَأَوْقِدْ لِی یَا هَامَانُ عَلَی الطِّینِ فَاجْعَل لِّی صَرْحًا لَّعَلِّی أَطَّلِعُ إِلَی إِلَهِ مُوسَی وَإِنِّی لَأَظُنُّهُ مِنَ الْکَاذِبِینَ (۳۸)

فرعون گفت: «ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. (امّا برای تحقیق بیشتر،) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلنـدی ترتیب ده تا از خـدای موسـی خبر گیرم؛ هر چند من گمان می کنم او از دروغگویان است!» (۳۸)

وَاسْتَکْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَیْنَا لَا یُرْجَعُونَ (۳۹)

(سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حقّ در زمین استکبار کردند، و پنداشتند بسوی ما بازگردانده نمی شوند! (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِی الْیَمِّ فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِینَ (۴۰)

ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم؛ اکنون بنگر پایان کار ظالمان چگونه بود! (۴۰)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّهً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ لَا یُنصَرُونَ (۴۱)

و آنان [= فرعونیان ] را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند؛ و روز رستاخیز یاری نخواهند شد! (۴۱)

وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَعْنَهً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِینَ (۴۲)

و در این دنیا نیز لعنتی بدنبال آنان قرار دادیم؛ و روز قیامت از زشت رویانند! (۴۲)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَکْنَا الْقُرُونَ الْأُولَی بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًی وَرَحْمَهً لَّعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۴۳)

و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را هلاك نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت؛ شاید متذکر شوند! (۴۳)

ص: ۳۹۰

وَمَا کُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِیِّ إِذْ قَضَیْنَا إِلَی مُوسَی الْأَمْرَ وَمَا کُنتَ مِنَ الشَّاهِدِینَ (۴۴)

تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوّت را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم)! (۴۴)

وَلَکِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَیْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا کُنتَ ثَاوِیًا فِی أَهْلِ مَدْیَنَ تَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِنَا وَلَکِنَّا کُنَّا مُرْسِلِینَ (۴۵)

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدین اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها [= مشرکان مکّه ] بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قرار دادیم)! (۴۵)

وَمَا کُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَیْنَا وَلَکِن رَّحْمَهً مِّن رَّبِّکَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِیرٍ مِّن قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۴۶)

تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم؛ ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده ای برای آنان نیامده است؛ شاید متذکّر شوند! (۴۶)

وَلَوْلَا أَن تُصِیبَهُم مُّصِیبَهٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ فَیَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَیْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آیَاتِکَ وَنَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ (۴۷)

هر گاه (پیش از فرستادن پیامبری) مجازات و مصیبتی بر اثر اعمالشان به آنان می رسید، می گفتند: «پروردگارا! چرا رسولی برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟!» (۴۷)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِیَ مِثْلَ مَا أُوتِیَ مُوسَی أَوَلَمْ یَکْفُرُوا بِمَا أُوتِیَ مُوسَی مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِکُلٍّ کَافِرُونَ (۴۸)

ولی هنگامی که حقّ از نزد ما برای آنها آمد گفتند: «چرا مثل همان چیزی که به موسی داده شد به این پیامبر داده نشده است؟!» مگر بهانه جویانی همانند آنان، معجزاتی را که در گذشته به موسی داده شد، انکار نکردند و گفتند: «این دو نفر [= موسی و هارون ] دو ساحرند که دست به دست هم داده اند (تا ما را گمراه کنند) و ما به هر دو کافریم»؟! (۴۸)

قُلْ فَأْتُوا بِکِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَی مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (۴۹)

بگو: «اگر راست می گویید (که تورات و قرآن از سوی خدا نیست)، کتابی هدایت بخش تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا من از آن پیروی کنم!» (۴۹)

فَإِن لَّمْ یَسْتَجِیبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا یَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَیْرِ هُدًی مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ (۵۰)

اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می شود؟! مسلّماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند! (۵۰)

ص: ۳۹۱

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۵۱)

ما آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آنان آوردیم شاید متذکّر شوند! (۵۱)

الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ یُؤْمِنُونَ (۵۲)

کسانی که قبلاً کتاب آسمانی به آنان داده ایم به آن [= قرآن ] ایمان می آورند! (۵۲)

وَإِذَا یُتْلَی عَلَیْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا کُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِینَ (۵۳)

و هنگامی که بر آنان خوانده شود می گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ اینها همه حق است و از سوی پروردگار ماست؛ ما پیش از این هم مسلمان بودیم!» (۵۳)

أُولَئِکَ یُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَیْنِ بِمَا صَبَرُوا وَیَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَهِ السَّیِّئَهَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ (۵۴)

آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پادششان را دو بار دریافت می دارند؛ و بوسیله نیکیها بدیها را دفع می کنند؛ و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می نمایند؛ (۵۴)

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵)

و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می گردانند و می گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم!» (۵۵)

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی؛ ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت یافتگان آگاهتر است! (۵۶)

وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

آنها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می ربایند!» آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (۵۷)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (۵۸)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغرور شده بودند هلاک کردیم! این خانه های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم! (۵۸)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۵۹)

و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز آبادیها و شهرها را هلاک نکردیم مگر آنکه اهلش ظالم بودند! (۵۹)

ص: ۳۹۲

وَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۰)

آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا و زینت آن است؛ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی کنید؟! (۶۰)

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۶۱)

آیا کسی که به او وعده نیکو داده ایم و به آن خواهد رسید، همانند کسی است که متاع زندگی دنیا به او داده ایم سپس روز قیامت (برای حساب و جزا) از احضارشدگان خواهد بود؟! (۶۱)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶۲)

روزی را (به خاطر بیاورید) که خداوند آنان را ندا میدهد و میگوید: «کجا هستند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (۶۲)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (۶۳)

گروهی (از معبودان) که فرمان عذاب درباره آنها مسلم شده است میگویند: «پروردگارا! ما اینها [= عابدان ] را گمراه کردیم؛ (آری) ما آنها را گمراه کردیم همان گونه که خودمان گمراه شدیم؛ ما از آنان به سوی تو بیزاری می جوییم؛ آنان در حقیقت ما را نمی پرستیدند (بلکه هوای نفس خود را پرستش می کردند)!» (۶۳)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (۶۴)

و به آنها [= عابدان ] گفته می شود: «معبودهایتان را که همتای خدا می پنداشتید بخوانید (تا شما را یاری کنند)!» معبودهایشان را می خوانند، ولی جوابی به آنان نمی دهند! و (در این هنگام) عذاب الهی را (با چشم خود) می بینند، و آرزو می کنند ای کاش هدایت یافته بودند! (۶۴)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (۶۵)

(به خاطر آورید) روزی را که خداوند آنان را ندا می دهد و می گوید: «چه پاسخی به پیامبران (من) گفتید؟!» (۶۵)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (۶۶)

در آن روز، همه اخبار به آنان پوشیده می ماند، (حتی نمی توانند) از یکدیگر سؤالی کنند! (۶۶)

فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (۶۷)

اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد! (۶۷)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۸)

پروردگار تو هر چه بخواهد می آفریند، و هر چه بخواهد برمی گزیند؛ آنان (در برابر او) اختیاری ندارند؛ منزه است خداوند، و برتر است از همتایانی که برای او قائل می شوند! (۶۸)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۶۹)

و پروردگار تو می داند آنچه را که سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می سازند! (۶۹)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَهِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۷۰)

و او خدایی است که معبودی جز او نیست؛ ستایش برای اوست در این جهان و در جهان دیگر؛ حاکمیت (نیز) از آن اوست؛ و همه شما به سوی او بازگردانده می شوید! (۷۰)



قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (۷۱)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند شب را تا قیامت بر شما جاودان سازد، آیا معبودی جز خدا می تواند روشنایی برای شما بیاورد؟! آیا نمی شنوید؟!» (۷۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۷۲)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودان کند، کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی بینید؟!» (۷۲)

وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۳)

و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را بجا آورید! (۷۳)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۷۴)

(به خاطر آورید) روزی را که آنها را ندا می دهد و می گوید: «کجایند همتایانی که برای من می پنداشتید؟!» (۷۴)

وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّهٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷۵)

(در آن روز) از هر امتی گواهی برمی گزینیم و (به مشرکان) می گوییم: «دلیل خود را بیاورید!» اما آنها می دانند که حق از آن خداست، و تمام آنچه را افترا می بستند از (نظر) آنها گم خواهد شد! (۷۵)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَهِ أُولِي الْقُوَّهِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بود! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه شادی مغرورانه مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی دارد! (۷۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷)

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهره ات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد! (۷۷)

ص: ۳۹۴

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸)

(قارون) گفت: «این ثروت را بوسیله دانشی که نزد من است به دست آورده ام!» آیا او نمی دانست که خداوند اقوامی را پیش از او هلاک کرد که نیرومندتر و ثروتمندتر از او بودند؟! (و هنگامی که عذاب الهی فرا رسد،) مجرمان از گناهانشان سؤال نمی شوند. (۷۸)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۷۹)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!» (۷۹)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۸۰)

اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی کنند.» (۸۰)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (۸۱)

سپس ما، او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاری کنند، و خود نیز نمی توانست خویشتن را یاری دهد. (۸۱)

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۸۲)

و آنها که دیروز آرزو می کردند بجای او باشند (هنگامی که این صحنه را دیدند) گفتند: «وای بر ما! گویی خدا روزی را بر هر کس از بندگانش بخواهد گسترش می دهد یا تنگ می گیرد! اگر خدا بر ما منت ننهاده بود، ما را نیز به قعر زمین فرو می برد! ای وای گویی کافران هرگز رستگار نمی شوند! (۸۲)

تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَهُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لَا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ (۸۳)

(آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرارمی دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است! (۸۳)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَا یُجْزَی الَّذِینَ عَمِلُوا السَّیِّئَاتِ إِلَّا مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۸۴)

کسی که کار نیکی انجام دهد، برای او پاداشی بهتر از آن است؛ و به کسانی که کارهای بد انجام دهند، مجازات بدکاران جز (به مقدار) اعمالشان نخواهد بود. (۸۴)

ص: ۳۹۵

إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرَادُّکَ إِلَی مَعَادٍ قُل رَّبِّی أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَی وَمَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۸۵)

آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد، تو را به جایگاهت [= زادگاهت ] بازمی گرداند! بگو: «پروردگار من از همه بهتر می داند چه کسی (برنامه) هدایت آورده، و چه کسی در گمراهی آشکار است!» (۸۵)

وَمَا کُنتَ تَرْجُو أَن یُلْقَی إِلَیْکَ الْکِتَابُ إِلَّا رَحْمَهً مِّن رَّبِّکَ فَلَا تَکُونَنَّ ظَهِیرًا لِّلْکَافِرِینَ (۸۶)

و تو هرگز امید نداشتی که این کتاب آسمانی به تو القا گردد؛ ولی رحمت پروردگارت چنین ایجاب کرد! اکنون که چنین است، هرگز از کافران پشتیبانی مکن! (۸۶)

وَلَا یَصُدُّنَّکَ عَنْ آیَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَیْکَ وَادْعُ إِلَی رَبِّکَ وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (۸۷)

و هرگز (آنها) تو را از آیات خداوند، بعد از آنکه بر تو نازل گشت، بازندارند! و بسوی پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش! (۸۷)

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ کُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۸۸)

معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه بسوی او بازگردانده می شوید! (۸۸)

## سوره العنکبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲)

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! (۲)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳)

ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد! (۳)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۴)

آیا کسانی که اعمال بد انجام می دهند گمان کردند بر قدرت ما چیره خواهند شد؟! چه بد داوری می کنند! (۴)

مَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵)

کسی که امید به لقاء الله (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان او بکوشد!) زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرامی رسد؛ و او شنوا و داناست! (۵)

وَمَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۶)

کسی که جهاد و تلاش کند، برای خود جهاد می کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. (۶)

ص: ۳۹۶

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِی كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، گناهان آنان را می پوشانیم (و می بخشیم) و آنان را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش می دهیم. (۷)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِی مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می دادید با خبر

خواهم ساخت! (۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِی الصَّالِحِينَ (۹)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد! (۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَهَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّکَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِی صُدُورِ الْعَالَمِينَ (۱۰)

و از مردم کسانی هستند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم!» اما هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار می بینند، آزار مردم را همچون عذاب الهی می شمارند (و از آن سخت وحشت می کنند)؛ ولی هنگامی که پیروزی از سوی پروردگارت (برای شما) بیاید، می گویند: «ما هم با شما بودیم (و در این پیروزی شریکیم)»!! آیا خداوند به آنچه در سینه های جهانیان است آگاه تر نیست؟! (۱۰)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (۱۱)

مسلماً خداوند مؤمنان را می شناسد، و به یقین منافقان را (نیز) می شناسد. (۱۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَیْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲)

و کافران به مؤمنان گفتند: «شما از راه ما پیروی کنید، (و اگر گناهی دارد) ما گناهانتان را بر عهده خواهیم گرفت!» آنان هرگز چیزی از گناهان اینها را بر دوش نخواهند گرفت؛ آنان به یقین دروغگو هستند! (۱۲)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳)

آنها بار سنگین (گناهان) خویش را بر دوش می کشند، و (همچنین) بارهای سنگین دیگری را اضافه بر بارهای سنگین خود؛ و روز قیامت به یقین از تهمتهائی که می بستند سؤال خواهند شد! (۱۳)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۴)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ و او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند. (۱۴)

ص: ۳۹۷

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَهِ وَجَعَلْنَاهَا آيَهً لِّلْعَالَمِينَ (۱۵)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! (۱۵)

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید! (۱۶)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)

شما غیر از خدا فقط بتهایی (از سنگ و چوب) را می پرستید و دروغی به هم می بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می شوید! (۱۷)

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۸)

اگر شما (مرا) تکذیب کنید (جای تعجب نیست)، امتهایی پیش از شما نیز (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ وظیفه فرستاده (خدا) جز ابلاغ آشکار نیست». (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹)

آیا آنان ندیدند چگونه خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس بازمی گرداند؟! این کار برای خدا آسان است! (۱۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می کند؛ یقیناً خدا بر هر چیز توانا است! (۲۰)

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (۲۱)

هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرارمی دهد؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند. (۲۱)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)

شما هرگز نمی توانید بر اراده خدا چیره شوید و از حوزه قدرت او در زمین و آسمان بگریزید؛ و برای شما جز خدا، ولی و یاوری نیست!» (۲۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است! (۲۳)



فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴)

اما جواب قوم او [= ابراهیم ] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ در این ماجرا نشانه هایی است برای کسانی که ایمان می آورند. (۲۴)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّهَ بَيْنِكُمْ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (۲۵)

(ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتهایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می جویید و یکدیگر را لعن می کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاوری برای شما نخواهد بود!» (۲۵)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّی مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

و لوط به او [= ابراهیم ] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می کنم که او صاحب قدرت و حکیم است!» (۲۶)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِی ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّهَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِی الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

و (در اواخر عمر،) اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است! (۲۷)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَهَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۸)

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! (۲۸)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِی نَادِيكُمُ الْمُنكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹)

آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلستان اعمال ناپسند انجام می دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر راست می گویی عذاب الهی را برای ما بیاور! (۲۹)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِی عَلَی الْقَوْمِ الْمُفْسِدِینَ (۳۰)

(لوط) عرض کرد: «پروردگارا! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرما!» (۳۰)

ص: ۳۹۹

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِیمَ بِالْبُشْرَی قَالُوا إِنَّا مُهْلِکُو أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْیَهِ إِنَّ أَهْلَهَا کَانُوا ظَالِمِینَ (۳۱)

و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشارت (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگرند!» (۳۱)

قَالَ إِنَّ فِیهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِیهَا لَنُنَجِّیَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ کَانَتْ مِنَ الْغَابِرِینَ (۳۲)

(ابراهیم) گفت: «در این آبادی لوط است!» گفتند: «ما به کسانی که در آن هستند آگاهتریم! او و خانواده اش را نجات می دهیم؛ جز همسرش که در میان قوم (گنهکار) باقی خواهد ماند.» (۳۲)

وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِیءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوکَ وَأَهْلَکَ إِلَّا امْرَأَتَکَ کَانَتْ مِنَ الْغَابِرِینَ (۳۳)

هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از دیدن آنها بدحال و دلتنگ شد؛ گفتند: «نترس و غمگین مباش، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد، جز همسرت که در میان قوم باقی می ماند. (۳۳)

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَی أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْیَهِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا کَانُوا یَفْسُقُونَ (۳۴)

ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!» (۳۴)

وَلَقَد تَّرَکْنَا مِنْهَا آیَهً بَیِّنَهً لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (۳۵)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می اندیشند باقی گذاردیم! (۳۵)

وَإِلَی مَدْیَنَ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا فَقَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْیَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ (۳۶)

و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!» (۳۶)

فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوا فِی دَارِهِمْ جَاثِمِینَ (۳۷)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه های خود به رو در افتاده و مرده

بودند! (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)

ما طایفه «عاد» و «ثمود» را نیز (هلاک کردیم)، و مساکن (ویران شده) آنان برای شما آشکار است؛ شیطان اعمالشان را برای آنان آراسته بود، از این رو آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که بینا بودند. (۳۸)

ص: ۴۰۰

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِى الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹)

و «قارون» و «فرعون» و «هامان» را نیز هلاک کردیم؛ موسی با دلایل روشن به سراغشان آمد، امّا آنان در زمین برتری جویی کردند، ولی نتوانستند بر خدا پیشی گیرند! (۳۹)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۰)

ما هر یک از آنان را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنان را صیحه آسمانی فروگرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ خداوند هرگز به آنها ستم نکرد، ولی آنها خودشان بر خود ستم می کردند! (۴۰)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

مَثَل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مَثَل عنکبوت است که خانه ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سست ترین خانه های خانه عنکبوت است اگر می دانستند! (۴۱)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴۲)

خداوند آنچه را غیر از او می خوانند می داند، و او شکست ناپذیر و حکیم است. (۴۲)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (۴۳)

اینها مثالهایی است که ما برای مردم می زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی کنند. (۴۳)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۴۴)

خداوند، آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و در این آیتی است برای مؤمنان. (۴۴)

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتیها و گناه بازمی دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید! (۴۵)

ص: ۴۰۱

## جزء ۲۱

### ادامه سوره العنکبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!» (۴۶)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (۴۷)

و این گونه، کتاب [= قرآن ] را بر تو نازل کردیم، کسانی که کتاب (آسمانی) به آنها داده ایم به این کتاب ایمان می آورند؛ و بعضی از این گروه [= مشرکان ] نیز به آن مؤمن می شوند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند. (۴۷)

وَمَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (۴۸)

تو هرگز پیش از این کتابی نمی خواندی، و با دست خود چیزی نمی نوشتی، مبادا کسانی که در صدد (تکذیب و) ابطال سخنان تو هستند، شک و تردید کنند! (۴۸)

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)

ولی این آیات روشنی است که در سینه دانشوران جای دارد؛ و آیات ما را جز ستمگران انکار نمی کنند! (۴۹)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟!» بگو: «معجزات همه نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود، نه به میل من و شما)؛ من تنها بیم دهنده ای آشکارم! (۵۰)

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می شود؟! در این، رحمت و تذکّری است برای کسانی که ایمان می آورند (و این معجزه بسیار واضحی است). (۵۱)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۵۲)

بگو: «همین بس که خدا میان من و شما گواه است؛ آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آوردند و به خدا کافر شدند زیانکاران واقعی هستند! (۵۲)

ص: ۴۰۲

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳)

آنان با شتاب از تو عذاب را می طلبند؛ و اگر موعد مقرّری تعیین نشده بود، عذاب (الهی) به سراغ آنان می آمد؛ و سرانجام این عذاب بطور ناگهانی بر آنها نازل می شود در حالی که نمی دانند (و غافلند). (۵۳)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

آنان با عجله از تو عذاب می طلبند، در حالی که جهنم به کافران احاطه دارد! (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آن روز که عذاب (الهی) آنها را از بالای سر و پایین پایشان فرامی گیرد و به آنها می گوید: «بچشید آنچه را عمل می کردید» (روز سخت و دردناکی برای آنهاست!) (۵۵)

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (۵۶)

ای بندگان من که ایمان آورده اید! زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید (و در برابر فشارهای دشمنان تسلیم نشوید)! (۵۶)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۵۷)

هر انسانی مرگ را می چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی گردانند. (۵۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّهِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که نهرها در زیر آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب است پاداش عمل کنندگان! (۵۸)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹)

همانها که (در برابر مشکلات) صبر (و استقامت) کردند و بر پروردگارشان توکّل می کنند. (۵۹)

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۰)

چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد؛ و او شنوا و داناست. (۶۰)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۶۱)

و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخّر کرده است؟» می گویند: «اللّه»! پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می سازند؟! (۶۱)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲)

خداوند روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده می کند، و برای هر کس بخواهد محدود می سازد؛ خداوند به همه چیز داناست! (۶۲)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۶۳)

و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می گویند: «اللّه»! بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» امّا بیشتر آنها نمی دانند. (۶۳)

ص: ۴۰۳

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است، اگر می دانستند! (۶۴)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵)

هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ امّا هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند! (۶۵)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶)

(بگذار) آنچه را (از آیات) به آنها داده ایم انکار کنند و از لذّات زودگذر زندگی بهره گیرند؛ امّا بزودی خواهند فهمید! (۶۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَهِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (۶۷)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می ربایند؟! آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را کفران می کنند؟! (۶۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا أَوْ کَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًی لِّلْکَافِرِینَ (۶۸)

چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بسته یا حق را پس از آنکه به سراغش آمده تکذیب نماید؟! آیا جایگاه کافران در دوزخ نیست؟! (۶۸)

وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِینَ (۶۹)

و آنها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است. (۶۹)

## سوره الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الم (۱)

الم (۱)

غُلِبَتِ الرُّومُ (۲)

رومیان مغلوب شدند! (۲)

فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَهُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ (۳)

(و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد؛ امّا آنان پس از (این) مغلوبیّت بزودی غلبه خواهند کرد... (۳)

فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ وَیَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴)

در چند سال همه کارها از آن خداست؛ چه قبل و چه بعد (از این شکست و پیروزی)؛ و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد... (۴)

بِنَصْرِ اللَّهِ یَنصُرُ مَن یَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۵)

به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است! (۵)

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

این وعده ای است که خدا کرده؛ و خداوند هرگز از وعده اش تخلّف نمی کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷)

آنها فقط ظاهری از زندگی دنیا را می دانند، و از آخرت (و پایان کار) غافلند! (۷)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِم مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸)

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معیّنی نیافریده است؟! ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارشان را منکرند! (۸)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹)

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (امّا آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می کردند! (۹)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! (۱۰)

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱)

خداوند آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، سپس شما را بسوی او باز می گردانند! (۱۱)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (۱۲)

آن روز که قیامت برپا می شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می روند! (۱۲)

وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (۱۳)

و برای آنان شفیعانی از معبودانشان نخواهد بود، و نسبت به معبودهایی که آنها را همتای خدا قرار داده بودند کافر می شوند! (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (۱۴)

آن روز که قیامت برپا می گردد، (مردم) از هم جدا می شوند؛ (۱۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۱۵)

امّا آنان که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، در باغی از بهشت شاد و مسرور خواهند بود. (۱۵)

ص: ۴۰۵

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۱۶)

و امّا آنان که به آیات ما و لقای آخرت کافر شدند، در عذاب الهی احضار می شوند. (۱۶)

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۱۷)

منزّه است خداوند به هنگامی که شام می کنید و صبح می کنید؛ (۱۷)

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (۱۸)

و حمد و ستایش مخصوص اوست در آسمان و زمین، و به هنگام عصر و هنگامی که ظهر می کنید. (۱۸)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹)

او زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده، و زمین را پس از مردنش حیات می بخشد، و به همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می شوید! (۱۹)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ (۲۰)

از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه انسانهایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید! (۲۰)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکّر می کنند! (۲۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ (۲۲)

و از آیات او آفرینش آسمانها و زمین، و تفاوت زبانها و رنگهای شماست؛ در این نشانه هایی است برای عالمان! (۲۲)

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (٢٣)

و از نشانه های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوششتان برای بهره گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛ در این امور نشانه هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند! (٢٣)

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٢۴)

و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می کند؛ در این نشانه هایی است برای جمعیّتی که می اندیشند! (٢۴)



وَمِنْ آيَاتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ (٢۵)

و از آیات او این است که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند، ناگهان همه خارج می شوید (و در صحنه محشر حضور می یابید)! (٢۵)

وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (٢۶)

و از آن اوست تمام کسانی که در آسمانها و زمین اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع اند! (٢۶)

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢٧)

او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را بازمی گرداند، و این کار برای او آسانتر می باشد؛ و برای اوست توصیف برتر در آسمانها و زمین؛ و اوست توانمند و حکیم! (٢٧)

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (٢٨)

خداوند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده ای داشته باشید)، این برده های شما هرگز در روزیهایی که به شما داده ایم شریک شما می باشند؛ آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرّف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقّل می کنند شرح می دهیم. (٢٨)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَن يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (٢٩)

ولی ظالمان بدون علم و آگاهی، از هوی و هوسهای خود پیروی کردند! پس چه کسی می تواند آنان را که خدا گمراه کرده است هدایت کند؟! و برای آنها هیچ یاوری نخواهد بود! (۲۹)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

پس روی خود را متوجّه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی دانند! (۳۰)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

این باید در حالی باشد که شما بسوی او بازگشت می کنید و از (مخالفت فرمان) او بپرهیزید، نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید... (۳۱)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند! (۳۲)

ص: ۴۰۷

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۳۳)

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می خوانند و توبه کنان بسوی او بازمی گردند؛ امّا همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرک می شوند. (۳۳)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۴)

(بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده ایم کفران کنند! و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می توانید) بهره گیرید؛ امّا بزودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بی حساب شما چه بوده است)! (۳۴)

أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵)

آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می گوید (و آن را موجّه می شمارد)؟! (۳۵)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (۳۶)

و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، از آن خوشحال می شوند؛ و هرگاه رنج و مصیبتی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به

آنان رسد، ناگهان مأیوس می شوند! (۳۶)

أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّ اللَّهَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ وَیَقْدِرُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۳۷)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (۳۷)

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ ذَلِکَ خَیْرٌ لِّلَّذِینَ یُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۸)

پس حقّ نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند. (۳۸)

وَمَا آتَیْتُم مِّن رِّبًا لِّیَرْبُوَ فِی أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا یَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَیْتُم مِّن زَکَاةٍ تُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۹)

آنچه بعنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه را بعنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید (مایه برکت است؛ و) کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند. (۳۹)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ ثُمَّ رَزَقَکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ هَلْ مِن شُرَکَائِکُم مَّن یَفْعَلُ مِن ذَلِکُم مِّن شَیْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا یُشْرِکُونَ (۴۰)

خداوند همان کسی است که شما را آفرید، سپس روزی داد، بعد می میراند، سپس زنده می کند؛ آیا هیچ یک از همتایانی که برای خدا قرار داده اید چیزی از این کارها را می توانند انجام دهند؟! او منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می دهند. (۴۰)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۴۱)

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است؛ خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! (۴۱)

ص: ۴۰۸

قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِن قَبْلُ کَانَ أَکْثَرُهُم مُّشْرِکِینَ (۴۲)

بگو: «در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند! (۴۲)

فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ الْقَیِّمِ مِن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ یَوْمَئِذٍ یَصَّدَّعُونَ (۴۳)

روی خود را بسوی آیین مستقیم و پایدار بدار، پیش از آنکه روزی فرا رسد که هیچ کس نمی تواند آن را از خدا بازگرداند؛

در آن روز مردم به گروه هایی تقسیم می شوند: (۴۳)

مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (۴۴)

هر کس کافر شود، کفرش بر زیان خود اوست؛ و آنها که کار شایسته انجام دهند، به سود خودشان آماده می سازند. (۴۴)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۴۵)

این برای آن است که خداوند کسانی را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، از فضلش پاداش دهد؛ او کافران را دوست نمی دارد! (۴۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۶)

و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را بعنوان بشارتگرانی می فرستد تا شما را از رحمتش بچشاند (و سیراب کند) و کشتیها بفرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ شاید شکرگزاری کنید. (۴۶)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقّی است بر عهده ما! (۴۷)

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۸)

خداوند همان کسی است که بادها را می فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و متراکم می سازد؛ در این هنگام دانه های باران را می بینی که از لا به لای آن خارج می شود، هنگامی که این (باران حیاتبخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند، ناگهان خوشحال می شوند... (۴۸)

وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ (۴۹)

و قطعاً پیش از آنکه بر آنان نازل شود مایوس بودند! (۴۹)

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰)

به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ چنین کسی (که زمین مرده را زنده کرد) زنده کننده مردگان (در قیامت) است؛ و او بر همه چیز تواناست! (۵۰)

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (۵۱)

و اگر ما بادی بفرستیم (داغ و سوزان)، و بر اثر آن زراعت و باغ خود را زرد و پژمرده ببینند، (مأیوس شده و) پس از آن راه کفران پیش می گیرند! (۵۱)

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۵۲)

تو نمی توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران هنگامی که روی برگردانند و دور شوند! (۵۲)

وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۵۳)

و (نیز) نمی توانی نابینایان را از گمراهیشان هدایت کنی؛ تو تنها سخنت را به گوش کسانی می رسانی که ایمان به آیات ما می آورند و در برابر حق تسلیمند! (۵۳)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (۵۴)

خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوّت بخشید و باز بعد از قوّت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می آفریند، و دانا و تواناست. (۵۴)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵)

و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین از درک حقیقت بازگردانده می شوند. (۵۵)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

ولی کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده می گویند: «شما بفرمان خدا تا روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز است، امّا شما نمی دانستید!» (۵۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۵۷)

آن روز عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی شود. (۵۷)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸)

ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثال و مطلبی بیان کردیم؛ و اگر آیه ای برای آنان بیاوری، کافران می گویند: «شما اهل باطلید (و اینها سحر و جادو است)!» (۵۸)

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

این گونه خداوند بر دلهای آنان که آگاهی ندارند مهر می نهد! (۵۹)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۶۰)

اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین نسازند (و از راه خود منحرف نکنند)! (۶۰)

ص: ۴۱۰

## سوره لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲)

این آیات کتاب حکیم است (کتابی پرمحتوا و استوار)! (۲)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)

مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است. (۳)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

همانان که نماز را برپا می دارند، و زکات را می پردازند و آنها به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند، و آنانند رستگاران! (۵)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶)

و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است! (۶)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷)

و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود، مستکبرانه روی برمی گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشهایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده! (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (۸)

(ولی) کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، باغهای پرنعمت بهشت از آن آنهاست؛ (۸)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم (شکست ناپذیر و دانا). (۹)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم. (۱۰)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۱)

این آفرینش خداست؛ امّا به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیز را آفریده اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. (۱۱)

ص: ۴۱۱

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱۲)

ما به لقمان حکمت دادیم؛ (و به او گفتیم:) شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند)؛ چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است. (۱۲)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱۳)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش -در حالی که او را موعظه می کرد- گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» (۱۳)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴)

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه ای را متحمّل می شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که

برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است! (۱۴)

وَإِن جَاهَدَاکَ عَلَى أَن تُشْرِکَ بِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِی الدُّنْیَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنَابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده اند؛ سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می کردید آگاه می کنم. (۱۵)

یَا بُنَیَّ إِنَّهَا إِن تَکُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَکُن فِی صَخْرَةٍ أَوْ فِی السَّمَاوَاتِ أَوْ فِی الْأَرْضِ یَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ (۱۶)

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است! (۱۶)

یَا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَکَ إِنَّ ذَلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهمّ است! (۱۷)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸)

(پسرم!) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد. (۱۸)

وَاقْصِدْ فِی مَشْیِکَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِکَ إِنَّ أَنکَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیرِ (۱۹)

(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت ترین صداها صدای خران است. (۱۹)

ص: ۴۱۲

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن یُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا کِتَابٍ مُّنِیرٍ (۲۰)

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخّر شما کرده، و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است؟! ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می کنند! (۲۰)

وَإِذَا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَیْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ کَانَ الشَّیْطَانُ یَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِیرِ (۲۱)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!» آیا حتّی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیّت می کنند)؟! (۲۱)

وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲)

کسی که روی خود را تسلیم خدا کند در حالی که نیکوکار باشد، به دستگیره محکمی چنگ زده (و به تکیه گاه مطمئنی تکیه کرده است)؛ و عاقبت همه کارها به سوی خداست. (۲۲)

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

و کسی که کافر شود، کفر او تو را غمگین نسازد؛ بازگشت همه آنان به سوی ماست و ما آنها را از اعمالی که انجام داده اند (و نتایج شوم آن) آگاه خواهیم ساخت؛ خداوند به آنچه درون سینه هاست آگاه است. (۲۳)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ (۲۴)

ما اندکی آنها را از متاع دنیا بهره مند می کنیم، سپس آنها را به تحمّل عذاب شدیدی وادار می سازیم! (۲۴)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵)

و هرگاه از آنان سؤال کنی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلّماً می گویند: «اللّه»، بگو: «الحمد للّه (که خود شما معترفید)!» ولی بیشتر آنان نمی دانند! (۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶)

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (۲۶)

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷)

و اگر همه درختان روی زمین قلم شود، و دریا برای آن مرکّب گردد، و هفت دریاچه به آن افزوده شود، اینها همه تمام می شود ولی کلمات خدا پایان نمی گیرد؛ خداوند عزیز و حکیم است. (۲۷)

مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۲۸)

آفرینش و برانگیختن (و زندگی دوباره) همه شما (در قیامت) همانند یک فرد بیش نیست؛ خداوند شنوا و بیناست! (۲۸)

ص: ۴۱۳

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ

خَبِيرٌ (۲۹)

آیا ندیدی که خداوند شب را در روز، و روز را در شب داخل می کند، و خورشید و ماه را مسخّر ساخته و هر کدام تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می دهند؟! خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۲۹)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۳۰)

اینها همه دلیل بر آن است که خداوند حقّ است، و آنچه غیر از او می خوانند باطل است، و خداوند بلند مقام و بزرگ مرتبه است! (۳۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱)

آیا ندیدی کشتیها بر (صفحه) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می کنند تا بخشی از آیاتش را به شما نشان دهد؟! در اینها نشانه هایی است برای کسانی که شکیبا و شکرگزارند! (۳۱)

وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲)

و هنگامی که (در سفر دریا) موجی همچون ابرها آنان را بپوشاند (و بالا رود و بالای سرشان قرار گیرد)، خدا را با اخلاص می خوانند؛ امّا وقتی آنها را به خشکی رساند و نجات داد، بعضی راه اعتدال را پیش می گیرند (و به ایمان خود وفادار می مانند، در حالی که بعضی دیگر فراموش کرده راه کفر پیش می گیرند)؛ ولی آیات ما را هیچ کس جز پیمان شکنان ناسپاس انکار نمی کنند! (۳۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۳)

ای مردم! تقوای الهی پیشه کنید و بترسید از روزی که نه پدر کیفر اعمال فرزندش را تحمّل می کند، و نه فرزند چیزی از کیفر (اعمال) پدرش را؛ به یقین وعده الهی حقّ است؛ پس مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا (شیطان) فریبکار شما را (به کرم) خدا مغرور سازد! (۳۳)

إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۳۴)

آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست، و اوست که باران را نازل می کند، و آنچه را که در رحم ها (ی مادران) است می داند، و هیچ کس نمی داند فردا چه به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؟ خداوند عالم و آگاه است! (۳۴)

## سوره السجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده، و شک و تردیدی در آن نیست! (۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

ولی آنان می گویند: «(محمّد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، امّا این سخن حقّی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذارکننده ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند! (۳)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِی سِتَّهِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴)

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [= شش دوران ] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت؛ هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکّر نمی شوید؟! (۴)

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِی يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۵)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می شمرید بسوی او بالا می رود (و دنیا پایان می یابد). (۵)

ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶)

او خداوندی است که از پنهان و آشکار با خبر است، و شکست ناپذیر و مهربان است! (۶)

الَّذِی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ (۷)

او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ (۷)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَهٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ (۸)

سپس نسل او را از عصاره ای از آب ناچیز و بی قدر آفرید. (۸)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹)

سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد؛ امّا کمتر شکر نعمتهای او را بجا می آورید! (۹)

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰)

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟!» ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می کنند (و می خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). (۱۰)

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

بگو: «فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی گردانند.» (۱۱)

ص: ۴۱۵

وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲)

و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می گویند: «پروردگارا! آنچه وعده کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) یقین داریم!» (۱۲)

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۳)

و اگر می خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را (از روی اجبار بدهیم) می دادیم؛ ولی (من آنها را آزاد گذارده ام و) سخن و وعده ام حق است که دوزخ را (از افراد بی ایمان و گنهکار) از جنّ و انس همگی پر کنم! (۱۳)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

(و به آنها می گویيم:) بچشید (عذاب جهنم را)! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می دادید! (۱۴)

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵)

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می افتند و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند، و تکبّر نمی کنند. (۱۵)

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۱۶)

پهلوهایشـان از بسترهـا در دل شب دور می شود (و بپا می خیزنـد و رو به درگاه خـدا می آورنـد) و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند! (۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٧)

هیچ کس نمی داند چه پاداشـهای مهمّی که مایه روشنی چشمهاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهائی است که انجام می دادند! (۱۷)

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ (١٨)

آیا کسی که باایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند. (۱۸)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٩)

امّا کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسـته انجام دادند، باغهای بهشت جاویدان از آن آنها خواهد بود، این وسیله پذیرایی (خداوند) از آنهاست به پاداش آنچه انجام می دادند. (۱۹)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (٢٠)

و امّا کسانی که فاسق شدند (و از اطاعت خدا سـرباز زدند)، جایگاه همیشگی آنها آتش است؛ هر زمان بخواهند از آن خارج شوند، آنها را به آن بازمی گردانند و به آنان گفته می شود: «بچشید عذاب آتشی را که انکار می کردید!» (۲۰)

ص: ۴۱۶

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٢١)

به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می چشانیم، شاید بازگردند! (۲۱)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (٢٢)

چه کسـی سـتمکارتر است از آن کس که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! مسلّماً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت! (۲۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (٢٣)

ما به موسی کتاب آسـمانی دادیم؛ و شـک نداشـته بـاش که او آیـات الهی را دریافت داشت؛ و ما آن را وسـیله هـدایت بنی اسرائیل قرار دادیم! (۲۳)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و از آنـان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هـدایت می کردنـد؛ چون شـکیبایی نمودنـد، و به آیات ما یقین داشتند. (۲۴)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۲۵)

البتّه پروردگار تو میان آنان روز قیامت در آنچه اختلاف داشـتند داوری می کند (و هر کس را به سـزای اعمالش می رساند)! (۲۵)

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِکَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (۲۶)

آیـا برای هـدایت آنهـا همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرن پیش از آنان زنـدگی داشـتند هلاک کردیم؟! اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می روند؛ در این آیاتی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک مجرمان)؛ آیا نمی شنوند؟! (۲۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ (۲۷)

آیـا ندیدنـد که مـا آب را بسوی زمینهای خشک می رانیم و بوسـیله آن زراعتهایی می رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می خورند و هم خودشان تغذیه می کنند؛ آیا نمی بینند؟! (۲۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۸)

آنان می گویند: «اگر راست می گویید، این پیروزی شما کی خواهد بود؟!» (۲۸)

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۲۹)

بگو: «روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت؛ و به آنها هیچ مهلت داده نمی شود!» (۲۹)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ (۳۰)

حـال که چنین است، از آنهـا روی بگردان و منتظر باش؛ آنها نیز منتظرنـد! (تو منتظر رحمت خـدا و آنها هم منتظر عـذاب او!) (۳۰)

ص: ۴۱۷

## سوره الأحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١)

ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند عالم و حکیم است. (۱)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (٢)

و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن که خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۲)

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (٣)

و بر خدا توکّل کن، و همین بس که خداوند حافظ و مدافع (انسان) باشد! (۳)

مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (٤)

خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده؛ و هرگز همسرانتان را که مورد «ظهار» قرارمی دهید مادران شما قرار نداده؛ و (نیز) فرزندخوانده های شما را فرزند حقیقی شما قرارنداده است؛ این سخن شماست که به دهان خود می گویید (سخنی باطل و بی پایه)؛ امّا خداوند حقّ را می گوید و او به راه راست هدایت می کند. (۴)

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (٥)

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ امّا گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سرمی زند (و بی توجّه آنها را به نام دیگران صدا می زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (۵)

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (٦)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [= مؤمنان ] محسوب می شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرّر داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است. (۶)

ص: ۴۱۸

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (٧)

(به خاطر آور) هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم (که در ادای مسؤولیت تبلیغ و رسالت کوتاهی نکنند)! (۷)

لِّيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۸)

به این منظور که خدا راستگویان را از صدقشان (در ایمان و عمل صالح) سؤال کند؛ و برای کافران عذابی دردناک آماده ساخته است. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم)؛ و خداوند همیشه به آنچه انجام می دهید بینا بوده است. (۹)

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشمها از شدّت وحشت خیره شده و جانها به لب رسیده بود، و گمانهای گوناگون بدی به خدا می بردید. (۱۰)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند! (۱۱)

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که منافقان و بیماردلان می گفتند: «خدا و پیامبرش جز وعده های دروغین به ما نداده اند!» (۱۲)

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۱۳)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می خواستند و می گفتند: «خانه های ما بی حفاظ است!»، در حالی که بی حفاظ نبود؛ آنها فقط می خواستند (از جنگ) فرار کنند. (۱۳)

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴)

آنها چنان بودند که اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می کردند می پذیرفتند، و جز مدّت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی کردند! (۱۴)

وَلَقَدْ کَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا یُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَکَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (۱۵)

(در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سؤال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسؤولند)! (۱۵)

ص: ۴۱۹

قُل لَّن یَنفَعَکُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِیلًا (۱۶)

بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، سودی به حال شما نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز بهره کمی از زندگانی نخواهید گرفت!» (۱۶)

قُلْ مَن ذَا الَّذِی یَعْصِمُکُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِکُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِکُمْ رَحْمَةً وَلَا یَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۱۷)

بگو: «چه کسی می تواند شما را در برابر اراده خدا حفظ کند اگر او بدی یا رحمتی را برای شما اراده کند؟!» و آنها جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای خود نخواهند یافت. (۱۷)

قَدْ یَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِینَ مِنکُمْ وَالْقَائِلِینَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَیْنَا وَلَا یَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِیلًا (۱۸)

خداوند کسانی که مردم را از جنگ بازمی داشتند و کسانی را که به برادران خود می گفتند: «بسوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» بخوبی می شناسد؛ و آنها (مردمی ضعیفند و) جز اندکی پیکار نمی کنند! (۱۸)

أَشِحَّةً عَلَیْکُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَیْتَهُمْ یَنظُرُونَ إِلَیْکَ تَدُورُ أَعْیُنُهُمْ کَالَّذِی یُغْشَی عَلَیْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوکُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَی الْخَیْرِ أُولَئِکَ لَمْ یُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَکَانَ ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرًا (۱۹)

آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند؛ و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آنچنان به تو نگاه می کنند، و چشمهایشان در حدقه می چرخد، که گویی می خواهند قالب تهی کنند! امّا وقتی حالت خوف و ترس فرو نشست، زبانهای تند و خشن خود را با انبوهی از خشم و عصبانیت بر شما می گشایند (و سهم خود را از غنایم مطالبه می کنند!) در حالی که در آن نیز حریص و بخیلند؛ آنها (هرگز) ایمان نیاورده اند، از این رو خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد؛ و این کار بر خدا آسان است. (۱۹)

یَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ یَذْهَبُوا وَإِن یَأْتِ الْأَحْزَابُ یَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِی الْأَعْرَابِ یَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِکُمْ وَلَوْ کَانُوا فِیکُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِیلًا (۲۰)

آنها گمان می کننـد هنوز لشکر احزاب نرفته اند؛ و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می دارند در میان اعراب بادیه نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جویا گردند؛ و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی کنند! (۲۰)

لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)

مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. (۲۱)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

(امّا) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۲)

ص: ۴۲۰

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند. (۲۳)

لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۴)

هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و رحیم است. (۲۴)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه ای از کار خود گرفته باشند؛ و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد)؛ و خدا قوّی و شکست ناپذیر است! (۲۵)

وَأَنزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب ] حمایت کردند از قلعه های محکمشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می رساندید و گروهی را اسیر می کردید! (۲۶)

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۷)

و زمینها و خانه ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت، و (همچنین) زمینی را که هرگز در آن گام ننهاده بودید؛ و خداوند بر

هر چیز تواناست! (۲۷)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید بیایید با هدیه ای شما را بهره مند سازم و شما را بطرز نیکویی رها سازم! (۲۸)

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.» (۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود؛ و این برای خدا آسان است. (۳۰)

ص: ۴۲۱

## جزء ۲۲

### ادامه سوره الأحزاب

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

و هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دو چندان خواهیم ساخت، و روزی پرارزشی برای او آماده کرده ایم. (۳۱)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۳۲)

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید! (۳۲)

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

و در خانه های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیّت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را

پاک سازد. (۳۳)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است! (۳۴)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننـده، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکـدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (۳۵)

ص: ۴۲۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (۳۶)

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است! (۳۶)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداونـد به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خوانده ات «زیـد»] می گفتی: «همسـرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسـته این امر را تکرار می کردی)؛ و در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند؛ و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسـران پسر خوانده هایشان -هنگامی که طلاق گیرند- نباشد؛ و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنّت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (۳۷)

مَّا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (۳۸)

هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنّت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است! (۳۸)

الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَیَخْشَوْنَهُ وَلَا یَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَکَفَی بِاللَّهِ حَسِیبًا (۳۹)

(پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالتهای الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است! (۳۹)

مَّا کَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِکُمْ وَلَکِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکَانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمًا (۴۰)

محمّد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است! (۴۰)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْرًا کَثِیرًا (۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱)

وَسَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَأَصِیلًا (۴۲)

و صبح و شام او را تسبیح گویید! (۴۲)

هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَمَلَائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَکَانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیمًا (۴۳)

او کسی است که بر شما درود و رحمت می فرستد، و فرشتگان او (نیز) برای شما تقاضای رحمت می کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گردد؛ او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! (۴۳)

ص: ۴۲۳

تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا کَرِیمًا (۴۴)

تحیّت آنان در روزی که او را دیدار می کنند سلام است؛ و برای آنها پاداش پرارزشی فراهم ساخته است. (۴۴)

یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاکَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِیرًا (۴۵)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذارکننده! (۴۵)

وَدَاعِیًا إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِیرًا (۴۶)

و تو را دعوت کننده بسوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش! (۴۶)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا (۴۷)

و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. (۴۷)

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۴۸)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکّل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع (تو) است! (۴۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید، عدّه ای برای شما بر آنها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنها را با هدیه مناسبی بهره مند سازید و بطرز شایسته ای رهایشان کنید. (۴۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده ای و دختران عموی تو، و دختران عمّه ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می تواند او را به همسری برگزیند؛ امّا چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛ ما می دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرّر داشته ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می کند)؛ این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است! (۵۰)

ص: ۴۲۴

تُرْجِي مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

(موعد) هر یک از همسرانت را بخواهی می توانی به تأخیر اندازی، و هر کدام را بخواهی نزد خود جای دهی؛ و هرگاه بعضی از آنـان را که برکنـار ساخته ای بخواهی نزد خود جـای دهی، گناهی بر تو نیست؛ این حکم الهی برای روشـنی چشم آنان، و اینکه غمگین نباشند و به آنچه به آنان می دهی همگی راضی شوند نزدیکتر است؛ و خدا آنچه را در قلوب شماست می داند، و خداوند دانا و بردبار است (از مصالح بندگان خود با خبر است، و در کیفر آنها عجله نمی کند)! (۵۱)

لَّا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَّقِيبًا (۵۲)

بعـد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست، و نمی توانی همسـرانت را به همسـران دیگری مبـدّل کنی [= بعضـی را طلاق دهی و همسـر دیگری به جـای او برگزینی ] هر چنـد جمـال آنهـا مـورد تـوجّه تو واقع شود، مگر آنچه که بصورت کنیز در ملک تو درآید! و خداوند ناظر و مراقب هر چیز است (و با این حکم فشار قبایل عرب را در اختیار همسر از آنان، از تو برداشتیم). (۵۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! در خانه های پیامبر داخل نشویـد مگر به شـما برای صـرف غـذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعـد نیاییـد و) در انتظار وقت غـذا ننشـینید؛ امّا هنگامی که دعوت شدیـد داخل شویـد؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صـرف غذا) به بحث و صـحبت ننشـینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می نماید، ولی از شـما شـرم می کند (و چیزی نمی گویـد)؛ امّا خداوند از (بیان) حق شـرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسـران پیامبر] می خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شـما و آنها بهتر است! و شـما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است! (۵۳)

إِن تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۵۴)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان دارید، خداوند از همه چیز آگاه است! (۵۴)

ص: ۴۲۵

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۵۵)

بر آنـان [= همسـران پیامبر] گناهی نیست در مورد پـدران و فرزنـدان و برادران و فرزنـدان برادران و فرزنـدان خواهران خود و زنان مسلمان و بردگان خویش (که بدون حجاب و پرده با آنها تماس بگیرند)؛ و تقوای الهی را پیشه کنید که خداوند نسبت

به هر چیزی شاهد و آگاه است. (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید. (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (۵۷)

آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۵۸)

و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده اند آزار می دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده اند. (۵۸)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [= روسری های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است. (۵۹)

لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضدّ آنان می شورانیم، سپس جز مدّت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند! (۶۰)

مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

و از همه جا طرد می شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید! (۶۱)

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۶۲)

این سنّت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنّت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت! (۶۲)

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا (۶۳)

مردم از تو درباره (زمان قیام) قیامت سؤال می کنند، بگو: «علم آن تنها نزد خداست!» و چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد! (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا (۶۴)

خداوند کافران را لعن کرده (و از رحمت خود دور داشته) و برای آنان آتش سوزاننده ای آماده نموده است، (۶۴)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۶۵)

در حالی که همواره در آن تا ابد می مانند، و ولیّ و یاوری نخواهند یافت! (۶۵)

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا (۶۶)

در آن روز که صورتهای آنان در آتش (دوزخ) دگرگون خواهد شد (از کار خویش پشیمان می شوند و) می گویند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم!» (۶۶)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا (۶۷)

و می گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند! (۶۷)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (۶۸)

پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما!» (۶۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه در حق او می گفتند مبرا ساخت؛ و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود! (۶۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... (۷۰)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۱)

تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی)

عظیمی دست یافته است! (۷۱)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۷۲)

ما امانت (تعهّد، تکلیف، و ولایت الهیّه) را بر آسمانها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ امّا انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)! (۷۲)

لِّيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۷۳)

هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است! (۷۳)

ص: ۴۲۷

## سوره سبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که تمام آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ و (نیز) حمد (و سپاس) برای اوست در سرای آخرت؛ و او حکیم و آگاه است. (۱)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

آنچه در زمین فرومی رود و آنچه را از آن برمی آید می داند، و (همچنین) آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه بر آن بالا می رود؛ و او مهربان و آمرزنده است. (۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۳)

کافران گفتند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد!» بگو: «آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد، خداوندی که از غیب آگاه است و به اندازه سنگینی ذرّه ای در آسمانها و زمین از علم او دور نخواهد ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است!» (۳)

لِّيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند پاداش دهد؛ برای آنان مغفرت و روزی پرارزشی است! (۴)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِیمٌ (۵)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت! (۵)

وَیَرَى الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِی أُنزِلَ إِلَیْکَ مِن رَّبِّکَ هُوَ الْحَقَّ وَیَهْدِی إِلَى صِرَاطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ (۶)

کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می کند. (۶)

وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا هَلْ نَدُلُّکُمْ عَلَى رَجُلٍ یُنَبِّئُکُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ کُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّکُمْ لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ (۷)

و کافران گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می دهد هنگامی که (مُردید و) سخت از هم متلاشی شدید، (بار دیگر) آفرینش تازه ای خواهید یافت؟! (۷)



أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ کَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ فِی الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِیدِ (۸)

آیا او بر خدا دروغ بسته یا به نوعی جنون گرفتار است؟!» (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند (و نشانه گمراهی آنها همین انکار شدید است). (۸)

أَفَلَمْ یَرَوْا إِلَى مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَیْهِمْ کِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّکُلِّ عَبْدٍ مُّنِیبٍ (۹)

آیا به آنچه پیش رو و پشت سر آنان از آسمان و زمین قرار دارد نگاه نکردند (تا به قدرت خدا بر همه چیز واقف شوند)؟! اگر ما بخواهیم آنها را (با یک زمین لرزه) در زمین فرومی بریم، یا قطعه هایی از سنگهای آسمانی را بر آنها فرومی ریزیم؛ در این نشانه ای است (بر قدرت خدا) برای هر بنده توبه کار! (۹)

وَلَقَدْ آتَیْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا یَا جِبَالُ أَوِّبِی مَعَهُ وَالطَّیْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِیدَ (۱۰)

و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه ها و پرندگان گفتیم:) ای کوه ها و ای پرندگان! با او هم آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گویید! و آهن را برای او نرم کردیم. (۱۰)

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِی السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّی بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (۱۱)

(و به او گفتیم:) زره های کامل و فراخ بساز، و حلقه ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح بجا آورید که من به آنچه

انجام میدهید بینا هستم! (۱۱)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲)

و برای سلیمان باد را مسخّر ساختیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را؛ و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم؛ و گروهی از جنّ پیش روی او به اذن پروردگارش کار می کردند؛ و هر کدام از آنها که از فرمان ما سرپیچی می کرد، او را عذاب آتش سوزان می چشاندیم! (۱۲)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۱۳)

آنها هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم:) ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند! (۱۳)

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۱۴)

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرّر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [= موریانه ] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جنّیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند! (۱۴)

ص: ۴۲۹

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (۱۵)

برای قوم «سبا» در محل سکونتشان نشانه ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه های فراوان؛ و به آنها گفتیم:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)! (۱۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

امّا آنها (از خدا) روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو باغ (پربرکت) شان را به دو باغ (بی ارزش) با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبدّل ساختیم! (۱۶)

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷)

این کیفر را بخاطر کفرانشان به آنها دادیم؛ و آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟! (۱۷)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸)

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرّر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم:) شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید! (۱۸)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹)

ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: «پروردگارا! میان سفرهای ما دوری بیفکن» (تا بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق) آنها به خویشتن ستم کردند! و ما آنان را داستانهایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیّتشان را متلاشی ساختیم؛ در این ماجرا، نشانه های عبرتی برای هر صابر شکرگزار است. (۱۹)

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقّق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! (۲۰)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شکّ هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است! (۲۱)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ (۲۲)

بگو: «کسانی را که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید بخوانید! (آنها هرگز گرهی از کار شما نمی گشایند، چرا که) آنها به اندازه ذرّه ای در آسمانها و زمین مالک نیستند، و نه در (خلقت و مالکیّت) آنها شریکند، و نه یاور او (در آفرینش) بودند. (۲۲)



وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

هیچ شفاعتی نزد او، جز برای کسانی که اذن داده، سودی ندارد! (در آن روز همه در اضطرابند) تا زمانی که اضطراب از دلهای آنان زایل گردد (و فرمان از ناحیه او صادر شود؛ در این هنگام مجرمان به شفیعان) می گویند: «پروردگارتان چه دستوری داده؟» می گویند: «حقّ را (بیان کرد و اجازه شفاعت درباره مستحقّان داد)؛ و اوست بلندمقام و بزرگ مرتبه!» (۲۳)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

بگو: «چه کسی شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «اللّه! و ما یا شما بر (طریق) هدایت یا در ضلالت آشکاری هستیم!» (۲۴)

قُل لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

بگو: «شما از گناهی که ما کرده ایم سؤال نخواهید شد، (همان گونه که) ما در برابر اعمال شما مسؤول نیستیم!» (۲۵)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

بگو: «پروردگار ما همه ما را جمع می کند، سپس در میان ما بحق داوری می نماید (و صفوف مجرمان را از نیکوکاران جدا می سازد)، و اوست داور (و جداکننده) آگاه!» (۲۶)

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

بگو: «کسانی را که بعنوان شریک به او ملحق ساخته اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! (او شریک و شبیهی ندارد)، بلکه او خداوند عزیز و حکیم است! (۲۷)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۲۸)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۹)

می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده (رستاخیز) کی خواهد بود؟!» (۲۹)

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰)

بگو: «وعده شما روزی خواهد بود که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه (بر آن) پیشی خواهید گرفت!» (۳۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!» اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد (از وضع آنها تعجّب می کنی)! مستضعفان به مستکبران می گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!» (۳۱)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُم بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ (۳۲)

(امّا) مستکبران به مستضعفان پاسخ می دهند: «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد (و آن را بخوبی دریافتید)؟! بلکه شما خود مجرم بودید!» (۳۲)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)

و مستضعفان به مستکبران می گویند: «وسوسه های فریبکارانه شما در شب و روز (مایه گمراهی ما شد)، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم!» و آنان هنگامی که عذاب (الهی) را می بینند پشیمانی خود را پنهان می کنند (تا بیشتر رسوا نشوند)! و ما غل و زنجیرها در گردن کافران می نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟! (۳۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم!» (۳۴)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵)

و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست!)؛ و ما هرگز مجازات نخواهیم شد!» (۳۵)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

بگو: «پروردگار من روزی را برای هر کس بخواهد وسیع یا تنگ می کند، (این ربطی به قرب در درگاه او ندارد)؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند! (۳۶)

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (۳۷)

اموال و فرزندانتان هرگز شما را نزد ما مقرّب نمی سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده اند؛ و آنها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیّت خواهند بود! (۳۷)

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می کننـد و می پندارند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الهی) احضار می شوند! (۳۸)

قُلْ إِنَّ رَبِّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ (۳۹)

بگو: «پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می بخشد، و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می سازد؛ و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می دهد (و جای آن را پر می کند)؛ و او بهترین روزی دهندگان است!» (۳۹)



وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعًا ثُمَّ یَقُولُ لِلْمَلَائِکَهِ أَهَؤُلَاءِ إِیَّاکُمْ کَانُوا یَعْبُدُونَ (۴۰)

(به خاطر بیاور) روزی را که خداونـد همه آنان را بر می انگیزد، سپس به فرشتگان می گویـد: «آیا اینها شـما را پرسـتش می کردند؟!» (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَکَ أَنتَ وَلِیُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ کَانُوا یَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَکْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ (۴۱)

آنها می گویند: «منزّهی (از اینکه همتایی داشته باشی)! تنها تو ولیّ مائی، نه آنها؛ (آنها ما را پرستش نمی کردند) بلکه جنّ را پرستش می نمودند؛ و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!» (۴۱)

فَالْیَوْمَ لَا یَمْلِکُ بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِی کُنتُم بِهَا تُکَذِّبُونَ (۴۲)

(آری) امروز هیچ یک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست! و به ظالمان می گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می کردید!» (۴۲)

وَإِذَا تُتْلَی عَلَیْهِمْ آیَاتُنَا بَیِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَـٰذَا إِلَّا رَجُلٌ یُرِیـدُ أَن یَصُـدَّکُمْ عَمَّا کَانَ یَعْبُـدُ آبَاؤُکُمْ وَقَالُوا مَا هَـٰذَا إِلَّا إِفْکٌ مُّفْتَرًی وَقَالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِینٌ (۴۳)

و هنگـامی که آیـات روشـنگر مـا بر آنـان خوانـده می شود، می گوینـد: «او فقـط مردی است که می خواهـد شـما را از آنچه پـدرانتان می پرستیدنـد بـازدارد!» و می گوینـد: «این جز دروغ بزرگی که (به خـدا) بسته شـده چیز دیگری نیست!» و کـافران هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند: «این، جز افسونی آشکار نیست!» (۴۳)

وَمَا آتَیْنَاهُم مِّن کُتُبٍ یَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَیْهِمْ قَبْلَکَ مِن نَّذِیرٍ (۴۴)

ما (قبلاً) چیزی از کتابهای آسمانی را به آنان نداده ایم که آن را بخوانند (و به اتّکای آن سخنان تو را تکذیب کنند)، و پیش از تو هیچ بیم دهنده [= پیامبری] برای آنان نفرستادیم! (۴۴)

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵)

کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) تکذیب کردند، در حالی که اینها به یک دهم آنچه به آنان دادیم نمی رسند! (آری) آنها رسولان مرا تکذیب کردند؛ پس ببین مجازات من (نسبت به آنها) چگونه بود! (۴۵)

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمّد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است!» (۴۶)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۴۷)

بگو: «هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است، و او بر همه چیز گواه است!» (۴۷)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۴۸)

بگو: «پروردگار من حق را (بر دل پیامبران خود) می افکند، که او دانای غیبها (و اسرار نهان) است.» (۴۸)

ص: ۴۳۳

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۴۹)

بگو: «حق آمد! و باطل (کاری از آن ساخته نیست و) نمی تواند آغازگر چیزی باشد و نه تجدیدکننده آن!» (۴۹)

قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰)

بگو: «اگر من گمراه شوم، از ناحیه خود گمراه می شوم؛ و اگر هدایت یابم، به وسیله آنچه پروردگارم به من وحی می کند هدایت می یابم؛ او شنوای نزدیک است!» (۵۰)

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود امّا نمی توانند (از عذاب الهی) بگریزند، و آنها را از جای نزدیکی (که حتّی انتظارش را ندارند) می گیرند (از درماندگی آنها تعجّب خواهی کرد)! (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

و (در آن حال) می گویند: «به حقّ ایمان آوردیم!»، ولی چگونه می توانند از فاصله دور به آن دسترسی پیدا کنند! (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

آنها پیش از این (که در نهایت آزادی بودند) به آن کافر شدند و دورا دور، و غائبانه (و بدون آگاهی). نسبت های ناروا می دادند. (۵۳)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (۵۴)

(سرانجام) میان آنها و خواسته هایشان جدایی افکنده شد، همان گونه که با پیروان (و هم مسلکان) آنها از قبل عمل شد، چرا که آنها در شک و تردید بودند! (۵۴)

## سوره فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَهٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

ستایش مخصوص خداوندی است آفریننده آسمانها و زمین، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، و او بر هر چیزی تواناست! (۱)

مَّا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَهٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است! (۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳)

ای مردم! به یاد آورید نعمت خدا را بر شما؛ آیا آفریننده ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می شوید؟! (۳)

ص: ۴۳۴

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

اگر تو را تکذیب کنند (غم مخور، موضوع تازه ای نیست) پیامبران پیش از تو نیز تکذیب شدند؛ و همه کارها بسوی خدا بازمی گردد. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاهُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۵)

ای مردم! وعـده خداونـد حقّ است؛ مبادا زندگی دنیا شـما را بفریبد، و مبادا شـیطان شـما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد! (۵)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

البتّه شـیطان دشـمن شـماست، پس او را دشـمن بدانیـد؛ او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنّم) باشند! (۶)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

کسانی که راه کفر پیش گرفتنـد، برای آنان عـذابی سـخت است؛ و کسانی که ایمان آوردنـد و کارهای شایسـته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! (۷)

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

آیا کسـی که عمل بـدش برای او آراسـته شده و آن را خوب و زیبا می بیند (هماننـد کسـی است که واقع را آنچنان که هسـت می یابـد)؟! خداونـد هر کس را بخواهـد گمراه می سـازد و هر کس را بخواهـد هـدایت می کنـد؛ پس جانت به خاطر شـدّت تأسف بر آنان از دست نرود؛ خداوند به آنچه انجام می دهند داناست! (۸)

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

خداوند کسـی است که بادها را فرستاد تا ابرهایی را به حرکت درآورند؛ سپس ما این ابرها را به سوی زمین مرده ای راندیم و به وسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می کنیم؛ رستاخیز نیز همین گونه است! (۹)

مَن كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (۱۰)

کسـی که خواهان عزّت است (بایـد از خـدا بخواهـد چرا که) تمام عزّت برای خـداست؛ سـخنان پاکیزه به سوی او صـعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد؛ و آنها که نقشه های بد می کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می شود (و به جایی نمی رسد)! (۱۰)

وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

خداوند شـما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای؛ سپس شـما را بصورت زوجهایی قرار داد؛ هیچ جنس ماده ای باردار نمی

شود و وضع حمل نمی کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی کند، یا از عمرش کاسته نمی شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است. (۱۱)



وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ (امّا) از هر دو گوشتی تازه می خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می پوشید؛ و کشتیها را در آن می بینی که آنها را می شکافند (و به سوی مقصد پیش می روند) تا از فضل خداوند بهره گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید! (۱۲)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ (۱۳)

او شب را در روز داخل می کند و روز را در شب؛ و خورشید و ماه را مسخّر (شما) کرده، هر یک تا سرآمد معیّنی به حرکت خود ادامه می دهد؛ این است خداوند، پروردگار شما؛ حاکمیّت (در سراسر عالم) از آن اوست: و کسانی را که جز او می خوانید (و می پرستید) حتی به اندازه پوست نازک هسته خرما مالک نیستند! (۱۳)

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)

اگر آنها را بخوانید صدای شما را نمی شنوند، و اگر بشنوند به شما پاسخ نمی گویند؛ و روز قیامت، شرک (و پرستش) شما را منکر می شوند، و هیچ کس مانند (خداوند آگاه و) خبیر تو را (از حقایق) با خبر نمی سازد! (۱۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است! (۱۵)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

اگر بخواهد شما را می برد و خلق جدیدی می آورد؛ (۱۶)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷)

و این برای خداوند مشکل نیست! (۱۷)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (١٨)

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد؛ و اگر شخص سنگین باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیم می دهی که از پروردگار خود در پنهانی می ترسند و نماز را برپا می دارند؛ و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست! (١٨)

ص: ۴۳۶

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (١٩)

و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، (١٩)

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (٢٠)

و نه ظلمتها و روشنایی، (٢٠)

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (٢١)

و نه سایه (آرامبخش) و باد داغ و سوزان! (٢١)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (٢٢)

و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی! (٢٢)

إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ (٢٣)

تو فقط انذارکننده ای، (اگر ایمان نیاورند نگران نباش، وظیفه ات را انجام ده.) (٢٣)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (٢۴)

ما تو را بحق برای بشارت و انذار فرستادیم؛ و هر امّتی در گذشته انذارکننده ای داشته است! (٢۴)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (٢۵)

اگر تو را تکذیب کنند (عجیب نیست)؛ کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند؛ آنها با دلایل روشن و کتابهای پند و موعظه و کتب آسمانی روشنگر (مشتمل بر معارف و احکام) به سراغ آنان آمدند (امّا کوردلان ایمان

نیاوردند). (۲۵)

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)

سپس من کافران را (بعد از اتمام حجّت) گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ مجازات من نسبت به آنان چگونه بود؟! (۲۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه ها نیز (به لطف پروردگار) جاده هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه! (۲۷)

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

و از انسانها و جنبندگان و چهارپایان انواعی با رنگهای مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می ترسند؛ خداوند عزیز و غفور است! (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (۲۹)

کسانی که کتاب الهی را تلاوت می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم پنهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی (پرسود و) بی زیان و خالی از کساد را امید دارند. (۲۹)

لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)

(آنها این اعمال صالح را انجام می دهند) تا خداوند اجر و پاداش کامل به آنها دهد و از فضلش بر آنها بیفزاید که او آمرزنده و شکرگزار است! (۳۰)

ص: ۴۳۷

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

و آنچه از کتاب به تو وحی کردیم حق است و تصدیق کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن؛ خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست! (۳۱)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم؛ (امّا) از میان آنها عده ای بر خود ستم

کردند، و عده ای میانه رو بودند، و گروهی به اذن خدا در نیکیها (از همه) پیشی گرفتند، و این، همان فضیلت بزرگ است! (۳۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

(پاداش آنان) باغهای جاویدان بهشت است که در آن وارد می شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته اند، و لباسشان در آنجا حریر است! (۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

آنها می گویند: «حمد (و ستایش) برای خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! (۳۴)

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می رسد و نه سستی و واماندگی! (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ (۳۶)

و کسانی که کافر شدند، آتش دوزخ برای آنهاست؛ هرگز فرمان مرگشان صادر نمی شود تا بمیرند، و نه چیزی از عذابش از آنان تخفیف داده می شود؛ این گونه هر کفران کننده ای را کیفر می دهیم! (۳۶)

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۳۷)

آنها در دوزخ فریاد می زنند: «پروردگارا! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته می شود:) آیا شما را به اندازه ای که هر کس اهل تذکّر است در آن متذکّر می شود عمر ندادیم، و انذارکننده (الهی) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یاوری نیست! (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

خداوند از غیب آسمانها و زمین آگاه است، و آنچه را در درون دلهاست می داند! (۳۸)

ص: ۴۳۸

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ

إِلَّا خَسَارًا (٣٩)

اوست که شما را جانشینانی در زمین قرار داد؛ هر کس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود، و کافران را کفرشان جز خشم و غضب در نزد پروردگار چیزی نمی افزاید، و (نیز) کفرشان جز زیان و خسران چیزی بر آنها اضافه نمی کند! (۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَتٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو: «این معبودانی را که جز خدا می خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده ایم و دلیلی از آن برای (شرک) خود دارند؟!» نه هیچ یک از اینها نیست، ظالمان فقط وعده های دروغین به یکدیگر می دهند! (۴۰)

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

خداوند آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و غفور است! (۴۱)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

آنان با نهایت تأکید به خدا سوگند خوردند که اگر پیامبری انذارکننده به سراغشان آید، هدایت یافته ترین امّتها خواهند بود؛ امّا چون پیامبری برای آنان آمد، جز فرار و فاصله گرفتن از (حق) چیزی بر آنها نیفزود! (۴۲)

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)

اینها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگهای بدشان بود؛ امّا این نیرنگها تنها دامان صاحبانش را می گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنّت پیشینیان و (عذابهای دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنّت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنّت الهی تغییری نمی یابی! (۴۳)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴)

آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چگونه بود؟! همانها که از اینان قویتر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمانها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست! (۴۴)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَکَ عَلَى ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معیّنی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) امّا هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیّات همه آگاه است)! (۴۵)

## سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ یس (۱)

یس. (۱)

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ (۲)

سوگند به قرآن حکیم. (۲)

إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۳)

که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی، (۳)

عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴)

بر راهی راست (قرار داری)؛ (۴)

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است (۵)

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند! (۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند! (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ (۸)

ما در گردنهای آنان غلهایی قرار دادیم که تا چانه ها ادامه دارد و سرهای آنان را به بالا نگاه داشته است! (۸)

وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹)

و در پیش روی آنان سدّی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدّی؛ و چشمانشان را پوشانده ایم، لذا نمی بینند! (۹)

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

برای آنان یکسان است: چه انذارشان کنی یا نکنی، ایمان نمی آورند! (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱)

تو فقط کسی را انذار می کنی که از این یادآوری (الهی) پیروی کند و از خداوند رحمان در نهان بترسد؛ چنین کسی را به آمرزش و پاداشی پرارزش بشارت ده! (۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

به یقین ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را از پیش فرستاده اند و تمام آثار آنها را می نویسیم؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده ای برشمرده ایم! (۱۲)

ص: ۴۴۰

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛ (۱۳)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۱۴)

هنگامی که دو نفر از رسولان را بسوی آنها فرستادیم، امّا آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سوّمی فرستادیم، آنها همگی گفتند: «ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم!» (۱۴)

قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

امّا آنان (در جواب) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می گویید!» (۱۵)

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (۱۶)

(رسولان ما) گفتند: «پروردگار ما آگاه است که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم، (۱۶)

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)

و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست!» (۱۷)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸)

آنان گفتند: «ما شما را به فال بد گرفته ایم (و وجود شما را شوم می دانیم)، و اگر (از این سخنان) دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد و شکنجه دردناکی از ما به شما خواهد رسید! (۱۸)

قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹)

(رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسرافکارید!» (۱۹)

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید! (۲۰)

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ (۲۱)

از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی خواهند و خود هدایت یافته اند! (۲۱)

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)

من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده، و همگی به سوی او بازگشت داده می شوید؟! (۲۲)

أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنقِذُونِ (۲۳)

آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمترین فایده ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد! (۲۳)

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

اگر چنین کنم، من در گمراهی آشکاری خواهم بود! (۲۴)

إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (۲۵)

(به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم؛ پس به سخنان من گوش فرا دهید!» (۲۵)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّهَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِی يَعْلَمُونَ (٢۶)

(سرانجام او را شهيد كردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای كاش قوم من می دانستند... (٢۶)

بِمَا غَفَرَ لِی رَبِّی وَجَعَلَنِی مِنَ الْمُكْرَمِينَ (٢٧)

كه پروردگارم مرا آمرزيده و از گرامی داشتگان قرار داده است!» (٢٧)

ص: ۴۴۱

## جزء ٢٣

### ادامه سوره يس

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ (٢٨)

و ما بعد از او بر قومش هيچ لشكری از آسمان نفرستاديم، و هرگز سنت ما بر اين نبود؛ (٢٨)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَهً وَاحِدَهً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (٢٩)

(بلكه) فقط يک صيحه آسمانی بود، ناگهان همگی خاموش شدند! (٢٩)

يَا حَسْرَهً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٣٠)

افسوس بر اين بندگان كه هيچ پيامبری برای هدايت آنان نيامد مگر اينكه او را استهزا می كردند! (٣٠)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (٣١)

آيا نديدند چقدر از اقوام پيش از آنان را (بخاطر گناهانشان) هلاک كرديم، آنها هرگز به سوی ايشان بازنمی گردند (و زنده نمی شوند)! (٣١)

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (٣٢)

و همه آنان (روز قيامت) نزد ما احضار می شوند! (٣٢)

وَآيَهٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَهُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (٣٣)

زمين مرده برای آنها آيتی است، ما آن را زنده كرديم و دانه هاى (غذايی) از آن خارج ساختيم كه از آن می خورند؛ (٣٣)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (٣۴)

و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه هایی از آن جاری ساختیم، (۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی آورند؟! (۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می رویاند، و از خودشان، و از آنچه نمی دانند! (۳۶)

وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (۳۷)

شب (نیز) برای آنها نشانه ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می گیرد! (۳۷)

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۳۸)

و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته بسوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست. (۳۸)

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ (۳۹)

و برای ماه منزلگاه هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام بصورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می آید. (۳۹)

لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۴۰)

نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. (۴۰)

ص: ۴۴۲

وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۴۱)

نشانه ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ (۴۲)

و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم. (۴۲)

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ (۴۳)

و اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم بطوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند! (۴۳)

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (۴۴)

مگر اینکه رحمت ما شامل حال آنان شود، و تا زمان معیّنی از این زندگی بهره گیرند! (۴۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۵)

و هرگاه به آنها گفته شود: «از آنچه پیش رو و پشت سر شماست [= از عذابهای الهی ] بترسید تا مشمول رحمت الهی شوید!» (اعتنا نمی کنند). (۴۵)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴۶)

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی آید مگر اینکه از آن روی گردان می شوند. (۴۶)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۷)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید!»، کافران به مؤمنان می گویند: «آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست او را اطعام می کرد؟! (پس خدا خواسته است او گرسنه باشد)، شما فقط در گمراهی آشکارید»! (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

آنها می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟! (۴۸)

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

(امّا) جز این انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فراگیرد، در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند. (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

(چنان غافلگیر می شوند که حتّی) نمی توانند وصیّتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند! (۵۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ (۵۱)

(بار دیگر) در «صور» دمیده می شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می روند! (۵۱)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

می گویند: «ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده، و فرستادگان (او) راست گفتند!» (۵۲)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

صیحه واحدی بیش نیست، (فریادی عظیم برمی خیزد) ناگهان همگی نزد ما احضار می شوند! (۵۳)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴)

(و به آنها گفته می شود:) امروز به هیچ کس ذرّه ای ستم نمی شود، و جز آنچه را عمل می کردید جزا داده نمی شوید! (۵۴)

ص: ۴۴۳

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ (۵۵)

بهشتیان، امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند. (۵۵)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ (۵۶)

آنها و همسرانشان در سایه های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه زده اند. (۵۶)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ (۵۷)

برای آنها در بهشت میوه بسیار لذّت بخشی است، و هر چه بخواهند در اختیار آنان خواهد بود! (۵۷)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ (۵۸)

بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! (۵۸)

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (۵۹)

(و به آنها می گویند:) جدا شوید امروز ای گنهکاران! (۵۹)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! (۶۰)

وَأَنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ (۶۱)

و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟! (۶۱)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنکُمْ جِبِلًّا کَثِیرًا أَفَلَمْ تَکُونُوا تَعْقِلُونَ (۶۲)

او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟! (۶۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ (۶۳)

این همان دوزخی است که به شما وعده داده می شد! (۶۳)

اصْلَوْهَا الْیَوْمَ بِمَا کُنتُمْ تَکْفُرُونَ (۶۴)

امروز وارد آن شوید و به خاطر کفری که داشتید به آتش آن بسوزید! (۶۴)

الْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُکَلِّمُنَا أَیْدِیهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ (۶۵)

امروز بر دهانشان مُهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند! (۶۵)

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْیُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى یُبْصِرُونَ (۶۶)

و اگر بخواهیم چشمانشان را محو کنیم؛ سپس برای عبور از راه، می خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند، امّا چگونه می توانند ببینند؟! (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَکَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِیًّا وَلَا یَرْجِعُونَ (۶۷)

و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ می کنیم (و به مجسمه هایی بی روح مبدّل می سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند! (۶۷)

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ أَفَلَا یَعْقِلُونَ (۶۸)

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه اش می کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می گردانیم)؛ آیا اندیشه نمی کنند؟! (۶۸)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا یَنبَغِی لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِینٌ (۶۹)

ما هرگز شعر به او [= پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست (شاعر باشد)؛ این (کتاب آسمانی) فقط ذکر و قرآن مبین است! (۶۹)

لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۰)

تا افرادی را که زنده اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجّت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلّم گردد! (۷۰)

ص: ۴۴۴

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

آیا ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده ایم چهارپایانی برای آنان آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟! (۷۱)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

و آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می کنند؛ (۷۲)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و برای آنان بهره های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهائی گوارا؛ آیا با این حال شکرگزاری نمی کنند؟! (۷۳)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۷۴)

آنان غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند! (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ (۷۵)

ولی آنها قادر به یاری ایشان نیستند، و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکری برای آنها خواهند بود که در آتش دوزخ احضار می شوند! (۷۵)

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

پس سخنانشان تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند می دانیم! (۷۶)

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷)

آیا انسان نمی داند که ما او را از نطفه ای بی ارزش آفریدیم؟! و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به مخاصمه آشکار (با ما) برخاست! (۷۷)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: «چه کسی این استخوانها را زنده می کند در حالی که پوسیده است؟!» (۷۸)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ (۷۹)

بگو: «همان کسی آن را زنده می کند که نخستین بار آن را آفرید؛ و او به هر مخلوقی داناست! (۷۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ (۸۰)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، آتش آفرید و شما بوسیله آن، آتش می افروزید!» (۸۰)

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۱)

آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید، نمی تواند همانند آنان [= انسانهای خاک شده ] را بیافریند؟! آری (می تواند)، و او آفریدگار داناست! (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۸۲)

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!»، آن نیز بی درنگ موجود می شود! (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۳)

پس منزّه است خداوندی که مالکیّت و حاکمیّت همه چیز در دست اوست؛ و شما را به سوی او بازمی گردانند! (۸۳)

ص: ۴۴۵

## سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (۱)

سوگند به (فرشتگان) صف کشیده (و منظّم) (۱)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲)

و به نهی کنندگان و (بازدارندگان) (۲)

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا (٣)

و تلاوت کنندگان پیاپی آیات الهی... (٣)

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ (۴)

که معبود شما یگانه است؛ (۴)

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرقها! (۵)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (۶)

ما آسمان نزدیک [= پایین ] را با ستارگان آراستیم، (۶)

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (٧)

تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! (٧)

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ (٨)

آنها نمی توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرادهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرارمی گیرند! (٨)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (٩)

آنها به شدّت به عقب رانده می شوند؛ و برای آنان مجازاتی دائم است! (٩)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (١٠)

مگر آنها که در لحظه ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می کند! (١٠)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (١١)

از آنان بپرس: «آیا آفرینش (و معاد) آنان سخت تر است یا آفرینش فرشتگان (و آسمانها و زمین)؟! ما آنان را از گل چسبنده ای آفریدیم! (١١)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (١٢)

تو از انکارشان تعجّب می کنی، ولی آنها مسخره می کنند! (۱۲)

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (١٣)

و هنگامی که به آنان تذکّر داده شود، هرگز متذکّر نمی شوند! (۱۳)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (١٤)

و هنگامی که معجزه ای را ببینند، دیگران را نیز به استهزا دعوت می کنند! (۱۴)

وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (١٥)

و می گویند: «این فقط سحری آشکار است! (۱۵)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (١٦)

آیا هنگامی که ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدّل شدیم، بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟! (۱۶)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (١٧)

یا پدران نخستین ما (بازمی گردند)؟!» (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ (١٨)

بگو: «آری، همه شما زنده می شوید در حالی که خوار و کوچک خواهید بود! (۱۸)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ (١٩)

تنها یک صیحه عظیم واقع می شود، ناگهان همه (از قبرها برمی خیزند و) نگاه می کنند! (۱۹)

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (٢٠)

و می گویند: «ای وای بر ما، این روز جزاست!» (۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (٢١)

(آری) این همان روز جدایی (حقّ از باطل) است که شما آن را تکذیب می کردید! (۲۱)

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (٢٢)

(در این هنگام به فرشتگان دستور داده می شود:) ظالمان و همردیفانشان و آنچه را می پرستیدند... (۲۲)

مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَی صِرَاطِ الْجَحِیمِ (۲۳)

(آری آنچه را) جز خدا می پرستیدند جمع کنید و بسوی راه دوزخ هدایتشان کنید! (۲۳)

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ (۲۴)

آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند! (۲۴)

ص: ۴۴۶

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (۲۵)

شما را چه شده که از هم یاری نمی طلبید؟! (۲۵)

بَلْ هُمُ الْیَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

ولی آنان در آن روز تسلیم قدرت خداوندند! (۲۶)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ یَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می پرسند... (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْیَمِینِ (۲۸)

گروهی (می گویند: «شما رهبران گمراهی بودید که به ظاهر) از طریق خیرخواهی و نیکی وارد شدید امّا جز فریب چیزی در کارتان نبود)!» (۲۸)

قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِینَ (۲۹)

(آنها در جواب) می گویند: «شما خودتان اهل ایمان نبودید (تقصیر ما چیست)؟! (۲۹)

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَیْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِینَ (۳۰)

ما هیچ گونه سلطه ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید! (۳۰)

فَحَقَّ عَلَیْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (۳۱)

اکنون فرمان پروردگارمان بر همه ما مسلّم شده، و همگی از عذاب او می چشیم! (۳۱)

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۲)

ما شما را گمراه کردیم، همان گونه که خود گمراه بودیم! (۳۲)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

(آری) همه آنها [= پیشوایان و پیروان گمراه ] در آن روز در عذاب الهی مشترکند! (۳۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

ما این گونه با مجرمان رفتار می کنیم! (۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

چرا که وقتی به آنها گفته می شد: «معبودی جز خدا وجود ندارد»، تکبر و سرکشی می کردند... (۳۵)

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶)

و پیوسته می گفتند: «آیا ما معبودان خود را بخاطر شاعری دیوانه رها کنیم؟!» (۳۶)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

چنین نیست، او حقّ را آورده و پیامبران پیشین را تصدیق کرده است! (۳۷)

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸)

اما شما (مستکبران کوردل) بطور مسلّم عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید! (۳۸)

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹)

و جز به آنچه انجام می دادید کیفر داده نمی شوید، (۳۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

جز بندگان مخلص خدا (که از این کیفرها برکنارند)! (۴۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱)

برای آنان [= بندگان مخلص ] روزی معیّن و ویژه ای است، (۴۱)

فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ (۴۲)

میوه ها (ی گوناگون پر ارزش)، و آنها گرامی داشته می شوند... (۴۲)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۴۳)

در باغهای پر نعمت بهشت؛ (۴۳)

عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (۴۴)

در حالی که بر تختها رو به روی یکدیگر تکیه زده اند، (۴۴)

يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (۴۵)

و گرداگردشان قدحهای لبریز از شراب طهور را می گردانند؛ (۴۵)

بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ (۴۶)

شرابی سفید و درخشنده، و لذّتبخش برای نوشندگان؛ (۴۶)

لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ (۴۷)

شرابی که نه در آن مایه تباهی عقل است و نه از آن مست می شوند! (۴۷)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ (۴۸)

و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی ورزند. (۴۸)

كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ (۴۹)

گویی از (لطافت و سفیدی) همچون تخم مرغهایی هستند که (در زیر بال و پر مرغ) پنهان مانده (و دست انسانی هرگز آن را لمس نکرده است)! (۴۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می پرسند... (۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّی کَانَ لِی قَرِینٌ (۵۱)

کسی از آنها می گوید: «من همنشینی داشتم... (۵۱)

ص: ۴۴۷

یَقُولُ أَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِینَ (۵۲)

که پیوسته می گفت: آیا (به راستی) تو این سخن را باور کرده ای... (۵۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِینُونَ (۵۳)

که وقتی ما مُردیم و به خاک و استخوان مبدّل شدیم، (بار دیگر) زنده می شویم و جزا داده خواهیم شد؟!» (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (۵۴)

(سپس) می گوید: «آیا شما می توانید از او خبری بگیرید؟» (۵۴)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِی سَوَاءِ الْجَحِیمِ (۵۵)

اینجاست که نگاهی می کند، ناگهان او را در میان دوزخ می بیند. (۵۵)

قَالَ تَاللَّهِ إِن کِدتَّ لَتُرْدِینِ (۵۶)

می گوید: «به خدا سوگند نزدیک بود مرا (نیز) به هلاکت بکشانی! (۵۶)

وَلَوْلَا نِعْمَهُ رَبِّی لَکُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِینَ (۵۷)

و اگر نعمت پروردگارم نبود، من نیز از احضارشدگان (در دوزخ) بودم! (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَیِّتِینَ (۵۸)

(سپس به یاران خود می گوید: ای دوستان!) آیا ما هرگز نمی میریم (و در بهشت جاودانه خواهیم بود)، (۵۸)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَی وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِینَ (۵۹)

و جز همان مرگ اول، مرگی به سراغ ما نخواهد آمد، و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۶۰)

راستی این همان پیروزی بزرگ است! (۶۰)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (۶۱)

آری، برای مثل این، باید عمل کنندگان عمل کنند! (۶۱)

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (۶۲)

آیا این (نعمتهای جاویدان بهشتی) بهتر است یا درخت (نفرت انگیز) زقّوم؟! (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ (۶۳)

ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم! (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)

آن درختی است که از قعر جهنّم می روید! (۶۴)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)

شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است! (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)

آنها [= مجرمان ] از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند! (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (۶۷)

سپس روی آن آب داغ متعفّنی می نوشند! (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (۶۸)

سپس بازگشت آنها به سوی جهنّم است! (۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند، (۶۹)

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (۷۰)

با این حال به سرعت بدنبال آنان کشانده می شوند! (۷۰)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (۷۱)

و قبل از آنها بیشتر پیشینیان (نیز) گمراه شدند! (۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ (۷۲)

ما در میان آنها انذارکنندگانی فرستادیم، (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ (۷۳)

ولی بنگر عاقبت انذارشوندگان چگونه بود! (۷۳)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۷۴)

مگر بندگان مخلص خدا! (۷۴)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

و نوح، ما را خواند (و ما دعای او را اجابت کردیم)؛ و چه خوب اجابت کننده ای هستیم! (۷۵)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم، (۷۶)

ص: ۴۴۸

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم، (۷۷)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸)

و نام نیک او را در میان امّتهای بعد باقی نهادیم. (۷۸)

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹)

سلام بر نوح در میان جهانیان باد! (۷۹)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۸۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱)

چرا که او از بندگان باایمان ما بود! (۸۱)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (۸۲)

سپس دیگران [= دشمنان او] را غرق کردیم! (۸۲)

وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۳)

و از پیروان او ابراهیم بود؛ (۸۳)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگارش آمد؛ (۸۴)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می پرستید؟! (۸۵)

أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶)

آیا غیر از خدا به سراغ این معبودان دروغین می روید؟! (۸۶)

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷)

شما درباره پروردگار عالمیان چه گمان می برید؟! (۸۷)

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (۸۸)

(سپس) نگاهی به ستارگان افکند... (۸۸)

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹)

و گفت: «من بیمارم (و با شما به مراسم جشن نمی آیم)!» (۸۹)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۹۰)

آنها از او روی برتافته و به او پشت کردند (و بسرعت دور شدند.) (۹۰)

فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱)

(او وارد بتخانه شد) مخفیانه نگاهی به معبودانشان کرد و از روی تمسخر گفت: «چرا (از این غذاها) نمی خورید؟! (۹۱)

مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ (۹۲)

(اصلاً) چرا سخن نمی گویید؟!» (۹۲)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۹۳)

سپس بسوی آنها رفت و ضربه ای محکم با دست راست بر پیکر آنها فرود آورد (و جز بت بزرگ، همه را درهم شکست). (۹۳)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ (۹۴)

آنها با سرعت به او روی آوردند. (۹۴)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (۹۵)

گفت: «آیا چیزی را می پرستید که با دست خود می تراشید؟! (۹۵)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (۹۶)

با اینکه خداوند هم شما را آفریده و هم بتهایی که می سازید!» (۹۶)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (۹۷)

(بت پرستان) گفتند: «بنای مرتفعی برای او بسازید و او را در جهنّمی از آتش بیفکنید!» (۹۷)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (۹۸)

آنها طرحی برای نابودی ابراهیم ریخته بودند، ولی ما آنان را پست و مغلوب ساختیم! (۹۸)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ (۹۹)

(او از این مهلکه بسلامت بیرون آمد) و گفت: «من به سوی پروردگارم می روم، او مرا هدایت خواهد کرد! (۹۹)

رَبِّ هَبْ لِی مِنَ الصَّالِحِینَ (۱۰۰)

پروردگارا! به من از صالحان [= فرزندان صالح ] ببخش!» (۱۰۰)

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِیمٍ (۱۰۱)

ما او [= ابراهیم ] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم! (۱۰۱)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْیَ قَالَ یَا بُنَیَّ إِنِّی أَرَی فِی الْمَنَامِ أَنِّی أَذْبَحُکَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَی قَالَ یَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِینَ (۱۰۲)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، نظر تو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» (۱۰۲)

ص: ۴۴۹

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِینِ (۱۰۳)

هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... (۱۰۳)

وَنَادَیْنَاهُ أَن یَا إِبْرَاهِیمُ (۱۰۴)

او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! (۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْیَا إِنَّا کَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ (۱۰۵)

آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)!» ما این گونه، نیکوکاران را جزا می دهیم! (۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِینُ (۱۰۶)

این مسلّماً همان امتحان آشکار است! (۱۰۶)

وَفَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ (۱۰۷)

ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم، (۱۰۷)

وَتَرَکْنَا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ (۱۰۸)

و نام نیک او را در امّتهای بعد باقی نهادیم! (۱۰۸)

سَلَامٌ عَلَی إِبْرَاهِیمَ (۱۰۹)

سلام بر ابراهیم! (۱۰۹)

كَذَلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ (۱۱۰)

این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۱۱۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِینَ (۱۱۱)

او از بندگان باایمان ما است! (۱۱۱)

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِیًّا مِّنَ الصَّالِحِینَ (۱۱۲)

ما او را به اسحاق -پیامبری از شایستگان- بشارت دادیم! (۱۱۲)

وَبَارَكْنَا عَلَیْهِ وَعَلَی إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّیَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِینٌ (۱۱۳)

ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند! (۱۱۳)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَی مُوسَی وَهَارُونَ (۱۱۴)

ما به موسی و هارون نعمت بخشیدیم! (۱۱۴)

وَنَجَّیْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِیمِ (۱۱۵)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم! (۱۱۵)

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِینَ (۱۱۶)

و آنها را یاری کردیم تا بر دشمنان خود پیروز شدند! (۱۱۶)

وَآتَیْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِینَ (۱۱۷)

ما به آن دو، کتاب روشنگر دادیم، (۱۱۷)

وَهَدَیْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ (۱۱۸)

و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم! (۱۱۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (۱۱۹)

و نام نیکشان را در اقوام بعد باقی گذاردیم! (۱۱۹)

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (۱۲۰)

سلام بر موسی و هارون! (۱۲۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۲۱)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۱۲۱)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۲۲)

آن دو از بندگان مؤمن ما بودند! (۱۲۲)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

و الیاس از رسولان (ما) بود! (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! (۱۲۴)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۱۲۵)

آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگارها را رها می سازید؟! (۱۲۵)

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۱۲۶)

خدایی که پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست!» (۱۲۶)

ص: ۴۵۰

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۲۷)

امّا آنها او را تکذیب کردند؛ ولی به یقین همگی (در دادگاه عدل الهی) احضار می شوند! (۱۲۷)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (١٢٨)

مگر بندگان مخلص خدا! (١٢٨)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (١٢٩)

ما نام نیک او را در میان امّتهای بعد باقی گذاردیم! (١٢٩)

سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ (١٣٠)

سلام بر الیاسین! (١٣٠)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (١٣١)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (١٣١)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (١٣٢)

او از بندگان مؤمن ما است! (١٣٢)

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ (١٣٣)

و لوط از رسولان (ما) است! (١٣٣)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (١٣٤)

و به خاطر بیاور زمانی را که او و خاندانش را همگی نجات دادیم، (١٣٤)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (١٣٥)

مگر پیرزنی که از بازماندگان بود (و به سرنوشت آنان گرفتار شد)! (١٣٥)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (١٣٦)

سپس بقیه را نابود کردیم! (١٣٦)

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ (١٣٧)

و شما پیوسته صبحگاهان از کنار (ویرانه های شهرهای) آنها می گذرید... (١٣٧)

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۳۸)

و (همچنین) شبانگاه؛ آیا نمی اندیشید؟! (۱۳۸)

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

و یونس از رسولان (ما) است! (۱۳۹)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی پر (از جمعیّت و بار) فرار کرد. (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

و با آنها قرعه افکند، (و قرعه به نام او افتاد و) مغلوب شد! (۱۴۱)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحقّ سرزنش بود! (۱۴۲)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳)

و اگر او از تسبیح کنندگان نبود... (۱۴۳)

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)

تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند! (۱۴۴)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که بیمار بود! (۱۴۵)

وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ (۱۴۶)

و بوته کدوئی بر او رویاندیم (تا در سایه برگهای پهن و مرطوبش آرامش یابد)! (۱۴۶)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷)

و او را به سوی جمعیّت یکصد هزار نفری -یا بیشتر- فرستادیم! (۱۴۷)

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۱۴۸)

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدّت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره مند ساختیم! (۱۴۸)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (۱۴۹)

از آنان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! (۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنها ناظر بودند؟! (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

بدانید آنها با این تهمت بزرگشان می گویند: (۱۵۱)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۵۲)

«خداوند فرزند آورده!» ولی آنها به یقین دروغ می گویند! (۱۵۲)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (۱۵۳)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟! (۱۵۳)

ص: ۴۵۱

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

شما را چه شده است؟! چگونه حکم می کنید؟! (هیچ می فهمید چه می گویید؟!) (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

آیا متذکّر نمی شوید؟! (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۱۵۶)

یا شما دلیل روشنی در این باره دارید؟ (۱۵۶)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۵۷)

کتابتان را بیاورید اگر راست می گویید! (۱۵۷)

وَجَعَلُوا بَیْنَهُ وَبَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

آنها [= مشرکان ] میان او [= خداوند] و جنّ، (خویشاوندی و) نسبتی قائل شدند؛ در حالی که جنّیان بخوبی می دانند که این بت پرستان در دادگاه الهی احضار می شوند! (۱۵۸)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ (۱۵۹)

منزّه است خداوند از آنچه توصیف می کنند، (۱۵۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِینَ (۱۶۰)

مگر بندگان مخلص خدا! (۱۶۰)

فَإِنَّکُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (۱۶۱)

شما و آنچه را پرستش می کنید، (۱۶۱)

مَا أَنْتُمْ عَلَیْهِ بِفَاتِنِینَ (۱۶۲)

هرگز نمی توانید کسی را (با آن) فریب دهید، (۱۶۲)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِیمِ (۱۶۳)

مگر آنها که در آتش دوزخ وارد می شوند! (۱۶۳)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

و هیچ یک از ما نیست جز آنکه مقام معلومی دارد؛ (۱۶۴)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ (۱۶۵)

و ما همگی (برای اطاعت فرمان خداوند) به صف ایستاده ایم؛ (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

و ما همه تسبیح گوی او هستیم! (۱۶۶)

وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ (۱۶۷)

آنها پیوسته می گفتند: (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

«اگر یکی از کتابهای پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۹)

به یقین، ما بندگان مخلص خدا بودیم!» (۱۶۹)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

(امّا هنگامی که این کتاب بزرگ آسمانی بر آنها نازل شد،) به آن کافر شدند؛ ولی بزودی (نتیجه کار خود را) خواهند دانست! (۱۷۰)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱)

وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلّم شده... (۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ (۱۷۲)

که آنان یاری شدگانند، (۱۷۲)

وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳)

و لشکر ما پیروزند! (۱۷۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۴)

از آنها [= کافران ] روی بگردان تا زمان معیّنی (که فرمان جهاد فرارسد)! (۱۷۴)

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۵)

و وضع آنها را بنگر (چه بی محتواست) اما بزودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (۱۷۵)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶)

آیا آنها برای عذاب ما شتاب می کنند؟! (۱۷۶)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ (۱۷۷)

امّا هنگامی که عذاب ما در آستانه خانه هایشان فرود آید، انذارشدگان صبحگاه بدی خواهند داشت! (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۸)

از آنان روی بگردان تا زمان معیّنی! (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

و وضع کارشان را ببین؛ آنها نیز به زودی (نتیجه اعمال خود را) می بینند! (۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

منزّه است پروردگار تو، پروردگار عزّت (و قدرت) از آنچه آنان توصیف می کنند. (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

و سلام بر رسولان! (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (۱۸۲)

ص: ۴۵۲

## سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است). (۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۲)

ولی کافران گرفتار غرور اختلافند! (۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می زدند (و کمک می خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود! (۳)

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴)

آنها تعجّب کردند که پیامبر بیم دهنده ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است! (۴)

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۵)

آیا او بجای اینهمه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این براستی چیز عجیبی است!» (۵)

وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)

سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: «بروید و خدایانتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته اند (شما را گمراه کنند)! (۶)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (۷)

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده ایم؛ این تنها یک آئین ساختگی است! (۷)

أَأُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او [= محمّد] نازل شده؟!» آنها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده اند (که این چنین گستاخانه سخن می گویند)! (۸)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده ات نزد آنهاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟! (۹)

أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (۱۰)

یا اینکه مالکیت و حاکمیّت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (اگر چنین است) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروند (و جلو نزول وحی را بر قلب پاک محمّد بگیرند)! (۱۰)

جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده ای از احزابند! (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (١٢)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند! (١٢)

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (١٣)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الأیکه [= قوم شعیب ]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)! (١٣)

إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (١۴)

هر یک (از این گروه ها) رسولان را تکذیب کردند، و عذاب الهی درباره آنان تحقق یافت! (١۴)

وَمَا يَنظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَهً وَاحِدَهً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ (١۵)

اینها (با این اعمالشان) جز یک صیحه آسمانی را انتظار نمی کشند که هیچ مهلت و بازگشتی برای آن وجود ندارد (و همگی را نابود می سازد)! (١۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (١۶)

آنها (از روی خیره سری) گفتند: «پروردگارا! بهره ما را از عذاب هر چه زودتر قبل از روز حساب به ما ده!» (١۶)

ص: ۴۵۳

اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (١٧)

در برابر آنچه می گویند شکیبا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را، که او بسیار توبه کننده بود! (١٧)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (١٨)

ما کوه ها را مسخّر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می گفتند! (١٨)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَهً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ (١٩)

پرندگان را نیز دسته جمعی مسخّر او کردیم (تا همراه او تسبیح خدا گویند)؛ و همه اینها بازگشت کننده به سوی او بودند! (١٩)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَهَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ (٢٠)

و حکومت او را استحکام بخشیدیم، (هم) دانش به او دادیم و (هم) داوری عادلانه! (٢٠)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱)

آیا داستان شاکیان هنگامی که از محراب (داوود) بالا رفتند به تو رسیده است؟! (۲۱)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲)

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن! (۲۲)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳)

این برادر من است؛ و او نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم امّا او اصرار می کند که: این یکی را هم به من واگذار؛ و در سخن بر من غلبه کرده است!» (۲۳)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴)

(داوود) گفت: «مسلّماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند؛ امّا عدّه آنان کم است!» داوود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. (۲۴)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

ما این عمل را بر او بخشیدیم؛ و او نزد ما دارای مقامی والا و سرانجامی نیکوست! (۲۵)

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند! (۲۶)

ص: ۴۵۴

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷)

ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کافران است؛ وای بر کافران از آتش (دوزخ)! (۲۷)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِى الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! (۲۸)

كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده ایم تا در آیات آن تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند! (۲۹)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

ما سلیمان را به داوود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی! زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می کرد (و به یاد او بود)! (۳۰)

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ (۳۱)

به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند، (۳۱)

فَقَالَ إِنِّى أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّى حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

گفت: «من این اسبان را بخاطر پروردگارم دوست دارم (و می خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم)»، او همچنان به آنها نگاه می کرد) تا از دیدگانش پنهان شدند. (۳۲)

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۳)

(آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید! و دست به ساقها و گردنهای آنها کشید (و آنها را نوازش داد). (۳۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی افکندیم؛ سپس او به درگاه خداوند توبه کرد. (۳۴)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِى لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِى إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ (۳۵)

گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده ای! (۳۵)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِى بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶)

پس ما باد را مسخّر او ساختیم تا به فرمانش بنرمی حرکت کند و به هر جا او می خواهد برود! (۳۶)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ (۳۷)

و شیاطین را مسخّر او کردیم، هر بنّا و غوّاصی از آنها را! (۳۷)

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۳۸)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم، (۳۸)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹)

(و به او گفتیم:) این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی) ببخش، و از هر کس می خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)! (۳۹)

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (۴۰)

و برای او [= سلیمان ] نزد ما مقامی ارجمند و سرانجامی نیکوست! (۴۰)

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (۴۱)

و به خاطر بیاور بنده ما ایّوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است. (۴۱)

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۴۲)

(به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است! (۴۲)

ص: ۴۵۵

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۴۳)

و خانواده اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکّری برای اندیشمندان. (۴۳)

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۴۴)

(و به او گفتیم:) بسته ای از ساقه های گندم (یا مانند آن) را برگیر و با آن (همسرت را) بزن و سوگند خود را مشکن! ما او را

شکیبا یافتیم؛ چه بنده خوبی که بسیار بازگشت کننده (به سوی خدا) بود! (۴۴)

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ (۴۵)

و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دستها (ی نیرومند) و چشمها (ی بینا)! (۴۵)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ (۴۶)

ما آنها را با خلوص ویژه ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود! (۴۶)

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ (۴۷)

و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند! (۴۷)

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ (۴۸)

و به خاطر بیاور «اسماعیل» و «الیسع» و «ذا الکفل» را که همه از نیکان بودند! (۴۸)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (۴۹)

این یک یادآوری است، و برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است: (۴۹)

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ (۵۰)

باغهای جاویدان بهشتی که درهایش به روی آنان گشوده است، (۵۰)

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱)

در حالی که در آن بر تختها تکیه کرده اند و میوه های بسیار و نوشیدنیها در اختیار آنان است! (۵۱)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۵۲)

و نزد آنان همسرانی است که تنها چشم به شوهرانشان دوخته اند، و همسن و سالند! (۵۲)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

این همان است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده ای تخلّف ناپذیر)! (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ (۵۴)

این روزی ما است که هرگز آن را پایانی نیست! (۵۴)

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۵۵)

این (پاداش پرهیزگاران است)، و برای طغیانگران بدترین محل بازگشت است: (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۶)

دوزخ، که در آن وارد می شوند؛ و چه بستر بدی است! (۵۶)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۵۷)

این نوشابه «حمیم» و «غسّاق» است [= دو مایع سوزان و تیره رنگ ] که باید از آن بچشند! (۵۷)

وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (۵۸)

و جز اینها کیفرهای دیگری همانند آن دارند! (۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ (۵۹)

(به آنان گفته می شود:) این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند)؛ خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت! (۵۹)

قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (۶۰)

آنها (به رؤسای خود) می گویند: «بلکه خوشامد بر شما مباد که این عذاب را شما برای ما فراهم ساختید! چه بد قرارگاهی است اینجا!» (۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

(سپس) می گویند: «پروردگارا! هر کس این عذاب را برای ما فراهم ساخته، عذابی مضاعف در آتش بر او بیفزا!» (۶۱)

ص: ۴۵۶

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

آنها می گویند: «چرا مردانی را که ما از اشرار می شمردیم (در اینجا، در آتش دوزخ) نمی بینیم؟! (۶۲)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (۶۳)

آیا ما آنان را به مسخره گرفتیم یا (به اندازه ای حقیرند که) چشمها آنها را نمی بیند؟! (۶۳)

إِنَّ ذَلِکَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان! (۶۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۶۵)

بگو: «من تنها یک بیم دهنده ام؛ و هیچ معبودی جز خداوند یگانه قهّار نیست! (۶۵)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، پروردگار عزیز و غفّار!» (۶۶)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷)

بگو: «این خبری بزرگ است، (۶۷)

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

که شما از آن روی گردانید! (۶۸)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

من از ملأ اعلی (و فرشتگان عالم بالا) به هنگامی که (درباره آفرینش آدم) مخاصمه می کردند خبر ندارم! (۶۹)

إِن يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۷۰)

تنها چیزی که به من وحی می شود این است که من انذارکننده آشکاری هستم!» (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ (۷۱)

و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می آفرینم! (۷۱)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۷۲)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!» (۷۲)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۷۳)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند، (۷۳)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۷۴)

جز ابلیس که تکبر ورزید و از کافران بود! (۷۴)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ (۷۵)

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبّر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)» (۷۵)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۷۶)

گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!» (۷۶)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ (۷۷)

فرمود: «از آسمانها (و صفوف ملائکه) خارج شو، که تو رانده درگاه منی! (۷۷)

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ (۷۸)

و مسلّماً لعنت من بر تو تا روز قیامت خواهد بود! (۷۸)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۷۹)

گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که انسانها برانگیخته می شوند مهلت ده!» (۷۹)

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۸۰)

فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی، (۸۰)

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

ولی تا روز و زمان معیّن!» (۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲)

گفت: «به عزّتت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد، (۸۲)

إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِینَ (۸۳)

مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!» (۸۳)

ص: ۴۵۷

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (۸۴)

فرمود: «به حق سوگند، و حق می گویم، (۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنکَ وَمِمَّن تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِینَ (۸۵)

که جهنّم را از تو و هر کدام از آنان که از تو پیروی کند، پر خواهم کرد!» (۸۵)

قُلْ مَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ (۸۶)

(ای پیامبر!) بگو: «من برای دعوت نبوّت هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از متکلّفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است!)» (۸۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِّلْعَالَمِینَ (۸۷)

این (قرآن) تذکّری برای همه جهانیان است؛ (۸۷)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ (۸۸)

و خبر آن را بعد از مدّتی می شنوید! (۸۸)

## سوره الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ تَنزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ (۱)

این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. (۱)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَیْکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّینَ (۲)

ما این کتاب را بحقّ بر تو نازل کردیم؛ پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان! (۲)

أَلَا لِلَّهِ الدِّینُ الْخَالِصُ وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِیَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِیُقَرِّبُونَا إِلَی اللَّهِ زُلْفَی إِنَّ اللَّهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فِی مَا هُمْ فِیهِ یَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ کَاذِبٌ کَفَّارٌ (۳)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند؛ خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی کند! (۳)

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

اگر (بفرض محال) خدا می خواست فرزندی انتخاب کند، از میان مخلوقاتش آنچه را می خواست برمیگزید؛ منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)! او خداوند یکتای پیروز است! (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵)

آسمانها و زمین را بحقّ آفرید؛ شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را مسخّر فرمان خویش قرار داد؛ هر کدام تا سرآمد معیّنی به حرکت خود ادامه می دهند؛ آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است! (۵)

ص: ۴۵۸

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (۶)

او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از (باقیمانده گِل) او خلق کرد؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکیهای سه گانه، می بخشد! این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (۶)

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر شکر او را بجا آورید آن را برای شما می پسندد! و هیچ گنهکاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد! سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد؛ چرا که او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می خواند و بسوی او باز می گردد؛ امّا هنگامی که نعمتی از خود به او

عطا کنـد، آنچه را به خاطر آن قبلاً خـدا را می خوانـد از یاد می برد و برای خداونـد همتایانی قرارمی دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره گیر که از دوزخیانی!» (۸)

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّیْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا یَحْذَرُ الْآخِرَهَ وَیَرْجُو رَحْمَهَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹)

(آیا چنین کسـی با ارزش است) یا کسـی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می ترسـد و به رحمت پروردگـارش امیـدوار است؟! بگو: «آیـا کسـانی که می داننـد با کسانی که نمی داننـد یکساننـد؟! تنها خردمندان متذکّر می شوند!» (۹)

قُلْ یَا عِبَادِ الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّکُمْ لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا فِی هَذِهِ الدُّنْیَا حَسَنَهٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَهٌ إِنَّمَا یُوَفَّی الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَیْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو: «ای بنـدگان من که ایمـان آورده ایـد! از (مخـالفت) پروردگارتان بپرهیزیـد! برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیکی است! و زمین خدا وسیع است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می دارند! (۱۰)

ص: ۴۵۹

قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّینَ (۱۱)

بگو: «من مأمورم که خدا را پرستش کنم در حالی که دینم را برای او خالص کرده باشم، (۱۱)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَکُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِینَ (۱۲)

و مأمورم که نخستین مسلمان باشم! (۱۲)

قُلْ إِنِّی أَخَافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۱۳)

بگو: «من اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم!» (۱۳)

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِینِی (۱۴)

بگو: «من تنها خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم. (۱۴)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَلَا ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِینُ (۱۵)

شمـا هر چه را جز او می خواهیـد بپرستیـد!» بگـو: «زیانکـاران واقعی آنانـند که سـرمایه وجود خویش و بسـتگانشان را در روز

قیامت از دست داده اند! آگاه باشید زیان آشکار همین است!» (۱۵)

لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

برای آنان از بالای سرشان سایبانهایی از آتش، و در زیر پایشان نیز سایبانهایی از آتش است؛ این چیزی است که خداوند با آن بندگانش را می ترساند! ای بندگان من! از نافرمانی من بپرهیزید! (۱۶)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)

و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن آنهاست؛ پس بندگان مرا بشارت ده! (۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند. (۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي النَّارِ (۱۹)

آیا تو می توانی کسی را که فرمان عذاب درباره او قطعی شده رهایی بخشی؟! آیا تو میتوانی کسی را که در درون آتش است برگیری و نجات دهی؟! (۱۹)

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)

ولی آنها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه هایی در بهشت دارند که بر فراز آنها غرفه های دیگری بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلّف نمی کند! (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می سازد که رنگهای مختلف دارد؛ بعد آن گیاه خشک می شود، بگونه ای که آن را زرد و بی روح می بینی؛ سپس آن را در هم می شکند و خرد می کند؛ در این مثال تذکّری است برای خردمندان (از ناپایداری دنیا)! (۲۱)

ص: ۴۶۰

أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲)

آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟!) وای بر آنان که قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند! آنها در گمراهی آشکاری هستند! (۲۲)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرّر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند می افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجّه ذکر خدا می شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می کند؛ و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود! (۲۳)

أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

آیا کسی که با صورت خود عذاب دردناک (الهی) را در روز قیامت دور می سازد (همانند کسی است که هرگز آتش دوزخ به او نمی رسد)؟! و به ظالمان گفته می شود: «بچشید آنچه را به دست می آوردید (و انجام می دادید)!» (۲۴)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۵)

کسانی که قبل از آنها بودند نیز (آیات ما را) تکذیب نمودند، و عذاب (الهی) از جایی که فکر نمی کردند به سراغشان آمد! (۲۵)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)

پس خداوند خواری را در زندگی این دنیا به آنها چشانید، و عذاب آخرت شدیدتر است اگر می دانستند. (۲۶)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

ما برای مردم در این قرآن از هر نوع مثَلی زدیم، شاید متذکّر شوند. (۲۷)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی است فصیح و خالی از هر گونه کجی و نادرستی، شاید آنان پرهیزگاری پیشه کنند! (۲۸)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

خداوند مثالی زده است: مردی را که مملوک شریکانی است که درباره او پیوسته با هم به مشاجره مشغولند، و مردی که تنها تسلیم یک نفر است؛ آیا این دو یکسانند؟! حمد، مخصوص خداست، ولی بیشتر آنان نمی دانند. (۲۹)

إِنَّکَ مَیِّتٌ وَإِنَّهُم مَّیِّتُونَ (۳۰)

تو می میری و آنها نیز خواهند مرد! (۳۰)

ثُمَّ إِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عِندَ رَبِّکُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان مخاصمه می کنید. (۳۱)

ص: ۴۶۱

## جزء ۲۴

### ادامه سوره الزمر

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن کَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَکَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْکَافِرِینَ (۳۲)

پس چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنّم جایگاهی برای کافران نیست؟! (۳۲)

وَالَّذِی جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

امّا کسی که سخن راست بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند، آنان پرهیزگارانند! (۳۳)

لَهُم مَّا یَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِکَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِینَ (۳۴)

آنچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنان موجود است؛ و این است جزای نیکوکاران! (۳۴)

لِیُکَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی عَمِلُوا وَیَجْزِیَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِی کَانُوا یَعْمَلُونَ (۳۵)

تا خداوند بدترین اعمالی را که انجام داده اند (در سایه ایمان و صداقت آنها) بیامرزد، و آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند پاداش دهد! (۳۵)

أَلَیْسَ اللَّهُ بِکَافٍ عَبْدَهُ وَیُخَوِّفُونَکَ بِالَّذِینَ مِن دُونِهِ وَمَن یُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده اش کافی نیست؟! امّا آنها تو را از غیر او می ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت کننده ای ندارد! (۳۶)

وَمَن یَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَیْسَ اللَّهُ بِعَزِیزٍ ذِی انتِقَامٍ (۳۷)

و هر کس را خدا هدایت کند، هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت آیا خداوند توانا و دارای مجازات نیست؟! (۳۷)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۸)

و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟» حتماً می گویند: «خدا!» بگو: «آیا هیچ درباره معبودانی که غیر از خدا می خوانید اندیشه می کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند گزند او را برطرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند جلو رحمت او را بگیرند؟!» بگو: «خدا مرا کافی است؛ و همه متوکّلان تنها بر او توکّل می کنند!» (۳۸)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹)

بگو: «ای قوم من! شما هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می کنم؛ امّا بزودی خواهید دانست... (۳۹)

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۴۰)

چه کسی عذاب خوارکننده ای (در دنیا) به سراغش می آید، و (سپس) عذابی جاویدان (در آخرت) بر او وارد می گردد!» (۴۰)

ص: ۴۶۲

إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۴۱)

ما این کتاب (آسمانی) را برای مردم بحق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت را پذیرد به نفع خود اوست؛ و هر کس گمراهی را برگزیند، تنها به زیان خود گمراه می گردد؛ و تو مأمور اجبار آنها به هدایت نیستی. (۴۱)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می کند، و ارواحی را که نمرده اند نیز به هنگام خواب می گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می دارد و ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی گرداند تا سرآمدی معیّن؛ در این امر نشانه های روشنی است برای کسانی که اندیشه می کنند! (۴۲)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۴۳)

آیا آنان غیر از خدا شفیعانی گرفته اند؟! به آنان بگو: «آیا (از آنها شفاعت می طلبید) هر چند مالک چیزی نباشند و درک و

شعوری برای آنها نباشد؟!» (۴۳)

قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)

بگو: «تمام شفاعت از آن خداست، (زیرا) حاکمیّت آسمانها و زمین از آن اوست و سپس همه شما را به سوی او بازمی گردانند!» (۴۴)

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند مشمئزّ (و متنفّر) می گردد؛ امّا هنگامی که از معبودهای دیگر یاد می شود، آنان خوشحال می شوند. (۴۵)

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)

بگو: «خداوندا! ای آفریننده آسمانها و زمین، و آگاه از اسرار نهان و آشکار، تو در میان بندگانت در آنچه اختلاف داشتند داوری خواهی کرد!» (۴۶)

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)

اگر ستمکاران تمام آنچه را روی زمین است مالک باشند و همانند آن بر آن افزوده شود، حاضرند همه را فدا کنند تا از عذاب شدید روز قیامت رهایی یابند؛ و از سوی خدا برای آنها اموری ظاهر می شود که هرگز گمان نمی کردند! (۴۷)

ص: ۴۶۳

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۸)

در آن روز اعمال بدی را که انجام داده اند برای آنها آشکار می شود، و آنچه را استهزا می کردند بر آنها واقع می گردد. (۴۸)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَهً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَهٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، ما را (برای حلّ مشکلش) می خواند؛ سپس هنگامی که از جانب خود به او نعمتی دهیم، می گوید: «این نعمت را بخاطر کاردانی خودم به من داده اند»؛ ولی این وسیله آزمایش (آنها) است، امّا بیشترشان نمی دانند. (۴۹)

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)

این سخن را کسانی که قبل از آنها بودند نیز گفتند، ولی آنچه را به دست می آوردند برای آنها سودی نداشت! (۵۰)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۵۱)

سپس بدیهای اعمالشان به آنها رسید؛ و ظالمان این گروه [= اهل مکّه ] نیز بزودی گرفتار بدیهای اعمالی که انجام داده اند خواهند شد، و هرگز نمی توانند از چنگال عذاب الهی بگریزند. (۵۱)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می سازد؟! در این، آیات و نشانه هایی است برای گروهی که ایمان می آورند. (۵۲)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۵۴)

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! (۵۴)

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

و از بهترین دستورهائی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (الهی) ناگهان به سراغ شما آید در حالی که از آن خبر ندارید!» (۵۵)

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (۵۶)

(این دستورها برای آن است که) مبادا کسی روز قیامت بگوید: «افسوس بر من از کوتاهیهایی که در اطاعت فرمان خدا کردم و از مسخره کنندگان (آیات او) بودم!» (۵۶)

ص: ۴۶۴

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۵۷)

یا بگوید: «اگر خداوند مرا هدایت می کرد، از پرهیزگاران بودم!» (۵۷)

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

یا هنگامی که عذاب را می بیند بگوید: «ای کاش بار دیگر (به دنیا) بازمی گشتم و از نیکوکاران بودم!» (۵۸)

بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۵۹)

آری، آیات من به سراغ تو آمد، امّا آن را تکذیب کردی و تکبر نمودی و از کافران بودی! (۵۹)

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ (۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورتهایشان سیاه است؛ آیا در جهنّم جایگاهی برای متکبران نیست؟! (۶۰)

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۱)

و خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد. (۶۱)

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (۶۲)

خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است. (۶۲)

لَّهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ و کسانی که به آیات خداوند کافر شدند زیانکارانند. (۶۳)

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)

بگو: «آیا به من دستور می دهید که غیر خدا را بپرستم ای جاهلان؟!» (۶۴)

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود! (۶۵)

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش! (۶۶)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و بلندمقام است از شریکیهایی که برای او می پندارند (۶۷)



وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ (۶۸)

و در «صور» دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می شود، ناگهان همگی به پا می خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. (۶۸)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه های اعمال را پیش می نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می سازند، و میان آنها بحق داوری می شود و به آنان ستم نخواهد شد! (۶۹)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (۷۰)

و به هر کس آنچه انجام داده است بی کم و کاست داده می شود؛ و او نسبت به آنچه انجام می دادند از همه آگاهتر است. (۷۰)

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۱)

و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنّم رانده می شوند؛ وقتی به دوزخ می رسند، درهای آن گشوده می شود و نگهبانان دوزخ به آنها می گویند: «آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟!» می گویند: «آری، (پیامبران آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، و ما مخالفت کردیم!) ولی فرمان عذاب الهی بر کافران مسلّم شده است. (۷۱)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۲)

به آنان گفته می شود: «از درهای جهنّم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید؛ چه بد جایگاهی است جایگاه متکبّران!» (۷۲)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند؛ هنگامی که به آن می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!»

(۷۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِینَ (۷۴)

آنها می گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» (۷۴)

ص: ۴۶۶

وَتَرَی الْمَلَائِکَهَ حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِیَ بَیْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِیلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۷۵)

(در آن روز) فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!» (۷۵)

## سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ حم (۱)

حم. (۱)

تَنزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۲)

این کتابی است که از سوی خداوند قادر و دانا نازل شده است. (۲)

غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِیدِ الْعِقَابِ ذِی الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ (۳)

خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و بازگشت (همه شما) تنها بسوی اوست. (۳)

مَا یُجَادِلُ فِی آیَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَا یَغْرُرْکَ تَقَلُّبُهُمْ فِی الْبِلَادِ (۴)

تنها کسانی در آیات ما مجادله می کنند که (از روی عناد) کافر شده اند؛ پس مبادا رفت و آمد آنان در شهرها (و قدرت نمایی آنان) تو را بفریبد! (۴)

کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ کُلُّ أُمَّهٍ بِرَسُولِهِمْ لِیَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کَانَ عِقَابِ (۵)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امّتی در پی آن بود که توطئه کند

و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ امّا من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ ببین که مجازات من چگونه بود! (۵)

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلّم شده که آنها همه اهل آتشند! (۶)

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۷)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار! (۷)

ص: ۴۶۷

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۸)

پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی! (۸)

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمتت ساخته ای؛ و این است همان رستگاری عظیم! (۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِن مَّقْتِكُمْ أَنفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ (۱۰)

کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است، چرا که بسوی ایمان دعوت می شدید، ولی انکار می کردید! (۱۰)

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ (۱۱)

آنها می گویند: «پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ اکنون به گناهان خود معترفیم؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟» (۱۱)

ذَلِكُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِن يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

این بخاطر آن است که وقتی خداوند به یگانگی خوانده می شد انکار می کردید، و اگر برای او همتایی می پنداشتند ایمان می آوردید؛ اکنون داوری مخصوص خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (و شما را مطابق عدل خود کیفر می دهد). (۱۲)

هُوَ الَّذِی یُرِیکُمْ آیَاتِهِ وَیُنَزِّلُ لَکُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا یَتَذَکَّرُ إِلَّا مَن یُنِیبُ (۱۳)

او کسی است که آیات خود را به شما نشان می دهد و از آسمان برای شما روزی (با ارزشی) می فرستد؛ تنها کسانی متذکّر این حقایق می شوند که بسوی خدا باز می گردند. (۱۳)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ (۱۴)

(تنها) خدا را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید، هرچند کافران ناخشنود باشند! (۱۴)

رَفِیعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ یُلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَی مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِیُنذِرَ یَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

او درجات (بندگان صالح) را بالا ـ می برد، او صاحب عرش است، روح (مقدّس) را به فرمانش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القاء می کند تا (مردم را) از روز ملاقات [= روز رستاخیز] بیم دهد! (۱۵)

یَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا یَخْفَی عَلَی اللَّهِ مِنْهُمْ شَیْءٌ لِّمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۱۶)

روزی که همه آنان آشکار می شوند و چیزی از آنها بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می شود:) حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهّار است! (۱۶)

ص: ۴۶۸

الْیَوْمَ تُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا کَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْیَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ (۱۷)

امروز هر کس در برابر کاری که انجام داده است پاداش داده می شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ خداوند سریع الحساب است! (۱۷)

وَأَنذِرْهُمْ یَوْمَ الْآزِفَهِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَنَاجِرِ کَاظِمِینَ مَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ حَمِیمٍ وَلَا شَفِیعٍ یُطَاعُ (۱۸)

و آنها را از روز نزدیک بترسان، هنگامی که از شدّت وحشت دلها به گلوگاه می رسد و تمامی وجود آنها مملوّ از اندوه می گردد؛ برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود. (۱۸)

یَعْلَمُ خَائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ (۱۹)

او چشمهایی را که به خیانت می گردد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند. (۱۹)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

خداوند بحقّ داوری می کند، و معبودهایی را که غیر از او می خوانند هیچ گونه داوری ندارند؛ خداوند شنوا و بیناست! (۲۰)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (۲۱)

آیا آنها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آنها در قدرت و ایجاد آثار مهمّ در زمین از اینها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند! (۲۱)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲)

این برای آن بود که پیامبرانشان پیوسته با دلایل روشن به سراغشان می آمدند، ولی آنها انکار می کردند؛ خداوند هم آنان را گرفت (و کیفر داد) که او قوّی و مجازاتش شدید است! (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۳)

ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم... (۲۳)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۲۴)

بسوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی آنها گفتند: «او ساحری بسیار دروغگو است!» (۲۴)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵)

و هنگامی که حقّ را از سوی ما برای آنها آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید!» امّا نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می شود). (۲۵)

ص: ۴۶۹

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶)

و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!» (۲۶)

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ (۲۷)

موسی گفت: «من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد!» (۲۷)

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ وَإِن يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۲۸)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می داشت گفت: «آیا می خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می گوید: پروردگار من «اللّه» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی کند. (۲۸)

يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ (۲۹)

ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزید؛ اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟!» فرعون گفت: «من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم! (دستور، همان قتل موسی است!)» (۲۹)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ (۳۰)

آن مرد باایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم! (۳۰)

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ (۳۱)

و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی خواهد. (۳۱)

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

ای قوم من! من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می زنند (و از هم یاری می طلبند و صدایشان به جایی نمی رسد) بیمناکم! (۳۲)

يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

همان روزی که روی می گردانید و فرار می کنید؛ امّا هیچ پناهگاهی در برابر عذاب خداوند برای شما نیست؛ و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت کننده ای برای او نیست! (۳۳)

ص: ۴۷۰

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ

يُضِلَّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (۳۴)

پیش از این یوسف دلایل روشن برای شما آورد، ولی شما همچنان در آنچه او برای شما آورده بود تردید داشتید؛ تا زمانی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد! این گونه خداوند هر اسرافکار تردیدکننده ای را گمراه می سازد! (۳۴)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِی آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۳۵)

همانها که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله برمی خیزند؛ (این کارشان) خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده اند به بار می آورد؛ این گونه خداوند بر دل هر متکبّر جبّاری مُهر می نهد!» (۳۵)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِی صَرْحًا لَّعَلِّی أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (۳۶)

فرعون گفت: «ای هامان! برای من بنای مرتفعی بساز، شاید به وسایلی دست یابم، (۳۶)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّی لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِی تَبَابٍ (۳۷)

وسایل (صعود به) آسمانها تا از خدای موسی آگاه شوم؛ هر چند گمان می کنم او دروغگو باشد!» اینچنین اعمال بد فرعون در نظرش آراسته جلوه کرد و از راه حق باز داشته شد؛ و توطئه فرعون (و همفکران او) جز به نابودی نمی انجامد! (۳۷)

وَقَالَ الَّذِی آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ (۳۸)

کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم. (۳۸)

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متاع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است! (۳۹)

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر کس بدی کند، جز بمانند آن کیفر داده نمی شود؛ ولی هر کس کار شایسته ای انجام دهد -خواه مرد یا زن- در حالی که مؤمن باشد آنها وارد بهشت می شوند و در آن روزی بی حسابی به آنها داده خواهد شد. (۴۰)

وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (۴۱)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می کنم، امّا شما مرا بسوی آتش فرا می خوانید؟! (۴۱)

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ (۴۲)

مرا دعوت می کنید که به خداوند یگانه کافر شوم و همتایی که به آن علم ندارم برای او قرار دهم، در حالی که من شما را بسوی خداوند عزیز غفّار دعوت می کنم! (۴۲)

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۴۳)

قطعاً آنچه مرا بسوی آن می خوانید، نه دعوت (و حاکمیّتی) در دنیا دارد و نه در آخرت؛ و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست؛ و مسرفان اهل آتشند! (۴۳)

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴)

و بزودی آنچه را به شما می گویم به خاطر خواهید آورد! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست!» (۴۴)

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (۴۵)

خداوند او را از نقشه های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد! (۴۵)

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید:) «آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید!» (۴۶)

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (۴۷)

به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجّه می کنند؛ ضعیفان به مستکبران می گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما پذیرا می شوید؟!» (۴۷)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)

مستکبران می گویند: «ما همگی در آن هستیم، زیرا خداوند در میان بندگانش (بعدالت) حکم کرده است!» (۴۸)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (۴۹)

و آنها که در آتشند به مأموران دوزخ می گویند: «از پروردگارتان بخواهید یک روز عذاب را از ما بردارد!» (۴۹)

ص: ۴۷۲

قَالُوا أَوَلَمْ تَکُ تَأْتِیکُمْ رُسُلُکُم بِالْبَیِّنَاتِ قَالُوا بَلَی قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْکَافِرِینَ إِلَّا فِی ضَلَالٍ (۵۰)

آنها می گویند: «آیا پیامبران شما دلایل روشن برایتان نیاوردند؟!» می گویند: «آری!» آنها می گویند: «پس هر چه می خواهید (خدا را) بخوانید؛ ولی دعای کافران (به جایی نمی رسد و) جز در ضلالت نیست!» (۵۰)

إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَیَوْمَ یَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می خیزند یاری می دهیم! (۵۱)

یَوْمَ لَا یَنفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَهُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۵۲)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشد؛ و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است. (۵۲)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْهُدَی وَأَوْرَثْنَا بَنِی إِسْرَائِیلَ الْکِتَابَ (۵۳)

و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. (۵۳)

هُدًی وَذِکْرَی لِأُولِی الْأَلْبَابِ (۵۴)

کتابی که مایه هدایت و تذکّر برای صاحبان عقل بود! (۵۴)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِکَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَالْإِبْکَارِ (۵۵)

پس (ای پیامبر!) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حقّ است، و برای گناهت استغفار کن، و هر صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور! (۵۵)

إِنَّ الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِی صُدُورِهِمْ إِلَّا کِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِیهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ (۵۶)

کسانی که در آیات خداوند بدون دلیلی که برای آنها آمده باشد ستیزه جویی می کنند، در سینه هایشان فقط تکبر (و غرور) است، و هرگز به خواسته خود نخواهند رسید، پس به خدا پناه بر که او شنوا و بیناست! (۵۶)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَکْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (۵۷)

آفرینش آسمانها و زمین از آفرینش انسانها مهمتر است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۵۷)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

هرگز نابینا و بینا یکسان نیستند؛ همچنین کسانی که ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده اند با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ امّا کمتر متذکّر می شوید! (۵۸)

ص: ۴۷۳

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹)

روز قیامت به یقین آمدنی است، و شکّی در آن نیست؛ ولی اکثر مردم ایمان نمی آورند! (۵۹)

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰)

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلّت وارد دوزخ می شوند!» (۶۰)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۶۱)

خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی بخش قرار داد؛ خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند! (۶۱)

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۶۲)

این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه از راه حق منحرف می شوید؟! (۶۲)

كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳)

اینچنین کسانی که آیات خدا را انکار می کردند (از راه راست) منحرف می شوند! (۶۳)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۶۴)

خداوند کسی است که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد و آسمان را همچون سقفی (بالای سرتان)؛ و شما را صورتگری کرد، و صورتتان را نیکو آفرید؛ و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد؛ این است خداوند پروردگار شما! جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است! (۶۴)

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۵)

زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است! (۶۵)

قُلْ إِنِّی نُهِیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِیَ الْبَیِّنَاتُ مِن رَّبِّی وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ (۶۶)

بگو: «من نهی شده ام از اینکه معبودهایی را که شما غیر از خدا می خوانید بپرستم، چون دلایل روشن از جانب پروردگارم برای من آمده است؛ و مأمورم که تنها در برابر پروردگار عالمیان تسلیم باشم!» (۶۶)

ص: ۴۷۴

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخًا وَمِنکُم مَّن یُتَوَفَّی مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّی وَلَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (۶۷)

او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می فرستد، بعد به مرحله کمال قوّت خود می رسید، و بعد از آن پیر می شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می رسید؛ و شاید تعقّل کنید! (۶۷)

هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ فَإِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ (۶۸)

او کسی است که زنده می کند و می میراند؛ و هنگامی که کاری را مقرّر کند، تنها به آن می گوید: «موجود باش!» بی درنگ موجود می شود! (۶۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ أَنَّی یُصْرَفُونَ (۶۹)

آیا ندیدی کسانی را که در آیات خدا مجادله می کنند، چگونه از راه حقّ منحرف می شوند؟! (۶۹)

الَّذِینَ کَذَّبُوا بِالْکِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ (۷۰)

همان کسانی که کتاب (آسمانی) و آنچه رسولان خود را بدان فرستاده ایم تکذیب کردند؛ امّا بزودی (نتیجه کار خود را) می دانند! (۷۰)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ یُسْحَبُونَ (۷۱)

در آن هنگام که غل و زنجیرها بر گردن آنان قرار گرفته و آنها را می کشند... (۷۱)

فِی الْحَمِیمِ ثُمَّ فِی النَّارِ یُسْجَرُونَ (۷۲)

و در آب جوشان وارد می کنند؛ سپس در آتش دوزخ افروخته می شوند! (۷۲)

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ (۷۳)

سپس به آنها گفته می شود: «کجایند آنچه را همتای خدا قرار می دادید، (۷۳)

مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴)

همان معبودهایی را که جز خدا پرستش می کردید؟!» آنها می گویند: «همه از نظر ما پنهان و گم شدند؛ بلکه ما اصلاً پیش از این چیزی را پرستش نمی کردیم»! این گونه خداوند کافران را گمراه می سازد! (۷۴)

ذَلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

این (عذاب) بخاطر آن است که بناحقّ در زمین شادی می کردید و از روی غرور و مستی به خوشحالی می پرداختید! (۷۵)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

از درهای جهنّم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید؛ و چه بد است جایگاه متکبّران! (۷۶)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۷۷)

پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حقّ است؛ و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهمّ نیست)؛ چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می گردانند! (۷۷)

ص: ۴۷۵

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸)

ما پیش از تو رسولانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو بازگفته، و گروهی را برای تو بازگو نکرده ایم؛ و هیچ پیامبری حق نداشت معجزه ای جز بفرمان خدا بیاورد و هنگامی که فرمان خداوند (برای مجازات آنها) صادر شود، بحق داوری خواهد شد؛ و آنجا اهل باطل زیان خواهند کرد! (۷۸)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹)

خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا بعضی را سوار شوید و از بعضی تغذیه کنید. (۷۹)

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۸۰)

و برای شـما در آنها منافع بسـیاری (جز اینها) است، تا بوسـیله آنها به مقصـدی که در دل داریـد برسـید؛ و بر آنها و بر کشتیها سوار می شوید. (۸۰)

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ (۸۱)

او آیاتش را همواره به شما نشان می دهد؛ پس کدام یک از آیات او را انکار می کنید؟! (۸۱)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

آیا روی زمین سـیر نکردنـد تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! همانها که نفراتشان از اینها بیشتر، و نیرو و آثارشـان در زمین فزونتر بود؛ امّـا هرگز آنچه را به دست می آوردنـد نتوانست آنها را بی نیاز سازد (و عـذاب الهی را از آنان دور کند)! (۸۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳)

هنگامی که رسولانشان دلایل روشـنی برای آنان آوردنـد، به دانشـی که خود داشـتند خوشـحال بودنـد (و غیر آن را هیـچ می شمردند)؛ ولی آنچه را (از عذاب) به تمسخر می گرفتند آنان را فراگرفت! (۸۳)

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)

هنگـامی که عـذاب (شدیـد) ما را دیدنـد گفتنـد: «هم اکنون به خداونـد یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می شمردیم کافر شدیم!» (۸۴)

فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

امّا هنگامی که عـذاب ما را مشاهـده کردنـد، ایمانشان برای آنها سودی نـداشت! این سـنّت خداونـد است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند! (۸۵)

ص: ۴۷۶

## سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

این کتابی است که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است؛ (۲)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیّتی که آگاهند! (۳)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

قرآنی که بشارت دهنده و بیم دهنده است؛ ولی بیشتر آنان روی گردان شدند؛ از این رو چیزی نمی شنوند! (۴)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (۵)

آنها گفتند: «قلبهای ما نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنی در پوششهایی قرار گرفته و در گوشهای ما سنگینی است، و میان ما و تو حجابی وجود دارد؛ پس تو بدنبال عمل خود باش، ما هم برای خود عمل می کنیم!» (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (۶)

بگو: من فقط انسانی مثل شما هستم؛ این حقیقت بر من وحی می شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس تمام توجّه خویش را به او کنید و از وی آمرزش طلبید؛ وای بر مشرکان! (۶)

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

همانها که زکات را نمی پردازند، و آخرت را منکرند! (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸)

امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی دائمی دارند! (۸)

قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹)

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید و برای او همانندهایی قرارمی دهید؟! او پروردگار جهانیان است! (۹)

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ (۱۰)

او در زمین کوه های استواری قرار داد و برکاتی در آن آفرید و موادّ غذایی آن را مقدّر فرمود، - اینها همه در چهار روز بود - درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان! (۱۰)

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (١١)

سپس به آفرينش آسمان پرداخت، در حالی كه بصورت دود بود؛ به آن و به زمين دستور داد: «به وجود آييد (و شكل گيريد)، خواه از روی اطاعت و خواه اكراه!» آنها گفتند: «ما از روی طاعت می آييم (و شكل می گيريم)!» (١١)

ص: ۴۷۷

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (١٢)

در اين هنگام آنها را بصورت هفت آسمان در دو روز آفريد، و در هر آسمانی كار آن (آسمان) را وحی (و مقرّر) فرمود، و آسمان پايين را با چراغهايی [= ستارگان ] زينت بخشيديم، و (با شهابها از رخنه شياطين) حفظ كرديم، اين است تقدير خداوند توانا و دانا! (١٢)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ (١٣)

اگر آنها روی گردان شوند، بگو: من شما را از صاعقه ای همانند صاعقه عاد و ثمود می ترسانم! (١٣)

إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (١۴)

در آن هنگام كه رسولان از پيش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند (و آنان را دعوت كردند) كه جز خدا را نپرستيد آنها گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست فرشتگانی نازل می كرد؛ از اين رو ما به آنچه شما مبعوث به آن هستيد كافريم!» (١۴)

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (١۵)

امّا قوم عاد بناحق در زمين تكبر ورزيدند و گفتند: «چه كسی از ما نيرومندتر است؟!» آيا نمی دانستند خداوندی كه آنان را آفريده از آنها قويتر است؟ و (به خاطر اين پندار) پيوسته آيات ما را انكار می كردند. (١۵)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ (١۶)

سرانجام تندبادی شديد و هول انگيز و سرد و سخت در روزهايی شوم و پرغبار بر آنها فرستاديم تا عذاب خواركننده را در زندگی دنيا به آنها بچشانيم؛ و عذاب آخرت از آن هم خواركننده تر است، و (از هيچ طرف) ياری نمی شوند! (١۶)

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (١٧)

امّا ثمود را هدايت كرديم، ولی آنها نابينايی را بر هدايت ترجيح دادند؛ به همين جهت صاعقه -آن عذاب خواركننده- به

خاطر اعمالی که انجام می دادند آنها را فرو گرفت! (۱۷)

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۱۸)

و کسانی را که ایمان آوردند و پرهیزگار بودند نجات بخشیدیم! (۱۸)

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹)

به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ می برند، و صفوف پیشین را نگه می دارند (تا صفهای بعد به آنها ملحق شوند!) (۱۹)

حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

وقتی به آن می رسند، گوشها و چشمها و پوستهای تنشان به آنچه می کردند گواهی می دهند. (۲۰)

ص: ۴۷۸

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِى أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

آنها به پوستهای تنشان می گویند: «چرا بر ضدّ ما گواهی دادید؟!» آنها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته؛ و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان بسوی اوست! (۲۱)

وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند! (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِى ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردید، و سرانجام از زیانکاران شدید! (۲۳)

فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ (۲۴)

اگر صبر کنند (یا نکنند، به هر حال) دوزخ جایگاه آنهاست؛ و اگر تقاضای عفو کنند، مورد عفو قرار نمی گیرند! (۲۴)

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

ما برای آنها همنشینانی (زشت سیرت) قرار دادیم که زشتیها را از پیش رو و پشت سر آنها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی در باره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جنّ و انس که قبل از آنها بودند گرفتار شدند؛ آنها مسلّماً زیانکار بودند! (۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (۲۶)

کافران گفتند: «گوش به این قرآن فراندهید؛ و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید، شاید پیروز شوید!» (۲۶)

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۷)

به یقین به کافران عذاب شدیدی می چشمانیم، و آنها را به بدترین اعمالی که انجام می دادند کیفر می دهیم! (۲۷)

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸)

این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخاطر اینکه آیات ما را انکار می کردند. (۲۸)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (۲۹)

کافران گفتند: «پروردگارا! آنهایی که از جنّ و انس ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا زیر پای خود نهیم (و لگدمالشان کنیم) تا از پست ترین مردم باشند!» (۲۹)

ص: ۴۷۹

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است! (۳۰)

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (۳۱)

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و آخرت هستیم؛ و برای شما هر چه دلتان بخواهد در بهشت فراهم است، و هر چه طلب کنید به شما داده می شود! (۳۱)

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۳۲)

اینها وسیله پذیرایی از سوی خداوند غفور و رحیم است!» (۳۲)

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِی مِنَ الْمُسْلِمِینَ (۳۳)

چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: «من از مسلمانانم»؟! (۳۳)

وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَهُ وَلَا السَّیِّئَهُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَهٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ (۳۴)

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! (۳۴)

وَمَا یُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَمَا یُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ (۳۵)

امّا جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی گردند! (۳۵)

وَإِمَّا یَنزَغَنَّکَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۳۶)

و هرگاه وسوسه هایی از شیطان متوجّه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست! (۳۶)

وَمِنْ آیَاتِهِ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَهُنَّ إِن کُنتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ (۳۷)

و از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می خواهید او را بپرستید! (۳۷)

فَإِنِ اسْتَکْبَرُوا فَالَّذِینَ عِندَ رَبِّکَ یُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا یَسْأَمُونَ (۳۸)

و اگر (از عبادت پروردگار) تکبر کنند، کسانی که نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می گویند و خسته نمی شوند! (۳۸)

ص: ۴۸۰

وَمِنْ آیَاتِهِ أَنَّکَ تَرَی الْأَرْضَ خَاشِعَهً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَیْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِی أَحْیَاهَا لَمُحْیِی الْمَوْتَی إِنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۳۹)

و از آیات او این است که زمین را خشک (و بی جان) می بینی، امّا هنگامی که آب (باران) بر آن می فرستیم به جنبش درمی آید و نموّ می کند؛ همان کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می کند؛ او بر هر چیز تواناست! (۳۹)

إِنَّ الَّذِینَ یُلْحِدُونَ فِی آیَاتِنَا لَا یَخْفَوْنَ عَلَیْنَا أَفَمَن یُلْقَی فِی النَّارِ خَیْرٌ أَم مَّن یَأْتِی آمِنًا یَوْمَ الْقِیَامَهِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ (۴۰)

کسانی که آیات ما را تحریف می کنند بر ما پوشیده نخواهند بود! آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می آید؟! هر کاری می خواهید بکنید، او به آنچه انجام می دهید بیناست! (۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱)

کسانی که به این ذکر [= قرآن ] هنگامی که به سراغشان آمد کافر شدند (نیز بر ما مخفی نخواهد ماند)! و این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر... (۴۱)

لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)

که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است! (۴۲)

مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳)

آنچه به ناروا درباره تو می گویند همان است که درباره پیامبران قبل از تو نیز گفته شده؛ پروردگار تو دارای مغفرت و (هم) دارای مجازات دردناکی است! (۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

هرگاه آن را قرآنی عجمی قرار می دادیم حتماً می گفتند: «چرا آیاتش روشن نیست؟! قرآن عجمی از پیغمبری عربی؟!» بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و درمان است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوشهایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند؛ آنها (همچون کسانی هستند که گوئی) از راه دور صدا زده می شوند!» (۴۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۴۵)

ما به موسی کتاب آسمانی دادیم؛ سپس در آن اختلاف شد؛ و اگر فرمانی از ناحیه پروردگارت در این باره صادر نشده بود (که باید به آنان مهلت داد تا اتمام حجّت شود)، در میان آنها داوری می شد (و به کیفر می رسیدند)؛ ولی آنها هنوز درباره آن شکّی تهمت انگیز دارند! (۴۵)

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۴۶)

کسـی که عمـل صـالحی انجـام دهـد، سـودش برای خـود اوسـت؛ و هر کس بـدی کنـد، بـه خویشـتن بـدی کرده است؛ و پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی کند! (۴۶)

ص: ۴۸۱

## جزء ۲۵

### ادامه سوره فصلت

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ (۴۷)

علم به قیـامت (و لحظه وقوع آن) تنهـا به خـدا بـازمی گردد؛ هیـچ میوه ای از غلاف خود خارج نمی شود، و هیـچ زنی باردار نمی گردد و وضع حمل نمی کنـد مگر به علم او؛ و آن روز که آنها را ندا می دهد (و می گوید:) کجایند شـریکانی که برای من می پنداشتید؟! می گویند: «(پروردگارا!) ما عرضه داشتیم که هیچ گواهی بر گفته خود نداریم!» (۴۷)

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (۴۸)

و همه معبودانی را که قبلاً می خواندند محو و گم می شوند؛ و می دانند هیچ گریزگاهی ندارند! (۴۸)

لَّا يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (۴۹)

انسان هرگز از تقاضای نیکی (و نعمت) خسته نمی شود؛ و هرگاه شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می گردد! (۴۹)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِندَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۵۰)

و هرگاه او را رحمتی از سوی خود بعـد از ناراحتی که به او رسیده بچشانیم می گوید: «این بخاطر شایستگی و استحقاق من بوده، و گمان نمی کنم قیامت برپا شود؛ و (بفرض که قیامتی باشد،) هرگاه بسوی پروردگارم بازگردانده شوم، برای من نزد او پاداشـهای نیـک است. مـا کـافران را از اعمـالی که انجـام داده انـد (بزودی) آگـاه خواهیم کرد و از عـذاب شدیـد به آنها می چشانیم. (۵۰)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (۵۱)

و هرگـاه به انسـان (غـافل و بی خبر) نعمت دهیم، روی می گردانـد و به حـال تکبر از حق دور می شود؛ ولی هرگـاه مختصر ناراحتی به او رسد، تقاضای فراوان و مستمرّ (برای بر طرف شدن آن) دارد! (۵۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۲)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خداوند باشد و شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراهتر خواهد بود از کسی که در مخالفت شدیدی قرار دارد؟! (۵۲)

سَنُرِیهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنفُسِهِمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ یَکْفِ بِرَبِّکَ أَنَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ (۵۳)

به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟! (۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِی مِرْیَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ مُّحِیطٌ (۵۴)

آگاه باشید که آنها از لقای پروردگارشان در شکّ و تردیدند؛ و آگاه باشید که خداوند به همه چیز احاطه دارد! (۵۴)

ص: ۴۸۲

## سوره الشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ حم (۱)

حم. (۱)

عسق (۲)

عسق. (۲)

کَذَلِکَ یُوحِی إِلَیْکَ وَإِلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکَ اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۳)

این گونه خداوند عزیز و حکیم به تو و پیامبرانی که پیش از تو بودند وحی می کند. (۳)

لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ (۴)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ و او بلندمرتبه و بزرگ است! (۴)

تَکَادُ السَّمَاوَاتُ یَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِکَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِی الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۵)

نزدیک است آسمانها (بخاطر نسبتهای ناروای مشرکان) از بالا متلاشی شوند و فرشتگان پیوسته تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می کنند؛ آگاه باشید خداوند آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِیَاءَ اللَّهُ حَفِیظٌ عَلَیْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَیْهِم بِوَکِیلٍ (۶)

کسانی که غیر خدا را ولیّ خود انتخاب کردند، خداوند حساب همه اعمال آنها را نگه می دارد؛ و تو مأمور نیستی که آنان را مجبور به قبول حقّ کنی! (۶)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «امّ القری» [= مکّه ] و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلایق در آن روز جمع می شوند و شکّ و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان! (۷)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸)

و اگر خدا می خواست همه آنها را امّت واحدی قرار می داد (و به زور هدایت می کرد، ولی هدایت اجباری سودی ندارد)؛ امّا خداوند هر کس را بخواهد در رحمتش وارد می کند، و برای ظالمان ولیّ و یاوری نیست. (۸)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۹)

آیا آنها غیر از خدا را ولیّ خود برگزیدند؟! در حالی که «ولیّ» فقط خداوند است و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست! (۹)

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰)

در هر چیز اختلاف کنید، داوریش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکّل کرده ام و به سوی او بازمی گردم! (۱۰)

ص: ۴۸۳

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱)

او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفتهایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [= بوسیله همسران ] زیاد می کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست! (۱۱)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۲)

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد یا محدود می سازد؛ او به همه چیز داناست. (۱۲)

شَرَعَ لَکُم مِّنَ الـدِّینِ مَا وَصَّی بِهِ نُوحًا وَالَّذِی أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ وَمَا وَصَّیْنَا بِهِ إِبْرَاهِیمَ وَمُوسَـی وَعِیسَـی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَن یَشَاءُ وَیَهْدِی إِلَیْهِ مَن یُنِیبُ (۱۳)

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند. (۱۳)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ وَلَوْلَا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّکَ إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی لَّقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِینَ أُورِثُوا الْکِتَابَ مِن بَعْدِهِمْ لَفِی شَکٍّ مِّنْهُ مُرِیبٍ (۱۴)

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد؛ و این تفرقه جویی بخاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معیّنی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می شد؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شک و تردیدند، شکی همراه با بدبینی! (۱۴)

فَلِذَلِکَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن کِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَیْنَکُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّکُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَکُمْ أَعْمَالُکُمْ لَا حُجَّهَ بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمُ اللَّهُ یَجْمَعُ بَیْنَنَا وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ (۱۵)

پس به همین خاطر تو نیز آنان را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آنچنان که مأمور شده ای استقامت نما، و از هوی و هوسهای آنان پیروی مکن، و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آورده ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم؛ خداوند پروردگار ما و شماست؛ نتیجه اعمال ما از آن ما است و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست؛ و خداوند ما و شما را در یکجا جمع می کند، و بازگشت (همه) به سوی اوست!» (۱۵)

ص: ۴۸۴

وَالَّذِینَ یُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِیبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَهٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَیْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ (۱۶)

کسانی که (از روی لجاجت) درباره خدا بعد از پذیرفتن (و ایمان به) او، محاجّه می کنند، دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و بی پایه است؛ و غضب بر آنهاست و عذابی شدید دارند. (۱۶)

اللَّهُ الَّذِی أَنزَلَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِیزَانَ وَمَا یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَهَ قَرِیبٌ (۱۷)

خداوند کسی است که کتاب را بحق نازل کرد و میزان (سنجش حق و باطل و خبر قیامت) را نیز؛ تو چه می دانی شاید ساعت (قیام قیامت) نزدیک باشد! (۱۷)

یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَیَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِینَ یُمَارُونَ فِی السَّاعَهِ لَفِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ (۱۸)

کسانی که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می کنند؛ ولی آنها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در قیامت تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند. (۱۸)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۱۹)

خداوند نسبت به بندگانش لطف (و آگاهی) دارد؛ هر کس را بخواهد روزی می دهد و او قوّی و شکست ناپذیر است! (۱۹)

مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَهِ مِن نَّصِيبٍ (۲۰)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می دهیم و بر محصولش می افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می دهیم امّا در آخرت هیچ بهره ای ندارد! (۲۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَهُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۱)

آیا معبودانی دارند که بی اذن خداوند آیینی برای آنها ساخته اند؟! اگر مهلت معیّنی برای آنها نبود، در میانشان داوری می شد (و دستور عذاب صادر می گشت) و برای ظالمان عذاب دردناکی است! (۲۱)

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۲۲)

(در آن روز) ستمگران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند، ولی آنها را فرامی گیرد! امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است؛ این است فضل (و بخشش) بزرگ! (۲۲)

ص: ۴۸۵

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِي الْقُرْبَى وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ (۲۳)

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم ]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (۲۳)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴)

آیا می گویند: «او بر خدا دروغ بسته است»؟! در حالی که اگر خدا بخواهد بر قلب تو مُهر می نهد (و اگر خلاف بگوئی قدرت اظهار این آیات را از تو می گیرد) و باطل را محو می کند و حقّ را بفرمانش پابرجا می سازد؛ چرا که او از آنچه درون

سینه هاست آگاه است. (۲۴)

وَهُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِهِ وَیَعْفُو عَنِ السَّیِّئَاتِ وَیَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۲۵)

او کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد و بدیها را می بخشد، و آنچه را انجام می دهید می داند. (۲۵)

وَیَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَیَزِیدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْکَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ (۲۶)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده اند می پذیرد و از فضل خود بر آنها می افزاید؛ امّا برای کافران عذاب شدیدی است! (۲۶)

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ وَلَکِن یُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا یَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِیرٌ بَصِیرٌ (۲۷)

هرگاه خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، در زمین طغیان و ستم می کنند؛ از این رو بمقداری که می خواهد (و مصلحت می داند) نازل می کند، که نسبه به بندگانش آگاه و بیناست! (۲۷)

وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ (۲۸)

او کسی است که باران سودمند را پس از آنکه مأیوس شدند نازل می کند و رحمت خویش را می گستراند؛ و او ولیّ و (سرپرست) و ستوده است! (۲۸)

وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَابَّهٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ (۲۹)

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها تواناست! (۲۹)

وَمَا أَصَابَکُم مِّن مُّصِیبَهٍ فَبِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیکُمْ وَیَعْفُو عَن کَثِیرٍ (۳۰)

هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند! (۳۰)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَمَا لَکُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا نَصِیرٍ (۳۱)

و شما هرگز نمی توانید در زمین از قدرت خداوند فرار کنید؛ و غیر از خدا هیچ ولیّ و یاوری برای شما نیست. (۳۱)

ص: ۴۸۶

وَمِنْ آیَاتِهِ الْجَوَارِ فِی الْبَحْرِ کَالْأَعْلَامِ (۳۲)

از نشانه های او کشتیهایی است که در دریا همچون کوه ها به نظر می رسند! (۳۲)

إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۳)

اگر او اراده کند، باد را ساکن می سازد تا آنها بر پشت دریا بی حرکت بمانند؛ در این نشانه هایی است برای هر صبرکننده شکرگزار! (۳۳)

أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ (۳۴)

یا اگر بخواهد آنها را بخاطر اعمالی که سرنشینانش مرتکب شده اند نابود می سازد؛ و در عین حال بسیاری را می بخشد. (۳۴)

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (۳۵)

کسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند هیچ گریزگاهی ندارند! (۳۵)

فَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶)

آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست، و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکّل می کنند بهتر و پایدارتر است. (۳۶)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷)

همان کسانی که از گناهان بزرگ و اعمال زشت اجتناب می ورزند، و هنگامی که خشمگین شوند عفو می کنند. (۳۷)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند، (۳۸)

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ (۳۹)

و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد، (تسلیم ظلم نمی شوند و) یاری می طلبند! (۳۹)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد! (۴۰)

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِکَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ (۴۱)

و کسی که بعد از مظلوم شدن یاری طلبد، ایرادی بر او نیست؛ (۴۱)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می کننـد و در زمین بنـاحق ظلم روا می دارنـد؛ برای آنان عـذاب دردناکی است! (۴۲)

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِکَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

امّا کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است! (۴۳)

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ مِّن بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ (۴۴)

کسی را که خدا گمراه کند، ولیّ و یاوری جز او نخواهد داشت؛ و ظالمان را (روز قیامت) می بینی هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می کنند میگویند: «آیا راهی به سوی بازگشت (و جبران) وجود دارد؟!» (۴۴)

ص: ۴۸۷

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِی عَذَابٍ مُّقِيمٍ (۴۵)

و آنها را می بینی که بر آتش عرضه می شونـد در حالی که از شـدّت مذلّت خاشعند و زیر چشـمی (به آن) نگاه می کنند؛ و کسـانی که ایمـان آورده انـد می گوینـد: «زیانکاران واقعی آنانـند که خود و خانواده خویش را روز قیامت از دست داده انـد؛ آگاه باشید که ظالمان (آن روز) در عذاب دائمند!» (۴۵)

وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ (۴۶)

آنها جز خدا اولیا و یاورانی ندارند که یاریشان کنند؛ و هر کس را خدا گمراه سازد، هیچ راه نجاتی برای او نیست! (۴۶)

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ (۴۷)

اجابت کنیـد دعوت پروردگار خود را پیش از آنکه روزی فرا رسـد که بازگشتی برای آن در برابر اراده خـدا نیست؛ و در آن روز، نه پناهگاهی دارید و نه مدافعی! (۴۷)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاکَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْکَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَهً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَهٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ (۴۸)

و اگر روی گردان شوند (غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم؛ وظیف ه تو تنها ابلاغ رسالت است! و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می شود، و اگر بلایی بخاطر اعمالی که انجام داده اند به آنها رسد (به کفران می پردازند)، چرا که انسان بسیار کفران کننده است! (۴۸)

لِّلَّهِ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ إِنَاثًا وَیَهَبُ لِمَن یَشَاءُ الذُّکُورَ (۴۹)

مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می آفریند؛ به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر، (۴۹)

أَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَإِنَاثًا وَیَجْعَلُ مَن یَشَاءُ عَقِیمًا إِنَّهُ عَلِیمٌ قَدِیرٌ (۵۰)

یا (اگر بخواهد) پسر و دختر -هر دو- را برای آنان جمع میکند و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد؛ زیرا که او دانا و قادر است. (۵۰)

وَمَا کَانَ لِبَشَرٍ أَن یُکَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْیًا أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ یُرْسِلَ رَسُولًا فَیُوحِیَ بِإِذْنِهِ مَا یَشَاءُ إِنَّهُ عَلِیٌّ حَکِیمٌ (۵۱)

و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می فرستد و بفرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ چرا که او بلندمقام و حکیم است! (۵۱)

ص: ۴۸۸

وَکَذَلِکَ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا کُنتَ تَدْرِی مَا الْکِتَابُ وَلَا الْإِیمَانُ وَلَکِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِی بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّکَ لَتَهْدِی إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۵۲)

همان گونه (که بر پیامبران پیشین وحی فرستادیم) بر تو نیز روحی را بفرمان خود وحی کردیم؛ تو پیش از این نمی دانستی کتاب و ایمان چیست (و از محتوای قرآن آگاه نبودی)؛ ولی ما آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگان خویش را بخواهیم هدایت می کنیم؛ و تو مسلّماً به سوی راه راست هدایت می کنی. (۵۲)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ أَلَا إِلَی اللَّهِ تَصِیرُ الْأُمُورُ (۵۳)

راه خداوندی که تمامی آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست؛ آگاه باشید که همه کارها تنها بسوی خدا بازمی گردد! (۵۳)

## سوره الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ حم (۱)

حم. (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، (۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! (۳)

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ (۴)

و آن در «امّ الکتاب» [= لوح محفوظ] نزد ما بلندپایه و استوار است! (۴)

أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵)

آیا این ذکر [= قرآن ] را از شما بازگیریم بخاطر اینکه قومی اسرافکارید؟! (۵)

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

چه بسیار پیامبرانی که (برای هدایت) در میان اقوام پیشین فرستادیم؛ (۶)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷)

ولی هیچ پیامبری به سوی آنها نمی آمد مگر اینکه او را استهزا می کردند. (۷)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

ولی ما کسانی را که نیرومندتر از آنها بودند هلاک کردیم، و داستان پیشینیان گذشت. (۸)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۹)

هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟» مسلّماً می گویند: «خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است»! (۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرار داد، و برای شما در آن راه هایی آفرید باشد، که هدایت شوید (و به مقصد برسید)! (۱۰)

وَالَّذِی نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۱)

همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معیّن، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می سازند! (۱۱)

وَالَّذِی خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

و همان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبهایی قرارداد که بر آن سوار می شوید، (۱۲)

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳)

تا بر پشت آنها بخوبی قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آنها سوار شدید، نعمت پروردگارتان را متذکّر شوید و بگویید: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ (۱۳)

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ (۱۴)

و ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم!» (۱۴)

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵)

آنها برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند)؛ انسان کفران کننده آشکاری است! (۱۵)

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ (۱۶)

آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده و پسران را برای شما برگزیده است؟! (۱۶)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۷)

در حالی که هرگاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده [= به تولّد دختر] بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود و خشمگین می گردد! (۱۷)

أَوَمَن يُنَشَّأُ فِی الْحِلْيَهِ وَهُوَ فِی الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)

آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می خوانید)؟! (۱۸)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَهَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (۱۹)

آنها فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنّث پنداشتند؛ آیا شاهد آفرینش آنها بوده اند؟! گواهی آنان نوشته می شود و (از آن) بازخواست خواهند شد! (۱۹)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۲۰)

آنان گفتند: «اگر خداوند رحمان می خواست ما آنها را پرستش نمی کردیم!» ولی به این امر هیچ گونه علم و یقین ندارند و جز دروغ چیزی نمی گویند! (۲۰)

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ (۲۱)

یا اینکه ما کتابی پیش از این به آنان داده ایم و آنها به آن تمسّک می جویند؟! (۲۱)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (۲۲)

بلکه آنها می گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته ایم.» (۲۲)

ص: ۴۹۰

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَهٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۲۳)

و این گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذارکننده ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می کنیم.» (۲۳)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (۲۴)

(پیامبرشان) گفت: «آیا اگر من آیینی هدایت بخش تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می کنید)؟!» گفتند: «(آری،) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید کافریم!» (۲۴)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الْمُكَذِّبِينَ (۲۵)

به همین جهت از آنها انتقام گرفتیم؛ بنگر پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بود! (۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما می پرستید بیزارم. (۲۶)

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲۷)

مگر آن کسی که مرا آفریده، که او هدایتم خواهد کرد!» (۲۷)

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۸)

او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند! (۲۸)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹)

ولی من این گروه و پدرانشان را از مواهب دنیا بهره مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (الهی) به سراغشان آمد؛ (۲۹)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰)

هنگامی که حق به سراغشان آمد؛ گفتند: «این سحر است، و ما نسبت به آن کافریم»! (۳۰)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۳۱)

و گفتند: «چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) ناز ل نشده است؟!» (۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است! (۳۲)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

اگر (تمکّن کفّار از مواهب مادی) سبب نمی شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می شدند خانه هایی قرار می دادیم با سقفهایی از نقره و نردبانهایی که از آن بالا روند، (۳۳)

ص: ۴۹۱

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ (۳۴)

و برای خانه هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره ای) قرار می دادیم که بر آن تکیه کنند؛ (۳۴)

وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

و انواع زیورها؛ ولی تمام اینها بهره زندگی دنیاست، و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است! (۳۵)

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

و هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست! (۳۶)

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۷)

و آنها [= شیاطین ] این گروه را از راه خدا بازمی دارند، در حالی که گمان می کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند! (۳۷)

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (۳۸)

تا زمانی که (در قیامت) نزد ما حاضر شود می گوید: ای کاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود؛ چه بد همنشینی بودی! (۳۸)

وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

(ولی به آنها می گوییم:) هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید؛ و همه در عذاب مشترکید! (۳۹)

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰)

(ای پیامبر!) آیا تو می توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکاری هستند هدایت کنی؟! (۴۰)

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (۴۱)

و هرگاه تو را از میان آنها ببریم، حتماً از آنان انتقام خواهیم گرفت؛ (۴۱)

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (۴۲)

یا اگر (زنده بمانی و) و آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده ایم به تو نشان دهیم، باز ما بر آنها مسلّطیم! (۴۲)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۳)

آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیمی. (۴۳)

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّکَ وَلِقَوْمِکَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی سؤال خواهید شد. (۴۴)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَهً یُعْبَدُونَ (۴۵)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟! (۴۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآیَاتِنَا إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۴۶)

ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم؛ (موسی به آنها) گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم» (۴۶)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِآیَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا یَضْحَکُونَ (۴۷)

ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می خندیدند! (۴۷)

ص: ۴۹۲

وَمَا نُرِیهِم مِّنْ آیَهٍ إِلَّا هِیَ أَکْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۴۸)

ما هیچ آیه (و معجزه ای) به آنان نشان نمی دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود؛ و آنها را به (انواع) عذاب گرفتار کردیم شاید بازگردند! (۴۸)

وَقَالُوا یَا أَیُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّکَ بِمَا عَهِدَ عِندَکَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (۴۹)

(وقتی گرفتار بلا می شدند می) گفتند: «ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان (تا ما را از این بلا برهاند) که ما هدایت خواهیم یافت (و ایمان می آوریم)!» (۴۹)

فَلَمَّا کَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ یَنکُثُونَ (۵۰)

امّا هنگامی که عذاب را از آنها برطرف می ساختیم پیمان خود را می شکستند! (۵۰)

وَنَادَی فِرْعَوْنُ فِی قَوْمِهِ قَالَ یَا قَوْمِ أَلَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِی مِن تَحْتِی أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟ (۵۱)

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِی هُوَ مَهِینٌ وَلَا یَکَادُ یُبِینُ (۵۲)

مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم؟ (۵۲)

فَلَوْلَا أُلْقِیَ عَلَیْهِ أَسْوِرَهٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِکَهُ مُقْتَرِنِینَ (۵۳)

(اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟! (۵۳)

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ (۵۴)

(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند! (۵۴)

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِینَ (۵۵)

امّا هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم. (۵۵)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِینَ (۵۶)

و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم. (۵۶)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ (۵۷)

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند. (۵۷)

وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَیْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَکَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (۵۸)

و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [= مسیح ]؟! (اگر معبودان ما در دوزخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معبود واقع شده)!» ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه توز و پرخاشگرند! (۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَیْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِی إِسْرَائِیلَ (۵۹)

مسیح فقط بنده ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگوئی برای بنی اسرائیل قرار دادیم. (۵۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنکُم مَّلَائِکَهً فِی الْأَرْضِ یَخْلُفُونَ (۶۰)

و هرگاه بخواهیم به جای شما در زمین فرشتگانی قرار می دهیم که جانشین (شما) گردند! (۶۰)

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱)

و او [= مسیح ] سبب آگاهی بر روز قیامت است. (زیرا نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است)؛ هرگز در آن تردید نکنید؛ و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است! (۶۱)

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۲)

و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد، که او دشمن آشکار شماست! (۶۲)

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۶۳)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده ام، و آمده ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید! (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۴)

خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ (تنها) او را پرستش کنید که راه راست همین است!» (۶۴)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (۶۵)

ولی گروه هایی از میان آنها (درباره مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند)؛ وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! (۶۵)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۶۶)

آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهان به سراغشان آید در حالی که نمی فهمند؟ (۶۶)

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران! (۶۷)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۸)

ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می شوید! (۶۸)

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ (۶۹)

همان کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند. (۶۹)

ادْخُلُوا الْجَنَّهَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكَمْ تُحْبَرُونَ (۷۰)

(به آنها خطاب می شود:) شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (۷۰)

يُطَافُ عَلَيْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۷۱)

(این در حالی است که) ظرفها (ی غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آنها می گردانند؛ و در آن (بهشت) آنچه دلها می خواهد و چشمها از آن لذت می برد موجود است؛ و شما همیشه در آن خواهید ماند! (۷۱)

وَتِلْكَ الْجَنَّهُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

این بهشتی است که شما وارث آن می شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید! (۷۲)

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَهٌ كَثِيرَهٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۳)

و در آن برای شما میوه های فراوان است که از آن می خورید. (۷۳)

ص: ۴۹۴

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴)

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می مانند. (۷۴)

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

هرگز عذاب آنان تخفیف نمی یابد، و در آنجا از همه چیز مأیوسند. (۷۵)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ (۷۶)

ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند! (۷۶)

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ (۷۷)

آنها فریاد می کشند: «ای مالک دوزخ! (ای کاش) پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم)!» می گوید: «شما در این جا ماندنی هستید!» (۷۷)

لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید! (۷۸)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (۷۹)

بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند؛ ما نیز اراده محکمی (درباره آنها) داریم! (۷۹)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۸۰)

آیا آنان می پندارند که ما اسرار نهانی و سخنان درگوشی آنان را نمی شنویم؟ آری، رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها هستند و می نویسند! (۸۰)

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (۸۱)

بگو: «اگر برای خداوند فرزندی بود، من نخستین پرستنده او بودم!» (۸۱)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲)

منزه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می کنند! (۸۲)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۸۳)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه ور باشند و سرگرم بازی شوند تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را ببینند)! (۸۳)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود؛ و او حکیم و علیم است! (۸۴)

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۵)

پر برکت و پایدار است کسی که حکومت آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن اوست؛ و آگاهی از قیام قیامت نزد اوست و به سوی او بازگردانده می شوید! (۸۵)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۸۶)

کسانی را که غیر از او می خوانند قادر بر شفاعت نیستند؛ مگر آنها که شهادت به حق داده اند و بخوبی آگاهند! (۸۶)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۸۷)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آنان را آفریده، قطعاً می گویند: خدا؛ پس چگونه از عبادت او منحرف می شوند؟! (۸۷)

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

آنها چگونه از شکایت پیامبر که می گوید: «پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند» (غافل می شوند؟!) (۸۸)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

پس (اکنون که چنین است) از آنان روی برگردان و بگو: «سلام بر شما»، امّا بزودی خواهند دانست! (۸۹)

ص: ۴۹۵

## سوره الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به این کتاب روشنگر، (۲)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)

که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انذارکننده بوده ایم! (۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد. (۴)

أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵)

(آری، نزول قرآن) فرمانی بود از سوی ما؛ ما (محمد (ص) را) فرستادیم! (۵)

رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

اینها همه بخاطر رحمتی است از سوی پروردگارت، که شنونده و داناست! (۶)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۷)

(همان) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست، اگر اهل یقین هستید! (۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (٨)

هيچ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و می میراند؛ او پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شماست! (٨)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (٩)

ولی آنها در شکند و (با حقایق) بازی می کنند. (٩)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (١٠)

پس منتظر روزی باش که آسمان دود آشکاری پدید آورد... (١٠)

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (١١)

که همه مردم را فرامی گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (١١)

رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (١٢)

(می گویند:) پروردگارا! عذاب را از ما برطرف کن که ایمان می آوریم. (١٢)

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (١٣)

چگونه: و از کجا متذکر می شوند با اینکه رسول روشنگر (با معجزات و منطق روشن) به سراغشان آمد! (١٣)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (١۴)

سپس از او روی گردان شدند و گفتند: «او تعلیم یافته ای دیوانه است!» (١۴)

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ (١۵)

ما عذاب را کمی برطرف می سازیم، ولی باز به کارهای خود بازمی گردید! (١۵)

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ (١۶)

(ما از آنها انتقام می گیریم) در آن روز که آنها را با قدرت خواهیم گرفت؛ آری ما انتقام گیرنده ایم! (١۶)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ (١٧)

ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد، (١٧)

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۸)

(و به آنان گفت: امور) بندگان خدا را به من واگذارید که من فرستاده امینی برای شما هستم! (۱۸)

ص: ۴۹۶

وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّی آتِیکُم بِسُلْطَانٍ مُّبِینٍ (۱۹)

و در برابر خداوند تکبر نورزید که من برای شما دلیل روشنی آورده ام! (۱۹)

وَإِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکُمْ أَن تَرْجُمُونِ (۲۰)

و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا متهم کنید! (۲۰)

وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِی فَاعْتَزِلُونِ (۲۱)

و اگر به من ایمان نمی آورید، از من کناره گیری کنید (و مانع ایمان آوردن مردم نشوید)! (۲۱)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ (۲۲)

(آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرمند! (۲۲)

فَأَسْرِ بِعِبَادِی لَیْلًا إِنَّکُم مُّتَّبَعُونَ (۲۳)

(به او دستور داده شد:) بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می شوید! (۲۳)

وَاتْرُکِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (۲۴)

(هنگامی که از دریا گذشتید) دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) که آنها لشکری غرق شده خواهند بود! (۲۴)

کَمْ تَرَکُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (۲۵)

(سرانجام همگی نابود شدند و) چه بسیار باغها و چشمه ها که از خود به جای گذاشتند، (۲۵)

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ کَرِیمٍ (۲۶)

و زراعتها و قصرهای زیبا و گرانقیمت، (۲۶)

وَنَعْمَةٍ کَانُوا فِیهَا فَاکِهِینَ (۲۷)

و نعمتهای فراوان دیگر که در آن (غرق) بودند! (۲۷)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸)

اینچنین بود ماجرای آنان! و ما (اموال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم! (۲۸)

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ (۲۹)

نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین، و نه به آنها مهلتی داده شد! (۲۹)

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلّت بار رهایی بخشیدیم؛ (۳۰)

مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

از فرعون که مردی متکبر و از اسرافکاران بود! (۳۱)

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۲)

ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم، (۳۲)

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (۳۳)

و آیاتی (از قدرت خویش) را به آنها دادیم که آزمایش آشکاری در آن بود (ولی آنان کفران کردند و مجازات شدند)! (۳۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴)

اینها [= مشرکان ] می گویند: (۳۴)

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (۳۵)

«مرگ ما جز همان مرگ اول نیست و هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۵)

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۶)

اگر راست می گویید پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید (تا گواهی دهند)!» (۳۶)

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۳۷)

آیا آنان بهترند یا قوم «تبّع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم، چرا که مجرم بودند! (۳۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۳۸)

ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم! (۳۸)

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹)

ما آن دو را جز بحق نیافریدیم؛ ولی بیشتر آنان نمی دانند! (۳۹)

ص: ۴۹۷

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰)

روز جدایی (حق از باطل) وعده گاه همه آنهاست! (۴۰)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

روزی که هیچ دوستی کمترین کمکی به دوستش نمی کند، و از هیچ سو یاری نمی شوند؛ (۴۱)

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲)

مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده، چرا که او عزیز و رحیم است! (۴۲)

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ (۴۳)

مسلّماً درخت زقّوم... (۴۳)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (۴۴)

غذای گنهکاران است، (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵)

همانند فلز گداخته در شکمها می جوشد؛ (۴۵)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (۴۶)

جوششی همچون آب سوزان! (۴۶)

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۷)

(آنگاه به مأموران دوزخ خطاب می شود:) این کافر مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید! (۴۷)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)

سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! (۴۸)

ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (۴۹)

(به او گفته می شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی! (۴۹)

إِنَّ هَذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)

این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می کردید! (۵۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱)

(ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، (۵۱)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۲)

در میان باغها و چشمه ها؛ (۵۲)

يَلْبَسُونَ مِن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ (۵۳)

آنها لباسهایی از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند؛ (۵۳)

كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۵۴)

اینچنین اند بهشتیان؛ و آنها را با «حور العین» تزویج می کنیم! (۵۴)

يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ (۵۵)

آنها در آنجا هر نوع میوه ای را بخواهند در اختیارشان قرارمی گیرد، و در نهایت امنیّت به سر می برند! (۵۵)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۵۶)

هر گز مر گی جز همان مر گ اوّل (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید، و خداوند آنها را از عذاب دوزخ حفظ می کند؛ (۵۶)

فَضْلًا مِّن رَّبِّکَ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۵۷)

این فضل و بخششی است از سوی پروردگارت، این همان رستگاری بزرگ است! (۵۷)

فَإِنَّمَا یَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۵۸)

ما آن [= قرآن ] را بر زبان تو آسان ساختیم، شاید آنان متذکّر شوند! (۵۸)

فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ (۵۹)

(امّا اگر نپذیرفتند) منتظر باش، آنها نیز منتظرند (تو منتظر پیروزی الهی و آنها منتظر عذاب و شکست)! (۵۹)

ص: ۴۹۸

## سوره الجاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ (۲)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (۲)

إِنَّ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِینَ (۳)

بی شکّ در آسمانها و زمین نشانه های (فراوانی) برای مؤمنان وجود دارد؛ (۳)

وَفِی خَلْقِکُمْ وَمَا یَبُثُّ مِن دَابَّهٍ آیَاتٌ لِّقَوْمٍ یُوقِنُونَ (۴)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای جمعیّتی که اهل یقینند. (۴)

وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِیفِ الرِّیَاحِ آیَاتٌ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (۵)

و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه های روشنی است برای گروهی که اهل تفکّرند! (۵)

تِلْکَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ (۶)

اینها آیات خداونـد است که ما آن را بحقّ بر تو تلاوت می کنیم؛ اگر آنها به این آیات ایمان نیاورنـد، به کـدام سـخن بعـد از سخن خدا و آیاتش ایمان می آورند؟! (۶)

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷)

وای بر هر دروغگوی گنهکار... (۷)

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۸)

که پیوسته آیات خدا را می شنود که بر او تلاوت می شود، امّا از روی تکبّر اصرار بر مخالفت دارد؛ گویی اصلًا آن را هیچ نشنیده است؛ چنین کسی را به عذابی دردناک بشارت ده! (۸)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود، آن را به باد استهزا می گیرد؛ برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (۹)

مِّن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُم مَّا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰)

و پشت سرشان دوزخ است؛ و هرگز آنچه را به دست آورده انـد آنها را (از عـذاب الهی) رهایی نمی بخشـد، و نه اولیایی که غیر از خدا برای خود برگزیدند (مایه نجاتشان خواهند بود)؛ و عذاب بزرگی برای آنهاست! (۱۰)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (۱۱)

این (قرآن) مایه هدایت است، و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، عذابی سخت و دردناک دارند! (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْکُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

خداوند همان کسی است که دریا را مسخّر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید! (۱۲)

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۱۳)

او آنچه در آسـمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسـخّر شـما سـاخته؛ در این نشـانه های (مهمّی) است برای کسانی که اندیشه می کنند! (۱۳)

قُل لِّلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایّام اللّه [= روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهند تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می دادند جزا دهد»! (۱۴)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (۱۵)

هر کس کار شایسته ای بجا آورد، برای خود بجا آورده است؛ و کسی که کار بد می کند، به زیان خود اوست؛ سپس همه شما به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید! (۱۵)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۶)

ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی) و حکومت و نبّوت بخشیدیم و از روزیهای پاکیزه به آنها عطا کردیم و آنان را بر جهانیان (و مردم عصر خویش) برتری بخشیدیم؛ (۱۶)

وَآتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)

و دلایل روشنی از امر نبّوت و شریعت در اختیارشان قرار دادیم؛ آنها اختلاف نکردند مگر بعد از علم و آگاهی؛ و این اختلاف بخاطر ستم و برتری جویی آنان بود؛ امّا پروردگارت روز قیامت در میان آنها در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند. (۱۷)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

سپس تو را بر شریعت و آیین حقّی قرار دادیم؛ از آن پیروی کن و از هوسهای کسانی که آگاهی ندارند پیروی مکن! (۱۸)

إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)

آنها هرگز نمی توانند تو را در برابر خداوند بی نیاز کنند (و از عذابش برهانند)؛ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، امّا خداوند یار و یاور پرهیزگاران است! (۱۹)

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲۰)

این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند! (۲۰)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۲۱)

آیا کسانی که مرتکب بدیها و گناهان شدند گمان کردند که ما آنها را همچون کسانی قرارمی دهیم که ایمان آورده و اعمال

صالح انجام داده اند که حیات و مرگشان یکسان باشد؟! چه بد داوری می کنند! (۲۱)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲)

و خداوند آسمانها و زمین را بحقّ آفریده است تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است جزا داده شود؛ و به آنها ستمی نخواهد شد! (۲۲)

ص: ۵۰۰

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر اینکه شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مُهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده است؟! با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکّر نمی شوید؟! (۲۳)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)

آنها گفتند: «چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می میرند و گروهی جای آنها را می گیرند؛ و جز طبیعت و روزگار ما را هلاك نمی کند!» آنان به این سخن که می گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)! (۲۴)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می شود، دلیلی در برابر آن ندارند جز اینکه می گویند: «اگر راست می گویید پدران ما را (زنده کنید) و بیاورید (تا گواهی دهند)!» (۲۵)

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

بگو: «خداوند شما را زنده می کند، سپس می میراند، بار دیگر در روز قیامت که در آن تردیدی نیست گردآوری می کند؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.» (۲۶)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ (۲۷)

مالکیّت و حاکمیّت آسمانها و زمین برای خداست؛ و آن روز که قیامت برپا شود اهل باطل زیان می بینند! (۲۷)

وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

در آن روز هر امّتی را می بینی (که از شدّت ترس و وحشت) بر زانو نشسته؛ هر امّتی بسوی کتابش خوانده می شود، و (به آنها می گویند:) امروز جزای آنچه را انجام می دادید به شما می دهند! (۲۸)

هَذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

این کتاب ما است که بحق با شما سخن می گوید (و اعمال شما را بازگو می کند)؛ ما آنچه را انجام می دادید می نوشتیم! (۲۹)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۳۰)

امّا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پروردگارشان آنها را در رحمت خود وارد می کند؛ این همان پیروزی بزرگ است! (۳۰)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۳۱)

امّا کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می شود:) مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟! (۳۱)

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (۳۲)

و هنگامی که گفته می شد: «وعده خداوند حقّ است، و در قیامت هیچ شکّی نیست»، شما می گفتید: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ ما تنها گمانی در این باره داریم، و به هیچ وجه یقین نداریم!» (۳۲)

ص: ۵۰۱

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۳)

و بدیهای اعمالشان برای آنان آشکار می شود، و سرانجام آنچه را استهزا می کردند آنها را فرامی گیرد! (۳۳)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (۳۴)

و به آنها گفته می شود: «امروز شما را فراموش می کنیم همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش کردید؛ و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یاوری ندارید! (۳۴)

ذَلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

این بخاطر آن است که شما آیات خدا را به مسخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریب داد! «امروز نه آنان را از دوزخ بیرون می آورند، و نه هیچ گونه عذری از آنها پذیرفته می شود! (۳۵)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

پس حمد و ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهانیان! (۳۶)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

و برای اوست کبریا و عظمت در آسمانها و زمین، و اوست عزیز و حکیم! (۳۷)

## جزء ۲۶

## سوره الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است! (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ (۳)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق و برای سرآمد معیّنی نیافریدیم؛ امّا کافران از آنچه انذار می شوند روی گردانند! (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴)

به آنان بگو: «این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده اند، یا شرکتی در آفرینش آسمانها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می گویید!» (۴)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

چه کسی گمراهتر است از آن کس که معبودی غیر خدا را می خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی گوید و از خواندن آنها (کاملا) بی خبر است؟! (و صدای آنها را هیچ نمی شنود!) (۵)

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

و هنگامی که مردم محشور می شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود؛ حتّی عبادت آنها را انکار می کنند! (۶)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، کافران در برابر حقّی که برای آنها آمده می گویند: «این سحری آشکار است!» (۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

بلکه می گویند: «این آیات را بر خدا افترا بسته است!» بگو: «اگر من آن را بدروغ به خدا نسبت داده باشم (لازم است مرا رسوا کند و) شما نمی توانید در برابر خداوند از من دفاع کنید! او کارهایی را که شما در آن وارد می شوید بهتر می داند؛ همین بس که خداوند گواه میان من و شما باشد؛ و او آمرزنده و مهربان است!» (۸)

قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

بگو: «من پیامبر نوظهوری نیستم؛ و نمی دانم با من و شما چه خواهد شد؛ من تنها از آنچه بر من وحی می شود پیروی می کنم، و جز بیم دهنده آشکاری نیستم!» (۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهدی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود)؟! خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی کند!» (۱۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱)

کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می گویند: «این یک دروغ قدیمی است!» (۱۱)

وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ (۱۲)

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد! (۱۲)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۳)

کسانی که گفتند: «پروردگار ما اللّه است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۳)

أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می دادند. (۱۴)



وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم!» (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَن سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّهِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۱۶)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می کنیم و از گناهانشان می گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعده راستی است که وعده داده می شدند. (۱۶)

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۷)

و کسی که به پدر و مادرش می گوید: «اف بر شما! آیا به من وعده می دهید که من روز قیامت مبعوث می شوم؟! در حالی که پیش از من اقوام زیادی بودند (و هرگز مبعوث نشدند)! و آن دو پیوسته فریاد می کشند و خدا را به یاری می طلبند که: وای بر تو، ایمان بیاور که وعده خدا حق است امّا او پیوسته می گوید:» اینها چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست! (۱۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۱۸)

آنها کسانی هستند که فرمان عذاب درباره آنان همراه اقوام (کافری) که پیش از آنان از جنّ و انس بودند مسلّم شده، چرا که همگی زیانکار بودند! (۱۸)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۹)

و برای هر کدام از آنها درجاتی است بر طبق اعمالی که انجام داده اند، تا خداوند کارهایشان را بی کم و کاست به آنان تحویل دهد؛ و به آنها هیچ ستمی نخواهد شد! (۱۹)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ (۲۰)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می کنند (به آنها گفته می شود:) از طیّبات و لذائذ در زندگی دنیا خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید؛ اما امروز عذاب ذلّت بار بخاطر استکباری که در زمین بناحق کردید و بخاطر گناهانی که انجام می دادید؛ جزای شما خواهد بود! (۲۰)

ص: ۵۰۴

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۲۱)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید! (و گفت:) من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم! (۲۱)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۲)

آنها گفتند: «آیا آمده ای که ما را (با دروغهایت) از معبودانمان بازگردانی؟! اگر راست می گویی عذابی را که به ما وعده می دهی بیاور!» (۲۲)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۳)

گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می داند چه زمانی شما را مجازات کند)؛ من آنچه را به آن فرستاده شده ام به شما می رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می بینیم که پیوسته در نادانی هستید!» (۲۳)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۴)

هنگامی که آن (عذاب الهی) را بصورت ابر گسترده ای دیدند که بسوی درّه ها و آبگیرهای آنان در حرکت است (خوشحال شدند) گفتند: «این ابری است که بر ما می بارد!» (ولی به آنها گفته شد:) این همان چیزی است که برای آمدنش شتاب می کردید، تندبادی است (وحشتناک) که عذاب دردناکی در آن است! (۲۴)

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نابود میکند (آری) آنها صبح کردند در حالی که چیزی جز خانه هایشان به چشم نمی خورد؛ ما این گونه گروه مجرمان را کیفر می دهیم! (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۲۶)

ما به آنها [= قوم عاد] قدرتی دادیم که به شما ندادیم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار دادیم؛ (امّا به هنگام نزول عذاب) نه گوشها و چشمها و نه عقلهایشان برای آنان هیچ سودی نداشت، چرا که آیات خدا را انکار می کردند؛ و سرانجام آنچه را استهزا می کردند بر آنها وارد شد! (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرَى وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)

ما آبادیهایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را بصورتهای گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند! (۲۷)

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۸)

پس چرا معبودانی را که غیر از خدا برگزیدند -به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد- آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می بستند! (۲۸)

ص: ۵۰۵

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (۲۹)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جنّ را به سوی تو متوجّه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند! (۲۹)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۰)

گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه های کتابهای پیش از آن، که به سوی حقّ و راه راست هدایت می کند. (۳۰)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۱)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد!

(۳۱)

وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۲)

و هر کس به دعوت کننده الهی پاسخ نگوید، هرگز نمی تواند از چنگال عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یار و یاوری برای او نیست؛ چنین کسانی در گمراهی آشکارند!» (۳۲)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)

آیا آنها نمی دانند خداوندی که آسمانها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها ناتوان نشده است، می تواند مُردگان را زنده کند؟! آری او بر هر چیز تواناست! (۳۳)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

روزی را به یاد آور که کافران را بر آتش عرضه می دارند (و به آنها گفته می شود:) آیا این حقّ نیست؟! می گویند: «آری، به پروردگارمان سوگند (که حقّ است)!» (در این هنگام خداوند) می گوید: «پس عذاب را بخاطر کفرتان بچشید!» (۳۴)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (۳۵)

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اُولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده هایی را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقّف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می شوند؟! (۳۵)

ص: ۵۰۶

## سوره محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

کسانی که کافر شدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، (خداوند) اعمالشان را نابود می کند! (۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد (ص) نازل شده -و همه حقّ است و از سوی پروردگارشان- نیز ایمان آوردند، خداوند گناهانشان را می بخشد و کارشان را اصلاح می کند! (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

این بخـاطر آن است که کـافران از باطـل پیروی کردنـد، و مؤمنـان از حقّی که از سوی پروردگارشان بود تبعیّت نمودنـد؛ این گونه خداوند برای مردم مثَلهای (زندگی) آنان را بیان می کند! (۳)

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ روبه رو شدید گردنهایشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به انـدازه کافی دشـمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم ببندید؛ سـپس یا بر آنان منّت گذارید (و آزادشان کنیـد) یا در برابر آزادی از آنان فدیه [= غرامت ] بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سـنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می خواست خودش آنها را مجازات می کرد، اما می خواهد بعضـی از شما را با بعضی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی برد! (۴)

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (۵)

بزودی آنان را هدایت نموده و کارشان را اصلاح می کند؛ (۵)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (۶)

و آنها را در بهشت (جاویدانش) که اوصاف آن را برای آنان بازگو کرده وارد می کند. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد. (۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)

و کسانی که کافر شدند، مرگ بر آنان! و اعمالشان نابود باد! (۸)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹)

این بخاطر آن است که از آنچه خداوند نازل کرده کراهت داشتند؛ از این رو خدا اعمالشان را حبط و نابود کرد! (۹)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱۰)

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آنها را هلاک کرد؛ و برای کافران امثال این مجازاتها خواهد بود! (۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)

این برای آن است که خداوند مولا و سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ امّا کافران مولایی ندارند! (۱۱)

ص: ۵۰۷

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (۱۲)

خداوند کسانی را که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند وارد باغهایی از بهشت می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ در حالی که کافران از متاع زودگذر دنیا بهره می گیرند و همچون چهارپایان می خورند، و سرانجام آتش دوزخ جایگاه آنهاست! (۱۲)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند؛ ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یاوری نداشتند! (۱۳)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم (۱۴)

آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می کنند؟! (۱۴)

مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (۱۵)

توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذّت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفّاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه ها وجود دارد؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می کند؟! (۱۵)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶)

گروهی از آنان به سخنانت گوش فرامی دهند، امّا هنگامی که از نزد تو خارج می شوند به کسانی که علم و دانش به آنان بخشیده شده (از روی استهزا) می گویند: «(این مرد) الان چه گفت؟!» آنها کسانی هستند که خداوند بر دلهایشان مُهر نهاده و از هوای نفسشان پیروی کرده اند (از این رو چیزی نمی فهمند)! (۱۶)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۷)

کسانی که هدایت یافته اند، خداوند بر هدایتشان می افزاید و روح تقوا به آنان می بخشد! (۱۷)

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۸)

آیا آنها [= کافران ] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آنگاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه های آن آمده است؛ اما هنگامی که بیاید، تذکّر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت! (۱۸)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (۱۹)

پس بدان که معبودی جز «اللّه» نیست؛ و برای گناه خود و مردان و زنان باایمان استغفار کن! و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می داند! (۱۹)

ص: ۵۰۸

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ (۲۰)

کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «چرا سوره ای نازل نمی شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟!» امّا هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیماردل را می بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می کنند؛ پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است! (۲۰)

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۲۱)

(ولی) اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است؛ و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می شود به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا درآیند) برای آنها بهتر می باشد! (۲۱)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲)

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! (۲۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ (۲۳)

آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشهایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است! (۲۳)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (۲۴)

آیا آنها در قرآن تدبّر نمی کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟! (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ (۲۵)

کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است! (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

این بخاطر آن است که آنان به کسانی که نزول وحی الهی را کراهت داشتند گفتند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می کنیم؟» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می داند. (۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۷)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می زنند و جانشان را می گیرند؟! (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

این بخاطر آن است که آنها از آنچه خداوند را به خشم می آورد پیروی کردند، و آنچه را موجب خشنودی اوست کراهت داشتند؛ از این رو (خداوند) اعمالشان را نابود کرد! (۲۸)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (۲۹)

آیا کسانی که در دلهایشان بیماری است گمان کردند خدا کینه هایشان را آشکار نمی کند؟! (۲۹)

ص: ۵۰۹

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۰)

و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می دهیم تا آنان را با قیافه هایشان بشناسی، هر چند می توانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شما را می داند! (۳۰)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (۳۱)

ما همه شما را قطعاً می آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیانند، و اخبار شما را بیازماییم! (۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)

آنان که کافر شدنـد و (مردم را) از راه خدا بازداشـتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان (باز) به مخالفت با رسول (خدا) برخاستند، هرگز زیانی به خدا نمی رسانند و (خداوند) بزودی اعمالشان را نابود می کند! (۳۲)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَکُمْ (۳۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول (خدا) را، و اعمال خود را باطل نسازید! (۳۳)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ کُفَّارٌ فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴)

کسانی که کافر شدنـد و (مردم را) از راه خـدا بازداشـتند سـپس در حال کفر از دنیا رفتند، خدا هرگز آنها را نخواهد بخشـید. (۳۴)

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَی السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَکُمْ وَلَن یَتِرَکُمْ أَعْمَالَکُمْ (۳۵)

پس هرگز سـست نشویـد و (دشـمنان را) به صلح (ذلّت بار) دعوت نکنیـد در حالی که شـما برتریـد، و خداوند با شـماست و چیزی از (ثواب) اعمالتان را کم نمی کند! (۳۵)

إِنَّمَا الْحَیَاهُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا یُؤْتِکُمْ أُجُورَکُمْ وَلَا یَسْأَلْکُمْ أَمْوَالَکُمْ (۳۶)

زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، پاداشـهای شـما را می دهد و اموال شـما را نمی طلبد، (۳۶)

إِن یَسْأَلْکُمُوهَا فَیُحْفِکُمْ تَبْخَلُوا وَیُخْرِجْ أَضْغَانَکُمْ (۳۷)

چرا که هر گاه اموال شما را مطالبه کند و حتّی اصرار نماید، بخل می ورزید؛ و کینه و خشم شما را آشکار می سازد! (۳۷)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تُـدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَمِنکُم مَّن یَبْخَلُ وَمَن یَبْخَلْ فَإِنَّمَا یَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِیُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ثُمَّ لَا یَکُونُوا أَمْثَالَکُم (۳۸)

آری، شـما همان گروهی هستیـد که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، بعضـی از شـما بخل می ورزند؛ و هر کس بخل ورزد، نسـبت به خود بخل کرده است؛ و خداونـد بی نیاز است و شـما همه نیازمندیـد؛ و هرگاه سـرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند). (۳۸)

ص: ۵۱۰

## سوره الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا (۱)

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!... (۱)

لِّيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲)

تا خداوند گناهان گذشته و آینده ای را که به تو نسبت می دادند ببخشد (و حقّانیت تو را ثابت نموده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید؛ (۲)

وَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا (۳)

و پیروزی شکست ناپذیری نصیب تو کند. (۳)

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴)

او کسی است که آرامش را در دلهای مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند دانا و حکیم است. (۴)

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می مانند، و گناهانشان را می بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است! (۵)

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

و (نیز) مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند مجازات کند؛ (آری) حوادث ناگواری (که برای مؤمنان انتظار می کشند) تنها بر خودشان نازل می شود! خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده؛ و چه بد سرانجامی است! (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷)

لشکریان آسمانها و زمین تنها از آن خداست؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.! (۷)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۸)

به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم، (۸)

لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۹)

تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسبیح گویید. (۹)

ص: ۵۱۱

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۰)

کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیّقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. (۱۰)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۱)

بزودی متخلّفان از اعراب بادیه نشین (عذرتراشی کرده) می گویند: «(حفظ) اموال و خانواده های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیّه تو را همراهی کنیم)، برای ما طلب آمرزش کن!» آنها به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هرگاه زیانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می دهید آگاه است!» (۱۱)

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا (۱۲)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده های خود بازنخواهند گشت؛ و این (پندار غلط) در دلهای شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام (در دام شیطان افتادید و) هلاک شدید! (۱۲)

وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (۱۳)

آن کس که به خدا و پیامبرش ایمان نیاورده (سرنوشتش دوزخ است)، چرا که ما برای کافران آتش فروزان آماده کرده ایم! (۱۳)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۴)

مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است. (۱۴)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ

فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵)

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلّفان (حدیبیّه) می گویند: «بگذارید ما هم در پی شما بیائیم، آنها می خواهند کلام خدا را تغییر دهند؛ بگو: «هرگز نباید بدنبال ما بیایید؛ این گونه خداوند از قبل گفته است!» آنها به زودی می گویند: «شما نسبت به ما حسد می ورزید!» ولی آنها جز اندکی نمی فهمند! (۱۵)

ص: ۵۱۲

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶)

به متخلّفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می شود که بسوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش نیکی به شما می دهد؛ و اگر سرپیچی نمایید -همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید- شما را با عذاب دردناکی کیفر می دهد!» (۱۶)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۷)

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست (اگر در میدان جهاد شرکت نکنند)؛ و هر کس خدا و رسولش را اطاعت نماید، او را در باغهای (از بهشت) وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است؛ و آن کس که سرپیچی کند، او را به عذاب دردناکی گرفتار می سازد! (۱۷)

لَّقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (۱۸)

خداوند از مؤمنان -هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند- راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود؛ (۱۸)

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۹)

و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به دست می آورید؛ و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است! (۱۹)

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲۰)

خداوند غنایم فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را به دست می آورید، ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت؛ و

دست تعدّی مردم [= دشمنان ] را از شما بازداشت تا نشانه ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند! (۲۰)

وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۱)

و نیز غنایم و فتوحات دیگری (نصیبتان می کند) که شما توانایی آن را ندارید، ولی قدرت خدا به آن احاطه دارد؛ و خداوند بر همه چیز تواناست! (۲۱)

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۲۲)

و اگر کافران (در سرزمین حدیبیّه) با شما پیکار می کردند بزودی فرار می کردند، سپس ولیّ و یاوری نمی یافتند! (۲۲)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۲۳)

این سنّت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنّت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت! (۲۳)

ص: ۵۱۳

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِن بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

او کسی است که دست آنها را از شما، و دست شما را از آنان در دل مکّه کوتاه کرد، بعد از آنکه شما را بر آنها پیروز ساخت؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست! (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می رسید، (خداوند هرگز مانع این جنگ نمی شد)! هدف این بود که خدا هر کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفّار (در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب دردناکی می کردیم! (۲۵)

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۲۶)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دلهای خود خشم و نخوت جاهلیّت داشتند؛ و (در مقابل،) خداوند آرامش و سکینه خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آنها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت، و آنان از هر کس شایسته تر و اهل آن بودند؛ و خداوند به همه چیز داناست. (۲۶)

لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (۲۷)

خداوند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیّت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است. (۲۷)

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۲۸)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! (۲۸)

ص: ۵۱۴

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

محمّد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. (۲۹)

## سوره الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدّم نشمرید (و پیشی مگیرید)، و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست! (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! صـدای خود را فراتر از صـدای پیامبر نکنیـد، و در برابر او بلنـد سـخن مگوییـد (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید! (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۳)

آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند همان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است! (۳)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره ها بلند صدا می زنند، بیشترشان نمی فهمند! (۴)

ص: ۵۱۵

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

اگر آنها صبر می کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است! (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد! اگر شـخص فاسـقی خبری برای شـما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! (۶)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (۷)

و بدانیـد رسول خدا در میان شـماست؛ هرگاه در بسـیاری از کارها از شـما اطاعت کند، به مشقّت خواهید افتاد؛ ولی خداوند ایمـان را محبـوب شـما قرار داده و آن را در دلهایتـان زینت بخشـیده، و (به عکس) کفر و فسق و گنـاه را منفورتـان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند! (۷)

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۸)

(و این برای شما بعنوان) فضل و نعمتی از سوی خداست؛ و خداوند دانا و حکیم است.! (۸)

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۹)

و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازنـد، آنها را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با

گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد. (۹)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (١٠)

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (١١)

ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! (۱۱)



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (١٢)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسّس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است! (۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (١٣)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست،) گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! (۱۳)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (١۴)

عربهای بادیه نشین گفتند: «ایمان آورده ایم» بگو: «شما ایمان نیاورده اید، ولی بگویید اسلام آورده ایم، امّا هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است! و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.» (۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شکّ و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها راستگویانند. (۱۵)

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِکُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)

بگو: «آیا خدا را از ایمان خود با خبر می سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می داند؛ و خداوند از همه چیز آگاه است!» (۱۶)

يَمُنُّونَ عَلَيْکَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَیَّ إِسْلَامَکُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْکُمْ أَنْ هَدَاکُمْ لِلْإِيمَانِ إِن کُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

آنها بر تو منّت می نهند که اسلام آورده اند؛ بگو: «اسلام آوردن خود را بر من منّت نگذارید، بلکه خداوند بر شما منّت می نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر (در ادّعای ایمان) راستگو هستید! (۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

خداوند غیبت آسمانها و زمین را می داند و نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست!» (۱۸)

ص: ۵۱۷

## سوره ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

ق، سوگند به قرآن مجید (که قیامت و رستاخیز حقّ است)! (۱)

بَلْ عَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْکَافِرُونَ هَذَا شَیْءٌ عَجِيبٌ (۲)

آنها تعجّب کردند که پیامبری انذارگر از میان خودشان آمده؛ و کافران گفتند: «این چیز عجیبی است! (۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا ذَلِکَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (۳)

آیا هنگامی که مُردیم و خاک شدیم (دوباره به زندگی بازمی گردیم)؟! این بازگشتی بعید است!» (۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا کِتَابٌ حَفِيظٌ (۴)

ولی ما می دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می کاهد؛ و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است! (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِى أَمْرٍ مَّرِيجٍ (۵)

آنها حقّ را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیّرند! (۵)

أَفَلَمْ يَنظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ (۶)

آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده ایم، و چگونه آن را (بوسیله ستارگان) زینت بخشیده ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست؟! (۶)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه هائی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت انگیز در آن رویاندیم، (۷)

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۸)

تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد! (۸)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹)

و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه هایی را که درو می کنند رویاندیم، (۹)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۱۰)

و نخلهای بلندقامت که میوه های متراکم دارند؛ (۱۰)

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

همه اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است و بوسیله باران سرزمین مرده را زنده کردیم؛ (آری) زنده شدن مُردگان نیز همین گونه است! (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرسّ» [= قومی که در یمامه زندگی می کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند، (۱۲)

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ (۱۳)

و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، (۱۳)

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۱۴)

و «اصحاب الایکه» [= قوم شعیب ] و قوم تبّع (که در سرزمین یمن زندگی می کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقّق یافت! (۱۴)

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِی لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِیدٍ (۱۵)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم)؟! ولی آنها (با این همه دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند! (۱۵)

ص: ۵۱۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ (۱۶)

ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! (۱۶)

إِذْ یَتَلَقَّی الْمُتَلَقِّیَانِ عَنِ الْیَمِینِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِیدٌ (۱۷)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می دارند؛ (۱۷)

مَّا یَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ (۱۸)

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر اینکه همان دم، فرشته ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت (و ضبط آن) است! (۱۸)

وَجَاءَتْ سَکْرَهُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِکَ مَا کُنتَ مِنْهُ تَحِیدُ (۱۹)

و سرانجام، سکرات (و بیخودی در آستانه) مرگ بحق فرامی رسد (و به انسان گفته می شود:) این همان چیزی است که تو از آن می گریختی! (۱۹)

وَنُفِخَ فِی الصُّورِ ذَلِکَ یَوْمُ الْوَعِیدِ (۲۰)

و در «صور» دمیده می شود؛ آن روز، روز تحقّق وعده وحشتناک است! (۲۰)

وَجَاءَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِیدٌ (۲۱)

هر انسانی وارد محشر می گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! (۲۱)

لَّقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (٢٢)

(به او خطاب می شود:) تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! (٢٢)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (٢٣)

فرشته همنشین او می گوید: «این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!» (٢٣)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (٢۴)

(خداوند فرمان می دهد:) هر کافر متکبر لجوج را در جهنّم افکنید! (٢۴)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (٢۵)

آن کسی که به شدّت مانع خیر و متجاوز و در شکّ و تردید است (حتی دیگران را به تردید می افکند)؛ (٢۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (٢۶)

همان کسی که معبود دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید! (٢۶)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (٢٧)

و همنشینش (از شیاطین) می گوید: «پروردگارا! من او را به طغیان وانداشتم، لکن او خود در گمراهی دور و درازی بود!» (٢٧)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ (٢٨)

(خداوند) می گوید: «نزد من جدال و مخاصمه نکنید؛ من پیشتر به شما هشدار داده ام (و اتمام حجّت کرده ام)! (٢٨)

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (٢٩)

سخن من تغییر ناپذیر است، و من هرگز به بندگان ستم نخواهم کرد!» (٢٩)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (٣٠)

(به خاطر بیاورید) روزی را که به جهنّم می گوییم: «آیا پر شده ای؟» و او می گوید: «آیا افزون بر این هم هست؟!» (٣٠)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (٣١)

(در آن روز) بهشت را به پرهیزگاران نزدیک می کنند، و فاصله ای از آنان ندارد! (۳۱)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۳۲)

این چیزی است که به شما وعده داده می شود، و برای کسانی است که بسوی خدا بازمی گردند و پیمانها و احکام او را حفظ می کنند، (۳۲)

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (۳۳)

آن کس که از خداوند رحمان در نهان بترسد و با قلبی پرانابه در محضر او حاضر شود! (۳۳)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۳۴)

(به آنان گفته می شود:) بسلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است! (۳۴)

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)

هر چه بخواهند در آنجا برای آنها هست، و نزد ما نعمتهای بیشتری است (که به فکر هیچ کس نمی رسد)! (۳۵)

ص: ۵۱۹

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ (۳۶)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم، اقوامی که از آنان قویتر بودند و شهرها (و کشورها) را گشودند؛ آیا راه فراری (از عذاب الهی) وجود دارد! (۳۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

در این تذکّری است برای آن کس که عقل دارد، یا گوش دل فرادهد در حالی که حاضر باشد! (۳۷)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (۳۸)

ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز [= شش دوران ] آفریدیم، و هیچ گونه رنج و سختی به ما نرسید! (با این حال چگونه زنده کردن مُردگان برای ما مشکل است؟!) (۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (۳۹)

در برابر آنچه آنها می گویند شکیبا باش، و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور،

(۳۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (۴۰)

و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده ها! (۴۰)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

و گوش فرا ده و منتظر روزی باش که منادی از مکانی نزدیک ندا می دهد، (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)

روزی که همگان صیحه رستاخیز را بحق می شنوند؛ آن روز، روز خروج (از قبرها) است! (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)

ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت تنها بسوی ماست! (۴۳)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

روزی که زمین به سرعت از روی آنها شکافته می شود و (از قبرها) خارج می گردند؛ و این جمع کردن برای ما آسان است! (۴۴)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ (۴۵)

ما به آنچه آنها می گویند آگاهتریم، و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس بوسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می ترسند متذکّر ساز (وظیفه تو همین است)! (۴۵)

## سوره الذاريات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (۱)

سوگند به بادهایی که (ابرها را) به حرکت درمی آورند، (۱)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲)

سوگند به آن ابرها که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می کنند، (۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

و سوگند به کشتیهایی که به آسانی به حرکت درمی آیند، (۳)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا (۴)

و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می کنند، (۴)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (۵)

(آری سوگند به همه اینها) که آنچه به شما وعده شده قطعاً راست است؛ (۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶)

و بی شکّ (رستاخیز) و جزای اعمال واقع شدنی است! (۶)

ص: ۵۲۰

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۷)

قسم به آسمان که دارای چین و شکنهای زیباست، (۷)

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸)

که شما (درباره قیامت) در گفتاری مختلف و گوناگونید! (۸)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹)

(تنها) کسی از ایمان به آن منحرف می شود که از قبول حقّ سرباز می زند! (۹)

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها)! (۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱)

همانها که در جهل و غفلت فرو رفته اند، (۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (۱۲)

و پیوسته سؤال می کنند: «روز جزا چه موقع است؟!» (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (١٣)

(آری) همان روزی است که آنها را بر آتش می سوزانند! (١٣)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (١۴)

(و گفته می شود:) بچشید عذاب خود را، این همان چیزی است که برای آن شتاب داشتید! (١۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (١۵)

به یقین، پرهیزگاران در باغهای بهشت و در میان چشمه ها قرار دارند، (١۵)

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (١۶)

و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده دریافت می دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند! (١۶)

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (١٧)

آنها کمی از شب را می خوابیدند، (١٧)

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (١٨)

و در سحرگاهان استغفار می کردند، (١٨)

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (١٩)

و در اموال آنها حقّی برای سائل و محروم بود! (١٩)

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (٢٠)

و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است، (٢٠)

وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (٢١)

و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی بینید؟! (٢١)

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (٢٢)

و روزی شما در آسمان است و آنچه به شما وعده داده می شود! (٢٢)

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (۲۳)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این مطلب حقّ است همان گونه که شما سخن می گویید! (۲۳)

هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴)

آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (۲۵)

در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیّتی ناشناخته اید!» (۲۵)

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶)

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده ای را برای آنها) آورد، (۲۶)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجّب دید دست بسوی غذا نمی برند) گفت: «آیا شما غذا نمی خورید؟!» (۲۷)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۲۸)

و از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم)!» و او را بشارت به تولّد پسری دانا دادند. (۲۸)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

در این هنگام همسرش جلو آمد در حالی که (از خوشحالی و تعجّب) فریاد می کشید به صورت خود زد و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد در حالی که) پیرزنی نازا هستم؟!» (۲۹)

قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰)

گفتند: «پروردگارت چنین گفته است، و او حکیم و داناست!» (۳۰)

ص: ۵۲۱

## جزء ۲۷

### ادامه سوره الذاريات

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱)

(ابراهیم) گفت: «مأموریت شما چیست ای فرستادگان (خدا)؟» (۳۱)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده ایم... (۳۲)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (۳۳)

تا بارانی از «سنگ - گِل» بر آنها بفرستیم؛ (۳۳)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴)

سنگهایی که از ناحیه پروردگارت برای اسرافکاران نشان گذاشته شده است!» (۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵)

ما مؤمنانی را که در آن شهرها (ی قوم لوط) زندگی می کردند (قبل از نزول عذاب) خارج کردیم، (۳۵)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶)

ولی جز یک خانواده باایمان در تمام آنها نیافتیم! (۳۶)

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)

و در آن (شهرهای بلا دیده) نشانه ای روشن برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جای گذاردیم. (۳۷)

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

و در (زندگی) موسی نیز (نشانه و درس عبرتی بود) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (۳۸)

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹)

امّا او با تمام وجودش از وی روی برتافت و گفت: «این مرد یا ساحر است یا دیوانه!» (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ (۴۰)

از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که در خور سرزنش بود! (۴۰)

وَفِی عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَیْهِمُ الرِّیحَ الْعَقِیمَ (۴۱)

و (همچنین) در سرگذشت «عاد» (آیتی است) در آن هنگام که تندبادی بی باران بر آنها فرستادیم، (۴۱)

مَا تَذَرُ مِن شَیْءٍ أَتَتْ عَلَیْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ کَالرَّمِیمِ (۴۲)

که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت. (۴۲)

وَفِی ثَمُودَ إِذْ قِیلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِینٍ (۴۳)

و نیز در سرگذشت قوم «ثمود» عبرتی است در آن هنگام که به آنان گفته شد: «مدّتی کوتاه بهره مند باشید (و سپس منتظر عذاب)!» (۴۳)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ یَنظُرُونَ (۴۴)

آنها از فرمان پروردگارشان سرباز زدند، و صاعقه آنان را فراگرفت در حالی که (خیره خیره) نگاه می کردند (بی آنکه قدرت دفاع داشته باشند)! (۴۴)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِیَامٍ وَمَا کَانُوا مُنتَصِرِینَ (۴۵)

چنان بر زمین افتادند که توان برخاستن نداشتند و نتوانستند از کسی یاری طلبند! (۴۵)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ (۴۶)

همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند! (۴۶)

وَالسَّمَاءَ بَنَیْنَاهَا بِأَیْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می بخشیم! (۴۷)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گستردیم، و چه خوب گستراننده ای هستیم! (۴۸)

وَمِن کُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (۴۹)

و از هر چیز دو جفت آفریدیم، شاید متذکّر شوید! (۴۹)

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّی لَکُم مِّنْهُ نَذِیرٌ مُّبِینٌ (۵۰)

پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم دهنده ای آشکارم! (۵۰)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّی لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۱)

و با خدا معبود دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیم دهنده ای آشکارم! (۵۱)

ص: ۵۲۲

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)

این گونه است که هیچ پیامبری قبل از اینها بسوی قومی فرستاده نشد مگر اینکه گفتند: «او ساحر است یا دیوانه!» (۵۲)

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳)

آیا یکدیگر را به آن سفارش می کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)؟! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند. (۵۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ (۵۴)

حال که چنین است از آنها روی بگردان که هرگز در خور ملامت نخواهی بود؛ (۵۴)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

و پیوسته تذکّر ده، زیرا تذکّر مؤمنان را سود می بخشد. (۵۵)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)! (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ (۵۷)

هرگز از آنها روزی نمی خواهم، و نمی خواهم مرا اطعام کنند! (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸)

خداوند روزی دهنده و صاحب قوّت و قدرت است! (۵۸)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (۵۹)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابر این عجله

نکنند! (۵۹)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِى يُوعَدُونَ (۶۰)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از روزی که به آنها وعده داده می شود! (۶۰)

## سوره الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالطُّورِ (۱)

سوگند به کوه طور، (۱)

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲)

و کتابی که نوشته شده، (۲)

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (۳)

در صفحه ای گسترده، (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

و سوگند به «بیت المعمور»، (۴)

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵)

و سقف برافراشته، (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

و دریای مملوّ و برافروخته، (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷)

که عذاب پروردگارت واقع می شود، (۷)

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ (۸)

و چیزی از آن مانع نخواهد بود! (۸)

يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹)

(این عذاب الهی) در آن روزی است که آسمان به شدّت به حرکت درمی آید، (۹)

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰)

و کوه ها از جا کنده و متحرّک می شوند! (۱۰)

فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، (۱۱)

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲)

همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند! (۱۲)

يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (۱۳)

در آن روز که آنها را بزور به سوی آتش دوزخ می رانند! (۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۴)

(به آنها می گویند:) این همان آتشی است که آن را انکار می کردید. (۱۴)

ص: ۵۲۳

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۱۵)

آیا این سحر است یا شما نمی بینید؟! (۱۵)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

در آن وارد شوید و بسوزید؛ می خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید! (۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند، (۱۷)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند! (۱۸)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

(به آنها گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید! (۱۹)

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

این در حالی که بر تختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی آوریم! (۲۰)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است! (۲۱)

وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲)

و همواره از انواع میوه ها و گوشتها -از هر نوع که بخواهند- در اختیارشان می گذاریم! (۲۲)

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳)

آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می گیرند! (۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۲۴)

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند! (۲۴)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می نمایند؛ (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

می گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد)! (۲۶)

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

امّا خداوند بر ما منّت نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کرد! (۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان!» (۲۸)

فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (۲۹)

پس تذکّر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیستی! (۲۹)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (۳۰)

بلکه آنها می گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می کشیم!» (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۳۱)

بگو: «انتظار بکشید که من هم با (شما انتظار می کشم شما انتظار مرگ مرا، و من انتظار نابودی شما را با عذاب الهی)!» (۳۱)



أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می دهد، یا قومی طغیانگرند؟ (۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

یا می گویند: «قرآن را به خدا افترا بسته»، ولی آنان ایمان ندارند. (۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

اگر راست می گویند سخنی همانند آن بیاورند! (۳۴)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (۳۵)

یا آنها بی هیچ آفریده شده اند، یا خود خالق خویشند؟! (۳۵)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَّا يُوقِنُونَ (۳۶)

آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند! (۳۶)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (۳۷)

آیا خزاین پروردگارت نزد آنهاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟! (۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می روند) و بوسیله آن اسرار وحی را می شنوند؟! کسی که از آنها این ادّعا را دارد دلیل روشنی بیاورد! (۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ (۳۹)

آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران (که فرشتگان را دختران خدا می نامید)؟! (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۴۰)

آیا تو از آنها پاداشی می طلبی که در زیر بار گران آن قرار دارند؟! (۴۰)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۱)

آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می نویسند؟! (۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (۴۲)

آیا می خواهند نقشه شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این نقشه ها گرفتار می شوند! (۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

یا معبودی غیر خداوند دارند (که قول یاری به آنها داده)؟! منزّه است خدا از آنچه همتای او قرارمی دهند! (۴۳)

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (۴۴)

آنها (چنان لجوجند که) اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان (برای عذابشان) سقوط می کند می گویند: «این ابر متراکمی است!» (۴۴)

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵)

حال که چنین است آنها را رها کن تا روز مرگ خود را ملاقات کنند؛ (۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶)

روزی که نقشه های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و (از هیچ سو) یاری نمی شوند! (۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

و برای ستمگران عذابی قبل از آن است (در همین جهان)؛ ولی بیشترشان نمی دانند! (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری! و هنگامی که برمی خیزی پروردگارت را تسبیح و حمد گوی! (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)! (۴۹)

ص: ۵۲۵

## سوره النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى (۱)

سوگند به ستاره هنگامی که افول می کند، (۱)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى (۲)

که هرگز دوست شما [= محمّد «ص»] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، (۲)

وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى (۳)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید! (۳)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (۴)

آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! (۴)

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (۵)

آن کس که قدرت عظیمی دارد [= جبرئیل امین ] او را تعلیم داده است؛ (۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (۶)

همان کس که توانایی فوق العاده دارد؛ او سلطه یافت... (۶)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (۷)

در حالی که در اُفق اعلی قرار داشت! (۷)

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (۸)

سپس نزدیکتر و نزدیکتر شد... (۸)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (۹)

تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود؛ (۹)

فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى (۱۰)

در اینجا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده اش وحی نمود. (۱۰)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (۱۱)

قلب (پاک او) در آنچه دید هرگز دروغ نگفت. (۱۱)

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى (۱۲)

آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده مجادله می کنید؟! (۱۲)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى (۱۳)

و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، (۱۳)

عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى (۱۴)

نزد «سدره المنتهی»، (۱۴)

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (۱۵)

که «جنت المأوی» در آنجاست! (۱۵)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (۱۶)

در آن هنگام که چیزی [= نور خیره کننده ای ] سدره المنتهی را پوشانده بود، (۱۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (۱۷)

چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیّت بود)! (۱۷)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (۱۸)

او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید! (۱۸)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (۱۹)

به من خبر دهید آیا بتهای «لات» و «عزّی»... (۱۹)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰)

و «منات» که سوّمین آنهاست (دختران خدا هستند)؟! (۲۰)

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى (۲۱)

آیا سهم شما پسر است و سهم او دختر؟! (در حالی که بزعم شما دختران کم ارزش ترند!) (۲۱)

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى (۲۲)

در این صورت این تقسیمی ناعادلانه است! (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَى (۲۳)

اینها فقط نامهایی است که شما و پدرانتان بر آنها گذاشته اید (نامهایی بی محتوا و اسمهایی بی مسمّا)، و هرگز خداوند دلیل و حجتی بر آن نازل نکرده؛ آنان فقط از گمانهای بی اساس و هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است! (۲۳)

أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّى (۲۴)

یا آنچه انسان تمنّا دارد به آن می رسد؟! (۲۴)

فَلِلَّهِ الْآخِرَهُ وَالْأُولَی (۲۵)

در حالی که آخرت و دنیا از آن خداست! (۲۵)

وَکَم مِّن مَّلَکٍ فِی السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِی شَفَاعَتُهُمْ شَیْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن یَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن یَشَاءُ وَیَرْضَی (۲۶)

و چه بسیار فرشتگان آسمانها که شفاعت آنها سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر کس بخواهد و راضی باشد اجازه (شفاعت) دهد! (۲۶)

ص: ۵۲۶

إِنَّ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ لَیُسَمُّونَ الْمَلَائِکَهَ تَسْمِیَهَ الْأُنثَی (۲۷)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختر (خدا) نامگذاری می کنند! (۲۷)

وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا یُغْنِی مِنَ الْحَقِّ شَیْئًا (۲۸)

آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با اینکه «گمان» هرگز انسان را از حقّ بی نیاز نمی کند! (۲۸)

فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّی عَن ذِکْرِنَا وَلَمْ یُرِدْ إِلَّا الْحَیَاهَ الدُّنْیَا (۲۹)

حال که چنین است از کسی که از یاد ما روی می گرداند و جز زندگی مادی دنیا را نمی طلبد، اعراض کن! (۲۹)

ذَلِکَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَی (۳۰)

این آخرین حدّ آگاهی آنهاست؛ پروردگار تو کسانی را که از راه او گمراه شده اند بهتر می شناسد، و (همچنین) هدایت یافتگان را از همه بهتر می شناسد! (۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ لِیَجْزِیَ الَّذِینَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَیَجْزِیَ الَّذِینَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَی (۳۱)

و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (۳۱)

الَّذِینَ یَجْتَنِبُونَ کَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّکَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَهِ هُوَ أَعْلَمُ بِکُمْ إِذْ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّهٌ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ فَلَا تُزَکُّوا أَنفُسَکُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَی (۳۲)

همانها که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری می کنند، جز گناهان صغیره (که گاه آلوده آن می شوند)؛ آمرزش

پروردگـار تو گسترده است؛ او نسـبت به شـما از همه آگـاهتر است از آن هنگـام که شـما را از زمین آفریـد و در آن موقع که بصورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید؛ پس خودستایی نکنید، او پرهیزگاران را بهتر می شناسد! (۳۲)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى (۳۳)

آیا دیدی آن کس را که (از اسلام -یا انفاق-) روی گردان شد؟! (۳۳)

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى (۳۴)

و کمی عطا کرد، و از بیشتر امساک نمود! (۳۴)

أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى (۳۵)

آیا نزد او علم غیب است و می بیند (که دیگران می توانند گناهان او را بر دوش گیرند)؟! (۳۵)

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى (۳۶)

یا از آنچه در کتب موسی نازل گردیده با خبر نشده است؟! (۳۶)

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى (۳۷)

و در کتب ابراهیم، همان کسی که وظیفه خود را بطور کامل ادا کرد، (۳۷)

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (۳۸)

که هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد، (۳۸)

وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹)

و اینکه برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، (۳۹)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۴۰)

و اینکه تلاش او بزودی دیده می شود، (۴۰)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى (۴۱)

سپس به او جزای کافی داده خواهد شد! (۴۱)

وَأَنَّ إِلَى رَبِّکَ الْمُنتَهَی (۴۲)

(و آیا از کتب پیشین انبیا به او نرسیده است) که همه امور به پروردگارت منتهی می گردد؟! (۴۲)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَکَ وَأَبْکَی (۴۳)

و اینکه اوست که خنداند و گریاند، (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْیَا (۴۴)

و اوست که میراند و زنده کرد، (۴۴)

ص: ۵۲۷

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَالْأُنثَی (۴۵)

و اوست که دو زوج نر و مادّه را آفرید... (۴۵)

مِن نُّطْفَهٍ إِذَا تُمْنَی (۴۶)

از نطفه ای هنگامی که خارج می شود (و در رحم می ریزد)، (۴۶)

وَأَنَّ عَلَیْهِ النَّشْأَهَ الْأُخْرَی (۴۷)

و اینکه بر خداست ایجاد عالم دیگر (تا عدالت اجرا گردد)، (۴۷)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَی وَأَقْنَی (۴۸)

و اینکه اوست که بی نیاز کرد و سرمایه باقی بخشید، (۴۸)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَی (۴۹)

و اینکه اوست پروردگار ستاره «شعرا»! (۴۹)

وَأَنَّهُ أَهْلَکَ عَادًا الْأُولَی (۵۰)

(و آیا به انسان نرسیده است که در کتب انبیای پیشین آمده) که خداوند قوم «عاد نخستین» را هلاک کرد؟! (۵۰)

وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَی (۵۱)

و همچنین قوم «ثمود» را، و کسی از آنان را باقی نگذارد! (۵۱)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى (۵۲)

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند! (۵۲)

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (۵۳)

و نیز شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) را فرو کوبید، (۵۳)

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى (۵۴)

سپس آنها را با عذاب سنگین پوشانید! (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (۵۵)

(بگو:) در کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید داری؟! (۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَى (۵۶)

این (پیامبر) بیم دهنده ای از بیم دهندگان پیشین است! (۵۶)

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ (۵۷)

آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است (و قیامت فرامی رسد)، (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

و هیچ کس جز خدا نمی تواند سختیهای آن را برطرف سازد! (۵۸)

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۹)

آیا از این سخن تعجّب می کنید، (۵۹)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰)

و می خندید و نمی گریید، (۶۰)

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ (۶۱)

و پیوسته در غفلت و هوسرانی به سر می برید؟! (۶۱)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و او را بپرستید! (۶۲)

## سوره القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ (۱)

قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! (۱)

وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲)

و هرگاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده، می گویند: «این سحری مستمر است»! (۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ (۳)

آنها (آیات خدا را) تکذیب کردند و از هوای نفسشان پیروی نمودند؛ و هر امری قرارگاهی دارد! (۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّنَ الْأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)

به اندازه کافی برای بازداشتن از بدیها اخبار (انبیا و امّتهای پیشین) به آنان رسیده است! (۴)

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (۵)

این آیات، حکمت بالغه الهی است؛ امّا انذارها (برای افراد لجوج) فایده نمی دهد! (۵)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُّكُرٍ (۶)

بنابر این از آنها روی بگردان، و روزی را به یاد آور که دعوت کننده الهی مردم را به امر وحشتناکی دعوت می کند (دعوت به حساب اعمال)! (۶)

ص: ۵۲۸

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (۷)

آنان در حالی که چشمهایشان از شدّت وحشت به زیر افتاده، همچون ملخهای پراکنده از قبرها خارج می شوند، (۷)

مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (۸)

در حالی که (بر اثر وحشت و اضطراب) بسوی این دعوت کننده گردن می کشند؛ کافران می گویند: «امروز روز سخت و دردناکی است!» (۸)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (۹)

پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد. (۹)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ (۱۰)

او به درگاه پروردگار عرضه داشت: «من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده ام، انتقام مرا از آنها بگیر!» (۱۰)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (۱۱)

در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی درپی گشودیم؛ (۱۱)

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲)

و زمین را شکافتیم و چشمه های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدّر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)! (۱۲)

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ (۱۳)

و او را بر مرکبی از الواح و میخهایی ساخته شده سوار کردیم؛ (۱۳)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ (۱۴)

مرکبی که زیر نظر ما حرکت می کرد! این کیفری بود برای کسانی که (به او) کافر شده بودند! (۱۴)

وَلَقَد تَّرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۱۵)

ما این ماجرا را بعنوان نشانه ای در میان امّتها باقی گذاردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (۱۵)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۶)

(اکنون بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (۱۶)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۱۷)

ما قرآن را برای تذکّر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟! (۱۷)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۸)

قوم عاد (نیز پیامبر خود را) تکذیب کردند؛ پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۱۹)

ما تندباد وحشتناك و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم... (۱۹)

تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (۲۰)

که مردم را همچون تنه های نخل ریشه کن شده از جا برمی کند! (۲۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۲۱)

پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (۲۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۲۲)

ما قرآن را برای تذکّر آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود! (۲۲)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳)

طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند، (۲۳)

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۲۴)

و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟! اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! (۲۴)

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵)

آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟! نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! (۲۵)

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (۲۶)

ولی فردا می فهمند چه کسی دروغگوی هوسباز است! (۲۶)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می فرستیم؛ در انتظار پایان کار آنان باش و صبر کن! (۲۷)

ص: ۵۲۹

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (۲۸)

و به آنها خبر ده که آب (قریه) باید در میانشان تقسیم شود، (یک روز سهم ناقه، و یک روز برای آنها) و هر یک در نوبت خود باید حاضر شوند! (۲۸)

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد! (۲۹)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۰)

پس (بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! (۳۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (۳۱)

ما فقط یک صیحه [= صاعقه عظیم ] بر آنها فرستادیم و بدنبال آن همگی بصورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان (در آغل) جمع آوری می کند! (۳۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۳۲)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟! (۳۲)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ (۳۳)

قوم لوط انذارها(ی پی درپی پیامبرشان) را تکذیب کردند؛ (۳۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ (۳۴)

ما بر آنها تندبادی که ریگها را به حرکت درمی آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم! (۳۴)

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ (۳۵)

این نعمتی بود از ناحیه ما؛ این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می دهیم! (۳۵)

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (۳۶)

او آنها را از مجازات ما بیم داد، ولی بر آنها اصرار بر مجادله و القای شکّ داشتند! (۳۶)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۷)

آنها از لوط خواستند میهمانانش را در اختیارشان بگذارد؛ ولی ما چشمانشان را نابینا و محو کردیم (و گفتیم:) بچشید عذاب و انذارهای مرا! (۳۷)

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ (۳۸)

سرانجام صبحگاهان و در اول روز عذابی پایدار و ثابت به سراغشان آمد! (۳۸)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۹)

(و گفتیم:) پس بچشید عذاب و انذارهای مرا! (۳۹)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۴۰)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکّر شود؟! (۴۰)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱)

و (همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ آل فرعون آمد، (۴۱)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۴۲)

امّا آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، و ما آنها را گرفتیم و مجازات کردیم، گرفتن شخصی قدرتمند و توانا! (۴۲)

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

آیا کفّار شما بهتر از آنانند یا برای شما امان نامه ای در کتب آسمانی نازل شده است؟! (۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ (۴۴)

یا می گویند: «ما جماعتی متحّد و نیرومند و پیروزیم»؟! (۴۴)

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (۴۵)

(ولی بدانند) که بزودی جمعشان شکست می خورد و پا به فرارمی گذارند! (۴۵)

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ (۴۶)

(علاوه بر این) رستاخیز موعد آنهاست، و مجازات قیامت هولناکتر و تلختر است! (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

مجرمان در گمراهی و شعله های آتشند، (۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

در آن روز که در آتش دوزخ به صورتشان کشیده می شوند (و به آنها گفته می شود:) بچشید آتش دوزخ را! (۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

البته ما هر چیز را به اندازه آفریدیم! (۴۹)

ص: ۵۳۰

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۰)

و فرمان ما یک امر بیش نیست، همچون یک چشم بر هم زدن! (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۵۱)

ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟! (۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

و هر کاری را انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است، (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ (۵۳)

و هر کار کوچک و بزرگی نوشته شده است. (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

یقیناً پرهیزگاران در باغها و نهرهای بهشتی جای دارند، (۵۴)

فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر! (۵۵)

## سوره الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الرَّحْمَنُ (۱)

خداوند رحمان، (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

قرآن را تعلیم فرمود، (۲)

خَلَقَ الْإِنسَانَ (۳)

انسان را آفرید، (۳)

عَلَّمَهُ الْبَیَانَ (۴)

و به او «بیان» را آموخت. (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

خورشید و ماه با حساب منظّمی می گردند، (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ یَسْجُدَانِ (۶)

و گیاه و درخت برای او سجده می کنند! (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِیزَانَ (۷)

و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزَانِ (۸)

تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (٩)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠)

زمین را برای خلایق آفرید، (١٠)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)

که در آن میوه ها و نخلهای پرشکوفه است، (١١)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)

و دانه هایی که همراه با ساقه و برگی است که بصورت کاه درمی آید، و گیاهان خوشبو! (١٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (شما ای گروه جنّ و انس)؟! (١٣)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (١۴)

انسان را از گِل خشکیده ای همچون سفال آفرید، (١۴)

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (١۵)

و جنّ را از شعله های مختلط و متحرّک آتش خلق کرد! (١۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١۶)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (١۶)

ص: ۵۳١

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)

او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! (١٧)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند؛ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰)

در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند (و به هم نمی آمیزند)! (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می شود. (۲۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

و برای اوست کشتیهای ساخته شده که در دریا به حرکت درمی آیند و همچون کوهی هستند! (۲۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

همه کسانی که روی آن [= زمین ] هستند فانی می شوند، (۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

و تنها ذات ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می ماند! (۲۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۲۸)

یَسْأَلُهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ (۲۹)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او تقاضا می کنند، و او هر روز در شأن و کاری است! (۲۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۰)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱)

بزودی به حساب شما می پردازیم ای دو گروه انس و جنّ! (۳۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۲)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جنّ و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)! (۳۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (۳۵)

شعله هایی از آتش بی دود، و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می شود؛ و نمی توانید از کسی یاری بطلبید! (۳۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۶)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد (حوادث هولناکی رخ می دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت)! (۳۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۳۸)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

در آن روز هیچ کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی شود (و همه چیز روشن است)! (۳۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۰)

ص: ۵۳۲

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱)

مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند؛ و آنگاه آنها را از موهای پیش سر، و پاهایشان می گیرند (و به دوزخ می افکنند)! (۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می کردند! (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (۴۴)

امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! (۴۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۵)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (۴۶)

و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! (۴۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۷)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸)

(آن دو باغ بهشتی) دارای انواع نعمتها و درختان پرطراوت است! (۴۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۴۹)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)

در آنها دو چشمه همیشه جاری است! (۵۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۱)

فِيهِمَا مِن كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو، از هر میوه ای دو نوع وجود دارد (هر یک از دیگری بهتر)! (۵۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۳)

مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

این در حالی است که آنها بر فرشهایی تکیه کرده اند با آسترهائی از دیبا و ابریشم، و میوه های رسیده آن دو باغ بهشتی در دسترس است! (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۵)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶)

در آن باغهای بهشتی زنانی هستند که جز به همسران خود عشق نمی ورزند؛ و هیچ انس و جنّ پیش از اینها با آنان تماس نگرفته است. (۵۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۷)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)

آنها همچون یاقوت و مرجانند! (۵۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

آیا جزای نیکی جز نیکی است؟! (۶۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۱)

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

و پایین تر از آنها، دو باغ بهشتی دیگر است. (۶۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۳)

مُدْهَامَّتَانِ (۶۴)

هر دو خرّم و سرسبزند! (۶۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۵)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

در آنها دو چشمه جوشنده است! (۶۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۷)

ص: ۵۳۳

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (۶۸)

در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است! (۶۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۹)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۶۹)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰)

و در آن باغهای بهشتی زنانی نیکو خلق و زیبایند! (۷۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۱)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۱)

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲)

حوریانی که در خیمه های بهشتی مستورند! (۷۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۳)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۳)

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷۴)

هیچ انس و جنّ پیش از ایشان با آنها تماس نگرفته (و دوشیزه اند)! (۷۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۵)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۵)

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده اند که با بهترین و زیباترین پارچه های سبزرنگ پوشانده شده است. (۷۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷)

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟! (۷۷)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

پربرکت و زوال ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگوار تو! (۷۸)

## سوره الواقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

هنگامی که واقعه عظیم (قیامت) واقع شود، (۱)

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲)

هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند! (۲)

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۳)

(این واقعه) گروهی را پایین می آورد و گروهی را بالا می برد! (۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا (۴)

در آن هنگام که زمین بشدّت به لرزه درمی آید، (۴)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵)

و کوه ها در هم کوبیده می شود، (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا (۶)

و بصورت غبار پراکنده درمی آید، (۶)

وَكُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (٧)

و شما سه گروه خواهید بود! (٧)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (٨)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی! (٨)

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (٩)

گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی! (٩)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (١٠)

و (سومین گروه) پیشگامان پیشگامند، (١٠)

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (١١)

آنها مقرّبانند! (١١)

فِی جَنَّاتِ النَّعِيمِ (١٢)

در باغهای پرنعمت بهشت (جای دارند)! (١٢)

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ (١٣)

گروه زیادی (از آنها) از امّتهای نخستینند، (١٣)

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (١۴)

و اندکی از امّت آخرین! (١۴)

عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ (١۵)

آنها [= مقرّبان ] بر تختهایی که صف کشیده و به هم پیوسته است قراردارند، (١۵)

مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (١۶)

در حالی که بر آن تکیه زده و رو به روی یکدیگرند! (١۶)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته گرداگرد آنان می گردند، (۱۷)

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (۱۸)

با قدحها و کوزه ها و جامهایی از نهرهای جاری بهشتی (و شراب طهور)! (۱۸)

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۱۹)

امّا شرابی که از آن درد سر نمی گیرند و نه مست می شوند! (۱۹)

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰)

و میوه هایی از هر نوع که انتخاب کنند، (۲۰)

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱)

و گوشت پرنده از هر نوع که مایل باشند! (۲۱)

وَحُورٌ عِينٌ (۲۲)

و همسرانی از حور العین دارند، (۲۲)

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (۲۳)

همچون مروارید در صدف پنهان! (۲۳)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

اینها پاداشی است در برابر اعمالی که انجام می دادند! (۲۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵)

در آن (باغهای بهشتی) نه لغو و بیهوده ای می شنوند نه سخنان گناه آلود؛ (۲۵)

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶)

تنها چیزی که می شنوند «سلام» است «سلام»! (۲۶)

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی! (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۲۸)

آنها در سایه درختان «سِدر» بی خار قرار دارند، (۲۸)

وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (۲۹)

و در سایه درخت «طلح» پربرگ [= درختی خوشرنگ و خوشبو]، (۲۹)

وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۳۰)

و سایه کشیده و گسترده، (۳۰)

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱)

و در کنار آبشارها، (۳۱)

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲)

و میوه های فراوان، (۳۲)

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳)

که هرگز قطع و ممنوع نمی شود، (۳۳)

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴)

و همسرانی بلندمرتبه! (۳۴)

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً (۳۵)

ما آنها را آفرینش نوینی بخشیدیم، (۳۵)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)

و همه را دوشیزه قرار دادیم، (۳۶)

عُرُبًا أَتْرَابًا (۳۷)

زنانی که تنها به همسرشان عشق می ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند! (۳۷)

لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

اینها همه برای اصحاب یمین است، (۳۸)

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۳۹)

که گروهی از امّتهای نخستینند، (۳۹)

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

و گروهی از امّتهای آخرین! (۴۰)

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (۴۱)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود)! (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

آنها در میان بادهای کشنده و آب سوزان قرار دارند، (۴۲)

وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ (۴۳)

و در سایه دودهای متراکم و آتشزا! (۴۳)

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)

سایه ای که نه خنک است و نه آرامبخش! (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ (۴۵)

آنها پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نعمت بودند، (۴۵)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (۴۶)

و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند، (۴۶)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۴۷)

و می گفتند: «هنگامی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟! (۴۷)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸)

یا نیاکان نخستین ما (برانگیخته می شوند)؟!» (۴۸)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۴۹)

بگو: «اوّلین و آخرین، (۴۹)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰)

همگی در موعد روز معیّنی گردآوری می شوند، (۵۰)

ص: ۵۳۵

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)

سپس شما ای گمراهان تکذیب کننده! (۵۱)

لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ (۵۲)

قطعاً از درخت زقّوم می خورید، (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳)

و شکمها را از آن پر می کنید، (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)

و روی آن از آب سوزان می نوشید، (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵)

و همچون شتران مبتلا به بیماری عطش، از آن می آشامید! (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

این است وسیله پذیرایی از آنها در قیامت! (۵۶)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (۵۷)

» ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (آفرینش مجدّد را) تصدیق نمی کنید؟! (۵۷)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ (۵۸)

آیا از نطفه ای که در رحم می ریزید آگاهید؟! (۵۸)

أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹)

آیا شما آن را (در دوران جنینی) آفرینش (پی در پی) می دهید یا ما آفریدگاریم؟! (۵۹)

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰)

ما در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و هرگز کسی بر ما پیشی نمی گیرد! (۶۰)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱)

تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی دانید آفرینش تازه ای بخشیم! (۶۱)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

شما عالم نخستین را دانستید؛ چگونه متذکّر نمی شوید (که جهانی بعد از آن است)؟! (۶۲)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ (۶۳)

آیا هیچ درباره آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟! (۶۳)

أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴)

آیا شما آن را می رویانید یا ما می رویانیم؟! (۶۴)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)

هرگاه بخواهیم آن را مبدّل به کاه در هم کوبیده می کنیم که تعجّب کنید! (۶۵)

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (۶۶)

(بگونه ای که بگویید:) براستی ما زیان کرده ایم، (۶۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷)

بلکه ما بکلّی محرومیم! (۶۷)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِی تَشْرَبُونَ (۶۸)

آیا به آبی که می نوشید اندیشیده اید؟! (۶۸)

أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (۶۹)

آیا شما آن را از ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم؟! (۶۹)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم؛ پس چرا شکر نمی کنید؟! (۷۰)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ (۷۱)

آیا درباره آتشی که می افروزید فکر کرده اید؟! (۷۱)

أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (۷۲)

آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟! (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ (۷۳)

ما آن را وسیله یادآوری (برای همگان) و وسیله زندگی برای مسافران قرار داده ایم! (۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را پاک و منزّه بشمار)! (۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)! (۷۵)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (٧۶)

و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! (٧۶)

ص: ۵٣۶

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ (٧٧)

که آن، قرآن کریمی است، (٧٧)

فِی کِتَابٍ مَّکْنُونٍ (٧٨)

که در کتاب محفوظی جای دارد، (٧٨)

لَّا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (٧٩)

و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند [= دست یابند]. (٧٩)

تَنزِیلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِینَ (٨٠)

آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده؛ (٨٠)

أَفَبِهَذَا الْحَدِیثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ (٨١)

آیا این سخن را [= این قرآن را با اوصافی که گفته شد] سست و کوچک می شمرید، (٨١)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَکُمْ أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ (٨٢)

و به جای شکر روزیهایی که به شما داده شده آن را تکذیب می کنید؟! (٨٢)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (٨٣)

پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد (توانایی بازگرداندن آن را ندارید)؟! (٨٣)

وَأَنتُمْ حِینَئِذٍ تَنظُرُونَ (٨۴)

و شما در این حال نظاره می کنید (و کاری از دستتان ساخته نیست)؛ (٨۴)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنکُمْ وَلَکِن لَّا تُبْصِرُونَ (٨۵)

و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی بینید! (۸۵)

فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶)

اگر هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی شوید، (۸۶)

تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)

پس آن (روح) را بازگردانید اگر راست می گویید! (۸۷)

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

پس اگر او از مقرّبان باشد، (۸۸)

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (۸۹)

در رَوح و ریحان و بهشت پرنعمت است! (۸۹)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰)

امّا اگر از اصحاب یمین باشد، (۹۰)

فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱)

(به او گفته می شود:) سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند! (۹۱)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲)

امّا اگر او از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (۹۲)

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ (۹۳)

با آب جوشان دوزخ از او پذیرایی می شوید! (۹۳)

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (۹۴)

و سرنوشت او ورود در آتش جهنّم است، (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

این مطلب حقّ و یقین است! (۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ (۹۶)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن (و او را منزّه بشمار)! (۹۶)

## سوره الحدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۱)

آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ و او عزیز و حکیم است. (۱)

لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۲)

مالکیّت (و حاکمیّت) آسمانها و زمین از آن اوست؛ زنده می کند و می میراند؛ و او بر هر چیز توانا است! (۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (۳)

اوّل و آخر و پیدا و پنهان اوست؛ و او به هر چیز داناست. (۳)

ص: ۵۳۷

هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَهُوَ مَعَکُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (۴)

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران ] آفرید؛ سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)؛ آنچه را در زمین فرو می رود می داند، و آنچه را از آن خارج می شود و آنچه از آسمان نازل می گردد و آنچه به آسمان بالا می رود؛ و هر جا باشید او با شما است، و خداوند نسبت به آنچه انجام می دهید بیناست! (۴)

لَّهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)

مالکیّت آسمانها و زمین از آن اوست؛ و همه کارها به سوی او بازمی گردد. (۵)

یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَهُوَ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

شب را در روز می کند و روز را در شب؛ و او به آنچه در دل سینه ها وجود دارد داناست. (۶)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَکُم مُّسْتَخْلَفِینَ فِیهِ فَالَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ کَبِیرٌ (۷)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داده انفاق کنید؛ (زیرا) کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند! (۷)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۸)

چرا به خدا ایمان نیاورید در حالی که رسول (او) شما را می خواند که به پروردگارتان ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است (پیمانی از طریق فطرت و خِرد)، اگر آماده ایمان آوردنید. (۸)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۹)

او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش [= محمد] نازل می کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است. (۹)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰)

چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خداست (و کسی چیزی را با خود نمی برد)! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند (با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند) یکسان نیستند؛ آنها بلندمقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۰)

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

کیست که به خدا وام نیکو دهد (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند) تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند؟ و برای او پاداش پرارزشی است! (۱۱)

ص: ۵۳۸

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِم بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

(این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان باایمان را می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می کند (و به آنها می گویند:) بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است! (۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ

بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ (١٣)

روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گوینـد: «نظری به ما بیفکنید تا از نور شـما پرتوی برگیریم!» به آنها گفته می شود: «به پشت سر خود بازگردیـد و کسب نور کنیـد!» در این هنگام دیواری میان آنها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب! (١٣)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (١۴)

آنها را صـدا می زنند: «مگر ما با شـما نبودیم؟!» می گویند: «آری، ولی شـما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشـیدید، و (در همه چیز) شکّ و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا فرا رسید، و شیطان فریبکار شما را در برابر (فرمان) خداوند فریب داد! (١۴)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (١۵)

پس امروز نه از شـما فدیه ای پذیرفته می شود، و نه از کافران؛ و جایگاهتان آتش است و همان سرپرسـتتان می باشد؛ و چه بد جایگاهی است! (١۵)

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (١۶)

آیـا وقت آن نرسیده است که دلهـای مؤمنان در برابر ذکر خـدا و آنچه از حقّ نازل کرده است خاشع گردد؟! و ماننـد کسانی نباشـند که در گذشته به آنها کتاب آسـمانی داده شـد، سپس زمانی طولانی بر آنها گـذشت و قلبهایشان قساوت پیدا کرد؛ و بسیاری از آنها گنهکارند! (١۶)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (١٧)

بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید! (١٧)

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (١٨)

مردان و زنـان انفاق کننـده، و آنها که (از این راه) به خـدا «قرض الحسـنه» دهنـد، (این قرض الحسـنه) برای آنان مضاعف می شود و پاداش پرارزشی دارند! (١٨)

ص: ۵٣٩

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِندَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ

أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (١٩)

کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، آنها صدّیقین و شهدا نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال) شان و نور (ایمان) شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند. (١٩)

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (٢٠)

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمّل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می برد، سپس خشک می شود بگونه ای که آن را زردرنگ می بینی؛ سپس تبدیل به کاه می شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست! (٢٠)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٢١)

به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند؛ آماده شده است، این فضل خداوند است که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! (٢١)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٢٢)

هیچ مصیبتی (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی دهد مگر اینکه همه آنها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است؛ و این امر برای خدا آسان است! (٢٢)

لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (٢٣)

این بخاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است دلبسته و شادمان نباشید؛ و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد! (٢٣)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٢٤)

همانها که بخل می ورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند؛ و هر کس (از این فرمان) روی گردان شود، (به خود زیان می رساند نه به خدا)، چرا که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (٢٤)

ص: ٥٤٠

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببینند؛ خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (۲۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوّت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته اند و بسیاری از آنها گنهکارند. (۲۶)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم؛ و رهبانیّتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرّر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حقّ آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنها فاسقند! (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن (در میان مردم و در مسیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شما را ببخشد؛ و خداوند غفور و رحیم است. (۲۸)

لِّئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است! (۲۹)

ص: ۵۴۱

## جزء ۲۸

## سوره المجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می کرد شنید (و تقاضای او را اجابت کرد)؛ خداوند گفتگوی شما را با هم (و اصرار آن زن را درباره حل مشکلش) می شنید؛ و خداوند شنوا و بیناست. (۱)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۲)

کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» می کنند (و می گویند: «أَنتِ عَلیَّ کَظَهَرِ أُمّی = تو نسبت به من بمنزله مادرم هستی»)، آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی اند که آنها را به دنیا آورده اند! آنها سخنی زشت و باطل می گویند؛ و خداوند بخشنده و آمرزنده است! (۲)

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

کسانی که همسران خود را «ظِهار» می کنند، سپس از گفته خود بازمی گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده ای را آزاد کنند؛ این دستوری است که به آن اندرز داده می شوید؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است! (۳)

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

و کسی که توانایی (آزاد کردن برده ای) نداشته باشد، دو ماه پیاپی قبل از آمیزش روزه بگیرد؛ و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعام کند؛ این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ اینها مرزهای الهی است؛ و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند! (۴)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵)

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند خوار و ذلیل شدند آن گونه که پیشینیان خوار و ذلیل شدند؛ ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکننده ای است... (۵)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

در آن روز که خداوند همه آنها را برمی انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است! (۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

آيا نمی دانی كه خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمين است می داند؛ هيچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی كنند مگر اينكه خداوند چهارمين آنهاست، و هيچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی كنند مگر اينكه خداوند ششمين آنهاست، و نه تعدادی كمتر و نه بيشتر از آن مگر اينكه او همراه آنهاست هر جا كه باشند، سپس روز قيامت آنها را از اعمالشان آگاه می سازد، چرا كه خداوند به هر چيزی داناست! (۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِی أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)

آيا نديدی كسانی را كه از نجوا [= سخنان درگوشی ] نهی شدند، سپس به كاری كه از آن نهی شده بودند بازمی گردند و برای انجام گناه و تعدّی و نافرمانی رسول خدا به نجوا می پردازند و هنگامی كه نزد تو می آيند تو را تحيّتی (و خوشامدی) می گويند كه خدا به تو نگفته است، و در دل می گويند: «چرا خداوند ما را بخاطر گفته هايمان عذاب نمی كند؟!» جهنم برای آنان كافی است، وارد آن می شوند، و چه بد فرجامی است! (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)

ای كسانی كه ايمان آورده ايد! هنگامی كه نجوا می كنيد، و به گناه و تعدّی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نكنيد، و به كار نيک و تقوا نجوا كنيد، و از خدايی كه همگی نزد او جمع می شويد بپرهيزيد! (۹)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

نجوا تنها از سوی شيطان است؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگين شوند؛ ولی نمی تواند هيچ گونه ضرری به آنها برساند جز بفرمان خدا؛ پس مؤمنان تنها بر خدا توكّل كنند! (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِی الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

ای كسانی كه ايمان آورده ايد! هنگامی كه به شما گفته شود: «مجلس را وسعت بخشيد (و به تازه واردها جا دهيد)»، وسعت بخشيد، خداوند (بهشت را) برای شما وسعت می بخشد؛ و هنگامی كه گفته شود: «برخيزيد»، برخيزيد؛ اگر چنين كنيد، خداوند كسانی را كه ايمان آورده اند و كسانی را كه علم به آنان داده شده درجات عظيمی می بخشد؛ و خداوند به آنچه انجام می دهيد آگاه است! (۱۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که می خواهید با رسول خدا نجوا کنید (و سخنان درگوشی بگویید)، قبل از آن صدقه ای (در راه خدا) بدهید؛ این برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است! (۱۲)

أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خودداری کردید؟! اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و (بدانید) خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است! (۱۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟! آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می دانند (دروغ نمی گویند)! (۱۴)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

خداوند عذاب شدیدی برای آنان فراهم ساخته، چرا که اعمال بدی انجام می دادند! (۱۵)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۶)

آنها سوگندهای خود را سپری قرار دادند و مردم را از راه خدا بازداشتند؛ از این رو برای آنان عذاب خوارکننده ای است! (۱۶)

لَّن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می مانند! (۱۷)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۸)

(به خاطر بیاورید) روزی را که خداوند همه آنها را برمی انگیزد، آنها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما یاد می کنند؛ و گمان می کنند کاری می توانند انجام دهند؛ بدانید آنها دروغگویانند! (۱۸)

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِکَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

شیطان بر آنان مسلّط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زیانکارانند! (۱۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ فِی الْأَذَلِّينَ (۲۰)

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند، آنها در زُمره ذلیل ترین افرادند.! (۲۰)

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِی إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱)

خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم؛ چرا که خداوند قوّی و شکست ناپذیر است! (۲۱)

ص: ۵۴۴

لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِکَ كَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب اللّه» اند؛ بدانید «حزب اللّه» پیروزان و رستگارانند. (۲۲)

## سوره الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می گوید؛ و او عزیز و حکیم است! (۱)

هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِی الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِی الْأَبْصَارِ (۲)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه هایشان بیرون راند! گمان نمی کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای محکمشان آنها را از عذاب الهی مانع می شود؛ امّا خداوند از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه ای که خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (۲)

وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابُ النَّارِ (۳)

و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرّر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می کرد؛ و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است! (۳)

ص: ۵۴۵

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن یُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۴)

این به خاطر آن است که آنها با خدا و رسولش دشمنی کردند؛ و هر کس با خدا دشمنی کند (باید بداند) که خدا مجازات شدیدی دارد! (۴)

مَا قَطَعْتُم مِّن لِّینَهٍ أَوْ تَرَکْتُمُوهَا قَائِمَهً عَلَی أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِیُخْزِیَ الْفَاسِقِینَ (۵)

هر درخت باارزش نخل را قطع کردید یا آن را به حال خود واگذاشتید، همه به فرمان خدا بود؛ و برای این بود که فاسقان را خوار و رسوا کند! (۵)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَیْهِ مِنْ خَیْلٍ وَلَا رِکَابٍ وَلَکِنَّ اللَّهَ یُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَی مَن یَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۶)

و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید،) نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلّط می سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است! (۶)

مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَی فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ کَیْ لَا یَکُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیَاءِ مِنکُمْ وَمَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! (۷)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِینَ الَّذِینَ أُخْرِجُوا مِن دِیَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَیَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

این اموال برای فقیران مهاجرانی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند؛ و آنها راستگویانند! (۸)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الـدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِـدُونَ فِي صُـدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِـهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و برای کسانی است که در این سـرا [= سـرزمین مدینه ] و در سـرای ایمان پیش از مهاجران مسـکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدّم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند! (۹)

ص: ۵۴۶

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْـدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَـبَقُونَا بِالْإِيمَـانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۰)

(همچنین) کسانی که بعـد از آنها [= بعد از مهاجران و انصار] آمدند و می گویند: «پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دلهایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده! پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» (۱۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْـلِ الْكِتَـابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَـدًا أَبَـدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

آیا منافقان را ندیـدی که پیوسـته به برادران کفارشان از اهل کتاب می گفتنـد: «هرگاه شـما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند شهادت می دهد که آنها دروغگویانند! (۱۱)

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۲)

اگر آنها را بیرون کننـد با آنان بیرون نمی رونـد، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان نخواهنـد کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی کند! (۱۲)

لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۱۳)

وحشت از شما در دلهای آنها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند! (۱۳)

لَا يُقَـاتِلُونَكُمْ جَمِيعًـا إِلَّا فِي قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُـدُرٍ بَأْسُـهُم بَيْنَهُمْ شَدِيـدٌ تَحْسَـبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۱۴)

آنهـا هرگز بـا شـما بصورت گروهی نمی جنگنـد جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! پیکارشان در میان خودشان شـدید

است، (امّا در برابر شما ضعیف!) آنها را متّحد می پنداری، در حالی که دلهایشان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقّل نمی کنند! (۱۴)

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)

کار این گروه از یهود همانند کسانی است که کمی قبل از آنان بودند، طعم تلخ کار خود را چشیدند و برای آنها عذابی دردناک است! (۱۵)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّی بَرِیءٌ مِّنكَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: «کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)!» امّا هنگامی که کافر شد گفت: «من از تو بیزارم، من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم!» (۱۶)

ص: ۵۴۷

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

سرانجام کارشان این شد که هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می مانند؛ و این است کیفر ستمکاران! (۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است! (۱۸)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آنها فاسقانند. (۱۹)

لَا يَسْتَوِی أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت رستگار و پیروزند! (۲۰)

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَهِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شود و از خوف خدا می شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشید! (۲۱)

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲)

او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است! (۲۲)

هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ (۲۳)

و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امنیّت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند، و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرارمی دهند! (۲۳)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۲۴)

او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری (بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند؛ و او عزیز و حکیم است! (۲۴)

ص: ۵۴۸

## سوره الممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاءَ تُلْقُونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَقَدْ کَفَرُوا بِمَا جَاءَکُم مِّنَ الْحَقِّ یُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِیَّاکُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّکُمْ إِن کُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِی سَبِیلِی وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِی تُسِرُّونَ إِلَیْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَیْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن یَفْعَلْهُ مِنکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِیلِ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبّت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حقّ برای شما آمده کافر شده اند و رسول اللّه و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده اید؛ (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید!) شما مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان یا آشکار می سازید از همه داناترم! و هر کس از شما چنین کاری کند، از راه راست گمراه شده است! (۱)

إِن یَثْقَفُوکُمْ یَکُونُوا لَکُمْ أَعْدَاءً وَیَبْسُطُوا إِلَیْکُمْ أَیْدِیَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَکْفُرُونَ (۲)

اگر آنها بر شما مسلّط شوند، دشمنانتان خواهند بود و دست و زبان خود را به بدی کردن نسبت به شما می گشایند، و دوست دارند شما به کفر بازگردید! (۲)

لَن تَنفَعَکُمْ أَرْحَامُکُمْ وَلَا أَوْلَادُکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ یَفْصِلُ بَیْنَکُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (۳)

هرگز بستگان و فرزندانتان روز قیامت سودی به حالتان نخواهند داشت؛ میان شما جدایی می افکند؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست. (۳)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [= عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)!- پروردگارا! ما بر تو توکّل کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و همه فرجامها بسوی تو است! (۴)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)

پروردگارا! ما را مایه گمراهی کافران قرار مده، و ما را ببخش، ای پروردگار ما که تو عزیز و حکیمی!» (۵)

ص: ۵۴۹

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

(آری) برای شما در زندگی آنها اسوه حسنه (و سرمشق نیکویی) بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند؛ و هر کس سرپیچی کند به خویشتن ضرر زده است، زیرا خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است! (۶)

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷)

امید است خدا میان شما و کسانی از مشرکین که با شما دشمنی کردند (از راه اسلام) پیوند محبّت برقرار کند؛ خداوند تواناست و خداوند آمرزنده و مهربان است. (۷)

لَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (۸)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه هایتان بیرون راندند

یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است! (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که زنان باایمان بعنوان هجرت نزد شما آیند، آنها را آزمایش کنید -خداوند به ایمانشان آگاهتر است- هر گاه آنان را مؤمن یافتید، آنها را بسوی کفّار بازنگردانید؛ نه آنها برای کفّار حلالند و نه کفّار برای آنها حلال؛ و آنچه را همسران آنها (برای ازدواج با این زنان) پرداخته اند به آنان بپردازید؛ و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مَهرشان را به آنان بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد،) حق دارید مَهری را که پرداخته اید مطالبه کنید همان گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنان جدا شده اند) از شما مطالبه کنند؛ این حکم خداوند است که در میان شما حکم می کند، و خداوند دانا و حکیم است! (۱۰)

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید، به کسانی که همسرانشان رفته اند، همانند مهری را که پرداخته اند بدهید؛ و از (مخالفت) خداوندی که همه به او ایمان دارید بپرهیزید! (۱۱)

ص: ۵۵۰

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! (۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می باشند! (۱۳)

## سوره الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ (۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه تسبیح خدا می گویند؛ و او شکست ناپذیر و حکیم است! (۱)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟! (۲)

كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید! (۳)

إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْیَانٌ مَّرْصُوصٌ (۴)

خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند گوئی بنایی آهنین اند! (۴)

وَإِذْ قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ یَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِی وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ (۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی کند! (۵)

ص: ۵۵۱

وَإِذْ قَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْرَاهِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ یَأْتِی مِن بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَیِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِینٌ (۶)

و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [= تورات ] می باشم، و بشارت دهنده به رسولی که بعد از من می آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار»! (۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ یُدْعَی إِلَی الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ (۷)

چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند! (۷)

یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند! (۸)

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ (۹)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (۹)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی تِجَارَهٍ تُنجِیکُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ (۱۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمائی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! (۱۰)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنفُسِکُمْ ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید! (۱۱)

یَغْفِرْ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ وَیُدْخِلْکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاکِنَ طَیِّبَهً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۱۲)

(اگر چنین کنید) گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی از بهشت داخل می کند که نهرها از زیر درختانش جاری است و در مسکنهای پاکیزه در بهشت جاویدان جای می دهد؛ و این پیروزی عظیم است! (۱۲)

وَأُخْرَی تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِیبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ (۱۳)

و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید به شما می بخشد، و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را بشارت ده (به این پیروزی بزرگ)! (۱۳)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ کَمَا قَالَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ لِلْحَوَارِیِّینَ مَنْ أَنصَارِی إِلَی اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِیُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت طَّائِفَهٌ مِّن بَنِی إِسْرَائِیلَ وَکَفَرَت طَّائِفَهٌ فَأَیَّدْنَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلَی عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِینَ (۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما یاوران خدائیم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند! (۱۴)

ص: ۵۵۲

## سوره الجمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدا می گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی مبرا، و عزیز و حکیم است! (۱)

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲)

و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! (۲)

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده اند؛ و او عزیز و حکیم است! (۳)

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴)

این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! (۴)

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می کند، (آن را بر دوش می کشد اما چیزی از آن نمی فهمد)! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند! (۵)

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶)

بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می کنید که (فقط) شما دوستان خدائید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویید (تا به لقای محبوبتان برسید)!» (۶)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷)

ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی کنند بخاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند؛ و خداوند ظالمان را بخوبی می شناسد! (۷)

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بگو: «این مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار

است بازگردانده می شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می دادید خبر می دهد!» (۸)

ص: ۵۵۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید! (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید! (۱۰)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می شوند و به سوی آن می روند و تو را ایستاده به حال خود رها می کنند؛ بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است. (۱۱)

## سوره المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱)

هنگامی که منافقان نزد تو آیند می گویند: «ما شهادت می دهیم که یقیناً تو رسول خدایی!» خداوند می داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند (و به گفته خود ایمان ندارند). (۱)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

آنها سوگندهایشان را سپر ساخته اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می دهند! (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند؛ از این رو بر دلهای آنان مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی کنند! (۳)

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۴)

هنگامی که آنها را می بینی، جسم و قیافه آنان تو را در شگفتی فرو می برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می دهی؛ اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده اند! هر فریادی از هر جا بلند شود بر ضد خود می پندارند؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند؟! (۴)

ص: ۵۵۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۵)

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می دهند؛ و آنها را می بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می ورزند! (۵)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

برای آنها تفاوت نمی کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند! (۶)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَى مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷)

آنها کسانی هستند که می گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند!» (غافل از اینکه) خزاین آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی فهمند! (۷)

يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

آنها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند! (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! (۹)

وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِى إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)

از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» (۱۰)

وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

خداونـد هرگز مرگ کسـی را هنگامی که اجلش فرا رسـد به تأخیر نمی اندازد، و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. (١١)

ص: ۵۵۵

## سوره التغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (١)

آنچه در آسـمانها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می گویند؛ مالکیت و حکومت از آن اوست و ستایش از آن او؛ و او بر همه چیز تواناست! (١)

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُمْ فَمِنکُمْ کَافِرٌ وَمِنکُم مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ (٢)

او کسـی است که شـما را آفریـد (و به شـما آزادی و اختیار داد)؛ گروهی از شـما کافرید و گروهی مؤمن؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست! (٢)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ (٣)

آسـمانها و زمین را بحق آفرید؛ و شـما را (در عالم جنین) تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر؛ و سرانجام (همه) بسوی اوست. (٣)

یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَیَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴)

آنچه را در آسـمانها و زمین است می داند، و از آنچه پنهان یا آشـکار می کنید با خبر است؛ و خداوند از آنچه در درون سینه هاست آگاه است. (۴)

أَلَمْ یَأْتِکُمْ نَبَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۵)

آیـا خبر کسـانی که پیش از این کافر شدنـد به شـما نرسـیده است؟! (آری) آنها طعم کیفر گناهان بزرگ خود را چشـیدند؛ و عذاب دردناک برای آنهاست! (۵)

ذَلِکَ بِأَنَّهُ کَانَت تَّأْتِیهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَیِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ یَهْدُونَنَا فَکَفَرُوا وَتَوَلَّوا وَّاسْتَغْنَی اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِیٌّ حَمِیدٌ (۶)

این بخاطر آن است که رسولان آنها (پیوسـته) با دلایل روشن به سراغشان می آمدنـد، ولی آنها (از روی کبر و غرور) گفتند: «آیـا بشرهایی (مثـل مـا) می خواهنـد ما را هـدایت کننـد؟!» از این رو کافر شدنـد و روی بر گرداندنـد؛ و خداونـد (از ایمان و طاعتشان) بی نیاز بود، و خدا غنی و شایسته ستایش است! (۶)

زَعَمَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَن لَّن یُبْعَثُوا قُلْ بَلَی وَرَبِّی لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ (٧)

کافران پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد، بگو: «آری به پروردگارم سوگند که همه شما (در قیامت) برانگیخته خواهید شد، سپس آنچه را عمل می کردید به شما خبر داده می شود، و این برای خداوند آسان است!» (٧)

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (٨)

حال که چنین است، به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده ایم ایمان بیاورید؛ و بدانید خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است! (٨)

یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِکَ یَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَن یُؤْمِن بِاللَّهِ وَیَعْمَلْ صَالِحًا یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ وَیُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا ذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (٩)

این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می کند؛ آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)! و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می بخشد و او را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کند، جاودانه در آن می مانند؛ و این پیروزی بزرگ است! (٩)

ص: ۵۵۶

وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِینَ فِیهَا وَبِئْسَ الْمَصِیرُ (١٠)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است! (١٠)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِیبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَن یُؤْمِن بِاللَّهِ یَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (١١)

هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به اذن خدا! و هر کس به خدا ایمان آورد، خداوند قلبش را هدایت می کند؛ و خدا به هر چیز داناست! (١١)

وَأَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّیْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَی رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِینُ (١٢)

اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید پیامبر را؛ و اگر روی گردان شوید، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه ای ندارد! (١٢)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (١٣)

خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان باید فقط بر او توکل کنند! (١٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بعضی از همسران و فرزندانتان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم بپوشید و ببخشید، (خدا شما را می بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! (۱۴)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش شما هستند؛ و خداست که پاداش عظیم نزد اوست! (۱۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند! (۱۶)

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۱۷)

اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد؛ و خداوند شکرکننده و بردبار است! (۱۷)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

او دانای پنهان و آشکار است؛ و او عزیز و حکیم است! (۱۸)

ص: ۵۵۷

## سوره الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گویید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند! (۱)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (۲)

و چون عده آنها سرآمد، آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا بطرز شایسته ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، (۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد؛ و هر کس بر خدا توکّل کند، کفایت امرش را می کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می رساند؛ و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! (۳)

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

و از زنانتان، آنان که از عادت ماهانه مأیوسند، اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید، عده آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده اند؛ و عده زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد! (۴)

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)

این فرمان خداست که بر شما نازل کرده؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهانش را می بخشد و پاداش او را بزرگ می دارد! (۵)

ص: ۵۵۸

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (۶)

آنها [= زنان مطلّقه ] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید؛ و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند)؛ و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند؛ و اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید؛ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می گیرد. (۶)

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند؛ خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد! (۷)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا (۸)

چه بسیار شهرها و آبادیها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدّت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم نظیری گرفتار ساختیم! (۸)

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (۹)

آنها آثار سوء کار خود را چشیدند؛ و عاقبت کارشان خسران بود! (۹)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

خداوند عذاب سختی برای آنها فراهم ساخته؛ پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکّر است بر شما نازل کرده؛ (۱۰)

رَّسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است! (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و اینکه علم او به همه چیز احاطه دارد! (۱۲)

ص: ۵۵۹

## سوره التحريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده بخاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است. (۱)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)

خداوند راه گشودن سوگندهایتان را (در این گونه موارد) روشن ساخته؛ و خداوند مولای شماست و او دانا و حکیم است. (۲)

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!» (۳)

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)

اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضدّ او دست به دست هم دهید، (کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند. (۴)

عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه کار، عابد، هجرت کننده، زنانی غیرباکره و باکره! (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند (به طور کامل) اجرا می نمایند! (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)

ای کسانی که کافر شده اید امروز عذرخواهی نکنید، چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می شوید! (۷)

ص: ۵۶۰

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَّصُوحًا عَسَی رَبُّکُمْ أَن یُکَفِّرَ عَنکُمْ سَیِّئَاتِکُمْ وَیُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ یَوْمَ لَا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ یَسْعَی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَبِأَیْمَانِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند: «پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی!» (۸)

یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ (۹)

ای پیامبر! با کفّار و منافقین پیکار کن و بر آنان سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است، و بد فرجامی است! (۹)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِینَ کَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ کَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ یُغْنِیَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَیْئًا وَقِیلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِینَ (۱۰)

خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسر نوح و همسر لوط مثَل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: «وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند!» (۱۰)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِینَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِی عِندَکَ بَیْتًا فِی الْجَنَّهِ وَنَجِّنِی مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۱۱)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!» (۱۱)

وَمَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِی أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِیهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِکَلِمَاتِ رَبِّهَا وَکُتُبِهِ وَکَانَتْ مِنَ الْقَانِتِینَ (۱۲)

و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! (۱۲)

ص: ۵۶۱

## جزء ۲۹

## سوره الملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِی بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (۱)

پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. (۱)

الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲)

آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید، و او شکست ناپذیر و بخشنده است. (۲)

الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ (۳)

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضادّ و عیبی نمی بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می کنی؟! (۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)

بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می گردد در حالی که خسته و ناتوان است! (۴)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

ما آسمان پایین (نزدیک) را با چراغهای فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [= شهابها] را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم! (۵)

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنّم است، و بد فرجامی است! (۶)

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می شنوند، و این در حالی است که پیوسته می جوشد! (۷)

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

نزدیک است (دوزخ) از شدّت غضب پاره پاره شود؛ هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می

پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!» (۸)

قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

می گویند: «آری، بیم دهنده به سراغ ما آمد، ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید!» (۹)

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰)

و می گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقّل می کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!» (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱)

اینجاست که به گناه خود اعتراف می کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا! (۱۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

(امّا) کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، مسلّماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند! (۱۲)

ص: ۵۶۲

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

گفتار خود را پنهان کنید یا آشکار (تفاوتی نمی کند)، او به آنچه در سینه هاست آگاه است! (۱۳)

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴)

آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است! (۱۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (۱۵)

او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزیهای خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست! (۱۵)

أَأَمِنتُم مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶)

آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و به لرزش خود ادامه دهد؟! (۱۶)

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (١٧)

یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می دانید که تندبادی پر از سنگریزه بر شما فرستد؟! و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است! (١٧)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (١٨)

کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) تکذیب کردند، امّا (ببین) مجازات من چگونه بود! (١٨)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (١٩)

آیا به پرندگانی که بالای سرشان است، و گاه بالهای خود را گسترده و گاه جمع می کنند، نگاه نکردند؟! جز خداوند رحمان کسی آنها را بر فراز آسمان نگه نمی دارد، چرا که او به هر چیز بیناست! (١٩)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (٢٠)

آیا این کسی که لشکر شماست می تواند شما را در برابر خداوند یاری دهد؟ ولی کافران تنها گرفتار فریبند! (٢٠)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (٢١)

یا آن کسی که شما را روزی می دهد، اگر روزیش را بازدارد (چه کسی می تواند نیاز شما را تأمین کند)؟! ولی آنها در سرکشی و فرار از حقیقت لجاجت می ورزند! (٢١)

أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٢٢)

آیا کسی که به رو افتاده حرکت می کند به هدایت نزدیکتر است یا کسی که راست قامت در صراط مستقیم گام برمی دارد؟! (٢٢)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (٢٣)

بگو: «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد؛ امّا کمتر سپاسگزاری می کنید!» (٢٣)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٢٤)

بگو: «او کسی است که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید!» (٢٤)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (٢٥)

آنها می گویند: «اگر راست می گویید این وعده قیامت چه زمانی است؟!» (۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲۶)

بگو: «علم آن تنها نزد خداست؛ و من فقط بیم دهنده آشکاری هستم!» (۲۶)

ص: ۵۶۳

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِى كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ (۲۷)

هنگامی که آن (وعده الهی) را از نزدیک می بینند، صورت کافران زشت و سیاه می گردد، و به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید»! (۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۸)

بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند مرا و تمام کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا مورد ترحّم قرار دهد، چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!» (۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۹)

بگو: «او خداوند رحمان است، ما به او ایمان آورده و بر او توکّل کرده ایم؛ و بزودی می دانید چه کسی در گمراهی آشکار است!» (۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

بگو: «به من خبر دهید اگر آبهای (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!» (۳۰)

## سوره القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

ن، سوگند به قلم و آنچه مینویسند، (۱)

مَا أَنتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ (۲)

که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی، (۲)

وَإِنَّ لَکَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و برای تو پاداشی عظیم و همیشگی است! (۳)

وَإِنَّکَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری! (۴)

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵)

و بزودی تو می بینی و آنان نیز می بینند، (۵)

بِأَييِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶)

که کدام یک از شما مجنونند! (۶)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

پروردگارت بهتر از هر کس می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می شناسد! (۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن! (۸)

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹)

آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها (هم) نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق)! (۹)

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰)

و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است اطاعت مکن، (۱۰)

هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱)

کسی که بسیار عیبجوست و به سخن چینی آمد و شد می کند، (۱۱)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

و بسیار مانع کار خیر، و متجاوز و گناهکار است؛ (۱۲)

عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِکَ زَنِيمٍ (۱۳)

علاوه بر اینها کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است! (۱۳)

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

مبادا بخاطر اینکه صاحب مال و فرزندان فراوان است (از او پیروی کنی)! (۱۴)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

هنگامی که آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «اینها افسانه های خرافی پیشینیان است!» (۱۵)

ص: ۵۶۴

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

(ولی) ما بزودی بر بینی او علامت و داغ ننگ می نهیم! (۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّهِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند. (۱۷)

وَلَا يَسْتَثْنُونَ (۱۸)

و هیچ از آن استثنا نکنند؛ (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

امّا عذابی فراگیر (شب هنگام) بر (تمام) باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند، (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد! (۲۰)

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱)

صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند، (۲۱)

أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)

که بسوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه ها را دارید! (۲۲)

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (۲۳)

آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می گفتند:» (۲۳)

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (۲۴)

«مواظب باشید امروز حتی یک فقیر وارد بر شما نشود!» (۲۴)

وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ (۲۵)

(آری) آنها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند. (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (۲۶)

هنگامی که (وارد باغ شدند و) آن را دیدند گفتند: «حقّاً» ما گمراهیم! (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

(آری، همه چیز از دست ما رفته) بلکه ما محرومیم!» (۲۷)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (۲۸)

یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت: «آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی گویید؟! (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

گفتند: «منزّه است پروردگار ما، مسلّماً ما ظالم بودیم!» (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ (۳۰)

سپس رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند، (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)

(و فریادشان بلند شد) گفتند: «وای بر ما که طغیانگر بودیم! (۳۱)

عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن به جای آن به ما بدهد، چرا که ما به او علاقه مندیم!» (۳۲)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

این گونه است عذاب (خداوند در دنیا)، و عذاب آخرت از آن هم بزرگتر است اگر می دانستند! (۳۳)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۳۴)

مسلّماً برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشت است! (۳۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (۳۵)

آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می دهیم؟! (۳۵)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶)

شما را چه می شود؟! چگونه داوری می کنید؟! (۳۶)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷)

آیا کتابی دارید که از آن درس می خوانید... (۳۷)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸)

که آنچه را شما انتخاب می کنید از آن شماست؟! (۳۸)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (۳۹)

یا اینکه عهد و پیمان مؤکّد و مستمرّی تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را حکم کنید برای شما باشد؟! (۳۹)

سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)

از آنها بپرس کدام یک از آنان چنین چیزی را تضمین می کند؟! (۴۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱)

یا اینکه معبودانی دارند که آنها را شریک خدا قرار داده اند (و برای آنان شفاعت می کنند)؟! اگر راست می گویند معبودان خود را بیاورند! (۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

(به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می گردد و دعوت به سجود می شوند، امّا نمی توانند (سجود کنند). (۴۲)



خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (۴۳)

این در حالی است که چشمهایشان (از شدّت شرمساری) به زیر افتاده، و ذلّت و خواری وجودشان را فراگرفته؛ آنها پیش از این دعوت به سجود می شدند در حالی که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)! (۴۳)

فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)

اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می کنند واگذار! ما آنان را از آنجا که نمی دانند به تدریج به سوی عذاب پیش می بریم. (۴۴)

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۴۵)

و به آنها مهلت (بازگشت) می دهم؛ چرا که نقشه های من محکم و دقیق است! (۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۴۶)

یا اینکه تو از آنها مُزدی می طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است؟! (۴۶)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷)

یا اسرار غیب نزد آنهاست و آن را می نویسند (و به یکدیگر می دهند)؟! (۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس ] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند. (۴۸)

لَّوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود، (از شکم ماهی) بیرون افکنده می شد در حالی که نکوهیده بود! (۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحان قرار داد! (۵۰)

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم خود تو را از بین ببرند، و می گویند: «او دیوانه است!» (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲)

در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست! (۵۲)

## سوره الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ (۱)

(روز رستاخیز) روزی است که مسلّماً واقع می شود! (۱)

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

چه روز واقع شدنی! (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

و تو چه می دانی آن روز واقع شدنی چیست؟! (۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴)

قوم «ثمود» و «عاد» عذاب کوبنده الهی را انکار کردند (و نتیجه شومش را دیدند)! (۴)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵)

امّا قوم «ثمود» با عذابی سرکش هلاک شدند! (۵)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶)

و امّا قوم «عاد» با تندبادی طغیانگر و سرد و پرصدا به هلاکت رسیدند، (۶)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَهَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَهٍ (۷)

(خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می دیدی که آن قوم همچون تنه های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده اند! (۷)

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَهٍ (۸)

آیا کسی از آنها را باقی می بینی؟! (۸)

ص: ۵۶۶

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَهِ (۹)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و همچنین اهل شهرهای زیر و رو شده [=قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَهً رَّابِيَهً (۱۰)

و با فرستاده پروردگارشان مخالفت کردند؛ و خداوند (نیز) آنها را به عذاب شدیدی گرفتار ساخت! (۱۰)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَهِ (۱۱)

و هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را سوار بر کشتی کردیم، (۱۱)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَهً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَهٌ (۱۲)

تا آن را وسیله تذکّری برای شما قرار دهیم و گوشهای شنوا آن را دریابد و بفهمد. (۱۲)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَهٌ وَاحِدَهٌ (۱۳)

به محض اینکه یک بار در «صور» دمیده شود، (۱۳)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّهً وَاحِدَهً (۱۴)

و زمین و کوه ها از جا برداشته شوند و یکباره در هم کوبیده و متلاشی گردند، (۱۴)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَهُ (۱۵)

در آن روز «واقعه عظیم» روی می دهد، (۱۵)

وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِیَ یَوْمَئِذٍ وَاهِیَهٌ (۱۶)

و آسمان از هم می شکافد و سست می گردد و فرومی ریزد! (۱۶)

وَالْمَلَکُ عَلَی أَرْجَائِهَا وَیَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ یَوْمَئِذٍ ثَمَانِیَهٌ (۱۷)

فرشتگان در اطراف آسمان قرارمی گیرند (و برای انجام مأموریتها آماده می شوند)؛ و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز همه آنها حمل می کنند! (۱۷)

یَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَی مِنکُمْ خَافِیَهٌ (۱۸)

در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می شوید و چیزی از کارهای شما پنهان نمی ماند! (۱۸)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَیَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا کِتَابِیَهْ (۱۹)

پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدّت شادی و مباهات) فریاد می زند که: «(ای اهل محشر!) نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید! (۱۹)

إِنِّی ظَنَنتُ أَنِّی مُلَاقٍ حِسَابِیَهْ (۲۰)

من یقین داشتم که (قیامتی در کار است و) به حساب اعمالم می رسم!» (۲۰)

فَهُوَ فِی عِیشَهٍ رَّاضِیَهٍ (۲۱)

او در یک زندگی (کاملاً) رضایتبخش قرار خواهد داشت، (۲۱)

فِی جَنَّهٍ عَالِیَهٍ (۲۲)

در بهشتی عالی، (۲۲)

قُطُوفُهَا دَانِیَهٌ (۲۳)

که میوه هایش در دسترس است! (۲۳)

کُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِیئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِی الْأَیَّامِ الْخَالِیَهِ (۲۴)

(و به آنان گفته می شود:) بخورید و بیاشامید گوارا در برابر اعمالی که در ایّام گذشته انجام دادید! (۲۴)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَیَقُولُ یَا لَیْتَنِی لَمْ أُوتَ کِتَابِیَهْ (۲۵)

امّا کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند. (۲۵)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ (۲۶)

و نمی دانستم حساب من چیست! (۲۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۷)

ای کاش مرگم فرا می رسید! (۲۷)

مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَهْ (۲۸)

مال و ثروتم هرگز مرا بی نیاز نکرد، (۲۸)

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ (۲۹)

قدرت من نیز از دست رفت!» (۲۹)

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (۳۰)

او را بگیرید و دربند و زنجیرش کنید! (۳۰)

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۳۱)

سپس او را در دوزخ بیفکنید! (۳۱)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲)

بعد او را به زنجیری که هفتاد ذراع است ببندید؛ (۳۲)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

چرا که او هرگز به خداوند بزرگ ایمان نمی آورد، (۳۳)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴)

و هرگز مردم را بر اطعام مستمندان تشویق نمی نمود؛ (۳۴)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (٣۵)

از این رو امروز هم در اینجا یار مهربانی ندارد، (٣۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (٣۶)

و نه طعامی، جز از چرک و خون! (٣۶)

لَّا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (٣٧)

غذایی که جز خطاکاران آن را نمی خورند! (٣٧)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (٣٨)

سوگند به آنچه می بینید، (٣٨)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (٣٩)

و آنچه نمی بینید، (٣٩)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴٠)

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است، (۴٠)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (۴١)

و گفته شاعری نیست، امّا کمتر ایمان می آورید! (۴١)

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۴٢)

و نه گفته کاهنی، هر چند کمتر متذکّر می شوید! (۴٢)

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴٣)

کلامی است که از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است! (۴٣)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

اگر او سخنی دروغ بر ما می بست، (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ما او را با قدرت می گرفتیم، (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

سپس رگ قلبش را قطع می کردیم، (۴۶)

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

و هیچ کس از شما نمی توانست از (مجازات) او مانع شود! (۴۷)

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

و آن مسلّماً تذکری برای پرهیزگاران است! (۴۸)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما می دانیم که بعضی از شما (آن را) تکذیب می کنید! (۴۹)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و آن مایه حسرت کافران است! (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

و آن یقین خالص است! (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

حال که چنین است به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی! (۵۲)

## سوره المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

تقاضاکننده ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! (۱)

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند، (۲)

مِّنَ اللَّهِ ذِی الْمَعَارِجِ (۳)

از سوی خداوند ذی المعارج [= خداوندی که فرشتگانش بر آسمانها صعود و عروج می کنند]! (۳)

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَهُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِی يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَهٍ (۴)

فرشتگان و روح [= فرشته مقرّب خداوند] بسوی او عروج می کنند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است! (۴)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر جمیل پیشه کن، (۵)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

زیرا آنها آن روز را دور می بینند، (۶)

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و ما آن را نزدیک می بینیم! (۷)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

همان روز که آسمان همچون فلز گداخته می شود، (۸)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوه ها مانند پشم رنگین متلاشی خواهد بود، (۹)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰)

و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی گیرد! (۱۰)

ص: ۵۶۸

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِی مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ (۱۱)

آنها را نشانشان می دهند (ولی هر کس گرفتار کار خویشتن است)، چنان است که گنهکار دوست می دارد فرزندان خود را

در برابر عذاب آن روز فدا کند، (۱۱)

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (۱۲)

و همسر و برادرش را، (۱۲)

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِيهِ (۱۳)

و قبیله اش را که همیشه از او حمایت می کرد، (۱۳)

وَمَن فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ (۱۴)

و همه مردم روی زمین را تا مایه نجاتش گردند؛ (۱۴)

كَلَّا إِنَّهَا لَظَى (۱۵)

امّا هرگز چنین نیست (که با اینها بتوان نجات یافت، آری) شعله های سوزان آتش است، (۱۵)

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (۱۶)

دست و پا و پوست سر را می کند و می برد! (۱۶)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷)

و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردند صدا می زند، (۱۷)

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)

و (همچنین آنها که) اموال را جمع و ذخیره کردند! (۱۸)

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹)

به یقین انسان حریص و کم طاقت آفریده شده است، (۱۹)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰)

هنگامی که بدی به او رسد بیتابی می کند، (۲۰)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱)

و هنگامی که خوبی به او رسد مانع دیگران می شود (و بخل می ورزد)، (۲۱)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲)

مگر نمازگزاران، (۲۲)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۲۳)

آنها که نمازها را پیوسته بجا می آورند، (۲۳)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (۲۴)

و آنها که در اموالشان حق معلومی است... (۲۴)

لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)

برای تقاضاکننده و محروم، (۲۵)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۲۶)

و آنها که به روز جزا ایمان دارند، (۲۶)

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (۲۷)

و آنها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (۲۷)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸)

چرا که هیچ کس از عذاب پروردگارش در امان نیست، (۲۸)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و آنها که دامان خویش را (از بی عفّتی) حفظ می کنند، (۲۹)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰)

جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، چرا که در بهره گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود! (۳۰)

فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذَلِکَ فَأُولَئِکَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است! (۳۱)

وَالَّذِینَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند، (۳۲)

وَالَّذِینَ هُم بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳)

و آنها که با ادای شهادتشان قیام می نمایند، (۳۳)

وَالَّذِینَ هُمْ عَلَی صَلَاتِهِمْ یُحَافِظُونَ (۳۴)

و آنها که بر نماز مواظبت دارند، (۳۴)

أُولَئِکَ فِی جَنَّاتٍ مُّکْرَمُونَ (۳۵)

آنان در باغهای بهشتی (پذیرایی و) گرامی داشته می شوند. (۳۵)

فَمَالِ الَّذِینَ کَفَرُوا قِبَلَکَ مُهْطِعِینَ (۳۶)

این کافران را چه می شود که با سرعت نزد تو می آیند... (۳۶)

عَنِ الْیَمِینِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِینَ (۳۷)

از راست و چپ، گروه گروه (و آرزوی بهشت دارند)! (۳۷)

أَیَطْمَعُ کُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن یُدْخَلَ جَنَّهَ نَعِیمٍ (۳۸)

آیا هر یک از آنها (با این اعمال زشتش) طمع دارد که او را در بهشت پر نعمت الهی وارد کنند؟! (۳۸)

کَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا یَعْلَمُونَ (۳۹)

هرگز چنین نیست؛ ما آنها را از آنچه خودشان می دانند آفریده ایم! (۳۹)

ص: ۵۶۹

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰)

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم... (۴۰)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱)

که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد! (۴۱)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲)

آنان را به حال خود واگذار تا در باطل خود فرو روند و بازی کنند تا زمانی که روز موعود خود را ملاقات نمایند! (۴۲)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴۳)

همان روز که از قبرها بسرعت خارج می شوند، گویی به سوی بتها می دوند... (۴۳)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

در حالی که چشمهایشان از شرم و وحشت به زیر افتاده، و پرده ای از ذلّت و خواری آنها را پوشانده است! این همان روزی است که به آنها وعده داده می شد! (۴۴)

## سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردناک به سراغشان آید!» (۱)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)

گفت: «ای قوم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم، (۲)

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (۳)

که خدا را پرستش کنید و از مخالفت او بپرهیزید و مرا اطاعت نمایید! (۳)

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

اگر چنین کنید، خدا گناهانتان را می آمرزد و تا زمان معيّنی شما را عمر می دهد؛ زیرا هنگامی که اجل الهی فرا رسد، تأخیری نخواهد داشت اگر می دانستید!» (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (بسوی تو) دعوت کردم، (۵)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)

امّا دعوت من چیزی جز فرار از حقّ بر آنان نیفزود! (۶)

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هر زمان آنها را دعوت کردم که (ایمان بیاورند و) تو آنها را بیامرزی، انگشتان خویش را در گوشهایشان قرار داده و لباسهایشان را بر خود پیچیدند، و در مخالفت اصرار ورزیدند و به شدّت استکبار کردند! (۷)

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)

سپس من آنها را با صدای بلند (به اطاعت فرمان تو) دعوت کردم، (۸)

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

سپس آشکارا و نهان (حقیقت توحید و ایمان را) برای آنان بیان داشتم! (۹)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰)

به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است... (۱۰)

ص: ۵۷۰

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا (۱۱)

تا بارانهای پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، (۱۱)

وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد! (۱۲)

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟! (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید (تا از نطفه به انسان کامل رسیدید)! (۱۴)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است، (۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

و ماه را در میان آسمانها مایه روشنایی، و خورشید را چراغ فروزانی قرار داده است؟! (۱۶)

وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

و خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید، (۱۷)

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸)

سپس شما را به همان زمین بازمی گرداند، و بار دیگر شما را خارج می سازد! (۱۸)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹)

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد... (۱۹)

لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰)

تا از راههای وسیع و دره های آن بگذرید (و به هر جا می خواهید بروید)!» (۲۰)

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱)

نوح (بعد از نومیدی از هدایت آنان) گفت: «پروردگارا! آنها نافرمانی من کردند و از کسانی پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان چیزی جز زیانکاری بر آنها نیفزوده است! (۲۱)

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (۲۲)

و (این رهبران گمراه) مکر عظیمی به کار بردند... (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳)

و گفتند: دست از خدایان و بتهای خود برندارید (به خصوص) بتهای «وَد»، «سواع»، «یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید! (۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

و آنها گروه بسیاری را گمراه کردند! خداوندا، ظالمان را جز ضلالت میفزا!» (۲۴)

مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا (۲۵)

(آری، سرانجام) همگی بخاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد گشتند، و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند! (۲۵)

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶)

نوح گفت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار! (۲۶)

إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷)

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند! (۲۷)

رَّبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و جمیع مردان و زنان باایمان را بیامرز؛ و ظالمان را جز هلاکت میفزا!» (۲۸)

ص: ۵۷۱

## سوره الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جنّ به سخنانم گوش فراداده اند، سپس گفته اند: «ما قرآن عجیبی شنیده ایم... (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)

که به راه راست هدایت می کند، پس ما به آن ایمان آورده ایم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرارنمی دهیم! (۲)

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳)

و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است! (۳)

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

و اینکه سفیه ما (ابلیس) درباره خداوند سخنان ناروا می گفت! (۴)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

و اینکه ما گمان می کردیم که انس و جنّ هرگز بر خدا دروغ نمی بندند! (۵)

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)

و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جنّ پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند! (۶)

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷)

و اینکه آنها گمان کردند -همان گونه که شما گمان می کردید- که خداوند هرگز کسی را (به نبوّت) مبعوث نمی کند! (۷)

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (۸)

و اینکه ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوّی و تیرهای شهاب یافتیم! (۸)

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹)

و اینکه ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم؛ امّا اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (۹)

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰)

و اینکه (با این اوضاع) ما نمی دانیم آیا اراده شرّی درباره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟! (۱۰)

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (۱۱)

و اینکه در میان ما، افرادی صالح و افرادی غیر صالحند؛ و ما گروه های متفاوتی هستیم! (۱۱)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲)

و اینکه ما یقین داریم هرگز نمی توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی توانیم از (پنجه قدرت) او بگریزیم! (۱۲)

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳)

و اینکه ما هنگامی که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می

ترسد و نه از ظلم! (۱۳)

ص: ۵۷۲

وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِکَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴)

و اینکه گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است، (۱۴)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَکَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵)

و امّا ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند! (۱۵)

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا (۱۶)

و اینکه اگر آنها [= جنّ و انس ] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می کنیم! (۱۶)

لِّنَفْتِنَهُمْ فِیهِ وَمَن یُعْرِضْ عَن ذِکْرِ رَبِّهِ یَسْلُکْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷)

هدف این است که ما آنها را با این نعمت فراوان بیازماییم؛ و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده ای گرفتار می سازد! (۱۷)

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸)

و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید! (۱۸)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ یَدْعُوهُ کَادُوا یَکُونُونَ عَلَیْهِ لِبَدًا (۱۹)

و اینکه هنگامی که بنده خدا [= محمّد (ص)] به عبادت برمی خاست و او را می خواند، گروهی پیرامون او بشدّت ازدحام می کردند!» (۱۹)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّی وَلَا أُشْرِکُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)

بگو: «من تنها پروردگارم را می خوانم و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم!» (۲۰)

قُلْ إِنِّی لَا أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱)

بگو: «من مالک زیان و هدایتی برای شما نیستم!» (۲۱)

قُلْ إِنِّی لَن یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۲)

بگو: «(اگر من نیز بر خلاف فرمانش رفتار کنم) هیچ کس مرا در برابر او حمایت نمی کند و پناهگاهی جز او نمی یابم؛ (۲۲)

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا (۲۳)

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می مانند! (۲۳)

حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۲۴)

(این کار شکنی کفّار همچنان ادامه می یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند؛ آنگاه می دانند چه کسی یاورش ضعیفتر و جمعیّتش کمتر است! (۲۴)

قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵)

بگو: «من نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا پروردگارم زمانی برای آن قرارمی دهد؟! (۲۵)

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶)

دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، (۲۶)

إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷)

مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می دهد... (۲۷)

لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

تا بداند پیامبرانش رسالتهای پروردگارشان را ابلاغ کرده اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصاء کرده است!» (۲۸)

ص: ۵۷۳

## سوره المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱)

ای جامه به خود پیچیده! (۱)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

شب را، جز کمی، بپاخیز! (۲)

نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقّت و تأمّل بخوان؛ (۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)

چرا که ما بزودی سخنی سنگین به تو القا خواهیم کرد! (۵)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

مسلّماً نماز و عبادت شبانه پابرجاتر و با استقامت تر است! (۶)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)

و تو در روز تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت! (۷)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸)

و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند! (۸)

رَّبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹)

همان پروردگار شرق و غرب که معبودی جز او نیست، او را نگاهبان و وکیل خود انتخاب کن، (۹)

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰)

و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکیبا باش و بطرزی شایسته از آنان دوری گزین! (۱۰)

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۱۱)

و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار، و آنها را کمی مهلت ده، (۱۱)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲)

که نزد ما غل و زنجیرها و (آتش) دوزخ است، (۱۲)

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳)

و غذایی گلوگیر، و عذابی دردناک، (۱۳)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (۱۴)

در آن روز که زمین و کوه ها سخت به لرزه درمی آید، و کوه ها (چنان درهم کوبیده می شود که) به شکل توده هایی از شن نرم درمی آید! (۱۴)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵)

ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که گواه بر شماست، همان گونه که به سوی فرعون رسولی فرستادیم! (۱۵)

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (۱۶)

(ولی) فرعون به مخالفت و نافرمانی آن رسول برخاست، و ما او را سخت مجازات کردیم! (۱۶)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)

شما (نیز) اگر کافر شوید، چگونه خود را (از عذاب الهی) بر کنار می دارید؟! در آن روز که کودکان را پیر می کند، (۱۷)

السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)

و آسمان از هم شکافته می شود، و وعده او شدنی و حتمی است. (۱۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)

این هشدار و تذکّری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (۱۹)

ص: ۵۷۴

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۰)

پروردگارت می دانـد که تو و گروهی از آنها که با تو هسـتند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزنـد؛ خداونـد شب و روز را انـدازه گیری می کنـد؛ او می داند که شـما نمی توانید مقدار آن را (به دقّت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شـما را بخشـید؛ اکنون آنچه برای شـما میسّر است قرآن بخوانید او می داند بزودی گروهی از شـما بیمار می شونـد، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضـل الهی (و کسب روزی) به سـفر می رونـد، و گروهی دیگر در راه خـدا جهاد می کننـد (و از تلاوت قرآن بازمی مانند)، پس به اندازه ای که برای شـما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنه» دهید [= در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستیـد نزد خـدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهیـد یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است! (۲۰)

## سوره المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱)

ای جامه خواب به خود پیچیده (و در بستر آرمیده)! (۱)

قُمْ فَأَنذِرْ (۲)

برخیز و انذار کن (و عالمیان را بیم ده)، (۲)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ (۳)

و پروردگارت را بزرگ بشمار، (۳)

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (۴)

و لباست را پاک کن، (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (۵)

و از پلیدی دوری کن، (۵)

وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ (۶)

و منّت مگذار و فزونی مطلب، (۶)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)

و بخاطر پروردگارت شکیبایی کن! (۷)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (٨)

هنگامی که در «صور» دمیده شود، (٨)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (٩)

آن روز، روز سختی است، (٩)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (١٠)

و برای کافران آسان نیست! (١٠)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (١١)

مرا با کسی که او را خود به تنهایی آفریده ام واگذار! (١١)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا (١٢)

همان کسی که برای او مال گسترده ای قرار دادم، (١٢)

وَبَنِينَ شُهُودًا (١٣)

و فرزندانی که همواره نزد او (و در خدمت او) هستند، (١٣)

وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمْهِيدًا (١۴)

و وسایل زندگی را از هر نظر برای وی فراهم ساختم! (١۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (١۵)

باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم! (١۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (١۶)

هرگز چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می ورزد! (١۶)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (١٧)

و بزودی او را مجبور می کنم که از قلّه زندگی بالا رود (سپس او را به زیر می افکنم)! (١٧)

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (۱۸)

او (برای مبارزه با قرآن) اندیشه کرد و مطلب را آماده ساخت! (۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹)

مرگ بر او باد! چگونه (برای مبارزه با حق) مطلب را آماده کرد! (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰)

باز هم مرگ بر او، چگونه مطلب (و نقشه شیطانی خود را) آماده نمود! (۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

سپس نگاهی افکند، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲)

بعد چهره درهم کشید و عجولانه دست به کار شد؛ (۲۲)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳)

سپس پشت (به حقّ) کرد و تکبر ورزید، (۲۳)

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (۲۴)

و سرانجام گفت: «این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست! (۲۴)

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

این فقط سخن انسان است (نه گفتار خدا)!» (۲۵)

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (۲۶)

(امّا) بزودی او را وارد سَقَر [= دوزخ ] می کنم! (۲۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

و تو نمی دانی «سقر» چیست! (۲۷)

لَا تُبْقِی وَلَا تَذَرُ (۲۸)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد! (۲۸)

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ (۲۹)

پوست تن را بکلّی دگرگون می کند! (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده اند! (۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِی مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِیَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱)

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معیّن نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری ] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقّانیّت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکّری برای انسانها نیست! (۳۱)

كَلَّا وَالْقَمَرِ (۳۲)

اینچنین نیست که آنها تصوّر می کنند سوگند به ماه، (۳۲)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (۳۳)

و به شب، هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند، (۳۳)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (۳۴)

و به صبح هنگامی که چهره بگشاید، (۳۴)

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ (۳۵)

که آن (حوادث هولناک قیامت) از مسائل مهم است! (۳۵)

نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ (۳۶)

هشدار و انذاری است برای همه انسانها، (۳۶)

لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

برای کسانی از شما که می خواهند پیش افتند یا عقب بمانند [= بسوی هدایت و نیکی پیش روند یا نروند]! (۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸)

(آری) هر کس در گرو اعمال خویش است، (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می دهند)! (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

آنها در باغهای بهشتند، و سؤال می کنند... (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِينَ (۴۱)

از مجرمان: (۴۱)

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ (۴۲)

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!» (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳)

می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم، (۴۳)

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (۴۴)

و اطعام مستمند نمی کردیم، (۴۴)

وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵)

و پیوسته با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، (۴۵)

وَکُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ (۴۶)

و همواره روز جزا را انکار می کردیم، (۴۶)

حَتَّی أَتَانَا الْیَقِینُ (۴۷)

تا زمانی که مرگ ما فرا رسید!» (۴۷)

ص: ۵۷۶

فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَهُ الشَّافِعِینَ (۴۸)

از این رو شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد. (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْکِرَهِ مُعْرِضِینَ (۴۹)

چرا آنها از تذکّر روی گردانند؟! (۴۹)

کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَهٌ (۵۰)

گویی گورخرانی رمیده اند، (۵۰)

فَرَّتْ مِن قَسْوَرَهٍ (۵۱)

که از (مقابل) شیری فرار کرده اند! (۵۱)

بَلْ یُرِیدُ کُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن یُؤْتَی صُحُفًا مُّنَشَّرَهً (۵۲)

بلکه هر کدام از آنها انتظار دارد نامه جداگانه ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! (۵۲)

کَلَّا بَل لَّا یَخَافُونَ الْآخِرَهَ (۵۳)

چنین نیست که آنان می گویند، بلکه آنها از آخرت نمی ترسند! (۵۳)

کَلَّا إِنَّهُ تَذْکِرَهٌ (۵۴)

چنین نیست که آنها می گویند، آن (قرآن) یک تذکّر و یادآوری است! (۵۴)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (۵۵)

هر کس بخواهد از آن پند می گیرد؛ (۵۵)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَهِ (۵۶)

و هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است! (۵۶)

## سوره القیامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَهِ (۱)

سوگند به روز قیامت، (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَهِ (۲)

و سوگند به (نفس لوّامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حقّ است)! (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)

آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! (۳)

بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

آری قادریم که (حتّی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتّب کنیم! (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ (۶)

(از این رو) می پرسد: «قیامت کی خواهد بود»! (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

(بگو:) در آن هنگام که چشمها از شدّت وحشت به گردش درآید، (۷)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸)

و ماه بی نور گردد، (۸)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (۹)

يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (۱۰)

آن روز انسان می گوید: «راه فرار کجاست؟!» (۱۰)

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (۱۱)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲)

آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است؛ (۱۲)

يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)

و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می کنند! (۱۳)

بَلِ الْإِنسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)

بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است، (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ (۱۵)

هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بتراشد! (۱۵)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶)

زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن ] حرکت مده، (۱۶)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)

چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

سپس بیان و (توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! (۱۹)

ص: ۵۷۷

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)

چنین نیست که شما می پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی قید و شرط را)! (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)

و آخرت را رها می کنید! (۲۱)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (۲۲)

(آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، (۲۲)

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

و به پروردگارش می نگرد! (۲۳)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است، (۲۴)

تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)

زیرا می داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می شکند! (۲۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶)

چنین نیست (که انسان می پندارد! او ایمان نمی آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (۲۶)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!» (۲۷)

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند، (۲۸)

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم بپیچد! (۲۹)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)

(آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود! (۳۰)

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)

(در آن روز گفته می شود:) او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، (۳۱)

وَلَكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۳۲)

بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد، (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳)

سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت! (۳۳)

أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۴)

(با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (۳۴)

ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۵)

سپس عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (۳۵)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)

آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟! (۳۶)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَى (۳۷)

آیا او نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟! (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸)

سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹)

و از او دو زوج مرد و زن آفرید! (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى (۴۰)

آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟! (۴۰)

## سوره الانسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱)

آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! (۱)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! (۲)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (۳)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم! (۴)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (۵)

ص: ۵۷۸

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند! (۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

آنها به نذر خود وفا می کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می ترسند، (۷)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹)

(و می گویند:) ما شما را بخاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم! (۹)

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (۱۰)

ما از پروردگارمان خائفیم در آن روزی که عبوس و سخت است! (۱۰)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (۱۱)

(بخاطر این عقیده و عمل) خداوند آنان را از شرّ آن روز نگه می دارد و آنها را می پذیرد در حالی که غرق شادی و سرورند! (۱۱)

وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (۱۲)

و در برابر صبرشان، بهشت و لباسهای حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد! (۱۲)

مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳)

این در حالی است که در بهشت بر تختهای زیبا تکیه کرده اند، نه آفتاب را در آنجا می بینند و نه سرما را! (۱۳)

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۱۴)

و در حالی است که سایه های درختان بهشتی بر آنها فرو افتاده و چیدن میوه هایش بسیار آسان است! (۱۴)

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا (۱۵)

و در گرداگرد آنها ظرفهایی سیمین و قدحهایی بلورین می گردانند (پر از بهترین غذاها و نوشیدنی ها)، (۱۵)

قَوَارِيرَ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶)

ظرفهای بلورینی از نقره، که آنها را به اندازه مناسب آماده کرده اند! (۱۶)

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (۱۷)

و در آنجا از جامهایی سیراب می شوند که لبریز از شراب طهوری آمیخته با زنجبیل است، (۱۷)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸)

از چشمه ای در بهشت که نامش سلسبیل است! (۱۸)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (۱۹)

و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می کنی مروارید پراکنده اند! (۱۹)

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و هنگامی که آنجا را ببینی نعمتها و ملک عظیمی را می بینی! (۲۰)

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

بر اندام آنها [= بهشتیان ] لباسهایی است از حریر نازک سبزرنگ، و از دیبای ضخیم، و با دستبندهایی از نقره آراسته اند، و پروردگارشان شراب طهور به آنان می نوشاند! (۲۱)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا (۲۲)

این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است! (۲۲)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا (۲۳)

مسلّماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم! (۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در (تبلیغ و اجرای) حکم پروردگارت شکیبا (و با استقامت) باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن! (۲۴)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)

و نام پروردگارت را هر صبح و شام به یاد آور! (۲۵)

ص: ۵۷۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)

و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی! (۲۶)

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَة وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها می کنند! (۲۷)

نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

ما آنها را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هر زمان بخواهیم جای آنان را به گروه دیگری می دهیم! (۲۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹)

این یک تذکر و یادآوری است، و هر کس بخواهد (با استفاده از آن) راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (۲۹)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)

و شما هیچ چیز را نمی خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، خداوند دانا و حکیم بوده و هست! (۳۰)

يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت (وسیع) خود وارد می کند، و برای ظالمان عذاب دردناکی آماده ساخته است! (۳۱)

## سوره المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)

سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (۱)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

و آنها که همچون تند باد حرکت می کنند، (۲)

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (٣)

و سوگند به آنها که (ابرها را) می گسترانند، (٣)

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (۴)

و آنها که جدا می کنند، (۴)

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵)

و سوگند به آنها که آیات بیدارگر (الهی) را (به انبیا) القا می نمایند، (۵)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶)

برای اتمام حجّت یا برای انذار، (۶)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (٧)

که آنچه به شما (درباره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است! (٧)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (٨)

در آن هنگام که ستارگان محو و تاریک شوند، (٨)

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (٩)

و (کرات) آسمان از هم بشکافند، (٩)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (١٠)

و در آن زمان که کوه ها از جا کنده شوند، (١٠)

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (١١)

و در آن هنگام که برای پیامبران (بمنظور ادای شهادت) تعیین وقت شود! (١١)

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (١٢)

(این امر) برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (١٢)

لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳)

برای روز جدایی (حق از باطل)! (۱۳)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

تو چه می دانی روز جدایی چیست! (۱۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۵)

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶)

آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟! (۱۶)

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷)

سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می فرستیم! (۱۷)

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

(آری) این گونه با مجرمان رفتار می کنیم! (۱۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

ص: ۵۸۰

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰)

آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم، (۲۰)

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۲۱)

سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم، (۲۱)

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۲)

تا مدّتی معیّن؟! (۲۲)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳)

ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است)! (۲۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۴)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم، (۲۵)

أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا (۲۶)

هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟! (۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا (۲۷)

و در آن کوه های استوار و بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم! (۲۷)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۸)

انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹)

(در آن روز به آنها گفته می شود:) بی درنگ، به سوی همان چیزی که پیوسته آن را تکذیب می کردید بروید! (۲۹)

انطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

بروید به سوی سایه سه شاخه (دودهای خفقان بار و آتش زا)! (۳۰)

لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (۳۱)

سایه ای که نه آرامبخش است و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند! (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

شراره هایی از خود پرتاب می کند مانند یک کاخ! (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (۳۳)

گویی (در سرعت و کثرت) همچون شتران زردرنگی هستند (که به هر سو پراکنده می شوند)! (۳۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

هَذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ (۳۵)

امروز روزی است که سخن نمی گویند (و قادر بر دفاع از خویشتن نیستند)، (۳۵)

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶)

و به آنها اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند! (۳۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (۳۸)

(و به آنها گفته می شود:) امروز همان روز جدایی (حق از باطل) است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم! (۳۸)

فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (۳۹)

اگر چاره ای در برابر من (برای فرار از چنگال مجازات) دارید انجام دهید! (۳۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

(در آن روز) پرهیزگاران در سایه های (درختان بهشتی) و در میان چشمه ها قرار دارند، (۴۱)

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)

و میوه هایی از آنچه مایل باشند! (۴۲)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

بخورید و بنوشید گوارا، اینها در برابر اعمالی است که انجام می دادید! (۴۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم! (۴۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ (۴۶)

(و به مجرمان بگو:) بخورید و بهره گیرید در این مدت کم (از زندگی دنیا، ولی بدانید عذاب الهی در انتظار شماست) چرا که شما مجرمید! (۴۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

و هنگامی که به آنها گفته شود رکوع کنید رکوع نمی کنند! (۴۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

(و اگر آنها به این قرآن ایمان نمی آورند) پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟! (۵۰)

ص: ۵۸۱

## جزء ۳۰

## سوره النبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می کنند؟! (۱)

عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (۲)

از خبر بزرگ و پراهمیّت (رستاخیز)! (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

همان خبری که پیوسته در آن اختلاف دارند! (۳)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴)

چنین نیست که آنها فکر می کنند، و بزودی می فهمند! (۴)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

باز هم چنین نیست که آنها می پندارند، و بزودی می فهمند (که قیامت حق است)! (۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

آیا زمین را محل آرامش (شما) قرار ندادیم؟! (۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

و کوه ها را میخهای زمین؟! (۷)

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)

و شما را بصورت زوجها آفریدیم! (۸)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)

و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم، (۹)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)

و شب را پوششی (برای شما)، (۱۰)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (١١)

و روز را وسیله ای برای زندگی و معاش! (١١)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (١٢)

و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم! (١٢)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (١٣)

و چراغی روشن و حرارت بخش آفریدیم! (١٣)

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (١۴)

و از ابرهای باران زا آبی فراوان نازل کردیم، (١۴)

لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (١۵)

تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (١۵)

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (١۶)

و باغهایی پردرخت! (١۶)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (١٧)

(آری) روز جدایی، میعاد همگان است! (١٧)

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (١٨)

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آیید! (١٨)

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (١٩)

و آسمان گشوده می شود و بصورت درهای متعددی درمی آید! (١٩)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (٢٠)

و کوه ها به حرکت درمی آید و بصورت سرابی می شود! (٢٠)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

مسلّماً (در آن روز) جهنّم کمینگاهی است بزرگ، (۲۱)

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا (۲۲)

و محل بازگشتی برای طغیانگران! (۲۲)

لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳)

مدّتهای طولانی در آن می مانند! (۲۳)

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)

در آنجا نه چیز خنکی می چشند و نه نوشیدنی گوارایی، (۲۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵)

جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون! (۲۵)

جَزَاءً وِفَاقًا (۲۶)

این مجازاتی است موافق و مناسب (اعمالشان)! (۲۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷)

چرا که آنها هیچ امیدی به حساب نداشتند، (۲۷)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (۲۸)

و آیات ما را بکلی تکذیب کردند! (۲۸)

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹)

و ما همه چیز را شمارش و ثبت کرده ایم! (۲۹)

فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزاییم! (۳۰)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱)

مسلّماً برای پرهیزگاران نجات و پیروزی بزرگی است: (۳۱)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲)

باغهایی سرسبز، و انواع انگورها، (۳۲)

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)

و حوریانی بسیار جوان و هم سن و سال، (۳۳)

وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

و جامهایی لبریز و پیاپی (از شراب طهور)! (۳۴)

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (۳۵)

در آنجا نه سخن لغو و بیهوده ای می شنوند و نه دروغی! (۳۵)

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

این کیفری است از سوی پروردگارت و عطیه ای است کافی! (۳۶)

رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است، پروردگار رحمان! و (در آن روز) هیچ کس حق ندارد بی اجازه او سخنی بگوید (یا شفاعتی کند)! (۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

روزی که «روح» و «ملائکه» در یک صف می ایستند و هیچ یک، جز به اذن خداوند رحمان، سخن نمی گویند، و (آنگاه که می گویند) درست می گویند! (۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا (۳۹)

آن روز حق است؛ هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برمی گزیند! (۳۹)

إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِی كُنتُ تُرَابًا (۴۰)

و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم! این عذاب در روزی خواهد بود که انسان آنچه را از قبل با دستهای خود فرستاده می بیند، و کافر می گوید: «ای کاش خاک بودم (و گرفتار عذاب نمی شدم)!» (۴۰)

## سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱)

سوگند به فرشتگانی که (جان مجرمان را بشدّت از بدنهایشان) برمی کشند، (۱)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲)

و فرشتگانی که (روح مؤمنان) را با مدارا و نشاط جدا می سازند، (۲)

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳)

و سوگند به فرشتگانی که (در اجرای فرمان الهی) با سرعت حرکت می کنند، (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

و سپس بر یکدیگر سبقت می گیرند، (۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

و آنها که امور را تدبیر می کنند! (۵)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

آن روز که زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه درمی آورد، (۶)

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)

و بدنبال آن، حادثه دومین [= صیحه عظیم محشر] رخ می دهد، (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

دلهایی در آن روز سخت مضطرب است، (۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

و چشمهای آنان از شدّت ترس فروافتاده است! (۹)

يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

(ولی امروز) می گویند: «آیا ما به زندگی مجدّد بازمی گردیم؟! (۱۰)

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً (۱۱)

آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده ای شدیم (ممکن است زنده شویم)؟!» (۱۱)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

می گویند: «اگر قیامتی در کار باشد، بازگشتی است زیانبار!» (۱۲)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

ولی (بدانید) این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم است! (۱۳)

فَإِذَا هُم بِالسَّاهِرَةِ (۱۴)

ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می گردند! (۱۴)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵)

آیا داستان موسی به تو رسیده است؟! (۱۵)

ص: ۵۸۳

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶)

در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدّس «طوی» ندا داد (و گفت): (۱۶)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۱۷)

به سوی فرعون برو که طغیان کرده است! (۱۷)

فَقُلْ هَل لَّكَ إِلَى أَن تَزَكَّى (۱۸)

و به او بگو: «آیا می خواهی پاکیزه شوی؟! (۱۸)

وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (۱۹)

و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و گناه نکنی)؟!» (۱۹)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (۲۰)

سپس موسی بزرگترین معجزه را به او نشان داد! (۲۰)

فَكَذَّبَ وَعَصَى (۲۱)

امّا او تکذیب و عصیان کرد! (۲۱)

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲)

سپس پشت کرد و پیوسته (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود، (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم!» (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت! (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى (۲۶)

در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد! (۲۶)

أَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا (۲۷)

آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟! (۲۷)

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸)

سقف آن را برافراشت و آن را منظّم ساخت، (۲۸)

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود! (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)

و زمین را بعد از آن گسترش داد، (۳۰)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱)

و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد، (۳۱)

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (۳۲)

و کوه ها را ثابت و محکم نمود! (۳۲)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳)

همه اینها برای بهره گیری شما و چهارپایانتان است! (۳۳)

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴)

هنگامی که آن حادثه بزرگ رخ دهد، (۳۴)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

در آن روز انسان به یاد کوششهایش می افتد، (۳۵)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى (۳۶)

و جهنّم برای هر بیننده ای آشکار می گردد، (۳۶)

فَأَمَّا مَن طَغَى (۳۷)

امّا آن کسی که طغیان کرده، (۳۷)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸)

و زندگی دنیا را مقدّم داشته، (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹)

مسلّماً دوزخ جایگاه اوست! (۳۹)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰)

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)

قطعاً بهشت جایگاه اوست! (۴۱)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

و از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟! (۴۲)

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا (۴۳)

تو را با یادآوری این سخن چه کار؟! (۴۳)

إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا (۴۴)

نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! (۴۴)

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا (۴۵)

کار تو فقط بیم دادن کسانی است که از آن می ترسند! (۴۵)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقّفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است! (۴۶)

ص: ۵۸۴

## سوره عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَبَسَ وَتَوَلَّى (١)

چهره در هم کشید و روی برتافت... (١)

أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى (٢)

از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود! (٢)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (٣)

تو چه می دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند، (٣)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)

یا متذکّر گردد و این تذکّر به حال او مفید باشد! (۴)

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (۵)

امّا آن کس که توانگر است، (۵)

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)

تو به او روی می آوری، (۶)

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (٧)

در حالی که اگر او خود را پاک نسازد، چیزی بر تو نیست! (٧)

وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى (٨)

امّا کسی که به سراغ تو می آید و کوشش می کند، (٨)

وَهُوَ يَخْشَى (٩)

و از خدا ترسان است، (٩)

فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّى (١٠)

تو از او غافل می شوی! (١٠)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

هرگز چنین نیست که آنها می پندارند؛ این (قرآن) تذکّر و یادآوری است، (۱۱)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲)

و هر کس بخواهد از آن پند می گیرد! (۱۲)

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

در الواح پرارزشی ثبت است، (۱۳)

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

الواحی والاقدر و پاکیزه، (۱۴)

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵)

به دست سفیرانی است (۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار! (۱۶)

قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است! (۱۷)

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

(خداوند) او را از چه چیز آفریده است؟! (۱۸)

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹)

او را از نطفه ناچیزی آفرید، سپس اندازه گیری کرد و موزون ساخت، (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)

سپس راه را برای او آسان کرد، (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

بعد او را میراند و در قبر پنهان نمود، (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)

سپس هرگاه بخواهد او را زنده می کند! (۲۲)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

چنین نیست که او می پندارد؛ او هنوز آنچه را (خدا) فرمان داده، اطاعت نکرده است! (۲۳)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ (۲۴)

انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد! (۲۴)

أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

سپس زمین را از هم شکافتیم، (۲۶)

فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

و در آن دانه های فراوانی رویاندیم، (۲۷)

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)

و انگور و سبزی بسیار، (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

و زیتون و نخل فراوان، (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

و باغهای پردرخت، (۳۰)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

و میوه و چراگاه، (۳۱)

مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

تا وسیله ای برای بهره گیری شما و چهارپایانتان باشد! (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۳۳)

هنگامی که آن صدای مهیب [= صیحه رستاخیز] بیاید، (کافران در اندوه عمیقی فرومی روند)! (۳۳)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

در آن روز که انسان از برادر خود می گریزد، (۳۴)

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)

و از مادر و پدرش، (۳۵)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

و زن و فرزندانش؛ (۳۶)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می سازد! (۳۷)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

چهره هائی در آن روز گشاده و نورانی است، (۳۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

خندان و مسرور است؛ (۳۹)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰)

و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، (۴۰)

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱)

و دود تاریکی آنها را پوشانده است، (۴۱)

أُولَئِکَ هُمُ الْکَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

آنان همان کافران فاجرند! (۴۲)

ص: ۵۸۵

## سوره التکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِذَا الشَّمْسُ کُوِّرَتْ (۱)

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انکَدَرَتْ (۲)

و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند، (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُیِّرَتْ (۳)

و در آن هنگام که کوه ها به حرکت درآیند، (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

و در آن هنگام که باارزش ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، (۴)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)

و در آن هنگام که وحوش جمع شوند، (۵)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند، (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

و در آن هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد، (۷)

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (٨)

و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: (٨)

بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ (٩)

به کدامین گناه کشته شدند؟! (٩)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (١٠)

و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود، (١٠)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (١١)

و در آن هنگام که پرده از روی آسمان برگرفته شود، (١١)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (١٢)

و در آن هنگام که دوزخ شعله ور گردد، (١٢)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (١٣)

و در آن هنگام که بهشت نزدیک شود، (١٣)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (١۴)

(آری در آن هنگام) هر کس می داند چه چیزی را آماده کرده است! (١۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (١۵)

سوگند به ستارگانی که بازمی گردند، (١۵)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (١۶)

حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند، (١۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (١٧)

و قسم به شب، هنگامی که پشت کند و به آخر رسد، (١٧)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

و به صبح، هنگامی که تنفّس کند، (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [= جبرئیل امین ] (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش، مقام والائی دارد! (۲۰)

مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است! (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ (۲۲)

و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست! (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳)

او (جبرئیل) را در اُفق روشن دیده است! (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل ندارد! (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۲۵)

این (قرآن) گفته شیطان رجیم نیست! (۲۵)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

پس به کجا می روید؟! (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷)

این قرآن چیزی جز تذکّری برای جهانیان نیست، (۲۷)

لِمَن شَاءَ مِنکَمْ أَن یَسْتَقِیمَ (۲۸)

برای کسی از شما که بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! (۲۸)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن یَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۲۹)

و شما اراده نمی کنید مگر اینکه خداوند -پروردگار جهانیان- اراده کند و بخواهد! (۲۹)

ص: ۵۸۶

## سوره الإنفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ (۱)

آن زمان که آسمان [= کرات آسمانی ] از هم شکافته شود، (۱)

وَإِذَا الْکَوَاکِبُ انتَثَرَتْ (۲)

و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند، (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود، (۳)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان خارج شوند)، (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

(در آن زمان) هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است. (۵)

یَا أَیُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّکَ بِرَبِّکَ الْکَرِیمِ (۶)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! (۶)

الَّذِی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ (۷)

همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظّم ساخت، (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (٨)

و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود. (٨)

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ (٩)

(آری) آن گونه که شما می پندارید نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید! (٩)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (١٠)

و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده... (١٠)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (١١)

والا مقام و نویسنده (اعمال نیک و بد شما)، (١١)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (١٢)

که می دانند شما چه می کنید! (١٢)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (١٣)

به یقین نیکان در نعمتی فراوانند. (١٣)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (١٤)

و بدکاران در دوزخند، (١٤)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (١٥)

روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند، (١٥)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (١٦)

و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند! (١٦)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٧)

تو چه می دانی روز جزا چیست؟! (١٧)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٨)

باز چه می دانی روز جزا چیست؟! (١٨)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ (١٩)

روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست! (١٩)

## سوره المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (١)

وای بر کم فروشان! (١)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (٢)

آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند؛ (٢)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (٣)

امّا هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند! (٣)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ (۴)

آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، (۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

در روزی بزرگ؛ (۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند. (۶)

ص: ۵۸۷

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ (٧)

چنین نیست که آنها (درباره قیامت) می پندارند، به یقین نامه اعمال بدکاران در «سجّین» است! (٧)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا سِجِّينٌ (٨)

تو چه می دانی «سجّین» چیست؟ (٨)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (٩)

نامه ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی! (٩)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (١٠)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (١٠)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (١١)

همانها که روز جزا را انکار می کنند. (١١)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (١٢)

تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گنهکار است! (١٢)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (١٣)

(همان کسی که) وقتی آیات ما بر او خوانده می شود می گوید: «این افسانه های پیشینیان است!» (١٣)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (١۴)

چنین نیست که آنها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته است! (١۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ (١۵)

چنین نیست که می پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند! (١۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (١۶)

سپس آنها به یقین وارد دوزخ می شوند! (١۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (١٧)

بعد به آنها گفته می شود: «این همان چیزی است که آن را انکار می کردید!» (١٧)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸)

چنان نیست که آنها (درباره معاد) می پندارند، بلکه نامه اعمال نیکان در «علیّین» است! (۱۸)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (۱۹)

و تو چه می دانی «علیّین» چیست! (۱۹)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۲۰)

نامه ای است رقم خورده و سرنوشتی است قطعی، (۲۰)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

که مقربان شاهد آنند! (۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

مسلّماً نیکان در انواع نعمت اند: (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (۲۳)

بر تختهای زیبای بهشتی تکیه کرده و (به زیباییهای بهشت) می نگرند! (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

در چهره هایشان طراوت و نشاط نعمت را می بینی و می شناسی! (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (۲۵)

آنها از شراب (طهور) زلال دست نخورده و سربسته ای سیراب می شوند! (۲۵)

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

مهری که بر آن نهاده شده از مشک است؛ و در این نعمتهای بهشتی راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند! (۲۶)

وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ (۲۷)

این شراب (طهور) آمیخته با «تسنیم» است، (۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

همان چشمه ای که مقرّبان از آن می نوشند. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

بدكاران (در دنيا) پيوسته به مؤمنان می خنديدند، (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰)

و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می کردند، (۳۰)

وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمُ انقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

و چون به سوی خانواده خود بازمی گشتند مسرور و خندان بودند، (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «اینها گمراهانند!» (۳۲)

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳)

در حالی که هرگز مأمور مراقبت و متکفّل آنان [= مؤمنان ] نبودند! (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

ولی امروز مؤمنان به کفار می خندند، (۳۴)

ص: ۵۸۸

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (۳۵)

در حالی که بر تختهای آراسته بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند! (۳۵)

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

آیا (با این حال) کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟! (۳۶)

## سوره الإنشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

در آن هنگام که آسمان [= کرات آسمانی ] شکافته شود، (۱)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

و تسلیم فرمان پروردگارش شود –و سزاوار است چنین باشد– (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)

و در آن هنگام که زمین گسترده شود، (۳)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

و آنچه در درون دارد بیرون افکنده و خالی شود، (۴)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵)

و تسلیم فرمان پروردگارش گردد –و شایسته است که چنین باشد– (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

ای انسان! تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد! (۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)

پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، (۷)

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸)

بزودی حساب آسانی برای او می شود، (۸)

وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد. (۹)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (۱۰)

و امّا کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، (۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (١١)

بزودی فریاد می زند وای بر من که هلاک شدم! (١١)

وَيَصْلَى سَعِيرًا (١٢)

و در شعله های سوزان آتش می سوزد. (١٢)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (١٣)

چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود! (١٣)

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ (١۴)

او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند! (١۴)

بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (١۵)

آری، پروردگارش نسبت به او بینا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد)! (١۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (١۶)

سوگند به شفق، (١۶)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (١٧)

و سوگند به شب و آنچه را جمع آوری می کند، (١٧)

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (١٨)

و سوگند به ماه آنگاه که بَدر کامل می شود، (١٨)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (١٩)

که همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). (١٩)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٢٠)

پس چرا آنان ایمان نمی آورند؟! (٢٠)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱)

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟! (۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲)

بلکه کافران پیوسته آیات الهی را انکار می کنند! (۲۲)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

و خداوند آنچه را در دل پنهان می دارند بخوبی می داند! (۲۳)

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

پس آنها را به عذابی دردناک بشارت ده! (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، که برای آنان پاداشی است قطع نشدنی! (۲۵)

ص: ۵۸۹

## سوره البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است، (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

و سوگند به آن روز موعود، (۲)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

و سوگند به «شاهد» و «مشهود»! [«شاهد»: پیامبر و گواهان اعمال، و «مشهود»: اعمال امّت است ] (۳)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴)

مرگ بر شکنجه گران صاحب گودال (آتش)، (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۵)

آتشی عظیم و شعله ور! (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

هنگامی که در کنار آن نشسته بودند، (۶)

وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

و آنچه را با مؤمنان انجام می دادند (با خونسردی و قساوت) تماشا می کردند! (۷)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)

آنها هیچ ایرادی بر مؤمنان نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند؛ (۸)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

همان کسی که حکومت آسمانها و زمین از آن اوست و خداوند بر همه چیز گواه است! (۹)

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰)

کسانی که مردان و زنان باایمان را شکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است! (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

و برای کسانی که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند، باغهایی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است؛ و این نجات و پیروزی بزرگ است! (۱۱)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت به یقین بسیار شدید است! (۱۲)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (۱۳)

اوست که آفرینش را آغاز می کند و بازمی گرداند، (۱۳)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)

و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است، (۱۴)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

صاحب عرش و دارای مجد و عظمت است، (۱۵)

فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۶)

و آنچه را می خواهد انجام می دهد! (۱۶)

هَلْ أَتَاکَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷)

آیا داستان لشکرها به تو رسیده است، (۱۷)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

لشکریان فرعون و ثمود؟! (۱۸)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

ولی کافران پیوسته در تکذیب حقند، (۱۹)

وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُّحِيطٌ (۲۰)

و خداوند به همه آنها احاطه دارد! (۲۰)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ (۲۱)

(این آیات، سحر و دروغ نیست،) بلکه قرآن باعظمت است... (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

که در لوح محفوظ جای دارد! (۲۲)

ص: ۵۹۰

## سوره الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

سوگند به آسمان و کوبنده شب! (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

و تو نمی دانی کوبنده شب چیست! (۲)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

همان ستاره درخشان و شکافنده تاریکیهاست! (۳)

إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

(به این آیت بزرگ الهی سوگند) که هر کس مراقب و محافظی دارد! (۴)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! (۵)

خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

از یک آب جهنده آفریده شده است، (۶)

يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

آبی که از میان پشت و سینه ها خارج می شود! (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

مسلّماً او [= خدائی که انسان را از چنین چیز پستی آفرید] می تواند او را بازگرداند! (۸)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹)

در آن روز که اسرار نهان (انسان) آشکار میشود، (۹)

فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

و برای او هیچ نیرو و یاوری نیست! (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

سوگند به آسمان پرباران، (۱۱)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

و سوگند به زمین پرشکاف (که گیاهان از آن سر برمی آورند)، (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳)

که این (قرآن) سخنی است که حقّ را از باطل جدا می کند، (۱۳)

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴)

و هرگز شوخی نیست! (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

آنها پیوسته حیله می کنند، (۱۵)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

و من هم در برابر آنها چاره می کنم! (۱۶)

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (۱۷)

حال که چنین است کافران را (فقط) اندکی مهلت ده (تا سزای اعمالشان را ببینند)! (۱۷)

## سوره الأعلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

منزّه شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را! (۱)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

همان خداوندی که آفرید و منظم کرد، (۲)

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳)

و همان که اندازه گیری کرد و هدایت نمود، (۳)

وَالَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعَی (۴)

و آن کس را که چراگاه را به وجود آورد، (۴)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَی (۵)

سپس آن را خشک و تیره قرار داد! (۵)

سَنُقْرِئُکَ فَلَا تَنسَی (۶)

ما بزودی (قرآن را) بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا یَخْفَی (۷)

مگر آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و نهان را می داند! (۷)

وَنُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرَی (۸)

و ما تو را برای انجام هر کار خیر آماده می کنیم! (۸)

فَذَکِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّکْرَی (۹)

پس تذکّر ده اگر تذکّر مفید باشد! (۹)

سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَی (۱۰)

و بزودی کسی که از خدا می ترسد متذکّر می شود. (۱۰)

وَیَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی (۱۱)

امّا بدبخت ترین افراد از آن دوری می گزینند، (۱۱)

الَّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْرَی (۱۲)

همان کسی که در آتش بزرگ وارد می شود، (۱۲)

ثُمَّ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَی (۱۳)

سپس در آن آتش نه می میرد و نه زنده می شود! (۱۳)

قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى (۱۴)

به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. (۱۴)

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند! (۱۵)

ص: ۵۹۱

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

ولی شما زندگی دنیا را مقدم می دارید، (۱۶)

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است! (۱۷)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

این دستورها در کتب آسمانی پیشین (نیز) آمده است، (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

در کتب ابراهیم و موسی. (۱۹)

## سوره الغاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

آیا داستان غاشیه [= روز قیامت که حوادث وحشتناکش همه را می پوشاند] به تو رسیده است؟! (۱)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲)

چهره هایی در آن روز خاشع و ذلّت بارند، (۲)

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ (۳)

آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده اند (و نتیجه ای عایدشان نشده است)، (۳)

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (۴)

و در آتش سوزان وارد می گردند؛ (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵)

از چشمه ای بسیار داغ به آنان می نوشانند؛ (۵)

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ (۶)

غذائی جز از ضَریع [= خار خشک تلخ و بدبو] ندارند؛ (۶)

لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (۷)

غذایی که نه آنها را فربه می کند و نه از گرسنگی می رهاند! (۷)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (۸)

چهره هایی در آن روز شاداب و باطراوتند، (۸)

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹)

و از سعی و تلاش خود خشنودند، (۹)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

در بهشتی عالی جای دارند، (۱۰)

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱)

که در آن هیچ سخن لغو و بیهوده ای نمی شنوند! (۱۱)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)

در آن چشمه ای جاری است، (۱۲)

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

در آن تختهای زیبای بلندی است، (۱۳)

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (۱۴)

و قدحهایی (که در کنار این چشمه) نهاده، (۱۴)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)

و بالشها و پشتیهای صف داده شده، (۱۵)

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶)

و فرشهای فاخر گسترده! (۱۶)

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

آیا آنان به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (۱۷)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

و به آسمان نگاه نمی کنند که چگونه برافراشته شده؟! (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

پس تذکّر ده که تو فقط تذکّر دهنده ای! (۲۱)

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (۲۲)

تو سلطه گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی، (۲۲)

إِلَّا مَن تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳)

مگر کسی که پشت کند و کافر شود، (۲۳)

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

که خداوند او را به عذاب بزرگ مجازات می کند! (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

به یقین بازگشت (همه) آنان به سوی ماست، (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (۲۶)

و مسلّماً حسابشان (نیز) با ماست! (۲۶)

ص: ۵۹۲

## سوره الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ (۱)

به سپیده دم سوگند، (۱)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)

و به شبهای دهگانه، (۲)

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳)

و به زوج و فرد، (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)

و به شب، هنگامی که (به سوی روشنایی روز) حرکت می کند سوگند (که پروردگارت در کمین ظالمان است)! (۴)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ (۵)

آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمّی برای صاحبان خرد نیست؟! (۵)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (۶)

آیا ندیدی پروردگارت با قوم «عاد» چه کرد؟! (۶)

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

و با آن شهر «اِرَم» باعظمت، (۷)

الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ (۸)

همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود! (۸)

وَثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹)

و قوم «ثمود» که صخره های عظیم را از (کنار) درّه می بریدند (و از آن خانه و کاخ می ساختند)! (۹)

وَفِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَادِ (۱۰)

و فرعونی که قدرتمند و شکنجه گر بود، (۱۰)

الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ (۱۱)

همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند، (۱۱)

فَأَکْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ (۱۲)

و فساد فراوان در آنها به بار آوردند؛ (۱۲)

فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳)

به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت! (۱۳)

إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴)

به یقین پروردگار تو در کمینگاه (ستمگران) است! (۱۴)

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَکْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَکْرَمَنِ (۱۵)

امّا انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می کند و نعمت می بخشد (مغرور می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا گرامی داشته است!» (۱۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَهَانَنِ (۱۶)

و امّا هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می گیرد (مأیوس می شود و) می گوید: «پروردگارم مرا خوار کرده است!» (۱۶)

كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷)

چنان نیست که شما می پندارید؛ شما یتیمان را گرامی نمی دارید، (۱۷)

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸)

و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی کنید، (۱۸)

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹)

و میراث را (از راه مشروع و نامشروع) جمع کرده می خورید، (۱۹)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

و مال و ثروت را بسیار دوست دارید (و بخاطر آن گناهان زیادی مرتکب می شوید)! (۲۰)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

چنان نیست که آنها می پندارند! در آن هنگام که زمین سخت در هم کوبیده شود، (۲۱)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند، (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

و در آن روز جهنم را حاضر می کنند؛ (آری) در آن روز انسان متذکّر می شود؛ امّا این تذکّر چه سودی برای او دارد؟! (۲۳)

ص: ۵۹۳

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

می گوید: «ای کاش برای (این) زندگیم چیزی از پیش فرستاده بودم!» (۲۴)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

در آن روز هیچ کس همانند او [= خدا] عذاب نمی کند، (۲۵)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

و هیچ کس همچون او کسی را به بند نمی کشد! (۲۶)

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

تو ای روح آرام یافته! (۲۷)

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

پس در سلک بندگانم درآی، (۲۹)

وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

و در بهشتم وارد شو! (۳۰)

## سوره البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

قسم به این شهر مقدّس [= مکّه ]، (۱)

وَأَنتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

شهری که تو در آن ساکنی، (۲)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (۳)

و قسم به پدر و فرزندش [= ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح ]، (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست)! (۴)

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

آیا او گمان می کند که هیچ کس نمی تواند بر او دست یابد؟! (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا (۶)

می گوید: «مال زیادی را (در کارهای خیر) نابود کرده ام!» (۶)

أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

آیا (انسان) گمان می کند هیچ کس او را ندیده (که عمل خیری انجام نداده) است؟! (۷)

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ (۸)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم، (۸)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹)

و یک زبان و دو لب؟! (۹)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

و او را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم! (۱۰)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

ولی او از آن گردنه مهمّ نگذشت! (۱۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

و تو نمی دانی آن گردنه چیست! (۱۲)

فَكُّ رَقَبَةٍ (۱۳)

آزادکردن برده ای، (۱۳)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴)

یا غذا دادن در روز گرسنگی... (۱۴)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَهٍ (۱۵)

یتیمی از خویشاوندان، (۱۵)

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَهٍ (۱۶)

یا مستمندی خاک نشین را، (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ (۱۷)

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و رحمت توصیه می کنند! (۱۷)

أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَهِ (۱۸)

آنها «اصحاب الیمین» اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهند)! (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَهِ (۱۹)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می شود). (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَهٌ (۲۰)

بر آنها آتشی است فروبسته (که راه فراری از آن نیست)! (۲۰)

ص: ۵۹۴

## سوره الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

به خورشید و گسترش نور آن سوگند، (۱)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (۲)

و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید، (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳)

و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد، (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، (۴)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)

و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، (۵)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶)

و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، (۶)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظّم ساخته، (۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (۹)

که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده؛ (۹)

وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا (۱۰)

و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است! (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

قوم «ثمود» بر اثر طغیان، (پیامبرشان را) تکذیب کردند، (۱۱)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

آنگاه که شقی ترین آنها بپاخاست، (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

و فرستاده الهی [= صالح ] به آنان گفت: «ناقه خدا [= همان شتری که معجزه الهی بود] را با آبشخورش واگذارید (و مزاحم

آن نشويد)!» (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

ولی آنها او را تكذيب و ناقه را پی كردند (و به هلاكت رساندند)؛ از اين رو پروردگارشان آنها (و سرزمينشان) را بخاطر گناهانشان در هم كوبيد و با خاك يكسان و صاف كرد! (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و او هرگز از فرجام اين كار [= مجازات ستمگران ] بيم ندارد! (۱۵)

## سوره الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

قسم به شب در آن هنگام كه (جهان را) بپوشاند، (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

و قسم به روز هنگامی كه تجلّی كند، (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳)

و قسم به آن كس كه جنس مذكّر و مؤنّث را آفريد، (۳)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (۴)

كه سعی و تلاش شما مختلف است: (۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵)

امّا آن كس كه (در راه خدا) انفاق كند و پرهيزگاری پيش گيرد، (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)

و جزای نيك (الهی) را تصديق كند، (۶)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۷)

ما او را در مسیر آسانی قرار می دهیم! (۷)

وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)

امّا کسی که بخل ورزد و (از این راه) بی نیازی طلبد، (۸)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)

و پاداش نیک (الهی) را انکار کند، (۹)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (۱۰)

بزودی او را در مسیر دشواری قرار می دهیم؛ (۱۰)

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

و در آن هنگام که (در جهنّم) سقوط می کند، اموالش به حال او سودی نخواهد داشت! (۱۱)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۱۲)

به یقین هدایت کردن بر ماست، (۱۲)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (۱۳)

و آخرت و دنیا از آن ماست، (۱۳)

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (۱۴)

و من شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم، (۱۴)

ص: ۵۹۵

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

کسی جز بدبخت ترین مردم وارد آن نمی شود؛ (۱۵)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

همان کس که (آیات خدا را) تکذیب کرد و به آن پشت نمود! (۱۶)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷)

و بزودی با تقواترین مردم از آن دور داشته می شود، (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

همان کس که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود. (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

و هیچ کس را نزد او حق نعمتی نیست تا بخواهد (به این وسیله) او را جزا دهد، (۱۹)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

بلکه تنها هدفش جلب رضای پروردگار بزرگ اوست؛ (۲۰)

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)

و بزودی راضی و خشنود می شود! (۲۱)

## سوره الضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى (۱)

قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)

و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳)

که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است! (۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴)

و مسلّماً آخرت برای تو از دنیا بهتر است! (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

و بزودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی! (۵)

أَلَمْ یَجِدْکَ یَتِیمًا فَآوَی (۶)

آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (۶)

وَوَجَدَکَ ضَالًّا فَهَدَی (۷)

و تو را گمشده یافت و هدایت کرد، (۷)

وَوَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَی (۸)

و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود، (۸)

فَأَمَّا الْیَتِیمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹)

حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن، (۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)

و سؤال کننده را از خود مران، (۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ (۱۱)

و نعمتهای پروردگارت را بازگو کن! (۱۱)

## سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (۱)

آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم، (۱)

وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ (۲)

و بار سنگین تو را از تو برنداشتیم؟! (۲)

الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ (۳)

همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد! (۳)

وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ (۴)

و آوازه تو را بلند ساختیم! (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا (۵)

به یقین با (هر) سختی آسانی است! (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْرًا (۶)

(آری) مسلّماً با (هر) سختی آسانی است، (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز، (۷)

وَإِلَی رَبِّکَ فَارْغَب (۸)

و به سوی پروردگارت توجّه کن! (۸)

ص: ۵۹۶

## سوره التین

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ (۱)

قسم به انجیر و زیتون [یا: قسم به سرزمین شام و بیت المقدّس ]، (۱)

وَطُورِ سِینِینَ (۲)

و سوگند به «طور سینین»، (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ (۳)

و قسم به این شهر امن [= مکّه ]، (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ (۴)

که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم، (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

سپس او را به پایین ترین مرحله بازگرداندیم، (۵)

إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ (۶)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که برای آنها پاداشی تمام نشدنی است! (۶)

فَمَا یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ (۷)

پس چه چیز سبب می شود که بعد از این همه (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟! (۷)

أَلَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحَاکِمِینَ (۸)

آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟! (۸)

## سوره العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ (۱)

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، (۱)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

همان کس که انسان را از خون بسته ای خلق کرد! (۲)

اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ (۳)

بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، (۳)

الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود، (۴)

عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ یَعْلَمْ (۵)

و به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد! (۵)

کَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَیَطْغَی (۶)

چنین نیست (که شما می پندارید) به یقین انسان طغیان می کند، (۶)

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى (۷)

از اینکه خود را بی نیاز ببیند! (۷)

إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى (۸)

و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است! (۸)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)

به من خبر ده آیا کسی که نهی می کند، (۹)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)

بنده ای را به هنگامی که نماز می خواند (آیا مستحق عذاب الهی نیست)؟! (۱۰)

أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَى (۱۱)

به من خبر ده اگر این بنده به راه هدایت باشد، (۱۱)

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲)

یا مردم را به تقوا فرمان دهد (آیا نهی کردن او سزاوار است)؟! (۱۲)

أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)

به من خبر ده اگر (این طغیانگر) حق را انکار کند و به آن پشت نماید (آیا مستحق مجازات الهی نیست)؟! (۱۳)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟! (۱۴)

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)

چنان نیست که او خیال می کند، اگر دست از کار خود برندارد، ناصیه اش [= موی پیش سرش ] را گرفته (و به سوی عذاب می کشانیم)، (۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶)

همان ناصیه دروغگوی خطاکار را! (۱۶)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷)

سپس هر که را می خواهد صدا بزند (تا یاریش کند)! (۱۷)

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)

ما هم بزودی مأموران دوزخ را صدا می زنیم (تا او را به دوزخ افکنند)! (۱۸)

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب (۱۹)

چنان نیست (که آن طغیانگر می پندارد)؛ هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) تقرّب جوی! (۱۹)

ص: ۵۹۷

## سوره القدر

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَهِ الْقَدْرِ (۱)

ما آن [= قرآن ] را در شب قدر نازل کردیم! (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَهُ الْقَدْرِ (۲)

و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! (۲)

لَيْلَهُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

شب قدر بهتر از هزار ماه است! (۳)

تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَهُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ (۴)

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می شوند. (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

شبی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده! (۵)

## سوره البينه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَهُ (١)

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند:) دست از آیین خود برنمی دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید، (١)

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَهً (٢)

پیامبری از سوی خدا (بیاید) که صحیفه های پاکی را (بر آنها) بخواند، (٢)

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَهٌ (٣)

و در آن نوشته های صحیح و پرارزشی باشد! (ولی هنگامی که آمد ایمان نیاوردند، مانند اهل کتاب). (٣)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَهُ (۴)

اهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان آمد! (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاهَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاهَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ (۵)

و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است آیین مستقیم و پایدار! (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّهِ (۶)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند! (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ (٧)

(امّا) کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات (خدا) یند! (٧)

ص: ۵۹۸

جَزَاؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (٨)

پاداش آنها نزد پروردگارشان باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می مانند! (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد! (٨)

## سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (١)

هنگامی که زمین شدیداً به لرزه درآید، (١)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (٢)

و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد! (٢)

وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا (٣)

و انسان می گوید: «زمین را چه می شود (که این گونه می لرزد)؟!» (٣)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

در آن روز زمین تمام خبرهایش را بازگو می کند؛ (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)

چرا که پروردگارت به او وحی کرده است! (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶)

در آن روز مردم بصورت گروه های پراکنده (از قبرها) خارج می شوند تا اعمالشان به آنها نشان داده شود! (۶)

فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)

پس هر کس هموزن ذرّه ای کار خیر انجام دهد آن را می بیند! (٧)

وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)

و هر کس هموزن ذرّه ای کار بد کرده آن را می بیند! (٨)

## سوره العاديات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (١)

سوگند به اسبان دونده (مجاهدان) در حالی که نفس زنان به پیش می رفتند، (١)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (٢)

و سوگند به افروزندگان جرقه آتش (در برخورد سمهایشان با سنگهای بیابان)، (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)

و سوگند به هجوم آوران سپیده دم (۳)

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا (۴)

که گرد و غبار به هر سو پراکندند، (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

و (ناگهان) در میان دشمن ظاهر شدند، (۵)

إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

که انسان در برابر نعمتهای پروردگارش بسیار ناسپاس و بخیل است؛ (۶)

وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

و او خود (نیز) بر این معنی گواه است! (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

و او علاقه شدید به مال دارد! (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

آیا نمی داند در آن روز که تمام کسانی که در قبرها هستند برانگیخته می شوند، (۹)

ص: ۵۹۹

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

و آنچه در درون سینه هاست آشکار می گردد، (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

در آن روز پروردگارشان از آنها کاملاً باخبر است! (۱۱)

## سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْقَارِعَةُ (۱)

آن حادثه کوبنده، (۱)

مَا الْقَارِعَةُ (۲)

و چه حادثه کوبنده ای! (۲)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَةُ (۳)

و تو چه می دانی که حادثه کوبنده چیست؟! (آن حادثه همان روز قیامت است!) (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود، (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ (۵)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلّاجی شده می گردد! (۵)

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

امّا کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است، (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (۷)

در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود! (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (۸)

و امّا کسی که ترازوهایش سبک است، (۸)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹)

پناهگاهش «هاویه» [= دوزخ ] است! (۹)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا هِيَهْ (۱۰)

و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟! (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

آتشی است سوزان! (۱۱)

## سوره التكاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (۱)

افزون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است. (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید (و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن افتخار کردید)! (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

چنین نیست که می پندارید، (آری) بزودی خواهید دانست! (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

باز چنان نیست که شما می پندارید؛ بزودی خواهید دانست! (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

چنان نیست که شما خیال می کنید؛ اگر شما علم الیقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد)! (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

قطعاً شما جهنّم را خواهید دید! (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

سپس (با ورود در آن) آن را به عین الیقین خواهید دید. (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

سپس در آن روز (همه شما) از نعمتهایی که داشته اید بازپرسی خواهید شد! (۸)

## سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ (۱)

به عصر سوگند، (۱)

إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ (۲)

که انسانها همه در زیانند؛ (۲)

إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند! (۳)

## سوره الهمزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَیْلٌ لِّکُلِّ هُمَزَهٍ لُّمَزَهٍ (۱)

وای بر هر عیبجوی مسخره کننده ای! (۱)

الَّذِی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

همان کس که مال فراوانی جمع آوری و شماره کرده (بی آنکه مشروع و نامشروع آن را حساب کند)! (۲)

یَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

او گمان می کند که اموالش او را جاودانه می سازد! (۳)

کَلَّا لَیُنبَذَنَّ فِی الْحُطَمَهِ (۴)

چنین نیست که می پندارد؛ بزودی در «حُطَمه» [= آتشی خردکننده ] پرتاب می شود! (۴)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْحُطَمَهُ (۵)

و تو چه می دانی «حُطمه» چیست؟! (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶)

آتش برافروخته الهی است، (۶)

الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَهِ (۷)

آتشی که از دلها سرمی زند! (۷)

إِنَّهَا عَلَیْهِم مُّؤْصَدَهٌ (۸)

این آتش بر آنها فروبسته شده، (۸)

فِی عَمَدٍ مُّمَدَّدَهٍ (۹)

در ستونهای کشیده و طولانی! (۹)

## سوره الفیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ (۱)

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟! (۱)

أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ (۲)

آیا نقشه آنها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟! (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ (۳)

و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد، (۳)

تَرْمِیهِم بِحِجَارَهٍ مِّن سِجِّیلٍ (۴)

که با سنگهای کوچکی آنان را هدف قرارمی دادند؛ (۴)

فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَّأْکُولٍ (۵)

سرانجام آنها را همچون کاه خورده شده (و متلاشی) قرار داد! (۵)

## سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (١)

(کیفر لشکر فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)! (١)

إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (٢)

الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)! (٢)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (٣)

پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند، (٣)

الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (۴)

همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. (۴)

## سوره الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (١)

آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می کند دیدی؟ (١)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ (٢)

او همان کسی است که یتیم را با خشونت می راند، (٢)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (٣)

و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی کند! (٣)

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (۴)

پس وای بر نمازگزارانی که... (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

در نماز خود سهل انگاری می کنند، (۵)

الَّذِینَ هُمْ یُرَاءُونَ (۶)

همان کسانی که ریا می کنند، (۶)

وَیَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می نمایند! (۷)

## سوره الکوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ (۱)

ما به تو کوثر [= خیر و برکت فراوان ] عطا کردیم! (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ (۲)

پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن! (۲)

إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

(و بدان) دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است! (۳)

ص: ۶۰۲

## سوره الکافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ (۱)

بگو: ای کافران! (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

آنچه را شما می پرستید من نمی پرستم! (۲)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ (۴)

و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم، (۴)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

و نه شما آنچه را که من می پرستم پرستش می کنید؛ (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

(حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم! (۶)

## سوره النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد، (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند، (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است! (۳)

## سوره المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)! (۱)

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

هرگز مال و ثروتش و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید! (۲)

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

و بزودی وارد آتشی شعله ور و پرلهیب می شود؛ (۳)

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم کش (دوزخ) است، (۴)

فِی جِیدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

و در گردنش طنابی است از لیف خرما! (۵)

ص: ۶۰۳

## سوره الإخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بگو: خداوند، یکتا و یگانه است؛ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می کنند؛ (۲)

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ (۳)

(هرگز) نزاد، و زاده نشد، (۳)

وَلَمْ یَکُن لَّهُ کُفُوًا أَحَدٌ (۴)

و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است! (۴)

## سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده صبح، (۱)

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

از شرّ تمام آنچه آفریده است؛ (۲)

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

و از شرّ هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می شود؛ (۳)

وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِی الْعُقَدِ (۴)

و از شرّ آنها که با افسون در گره ها می دمند (و هر تصمیمی را سست می کنند)؛ (۴)

وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می ورزد! (۵)

## سوره الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم، (۱)

مَلِکِ النَّاسِ (۲)

به مالک و حاکم مردم، (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

به (خدا و) معبود مردم، (۳)

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

از شرّ وسوسه گر پنهانکار، (۴)

الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ (۵)

که در درون سینه انسانها وسوسه می کند، (۵)

مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ (۶)

خواه از جنّ باشد یا از انسان! (۶)

ص: ۶۰۴

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری
۴.صرفا ارائه محتوای علمی
۵.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹